

دانش عباسی شهنی

تاریخ مسجد سلیمان

تاریخ تحولات صنعت نفت



تاریخ مسجد سلیمان

«از روزگاران باستان تا امروز»

از
دانش عباسی شهنی

انتشارات هیرمند

۱۳۷۲

این آرا نشان از هوشی زا به مردم شریف و پرهیزان
مسجد سلیمان تقدیم می‌گردد.
دانش عباسی شهنی

عباسی شهنی، دانش
تاریخ مسجد سلیمان از روزگار باستان تا امروزه از نظر عباسی شهنی
۱- تهران: خیرمند، ۱۳۷۲
۵۲۲ ص: مصدر، عکس، جدول.
کتابنامه ص ۲۷۲-۲۷۳ و همچنین به صورت زیر نویس
۱- تاریخ مسجد سلیمان
شماره / ۲۱۷۱ DSR
۱۳۷۲

نوبت نویسی بهی از انتشار



تاریخ مسجد سلیمان

دانش عباسی شهنی

خبرنامه‌چی: دفتر ملی معارف

چاپ اول: زمستان ۱۳۷۲

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

قیمت و رنگ: سلیمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ: چاپخانه حیرتی

مصحف: کرم

خطی: بهروز قاسمی

انتشارات خیرمند، تهران صندوق پستی ۲۵۹-۱۳۱۲۵ تلفنهای ۶۰۱۱۶۶۸۶ و ۶۰۱۱۰۰۷

شابک ۰-۶۱-۵۵۲۱-۹۶۲

ISBN 964-5521-61-0

فهرست

۴۳	امامزاده سید صالح (ع)	۹	مقدمه
۴۵	امامزاده احمد بلد (ع)		موقع جغرافیایی و اوضاع طبیعی مسجد سلیمان
	بخش دوم: اوضاع تاریخ مسجد سلیمان	۱۲	
۴۷			بخش اول: باستانشناسی و بناهای مذهبی مسجد سلیمان
	۱- مسجد سلیمان در چهارمطی پانزده هزار سال قبل از میلاد مسیح	۱۳	
۴۷			مسجد سلیمان در مقابل تاریخ: انسان هارنشین
۴۸	۲- مسجد سلیمان در زمان پیشدایان	۱۳	
۴۸	۳- مسجد سلیمان در زمان کیانیان		استخر یا شهر تاریخی مسجد سلیمان (شهر استخر)
	۴- مسجد سلیمان در زمان ایلامیها (عیلامیها)	۱۵	
۴۸		۲۵	صفه مقدس در مسجد سلیمان
۴۹	۵- مسجد سلیمان در زمان سیماش	۲۹	تجسسات باستانشناسی در سر مسجد بردشاند
۴۹	۶- مسجد سلیمان در زمان آلیماتیها	۳۵	پادشاههای مالکوم کالج راجع به بردشاند
۴۹	۷- مسجد سلیمان در زمان قوم ماد	۳۱	
۴۹	۸- مسجد سلیمان در زمان پارسها	۳۱	کاوشهای بردشاند
	۹- مسجد سلیمان در زمان اشکانیان یا پارتها		کلیف دو آتشکده پارتی در مناطق نغخیز ایران
۵۰		۳۲	
	۱۰- مسجد سلیمان در زمان ساسانیان	۳۵	قلعه بزندی آثار قدیمه بخناری در منطقه آلهری
۵۲	۱۱- مسجد سلیمان در زمان سلجوقیان	۳۷	بینه و لر منطقه لالی
۵۲	۱۲- مسجد سلیمان در زمان صفویه		نتایج تحقیقات ماکسیم سیر و راجع به مسجد سلیمان
۵۲	۱۳- مسجد سلیمان در زمان افشاریان	۳۸	
۵۳	۱۴- مسجد سلیمان در زمان زندیه	۴۱	امامزاده سلطان ابراهیم (ع)
	۱۵- مسجد سلیمان در زمان خلفای عباسی		
۵۳			

- ۱۶- مسجد سلیمان در زمان قاجاریه ۵۳
- ۱۷- مسجد سلیمان در زمان حکومت پهلوی ۵۵
- در کتاب «تاریخ جغرافیایی خوزستان» راجع به مسجد سلیمان چنین نوشته شده است. ۵۶
- آیا مسجد سلیمان شهری است یا بلوکی ۵۸
- قطعات مهم مسجد سلیمان عبارت است از: ۵۸
- بخش سوم: نفت در گذشته و تاریخچه آن ۶۰
- ۱- در خاورمیانه ۶۰
- ۲- نفت در ایران ۶۱
- بخش چهارم: کشف نفت در قرن بیستم ۶۴
- مسجد سلیمان و عملیات نفت ۶۶
- الف: کاوشها و امتیازات ۶۶
- ب: انعقاد قرارداد داری ۶۹
- ج: آغاز عملیات حفاری ۷۱
- د: تحصیل سرمایه ۷۲
- ه: مشکلات اولیه ۷۳
- تشکیل شرکت بهره برداری اولیه، پس از فوران نفت در چاه سرخ ۷۶
- ملاقات ریئولندز با خوانین بختیاری و شیخ خزعل ۷۷
- بیوگرافی ریئولندز و ادامه کار حفاری در سرزمین بختیاری ۷۷
- خوانین بختیاری و نفت جنوب ۸۰
- متن قرارداد متشرفنامه نوامبر سال ۱۹۰۵ م. ۸۲
- بین کمپانی نفت و خوانین بختیاری نامه: نامه ریئولندز به داری ۸۷
- کشف و فوران نفت در مسجد سلیمان ۹۷
- تحولات زمانی شهر در عصر جدید ۱۰۶
- چگونگی تحصیل اراضی و حفاظت اموال ۱۰۷
- آبادان: جزیره گنج ۱۰۹
- نخستین خط لوله نفت ۱۱۱
- توسعه عملیات در مسجد سلیمان ۱۲۱
- عاقبت کار و پایان زندگی ریئولندز ۱۲۳
- دکتر یانگ حکیم امنیتی ۱۲۵
- تأثیرات جنگ جهانی اول بر صنعت نفت ۱۳۱
- قرارداد جدید بعد از جنگ جهانی اول ۱۳۲
- تولید و صادرات نفت همزمان با توسعه شهر ۱۳۳
- توسعه صنعت نفت پس از جنگ اول بین المللی و طرز اداره کردن شرکت آمدن ژنرال سرپرستی سایکس، کنسول انگلیس و فرمانده پلیس جنوب ایران به مسجد سلیمان ۱۳۹
- قصدی از استاد محمدتقی بهار (ملک الشعراء) راجع به مسجد سلیمان ۱۴۰
- وضعیت مسجد سلیمان از آغاز تا سال ۱۳۰۸ هجری شمسی برابر با ۱۹۲۹ میلادی ۱۴۳
- اکتشاف نفت ۱۴۵
- زمین شناسی ۱۴۶
- حفار چاه ۱۴۸
- استخراج علمی ۱۴۸
- ثبت نمونه های حفاری ۱۵۱
- گاز ۱۵۲
- بازیافت بنزین ۱۵۳
- جمع آوری گاز ۱۵۴
- خط لوله ۱۵۵
- آب، نیروی برق و روشنایی ۱۵۶
- ایستگاه برق ۱۵۸
- خدمات پزشکی ۱۵۹
- بهداشت عمومی ۱۶۱
- مکن ۱۶۲
- آموزش ۱۶۳
- ۱- آموزش کادگانی ۱۶۳
- ۲- خدمات معارفی شرکت ۱۶۴
- کارگاهها و کارگران ۱۶۵
- رفاهیات ۱۶۷
- توسعه عملیات صنعتی و خدماتی ۱۷۱

- سنارمان انلری شرکت ۱۷۲
- جنگگاه جهانی دوم و مسجد سلیمان ۱۷۹
- تنقل از روزنامه اطلاعات، سه شنبه
بیست و پنجم تیرماه ۱۳۲۵ ش. ۱۸۵
- تنقل از روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۶
تیرماه ۱۳۲۵ ش. ۱۸۶
- حقت شرکت در ربط دادن صنعت نفت با
اقتصاد عمومی کشور ۱۸۹
- مغلتهای متصدیان امور ۱۹۰
- رفتاری که شرکت با کارکنان خود می نمود
۱۹۱
- توسعه مسجد سلیمان بین سالهای (۱۳۲۹ -
۱۳۱۹) و تحولات خلع بد ۱۹۵
- تحولات خلع بد در مسجد سلیمان ۱۹۶
- اعلام حکومت نظامی در خوزستان ۱۹۶
- نقل از روزنامه اطلاعات شماره (۷۴۸۱) شنبه
دهم فروردین ماه (۱۳۳۰ ش.) ۱۹۶
- تنقل از روزنامه اطلاعات شماره (۷۴۸۲)
یکشنبه یازدهم فروردین (۱۳۳۰ ش.) ۱۹۷
- نقل از روزنامه اطلاعات، یکشنبه یازدهم
فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. ۱۹۸
- نقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۲
فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. ۱۹۸
- نقل از روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۴
فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. ۱۹۸
- نقل از روزنامه اطلاعات، ۱۷ فروردین ماه
۱۳۳۰ ش. ۱۹۹
- تنقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۹
فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. ۱۹۹
- نقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۵ تیرماه
۱۳۳۰ ش. ۲۰۰
- ل اولین مسافرت هیئت های اعزامی به مناطق
نفت خیز ۲۰۱
- بیانات آقای حسین منکی در باشگاه نفتون و
کلره ۲۰۲
- نقل آقای مهندس مهدی بازرگان در باشگاه
- کاوه و نفتون ۲۰۵
- نقل از روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۱۱ تیرماه
(۱۳۳۰) شماره (۷۵۵۷) ۲۰۷
- بازدید هیأت اعزامی از مسجد سلیمان ۲۰۷
- تماس با نخست وزیر از داخل هواپیمای
رؤسای ایرانی حوزه نفتی مسجد سلیمان
۲۰۸
- خروج رئیس انتلیجنت سرویس مسجد
سلیمان از ایران ۲۰۹
- یک بلوف سیاسی هیئت مدیره از طرف منکی
۲۰۹
- بازهم لغو جواز اقامت ۲۱۱
- خرابکاری در بیمارستان
متخصصین انگلیسی مناطق نفت خیز قصد
عزیمت از ایران را دارند. ۲۱۱
- متخصصین انگلیسی، مناطق نفت خیز را به
کلی تخلیه کرده اند ۲۱۲
- تنقل از شماره ۱۳۶۲ مورخ یکشنبه ۱۰
شهریور ۲۱۵
- تظن آقای سید حسین منکی در باشگاه ایران
مسجد سلیمان ۲۱۵
- نقل از روزنامه اطلاعات، مورخ یازدهم
شهریور ۱۳۳۰ شماره (۷۶۰۸) ۲۱۶
- بهره برداری تحت نظر کارشناسان ایرانی
۲۱۷
- بازدید خبرنگاران خارجی از مسجد سلیمان
۲۱۷
- آبادی و ساختمان در مسجد سلیمان تا قبل از
خلع بد ۲۱۷
- نقل از روزنامه خبرهای روز آبادان، مورخ
پنجشنبه ۱۶ آبانماه ۱۳۳۰ شماره ۱۴۱۷ ۲۲۰
- ساختمان دکان برای پیشه وران ۲۲۰
- تماس فرهنگها در مسجد سلیمان ۲۲۰
- احزاب سیاسی مسجد سلیمان، قبل و بعد از
ملی شدن نفت ۲۲۲

تاریخ مسجد سلیمان

<p>۲۵۶ جامه‌های ماشین رو چاهها داستان الف - نری F-3 در مسجد سلیمان</p> <p>۲۵۶ اطلاعات اصلاحی روی چاههای شماره (الف - ۶)، (۱۱) و (۱۳) مسجد سلیمان در رابطه با</p> <p>۲۵۷ تعرض خیابان</p> <p>۲۵۷ خطوط لوله مسجد سلیمان</p> <p>امکانات افزایش ظرفیت تولید از طریق تزریق گاز</p> <p>۲۵۹ افزایش مقادیر تولید از طریق احداث کلرخانه نمک‌دایی</p> <p>۲۶۰ دستگاه ادی. جی. تایزر در اداره قدیمی پتروفیزیک مسجد سلیمان</p> <p>۲۶۱ نکات برجسته بررسی مختصر وضعیت نشتهای هیلروگری بر روی مخزن مسجد سلیمان</p> <p>۲۶۲ تولید از چاههای نواحی مسجد سلیمان</p> <p>۲۶۶ ناحیه پرسپاه</p> <p>۲۶۷ بخش لالی</p> <p>۲۷۰ ۱- عنبل</p> <p>۲۷۰ موقعیت جغرافیایی عنبل</p> <p>۲۷۱ اوضاع اجتماعی عنبل</p> <p>۲۷۱ بهداشت عنبل</p> <p>۲۷۱ آب آشامیدنی عنبل</p> <p>۲۷۱ برق عنبل</p> <p>۲۷۲ نرخ برق</p> <p>۲۷۳ اوضاع ناحیه عنبل</p> <p>۲۷۳ ۲- دشت لالی</p> <p>۱- موقعیت جغرافیایی و اوضاع اجتماعی دشت لالی متن نامه بستن فرودگاه دشت لالی</p> <p>۲۷۵ ۲- بهداشت لالی</p> <p>۲۷۶ شبکه برق لالی</p> <p>۲۷۶ ۴- زمین شناسی مخزن لالی</p> <p>۴- بررسی وضع تولید از میدان لالی: (مخزن آماری وینگستان)</p>	<p>۲۲۲ سازمانهای وابسته به حزب توده</p> <p>۲۲۲ حزب توده در مسجد سلیمان</p> <p>۲۲۵ حزب ایران</p> <p>۲۲۶ حزب زحمتکشان ملت ایران</p> <p>۲۲۷ حزب پان ایرانیسم</p> <p>۲۲۷ حزب سوسیالیست</p> <p>۲۲۷ جنگ ابوالقاسم خان بختیاری</p> <p>وضعیت میدان مسجد سلیمان - زمین شناسی و مخازن نفت و گاز</p> <p>۲۲۸ تاریخچه مخازن نفت و گاز مسجد سلیمان</p> <p>۲۲۸ ۱- مخازن نفت</p> <p>۲۲۸ ۱- مخزن آسماری</p> <p>۲۲۹ باقیمانده نفت قابل تولید</p> <p>۲۳۱ ۲- مخزن هنگستان</p> <p>۲۳۱ کوه آسماری</p> <p>مخزن گاز</p> <p>۲۳۲ مخزن گل ترش ژوراسیک</p> <p>۲۳۲ زمین شناسی مخزن ژوراسیک</p> <p>۲۳۵ مخزن خلی</p> <p>مقادیر تولید نفت از مخزن مسجد سلیمان</p> <p>۲۳۶ خاک منطقه</p> <p>۲۴۰ رابطه افزایش نفت با جمعیت</p> <p>۲۴۱ انفجار چاه شماره ۳۱۱ مسجد سلیمان</p> <p>کلرخانه جلب آب از گاز مسجد سلیمان</p> <p>۲۴۵ اپتروشیمی مسجد سلیمان</p> <p>نشت گاز و نفت از کف منازل مسکونی واقع در مناطق سی برنج و دره خرسان</p> <p>۲۴۹ منطقه سی برنج مسجد سلیمان</p> <p>۲۴۹ گاز مصرفی شهر مسجد سلیمان</p> <p>۲۵۱ توضیحاتی راجع به چاههای مسجد سلیمان</p> <p>۲۵۲ چاههای گاز منطقه مسجد سلیمان</p> <p>۲۵۵ چاههای تزریقی مسجد سلیمان</p> <p>۲۵۵ چاه شماره ۲۸۱ مسجد سلیمان</p>
---	--

۲۲۵	۳- بهداشت	۲۷۵	۶- واحد بهره‌برداری، وضعیت چاهها و بهره‌برداری از میدان لالی
۲۲۶	آموزشگاه بهیاری مسجد سلیمان	۲۷۸	الف- واحد بهره‌برداری لالی
	انتخاب کارآموز بهیاری در آموزشگاه مسجد سلیمان	۲۷۸	ب- وضعیت چاهها و بهره‌برداری از میدان لالی
۲۲۸	سلیمان	۲۷۹	در تقویم صنعت نفت راجع به لالی آمده است
۲۲۹	خانه پرستاران	۲۷۹	تاریخچه چاه شماره (۲) لالی
۲۲۹	پانسیون رازی	۲۸۰	تاریخچه چاه شماره (۳) لالی
	اداره خدمات کارکنان منطقه مسجد سلیمان	۲۸۳	وضعیت آب بخش لالی
۲۳۰		۲۸۴	ناحیه کارون
۲۳۲	الف- تعمیرات منازل	۲۸۶	ناحیه زیلانی
	زیرزمین و بادبزن برزنی بهای کولر و چراغ نفتی بهای نور الکتریکی		واحد های عملیاتی و خدماتی منطقه مسجد سلیمان
۲۳۳		۲۸۸	بخش ۱- واحدهای عملیاتی منطقه مسجد سلیمان
۲۳۹	تأثیر عوامل طبیعی در امر خانه‌سازی	۲۸۸	الف- واحد بهره‌برداری
۲۴۲	تحولات بازار مسجد سلیمان	۲۸۸	۱- واحدهای بهره‌برداری
۲۴۳	وجه تسمیه منطقه آقزئبی	۲۹۰	۲- دستگاههای تفکیک
۲۴۴	واگنلاری، منازل مسکونی شرکت نفت	۲۹۱	۳- مخازن
۲۴۵	کارخانه گچ‌سازی «Gatch-plant»	۲۹۲	۴- کارخانه جذب گاز در مسجد سلیمان
۲۴۶	کارخانه شن‌شویی قدیم	۲۹۳	۵- کارخانه‌های تقطیر
۲۴۷	کارخانه آسفالت قدیم	۲۹۶	واحد تقطیر محلی مسجد سلیمان
۲۴۸	ب- تدارکات	۳۰۱	۶- اداره تعمیرات منطقه مسجد سلیمان
۲۴۹	فروشگاهها	۳۰۲	تاریخچه تأمین آب در مسجد سلیمان
۲۵۱	کارخانجات یخ‌سازی	۳۱۱	حاستنی از تأسیسات گذارلندر
۲۵۲	مهمانراها	۳۱۱	گذارلندر
۲۵۳	ج- خدمات اجتماعی شرکت نفت	۳۱۲	وجه تسمیه گذارلندر
۲۵۶	باشگاه مرکزی	۳۱۲	تقریبی اجمالی به تاریخچه گذارلندر
۲۵۸	باشگاه گلف	۳۱۳	کارخانه برق تعبی
	باشگاه سوارکاران مسجد سلیمان و تاریخچه‌های از سوارکاری		بخش ۲- واحدهای خدماتی منطقه مسجد سلیمان
۲۵۹		۳۲۰	بهداری و بهداشت منطقه مسجد سلیمان
۲۶۲	باشگاه کلاه	۳۲۰	
۲۶۳	باشگاه ایران، بی‌بی‌یان، نفتون و نفتک	۳۲۱	۱- بیمارستان
۲۶۴	باشگاه فردوسی تعبی	۳۲۴	۲- درمانگاهها
۲۶۴	باشگاه بولینگ مسجد سلیمان		
۲۶۶	انجمن باغبانی مسجد سلیمان		
	ورزش پیینگینگ در مسجد سلیمان و قهرمانان آن		
۲۶۷			
۲۶۸	بازی اسکواش و بدمیتن		
۲۶۸	چهره آشنای ورزش مسجد سلیمان		

۴۱۲	وضعیت آب	۴۶۹	اداره ترابری منطقه مسجد سلیمان
۴۱۴	وضعیت مسکن	۴۷۲	ارتباطات
۴۱۷	وضعیت اقتصادی منطقه	۴۷۲	۱- راه قدیم مسجد سلیمان - اهواز
۴۱۸	وضعیت فرهنگی	۴۷۳	۲- راه آهن
۴۲۳	بیوگرافی مردان پلنگ المکن	۴۷۴	۳- فرودگاه
۴۲۴	طیبه نعلی مسجد سلیمان حاج حسن آقا	۴۷۵	سرویسهای اتوبوسرانی
۴۳۱	خانمی	۴۷۵	سرویسهای تاکسیرانی
۴۳۲	مصاحبه با آقای موسوی، رئیس منطقه و حاج	۴۷۶	اداره حراست
۴۳۳	شیشه گر، رئیس بهره برداری مسجد سلیمان	۴۷۷	اداره روابط عمومی
۴۳۴	بررسی موردی خلاصه گزارش مطالعات	۴۷۸	اداره ایمنی و آتش نشانی
۴۳۷	مسجد سلیمان	۴۷۸	اداره مناسبات
۴۳۸	بررسی های تاریخی و مدنی شهرستان	۴۸۱	اداره حسابداری
۴۴۰	مسجد سلیمان	۴۸۲	امور اداری کارکنان
۴۴۰	۱- موقعیت تاریخی شهر	۴۸۶	اداره کالا
۴۴۰	۲- بررسی وضعیت عمومی شهر مسجد	آموزشگاه شهید مطهری شرکت نفت مسجد	آموزشگاه شهید مطهری شرکت نفت مسجد
۴۴۳	سلیمان ۴۴۳	۴۸۸	سلیمان
۴۴۳	۱- ۲- امکانات عمومی شهر	۴۸۹	آموزش و پرورش مسجد سلیمان
۴۴۴	۳- نقش شرکت در بافت شهری مسجد	کمکهای شرکت نفت به آموزش و پرورش	کمکهای شرکت نفت به آموزش و پرورش
۴۴۴	سلیمان	۴۹۶	مدرسه خارجی ها
۴۴۶	نتیجه گیری و پیشنهادات	۴۹۷	چهار خاموش (شعر)
۴۴۶	ضمیمه	۴۰۰	علل مهاجرت پذیری مسجد سلیمان
۴۵۰	مطالبی راجع به بازنشستگان	۴۰۱	جمعیت پذیری شهر
۴۵۰	جدولها و آمارها	کالبدگیری شهر و مشخصات اجتماعی آن	کالبدگیری شهر و مشخصات اجتماعی آن
۴۶۲	لیست پیمانکاران شرکت نفت مسجد	۴۰۳	سلیمان
۴۶۲	سلیمان	۴۰۶	وضعیت اقتصادی و اشتغال
۴۷۰	سیاسگزاری	۴۰۸	آینده شهر
۴۷۲	منابع و مأخذ	بررسی اوضاع شهرستان مسجد سلیمان در	بررسی اوضاع شهرستان مسجد سلیمان در
۴۷۶	فهرست اعلام	چهارچوب گزارش هیئت اعزامی شورای	چهارچوب گزارش هیئت اعزامی شورای
۴۸۴	اسناد و تصاویر	۴۱۱	نهادهای استان
		۴۱۱	حالت وجودی شهر

«بنام آنکه جان را فکرت آموخت»

مقدمه

ستایش یزدان پاک را و درود بروان تابناک برگزیدگان و قربان درگاه وی، بخصوص مهبط وحی و تنزیل کتاب مبین، و قدوة ارباب یقین، مهین رهبر دین و پیشوای بزرگ، از زمانی که بشر، نفت این ماده انرژی زا و گرانبها را کشف و استفاده پرتعداد آن را فرا گرفت، در کلیه زمینه‌ها بخصوص صنعت و تکنولوژی آنچنان جهشی پدیدار گشت که در طول تاریخ، بی سابقه و اعجاب‌انگیز بوده است.

نفوذ نفت به دنیای صنایع و گسترش آن، پدیده‌های بی شماری را بوجود آورد که شیوة زندگی را در اکثر جوامع دگرگون و برآسایش و راحتی ملل افزود. ولی این ماده سحرانگیز در قبال خیر و برکات بی شمارش، نگون بختیهای فراوانی را نیز به همراه آورد که تمامی گریبانگیر بلاد صاحب نفت و بدور مانده از خافله فنون و تکنولوژی شد. غارتگران با دست‌اندازی بزرگی منابع نفتی این کشورها، از هیچگونه تلاشی در چپاول منابع و فنای هستی‌شان دریغ نوردیده و اقتصاد، سیاست و فرهنگ آنان را به بازی گرفتند.

کتابی که در مقابل دارید، سند گویایی است از چگونگی پیدایش و احوال سیاستهای زورگویانه قدرتهای صنعتی و اقتصادی آن زمان، که سعی در حفظ منافع خود داشته و در مقابل هر حرکت حق‌طلبانه‌ای از جانب مردم این کشور، چگونه با تغییر استراتژی و اتخاذ سیاستهای جدید، آب ریخته را به جوی بازگردانیده و حریصانه‌تر به یغماگری می‌پردازند.

مسجد سلیمان سالها با دنیای تمدن و صنعت آنروز، دارای ارتباطی مستقیم بوده و اولین شهر ایران است که با فرهنگ صنعتی آشنایی کامل داشته و دارد، در صورتی که اکنون کمتر شهری از این سرزمین را می‌توان یافت که مزایایی همچون مسجد سلیمان را در خود داشته باشد.

پس با اینهمه خدمات اقتصادی، ملی و صنعتی که سالیان متعادی به کشور و جهان غرب ارائه

نموده، اکنون واقعاً جای آن است که مجدداً شکوفایی گذاشته‌اش احیاء گردد و از زوال قطعی نجات یابد.

تنها نیازی که در خود احساس می‌کند «میل به ادامه حیات» است. پس بیاید جداً آستین همت را بالا زده و در بقاء آن کوشا باشیم، زیرا صرفاً سختوری و شعار، همچون «آب غربال کردن»، هرگز راه بجایی نخواهد برد.

بهرحال این شهر از نظر تاریخ و صنعت، شهری است که روزهای درخشان و دوره‌های پرحادثه‌ای را بر خود دیده است. مسجد سلیمان، مرکز تمدنی مربوط به پانزده هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌باشد که بقایای آن را از زیر تپه‌ها و کوه‌های سر به فلک کشیده بیرون آورده‌اند و اینک در موزه‌های داخل و خارج از کشور نگهداری می‌شود.

درباره این سرزمین، تاکنون کتاب جامع و مستقلی نوشته نشده. از پنج سال قبل تاکنون نگارنده بطور جدی، به حکم وظیفه معلمی و بر اثر علاقه مفراط بزادگاه و محبت و این به وطن و حسن نیت و لطف اندیشه به تحقیق، یادداشت‌هایی راجع به اوضاع سیاسی، تاریخی، اقتصادی، جغرافیایی این شهر، شرح وقایع صنعت آن و حوادث مربوطه، گرد آورده بودم. بیم آن بود که آن یادداشت‌ها کالی نباشد و نقص جلوه نماید.

مطالعه این مجموعه به زعم نگارنده، حقایق تاریک و فراموش شده تاریخ گذشته و معاصر مسجد سلیمان را از زیر پرده‌های ضخیم تحریفات و ابهامات در آورده و پوشش حایل‌گونه را از رخسارشان بر گرفته است و برای علاقمندان به تاریخ ایران، خالی از فایده نیست.

اصولاً کلام تاریخ چون پلی برای عبور آبندهگان جهت آشنایی با فرهنگ، هنر، ایده، افکار نیاکان و تحولات سرزمین خویش می‌باشد. یعنی کتاب تاریخ می‌تواند مخزن تجربیاتی مفید برای خواننده باشد. البته نگارنده همانند دیگران، علاقه شدیدی به زادگاهش داشته و با احساس افتخار، دوستدار و شائق هستم دین خود را نسبت به تاریخ سرزمین آباء و اجدادی خویش ادا نمایم ولی این بنده حقیر کمتر از آنم که بتوانم خدمتی را که شایسته و در خور آب و خاک و زادگاهم باشد بنمایم و شهر شاهین آمالم را به سرحد کمال برسانم که عطش وافر مرا تسکین دهد تا آنطوری که شاید و یابد کتابی مؤثر و مفید ارمغان بدارم.

امکانات و وقت خویش را در نجس و وسیع، مطالعات دقیق و مشاهدات عمیق از مناظر طبیعی و اماکن باستانی و تاریخ نفت مسجد سلیمان صرف کردم و اکنون بر خود لازم می‌دانم که با کوشش و دقت مضاعف، تحقیقات انجام شده از لابلای نوشته‌های مورخین شهر را با قلم نارسای خویش بنگارم. بهر طریق، امید است که مطالب این کتاب بتواند آگاهی هرچه بیشتری به

هموطنان عزیز بیفزاید و آنان را با یکی از بزرگترین میادین نفتخیز ایران آشنا سازد و نهایتاً مقبول طبع قرار گیرد. بهر حال اکنون که توفیق چاپ و انتشار این مجموعه را یافتیم بر خود لازم می‌دانیم که از دوست ارجمند و خوشنویس و نیک‌اندیشم، آقای فرزاد نصیری شهنی تقدیر و تشکر نمایم که در بازنویسی این کتاب مرا یاری نمود.

علی‌الحال از بزرگان و راغبین سطور، تقاضا می‌کنم که اگر متوجه غیوب و نواقصی در این نوشته شدند، هدف تیر ملامت سازند و با دیدهٔ انصاف بنگرند. در نهایت آن تعایب را برای ما قید نموده و ارسال دارید تا در چاپهای بعدی این نقایص مرتفع گردد.

«آدلش عباسی شهنی، نوهٔ آسهدیقلی اشرف‌زاده

فرمانروای کل طایفهٔ نصیر و نیرهٔ حبیب‌الله خان

ایلیخان کل پختیاری»

موقع جغرافیایی و اوضاع طبیعی مسجد سلیمان:

۱- موقع ریاضی: این شهر در ۵۶ و ۵۵ و ۳۱ درجه عرض جغرافیایی از خط استوا و ۲۰ و ۱۷ درجه طول جغرافیایی از نصف النهار گرنویچ واقع شده است.

۲- موقع نسبی: از طرف شمال محدود است به رودخانه کارون از مشرق به منطقه کوچ نشین اینده و از جنوب به هفتکل و از مغرب به شوشتر متصل است و ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۳۶۲ متر. مساحت این شهرستان ۷۲۰۰ کیلومتر مربع. سلسله جبال زاگرس از حاشیه شمال شرق این شهرستان عبور می نماید که مهمترین رشته کوههای آن در این منطقه عبارتند از: کوه اُدیو، کوه کی نو، کوه تاراز، کوه ثنار، کوه دلا و کوه آسماری.

۳- ناهمواریها: ناهمواریهای این ناحیه دنباله غربی کوههای بختیاری است که رشته ای از جبال زاگرس می باشد. کوههای این منطقه تقریباً بطور متوازی و پلکانی می باشد و دارای جهت شمال غربی، جنوب شرقی هستند که از جهت غرب به جلگه خوزستان و از طرف مشرق به کوههای عظیم زاگرس ختم می گردند.

۴- آب و هوا: قسمت شمال و شرق شهرستان که از حوالی کوههای (کی نو) و (ثنار) به سمت ارتفاعات زاگرس کشیده می شود و قسمتی از بخش اندیکا را شامل می گردد، دارای آب و هوای نسبتاً سرد است. به طوری که در زمستان بارانهای فراوان همراه با برف در ارتفاعات پاریده می شود. این منطقه بهاری بسیار سرسبز و خرم دارد و تابستانهای آن معتدل است. قسمت شمال، غرب، مرکز و جنوب شهرستان که آب و هوایش کاملاً متفاوت با قسمت شمال شرق است، زمستانهای معتدل و تابستانهای گرم و خشک دارد.

۵- جمعیت: جمعیت شهرستان مسجد سلیمان به تفکیک ساکن و غیر ساکن در سال ۱۳۷۰

جمع	جمعیت خاتوارهای ساکن و غیر ساکن			شهرستان
	نقاط شهری	نقاط روستایی	نقاط غیر ساکن	
۱۹۱۰۴۱ نفر	۱۱۸۹۱۸	۶۹۲۰۶	۲۹۹۱۷	مسجد سلیمان

بخش اول

باستان‌شناسی و بناهای مذهبی مسجد سلیمان

انسان غارنشین

مسجد سلیمان «انسان غارنشین» در ماقبل تاریخ :

تحقیقات زمین‌شناسی اخیر نشان داده است در زمانی که قسمت اعظم اروپا از توده‌های یخ پوشیده بود، نجد ایران از دوره باران^۱ - که طی آن حتی دره‌های عمیق در زیر آب قرار داشت - می‌گذشت. بخش مرکزی نجد که امروز بیابان نمکزار بزرگیت در آن زمان دریاچه وسیع یا دریای داخلی را، که رودهای بسیار از جبال مرتفع به سوی آن سرازیر می‌شده، تشکیل می‌داده است. بقایای ماهیان و صدفها که نه تنها در بیابان بلکه در دره‌های مرتفع نیز بدست آمده، وضع طبیعی کشور را آنچنان که در چند هزار سال پیش از تاریخ مسیحی بوده مجسم می‌سازد. در عهدی که آن را می‌توان بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ سال ق.م. قرار داد، تغییر تدریجی آب و هوا صورت گرفت. عهد بارانی از بین رفت، و عهدی که اصطلاحاً آنرا عهد خشک^۲ نامند و هنوز هم ادامه دارد، جانشین آن گردید. کم شدن باران از یک طرف و سطح بلند دریاچه‌ها و دریا‌های داخلی از سوی دیگر، جریان رودها و جویبارهایی را که آب کوهستانها را با خود می‌بردند کند ساخت. بر اثر نظم جریان رودخانه‌ها در مصب آنها ذخایر رسوبی گرد آمده تشکیل قطعه زمینهایی را داد که بزودی سر از آب بیرون آوردند و حتماً اصلی میان دشت آینه یا دره با خود گویا تشکیل دادند.

1 - Période pluvieuse

2 - Epoque aride

در این عهد، انسان پیش از تاریخ که بیشتر در نخبه ایران می زیست، در سوراخهایی که در جوانب پردرخت کوهها جفر می شد و به وسیله شاخه های درختان سقف می گردید، زندگی می کرد، و یا غالباً یکی از غارها یا پناهگاههای سنگی متعدد را، که اغلب آنها عبارت از بستر زیرزمینی روزهایی کهن بود، اشغال می نمود.

در بهار سال ۱۹۳۹ م نخستین بار در ایران آثار بقایای انسان عهد مزبور را در حفاری طاری در «تنگ پنده»^۱، در کوههای بختیاری واقع در شمال شرقی شوشتر و اطراف لالی تشخیص دادیم. در اینجا انسان برای تهیه خوراکی خود به شکار می پرداخت، و برای این منظور حیل را بیش از اعمال قنوت به کار می برد. وی به طرز استعمال چکش سنگی، تبر دستی، تبری که به چوبدستی شکافدار متصل بود، آشنایی داشت. همه اینها ابزارهای بدوی است که به وسیله صیقل اندکی از ناهنجاری آنها کاسته می شد. آلات استخوانی از قبیل درفش، که از استخوان حیوانات می ساختند، به مراتب کمتر از مصنوعات سنگی متداول بود، لیکن انسان در آن موقع یک نوع ظروف سفالین ناهموار را که به طور ناقص پخته بود به کار می برد، و در پایان دوره سکونت در غار این ظروف از لطف دودخوردگی به رنگ سیاه میر درآمده بود. این نوع ظروف نیز با قدیمترین بقایای انسان در دشت پیدا شده، و بنابراین نشانه مهمی برای ارتباط میان این دو مرحله سکونت است.^۲

در این جامعه بدوی وظیفه مخصوصی به عهده زن گذاشته شده بود: وی گذشته از آنکه نگهبان آتش و شاید اختراع کننده و سازنده ظروف سفالین بود، می بایست چوبدستی به دست گرفته در کوهها به جستجوی ریشه های خوردنی نباتات یا جمع آوری میوه های وحشی پردازد. شناسایی گیاهان و فصل رویدن آنها و دانه هایی که می آوردند مولود مشاهدات طولانی و مداوم بود و او را به آزمایش کشت و زرع هدایت می کرد. نخستین مساعی وی در باب کشاورزی در زمینهای رسوبی انجام گرفت و در همان حال که مرد اندک پیشرفتی کرده بود، زن با کشاورزی ابتدایی خود در دوره حبر متأخر، که اقامت در غار بدان متعلق است، ابداعات بسیاری نمود. در نتیجه می بایست عدم تعادلی بین وظایف زن و مرد ایجاد شود و شاید همین امر اساس بعضی جوامع اولیه که زن در آنها بر مرد تفوق یافته بوده است، در چنین جوامعی (و همچنین در جوامعی که تعدد شوهران برای زن معمول است) زن کارهای قلیله را اداره می کند، و به مقام روحانیت می رسد، و در همین حال زنجیر اتصال خانواده به وسیله سلسله زنان صورت می گیرد، چون زن ناقل

شش ذرع و چنان با هم وصل کرده‌اند که به اشکال و دقت بسیار می‌توان فهمید.

در عهد صمصام‌الدوله دیلمی قلمش‌ترین اسرائیل سلجوقی برادر آلپ ارسلان سلجوقی متعاقب لشکر بدان دیار برده آن شهر را یکلی خراب کرده، شرح آن بنا قوه احدی نیست بیان نماید.

و نیز به عقاید مورخین دیگر از لسان مدن و حصون و فارس دارالملک این ممالک بوده. گویند اول کسی که بنای استخر گنناشت استخرین طهمورث پیشدای بوده و به زعم عجم وی بمنزله آدم ابوالبشر بود.

جریرین عطیه گفته است: معروف است که فارس و روم و عرب از اولاد اسحق بن ابراهیم خلیل می‌باشند. استخری فرموده: استخر مدینه‌ای است که وصمت وسط آن یک میل و قدیمتر و مشهورتر از همه شهرهای فارس و پایتخت پادشاهان عجم تا وقتی که اردشیر جور را دارالملک نمود و در اخبار وارد است که سلیمان بن داود از صبح تا شام از طبریه تا استخر را سیر می‌کرد در استخر مسجدی است معروف به مسجد سلیمان و حوام عجم را عقیده این است جمشیدی که قبل از ضحاک و مضمحل وی شده همان سلیمان است.

بالجمله استخر را پاروئی در قدیم بود که الحال خراب است و عمارات این شهر را با سنگ و گچ کرده‌اند و پل خراسان در بیرون شهر حوالی دروازه‌ای که رو به خراسان ساخته‌اند، می‌باشد و آن طرف پل بناها و عمارات است که پاره‌ای ساخته شده و پاره‌ای ناتمام. با وجود اینکه هوای طرف استخر خوب است، هوای شهر غیر سالم است. و مسافت میانه و استخر و شیراز چندین فرسخ است و در کوه‌های استخر معادن آهن و غیره بسیار است و در ناحیه نزدیک به استخر که معروف به دارابجرد است، معدن زینق می‌باشد و گویند فارس را پنج یا هفت ناحیه بسته از همه بزرگتر ناحیه استخر است، و قبل از اسلام خزاین و دفاین ملوک عجم در استخر بود.

ادریس بن عمران گویند کریمتر و گران‌تر مردم جساماً اهل استخرند. زیرا که همه پادشاهان و پادشاهزادگان و شهرهای مشهوره ناحیه استخر: پشما، بیید، تیریز، ابرقوه، یزد بوده. و مساحت خاکش دوازده فرسنگ.

در آثار الباقیه است که در استخر مجوسها آتشکده عظیمی داشتند و گویند همان مسجد سلیمان بوده. مسعودی گفته: این آتشکده در بیرون شهر است. چون به استخر آمدم بنای عجیبی در آن کوه دیدم که تخت جمشید بوده. ستونهای سنگی بزرگ خراب دارد. صورتهای سنگی بزرگ و اشکال در آن است که اهالیش گویند صورتهای انبیای عجم است، و از عجایبش این است که دایم در این محل بادهای خوب می‌وزد.

این اثر جزا در تاریخ خود نگاشته: وقتی که استخر را آلب ارسلان مسخر ساخت، فدح فیروزه در خزانه آنجا یافت که اسم جمشید در کف آن نوشته بود. و نیز از عجایب تحف و تربیت استخر این است که سیبی دارد نصف آن ترش و نصف دیگر آن شیرین است. و در هیچ جای دنیا بهم نرسد. بقولی کیومرث و بقولی پسرش استخر را بنا نهاده و هوشنگ بر آن افزوده و جمشید با تمام رسانیده. چنانکه از حد خفرک تا آخر را مجرد مسافت چهارده فرسنگ طول آن و ده فرسخ عرض داشته و با زراعت و قراء نیک بوده و سه قلعه محکم داشت بر سر بلندی سه کوه: یکی استخر، دیگری شکسته و یکی شکوان و یا اشکوان و این قلعه مشهور به ماران و نیز سه گنبدان هم گویند.

مؤلف فارسی نامه گوید که جمشید در استخر در پای کوهی سرانی ساخت که در پایان کوه دهکای از سنگ سیاه بود چهار سوک که یک جانبش به کوه پیوسته و سه طرف دیگر در صحرا گشوده و در بلندی سی گز ساخته و به دو طرف با نردبانی بالا می رفتند و بر آن دیگر ستونها از سنگ سفید مدور کرده و بر او تقاریرها چنان باریک و دقیق کرده که بر چوبهای نرم نتوان کرد و به هر درگاه دو ستون مربع نهاده و پاره های این ستونها زیاده از صد هزار من باشد و در آن نزدیکها بدان شکل سنگی نیست و براده و نرمه آن سنگ خون بست و سد جریان دم می کند و در آنجا صورت براق حضرت رسالت صلی الله علیه و اله نقش است که رویش چون آدم باریش مجعد و تاج بر سر، و دست و پا و دم بر صفت گاو و صورت جمشید به شکلی زیبا کرده بودند و در آن کوه بگر مابه ای از سنگ کنبه چنانکه آب گرمش از چشمه زاینده است و به آتش محتاج نمی شده و بر سر آن کوه دخمه های عظیم بود که عوام آنها را زندان باد می گفتند. وقت غلبه اسلام چون فارسیان مکرر خلاف عهد و قدر کرده بودند، مسلمانان آنجا پس از استیلائی اخیر قتل و خرابی عظیم کردند، رود خون کشتگان جریان یافته، اما کن بکلی ویران شد.

در عهد مصمّم الدوله دهلوی در سال سیصد و هفتاد و دو هجری امیر قلمش لشکری کشید و آنجا را بکلی خراب و منهدم ساخت و بقدر دهی مختصر ماند. و در میان خرابه های عمارت جمشید توتیای هندی یافتند که چشم را مفید بود و کسی ندانند که آن توتیا چون و چرا آنجا یالت

توتیا را اکنون ستونهایی که در آن عمارت مانده مردم چهل متاره می نامند. در صورتی که در تاریخ اریاب الممالک گوید آن ستونهای عمارت خانه های بنت بهمن است. در صورتی که آمده که آن ستونهای مسجد سلیمان پیغمبر علیه السلام بوده و شاید خانه جمشید را سلیمان مسجد کرده باشد یا مهمانخانه نموده. چون عرصه استخر وسیع طویل و عریض است بعضی از مؤلفین که اکنون مردوث خوانند، داخل آن عرصه بوده است در این ایام به غیر از قلعه

استخر و قلعه سرخاسکون که در او حد خاوار باشد، چیز دیگر از آن شهر محصور نمانده و صورت جمشید را در آنجا کشیده‌اند که آفتاب پرستد و منافی با مسجد بودن است.

تقوم البلدان مطابق با سایرین است، جز اینکه گویند در استخر بناهاست که از شدت عظمت و غرابت بعضی را عقیده آن است که کار جن و دیو و پری است، چون عقایدی که در باب بعلبک دارند که کار انسان نیست.

در جام جم است که آثار قدیمه‌ای که در فارس است یکی همان تخت جمشید است که زبان و بیان از توصیف آن عاجز است و صورت جمشید را هم باختلاف حالات بر در و دیوار نموده‌اند، چنانکه بعضی جاها روی کرسی به دستی شاخ کرگدنی را گرفته، به دست دیگر خنجر بر شکم او فرو برده و در اطراف صفه‌ای بزرگ صورت آدمی و حیوانی است، چنانکه یکی شتر بقطار می‌برد و یکی گاو می‌کشد و یکی حرا به آب بسته می‌رانند و بعضی در دست نارنج دارند و بعضی کاسه گرفته‌اند، و سیزده مناره سنگ نیز برها مانده است که قطر هر یک که فریب دو ذرع و طول شانزده ذرع و یک چهاریک است و بالای منارها بعضی جاها شکل سر شتر و بعضی جاها هم سر کرگدن بوده و این منارها سه چهار پارچه بوده و هست. دوز سنگها را با سرب محکم کرده که ابتدا دیدنی نیست، و در صفه بزرگ که داخل می‌شوی دو شکل لیل از سنگ در آورده روی به صحرا و مقابل آن دو لیل و دو جانور غریبی بود که رو به جانب کوه است و در میانه این چهار صورت، دو مناره سنگی است و در کوه دو صفه از سنگ تراشیده‌اند و شکل آفتاب و مثل آتش است که جمشید رو بروی آفتاب ایستاده در پیک دست کمان و به دیگری اشاره به آفتاب می‌کند، و بالای سر جمشید شکل غریبی است که از دو طرف پر دارد و پای عجیبی دارد و در بالای آن صورت شکل جمشید را کوچک تراشیده‌اند، و سنگی که هفت ذرع طول دارد و یک ذرع و نیم عرض و یک ذرع قطر داشته، در آنجا بسیار بگاز رفته و در آن نزدیکیها دهنه فریدون است.

مسعودی در مروج الذهب می‌گوید: یکی از آتشکده‌های محترم مجوس در استخر است که ابتدائش کنده بوده و همای دخت بهمن ملکه ایران، بتکده را آتشکده کرده بعد از چندی آتشی را که به عقیده عجم متبرک بود، از آن معبد برداشته آن پرستشگاه را ویران ساخته. در میان عوام معروف است این معبد خرابه در یک فرسنگی شهر استخر از بناهای خوب گبرهاست و ستونهای عظیم آنجا یالت می‌شود.

القصة اسکندر رومی در ست ۳۳ قبل از مسیح آنجا را آتش زده منهدم کرد. دیودور که یکی از مورخین کامل یونان است و معاصر او گوشت فیصر روم بوده کتاب تاریخ با دقتی از آدم تا

تصویر خود نسبت سال قبل از عیسی در چهل جلد تصنیف نموده. درباره استخر و اسکندر
 می‌گوید: وقتی اسکندر وارد پایتخت حقیقی ایران یعنی استخر می‌شد، دو منزلی استخر در بین
 دو طرف رودخانه به هشتصد نفر یونانی که به لباس اهل در یوزده او را استقبال نمودند. معلوم شد سلاطین
 قبل در جنگ با یونان اینها را اسیر آورده و به این محل مسکن داده و پیر و سالخورده بودند و
 اغلب ناقص الاعضاء. از سران و سرداران پرسیدند درباره اینها چه باید کرد؟ بعضی گفتند باید به
 وطنشان فرستاد. ولی خودشان استدعای ماندن ایران را نمودند که سالها منی شود از ولایت
 دورمانده از نظرها فراموش شده‌ایم، املاک و اموالمان همه رفته‌است، اینجاها بهترین است
 مقیم باشیم. قبول کرده انعام و احسان و مواجب و مستمری به هر یک داده شد و گاو و گوسفند و
 جفت و ملک مبدول شد که آسوده باشند. در روز ورود به استخر همه را حکم به یورش و خرابی
 و قتل و غارت در فضاها دشمنیهای ایرانیان به یونانیان داده شده که آنچه خواهید و بتوانید،
 فرو گذاشت نکنید، و غافل از اینکه آن کسی که صاحب قادر و حاکم این ممالک بوده‌است که
 نیست و در گذشته و تا بود کسی را چه حد و جرأت این خیالات بوده، چه جای حکم بر واقعاتش،
 پس این مشت ضعیف مستهلک را چه گناه و سلطان قادر مسلط مختار را بر جمعی مظلوم اسیر
 پنجه تقدیر بهتر از غفور و ارحم امری نخواهد بود که رحمت و لشکر مملکتی از سلطان خود
 منشی ضعیف و ذلیل و حقیرند و قابل طرف اعتنا و تلامی و فضاها نیستند مگر در جنگ قومی
 دنی و پست و بی پایه و ارادتی و بی مایه که جمعی فقیر و حقیرکش اند تا هیالشان به اسیری کشند و
 اموالشان به غارت برند، غافل که در روزگار مستور نگرردد و مدام مذکور شود. باری مردمان
 تربیت شده که خود را حکیم می‌دانستند کاری کردند که چنگیزیان صحرائی نکردند.

استخر در آن وقت از شهرهای دنیا که آفتاب بر آن می‌تابید آبادتر و مردمانش با مکتنت تر و
 بیوتات عالی و باخات پر از فرا که و انهار جاریه و اشجار مثمره لاتعد و لاتحصی بود. جماعت
 رکاب و غیره بدون سب و درنگ با تیهای کشیده بدون...^۱ به شهر ریختند، آنچه توانستند بقتل
 آوردند بعد به عمارات اعیان و بزرگان ریختند، زرهای دینه و اندوخته و جواهرات الوان چون
 آفتاب مشعش و فروخته و مخلفات و ارازی طلا و نقره اقسام ساده و مینا و مکمل و مرصع شده و
 بقیه‌های پیش از تصور انسان حتی ملایس اناس که از حریر و دیبا مشوج بود و الوان مختلفه
 داشت، حتی پوشیده‌ها را نیز از تن آنها به پیش می‌بیرون کردند. این شهر معظم پارسیان و
 سلاطین عجم بقسمی منهدم و ویران شد که کان لم یکن گردید و این قتل و غارت نه یک

روز و دو روز بود، بلکه امتداد زیادی یافت. بعد از آنکه آنچه سکنه داشت از دم تیغ در کردند و هر چه هم یافتند برداشتند، در سر قسمت میانشان منازعه برخاست و جنگ افتاد و شمشیرها درهم گذاشتند فی الفور مکافات اعمال و افعالشان را روزگار در کنار نهاد و لصاص خون مردم بیگناه و مظلوم خورد از خود نمودند. بسیاری طعمه شمشیر و تیغ یکدیگر شدند.

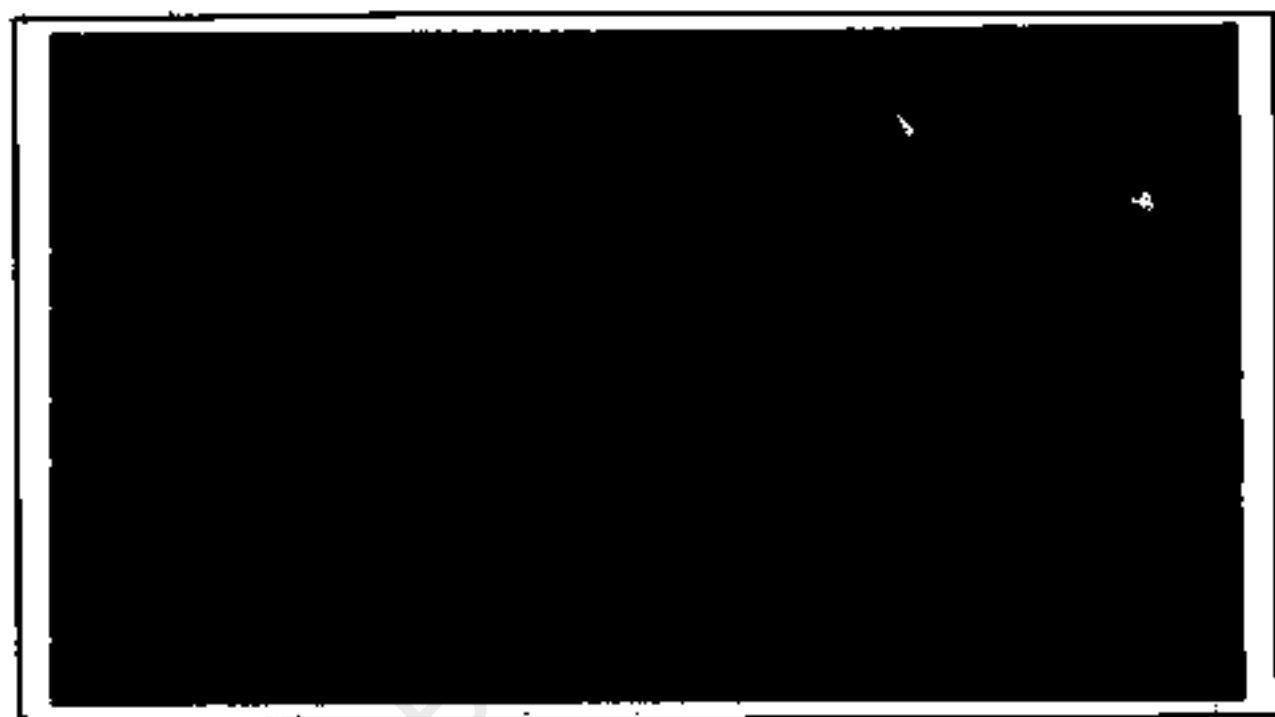
و از آتشکده معتبر گبرها یکی آتشکده استخر است که معروف به مسجد سلیمان است و دهگر در شهر شاپور فارس است که دوازده بنایه در ایالت فارس چشمه‌ای است که به قاعده باید چشمه معدن نفت باشد و آتشکده‌های دارد که خیلی متبرک است و جهت تبرکش این است که می‌گویند وقتی که حضرت عیسی (ع) بنیاد آمد کوروش الملکه که پادشاهی فارس داشت، همراهی سه نفر از رجال خود هدیه‌ای که سه همانها یکی کنسور، و یکی مرتکی و یکی زرغاب بود، نزد حضرت مریم و عیسی (ع) فرستاد و مأمورین به هدایت ستاره‌ای که کوروش الملکه به آنها نموده بود در شام فریاد شدند و این تفصیل را همسویان در انجیل به طرز اوراق ذکر کرده‌اند و نیز روایت است که ستاره‌ای که هادی فرستادگان پادشاه فارس بود، در مولد مسیح طلوع کرد و به نظر آن پادشاه جلوه گرفته بود و مأمورین هنگام حرکت کردن ستاره با آنها سیر و همراهی می‌کرده و چون می‌ایستادند ستاره ثابت می‌مانده و بعد از وصول هدایای خود حضرت مریم به دست خود نان گرد خمیسی طبع فرموده به آنها سپرد که نزد ملک خود بروند و مأمورین مراجعت به ایران نموده بزحمت زیاد خود را به مملکت فارس رسانیدند و از برای اینکه این هدیه متبرک را به پادشاه رسانند، هر وقت جایی منزل می‌کردند، در پناه سنگی یا زیر شاکی آن را پنهان می‌کردند تا به این منزل که چشمه‌ای آتش می‌باشد و آتشکده‌ای آنجا ساخته شده رسیدند و نان متبرک را در زیر سنگی پنهان کردند شب را تا صبح آنجا بودند. وقت حرکت او را نیافتند، زمین را حفر نمودند، الی صد ذرع و این چشمه در انتهای زمین از حفر ایشان پیدا شد.

صفت مقدس در مسجد سلیمان

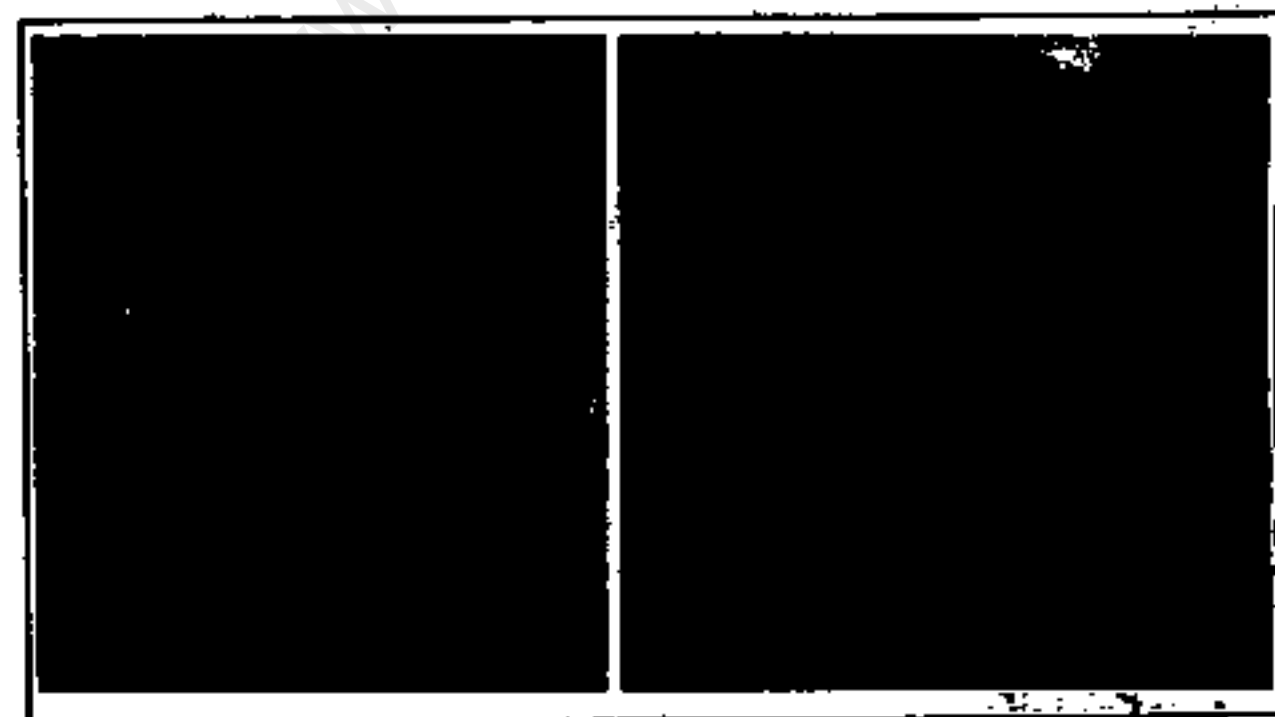
فرا رسیدن ایرانیان و پارسیان و مادها به نجد ایران که به نام ایشان نامیده شد بایستی در حدود هزاره دوم پیش از میلاد بوده باشد. همه فراین موجود نشان می‌دهد که اینان از روسیه جنوبی آمده و همان راهی را در پیش گرفته باشند که خویشان و بستگان نزدیکشان یعنی کیمریان و ساکها در دو سه قرن پس از آنان چون از قفقاز آمدند در پیش گرفتند.

کوششهای اخیر دانشمندان روسی نمودار ساخته است که در سده نهم پیش از میلاد در سالنامه‌های آشوری از ایرانیان در ماورای قفقاز و نواحی مغرب همدان یاد شده است. مادها در کنار دریاچه ارومیه توفی کردند. اما به زودی (شاید به زور دولت اورارتو که در

آن هنگام در اوج قدرت بود) راه جنوب شرقی پیش گرفتند و در پیرامون اکباتان که پایتخت آینده ایشان شد و در اصفهان جایگزین شدند و پارسیان هم به موازات زاگرس و چین خوردگیهای آن تا عیلام آمدند و فرمانبردار پادشاهان عیلام گشتند.
 (در این هنگام از زندگی پارسیان است که در کوههای بختیاری در صفت‌های خالی از سکه پایگاههایی برپا کردند و ساکن شدند.)



صفت مسجد سلیمان از سوی مشرق



کاوش در پرستشگاه بزرگ (آتن هیپیا)

سکوی صفت مسجد سلیمان

چندین پایگاه که پی در پی بارانداز و جایگاه قبایل پارسی شده است پیدا کرده ایم. نام کنونی

این پایگاهها عبارتند از مسجد سلیمان، بردشاند، قلعه بردی و ایذه (مالین) شمی که هر یک از دیگری در حدود چهل کیلومتر فاصله دارد و شعاع بررسی ما با هلیکوپتر و اتومبیل از مرکز کار ما از ۵۰ کیلومتر تجاوز نمی‌کند.

بسی گمان پایگاههای دیگر این مردم در این کوهها از دیدن پنهان مانده و باید به انتظار روزی بود که آنها هم یافته و کاوش شوند. این پایگاههای کوهستانی صفات و مشخصات کهن خود را بسیار بهتر از جایگاههای واقع در دشت (مانند پاسارگاد یا تخت جمشید) حفظ کرده‌اند. نمای اینها همواره یکسان است. نزدیک آتشفشان مستحکم ریش تپه شهرکی پدید می‌آیند. همه در کنار صدفهای مصنوعی و دست‌ساز که با قطعات سنگهای ناهموار و تراشیده برپا گشته بود، می‌زیختند. راه بالا رفتن بر این صفا از پلکانی بود در کنار آتشفشان.

آتشفشان به شکل سکوی نسبتاً پلندتری از صفا بود که آن را هم با تکه‌های بزرگ سنگ برآورده بودند. بر فراز این سکوی بلندتر آتشدانی بود. مراسم و آیین مذهبی را در هوای آزاد و زیر آسمان انجام می‌دادند. این چنین وضع آتشفشانی که می‌بینیم درست مطابق تومسیت هرودوت است در کتاب اول بخش ۱۳۶ که می‌نویسد پارسیان پرستشگاه ندارند و در هوای آزاد برای زئوس یعنی (اهورا مزدا) قربانی می‌گذرانند.

نخستین قبایل پارسی در جنوب غربی ایران مانند فرائکهای قرون وسطی که در فرانسه کلیسای اعظم می‌ساختند همه جا صفاهای مقدس برپا می‌کردند. تا بر آن مراسم دینی انجام دهند. در سده هشتم پیش از میلاد گویا پارسیان، در صفاهای کوههای این حدود را در تصرف گرفتند و نزدیک به پایان این سده قبایل پارسی تحت فرمان هخامنش بنیان‌گذار دودمان هخامنشی متحد گشتند. این پاره از سرزمین ایران یعنی فراوان یافت و پایه‌ای گشت برای تشکیل نخستین شاهنشاهی جهانی، که همان شاهنشاهی پارسی باشد.

نخستین ذکری که از ایران دودمان هخامنشی این بخش از ایران در سالتنامه‌های آشوری آمده است در تاریخ ۶۴۰ پیش از میلاد است. زمانی که لشکران پروزمند آشور با تپه‌های شوش تختگاه پادشاهی هیلام را گرفتند و سپس مرکز مهم دینی ایشان دوزلوتاش (چغازنبیل) را در آن سوی دیدیده (آبدیز) به تصرف درآوردند و تا ناسه پر ثروت و شهر هیدالو (خوشی) در پای چهارراه زاگرس که تا شوش چنان دولتیست رفتند. در این محل شاهزاده کوروش اول (پدر بزرگ کوروش بزرگ) به نزد فرمانده آشور رفت و پسرش اوروکر را به گروگان داد و بدین گونه فرمانروایی پادشاه آشور را بر خویشتن پذیرفت. بعید نمی‌نماید که آتشفشان این کوروش مسجد سلیمان بوده باشد که تا شوشتر بیش از ۶۰ کیلومتر فاصله ندارد.

آنان مذکور در کتیبه معروف کوروش بزرگ که خود را پادشاه آنجا می نامد باید در همین حدود باشد.

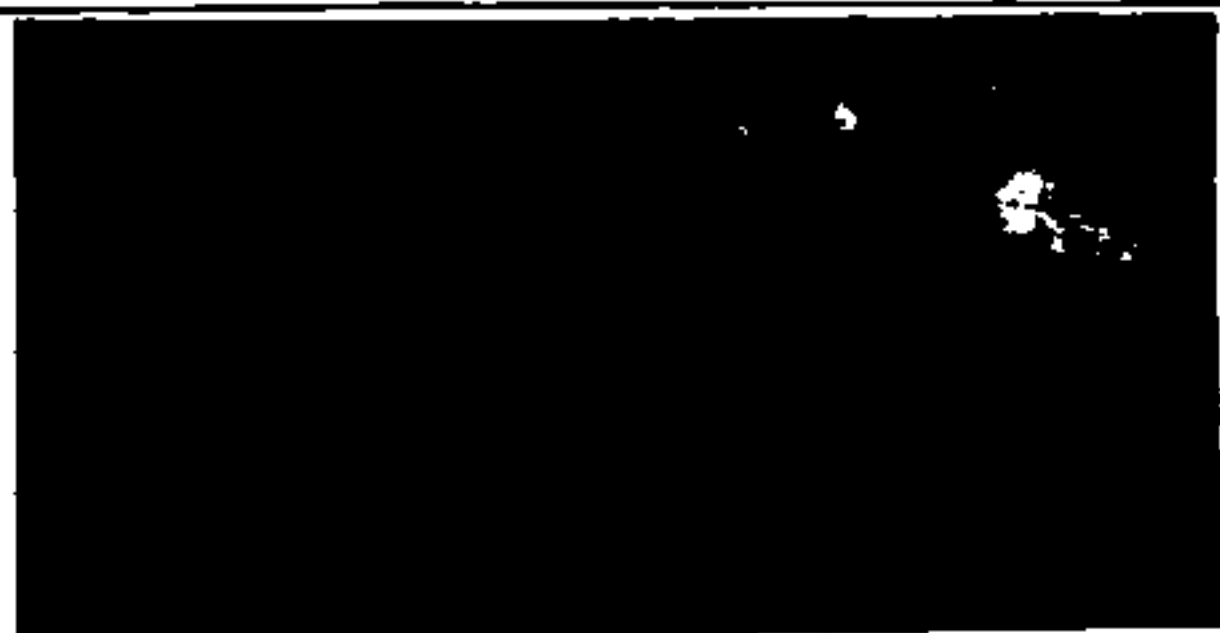
در اینجا تنها از یک صغه در این حدود یاد می کنم که بر آن هیئت باستان شناسی فرانسوی به مدت شش فصل کاوش زیر نظر من کار کرده اند. یک میدان بزرگ پر از ویرانه های بسیار، آتشفگاه رئیس و بقیه مردم شهر را پوشانیده است.

هنگامی که می بایستی کارمان را آغاز کنیم قسمت اعظم صغه را یک گورستان چند صدساله پوشانیده بود. محمدرضا شاه که به کار مهم ما دلبستگی یافته بودند، فرمانی برای انتقال قبرها صادر فرمودند و سرانجام این صغه دیگرگون گشت. ضمناً باید بگویم که مذهب شیعه که ایرانیان از آن پیروی می کنند اجازه می دهد که قبرهای کهنه تر از سی سال را بکاوند.

قسمت شرقی صغه، کهن ترین بخش آن است و آن مرکب است از گوشه ای از سکوی بلند که بر روی آن مراسم دینی انجام می شد. در فاصله میان، مراسم آتش را در اطراف زیرزمینی که در



نمایی از آتشفگاه - معبد سوسیسید



پامهای سرمسجد که با سنگهای صغری ساخته شده است

شمال صفا ساخته شده نگاه می داشتند. یک پلکان به عرض ۲۵ متر، مؤمنان را به روی صفا نزدیک محل مقدس هدایت می کرد و از آنجا که در پایان مراسم نیایش نیایشی از همان راه که آمده اند بازگردند، یک پلکان دیگر در گوشه دیگر ضلع شرقی برای پایین رفتن ساخته اند.

پس از خلیفه اسکندر بر ایران مراسم و آیینهای مورد توجه ایرانیان متیم مسجد سلیمان کاملاً قطع شد و چون پادشاهان سلوکی هزارها تن مقدونی و یونانی را به ایران کوچانیدند مسجد سلیمان گویا یک ایستگاه مهم مهاجران نظامی مقدونی گشت.

از این پس صفا مقدس بسیار دگرگون شد. ضلع صفا سه قسمت شد و دو پرستشگاه دیگر بر آن احداث گشت. یکی نیایشگاهی از آنگونه که معمولاً به «آتن هیپاتیاه» الهه حافظه اسپان، اهداء می شد و دیگری از آنگونه که به هرقل، اختصاص می یافت. یونانیان در برآوردن این مسجد آنچنان عمل کرده اند که به هیچ روی مانع نیایش ایرانیان نشوند. صفا سرقاسری یا دیوارگی به بلندی تقریباً ۱۰ سانتیمتر تقسیم شده و پرستشگاه یونانیان و مقدونیان را از آلوده پرستان جدا کرده است. راه رسیدن به پرستشگاههای جدید هم جدا از پلکان خاص ایرانیان است. پلکانی در پشت اطاق زیرزمینی مخصوص نگاهداری آتش یعنی در شمال صفا ساخته شده و پلکانی هم در سمت نزدیکتر به کوه، برای بیرون رفتن مؤمنان تعبیه گشته است.

این نخستین بار است که به موردی برمی خوریم که ایرانیان و مقدونیان که اولی پرستندگان مزدا و پکتا پرست بودند و دومی شرکاء، در کنار هم در نیایش همزیستی می کنند.

دو هنگام کاوش به پرستشگاهی برخوردیم که آن را معبد بزرگ نامیدیم. معماری آن آمیختگی است از هنر سستی بین النهرین، ایرانی و غربی سپس بر آن شدیم تا پلین تر برویم و بینیم که این سبک معماری در جای دیگری سابقه داشته است.

این کاوش که در زیرزمین معبد بزرگ انجام گرفت، ما را در صدتری پایین تر به بقایای یک معبد کهن تر معرفی کرد که گرفتار یک ویرانی دهشتناک شده بود. در اینجا به بسیاری اشیاء ندری برخوردیم که مؤمنان گلاخته بودند. بسیاری مجسمه‌های سوارکار مقدونی یافتیم که از کلاه ملی ایشان که شبیه به بره فراتسویان است، هویتشان معلوم می‌شد.

بعضی از این سوارکاران سهری داشتند و برخی بر دو اسب سوار بودند. اینان پیکه بودند که در سپاه مقدونی بودند. سومین نوع مجسمه سوارکاری بود که با خود پیک بانو خدا یا الهه داشت. یک صفحه مفرغی یافتیم که بانو خدایانی را نشان می‌داد که مجهز به نیزه و سپر بود و بسیاری مجسمه‌های اسب سفالین و لعاب‌داده و یک چراغ سفالین به شکل اسب و یک اسب بالدار مفرغی که بر گل کمر ساخته بودند به دست آوردیم. همه اینها ما را بر آن داشت که تصور کنیم این پرستشگاه خاص آن هیپا پستیان جانوران و گروه سوارکاران معروف مقدونی بود. علت اینکه مقدونیان در این ناحیه دور افتاده در میان کوه‌های خشک و دور از مراکز جمعیت، پادگانی این چنین بر پا کرده‌اند چیست؟

این سوارکاران بی‌گمان وظیفه سرپرستی و نگاهبانی یک راه بسیار مهم را بر عهده داشتند که از طریق آن دشمنان می‌توانستند به درون ایران و به کرانه‌های خلیج فارس و دشت پهناور و پر ثروت خوزستان یا سوزیان، کهن و حتی واحه بزرگ مرکزی ایران یعنی اصفهان دست یابند. ویرانه پل کهنی را بر روی کارون که تنها رود قابل کشتی‌رانی ایران باشد در نزدیکی مسجد سلیمان پیدا کردیم. این راه ارتباط کاروان‌رو که در قرون وسطی بسیار پررفت و آمد بود تا اوایل قرن ما که عصر اتومبیل باشد رونق خود را از دست نداده بود. دولت ایران اکنون راهی ساخته است که از میان این کوه می‌گذرد و راه ارتباطی کهن را زنده خواهد کرد. همه گمان می‌کنیم که آنچه خوش چهارم معروف به ایفان (نام آور) از این راه تا اصفهان رانده و در آنجا به ... م در گذشته باشد.

در این معبد پیدا کردیم مجسمه کوچکی زنی بود بی سر از مفرغ با ... بر جامه‌اش و یک سرجوان پارسی از سنگ سفید بسیار همانند سر شاهزاده جوان همانندی که در صحنه شاهی در تخت جمشید یافته‌اند.



مسجد سلیمان - پرستشگاه بزرگ - سوازان مقدونی و سوارکاران مقدونی که الهه‌ای با خود دارند. تاریخ پی افکندن این پرستشگاه ویران شده را که ویرانی آن باید همزمان با آمدن پادگان نظامی مقدونی در مسجد سلیمان باشد می توان در حدود قرن چهارم پیش از میلاد گرفت. اما سبب ویرانی آن را شاید بتوان به حمله مهرداد اول اشکانی نسبت داد که ایران را از دست سلوکیان گرفت. چون به سده دوم پیش از میلاد بنگریم در این ناحیه جنوب غربی ایران که شاید در قلمرو الیمیان شاهان دست نشانده سلوکیان بوده است، امیران اشکانی نامبرده برای بردن اموال معبد‌های این ناحیه که استرابون (در فصل ۲۱ بند ۸ و ۹) می گوید یکی آن نام داشت، دست به غارت گشودند. این ساختمان مدتی ویران ماند تا آنکه یک پرستشگاه دیگر بر آن ساخته شد که اول بدان برخورده بودیم. این پرستشگاه اخیر به دست ایرانیان و خالصاً برای پرستش خدایان آنان ساخته شده است و ارتباطی با دین یونانیان ندارد. این پرستشگاه دارای دو محراب است که نمودار پرستش در خدا باشد. آیا این خدایان آنهاست و میثرا بودند که هر دو از خدایان برجسته بودند و در زمان ساسانیان اهمیتی شگرف یافتند؟

یک معبد دیگر که بر همین صغه در جای دیگری پی افکنده شده است پرستشگاهی است بسیار کوچکتر از قبلی و خاص هرقل است. در نزدیک آنجا یک مجسمه بزرگ سنگی پیدا شد به بلندی بیش از دو متر از پهلوان خدای هرقل که شیرنمه^۱ را خفه می کند. باز هم مجسمه‌های دیگری از هرقل در درون معبد پیدا شده است با اندازه‌های کوچکتر و همه با سنگ. ویرانی این معبد به قدر پرستشگاه بزرگ نیست.

می توان پذیرفت که این پرستشگاه تا پایان دوران زندگی مذهبی این صغه برپا بوده است. در

۱- Nemée نام دره‌ای است در یونان که هرقل در آنجا شیری را که شرب به آن دوره بود کشت. م

واقع می‌دانیم که ایرانیان به سبب تشابه و همانندی در پیکر هرقل، خدای ورلرغنه خدای جنگ و پیروزی خویش را می‌دیدند.

از آغاز این مقاله گفتیم که پرستشگاههای ساخته شده بر صفت بسیار ویران شده بودند و اشیاء نذری، مخصوصاً مجسمه‌های سنگی که به دست مؤمنان در آنجا گذاشته شده بود شکسته و بعضی سرنگ داشتند و بعضی پیکر و برخی بی‌پایا سایر اعضاء بودند.^۱ ویرانی این پرستشگاهها عجیب بود و موجب شد که این صفت به طور قطعی متروک بنماید.

اول چنین اندیشیدیم که متعصبان مسلمان به سبب وجود مجسمه‌ها و بتها این کار را کرده باشند. اما به زودی این فرضیه را ناچار به کنار افکندیم. چون هیچ آثاری از اسلام چه سفالینه و چه سکه نیافتیم.

بعدها با پیدا شدن صدها سکه پارتی از پایان سلطنت این دودمان و چند سکه از نخستین پادشاه ساسانی که این سکه‌های کوچک، مال نذری آن دوران بودند بر آن شدیم که تا سده چهارم میلادی این پرستشگاه بر این صفت دایر بوده است پس علت این ویرانی عجیب کدام است؟

یک دگرگونی بزرگ در زندگی سیاسی و دینی ایران در سده سوم میلادی پیدا شد. دودمان ملی ساسانی جایگزین پارتیان که بیگانه به شمارشان آوردند یک دین نو آوردند که قدرتی شگرف یافت. آیین زرتشت نیرو گرفت. از موبد موبدان این دین نو که مردی بسیار با قدرت و سخنگیر بود به نام کرتیر در مدت سلطنت چند شاه که همچنان بر مسند خویش استوار بود چهار کتیبه بر صخره‌های فارس بر جای مانده است.

کرتیر در این کتیبه‌ها به آزار مسیحیان و یهود و بوداییان بر خود می‌بالد پس آیین زرتشت که دین رسمی شده بود، اینک هفت دینهای دیگر را برمی‌انداخت و پرستشگاهشان را ویران می‌ساخت. بدین گونه با دو نظر گرفتن تاریخ آخرین سکه‌های آن معبد در می‌یابیم که ویرانگری به دستور کرتیر و به دست موبدان خادم آیین



سرمجسمه هفامنشی از سنگ پیدا شده در پرستشگاه بزرگ (ملکه اهری مینه)

زرتشت روی نموده است. این ویرانگری تنها در مسجد سلیمان روی نموده است، حتی در

۱- این رسم دیرین است که برای گشایش کار پاره‌ای از شیش را به پرستشگاهی می‌افکنند و بقیه را نگاه می‌دارند تا چون مراد گرفتند دو پاره را با هم متحد کنند. م.

دورترین پاره‌های شاهنشاهی ساسانی در آسیای میانه هم چنانکه باستان‌شناسان شوروی یافته‌اند، پرستشگاههای بوداییان ویران گشت. به نزدیک «ترمذ» در کرانه راست آمودریا یا جیحون، پرستشگاهی از آن بوداییان یافته‌اند که دچار همین سرنوشت شده و همین سکه‌ها را در آنجا یافته‌اند.

این سرنوشت مقدس مسجد سلیمان همواره ملازم آن منطقه بوده است. پس از صد سال که این پرستشگاه اخیر در خدمت آیین مزدا بوده است و آتشگاهی محل آمد و رفت مؤمنان زرتشتی بود، آیین دیگری بدانجا راه یافت. این صفت پس از هزار سال که خاص مراسم دینی بود با آمدن مسلمانان یکباره ویران شد و بکلی متروک ماند.

اما یاد این پایگاه مقدس همچنان برجاست و به همین مناسبت آنجا را «مسجد سلیمان» نامیده‌اند. مردم دورانهای مقارن قرون وسطی هرگاه به ساختمانی بزرگ برمی‌خوردند که از گذشته آن خبری نداشتند آن را یا به سلیمان یا به اجته نسبت می‌دادند.

امروزه هنوز هم زنان دهات اطراف بر بالای سکو یا در درون اطاق زیرزمین که جای نگهداری آتش بود شمع می‌افروزند و از حضرت محمد (ص) رسیدن به آرزوهای خویش را می‌خواهند و حاجت می‌طلبند.



تجسسات باستان‌شناسی در سر مسجد

پروفسور گیرشمن باستان‌شناس و ایرانشناس معروف فرانسوی برای پنجمین بار برنامه حفاری و حفاری خود را در ایوان مقدس سر مسجد انجام داد و آنچه که در ذیل از نظر خوانندگان می‌گذرد در ترجمه‌ای از نوشته ایشان می‌باشد.

با دقت و تحقیق بسیار به وجود آتشکده‌ای از عهد هخامنشیان پی بردم. این محراب که متعلق به قرن هفتم تا هشتم قبل از میلاد است، شامل یک سکو با اندازه‌های 20×25 پا می‌باشد. این محراب با سنگهای بزرگ بر روی یک برآمدگی مشرف بر دره‌ای که ۱۵ پا از آن فاصله دارد بنا شده و از اطراف و حتی از کیلومترها فاصله قابل رؤیت است. چند قرن پس از بنای این محراب، بخش شرقی آن احتمالاً بوسیله لغزش توده‌ای از کوهسار که بسوی دره پیش می‌رفت منهدم گردید. پس از آن یعنی در عهد ساسانیان، قسمت بالیمانده محراب مذکور ارزش قدیمی خود را از دست داد و اطافکی سه دیواری در رأس آن بنا گردید.

مطالعه و بررسی پیرامون ناحیه‌ای که تا به امروز کمانه‌زنی شده است این نکته را برای ما روشن می‌سازد که بین معابدی که در دوره بعد از اسکندر مقدونی وجود داشته رابطه‌ای موجود است. از بخش شرقی محراب قسمتی که شامل آتشکده بوده برای عبادت ایرانیان استفاده می‌شده است. قسمتهای مختلف معبدها که در سمت غربی ایوان مقدس ساخته شده ابتدا به خدایان یونان اختصاص داده شد و پس از آن به خدایانی که از تلفیق اعتقادات مذهبی یونان و ایران بوجود آمدند اختصاص یافت. هر بخش دارای مدخل و همچنین پلکانی است که جهت نزدیک شدن و خارج شدن از مکانهای مقدس مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در سمت غربی آتشکده سه معبد دیگر نیز ساخته شده که یکی به هراکلیوس، دیگری به خدائی مجهول (نام او از نظر باستان‌شناس مجهول است) و سومین و بزرگترین معبد احتمالاً به آتنا (یکی از بزرگترین خدایان آسمانی الهیاد که در شهرهای مختلف یونان پرستش می‌شده و در امور جنگ و صلح او را دارای بصیرت کامل می‌دانسته‌اند) اختصاص داده شده است.

این معبد که ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ساخته شده، در حدود ۱۵۰ سال پس از آن احتمالاً بوسیله پارتها ویران گردید. اکنون در خرابه‌های آن چندین هدایای نذری از لیل مجسمه‌های کوچکی از سوارکاران مقدونی یافته شده است. یافته شدن مجسمه‌های مزبور این موضوع را برای ما روشن می‌کند که در آن زمان تشکیلات نظامی در مسجد سلیمان وجود داشته است و علت این امر نیز دفاع از مهمترین جاده‌ای که در آن زمان خلیج فارس را به استان شوش متصل می‌کرده است. قوای نظامی مزبور جهت محافظت از مدخل جلگه مرکزی و پایتخت آن اصفهان نیز بوده

است. جاده مذکور در قرون وسطی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته و سپس به جاده سلطان معروف گردیده است. در کمانه زنیهایی که تاکنون از ناحیه سر مسجد انجام شده، اشیاء جالبی یافت شده است که از همه جالب تر سر زینبای مردی هخامنشی که از سنگ سفید حکاکی شده و دیگر سر ملکه‌ای بنام ایلیمید (Elymide) که متعلق به یک و نیم تا دو قرن بعد از میلاد است می‌باشد.

بردنشانده (قدیمی ترین عبادتگاه ایرانی)

هروقت مورخ یونانی که در زمان هخامنشیان یعنی ۲۵۰۰ سال پیش سیریزست می‌گوید: ایرانیان معبد سر پوشیده نداشتند. قربانی به اهورامزدا که بزرگترین بیخ^۱ بود، بر قلعه کوهها انجام می‌دادند.

هیئت باستانشناسی فرانسه در بهار سال ۱۳۴۲ شمسی در بردنشانده که در ۲۴ کیلومتری شمال مسجد سلیمان قرار دارد، یکی از این معابد را که تشریفات مذهبی آن در هوای آزاد انجام می‌شده، کشف نموده است.

این عبادتگاه عبارت از: محوطه وسیعی می‌باشد که اطراف آن را دیوارهای آریپ‌دار احاطه کرده است. دورشته پلکان سنگی، یکی از غرب و دیگری مجل تر از طرف شمال، بسوی سطح طوقانی هدایت می‌کنند. در مقابل آن، فرورفتگی خرفه‌مانندی است که بر سنگ آن صحنه‌ای از آداب مذهبی نقش شده. این صحنه، شاه را (که از نوار بلند تاجش شناخته می‌شود) هنگام اجرای رسوم مذهبی جلوی آتش نشان می‌دهد. در مقابل او یک روحانی و در پشت او یک خادم پنجم می‌خیزند. دو نفر نیز پشت سر شاه دیده می‌شوند که از درباریان می‌باشند. این سنگ بر سر راهی است که به عبادتگاه هدایت می‌کند. معبد در ۲۵ متری محلی که پلکانی به سطح بالای کوه هدایت می‌کند واقع شده و عبارت از یک پایه مربع بصلح پنج متر است که از سنگهای بزرگ بنا شده. سه بار در دوران تاریخ این پایه که سابقاً بر بالای آن یک آتشدان وجود داشت، تغییر یافت و توسعه پیدا کرد.

اشیائی چند که هنگام حفاری بدست آمد، نشان می‌دهد که پایه اصلی در دوره هخامنشی ساخته شده، از اینرو این قدیمی ترین عبادتگاه کیش دیرین ایرانیان است. کشف یک عبادتگاه در هوای آزاد که متعلق به ۲۵ قرن پیش باشد موفقیت جالبی است برای آشنایی به گذشته ایران. عبادتگاه بردنشانده قرن‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته. نقوش برجسته روی سنگها در دوره

در این بنا حجاری شده و ساختمان آن متعلق به دوره هخامنشی می باشد و مربوط به تاریخی است که پیش از ساسانیان است. از طرفداران پرستش لهورامزدا بوده اند و خواسته اند بدینوسیله برای ابد نام خود را بر این بنا ثبت کنند و در مقابل قربانی که کرده اند مورد لطف و مرحام یزدان واقع شوند. در این خوش متعلق به سر مردی است که شاید شاهزاده‌ای بوده است.

این سنگ نام محل «سنگ برجسته» است. زیرا «بژد» بزبان بختیاری هم بمعنی سنگ است. در سطح برداشته قدیمی ترین استخر ایرانیان قرار دارد و این محل را «شهر استخر» می نامیدند. در کنار استخر، یک سنگ با ارتفاع ۳/۵ متر دیده می شود که وجود محل آب را مافوق می سازد. این سنگ لرنها بصورت برافراشته بود و متأسفانه در پاییز سال ۱۳۷۳ شمسی بطور شگفت انگیز و ناراحت کننده ای توسط افرادی ناآگاه به آثار باستانی کشور پرگوهر ایران کنده شد و آن را بر زمین افکندند.

پس از مدت اندکی جناب آقای بهرامی، سرپرست محترم اداره میراث فرهنگی شهرستان مسجدسلیمان با کوشش فراوان و پیگیری های مستمر تصمیم گرفت تا این سنگ کهن برافراشته را در جای اولیه اش بگذارد. نویسنده از زحمات و تلاشهای صادقانه آقای بهرامی و سایر همکارانش در استان خوزستان که در ترمیم آثار و ابنیه تاریخی فعالیت دارند، تقدیر و تشکر می نماید و خواسته همیشه او این بوده است که:

«ایا ملک ایران پزی جاودان»

پادشاهای مملوک کالج راجع به برداشته:

حجاری برداشته که تقریباً تعلق آن به دوران اخیر پارتی قطعی است نیز اثری باشکوه است. زیرا در این محل ۵۰۰۰ سکه هیلانی کشف شد. در میان اشیاء نذری نقش برجسته ای پیدا شده که امیری را در حال پرستش آتش نشان می دهد و بر یک ستون در صفحه پایین، پیکر چهار تن که ناشیانه پرداختند نقش شده. این عمل در سوره تحت تصرف روم هم رایج بود ولی میزها و معیارهای عالیتر هنری گویا غالباً در مرزهای شاهنشاهی مانند الحضر و هالمیر در سوره و در طبر و کوشانیان حفظ و نگهداری شده بود. شاهان فرودست پارس از اواخر پادشاهی بلاش و پنجم دست بکار ضرب سکه بردند. سکه های ایشان بسیار از لحاظ طرح و کیفیت بهتر از سکه های اشکانیان آن زمان بود. اگر اشکانیان می توانستند از آینده خبر دهند، می توانستند دریابند که این دودمان شاهان پارس یعنی وارثان هخامنشیان، ایشان را برخواهند انداخت.

کارشهای برداشته:

هیئت باستان شناسی شوش که اکتشاف زیگورات چغازنبیل را انجام داد در اواخر سال ۱۳۴۵

شمسی به بردشاندن واقع در نزدیکی مسجد سلیمان انتقال یافت و در آنجا با استفاده از تسهیلاتی که شرکت ملی نفت ایران برای هیئت مزبور تأمین نمود روی یک تراس عظیم مصنوعی که تصور می‌رود در دوران هخامنشیان ساخته شده باشد به کاوش پرداخت. پس از کاوشهای طولانی سه عبادتگاه در این محل کشف شد که یکی از آنها متعلق به هراکل می‌باشد و مجسمه هراکل با ارتفاع بیش از دو متر در این معبد از خاک درآمده و کشف گردید ولی به سه قطعه شده و نزدیک در پرستشگاه افتاده بود. مجسمه هراکل (خدای فرمان) در حالیکه شیر تومنه^۱ را خفه می‌کند نشان داده شده است.

یک پیکره سنگی دیگر از هراکل نیز در اطاق پستی پرستشگاه یعنی در راهروی معبد یافته شده که موهایش لشرده و به شکل نیمتاج آرامه شده و در یک گوش، گوشواره‌ای دارد و در حال دهامی باشد. یک پیکره بی سر از یک زن در ساختمان همسایه پرستشگاه هراکل پیدا شد. در آنجا این مجسمه را به جای مصالح در میان دیوار کار گذاشته بودند. در پرستشگاه هراکل یک نقش برجسته یافته شده که شاهزادمای را نشان می‌دهد که شاخ هممان (برای وفور نعمت) بر دست دارد و در برابر یک آتشدان نیایش می‌کند و قربانی می‌گذارند. تاریخ این آثار از قرن اول میلادی قدیم تر نیست. همچنین مجسمه‌ها و آثار دیگری مربوط به دوره پارتها در این محل کشف گردید که به موزه شوش انتقال داده شد.

بمناسبت هفتادمین سال فعالیت‌های این هیئت باستانشناسی، موزه شوش در نزدیکی قلعه شوش بنا گردیده که در اصفه سال ۱۳۴۴ شمسی از طرف طرح پهلوی افتتاح گردید و جشن گرفته شد. یکی از جالب‌ترین اشیاء موجود در این موزه که نزدیک قلعه شوش بنا گردیده، ستونی از دوره پارتها و مربوط به قرن دوم میلادی است با نقش‌های برجسته زینت داده شده که در (برداشتانده) کشف گردیده و اکنون در باغ بزرگی که پیرامون موزه شوش احداث شده قرار دارد و شکوه خاصی به موزه مزبور بخشیده است و نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

کشف دو آتشکده پارتی در مناطق نفت خیز ایران

در شماره مورخه ۱۹۶۴ میلادی (پیرماه ۱۳۴۳) مجله اخبار مصور لندن از شرح اقدامات و کشفیاتی که بوسیله هیأت باستان‌شناسی فرانسوی در بردشاندن بختیاری انجام شده بود سخن رفت و اینکه بی‌مناسبت نیست که از سومین مرحله کاوشهایی که در این ناحیه، در بهار سال

۱- Nance نام دژ پارتی است که شیری همیشه در آنجا به شکار و ویرانگری می‌پرداخت و سرانجام

هراکل آن شیر را کشت و مردم را از گزند او رهایی بخشید.

۱۹۶۳ (۱۳۴۵) اجرا شد نیز مخفی گفته شود.

بردناشده محلی است در ناحیه بختیاری و در دامنه زاگرس، بمفاصله خیلی کمی از خلیج فارس واقع است و این منطقه در قلب سرزمینهای نفت خیز ایران قرار دارد و هیأت علمی کاوشهای باستانشناسی فرانسوی با همکاریهای صمیمانه اولیای کسر سیوم نفت ایران از جمله آقایان جی. واردو و دو. ه. ماگنس که تسهیلاتی در این راه فراهم ساختند، توفیق یافت کاوشهای خود را در این ناحیه دنبال کند.

هیأت باستانشناسی فرانسوی در این محل موفق به کشف آتشکده‌ای گردیده است که اینک بشرح آن می‌پردازیم:

خاکبرداری از روی قسمت فوقانی این پرستشگاه که محل فروختن آتش بوده است موجب شد که نمای شمالی آتشکده نمایان شود. این نما بوسیله پلکانی بزرگ و باشکوه به دو قسمت تقسیم شده و در هر یک یک ستون چهار گوش که بر پایه‌ای بنا شده تکیه دارد. سال گذشته هیأت حفاری فرانسوی در این محل کشف کرد که در این آتشکده سنگ حجاری شده موفق گردید که متعلق به دوره پارسی میانه باشد. این قطعات باطراف پراکنده شده بودند.

این آتشکده در وسط این محله که در یک طرف آن پلکانی که در بین قطعات کشف شده در این محل کشف گردید که در این آتشکده بنا شده بوده بدست آمد. این آتشکده دارای سهیل و روشی شبیه به سیکاهور و زابلتون سوم می‌باشد. در قسمت پایین پرستشگاه که تاریخ بنای آن نسبت به قسمت بالا، جدیدتر است (سالهای اول میلادی) یکی از شاهزادگان محلی ساختمان مغرودی شامل سه اطاق مستطیل شکل بنا کرد، که از داخل به یکدیگر راه ندارند. درهای این سه اطاق باورانی که دارای یک ردیف ستون می‌باشد باز می‌شود. در طول این نمای واقعی است که سقف آن روی دو ردیف ستون (هر ردیف مرکب از هشت ستون) قرار دارد و از این ستونها فقط پنج ستون باقی مانده که همگی دارای اشکال مختلفی هستند و در حال حاضر در اطراف این بنا روی زمین پراکنده شده‌اند. روی یکی از این ستونها نقش چهار نفر حجاری شده است. این نقوش برجسته بوده و نسبتاً خالی از ظرافت می‌باشند. در نزدیکی این ستون سر ستونی افتاده است که دارای نقشهای برجسته در چهار طرف می‌باشد. باین ترتیب که روی دو طرف آن تصویر دو شاهزاده نقش شده که دست راست خود را به نشانه عبادت یا سوگند بلند کرده‌اند بطوری که کف آن بطرف خارج است. در طرف سوم، سر ستون نقش یک رب النوع زن^۱

با نیزه‌ای در دست و روی طرف چهارم آن نقش یک رب‌النوع مرد که او هم نیزه‌ای در دست دارد دیده می‌شود. (تصاویر ۳ و ۴)

سر ستون دیگری هم در نزدیکی سر ستون اولی افتاده که شکسته و چند تکه شده است. این سر ستون تقریباً نظیر اولی است و در سه طرف آن نقشهائی بشکل گل داودی همراه با پیچک دیده می‌شود، ولی طرف چهارم منقوش نیست. این سر ستون متعلق به یکی از ستونهای ردیفی است که مقابل دیوار نمای سه اطاق عمارت منفرد قرار گرفته و چون سه طرف آن در معرض دید قرار داشته فقط روی همین سه طرف کار شده است.

بنای منفرد که دارای سه اطاق است مانند بقعه پرستشگاه، منهدم و خراب شده است و در نتیجه بعضی از کارهای هنری چه سنگی و چه مفرغی، خرد و نابود گردیده است. فقط بعضی از تکه‌های کوچک از دست تطاول و دستبرد مصون مانده است. بطوری که معلوم است در گذشته مجسمه‌های مفرغی، بسیار در این پرستشگاه وجود داشته که امروزه فقط بعضی از قطعات کوچک آن را می‌توان یافت. در میان قطعات کوچک، یک مجسمه کوچک مفرغی (تصویر ۵) متعلق به یک شاهزاده محلی وجود دارد که دارای سیل و ریش نوک تیزی است و موهای این شاهزاده در یک نیم تاج بسته و شلوارش داخل چکمه قرار گرفته است و نوک پای چکمه نیز بصورت برگشته می‌باشد. این شاهزاده مانند امپراطوران، شاخ بزی شبیه شاخ بز افسانه‌های یونانی که احتمالاً نشانهٔ وفور نعمت و آبادانی کشورش می‌باشد در دست چپ دارد و در دست راست نیزه‌ای بعلامت قدرت داشته که مفقود شده است.

نزدیک این مجسمه مفرغی، مجسمه کوچک شربی دیگری بدست آمده که نمایندهٔ یک جنگجوی اشکانی در لباس محلی خود است.

از جمله آنچه که از دست دزدان و غارتگران مصون و باقی‌مانده است نزدیک به پنجهزار (۵۰۰۰) سکه مفرغی هیلامی است که بنظر می‌رسد آنها را در مدخل در مرکزی کاخ پخش کرده و روی آنها سه قطعه سنگ بزرگ قرار داده بودند. بررسی و مطالعهٔ این سکه‌ها بدون شک ما را به یک طبقه‌بندی صحیح قادر می‌سازد و نکات و اطلاعات تازه‌ای دربارهٔ این جلسله پادشاهی که ناشناخته مانده است، روشن خواهد ساخت. بمفاصلهٔ تقریباً ۲۵ کیلومتر از بردنشانده در مسجد سلیمان پرستشگاه دیگری است نظیر پرستشگاه اولی که دارای محلی برای برالروختن آتش بوده است و فعلاً در زیر یک مقبرهٔ عظیم بالنسبه جدید التأمیس واقع در قبرستان محلی پنهان است. بواسطهٔ فراوانی سنگهائی که متعلق به کوههای اطراف این منطقه می‌باشد، تمام قبرهای این گورستان بواسطهٔ تخته‌سنگهای عظیم پوشانیده و محصور شده است. ولی روی یکی

این بجاى تخته سنگ، یک لقمه بزرگ از مجسمه یک اشرافزاده اشکانی قرار دارد و لباسی که بر تن این اشرافزاده اشکانی است یک قبای بلند چین دار است. (تصویر ۶) سایر مجسمه های این پرستشگاه مربوط به پیروان آتشکده است که احتمالاً آنها را در حالت عبادت برپا کرده اند و بنابراین جای این مجسمه ها گرداگرد پرستشگاه بوده است. پیش از اقدام به حفاری در این ناحیه، کشاورزان دهات اطراف که در پیرامون این پرستشگاه به کشت و زرع مشغول بوده اند، سر مجسمه ای سنگی یافته بودند که متعلق به ملکه ای بوده که موهای سرش را از پشت در یک نیم تاج مزین بگل بسته است. (تصویر ۷) و همچنین سر یک مرد با آرایش خاص سرها و طرح ضرب آن که مانند فلس های ماهی روی یکدیگر قرار گرفته نیز بدست آمده است. (تصویر ۸).

قلعه یزدی: (اولین ایستگاه دائمی قوم پارس و زادگاه اصلی کوروش هخامنشی در ایران) وجود یک ایوان مقدس در یکی از نواحی کوه های بختیاری بخش اندیکا برای من اوج کاسیج آرشیکت هیت تا حدودی آشنا و محقق بود. اما چگونه می بایست محل این قلعه سنگی و قلعه بردی که بنظر می رسید تا قلعه متروک «قلعه لیت» چندان فاصله ندارد مشخص شود، خود مثالی بود.

همه سفرهای باستانشناسی همیشه می بایست با نقشه و عکسهای هوایی شروع شود. بنابراین ما به اداره نقشه کشی شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران واقع در مسجد سلیمان مراجعه کردیم و محل ایوان مقدس و قلعه مزبور را پس از چند ساعت تعیین نمودیم. اما دست یافتن به این خطه، خود مشکلی دیگر بود. با کاروان؟ این وسیله ای بود که چند سال قبل برای بازدید از تنگ و پابدا گروتو به آن محل رفتیم. اما دیگر امروزه این وسیله فقط خاطره ای است از سالهای گذشته.

بنابراین وسیله دیگری برای سفر به آن منطقه لازم بود. یک فروند هلیکوپتر، پس از بیست دقیقه ما را به محل مورد نظر رسانید. ساختمانی با عظمت و ۲۸ قرن قدمت، با دیوارهایی به بلندی ۳۰ فوت که مشرف بر نهری که اطرافش را درختان و خار فرا گرفته بودند دیده می شد و هنوز هم چشمگیر بود. در این قلعه قرنها است که انسان زندگی نکرده است. در جلو آن بر روی قلعه یک کوه، لقمه ای مربوط به قرون وسطی که در هر گوشه آن برجی مدور مستقر بود، بچشم می خورد که آن را «قلعه لیت» گویند و خوانین بختیاری از جمله ایلخانی و ایلبگی هم سالهای متمادی در آن ایامت داشتند و حکومت می کردند.

خوانندگان محترم از سابقه تاریخی ایوان مقدس در «بیردندان» و ایوان مقدس در

«سر مسجد» و همینطور «قلعه بردی» در اندیکا و چهارمین ایوان مقدسی که در ناحیه شمی نزدیک ایزه کشف شده است آگاهی دارند. می توان گفت درون همه دره های ناحیه کوهستانی بختیاری که در نزدیکی استان فارس واقع شده یک یا چند محراب وجود دارد که پاسخ آن را در آغاز تاریخ ایران می توان دریافت کرد. احتمال می رود که پارسیان و مادها از تقفاز عبور کرده و در هزاره دوم قبل از میلاد در جنوب دریاچه رضاییه «ارومیه» سکنتی گزیده باشند. از اینجا است که ما می توانیم برای اولین مرتبه و از اواسط قرن دهم قبل از میلاد، از سوابق تاریخی پادشاهان سلسله آشوری آنها را دنبال کنیم.

از آن زمان به بعد، مادها بسوی جنوب شرقی در ناحیه اکباتان «همدان» و باز هم پیشتر بطرف دماوند پیش رفتند. از طرف دیگر پارسیان در امتداد رشته کوه های زاگرس سرگردان بودند تا آنکه در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد در خوزستان و فارس سکونت کردند. قبایل زیادی که همگی چادر نشین بودند، دره های کوه های بختیاری را اشغال کردند و قسمتی از دودمان عیلامیها را بوجود آوردند. رؤسای آنان نیز پادشاهان عیلامی را بر سمیت شناختند. هر دره وسیع به گروهی اختصاص داشت و شاهزاده هر گروه قلعه ای برای خود بنا کرد که در اطراف آن شهر کوچکی بنا گردید. این گروه ایوان مقدس خود را بطریقی بنا کردند که در رأس آن آتشکده ای ساخته شد. نظر هرودوت مورخ معروف قرن پنجم قبل از میلاد این است که پارسیان در آن زمان معبدی نداشتند و مراسم مذهبی خویش را در قله کوهها انجام می دادند. در حقیقت، در «برد نشاند» و همچنین در «سر مسجد»، محراب هخامنشیان بشکل سکویی است که در رأس آن جایگاه آتش مقدسی ساخته شده است. آتش داخل اطاق مخصوص نگهداری می شده و به هنگام انجام مراسم مذهبی از آنجا بیرون و در اطراف محراب برده می شده است.

ما از بقایای آثار هخامنشیان پی برده ایم که ایوان مقدس سر مسجد در آن زمان وجود داشته است، ولی شواهد تاریخی ثابت می کنند که قبایل پارسی در منطقه ای بین شوشتر و ایزه یعنی مسجد سلیمان فعلی، تشکیل گردیده بودند.

در سال ۶۴۰ قبل از میلاد، آشور بانیپال پادشاه آشوری بر پادشاه عیلام خلیه کرد و شوش پایتخت او را به تصرف در آورد. در تعقیب آخرین پادشاه عیلامی، آشوریها چغازنبیل را که در آن زمان «در آتاش» نامیده می شد اشغال کردند. آنها از آب دز گذشته و به ناحیه شوشتر رسیدند. در آنجا به شاهزاده ای بنام کوروش «پندوزوگ» کوروش کبیر» برخوردند که پسرش را بعنوان گز و گان و همچنین قبول قدرت آشوریها به آنان سپرد. کوروش، از ناحیه ای اطراف مسجد سلیمان می آمد. بنابراین غیر ممکن نیست که مسجد سلیمان را پایتخت او بدانیم، محلی که یک قرن پس از

آن اولین امپراطوری جهان در کشور پارسیان پایه گذاری گردید.

آثار قدیمه بختیاری در منطقه نتهری ۱

در نزدیکی تنگه سا اولکک (صعلوک) در کوه سیاه^۱ آنجا اشکالی است از جمله شکل یکی از پادشاهان که چیزی را تقدیس می نماید و شیئی شبیه مانندی را بدور آن چیز قرار می دهد. پانزده پادشاهانی در دو صف بحضور آن می هستند. کلاه آنها مخروطی و گیوانشان انبوه است. لباس ایشان با آستینهای بلند و دو شلوار یکی کوتاه و یکی بلند پوشیده اند. در آنجاست اشکال دیگر از جمله یک نفر سوار مسلح که تیرو کمان و نیزه دارد با حیوانی خرس مانند جنگ می کند. در آنجاست صورت زنی که در رختخواب خوابیده گیوان انبوه دارد، در دست راست او چیزی است مانند سبزه و سه نفر مرد مواظب حال او می باشند و گویند آن زن شاید صورت ملکه باشد و چنین استنباط نموده اند که آن اشکال را باید اشکانیان ساخته باشند. لازم به ذکر است که در منطقه لیهری طوایف محترم کُرائی، هلاسوند، عرب، راهدار و گروهی از طایفه نصیر ملک زیادی دارند و سالهاست که نسل اندر نسل در آن محل، باصفا و صمیمیت زندگی می کنند.

بینه وار منطقه لالی، عمارت بنه وار که بمنزله قصر است، باشکوه و وسیع می باشد و تمام خوانین بختیاری در آنجا محض اینکه در جوار خان و رئیس خود بوده باشند برای فشلاق، عمارات مخصوصه ساخته بودند. عمارات خوانین اجداد ما تا این زمان در آنجا موجود است و تمام این ساختمان امروزه مخروبه است. فقط آثاری از آن ابنیه بجای است که مشایخ قوم خبر می دهند که فلان نقطه، تقاره خانه و فلان نقطه دفترخانه و فلان نقطه فراشخانه بوده.

و در دو مکان مزبور محل اسب تازی و گوی بازی بوده که خوانین در آنجا مشغول به اسب تاختن و گوی زدن بوده اند و آثارش بخوبی این مسئله را به ما نشان می دهد. این خانواده به هلاکت ابوالفتح خان انقراض یافت. بعد از نادر شاه که کریمخان و علیمردان خان و ابوالفتح خان با هم دست اتحاد برای پیشرفت امور مملکت داده بودند.

کریمخان تقض عهد کرده، ابوالفتح خان را بقتل آورد بعد از چندی علیمردان خان نیز مقتول شد و سلطنت به کریمخان رسید. علی صالح خان تا اوایل سلطنت کریمخان حیات داشت، چنانکه از فرمان او معلوم می شود.

کریمخان که با اسم شاه اسمعیل صفوی سلطنت می کرد فرمان مزبور را از طرف شاه اسمعیل به

۱- در زبان محلی به آن «کوه شنه» می گویند.

۲- شغ: کسی است که پیرو دین زرتشت باشد و آتش پرست را نیز گویند.

ابدال خان پسر علی صالح خان داده است. شاه اسمعیل مزبور همان میرزا ابوتراب صفوی است.
نتایج تحقیقات ماکسیم سیر و راجع به مسجد سلیمان :

آتشگاه وسیع مسجد سلیمان که خرابه‌های آن در میان چاههای فعال شهرک نفتی و مدرن میدان نفتون^۱ قرار دارد، در بیننده حالتی وصف ناشدنی حاکی از آرامش و عظمت برمی‌انگیزد. معماری این آتشگاه، با در نظر گرفتن آثار باقی مانده، چنان بوده که به پدیده‌هایی که منشاء زیرزمینی ولی جنبه تقدس و الوهیت داشته‌اند ارزش و اعتبار می‌بخشیده است. امروزه نیز ساکنین خانه‌های مجاور دوست دارند از قدرت دیو‌هایی که بازیه‌های شیطانی آنها بر این صفت‌های سخت و محکم - که توسط خود دیوها ساخته شده - غوغا به پا می‌کرده داستانها حکایت کنند. در حال حاضر این منطقه همچون ردیفی از سکوها به نظر می‌رسد، سکوهایی که وظیفه هر یک از آنها با دیگری متفاوت بوده است.

وقتی این سکوها را از طرف شرق به غرب زیر پا بگذاریم ملاحظه می‌کنیم که اولین سکو بیشترین راه ورودی را دارا می‌باشد. سه پلکان به این سکو راه دارند که یکی از آنها با عرض ۲۲ متر بیش از ۲۲ پله دارد که پاگردی بین آنها جدایی انداخته است. بر صفت غربی که تقریباً کمی بالاتر قرار گرفته تختگاهی مستطیل شکلی قرار دارد که زیربنای آن از سنگهای تراشیده است. صفت ثاتوی دیگری با وسعت کمتر در سمت شمال وجود دارد. تمام این مجموعه را دیواری سنگی از سه جهت دور گرفته است. این دیوار با چند جهش عمودی تا پای تپه‌ای به ارتفاع ۲۵ تا ۳۰ متر امتداد دارد.

صفت شرقی خصوصیتی دارد که، با دیدن آنها این تصور پیش می‌آید که این فضا به مراسم بزرگ عمومی اختصاص داشته است. این خصوصیات عبارتند از: ابتدا - همان‌طور که قبلاً گفتیم - تعداد ورودیهای آن و سپس وجود بنای کوچکی که بر حاشیه ضلع جنوبی ساخته شده است. در واقع از این بنا چیز زیادی باقی نمانده ولی از روی همین بقایا می‌توان نقشه آن را که اتسافی چهارگوش بوده در نظر آورد. دو ضلع این اتاق دارای روزن است؛ ضلع شمالی با درگاهی وسیع و ضلع جنوبی با پنجره‌ای کوچک. این بنا که با لئوسنگ و بدون استفاده از ملاط ساخته شده^۲

- ۱- منطقه مسجد سلیمان، که آقای مرتضی در اثر خود مرسوم به «تاریخ باستان‌شناسی ایران» به آن اشاره کرده (ص ۹۳) در اختیار شرکت نفت ایران و انگلیس قرار دارد.
- ۲- امکان دارد ملاط دیوارها از گل بوده باشد، ولی این امر قطعی نیست زیرا از بین رفتن این ملاط باعث نشست دیوار می‌شده و در نتیجه تخریب کامل آن را به دنبال می‌آورده است.

نشانگر آن است که سقف آن - با قبول این فرض که سقفی داشته - به احتمال زیاد مسطح بوده نه گنبدی. و اما هدف واقعی از بنای این ساختمان چه بوده؟ احتمال دارد که این جا نقطه‌ای بوده که گازهای زیرزمینی از آن بیرون می‌زده ولی به گمان ما احتمال این که این پدیده در وسط تختگاهی به وقوع پیوسته باشد بیشتر است. چرا که در آن جا زمیث نشست کرده و نشان می‌دهد که زیرزمین دارای خلل و فرج یا حتی خالی بوده است. وقتی وجود شیبی را (در زیر دیوار نگاهدارنده) که به صفت شمالی منتهی می‌شود در نظر بگیریم این فرضیه (که با اقدام به حفاری، صحت یا سقم آن را می‌توان معلوم کرد) ارزش پیدا خواهد کرد. از آنجا که این سراشیب بی‌جهت و از زوی هوا و هوس ساخته نشده جا دارد تصور کنیم که به زیرزمین یا حجره‌های زیرزمینی که کاربرد خاصی داشته^۱ و در حال حاضر پرومستور شده منتهی می‌شده است. به این ترتیب نتیجه می‌گیریم که این زیرزمینی زیربنای پلکان و سکو بوده است. اگر قبول کنیم که آتش در وسط تختگاهی شعله‌ور بوده، بنایی که در جنوب آن برپا شده می‌تواند به عنوان یک تریبون یا کرسی برای شخصیتی بلند پایه در نظر گرفته شود.

قسمت اعظم صفت بزرگ غربی را یک گورستان اسلامی زیرورو کرده است. ولی سکوی مستطیل شکلی که کمی بالاتر قرار گرفته به وضوح به چشم می‌خورد. دیوار قطوری که به عنوان زیر بنا به کار رفته بسیار عالی ساخته شده و هر سنگ آن - که دارای زوایای تیز و برجسته است - به دقت مسطح و صاف شده است.

بی تردید برخیزند. بالایی این دیوار زیر بنا، حصاری بلند قرار داشته که چندین ساختمان یا حتی دیوارهای خارجی یک کاخ را احاطه می‌کرده است. ضلع شمالی این دیوار رو به زمینی صاف و هموار است که به احتمال زیاد یک باغ بوده است. اگر این امر صحت داشته باشد، آثار باقی مانده از دو دیوار با ارتفاع کم که با زاویه قائمه از پایه اصلی جدا شده‌اند نشانگر آن است که نمای شمالی کاخ یا دیوار حصار را تراسی سرپوشیده آذین می‌کرده است، چرا که نمای جنوبی، هشت متر مانده به حصار، آن جا که پلکانی مخصوص تعبیه شده ختم می‌شده است. ساختمانهایی دیگر، با ظاهری حقیر، در پای تپه برپا شده‌اند که از آنها فقط پایه‌هایی با خرندهای نمایان برجای مانده است. توجه به این حقیقت که در این مکان هیچ آثار ریزش در محور توجیهی دیده نمی‌شود، این حدس را تقویت می‌کند که قسمت فوقانی همه ساختمانها از خشت خام خشک شده در آفتاب بوده است (حدسی که در مورد بناهای سابق الذکر نیز صادق است)

۱- احتمال دارد این حفره‌ها برای انبار کردن گاز یا تنظیم آن به کار گرفته می‌شده است.

حال خوب است که از تپه بالا رفته نظری به بالای آن بیندازیم. نوک تپه با دقت و وسواس از هرگونه سنگ و شنی پاک شده و به شکل یک تختگاهی درآمده است. احتمال دارد که این مکان جزئی از ملحقات آتشکده پایین به شمار می‌رفته است.

با بررسی مصالحی که در قسمتهای مختلف این گستره به کار گرفته شده درمی‌یابیم که ساختمانها به اعصار گوناگون تعلق دارند، به عنوان مثال بین سنگ چین با عظمت حصار (بعضی از قطعه سنگها چندین تن وزن دارند) و دقتی که در چیدن آنها به کار رفته از یک طرف و حقارت عناصر به کار گرفته شده در بنای کوچک و سایر ساختمانها از طرف دیگر، عدم تناسب نمایان است. به نظر می‌رسد آتشکده که به اعصار باستانی تعلق داشته در عصری نزدیکتر به زمان ما، یعنی عصر ساسانیان دوباره مورد استفاده واقع شده.^۱ در واقع انسان از عدم وجود تجانس و همگونی در این مجموعه سخت یک می‌خورد. بخصوص صدفه غربی باید خیلی مؤثر بر سایر قسمتها ساخته شده باشد. به عکس دیوارهای حصار، یک مجموعه لایتجزی و همسطح را تشکیل می‌دهند (آنها شامل صدفه شمالی نیز می‌شوند).

معماری حصارها انسان را کاملاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. تقابل سایه‌روشنها که آمیزه‌ای از پستی و بلندی‌ها موجد آن هستند، چشم‌انداز پندها و طاقچه‌های تراشیده در توده‌های عظیم سنگ به تخیلات ما میدان داده و بناهای یک پارچه تمدنهای بین‌النهرین و آشور را تجسم می‌بخشند.^۲ وجود تعداد زیادی سکه‌های برنزی کوچک که در محل پیدا شده گواه بر آن است که آنبوه زاپران با شور و شوق به این جا روی می‌آورده‌اند و حتی اگر آثار وجود شهر بزرگی را که بر یک بلندی رو بروی جبهه شرقی و در کنار آبراهه همین محل قرار دارد ندیده بگیریم این سکه‌ها به تنهایی کافی است نشان دهد که مسجد سلیمان بسیار مورد توجه و محل مراجعه بوده است.

در خانه خاطر نشان می‌سازیم که این آتشکده در این نواحی که فوران گاز در آنجا زیاد است منحصر به فرد نبوده و می‌گویند محل دیگری در همان نزدیکی و مشابه آن وجود دارد.

ماکسیم سپرو

ژوئن ۱۹۳۷

۱- علی الظاهر قلعه‌یان و کاخ مله گولو نیز به همین ترتیب دوباره مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۲- به عنوان مثال حصار قصر سارگون Sargon در خورماباد

امامزاده سلطان ابراهیم (ع) :

امامزاده سلطان ابراهیم فرزند منوم امام موسی کاظم (ع) می‌باشد. امام موسی کاظم (ع) دو فرزند ذکور بنامهای ابراهیم داشته، ابراهیم اکبر (ع) و ابراهیم اصغر. ابراهیم اکبر دو نجف اشرف مدفون است و اولاد و ذریه ندارد اما ابراهیم اصغر به سیدالمرتضی شهرت دارد که همین امامزاده معروف به سلطان ابراهیم می‌باشد که اولاد و ذریه کثیری دارد.

سید ابراهیم سیدالمرتضی مرد فاضل و دانشمندی بود و روایت شده که ۷۰ رأس شعر کتابخانه او را حمل می‌کرد. در زمان خلیفه مأمون و هارون الرشید زیست می‌نمود.

امامزاده سلطان ابراهیم (ع) مادرش بنام گمینه دختر مکی، تشب به بصر روم می‌رساند که در حبشه حکومت می‌کرد. از اهل حبشه از نگارها بوده، مدت چند سال در حبشه به ارشاد مسلمانان و ترویج دین مبین اسلام فعالیت می‌نمود، اما حکومت حبشه در دست خالو داتی ایشان بوده، اما اختلاف بین داتی و خواهرزاده خود روز بروز بیشتر می‌شد. البته اختلاف نه سر قنبروت و یا حکومت بلکه بین کفر و اسلام بود که همیشه وجود داشته و دارد. این اختلافات ادامه داشت تا جایی که به زد و خورد و جنگ و جدال کشیده شد. تا اینکه داتی خود را بقتل رسانید. امامزاده سلطان ابراهیم (ع) بعد از این جنگ به نجف اشرف شرفیاب شده، چون در آن محل کاری آنچنان که به اسلام بتواند خدمت نماید وجود نداشت، لذا طی حکمی مأمور شد از طریق هویزه آن موقع که شهر و آبادانی بوده راهی ایران شود تا به برادر خود امام رضا (ع) بپیوندد یا اینکه در خوزستان کنونی به ترویج اسلام بپردازد. راهی که امامزاده ابراهیم (ع) پیموده از طریق هویزه بود. مدتی در هویزه سکونت کرد سپس به عقیلی عزم سفر نمود. در این مکان به ارشاد مردم پرداخت. امامزاده در هر مکانی که اسکان می‌یافت پس از مدتی که از آنجا عزم سفر می‌نمود شخصی را بعنوان نماینده و جانشین خویش، می‌گمارد تا راه، عقیده و آئین او را ادامه دهد و مردم را هدایت نماید.

بعدها از مکان اخیرالذکر به جایی که هم اکنون هفت شهیدان خوانده می‌شود آمد. در آنجا جنگی بین تلغری‌ها در گرفت که منجر به شهادت ۷ تن از افراد گروه همراه امامزاده سلطان ابراهیم (ع) شد. در این رزم، تلغری‌ها شکست خوردند و اسلام آوردند. از هفت شهیدان هم به منجلی رهسپار شد که دارای کشاورزی و باغات فراوان بوده و امروزه گلگیر می‌خوانیمش. در

اینجا جنگی رخ نداد و مردم به استقبال امامزاده آمدند و اسلام آوردند. سپس از طریق کوه‌های بین آسماری و مال‌امیر، وارد ایذج «ایذه» شد. در آن محل جنگ و جدالی پیش نیامد و به استقبال امامزاده آمدند و سلطان ابراهیم (ع) شروع به ارشاد آنها نمود و املاک آنجا را که بنام بُندریان «بندان کنونی» می‌باشد وقف امامزاده نمودند که هر ساله در آمدی به آقا (ع) می‌پرداختند. پیش از سفر به سوی ایوه فعلی، پسر برادر خود را که سید صالح (ع) نام دارد به نمایندگی از طرف خود جهت ارشاد و هدایت مردم در حومه مال‌امیر گذاشته بود.

هنگامی که آن امامزاده (ع) به ایوه رسیدند، جنگی بین مردم آنجا در گرفت که منجر به شهادت چهل تن از افراد لشکر همراه امامزاده شد. آقا (ع) پس از شهادت افراد خود که محاصره شده بودند بر روی تپه‌ای رفتند و جهت دفع کفار دست نیاز به درگاه خداوند برداشت، در همین هنگام افرادی از طرف دشمن بطرفداری آقا (ع) برخاستند و با امرای خود به رزم پرداختند که منجر به شکست دشمن و پیروزی اسلام شد. پس از غسل و دفن شهدا در همان مکان، آن محل را «چهل تنان» می‌گویند.

آقا (ع) مدتها پس از این رزم‌ها جهت ارشاد مردم، ساکن آن محل شد. سلطان ابراهیم (ع) هنگامی که از نجف اشرف به ایران مأموریت یافته بودند، امام موسی کاظم (ع) چند هسته خرما به ایشان داده بودند که هر وقت در بلاد عجم که به ارشاد مردم پرداختی، یکی از اینها را در هر کجا که کاشتی، زمانی که به ثمر رسید، آن محل مسکن و مدفن تو می‌باشد. امامزاده (ع) هر چه در این راهها که می‌آمد، این هسته‌ها را می‌کاشت سبز نکردند، سپس آن مکان را ترک می‌کرد و به محلهای بعدی می‌رسید، تا جایی که نهایتاً در «کار تا» ساکن شد و هسته خرما سبز نمود.

بقعه امامزاده سلطان ابراهیم (ع) مورد احترام بختیاریهایی باشد و مردم از استانهای دیگر جهت نذر، نیاز و رفع حاجات خویش به زیارت آن می‌آیند و از ارتفاعات صعب‌العبور و دریاچه پشت سد شهید عباسپور گذشته و به این محل می‌روند. مردم قبلاً با وسیله‌ای بنام «جَرَه» به زیارت می‌آمدند. از روزگار گذشته تا کنون تعمیر بقعه و خدمتگزاری به زائرین، بر عهده سادات آن بوده است. لازم به ذکر است که سادات اینجا از دو طایفه بنامهای (شمس‌الدین و تاج‌الدین) هستند که به امامزاده تشب می‌رسانند.

همه سادات امامزاده در کلیه طوایف بختیاری اعم از چهارلنگ و هفت‌لنگ مریدان و پیروان یشماری دارند که آنها خمس مال خود را به سادات سلطان ابراهیم (ع) می‌دهند. سادات اینجا از زمانهای گذشته تا کنون از دادن هر عوارض و مالیاتی به خوانین و سلاطین، معاف بوده‌اند.

امامزاده سید صالح (ع) :

امامزاده سید صالح (ع) فرزند امامزاده سید حمزه (ع) بن امام موسی کاظم (ع) می باشد و در دوران متوکل خلیفه عباسی که مزدی ستمکار و جبار و ضدخاندان حضرت علی (ع) و ایرانیان بود می زیست. ولادت وی در شهر مدینه بوده است و به خاطر ضدیت و مبارزه شدید بین علویان و بنی عباس تمام علویان توسط عباسیان مورد تعقیب قرار می گرفته و بعد از دستگیری به شهادت می رسیدند و به این خاطر امامزادگان و علویان سعی می کردند که به بلاد عجم هجرت کنند و امامزاده سید صالح (ع) در آن زمان از شهر مدینه هرستان به ایران هجرت می نماید و اولین ملاقاتش در خوزستان با سیداحمد لصال (سید احمد فداله) می باشد و بعد از چندی اقامت در پیش آن سید، دختر مکرمه او را به همسری برمیگزیند و برای راهنمایی و ارشاد مردم شهر ایندج (ایذه) به آن دیار رهپار می شود و حاکم وقت آن دیار بنام سلطان هوشنگ اتابک که مردی زردشتی بود علیه امامزاده سید صالح مخالفت می ورزد و دستور دستگیری آن حضرت را صادر می نماید. امامزاده سید صالح (ع) که از آن دستور آگاه می شود از آن شهر بیرون می رود و شحینگان و سربازان آن سلطان ده به ده و روستا به روستا او را دنبال می نمایند تا اینکه آن حضرت به جایی می رسد که هم اکنون آن محل کتخت دار نام دارد و به این خاطر آن محل به این نام موسوم است که می گویند وقتی امامزاده سید صالح (ع) از شهر ایذه به آن محل می رسد به خاطر طویل بودن مسیر که در حدود ۲۰ کیلومتر می شود در زیر یک درخت خشکیده بلوط (دان) می نشیند و چون آفتاب سوزان بود و آن درخت سایه ای نداشت به اراده خداوند متعال آن درخت خشکیده شکوفه می کند و سایه می گستراند و امامزاده سید صالح (ع) بعد از زدودن خشکی به بخش مرخاب کنونی می رود و در دامنه کوهی به نام «چریک» در زیر درخت سدری «کناره» می نشیند تا بلکه شب را در آنجا به سربرد. صبح روز بعد در آن مکان بود که سلطان هوشنگ اتابک ایذه با سربازان خود به آن حضرت می رسند و او را دستگیر می نمایند و امامزاده سید صالح (ع) آنها را راهنمایی و به دین مبین اسلام دعوت می کند و آن سلطان از حضرت معجزه می خواهد و به آن حضرت می گوید شما باید ما را طعام بدهید در صورتی که امامزاده (ع) تنها بود و فاقد هرگونه امکانات، تنها دیگچه ای داشت که در آن دیگچه طعام می پخت و به سلطان و سربازانش گفت هرکس که طعامی حاجت دارد در دل نیت کند، هر کدام از آنها طعامی خواستند و بعد آن دیگچه

را به پیش آورد و هر یکلا طعامی را که حاجت کرده بودند از آن امامزاده گرفتند به جزء یک نفر از آنها که رطب میخواست در صورتی که فصل رطب نبود و در آن دهار نخلی وجود نداشت و آن حضرت با عصای مبارکش به ساقه آن سدر (کنار) که در سایه آن نشسته بودند زد و فرمود ای سدر طعام این مرد یا تو است و به قدرت خداوند متعال آن سدر چنان رطب یارید که جمله همگی گفتند مرحبا! و همگی سلمان شدند از آن زمان به بعد آن درخت سدر، کنار و مرحبا نام گرفت و به دستور سلطان هوشنگ اتابک سرایی از برای آن حضرت بساختند و موافق آن که وفات یافتند در آن سرای به خاک سپرده شدند که آن مقبره متبرکه در بخش مرغاب در ۴۵ کیلومتری شمال غربی شهرستان ایذه و در حدود ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان مسجد سلیمان واقع می باشد. امامزاده سید صالح (ع) سه پسر به نامهای سید اسماعیل، سید صدرالدین و سید محمد داشتند که سید اسماعیل و سید صدرالدین در عقب آنها فرزندان باقی است ولی سید محمد که به سید مقید معروف است در سنین جوانی به شهادت رسید و قبر مبارکش در نزدیکی شهرستان ایذه می باشد و سید اسماعیل و سید صدرالدین بعد از وفاتشان در طرفین قبر پدر بزرگوارشان مدفون می باشند.

سادات این بقعه از زمانهای گذشته تا کنون از دادن هر هوارض و مالیاتی به خوانین و سلاطین معاف بوده اند.

ضریح امامزاده سید صالح (ع) که در مقبره ایشان می باشد به همت برادران سادات بخصوص برادر سید ناصر آدینه پور که در چهارمحال بختیاری سکونت دارند، از اصفهان تهیه گردید و سپس نصب شد. در پایان جا دارد از زحمات و خدمات نامبرده تقدیر بعمل آید.

همانکون سرپرستی و نگهداری از مقبره امامزاده سید صالح (ع) و خدمتگزاری از زائران به عهده سادات امامزاده است که از نوادگان آن حضرت می باشند و سادات امامزاده سید صالح (ع) هیچگونه وابستگی به دیگر اقوام بختیاری از جمله چهارلنگ و هفتلنگ ندارند و از اصل و نسب اولاد پیامبر (ص) می باشند و از دیگر طوایف بختیاری مجزا هستند.^۱

امامزاده احمد بَلَد (ع) :

ایشان شخص مؤمنی بوده که راه فتح شوشتر را به امام حسن مجتبی (ع) نشان داد و شهر شوشتر بواسطه راهنمایی وی، فتح گردید و هُرمزان دحا کم شوشتر، دستگیر شد. نامبرده بخاطر این خدمت شایسته، قابل احترام گشته و مقبره او در احمد آباد دور آب از بخش اندیکا می باشد که خود، زیارتگاهی است.

نظر سید علی کرم نبوی^۱ واجع به امامزاده احمد بلد (ع) : من خودم تذکره امامزاده احمد بلد (ع) را دیدم و آن تذکره اکنون در دست یکی از سادات فامیل بنده که در ایذه ساکن است می باشد. در آن شجره نامه آمده است که احمد بلد (ع) فرزند کوچک حضرت امام موسی کاظم (ع) و برادر امام رضا (ع) می باشد و همیشه همراه امام رضا (ع) در سفر بوده و در آن تذکره آمده است که به این جهت لقب بلدی را گرفته است که راهنمای امامان و امامزادگان دیگر بوده و به این دلیل همه مشایخ احمد بلد (ع) را «بلدی» می نامند زیرا آنها به این امامزاده تشب می رسانند. چشمه ای در نزدیکی امامزاده شاه ابوالقاسم لالی وجود دارد که این چشمه از معجزات احمد بلد (ع) می باشد و به همین نام یعنی «چشمه احمد» معروف است.

چندین سال پیش دو نفر از اهالی منطقه که اکنون در قید حیات می باشند و برای ما کتیب ناحیه دور آب شناخته شده هستند و برای حفظ ثبوتات از بردن نام آنها خودداری می گردد، به قصد بردن وسایل داخل امامزاده وارد حرم مطهر می شوند و اشیاء درون امامزاده را به دوش می گیرند که به خانه ببرند و آنها نصف شب که این محل را مرتکب شدند تا صبح الالبه روی دوش آنها بوده و مرتب اطراف امامزاده می چرخیدند و تا ظهر فردای آن شب، هر دو مرد کور شده بودند و اراده از خود نداشتند تا اینکه تمام مردم متوجه شدند بعد از چند سال یکی از آنها پس از مدتها استغفار، آمرزیده شد و چشمهایش روشن شد، ولی اکنون در حال فقر بسر می برد اما یکی دیگر از آنها هنوز همانطور کور مانده است.

۱- یکی از سادات جلیل القدر و مؤمن و نصیح الکلام امامزاده شاه ابوالقاسم لالی «شاه مال بابادی» بود ایشان با خانواده آیت الله شریعتداری و سایر علمای قم از قیاط داشته است. او در بین مردم بسیار مورد احترام و تکریم است و مردم به ایشان، خمس خود را می دادند.

یکی دیگر از معجزات امامزاده کلخنگ می باشد. درخت کلخنگ که در دیوار امامزاده سبز است و اصلاً ریشه‌ای در زمین ندارد. همیشه در تمام طول سال سبز و خرم می باشد و طبق جستجو و کاوشی که شده، اصلاً ریشه‌ای در خاک ندارد و میوه هم می دهد و آن دسته از زائرانی که نیتی دارند از میوه اش می برند و جهت شفا و حاجت خود، این را نیز یکی از برکات آن امامزاده می دانند.

بیمکارها این امامزاده را احرام می نمایند و جهت نذر، نیاز و رفع حاجت به زیارت آن می آیند.

شیخ های اینجا از خوانندگان عزیز می خواهند که بخاطر تخریب هم که شده، سری به باغهای باصفای دروآب بزنند تا از نزدیک طبیعت سرسبز و خرم اطراف امامزاده احمد بلند (ع) را خصوصاً در فصل تابستان مشاهده نمایند و حظ ببر کنند.^۱

بخش دوم

اوضاع تاریخی مسجد سلیمان

۱ - مسجد سلیمان در چهارده الی پانزده هزار سال قبل از میلاد مسیح:

پروفسور رمان گیرشمن باستان‌شناس معروف فرانسوی در سال ۱۳۳۴ پس از یک سری حفاری در مسجد سلیمان و حوالی آن، در ۲۵ کیلومتری منطقه لالی در محلی بنام پیده^۱ به غاری برخورد نمود که افرادی بیش از چهارده الی پانزده هزار سال قبل از میلاد در آنجا سکونت داشته‌اند. اسکلت‌های آنان روی هم انباشته شده است. با احتمال قوی، قومی که در نزدیکی غار پیده لالی و در اشکنت‌های اطراف آن سکونت گزیده‌اند، از اقوام آریایی ایرانی‌الاصل بوده که در زمانهای گذشته بصورت پراکنده و هشیره‌ای در این سرزمین پهناور زیست می‌نمودند. از این آثار در کوه‌های بختیاری بسیار است که متأسفانه تاکنون کشف آنها بعلت صعب‌العبور بودن راهها و نبودن امکانات ميسر نگردیده و تا بحال بصورت بکر و دست‌نخورده باقی مانده است، مثل دهفت دختران، در زردکوه یا غار عروس، در دامنه کوه منار.

بطور خلاصه مسجد سلیمان فعلی مقر حکومت‌نشین آریایی‌های ایرانی‌الاصل بوده و هر قومی که در خوزستان به حکومت رسیده است، برای اولین بار در این شهر سکونت داشته‌اند و چون وضعیت آب و هوای آن مناسب حال اقوام گذشته نبوده پس از مدت کوتاهی حکومت، این محل را ترک و بجای خوش آب و هوای بهتری کوچ کرده و این شهر را تخلیه نموده‌اند. اگر ما اسکلت‌هایی که در غار پیده و بتهایی که در پایین قلعه دلا وجود دارند را مورد بررسی تاریخی

قرار دهیم، خواهیم دید که این شهر بیش از تاریخهای مذکور سابقه تمدن دارد و به همین سبب بوده که همیشه مورد تهاجم اقوام دیگر بوده است.

۲ - مسجد سلیمان در زمان پیشدادیان؛

این شهر در زمان پیشدادیان، کیومرث، طهمورث، هوشنگ، جمشید و سایر پادشاهان قدرتمند پیشدادی، مدتی نیز پایتخت آنان بوده است. در مسجد سلیمان بوده که هوشنگ پیشدادی در اثر برخورد دو سنگ چسبانی بهم و بعلت نشت گاز در سطح زمین شعله آتش برافروخته شد و از آن تاریخ تا کنون بوجود آمدن آتش را به این پادشاه پیشدادی نسبت می دهند.

متأسفانه چون مسجد سلیمان از نظر کم آبی و نداشتن زمینهای زراعتی و نشت گاز، مناسب زندگی نبود، به شوشتر رفته و بنای آن شهر را گذاشته اند. سپس بسوی شوش که از نظر اقلیمی نیز مناسب تر بوده، رفته و آنجا را هم بنا نهادند. پس این دو شهر در زمان پیشدادیان ساخته شده. هوشنگ پیشدادی نقشه شهر شوش را به شکل پرندهای بنام باز ساخته و نقشه شهر شوشتر را هم بصورت اسب طرح کرده است.

۳ - مسجد سلیمان در زمان کیانیان؛

این شهر نیز بعلت وضعیت جغرافیایی خاصی که در آن زمان داشت، مدتی مرکز حکمرمایی پادشاهان کیانی بوده و کاخهایی نیز در این شهر ساخته اند که بر اثر هجوم اقوام دیگر خراب و ویران شده و هر قومی بنا به سلیقه خویش آنها را بازسازی کرده است. حکومت این قوم بیشتر در رامهرمز که در آن زمان سنگان نامیده می شده و اینج و سوسن بوده است. اکثر مجسمههایی که در دامنه کوههای بختیاری دلا، گنجه، تاراز و وجود دارد، به این قوم پر قدرت ایرانی نسبت داده شده اند.

۴ - مسجد سلیمان در زمان ایلامها (عیلامها)؛

این شهر مدت زیادی مقر حکومت قوم ایلام (عیلام) بوده است، بعلت وضعیت توپوگرافی خاصی که این شهر داشته از یکطرف به سلسله جبال زاگرس و از دو طرف دیگر به لرستان و عربستان محدود می شده و از طرفی چون ایلامها برخلاف سایر اقوام بیشتر دوست داشتند که در کوهستانها زندگی کنند؛ بنابراین پیش از این در این کوههای شمس، پیون و سوسن که شوشیانای کبیر خوانده می شد ساکن بودند. این قوم نیز در شوش و هفت تپه نیز مدت زیادی حکومت نمودند و ساختمانهای زیادی در شوش، شوشتر و اهواز ساخته اند که هنوز آثار و بقایای آنها در اطراف شهرهای مزبور موجود است.

۵ - مسجد سلیمان در زمان سیماش،

این قوم که هم اکنون به قوم بختیاری معروف است در حدود ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ سال قبل از میلاد و شاید پیش از تاریخهای مذکور وجود داشته است. زیرا قبل از قوم ایلماتیها، در دامنه های کوههای زاگرس سکونت داشتند و حکومتی را بنام سیماشکی تشکیل دادند و تا زمان قوم ماد نیز این قوم در دامنه های زاگرس حکومت می کردند و حدود حکمرانی آنها نیز از مسجد سلیمان تا باؤفت بوده است.

۶ - مسجد سلیمان در زمان ایلماتیها،

این قوم نیز مدت کوتاهی در این شهر حکومت کردند و مقر حکومت آنها پیشتر در دامنه های زاگرس، چلو، باؤفت، اندیکا و کوه سفید بوده است. این قوم مدت زیادی حکومت نمودند. آثار و بقایای تاریخی آنها، مجسمه هایی بودند که چندسال پیش در نزدیکی شیرین بهار و شباناره بین چلو و باؤفت در دامنه کوه تراز توسط اداره میراث فرهنگی کشف و ضبط گردیده است.

۷ - مسجد سلیمان در زمان قوم ماد،

قوم ماد هم یکی از اقوام قدیمی آریائیها است که در اکثر بلاد ایران بصورت چهار طایفه پراکنده بودند و از آریائیهای مهاجری هستند که از سرزمینهای یخبندان سیبری شوروی به قفقاز آمده و از آن طریق وارد خاک ایران شدند. این قوم مدت زیادی در ایران حکومت نمودند و در شهرهای مختلف این مملکت، کاخها ساختند و پایتخت خود را همدان قرار دادند و سپس به شوش آمدند و در این شهر هم کاخهای مجللی بنا نهادند، سپس مدت بسیار کوتاهی هم در مسجد سلیمان، ایذه، رامهرمز نیز سکونت نمودند، ولی به علت نبودن امکانات در آن روزگار، در این شهرها نماندند و مجدداً به شوش رفتند. ناگفته نماند که کلیه شهرهای خوزستان و شاید بهتر بتوان گفت تمام آسیای صغیر و خاورمیانه تحت تصرف و حکمرانی این قوم پر قدرت بوده است. در شهرستان مسجد سلیمان تا دامنه های کوههای زاگرس آثار زیادی از این قوم قدرتمند مشاهده می شود که اقتدار و جهانگیری آنان را به اثبات می رساند.

۸ - مسجد سلیمان در زمان پارس ها،

در فاصله اواسط سده نهم تا اوایل سده هفتم قبل از میلاد مسیح، قومی آریایی بنام پارس ها، پس از طی کردن سرزمینهای یخبندان سیبری شوروی از کوههای قفقاز گذشته و در سواحل دریاچه ارومیه سکونت گزیدند. پس از مدت کمی که در آن محل بودند از آنجا نقل مکان نمودند و پس از گذشتن از کوههای بلند و سر به فلک کشیده زاگرس، در سرزمین بختیارها که بله ها و صخره های بلندی داشت ساکن شدند. مسجد سلیمان کنونی از جمله مناطقی بود که در آن مسکن

گزیبندند این قوم نیمه بدوی که متکی به معیشت شبانی و بویژه تربیت اسب بودند، بعد از آشنایی با کشاورزی و ترک کوچ‌نشینی در نواحی کوهپایه‌ای جلگه واقع در مسجد سلیمان شهر تازه‌ای ساختند. قوم پارس یا «پارسه» که از نژاد آریایی بودند، برای اولین بار در این شهر اسکان دائمی یافتند. پارسیان این شهر تازه را که قبلاً ذکر شد به یاد سرزمین گذشته خود که «پارسوا» خوانده می‌شد و همچنین بخاطر اینکه قوم سیماش هم قبلاً در اینجا ساکن بود، «پارسوماش» نامیدند. آنها مدتی در این شهر حکومت کردند و کاخهایی با سنگهای سترگ و ایوانهای بلند بنامهای بزدنشاند، تخت‌گاه (در زبان محلی معروف به تهیدگون است) و آشکده سر مسجد که تا زمان حکومت هارون الرشید نیز فروزان بوده را ساخته‌اند.

چون مسجد سلیمان از نظر آب و هوایی مناسب زندگی آن دوره نبوده بنابراین بالاجبار از این شهر به سوی شوش حرکت نمودند و می‌گویند کوروش کبیر در هر جا که به جنگ می‌رفت از آب شوش همراه خود می‌برد و به جز این آب، از آب منطقه دیگری نمی‌آشامید. ایشان کاخ آپادانا را در شوش بنا نهاد و این شهر مرکز اداری حکومت هخامنشیان بوده است. سپس به شیراز رفته و در آنجا نیز کاخ تخت جمشید که نیمه تمام بود، ساخته و کاخ با عظمتی در دنیای آروز و امروز جهان برقرار گردید.

در مسجد سلیمان نیز علاوه بر تخت‌گاه، بزدنشاند و سر مسجد، بالای تپه‌ای در محله کلنگه که مشرف است بر بیمارستان شرکت نفت، نیز کاخی بنا نهادند که تا کنون آثار و بقایای آن بجای مانده و در آن تپه، مجسمه‌ها و سکه‌هایی از عهد ایلامیها و هخامنشیها پیدا شده است. ضمناً این مکان خزانه و ابزار اسلحه پادشاهان هخامنشی بوده است. هخامنشیها، کاخهای زیادی در حومه مسجد سلیمان ساخته‌اند که عبارتند از: «قلعه بزدی»، در اندیکاه، «قلعه لیت» در نزدیکی قلعه بردی و «قلعه دیزه و رازه» در بالای کوه دلا به سمت شمال و «پل نگین» در شیرین بهار و «شیمبار» و سایر آثار دیگر. در سال ۵۳۹ قبل از میلاد کوروش هخامنشی به بابل حمله نمود و پس از تسخیر بابل کشور پارس و ایران را بنا نهاد. «پارسوماش» یا مسجد سلیمان فعلی را می‌توان اولین شهر آریاییان و نیای پاسارگاد و تخت جمشید نامید و بنیانگذاران آن را که «هخامنش» یا «پیش پیش» بوده‌اند، آغازگر شهرنشینی پارسیان و ایجاد کشوری دانست که ایران می‌خوانیمش.

۹- مسجد سلیمان در زمان اشکانیان یا پارتها

پادشاهان این سلسله اکثراً بصورت عشیره‌ای زندگی می‌کردند و جای مشخصی نداشتند. البته

بیشتر این سلسله در گوستانهای غربی ایران و دامنه‌های زاگرس سکونت می‌کردند و همیشه در جنگ و جدال بودند. کاخهایی که در دوره آنان ساخته شده خیلی کم است. فقط به احتمال قوی مسجد خاکی برای آبیاری مسجد سلیمان، جلوی رودخانه کارون بسته‌اند که ممکن است از همین دوره پیشی دوره چندیته که اکنون از دو طرف مسدود گردیده، آب به مسجد سلیمان می‌آمده و دشتهای بتوند و شعبیه شوش را آبیاری می‌نمودند. اکثر آثار آنها و مستعشان مهره‌سازی بوده است و چند تپه خاکی از آثار آنان در بمبی و گلگیر موجود است.

۱ - مسجد سلیمان در زمان ساسانیان

این شهر در زمان ساسانیان یکی از آبادترین و پررونق‌ترین شهرهای ایران بشمار می‌رفت و در بعضی از کتب تاریخی آن را هروس شهرهای خوزستان می‌نامیدند. علت اینکه ساسانیان نسبت به مسجد سلیمان توجه بیشتری از خود نشان دادند به این خاطر است که چون یکی از قدیمیترین شهرهایی بوده که اقوام پیشین در آن حکومت کرده‌اند و بدین منظور به آن توجه خاصی داشتند و در آبادانی آن کوشش فراوانی نمودند و حتی رودخانه کارون که هم اکنون پل قدیمی ارتباطی بین مسجد سلیمان و اندیکا روی آن احداث شده است، مادر لوله‌شیر بابکان آن بنا شده و پایه وسطی پل قدیم گدارلندو که به شکل خوزنقه است، به نسبت بزرگتر از این بانوی مهندس ساسانی ساخته شده است.

اکثر آثار باستانی که در اشکفت سلمان ایذه، دوپل و کول فرح وجود دارد و مربوط به دوره ساسانی است، مثلاً پلی که روی رودخانه دوپل احداث شده و یکی از عجیب‌ترین ساختمانهای دنیا است. بدست این بانوی ایرانی بنا گردیده است.

«شوشیان» یا شوسین کبیر که بین مسجد سلیمان و ایذه قرار دارد، پایتخت ساسانیان بوده و «توتل» پل شیرین بهار (شعبار)، نیز بدست پادشاهان ساسانی ساخته شد.

بهر حال تمام سدها و کانالهای آبیاری که در خوزستان وجود دارد در دوران پادشاهان ساسانی ساخته شده‌اند بخصوص پلها که معروفترین آنها پلی است در شوش که بدست والر یانوس امپراطور روم که توسط شاپور اول اسیر گردید، ساخته شده است.

پس از قلع و قمع شدن جانشینان اسکندر توسط اشکانیان و پس از اینها ساسانیان، به خوزستان مرکزیت بیشتری داده شد. توجه به خوزستان نمی‌تواند بی‌تأثیر از پیدایش چشمه‌های جوشان نفت بوده باشد. بعدها خوزستان بدفعات بدست حکام و والیان متعدد، مرتبط به قبایل و عشایر خاص افتاده و حکومتهای خودمختاری به تبع ضعف حکومت مرکزی پیدا کرد.

۱۱ - مسجد سلیمان در زمان سلجوقیان:

ترکان سلجوقی مدت چند سالی در این شهر سکونت کردند و مقر فرمانروایی آنها بیشتر در اندیکا، تیمی و گلگیر قرار داشته است. آثاری که از این قوم باقی مانده قلعه سُقَر، در اندیکا و «دژ اتابک» است. البته ترکان سلجوقی در شیراز حکومت می‌کردند، چون پادشاهان این قبیله فرزندان‌شان را بدست افراد لایق می‌سپردند تا اینکه فنون جنگ و سیاست و منلکت‌داری را به آنها یاد می‌دادند و به همین دلیل پیش از اینکه به پادشاهای برسند آنها را اتابک می‌نامیدند که «سُقَر، بن - هودده بدست اتابک لر» تربیت شده و قلعه‌هایی در «کُکُکُ، اندیکا، و در بُنه‌وار لالی» نیز سنگ‌نوشته‌ای با خط خوش در زمان جهانگیرخان سلجوقی نوشته شده که هنوز آثار آن موجود است. در همان محل ساختمانهای زیادی از این قوم باقی مانده که متأسفانه بر اثر عدم حفاظت، هشایر روی آنها را پوشانده و در آنها زندگی می‌کنند و با این وضع، قدمت آثار و ساختمانهای باستانی از بین رفته است.

۱۲ - مسجد سلیمان در زمان صفویه:

این شهر در زمان صفویه مخصوصاً شاه طهماسب اول، شهری آباد بوده که در اطراف آن تنباکو و سایر حبوبات که در آن زمان شهرت فراوانی داشته است کاشته می‌شد. بقعه هفت شهیدان که فرزندان امام موسی کاظم می‌باشند، بدست این پادشاه ساخته شده که آنها پنج مرد و دو زن می‌باشند. امروزه بقعه و صحنش توسط هیأت امنای آن بازسازی شده و قدمت گذشته را ندارد. در چند کیلومتری بقعه هفت شهیدان، هفت شهیدان، «پرتوشته» وجود دارد که با خط کوفی نوشته شده ولی متأسفانه بر اثر عدم حفاظت از این میراث‌گرانیها، خطوط آن از بین رفته است و روی آنها را تراشیده‌اند به طوری که اصلاً تشخیص آنها مشکل به نظر می‌رسد. نرسیده به پرتوشته سمت چپ، روستایی قدیمی به نام «دِه گَکَه» وجود دارد که آثار و بقایای ساختمانهای آن هنوز استوار و برقرار است. در نزدیکی این روستا، قبرستانی قدیمی وجود دارد، که روی یکی از سنگ قبرها نقش شمشیری را حک کرده‌اند و در آن نوشته شده است: «مرز بین چهار لنگ و هفت لنگ».

۱۳ - مسجد سلیمان در زمان افشاریان:

این قوم از طریق شوشتر و دشت بتوند به مسجد سلیمان وارد شدند و مدت زیادی در این منطقه نمایندند و راه کهگیلویه و بویراحمد را در پیش گرفتند تا اینکه بعد از قاتل ترکان افشاری که بر علیه نادرشاه برپا کرده بودند، نادرشاه نیز «دوازده هزاره خانوار از بختیارها را به سمت تبریز، خراسان و شهرهای دیگر کوچ داد و همچنین دوازده هزار خانوار ترک از ترکان افشاریه را از

آنجا بالاچار بیرون و بطرف خوزستان اعزام نمود و اسکان داد تا اینکه بعد از برگشت عده‌ای از بختیارها به وطن اصلی خود برگشتند و عده‌ای از ترکان نیز به سرزمین اولیه خویش بازگشت نمودند. ولی عده‌ای از آنها در بین منطقه راهدار و شوشر باقی ماندند و به قتل زوها یا گندل‌ها معروف می‌باشند. افراد این طایفه بیشتر در شوشر و سایر شهرهای خوزستان حکومت می‌کنند و در نزدیکی «در غزین» دارای آب و ملک زیادی نیز می‌باشند. هم‌اکنون رئیس اول آنها آقای حسین خان المثار بوده که در محل مذکور دارای قلعه‌ای بزرگ می‌باشد.

۱۴ - مسجد سلیمان در زمان زندیه:

در زمان حکومت کریمخان زند که وی از اصفهان به شیراز رفته بود، توانست خانواده خود را بخاطر امنیتی که در بین بختیارها داشت از اصفهان به مسجد سلیمان کوچ دهد تا نهایتاً به شیراز فرستاده شوند. کریمخان زند نیز تعداد زیادی از عشایر بختیاری را از کوهستانها به دشت‌های اهواز، هویزه و تا نزدیکی خلف آباد و رامشیر کوچ داد، ولی آنها بعد از مرگ کریمخان مجدداً به کوهستانها روانه شدند.

۱۵ - مسجد سلیمان در زمان خلفای عباسی:

این شهر نیز همانند شهرهای دیگر ایران از حملات اعراب مصون نماند و در زمان خلافت خلفای بنی عباس، مورد هجوم آنان قرار گرفت. آنها کلیه آثار و بقایای تمدن کهنی را که در این شهر و اطراف آن وجود داشت از بین برده و با خاک یکسان کردند. ضررهایی که اعراب به ایران وارد نمودند بیش از زبانهای بوده که در حملات مقدونی‌ها و مغولها کشور ما متحمل شده است.

۱۶ - مسجد سلیمان در زمان قاجاریه:

همه ما می‌دانیم که سرزمین مسجد سلیمان در قرون وسطی «نُفَر» و تا آغاز فعالیت‌های اکتشافی صنعت نفت «جهانگیری» نامیده می‌شد و با حفر چاه شماره یک خاورمیانه به میدان نفتون تغییر نام یافت. متعلقه مسجد سلیمان زمانی در دست چهار لنگها بود و خوانین آنها بر این خطه حکومت می‌کردند.

در آخرین سالهای سلطنت فتحعلی شاه قاجار، محمدهادی خان چهار لنگ بختیاری در خوزستان بر علیه حکومت مرکزی شورید. دفع شورش وی به دلیل فوت فتحعلی شاه ممکن نگردید. پس از

۱- در آن موقع که لفظ «جهانگیری» برای کل منطقه به کار می‌رفت، هم‌زمان یا آن به محله‌هایی همچون نفتون - نمره یک - پشت برج (نمره چهل) - سی برنج و باغ ملی، «نفتون» و «نفتون» می‌گفتند زیرا قبایله‌ها و استاد طایفه نصیر دال بر صحت این مطلب است.

لوت وی بعثت بروز کشمکشهای متعدد که بین شاهزادگان قاجاریه رخ داد سه تن از آنان به لندن فرار کردند. از این زمان به بعد تاریخ ایران بعد تازماری پیدا می نماید.

باید دانست که کشور ایران در آغاز قرن نوزدهم در اثر استعمارطلبی کشورهای بزرگ اروپا به دایره سیاحت بین‌المللی کشیده شد و انگلیس که می خواست به نحوی بر خلیج فارس تسلط پیدا کند، از راه اعزام جاسوسانی بنام جهانگرد و ریاستانشان در صدد کشف طرق امکان راه یابی به استعمار کشورها برآید. به همین دلیل شاهزادگان فراری را کمک نمود تا به بغداد آمده و با محمدتقی خان بختیاری ارتباط حاصل نمایند. انگلیس توانست با استفاده از شورش خان بختیاری علیه حکومت مرکزی، محمدشاه را از توجه به هرات بازدارد و او را درگیر با حکومت بختیاری سازد. پس از چند بار آشوب و شورش بالاخره جهان بختیاری توسط حاکم اصفهان دستگیر و به تهران گسیل داده شد.

با دستگیری محمدتقی خان، نفوذ ایل چهارلنگ در منطقه مسجد سلیمان از بین رفت و از همین موقع نفوذ ایل هفت لنگ آغاز گردید و مسجد سلیمان جزء متصرفات طوائف هفت لنگ قرار گرفت. در مسجد سلیمان از زمانهای دور نفت را با اصول اولیه استخراج می کردند و صادرات قبری، نفت سفید و خیره را مانند سابق در بازارهای تهران، اصفهان و شوشتر جهت بازسازی بقیع هفت شهیدان می فروختند.

در ۱۲۰۱ سال قبل، نفت سفید چشمه های مسجد سلیمان که به صورت بدوی استخراج می گردید و تصفیه نیز نشده بود، رقابت شدیدی در تهران و نقاط شمالی ایران با روغن چاههای نفت بادکوبه، می نمودند.

بعد از قتل حسینقلی خان ایلخانی، یکی از خوانین صاحب نام دیگری که تا این اواخر و تا اوایل شروع بهره برداری از نفت، نامش را در تاریخ حکومت بختیاری و انقلاب مشروطیت می توان دید، حاج حلیقلی خان معروف به سردار اسعد است که نقش وی را در خلاصه تاریخچه نفت ایران که در صفحات بعدی این کتاب درج می گردد به عنوان خان بختیاری خواهیم دید. این شهر در زمان حکومت قاجاریه هم از قلع و قمع مصون نماند و علاوه بر جنگهای داخلی بین طوائف، با بستن قرارداد نفت بین مظفرالدین شاه و نماینده اعزامی ویلیام لاکس دارسی انگلیسی، خرمی و سرسبزی طبیعت مسجد سلیمان به کلی از دست رفت و اینجاست که به صورت یک شهر مدرن درآمد و نه به همان حال اولیه خود باقی مانده است. با کشف نفت در این سرزمین، مردم اطراف برای کار کردن، بعنوان کارگر ساده به خدمت عده ای از خوانین بختیاری که نوکران سرسپرده انگلیسی ها بودند، آب و خاک اجساد خود را رها کرده و در صنعت نفت با حقوق بسیار ناچیز

روزانه یکبارگی دوریال آن زمان جذب می شدند. بیشتر زمین داران محلی شهر نیز پراکنده شدند و مالک اصلی زمینهای مردم ایران، انگلیسی ها شدند. خیانتی که فاجارها توسط خوالین در جهت فروختن املاک به این ایل جلیل کرده اند تا یک نفر از بختیارها زنده هست فراموش نخواهد شد. طلوع دوباره این شهر پارسیان، بعد از گذشت چندین سده در ۵ خرداد ۱۲۸۷ هـ. ش (۱۹۰۸ میلادی) یا فوران نفت از میدان نفتون، در میانه مسجد سلیمان کنونی انجام پذیرفت. فورانی که حیات اقتصادی و اجتماعی مسجد سلیمان و بعد ایران را دگرگون کرد. ولی این یار بانیان شهر نه شیافان پاری فرود آمده از کوهها، بلکه فرنگیان شهرنشین و صنعتگر و به اصطلاح مدنیت یافته، اما جهانگشا و جهانخوارانی بودند که از دریاها دور، خود را به این سرزمین رساندند. این بیگانگان زیرک به مدد متون تاریخی دریافته بودند که ایرانیان در این محل از نفت و گازی که بطور طبیعی از زمین به خارج رانده می شد، استفاده های گوناگون کرده و آتش جاودان خود را در این جایگاه می جسته اند. پس نماینده پی گیر و ماجراجوی آنها بنام درینولدز موفق شد با انتقال وسائل و تجهیزات لازم و حفر چاه در مسجد سلیمان بر سرچشمه آتش جاودان پارسیان دست یابد. انسان از قدیم به نماز و نیایش گزید گرمای شعله ای رخشان که آتش گازهای نفتی بود، معبد و مسجدگاه می افکند و اکنون که هزاران سال از آن دوران گذشته است و از این آتشکده بر تپه های بختیاری بجز ویرانه هایی باقی نمانده است، باز به نیاز شعله شمعی می فروزد و آتش دیوار از گذشته روزگار مُرد و این، آن شعله درخشان گرمابخش خلاق که هوش آدمی را ولت، جاودانه تابان است، به نیروی درون سنگها پی برد و در پای پرستشگاه کهن ایران نه از سوی نیایش بلکه بهر آفریش، طرحی ناب افکند و دشت و کوه خوزستان صحنه رشد و نعی صنعتی نو شد.

کمپانی نفت ایران و انگلیس، زمینهای مسجد سلیمان را پس از حفر چاه شماره یک به اسم تأسیسات نفت و ملک شرکت، در نیول خود گرفته بود و انگلیسی ها نام:

Management - Information - System

سیستم اطلاعات مدیریت

که باختصار (M. I. S) خوانده می شود را بر این شهر نهادند.

۱۷ - مسجد سلیمان در زمان حکومت پهلوی

در سال ۱۳۰۳ شمسی رضاشاه پهلوی به همراه وزرای کابینه و خوالین بختیاری آن دوران به مسجد سلیمان سفر کرد و پس از بازدید از تأسیسات نفتی شهر و مشاهده قدیمی ترین آتشکده ایرانیان باستان در این شهر، لایحه ای از طرف خود به مجلس ارائه نمود و از همان تاریخ نام این شهر از میدان نفتون به «مسجد سلیمان» تغییر یافته است. در زمان این دودمان، مسجد سلیمان هم تا

آنجایی که شیر در بدن داشت، بوسیله چاههای نفتی که در حدود ۳۱۴۰ حلقه می‌باشند، منابع زیرزمینی و خدادادی این منطقه زرخیز استخراج شده و به حلقوم کارتل‌ها و تراست‌ها ریخته می‌شد و انگلیس و امریکا از این طلای سیاه آبادان گشته، ولی برعکس ملت ایران هر روز فقیرتر و ناتوان‌تر می‌شد. در زمانی که روزانه بیش از $\frac{4}{5}$ میلیون بشکه نفت از این خاک زرخیز بوسیله لوله‌های نفت بنوی دریاها و نهایتاً کشورهای بیگانه سرازیر می‌شد، کارگران ایرانی حق مصرف بیخ و بنوار ماشین شدن را نداشتند. می‌بایستی با پای پیاده و با یک دُول پُر از آب تلخ به سر کار خود بروند.

کارگران ایرانی حق استفاده از برق را نداشتند. تنها کسی یا کسانی می‌توانستند از وسایل رفاهی شرکت نفت ایران و انگلیس استفاده نمایند که مورد محبت «صاحب» قرازی می‌گرفتند. هر ایرانی که این کلمه را در مقابل انگلیسی‌ها به زبان نمی‌آورد و فراموش می‌کرد، فوراً مورد غضب قرار می‌گرفت و از کار اخراج می‌شد. کارگران و کارمندان ایرانی از تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۲۹ به قوه و قدرت رسیدند و در آن هنگام صنعت نفت ایران به رهبری آیت‌الله کاشانی، آن روحانی بزرگ و مبارز و دکتر محمد مصدق، ملی شد و انگلیسی‌ها را یکی پس از دیگری از خاک ایران بیرون راندند.

در فروردین ماه سال ۱۳۳۴ ش. محمدرضا شاه پهلوی، پادشاه جوان آن زمان ایران از تأسیسات نفتی مسجد سلیمان و چاه شماره یک خاورمیانه در این شهر بازدید نمود.

در کتاب «تاریخ جغرافیایی خوزستان»^۱ راجع به مسجد سلیمان چنین نوشته شده است: در ۲۴ میل شرقی شوشتر بالای تپه سنگی بلند، صفت بزرگ خبلی کهنی است که از سنگهای بزرگ و کوچک بسیاری ساخته شده است و برخی تکه سنگهای آن به قدری بزرگ است که ده نفر نتوانند بزور هم آن را حرکت دهند. چون الوار آنحدود سنگ بزرگ را کار گذاشتن، از توانایی آدمی بیرون پنداشته‌اند، افسانه‌ای درست کرده و ساختن آن را به دیو نسبت داده‌اند.

این صفت چنانکه از وضع آن پیداست، یکی از آتشکده‌های روزگار قدیم است که به مناسبت مجاورت چشمه نفت در این حدود ساخته شده تا احتیاج به سوخت دیگری نباشد و دور نیست که سوخت آن از گاز نفت می‌بوده که خود به خود از زمین بالا می‌آمده چنانکه آتشکده خودسوز «بادکوبه» همان گونه بوده است و نیز دور نیست آتشکده‌ای که پالوت خموی در ولایت ایذج نشان می‌دهد و گوید تا زمان هارون الرشید روشن بوده همین باشد. امروزه تمامی این ولایت به

تأسیسات این منطقه مسجد سلیمان نامیده می‌شود. مسجد سلیمان بین ولایت شوشتر و ایذه واقع می‌باشد و شمال آن رود کارون است و جنوبش خاک جالنگی و ذر فرون و سطنی بنام تلغر نامیده می‌شد و این نام به سرزمینی گفته می‌شود که از کنار رودخانه کارون تا زمینهای مشرق چشمه نفت امتداد داشت. در این ایام قسمت بالاین آن را زیلابی و هفت شهیدان گویند و قسمت پاتین آن را ترک ذر و قسمت پایین تر را مسجد سلیمان خوانند. بلوک تلغر در آن روزگار جایی آباد بوده و دههایی چند داشته است در کتاب «تذکره شوشتر» آمده:

«محل تلغر از محال مرغوبه این بلاد است که به حسب آب و هوای و تیکی محصولات، خصوصاً تنباکو کمال امتیاز را دارد و مکان آن به سبب احتیاط تجارال به غایت حصین است. نهایت بواسطه کثرت قلب و تعدی اولی الامر و صفت سادات آنجا، از رفع بی حسابات اکثر اوقات خراب و بی رونق و ترک تازا کرد و الوار که در آن حوالی می‌باشند مزید علت شده، محصولی از آنجا به عمل نمی‌آید»

در همان کتاب تصریح می‌شود که چشمه قیر از محل تلغر است و اراضی هفت شهیدان را گوشه تلغر می‌نامند و این خود گواه است که سراسر این خاک بنام تلغر خوانده می‌شود. این سرزمین ناحیه ایست کوهستانی و چندین رشته کوههای گچی، سنگی و خاکی در سراسر آن کشیده شده است مانند گچ امام رضا (ع) و گچ خلیج و شاخه‌هایی از اینها تیز جدا شده. در میان این رشته کوهها، جلگه‌ها و دره‌هایی است که در روزگار پیشین کشتزار بود و بواسطه باران، جو و گندم در آن کشت می‌شد و اکنون بیشتر آنها زیر ساختمان رفته و در برخی، چاه نفت زده شده و از این جهت انگلیسی‌ها آن را Oil Fields می‌نامند.

بلندی قله این کوهها، تیز تلغر است که نزدیک ساختمان امامزاده معروف به هفت شهیدان می‌باشد جلگه‌های معروف این خاک یکی زیلابی است در سمت شمال که هوای آن اندکی بهتر از نقاط دیگر است و دیگری زمینهای ترک ذر که قدری جنوبی تر واقع شده. دیگری میدان ملارضا که اکنون فرودگاه هوایمایی است و به میدان بالون معروف شده و همچنین میدان نفتون یا میدان میان نفت که بیشتر آبیه و خانه‌های مسجد سلیمان در آنجا ساخته شده. سرزمین مسجد سلیمان تمامی دیم است و آب شیرین آن منحصر است به چند چشمه کوچک مانند چشمه شداد، چشمه علی، چشمه زالو و این هر سه در مسجد سلیمان می‌باشد و چشمه قلم آب در هفت شهیدان و

چشمه‌های کوچک دیگر که آب آنها به جهت کشت و زرع کافی نیست، تنها بمختصر فالیزه و چند درختی در زیر هر یک از آنها بعمل آورده‌اند. آب‌های شور تمبی، آه بهری، چم آسیاب و غیره از این سرزمین می‌گذرد، لکن بواسطه شوری قابل شرب و آشامیدن نیست.

بگفته مؤلف تذکره شوش، سکنه مسجد سلیمان در قدیم طوایف شالو و مالو بوده‌اند، اما بتدریج گند زالوها و الوار آنها را از آن منطقه بیرون رانده‌اند و اکنون در اطراف مسجد سلیمان طوایف نصیر، راکی، شهنی، باورصاده، شنجزی و بابا احمدی سکونت دارند و در خود شهر آن، همه گونه مردم از اروپایی، هندی، مردم عراق عجم، خوزستانی، انیراک و غیره دیده می‌شود. آب آشامیدنی مردم را شرکت نفت سابقاً بوسیله لوله از در خزینه می‌آورد و اکنون از گذار لندر می‌آورد. آبیاری این شهر و سیراب کردن این مردم زیاد، از آب کارون، یکی از کارهای بزرگ شرکت نفت بوده است.

* آیا مسجد سلیمان شهری است یا بلوکی:

چون زمین این ناحیه ناهموار و پست و بلند است و از طرف دیگر شرکت نفت ناچار بوده بواسطه بودن چاههای نفت، مؤسسات و خانه‌های کارکنان خود را در این سرزمین بسازد، خواه ناخواه هر قسمتی از این ساختمانها در دره‌ای یا بر تپه‌ای که مناسب بوده ساخته شده. از این جهت محلات این شهر از هم گسیخته است و هر دسته از ساختمانها را تپه‌ای یا دره‌ای از دسته‌های دیگر بریده است. گذشته از این وضع، چاههای نفت و اقتضای کار مواقت نداشته که ساختمانها بهم پیوسته شود و خیابانهای راستی مانند شهرهای عادی در آن احداث گردد از این رو مسجد سلیمان وضعیت مخصوصی بخود گرفته و به سایر شهرهای جهان شباهتی ندارد. پس می‌توان آن را شهری دانست که محلات آن از یکدیگر دور افتاده، یا بلوکی شمرده که دههای آن بهم نزدیک است و با اینکه جمعیت آن بسیار است هنوز برخی از لوازم شهر را کم دارد. و جز دو مسجد در آن نیست و حمام عمومی آن منحصر به دو باب است که توسط شرکت نفت ساخته شده است.

* قطعات مهم مسجد سلیمان عبارتست از:

- ۱ - نفتک: مرکز ژاندارمری و خانه‌های کارگری و دکاکین و کارخانه یخ‌سازی. ۲ - تلخ آب: میدانهای ورزشی در آنجاست. ۳ - چشمه علی: محل تعمیرگاه مرکزی واتارها و باشگاه و سینما و بازار و دبستان و منازل کارگری. چشمه علی قبلی که باغ درختی است در پای کوه و چند دکان و چند خاتوار از الوار در آن سکونت دارند. ۴ - مال جانکی: چند خانه لُرشین است.
- ۵ - پنج پتگله: چند باب عمارت دارد. ۶ - مال کریم: منازل قدیمی کارمندان ایرانی در آنجاست. ۷ - میدان: جایگاه اداره مرکزی شرکت و انبارها و مؤسسات بنایی و گاراژ و

آتش نشانی و عمارات کارمندان و دبیرستان و باشگاه ایرانیان و باشگاه هندیان و ادارات دولتی است. ۸ - نقتون، جایگاه منازل نوساز کارگران و دبستان و باشگاه آنها. ۹ - نمره یک، چند باب خانه کارگری و بازار و حمام و کاروانسرا و بازار سبزی واقع است. ۱۰ - کلنگه، دارای چند رده خانه‌های درجه سوم شرکت و مردم نیز در آنجا خانه‌هایی ساخته‌اند و در پشت آن، بیمارستان شرکت و برخی عمارات عالی ساخته شده. ۱۱ - سبزآباد و پشت‌کوه، شامل بر خیانه‌ها و دکانین. ۱۲ - تپه محل کارخانه بزرگ تولید و قند و شکر و نفت و گاز و آب و برق و گاز و نفت سفید به یا میدان بین تپه محل کارخانه گوگردسازی و کارخانه جذب گاز و تهیه بنزین و نفت سفید به جهت مصرف مناطق منتخب.

آثار قدیمه در این ولایات یکی بقعه هفت شهیدان است و آن مدفن سید احمد معروف به شیخ کفر و پسران و دختران اوست و دیگری ترک‌دوز و آن دوز خرابه‌ای است که در روزگار استیلای اترک ساخته شده است و دیگری مسجد سلیمان (صفه قدیمی) که در بالا به آن اشاره شده، دیگری کلنگه و آن جای آبادی قدیمی است که کلنگه کنونی بر روی آن ساخته شده است و آن را کلنگه زری یا زرین نیز می‌گفتند و در چند سال پیش مجسمه سنگی انسان در آن از زیر خاک پیدا شد. در سرزمین مسجد سلیمان تپه‌هایی که جایگاه آبادیهای پیشین بوده، فراوان دیده می‌شود.

www.Bakhtiari.com

بگشای سوم

نفت در گذشته و تاریخچه آن

۱ - در خاور میانه

قدما نفت را می شناختند و بعضی از موارد استعمال آن را می دانستند. در کشورهای خاور میانه که جنگلهای انبوه کم بود و تراوش نفت روی زمین از کشورهای دیگر بیشتر نمودار می گشت مردم این نواحی زودتر از دیگران به کشف نفت و فزاید آن پی بردند، برعکس در یونان، روم و سایر کشورهای اروپایی که مردم در سرزمین پر جنگل و مستور از بوته و چمن می زیستند. سوخت خود را با ذغال چوب تهیه می کردند و صنایع درختی بجای نفت و قیر حوائج آنها را مرتفع می ساخت از آن رو در کتابهای تاریخی آسیا و شمال آفریقا نام نفت و موارد استعمال آن بسیار دیده می شود ولی از رواج و شیوع نفت در اروپای آن روز خبری نیست.

در سفر پیدایش از کتاب تورات باب ششم آیه چهارم خطاب به نوح پیامبر نوشته شده است: پس برای خود کشتی از چوب کوفر بساز و حجرات در کشتی بنا کن و درون و بیرونش را به قیر بینداز. در سفر خروج از کتاب تورات باب دوم آیه سوم راجع به تولد حضرت موسی نوشته شده: و چون توانست او را دیگر پنهان دارد تاپرتی از نی برایش گرفت و آن را به قیر و زفت اندوده، طفل را در آن نهاد و آن را در نیزار به کنار نهر گذاشت، کشتی نوح به وسیله Bitume^۱ و غیر قابل نفوذ گردیده و صندوقهای که مادر حضرت موسی طفل خود را در آن گذاشته و به آب نیل انداخته نیز به یثوم اندود بوده است.

گاو شهای باستان شناسان در کشور عراق نشان داده که از چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح ملات

۱- باقی مانده مواد نفتی پس از تقطیر مواد سبک آن، که چیزی شبیه قیر است. (Bitume)

نفت در حنارات و اینه بکار می‌رفته است. هرودوت مورخ یونانی می‌نویسد: سنگ فرش کف باغهای معلق بخت‌النصر با قیر معدنی بندکشی شده بود و مردم بابل استخرها، راههای آب و بناهای خود را با قیر بندکشی می‌کردند. همچنین بنا به گفته مورخین در بابل جاده‌ها را آجر فرش می‌کردند و با قیر بندکشی می‌کردند تا تحمل اربابه‌های سنگین را داشته باشد. در مراجعه به تاریخ می‌بینیم که از پیشوم به صورت سیمان در ساختمانها استفاده می‌شده است. آثار این استفاده در بین‌النهرین، الجزایر و کلبه در پوشش مجاری آب، آب انبار، سدبندی و غیره دیده می‌شود. رومیانی که در کلبه و فلسطین صورت گرفته استفاده از پیشوم را ثابت می‌کنند.

در جمله استفاده‌های دیگر مواد نفتی فومیایی کردن اجساد در مصر قدیم بوده که برای این کار از کیمیاالت معدنی ایران و فلسطین استفاده می‌کردند. بعضی از ملل خاورمیانه فرآورده‌های نفتی و مخصوصن قیر معدنی را در سحر و جادو بکار می‌بردند و گاهی هم بتهای کوچک و بزرگ از آن می‌ساختند. بحرالامیت یکی از قطعی بود که از آنجا قیر بدست می‌آمده و به قرار معلوم از کف دریایه مزبور تکه‌های بزرگ قیر روی آب می‌آمده و مردم آن را جمع کرده و از آن استفاده می‌نمودند. عربها (مسلمانان) دو مرتبه قسطنطنیه را محاصره کردند و هر دو مرتبه حمله آنان بر محله آتش‌اندازهای نفتی دفع شد. در سال ۹۴۱ م. هنگامی که ناوگان روسی مرکب از هزار کشتی به محاصره قسطنطنیه آمد، رومیها نفت روی آب دریا ریخته آتش زدند و کشتیهای روسی را سوزانده آنان را بدین وسیله مغلوب ساختند.

۷- نفت در ایران

کاشفهای باستان‌شناسان محقق داشته که از زمان سومریان (پنج الی شش هزار سال پیش) در شوش قیر مورد استفاده بوده به این قسم که قیر را بجای ملات بین سنگها و آجرهایی که در حنارات به کار می‌بردند استعمال می‌نمودند و همچنین جواهرات را به وسیله تکه‌های قیر نصب می‌کردند و دسته‌های چاقو و امثال آن را با قیر مستحکم می‌ساختند و کشتی‌ها و ظروف سفالین را با قیر می‌اندودند تا آب به آنها سرایت نکند. در یوش در محل «کلسدان» زیر دیوار ضخیم شهر، دالان اخذات کرده بود که بطور منظم از چوب اندوده به پیشوم پر شده و به صورتی ساخته شده بود که بی دیوار را این چوبها تشکیل می‌دادند تا در مواقع بروز خطر چوبها را آتش زده و به این ترتیب سدنی در مقابل مهاجم قرار دهند.

در ایران آتش را جزء عناصر مقدس دانسته و به آن احترام می‌گذارند. گاز و نفت را که در پاره‌ای جاهای آن زمین خارج می‌شود، مشتعل کرده و چون همیشه می‌سوزد در نظر آنان «آتش جاودان» به حساب می‌آید و آن را به زبان پهلوی «اخواریشیک» می‌نامیدند و در نقاطی که این آتش دیده

می شد آتشگاه بنا می کردند در مسجد سلیمان، دامغان، اوان (بادکوبه) و بلخ اینگونه آتشکده ها وجود داشته است.

گازهای نفتی هر چند که مورد استفاده قرار نمی گرفت ولی از همان زمانها نیز در زندگی بشر نقش داشته است. این گازها که از شکاف و روزنه های زمین به خارج درز می کرده، گاهی بر اثر صاعقه و امثال آن مشتعل شده و غرنی پروزان می مانده است و به احتمال قوی می توان گفت که مذنب زرتشت در پرتو این فبله های آتش قدرت گرفته.

بالموت حموی در معجم البلدان از قول جهانگردی نقل می کند که در محلی موسوم به «شیز» واقع در آذربایجان (ظاهراً محل مزبور میان مرآه و زنجان است و اکنون آن را تخت سلیمان می نامند) آتشکده ای بود که در هفتصد سال پیش در آنجا آتش جاودان پروزان بوده است. هر دو بیت در تاریخ خود راجع به داستان محاصره شهر آقن از طرف ایرانیان می نویسد:

ایرانیان از روی تپه ها، تیزهای پروزان به سنگرهای یونانیان پرتاب می کردند و معلوم است که تیرها آلوده به نفت بوده و گونه به هنگام پرتاب سریع خاموش می شدند.

فردوسی در شاهنامه ضمن داستان بستن سد یا جوج و ماجوج توسط اسکندر و چگونگی ساختن آن از نفت نیز نام برده و چنین می گوید:

از هر کشوری دانی شد گروه	دو دیوار کرد از دو پهلوی کوه
زین تا سر تیغ بالای اوی	چو صد آتش کردند پهنای اوی
از او یک رش انگشت و آهن یکی	پسراکنده پس در میان اندکی
همی ریخت هر گوهری یکده	چو از خاکه تا تیغ گشت آژده
بسی نفت و روغن بیامی ختند	همی بر سر گوهران ریختند.

و نیز در طی داستان رزم اسکندر با هندوها راجع به استعمال نفت چنین می گوید:

و شب بستند دانش پندروهان بهم	یکی چاره جستند بر بیش و کم
یکی انجمن کرد از آهنگران	هر آنکس که بودند از ایشان سران
ز رومی و مصری و از پارسی	فزون بود مردان ز صد پارسی
یکی پارگی ساختند آهنین	سوارش ز آهن و ز آهنش زین
به تیغ و به مس درزها دوختند	سوار و تن و باره فروختند
بگردون همی راندند پیش شاه	درونش بسپاکنده نفت سیاه
سکندر بدهد آن پستد آمدش	خردمند را سودمند آمدش
به اسپ و به نفت آتش اندر زدند	همه هندویان دست بر سر زدند

از آتش برافروخت نفت سیاه	بجنید از آن کاهن بد سپاه
ز لشکر برآمد سراسر خروش	بزخم آوریدند پیلان بجوش
چو خرطوم هاشان بر آتش گرت	بسماندند از آن پیل بانان شگفت
همه لشکر هند گشتند بیاز	همان ژنده پیلان گردن فراز

و آمیانوس مارسلینوس، Amianus Marcellinus مورخ رومی که همراه ژولین، Julian امپراطور روم به جنگ شاپور دوم آمده بود چنین می نویسد:

ایرانیان برگهای گیاه مخصوصی را در روغن خیس می کردند، سپس مایع دیگری بنام نفت بر آن می افزودند، آنگاه تیرهای جنگی خود را در آن گزارده آتش می زدند و به طرف دشمن پرتاب می کردند و دقت می کردند کمان را آهسته رها کنند تا تیر به سرعت پرتاب نگردد و آتش آن خاموش نشود. این تیرها به هر جا می رسید ایجاد آتش سوزی می کرد و آتش آن با آب خاموش نمی شد و فقط ریگ و شن آن حریق را می خواباند.

دویست سال پس از آن، ایرانیان هنگام دفاع از لعمه، پتره، Petra واقع در تققاز با اسلحه های نفتی رومیان مهاجم را می راندند. پروکوپیوس، Procopius مورخ بیزانس در تاریخ آن جنگها چنین می نویسد: «ساخلوی ایرانی گوزه های بسیاری که از گوگرد و قیر انباشته شده بود آتش زدند و به طرف رومیان پرتاب کردند و توانستند به آن وسیله حرقی راه بیندازند که تقریباً همه چیز را سوزاند.»
سعودی خود در سال سیصد هجری به بادکوبه رفته و پس از دیدن معادن نفت آنجا چنین می نویسد: «در آنجا چشمه های نفت سفید بود و زیر دودکشها (آتش جاودان) می سوخت و هیچگاه خاموش نمی شد.»

سخن سرای بزرگ پارسی، سعدی در باب هفتم گلستان می گوید:

«هندوی فقط اندازی همی آموخت. حکیمی گفت: تو را که خانه نبین است بازی نه این است.»
بازی نفت اندازی که استاد سخن پارسی، سعدی شیرازی به آن اشاره کرده چنان بوده است که دو طرف چوبی را کهنه پیچیده، در نفت فرو می کردند، آتش می زدند سپس می چرخاندند. «شاردن» جهانگرد فرانسوی که در نیمه دوم قرن هفدهم (ایام صفویه) چند سالی در ایران بسر برده، در سفرنامه خود می نویسد: «در مازندران نفت سیاه و سفید یافت می شود که آن را برای معالجه سرماخوردگی به کار می بردند. نفت و مشتقات آن در معالجه زخم سر و مارگزیدگی نیز بکار می رفته است» به طوری که در تواریخ گذشته ذکر شده نادرشاه برای ترسانیدن پیلهای محمدشاه هندی و سپاهیان هند از آتش اندازی بوسیله نفت استفاده می کرده است. مواد نفتی از قدیم شناخته شده و از ابتدای شناسایی تا به امروز قدم به قدم براهمیت آن افزوده گردیده است.

بخش چهارم

کشف نفت در قرن بیستم

همین که در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی کار با دست به کار با ماشین تبدیل شد، استفاده از نفت برای روان کردن چرخهای ماشین مورد توجه قرار گرفت.

پس از انقلاب صنعتی اروپا تا مدتی ماشینهای بخار را با چربی حیوانات و ماشینهای بافندگی را با چربی نباتی (روغن زیتون) روان می‌کردند ولی بعداً معلوم شد که اسیدهای موجود در این نوع مواد به آهن و فولاد ماشینها زیان بسیار می‌رساند و از آن رو به فکر استفاده از مواد نفتی برآمدند. در اوایل قرن نوزدهم احتیاج به ماده‌ای که برای روشنایی سهل و ساده باشد و چربی معدنی که چرخهای ماشینها را روان نگاه داشته و بی‌زیان باشد گروهی را به فکر انداخت که این دو احتیاج را با کاوش و استخراج نفت رفع نمایند.

در سال (۱۸۳۳ م. یکی از شیمی‌دانان و نویسندگان آمریکا موسوم به دکتر «سیلمن بن جامین» Dr. Benjamin مقداری نفت خام را در آزمایشگاه خود تقطیر کرد، و دریافته بود که از این نفت خام می‌توان نفت سبکتری را به دست آورد تا در چراغ مصرف شود. در سال (۱۸۴۸ م. شخصی به نام «جیمز پنک» از اهالی اسکاتلند در صدد برآمد از ذغال سنگ نفت بگیرد. در سال (۱۸۵۴ م. شخصی بنام «بیسل» George. H. Bissell که شغل او آموزگاری و بازنشسته شده بود به بازدید یکی از دیرستانها رفت و در آنجا چند بطری دید که روی آنها نوشته شده بود: «روغن معدنی». اولیای دیرستان با آب و تاب فراوان خواص این روغن را شرح داده و اظهار داشتند که روغن معدنی مزبور را می‌توان در چراغ سوزانده و اطاق تاریک را مانند روز روشن کرد و نیز می‌توان آن را برای چرب کردن چرخهای ماشین بکار برد و استفاده‌های طبی بسیاری

هم از آن نمود.

پس از شنیدن این توصیفات، ییسل تصمیم گرفت وارد کار نفت شود و پیش خود گفت، باید حتماً منابع مهمی در زیر زمین باشد که چشمه‌های نفت سطحی از آن سرچشمه می‌گیرند، و مصمم شد که در حوالی چشمه‌های مزبور چاهی حفر کرده و به منبع زیرزمینی دست یابد. مقداری از اراضی مجاور چشمه‌های نفت را اجاره کرد و بی‌دولنگ شرکتی در نیویورک بنام «شرکت نفت معدنی پنسیلوانیا» *The Pennsylvania/Rock/oil/Co* تشکیل داد که به کار استخراج نفت پرداخت. اما قبل از شروع به کار یکی از این بطریهای نفت را خریده و نزد دکتر «سیلیمن» *Dr. Silliman* که قبلاً یاد شد و سمت استادی دانشگاه «پنسلوانیا» *Yale/University* را داشت فرستاد و از او نظر خواست. دکتر در جواب به ییسل چنین نوشت: «به نظر من زمینه مساعدی برای این ماده موجود است و شرکت شما یک ماده خامی بدست آورده که از آن می‌توان با طریق سهل و آسان و ارزان محصول گرانبهایی بدست آورد. شایان بسی توجه است، آزمایشهایی که من نمودم مبدل می‌دارد که از تمام اجزاء این ماده بدون اینکه هیچ جزء آن هدر رود می‌توان فرآورده‌های ذیقیمتی بدست آورد. ییسل و همکاران او مقدمات کار را برای حفر چاه نفت فراهم کردند. در این موقع ییسل شخصی را بنام «دریک» *Colonel/Edwin/L./Drake* استخدام نمود که حفر چاه را اداره نماید و محل چاه را هم در «تیتوسویل» *Titusville* در مجاورت چشمه‌های نفت ایالت پنسیلوانیا تعیین نمود و اناثیه‌ای هم که برای حفر چاه تهیه کرد همان آلات و ادوات معمول آنوقت بود که برای حفر چاههای آب نمک به کار می‌بردند.

سرهنگ دریک، ابتدا منشی تجارتخانه و سپس کارمند راه آهن بود و بدون آنکه سمت رسمی داشته باشد خود را کلنل «سرهنگ» می‌خواند. در ابتدا کار سرهنگ دریک، توفیق بسیار نیافت و رفته‌رفته مورد ملامت و سرزنش خودی و بیگانه قرار گرفت. بتدریج مردم نواحی اطراف معتقد شدند که شاید حالت دماغی این سرهنگ، از حال اعتدال خارج باشد و شروع به سخره و استهزاء او نمودند. ولی مایوس نشد و روز به روز بر پایداری خود می‌افزود تا آنکه در روز یکشنبه ۲۷ ماه اوت ۱۸۵۹ م. چاه او به عمق (۲۳) متر به نفت رسید.

چاه نفت سرهنگ دریک، مقدمه و پیدایش صنعت نفت امروزی می‌باشد و باید گفت که فن استخراج نفت با وسایل جدید از آمریکا سرچشمه گرفت. دو سال بعد از حفر چاه اول، چاه دیگری حفر شد که نفت با فشار گاز از چاه بیرون می‌آمد و از آن وقت به بعد استخراج نفت در آمریکا رونق بسزایی یافت. طولی نکشید که کاوش نفت از ایالات شرقی آمریکا تجاوز کرد و به غرب توسعه یافت. در نیمه دوم قرن نوزدهم احتیاج روزافزون به نفت چراغها و روغنهای ماشین،

جمعی را به فکر انداخت که در سایر کشورهای جهان دست به استخراج نفت زنند و هر جا چشمه‌های ظاهری و سطحی نفت موجود بود منجیق حفر چاه را برپا کرده و نفت استخراج نمایند. پس از آمریکا این کار در «رومانی» آغاز گردید و بعد هم در «بادکوبه» شروع شد و بتدریج به سایر نقاط جهان هم سرایت کرد.

بطور خلاصه می‌توان گفت گرچه مواد نفتی از مدت زمانی پیش، توسط بشر شناخته شده بود اما استفاده‌های جزئی از آن بعمل می‌آمده و در حقیقت قرن نوزدهم را باید تاریخ آغاز عصر نفت اعلام کرد.

مسجد سلیمان و عملیات نفت:

الف: کاوشها و امتیازات، ب: انعقاد قرارداد دارسی، ج: آغاز عملیات حفاری، د: تحصیل سرمایه، ه: مشکلات اولیه.

الف: کاوشها و امتیازات،

اولین کارشناس نفتی که درست یکصد و سی و نه سال قبل، از منطقه مسجد سلیمان که در آن موقع کوهستانی خالی از سکنه بود دیدن کرد و اهمیت حوضچه‌های نفتی آلوده به قیر آن را ارزیابی و تقدیر نمود، «لوفتوس» W. K. Loftus بود وی در سال ۱۸۵۵ م. شخصاً از حوضچه‌های قیر مسجد سلیمان بازدید کرده و ماده آن را به دولت مورد آزمایش قرار داده بود و بعداً مقاله‌ای پیرامون آن منتشر ساخت.^۱ وی در مقاله خود اظهار نظر کرده بود که، احتمالاً تمداد قراوانی از این مخازن در کوهستانهای بختیاری، در فواصل بین آتشکده کهن و مزبور «سر مسجد فعلی» و کوه آصاری «واقع بین هفتگل و مسجد سلیمان» که بطور طبیعی و خودکار قیر از حوضچه‌های آن تراوش می‌کند وجود دارد. لوفتوس می‌افزاید: حوضچه‌های مزبور در مناطق لم یزرع، شوره‌زار و در پشته‌های پیچیده و مرتفع سنگهای سیاه، سنگهای ماژن، سنگهای آهک‌دار، سنگهای گچ‌دار وجود دارد. وی متعاقب آن توضیح می‌دهد که روش ابتدایی استخراج قیر معدنی بوسیله یک خانواده مذهبی بنام «سادات قبری» که از اهقاب پیامبر اسلام (ص) بوده و حق انحصاری استخراج را داشته‌اند، ابداع گردیده بود. سادات قبری مالک زمین نبوده و فقط از قیر و

۱- مقاله لوفتوس تحت عنوان «در باره زمین‌شناسی نواحی سرزی ترکیه - ایران و نواحی مجاور آن» در Quarterly Journal of the Geological Society شماره ۲ (قسمت ۳)، صفحات ۲۴۴ - ۲۴۷ چاپ شد. در همان جاهایی که در این مقاله مورد توصیف قرار گرفته بود مسجد سلیمان، در سرزمین بختیاری در جنوب غرب ایران بود.

نفتی که به سطح زمین تراوش می نمود استفاده می کرده اند.

* نخستین امتیازی که در ایران اختصاصاً برای نفت داده شد در سال ۱۸۸۳ م. بود که به آلبرت هوتسن، Albert. Houtson از اتباع هلند جهت استخراج معادن نفت دالکی در حوالی یوشهر اعطا گردید. لیکن نتایج حفاری در این منطقه رضایتبخش نبود و شرکت هوتسن منحل شد. حرکت رسمی دیگری که در ایران جهت کاوش نفت صورت گرفت توسط یک عامل انگلیسی بنام «بارون ژولیوس روتتر» B. J. De. Ruiter بود که در جوانی تابعیت انگلستان را پذیرفته و بعدها بنیانگذار خبرگزاری روتتر شد و در سال ۱۸۷۲ م. امتیاز اکتشاف معادن از جمله نفت در زمان ناصرالدین شاه قاجار و میرزا حسین خان به نامبرده واگذار گردید. روس ها که در همسایگی ایران در شمال بودند، به دولت ایران فشار آوردند که نهایتاً منجر به لغو این امتیاز شد.

در سال ۱۸۹۱ م. حاکم ولایت کرمانشاه که شنیده بود در ولایت او نفت وجود دارد از «سیو ژاک دمورگان» Monsieur. Jacques. De. Morgan که ریاست یک گروه باستانشناس فرانسوی را در ایران به عهده داشت درخواست کرد تا درباره وجود نفت در ولایت کرمانشاه مطالعه و تحقیق کند. سیو ژاک دمورگان، باستانشناس فرانسوی که سالهای متمادی قبل از اعطای امتیاز داری در شوشتر مشغول کاوش برای کشف آثار باستانی ایران بوده و در «مجله معادن» که در پاریس چاپ می شد اما تا سال ۱۹۰۰ م. علاقه سرمایه داران را جلب نکرده بود، راجع به وجود نفت در غرب و جنوب غربی ایران شرح مفصلی نوشت. او در گزارشات خود ذکر کرد که در این منطقه که در میان تپه های خاک بختیاری واقع است نموده و گفته بود که در سر راه بین مال امیر^۲ و شوشتر، جایی بنام «میدان نفتون» هست که علائم ظاهری نفت در آنجا هویدا و خرابی های آتشکده ای نیز در آنجا موجود است که اهالی، آن مکان باستانی را بنام «مسجد سلیمان» می شناسند. شخصی بنام «کتابچی خان ارمنی» که در آن زمان، متصدی اداره گمرک ایران بود، مقاله مزبور را خواند، و مسافرتی به مسجد سلیمان نمود و چشمه های کوچک نفتی را که از ته محله «دره خیرمان» می جوشید به رأی العین دید، و چون در مسافرت خود به نقاط غرب و جنوب از تراوشات و آثار سطحی نفت مطلع شده بود، مطمئن شد که منابع مهم نفت در ایران وجود دارد. کتابچی خان طی سفری به پاریس رفت و با «پیر هنری دروموندولف» H. D. Wolff که چندی قبل از آن تاریخ، سمت وزیر مختار انگلیس در ایران را برعهده داشت، ملاقات نمود و مشاهدات

1 - Annales. Des. Mines (مجله معادن)

شخصی خود را درباره وجود نفت متذکر شد و از آقای وُلف تقاضا نمود که او را با سرمایه داران انگلیسی آشنا سازد. به همین دلیل آقای ولف از پاریس عازم لندن شده و در آنجا با سرمایه داران وارد مذاکره گردید. در لندن وی با ویلیام ناکس داریسی، William Knox D'Arcy آشنا شد و او را که ثروتمندی بزرگ بود، برای استخراج نفت ایران تشویق نمود. نتیجه مذاکرات وی با داریسی این شد که کتابچی خان به لندن دعوت و با داریسی آشنا گردد.

کتابچی خان شرح و بسط زیادی راجع به منابع نفت ایران برای او داد و نوشته های «دمورگان» را شاهد آورد. پس از مذاکرات کتابچی خان و داریسی قرار شد، زمین شناس مطلع و کار آزموده ای از طرف داریسی انتخاب و به ایران اعزام شود تا در این باره مطالعه و گزارش نماید. زمین شناسی بنام «برلز» H. T. Buris با یک نفر معاون بنام «دالتن» Dalton از طرف داریسی استخدام و به ایران اعزام شدند.

این دو مهندس نواحی غربی و جنوب غربی ایران را از خاقلین تا شوشتر بررسی کردند - و این متخصصین پس از مطالعه در محل، گزارش رضایتبخشی داده و گفتند که کشف نفت در حوالی قصر شیرین و «شوشتر» بسیار محتمل است و در نقاط دیگر هم، امید می رود. البته در خلال گفتگوهای کسب امتیاز در تهران، آقای «ردوود» Redwood یکی از مطلع ترین کارشناسان در رشته زمین شناسی در آن زمان به داریسی توصیه کرده بود که، منطقه اطراف پل ذهاب در ناحیه قصر شیرین مورد آزمایش کشف نفت قرار گیرد.

آقای برلز در اوایل ماه ژوئیه ۱۹۰۱ م، از ایران به لندن بازگشت و نظرات دمورگان در خصوص چشم انداز نفت در آن منطقه را مورد تأیید قرار داد، اما مسئله عدم وجود آب در قصر شیرین، کمبود چوب و الوار، متروک بودن محل، کمبایی و گرانی سوخت، مشکلات ایجاد ارتباط با مردم، کمبود نیروی کارگر، و از همه مهمتر مشکلات حمل و نقل و کشمکشهای قبیله ای را یاد آورد. همچنین از قلعه دارایی در نزدیکی اهواز بازدید بعمل آورده و بطور خلاصه در گزارش خود به محلهای شوشتر و مسجد سلیمان نیز اشاره کرده بود. آقای «ردوود» در مورد گزارش «برلز» خوشبین بود، زیرا اظهار گردیده بود که تمام منطقه سرشار از منبع زیرزمینی نفت است.

پنجمین کارشناس نام آوری که نفت ایران را کشف نموده و تراوشات قیر در این ناحیه، توجهش را جلب کرده، شخصی بنام مهندس «رورز برنارد رینولدز» G. B. Reynolds بود وی در ششم ژوئیه سال ۱۹۰۱ م، تقریباً چهار ماه پس از آنکه امتیاز نفت به ویلیام ناکس داریسی اعطاء

گردید، به استخدام وی درآمد. بدین ترتیب باید دانست که درست نیم قرن پس از تاریخی که ولوتوس، از مخازن قیر دیدن کرده بود، رینولدز با به مسجد سلیمان گذاشت و بعداً چنین گزارش داد:

نفت در صخره‌های گچی مسجد سلیمان، مانند سنگهای متدالی آلوده به قیر است. نوع آن نیز مرغوب است و به وفور یافت می‌شود.

بعضی از کارگران قدیمی صنعت نفت مسجد سلیمان می‌گویند: قبل از اینکه انگلیسی‌ها به اکتشاف نفت در این ناحیه پردازند، روس‌ها به این منطقه آمده بودند و حتی ساختمانهای مخروطی آنها نیز در جاهایی مثل «چوب سرخ» و «بی بی یان» موجود است. ولی با توجه به طیف وسیع مطالعات انجام شده، هنوز گزارش مستندی در منابع مختلف تحقیقی که گویای این موضوع باشد، مشاهده نشده است.

داری در واقع پدر نفت در خاورمیانه است. نام او با افسانه و داستان همراه شده و در این رابطه، داستانهای تخیلی بسیاری که غالباً نیز با واقعیت فاصله زیادی دارد نقل شده است. آنچه درباره داری، این مرد گوشت‌آلود و فربه با آن ظاهر آراسته و سیل‌های گراز ماهی شکل و نوک نیز، و طرز صحبت صراف گونه‌اش باید گفت: این است که او هیچگاه پایش را در خاک ایران نگذاشته. در سال ۱۸۴۸ م. متولد شد و در سن ۱۷ سالگی پدرش با تمام فامیل به استرالیا مهاجرت نمود. پدر داری وکیل دادگستری بود و به همین جهت او هم درس حقوق آموخت و بر حسب اتفاق، روزی یکی از مشتریهای او بنام «ساندی - مورگان» قطعه «کو آرتز» را به او نشان داد که در نزدیکی خانه او در استرالیا به مقدار زیادی یافت می‌شد. پس از تحقیق معلوم شد معادن طلا در آن حدود یافت می‌شود. به زودی داری استخرای طلا را بر شغل وکالت ترجیح داد و پس از مدتی ملبورن شد و برای استفاده از ثروت خود به لندن مراجعت کرد. در این موقع آقای «هنری ولف» وزیر مختار سابق انگلیس در تهران، بر مبنای قولی که به کتابچی خان داده بود، استخرای معادن نفت ایران را به او پیشنهاد و وسیله ملاقات او را با کتابچی خان فراهم کرد.

پس انعقاد قرارداد با داری:

در سال ۱۹۰۱ م. داری به خرج خود، نماینده‌ای بنام «آلفرد ماریوت» Alfred Marriot که در لندن، منشی و مشاور مخصوص خود بود را به معیت کتابچی خان به تهران اعزام داشت که با دولت وارد مذاکره شده و امتیازی بدست آورد. داری برای کسب این امتیاز پانصد هزار لیره انگلیس اختصاص داد. آقای ماریوت سفارشنامه‌ای هم از آقای ولف برای وزیر مختار انگلیس در تهران که آنوقت «سر آرثور هاردینگ» Sir. Arthur Hardinge بود همراه داشت که

همه نوع مساعدت یا او بنماید. وزارت امور خارجه انگلیس به آقای هاردینگ دستور کلی داده بود که هنگام مأموریتش در ایران کوشش بسیار نماید تا امتیاز نفت نواحی جنوب ایران را برای یکی از اتباع انگلیسی تحصیل نماید و به گونه‌ای رفتار کند که موجب تحریک روس‌ها هم نشود. هاردینگ به نمایندگی داری توصیه نمود که جهت جلوگیری از اعتراضات روس‌ها پنج ایالت شمالی ایران را جزء مناطق مورد پیشنهاد منظور ننماید.

ماریوت و کتابچی‌خان پس از ورود به تهران پیشنهادی تنظیم کرده و به مظفرالدین شاه تسلیم نمودند ابتدا پادشاه ایران از قبول آن خودداری کرد در این موقعیت هاردینگ دخالت نمود و به ملاقات میرزا علی اصغرخان اتابک (امین‌السلطان) صدراعظم وقت ایران رفت و تقاضای مساعدت نمود و ضمناً به ماریوت دستور داده شد که مواعد لازمه را به منصه‌دیان امر داده و آنها را بنحو مطلوب تطمیع نماید. اتابک اعظم اظهار داشت که حاضر است با پروژه انگلیسی‌ها موافقت نماید و پیشنهاد کرد که هاردینگ نامه‌ای به فارسی خطاب به او بنویسد و شرایط صمیمانه امتیاز را در آن ذکر نماید تا همان نامه را به سفارت روس تسلیم نماید. نامه یاد شده از طرف اتابک به سفارتخانه روس ارسال شد و مدتی بدون اینکه ترجمه شود، ماند و هیچ مخالفتی از سوی سفیر روس نشده بود، زیرا وی فارسی نمی‌دانست. در این موقع اتابک اظهار داشت که از طرف سفارت روس اعتراضی به امتیاز نشده است و لذا اعضای دولت نظر اتابک را تأیید کرده و امتیاز به داری واگذار و شاه نیز آن را امضاء نمود. در طی اخذ این امتیاز امین‌السلطان ده هزار لیره از ماریوت رشوه گرفت.

تا گفته نماند که داری هیچوقت به ایران نیامده و امتیاز را تصایف کرده که ماریوت باشد به وکالت از طرف وی امضاء کرده است. آخرین امتیازی که قبل از مشروطیت راجع به بهره‌برداری از نفت داده شد، امتیاز داری بود که در ۲۸۵ ماه ۱۹۰۱ م توسط مظفرالدین شاه صادر گردیده و به موجب این امتیاز نامه، اجازه تخصص، استخراج، آماده کردن، نقل و فروش گاز طبیعی، نفت، قیر، موم طبیعی و احداث خط لوله در تمام کشور بجز پنج ایالت شمالی یعنی خراسان، گمرگان (استرآباد)، مازندران، گیلان و آذربایجان که به اصطلاح در حریم امنیت روسیه قرار داشتند برای هشت سال به ویلیام تاکس داری واگذار شد. این امتیاز شامل هیجده فصل بود که دارای، صحت شاه، امضاء و مهر اتابک «میرزا نصرالله خان مشیرالدوله»^۱ و نظام‌الدین حقاری مهندس‌الممالک بوده و در دفاتر دیوانی به ثبت رسیده است. در فصل دهم امتیاز نامه چنین آمده است: «صاحب

امتیاز موکلف است مبلغ بیست هزار لیره انگلیسی نقداً و بیست هزار لیره دیگر سهام پرداخت شده به دولت ایران بدهد علاوه بر آن شرکت و تمام شرکتهایی که تأسیس خواهد شد موکلف خواهند بود که از منافع خاص سالیانه خود، صدی شانزده به دولت ایران هر سال پرداخت نمایند. ایرانی‌ها پس از امتیاز می‌بایستی شخصی را بعنوان کمیسر سلطنتی انتخاب می‌کردند تا قی مابین انگلیسی‌ها و دولت ایران عمل کند. ژنرال کتابچی خان به این عنوان منصوب گردید رفیق دزد و شریک ناقه.

ج. آغاز عملیات حفاری؛

داری باید تصمیم می‌گرفت که عملیات حفاری را از کجا شروع کند و به چه کسی این مسئولیت را تفویض نماید. طبق گزارش آقای برلز دو منطقه توصیه شده بود یکی در غرب و دیگری در جنوب غربی. نخست محدوده لم یزرهی در منطقه غرب به نام چیا سرخه Chah Sorikh (کیاشرخ یا چاه سرخ) در نزدیکی خاتین در مرز فعلی بین ایران و عراق انتخاب گردید (هنگام جنگ بین‌المللی اول) این منطقه برای سوخت‌گیری و مائلی که قرار بود کمکهای انگلیس و آمریکا را به روسیه برسانند بسیار مؤثر و حیاتی بوده است.

کتابچی خان اصرار داشت که منطقه شوستر بجای قصر شیرین به عنوان آغاز عملیات حفاری نفت انتخاب شود و در این مورد پافشاری زیادی ورزید.

چند ماه پس از امتیاز نامه، همه چیز می‌بایست هموار می‌شد. داری عده‌ای حفار لهستانی را استخدام کرد و با مقداری لوازم و اثاثیه به چیا سرخ در شمال قصر شیرین اعزام داشت.

در آن زمان چیا سرخ جزو ایران بود و بعدها پس از تجدیدنظر در خط مرزی بین ایران و عثمانی در سال ۱۹۱۳ م. به عثمانی واگذار گردید.

یکه نظر مهندس را نیز به عنوان سرپرست عملیات حفاری استخدام نموده بود. این شخص ژرژ برنارد رینولدز George Bernard Reynolds نام داشت. رینولدز در ماه اوت سال ۱۹۰۶ م. از لندن عازم ایران گردید و در دهم سپتامبر، قبل از آنکه به چیا سرخ، عزیمت نماید، مدت دو هفته در تهران توقف نمود و در نیمه اکتبر به طرف چیا سرخ حرکت کرد.

در آن موقع، پژوهندگان و کارشناسان نفتی، دو منطقه را که جهت اکتشاف احتمالی نفت در مدنظر داشتند، یکی چیا سرخ در محدوده کرمانشاه و دیگری در جنوب ایران بود. باری در آغاز چنین تصمیم گرفته شد که قسمت شمالی مورد آزمایش قرار گیرد.

کتابچی خان سعی کرد نظر رینولدز را در انتخاب قصر شیرین به عنوان نقطه شروع عملیات حفاری تغییر دهد و به جای آن عملیات حفاری را در شوستر آغاز نماید. علت این اصرار بیشتر

جنبه سیاسی و مذهبی داشت. تأمینای مشاهدات و ملاحظات زمین‌شناسی. در طول زمان قاجاریه مسئولین مذهبی نقش نفوذی زیادی در صحنه زندگی سیاسی ایران داشتند. نهضت مشروطه و ایجاد اصلاحات و جلوگیری از فساد و مبارزه با ظلم از جمله مواردی است که متأثر از نفوذ روحانیت بود. کتابچی خان ارتباط نزدیکی با بعضی از روحانیون داشت و می‌خواست از این نفوذ خودش استفاده کند. به همین جهت از آنها تقاضای کمک کرد و پیشنهاد نمود که اکتشاف و استخراج نفت در ایران (که دارای مردمی شیعه مسلک می‌باشند) به ضرر ترکیه (که اغلب اهل تسنن بودند) خواهد بود. کتابچی خان بنحوی رباکارانه نتایج حاصل از آن را به نفع ایران و انگلیس وانمود کرد و قول داد که دارسی را تشویق کند و او را در وضعیتی قرار دهد تا همه کسانی را که بنحوی مالک چشمه‌های نفت و غیر در شوشترند واضی کند. در سال ۱۹۰۶ م. بین رینولدز و خانواده فیری‌های شوشتر قرار دادی برای بهره‌برداری از چشمه‌های فیر منعقد گردید. کتابچی آقای هاردینگ و هم چنین رینولدز را به هنگام ورود به ایران از وجود چشمه‌های نفت با اطلاع می‌کند. رینولدز مؤدبانه حلقه‌بندی خود را در خصوص اکتشاف نفت در شوشتر اظهار می‌کند اما آماده نبود که برنامه‌های خود را مبنی بر آغاز عملیات در غرب (نصر شیرین) تغییر دهد. کتابچی سعی کرد تا بر علیه رینولدز دسیسه کند و برای اینکه در جریان کارهای وی قرار گیرد یکی از طرفداران خود را به نام «شیخ الملک» با وی به نصر شیرین فرستاد تا بسیاری از مشکلات کوچک و اجتناب‌ناپذیر را که در واقع سبب اصلی آن کتابچی بود برطرف نماید.

رینولدز وضعیت خود را در تهران روشن کرد و به محل جدید یعنی چاه سرخ در نزدیکی قصر شیرین، جایی که آثار وجود نفت مشهود بود حرکت نمود از آنجا که همه وسایل و ماشین آلات باید از انگلستان و از طریق بندر بصره و بغداد ارسال می‌گردید. رینولدز بعد از بازدید اولیه‌اش از کشور ایران تصمیم گرفت اداره مرکزی خود را در بغداد متمرکز کند. رینولدز معمولاً از طریق تهران و روسیه سفر می‌کرد و راه ارتباطی وی با انگلستان از این مسیر بود.

د. جمعیل سرمایه

چون کلیه ماشین آلات و آذوقه ارسالی می‌باید از طریق دریا به بصره حمل می‌شد و بعداً به بغداد که تنها راه عملی حمل و نقل بود فرستاده شود. لذا تا لوازم وارد شود، رینولدز از فرصت استفاده کرده با ترتیب‌هایی که داد موفق شد با سران و معتمدان محلی جهت جریب کردن مساحتی حوزه فعالیت و تهیه سیورسات خود بپردازد.

دارسی عاقد قرارداد از بالا رفتن هزینه‌ها و تأخیر طولانی شکوه داشت و بدون آنکه به طور کامل از مشکلات طبیعی کشور ایران آگاه باشد و درگیری و اشکالات کار محلی را دریابد اظهار

نگرانی می‌کرد. بالاخره از طرف رینولدز به او اطمینان داده شد که نیازی به تأکید و تذکر در زمینه صرفجویی نیست و کوشش و مجاهدت لازم در این مورد بعمل خواهد آمد. باید متذکر شد که رینولدز حتماً بر سر عهدی که کرده بود همیشه و بطور جدی نسبت به داری و ولادار ماند.

۵- مشکلات اولیه:

رینولدز دورنمایی که از نحوه انجام کار در مقابل داشت به ویژه به هنگام مساحی سطح زمین عملیات حفاری، قلب وی را می‌فشرد. زمین لم یزرع و غیر مأنوس، نه جاده‌ای و نه راه ارتباطی. آب کم و یا اصلاً وجود نداشت. افراد قبائل منطقه دارای خلق و خوی دمدمی بودند و از وی با خصومت استقبال شد. در انگلستان تأخیر زیادی برای سوار کردن همه چرخ دنده‌ها و وسایل حفاری صورت گرفت. وقتی که این وسایل وارد منطقه شدند، ترکهای عثماني اجازه عبور واکنهای پر بار و سنگین حاوی وسایل حفاری را از پل خائفین نمی‌دادند. اگر چه این پل از استحکام کافی برخوردار بود اما اظهار می‌داشتند که از هیچ راه دیگری بجز خائفین نباید وارد خاک ایران شوند. و به این ترتیب باج خواهی می‌کردند. در روزهای اول، بیشتر اوقات رینولدز صرف چانه زدن با سران قبائل محلی می‌شد. آنها آشکارا می‌گفتند که حکم شاه هیچگونه اهمیت و اعتباری ندارد. شاه اصلی، سران قبائل هستند. همانطوری که گفته شد المراد قبائل محلی که هیچگونه پیروی از دولت مرکزی در تهران نداشتند، سوار بر اسب به چادر آنان می‌آمدند و باج می‌خواستند. برای عبور وسایل و تجهیزات حفاری از سرزمین مردم گرد باید مبلغی پرداخت شود. رینولدز کم‌کم موفق شد اعتماد رهبران قبایل گرد آن منطقه را جلب کند. نخست از عزیزخان و سپس محمد کریم خان که مالک چشمه‌های نفت در سرپل ذهاب یعنی محلی که علائم وجود نفت از نظر زمین‌شناسی مطلوب بود کسب موافقت کرد.

بالاخره با گرفتاری و درگیری فراوان، حفاری اولین چاه نفت در چیا سرخ کرمانشاه در ۸ نوامبر سال ۱۹۰۶ میلادی آغاز شد و عمق آن به ۳۰۰ متر رسید. و در تابستان ۱۹۰۴ م. گاز نفت در عمق (۷۰۵) متر پدیدار و متعاقب آن نفت مختصری هم بدست آمد.

احداث خط لوله به خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفته شرایط واقعاً سخت و دشوار بود. گروه عملیات حفاری مخلوطی از مردم با ملیتهای گوناگون بودند. دو نفر حفار کانادایی به نامهای مک نانتن Mc Naughton و بوچانان Buchanan و تعدادی حفار لهستانی، یک مهندس آمریکایی به نام روزن پلانتر Rosen Planter را که سابقه حفاری در تگزاس و مکزیکو داشت بعنوان جایگزین و معاون رینولدز هنگامی که به مرخصی عزیمت می‌کرد مسئولیت عملیات را به عهده می‌گرفت. یک پزشک هندی که در واقع یک دکتر لیسانسه بود که در دوره

آزمون لیسانس هم رد شده بود. تعدادی کارگر که بیشتر از افراد قبایل به کار گمارده شده بودند و در عمرشان با ماشین آلات سروکار نداشتند. تعدادی آشپز، شیشه شور و سرایدار. چادر (خیمه) گروه اخیر در دو سایه بان حلبی زندگی می کردند که از آنها به عنوان اطاق کار و اطاق غذاخوری استفاده می شد. مابقی افراد گروه هم در زیر چادر زندگی و یا کار می کردند. هیچ یک از افراد گروه اکتشافی و حفاری رینولدز خود را برای گرد و خاک و دورافتادگی ملال آور و گرمای شدید ایران آماده نکرده بودند. مکناتن که تا آخرین لحظات حفر چاه در منطقه بود بارها در بولتن خبری شرکت در لندن مورد تقدیر قرار گرفته بود. اما مابقی گروه عملیاتی حفاری چاه سرخ علی رغم تلاش و داوطلب شدن آنها برای انجام چنین عملیاتی خطیر و دشواری، گمنام ماندند. کارگران لهستانی مراسم مذهبی زیادی داشتند و دائماً به فکر اجرای آن مراسم بودند و در اثر حواس پرتی آن قدر ابزار کار را از بالای دکل حفاری به پایین می انداختند که روزن پلاتر ناگزیر شد تقاضای یک تهویه کاتولیکهای روم را از لندن کند. این کارگران همیشه به فکر ایجاد و تعطیلات مذهبی خود بودند. کارگران فارسی زبان حرف شنوی زیادی از مسئولین خود داشتند. بالاخره روزن پلاتر در گزارش خود به انگلستان نوشت که تنها دو تن از حفاران کانادایی با دشواری توانستند وضعیتی ایجاد نمایند که کارگران ایرانی آنها را به عنوان اروپایان خود تقبل کنند. بعدها چند حفار کانادایی دیگر به جمع آنها پیوست که البته موجب اوقات تلخی و شکایت بیشتر رینولدز شد. زیرا آنها بی خاصیت ترین کارگرانی بودند که رینولدز در عمر خود دیده بود (حتی در این عصر تهویه مطبوع و یخچال و فریزر، هنوز کسانی که در جنوب ایران کار می کنند سنوات خدمت خود را به ازاء سال حساب نمی کنند بلکه تابستان را معادل یک سال به حساب می آورند) در تابستان سال ۱۹۰۳ م. که رینولدز مشغول حفاری در چاه شماره یک بود متوجه حفاری به یک لایه بسیار سخت برخورد کرد و متوجه شد که تکه تکه و خرد کرد لحظات سخت و دشواری بود. اما شرایط زندگی همچنان دور از انتظار بود. روزن پلاتر هنوز طاوولهای ناشی از گرمای بغداد را روی فوزک پای خود داشت هرکس به آب و هوای این قسمت از جهان آشنا باشد می تواند تصور کند که در آن سالهای اولیه کشف نفت شرایط زندگی چگونه بوده است و زندگی در این نقطه از جهان چطور بر خلق و خوی انسان اثر می گذاشت. ساعت ۷ صبح میزان حرارت هوا ۵۱° درجه فلرنهایت در سایه است. حرارت هوا در ظهر قابل تصور نیست. پنج نفر از گروه حفار اروپایی، به اتفاق یک مکانیک بغدادی گرمازده شدند و یکی از آنها در حال فوت بود. رینولدز پنج ماه بعد از آغاز حفاری یعنی در فوریه سال ۱۹۰۳ م. به لندن مراجعت کرده، در آن موقع مشکلات فراوان و عظیمی از بدو شروع به کنار یکی پس از دیگری ظهور کرد.

کارشکتهای متعددی بوسیله شمال دولت عثمانی صورت می گرفت، مشکلاتی که از قوه تحمل هر انسانی خارج بود.

توده های انبوه ملخ شده آب آشامیدنی را آورده کرده بود لوله های دیگ بخار به علت استفاده از آب های معدنی دچار خوردگی و زنگ زدگی شده، ترخیص ماشین آلات و ادوات حفاری که می باید از طریق خلیج فارس وارد بندر بصره می شد غالباً توأم با تأخیر تصدی همیشگی که فوق العاده خسته کننده بود مواجه می شد. صرف نظر از مخارج تجهیزات و نگاهداری هیئت حفاری، پرداخت دستمزدها نیز رو به افزایش بود. حفاران به هیچوجه راضی و دلخوش نبودند و مضافاً خطرات عمومی در زمینهایی که آنان به کار اشتغال داشتند، از طرف افراد و دسته هایی که ماهیت شان مجهول بود مورد تهدید واقع گردید. اغنام و احشام مورد دستبرد و چپاول یاغیان و سارقین قرار گرفته، بیماری واگیر و با هم شیوع پیدا کرده بود.

شش روز تمام ملخها به مزرعه حمله کردند و هر چه سبزه و چراگاه و زراعت بود بلعیدند. آب رودخانه ملو از ملخ مرده شده بود و بوی گند گرفته بود. همه اطراف چادرها از لاشه ملخها پر شده بود و هر جا که کارکنان پا می گذاشتند با لاشه آنها روبرو می شدند. هر نیم ساعت باید لاشه آنها را از درون مخزن آب بیرون بکشند. سرخک در «سفران» یعنی محلی که لذا و آب برای چادرها حمل می گردید شیوع پیدا کرده بود. انبار چوب که برای گرم کردن دیگهای بخار مورد استفاده قرار می گرفت دائماً به سرفت می رفت. حتی در بعضی از مواقع دیگ بخار آب سقوط می کرد و لوله های آن در اثر آب محتوی سولفور دچار خوردگی می گردید. دریافت نامه از انگلستان که در واقع تنها وسیله تسکین روحیه کارکنان خارجی بود غالباً امکان پذیر نبود و معمولاً نامه ها در بین راه از بین می رفت. بعضی از مواقع یکی از کارگران حفار، پتک سنگین را که حدود شش کیلو وزن داشت از بالای دکل حفاری ناخود آگاه به درون چاه می انداخت و زندگی را برای روزن پلاتر دشوار می کرد. روزها طول می کشید تا این پتک را از داخل چاه بیرون بیاورند تا بتوانند، به عملیات حفاری ادامه دهند. به هنگام حفاری در منطقه چاه سرخ، اتفاقات زیادی رخ داد. از جمله آتش گرفتن چاه شماره یک بود. برای خاموش کردن آتشی که در اثر برخورد آب نمک و بعضی از گازها که بوی واقعی گاز نفت را می داد و در عمق ۱۶۶۵ پا در چاه شماره یک چاه سرخ ایجاد شده بود کوشش زیادی انجام گرفت. این کار با انفجار گاز در عمق ۱۶۷۱ پا در چاه شماره دو صورت پذیرفت که البته هیچگونه خطری را ایجاد نکرد. در اوایل ماه نوامبر سال ۱۹۰۳ م ذخیره آب آشامیدنی برای دو یا سه روز بیشتر نبود. اما از اقبال خوب آنها، بالاخره باران شروع به باریدن کرد. سرانجام در ژانویه سال ۱۹۰۳ م بعد از تلاش فراوان

و تحمل مشقات، لحظه بزرگه فرار سید. نفت! نفت از چاه شماره دو چاه سرخ فوران کرد و به تولید ۱۲۰ بشکه در روز رسید.

تشکیل شرکت بهره‌برداری اولیه، پس از فوران نفت در چاه سرخ:

در انگلستان خبر دست‌یابی رینولدز به نفت، موجب خوشحالی زیاد داری شد بطوری که اعلام کرد: «یک خبر بزرگه از ایران. کمک بزرگی به من خواهد شده داری قبلاً ۱۵۰۰۰۰ لیره از سرمایه خودش را در اجرای امتیاز نفت از دست داده بود. افزون بر آن، مابقی نیز صرف کسب این امتیاز کرده و با خودش گفته بود که هر کسب‌ای حجمی دارد بالاخره باید حدود جیب خود را در نظر بگیرد. داری به مؤسسه مالی «ریتشلد» Rothschilds در پاریس و شرکت «سراست» Kasl, Sir E. Castle و «ژوزف لئون» Leon, در انگلستان جهت گرفتن اعتبار و پول مراجعه کرد اما دریافته بود که اینگونه مؤسسات مالی تا نفت پیدا نشود نمی‌توانند برای او کاری بکنند. آنچه باید می‌کرد این بود که سرومندی بانک را دریاورد. از طرف دیگر ده هزار سهم دیگر از معدن کوه مورگان را خریداری کرد. حتی از گروهی آمریکایی که جهت شرکت در مناقصه واگذاری امتیاز آمده بودند مصاحبه به عمل آورد. هنوز همه چیز فرق می‌کرد. داری با خود گفت: «اکنون سنگدلان پولدار مطمئناً جلو خواهند آمده در ماه مه همان سال مخزن نفت چاه سرخ یک دلمه ته کشید و خشک شد.

رینولدز تصمیم گرفت که چیا سرخ را درها کرده و در نقاط جنوبی به کاوش پردازد. تمام تلاشها و زحمات بی‌ثمر ماند. گرچه دو حلقه چاه اکتشافی، بخصوص چاه شماره یک چاه سرخ که در ۲۲ فوریه به نفت رسیده بود، اما محصول آن دو چاه آنقدر ناچیز و جزئی بود که بعدها آن حوزه نفتی جزء مناطق متروکه درآمد. داری بسیار مأیوس شده بود، زیرا بخش مهمی از ثروت وی از دست رفته بود.

اکنون اگر همه ثروت باقی مانده خود را جمع می‌کرد با آن پول حتی نمی‌توانست هزینه کلیه پرسنل را که در ایران مشغول اکتشاف نفت بودند برای چند ماه تأمین کند. در آخرین لحظات کار او به تعویق افتاده بود، البته نه به وسیله دوستان و یا بانکداران بلکه توسط نیروهای خارج از کنترل وی. در نیروی سلطنتی انگلستان بحث طولانی در جریان بود. زغال سنگ در مقابل نفت. لرد فیسر که از این فکر یعنی استفاده از نفت برای سوخت کشتی‌ها دفاع می‌کرد، دیوانه نفت بود. طبق ماده شانزدهم امتیازنامه، داری شرکتی در سال ۱۹۰۳ م. با سرمایه شصت هزار لیره تشکیل داد که نام آن «شرکت بهره‌برداری اولیه با مسئولیت محدود» The/First/ Exploitation/Company. L. L. d گذاشت و سهامی را که تعهد کرده بود تسلیم و بیست هزار

لیره هند را هم به دولت ایران پرداخت. داری تا آن وقت قرب سیصد هزار لیره از جیب خود خرج کرده بود و حاضر نبود که بیش از این مبلغ سرمایه‌اش را در این کار صرف نماید. وی در هیچ یک از معاملات بازرگانی خود دچار فشار و ناکامی نشده بود. او کم‌کم در می‌یافت که یا باید از حمایت مالی جدیدی برخوردار گردد و یا اینکه باید امتیازی را که به دست آورده، بفروش بفرستد. رینولدز در پایان سال ۱۹۰۳ م. (نود و دو سال قبل) پس از تجدید قرارداد خود در لندن به ایران مراجعت و دست بکار کاوش مناطق مناسبی که در ژوئیه همان سال در لندن پیشنهاد کرده بود گردید. در آن موقع به رینولدز دستور داده شد، قبل از انقضای ماه آوریل سال ۱۹۰۴ م. شش منطقه را جهت حفاری انتخاب و تعیین نماید.

رینولدز در ماه نوامبر از راه بوشهر هازم مسافرتی طولانی به مناطق دور دست و احتمالاً خطرناکی که شامل شیراز، بهبهان، شاردین، کُندُک، مسجد سلیمان، شوشتر، قلعه تل و اهواز بوده گردید. ملاقات رینولدز با خوانین بختیاری و شیخ خزعل:

در آن سفر بود که رینولدز برای اولین بار با بعضی از خوانین بختیاری و همچنین با شیخ خزعل که خود را مالک محدوده آبادان و خرمشهر می‌دانستند، ملاقات نمود.

چند ماه قبل از فوت «اسفندیار خان ایلخانی» یعنی در سال ۱۳۲۶ ه. ق. مستر رینولدز در حوالی ماماتین و مسجد سلیمان حضور آن مرحوم رسید و چون می‌دانست که خوانین بختیاری در این مناطق ذی نفوذ هستند پیشنهاد نمود که در صورت کمک و همکاری، از طرف دولت مطبوعه همه گونه پاداش داده خواهد شد. اسفندیار خان جواب داده بود که ما مستخدم شما نمی‌توانیم باشیم که پاداش دریافت کنیم ولی اگر سهم و شریک شما بشویم و لااقل صدی ده از منافع را به ما بدهید، همه قسم همراهی و کمک خواهیم نمود. و موجبات تأمین شما را فراهم خواهیم کرد، ولی افسوس که یکی دو ماه پس از این ملاقاتها و صحبتها، اول اسفندیار خان و بعد هم محمدحسین خان سپهدار جان به جان آفرین تسلیم نمودند و انگلیسی‌ها همانطوری که می‌خواستند با جانشینان آنها که افرادی بی‌سیاست بودند و بعداً شرح آن داده خواهد شد، به نفع خود قرارداد نفت را منعقد نمودند.

بیوگرافی رینولدز و ادامه کار حفاری در سرزمین بختیاری:

رینولدز از کالج مهندسی هندوستان، در رشته نفت فارغ‌التحصیل شده و در وزارت خدمات عمومی هندوستان نیز خدمت کرده بود و همچنین در مناطق نفت‌خیز سوماترای اندونزی انجام وظیفه نموده و تجارسی اندوخته بود و سوابق ممتدی داشت. رینولدز یکی از مهندسين آگاه، فعال

و یک زمین شناس به تمام معنی و دارای شخصیتی بسیار با نفوذ بود که در حقیقت زمین شناسی را نزد خود یاد گرفته بود. رینولدز سوارکار ماهری بود، بنابراین می توانست در راهها و کوههای صعب العبور به سهولت سواره بر اسب بتازد.

رینولدز یک امتیاز دیگر نیز داشت و آن زبان دانی او بود وی در حدی که بتواند رفع نیاز نماید به فارسی آشنایی داشت. او یک سیل مشکی و پُرپشت داشت و دارای اندامی قطور بود و با وجودی که قاعدتاً می باید از لحاظ ظاهر روی بیننده تأثیری بگذارد و ایجاد هیبت نماید، اما وی هرگز از حد اعتدال و متانت خارج نمی شد و به اطرافیان احترام می گذاشت و یأس و ناامیدی هیچگاه نمی توانست موجب از بین بردن اراده و یا شکستن روحیه وی شود او در دهکده ها و کوهستانهایی که امکان سکونت برای هیچکس نبود و در میان سرزمینهای وحشی و لم یزرع و در آنجا که نفی خورشید سوزان بر زمین می تابد زندگی کرده و لب به شکایت نگشوده و با سختی ها و مشقتها کار بخوبی مبارزه می کرده. رینولدز از لحاظ کیفیت روحی، مردی تنها و بی یار و یاور، و از نظر اخلاقی بسیار زودرنج و حساس بود. او از دخالت دیگران در امور مربوط به خود، با علم به صحت و ثبوت حقانیت، شدیداً اکراه داشت. وی قنوی درون گرا بود و تمایل داشت که بیشتر در انزوا بسر برد. رینولدز در شرایطی از انجام احکام و دستورات صادره سرپیچی می کرد. او نسبت به افرادی که از مصاحبشان لذت نمی برد مشکوک بود و به آنها اعتماد نمی کرد ولی نسبت به اشخاصی که شایسته احترام بودند مانند داری، دکتر یانگ و والاس بخوبی رفتار می نمود. رینولدز در موقع اعزام به ایران پنجاه سال سن داشت.

حدهای از سرمایه داران آلمانی به داری پیشنهاد کردند که تمام مخارجی که او تا آنوقت صرف کرده بود بپردازند و مبلغ مهمی هم به عنوان قیمت امتیاز به او بدهند تا او کنار رفته و امتیاز را به آنها واگذار نماید.

یک شرکت نفت آمریکایی و بعضی سرمایه داران فرانسوی هم پیشنهادهایی به داری کردند تا امتیاز را از او خریداری کنند و حتی حاضر بودند که او را هم در امتیاز سهیم سازند. شواهدی موجود است که داری بواسطه خرج گزافی که تا آن وقت کرده بود و نتیجه مطلوبه را هم در غرب ایران تحصیل نکرده بود، میل داشت که معامله ای کرده و سرمایه از دست رفته خود را باز ستاند. ولی ضمناً رغبت زیادی به معامله با بیگانگان نشان نمی داد. در این هنگام واقعه ای رخ داد که طرحها و نقشه های داری و خریداران امتیاز او درهم ریخته شد. دریا سالار و لرد قیصره Lord Fisher پن از سالها خدمت در نیروی دریایی انگلستان و مدتها تبلیغ برای آنکه سوخت کشتیهای جنگی و بحرینه انگلیس از ذغال به نفت تبدیل گردد در سال ۱۹۰۴ م. به فرماندهی

نیروی دریایی انگلستان منصوب گشت و فوری کمیته‌ای انتخاب کرد که فضا را تحصیل منابع کافی نفت را برای نیروی دریایی مطالعه و بررسی نمایند. مستر پرتی من (Mr. E. G. Prety man) که از میاستمداران وقت بود به ریاست این کمیته انتخاب گردید و سایر اعضای کمیته مزبور هم متخصصین و سیاستمدارانی بودند که اطلاعات مبسوطی در این امر داشتند. لُرد فیشر شنیده بود که داری امتیاز نفتی در ایران بلمست آورده و در مذاکره است که آن را به سرمایه‌داران خارجی بفروشد لذا به کمیته مزبور دستور فوری صادر کرد تا به هر طریقی که باشد امتیاز مزبور را برای دولت انگلیس تحصیل نمایند. آن ایام عقیده عمومی در انگلستان، که پیک کشور سرمایه‌داری و مخالف سرسخت دخالت دولت در امور بازرگانی بود، اجازه نمی‌داد که دولت مستقیماً در صدد خرید امتیاز برآید یا آنکه سهام شرکتی را خریداری کند که چنین امتیازی را داشته باشد، لذا اولیای امور مصلحت در آن دیدند که به هر قیمتی هست مانع شوند که امتیاز داری به دست خارجیان بیفتد و ضمناً سرمایه کافی برای بررسی تهیه کنند تا عملیات را ادامه دهد و منتظر فرصت شوند تا بتدریج عقیده عمومی را برای دخالت مستقیم دولت در امر نفت مهیا سازند.

کمیته مزبور بی‌درنگ شروع به کار کرده و اولین کاری که مستر پرتی من کرد، این بود که نزد لُرد استراتکونا، Lord/Strathcona رفته و از او استعانت خواست. این لُرد ثروت هنگفتی در کانادا بدست آورده بود و در آن وقت بواسطه کهنلت سن از کارهای بازرگانی برکنار و گوشه‌نشینی را اختیار کرده بود. پرتی من ضمن ملاقات با وی تقاضا کرد که او با سرمایه خود به داری کمک کند تا این امتیاز از دست آنها خارج نشود. لُرد استراتکونا بدون هیچگونه چون و چرایی تقاضای مستر پرتی من را پذیرفت.

از طرفی دیگر پرتی من با شرکت نفت برمه، Burmah/Oil/Company که یک شرکت نفت کاملاً انگلیسی بود و به استخراج نفت برمه می‌پرداخت وارد مذاکره شده و از آن شرکت هم تقاضای مساعدت کرد که با حسن قبول تلقی شد.

در نتیجه این مذاکرات در سال ۱۹۰۵ م. شرکت جدیدی بنام «سندیکای امتیازات» Concessions Syndicate در شهر «گلاسکو» Glasgow تشکیل شد که سهام بهره‌برداری اولیه و امتیاز را مالک گردیده و سرمایه متناسبی هم برای ادامه عملیات در ایران تهیه گردید. صاحبان عمده سهام این شرکت جدید عبارت بودند از لُرد استراتکونا، شرکت نفت برمه و داری.

رنولدز در ژوئن سال ۱۹۰۴ م. مجدداً به لندن مراجعت کرد. بازگشت او با موقعی که داری به مشکلات سرمایه‌گذاری در امر اکتشاف نفت که مداوماً روبه‌تزايد بود و وقوف و اعتقاد بیشتری پیدا کرده بود مصادف شد. سرانجام مذاکرات با شرکت نفت برمه در اوت سال ۱۹۰۴ م. شروع

شد اما تصویب نهایی قرارداد تا نیشم ماه مه سال ۱۹۰۵ م. به طول انجامید چنانچه اشاره رفت رینولدز در آن موقع در لندن اقامت داشت اما به نظر نمی آمد که مدیران شرکت نفت مذکور، راضی و شایق باشند تا در امر اکتشاف و بهره برداری نفت ایران یا او مذاکره نمایند. شاید علت این اکراه وی میلی ناشی از این بود که داری در سپتامبر سال قبل به لندن گلابیه ضمن عبارتی از این قبیل اظهار داشته بود که: من تقریباً مایوس هستم. زیرا پرمه ای ها از قبل حاضر به ملاقات و دیدار با رینولدز نبودند. احتمالاً این مسئله موجب دلسردی و بی احتیایی و مالاً این نوع احساس و برداشت توأم با بی توجهی بوده، به طوری که موجب جلوگیری از عملی شدن کار شده بود. رینولدز با تأسف در یافت که وی به عنوان مسئول بسیاری از مخالفتها و ضدیت های آشکار بعدی معرفی گردیده است.

نفت چاه سرخ تمام شده بود. پس از عدم موفقیت رینولدز در منطقه غرب ایران، متوجه جنوب غربی ایران شد. همه چیز را باید دوباره از اول شروع می کرد و مناطقی را که احتمالاً وجود نفت در حوزه قرارداد در جنوب بود باید مورد آزمایش قرار دهد.

دو منطقه تحت بررسی بود. منطقه شاردین و ماماتین در ۵۵ میلی شرق اهواز نزدیک رامهرمز و منطقه دیگر در میدان نفتون در زمینهای بختیاری در مسجد سلیمان. اولین کاری که شرکت جدید کرد این بود که عملیات چاه سرخ را متوقف ساخت و دستور داد که تمام اثاثیه و لوازم کار به شاردین که در نزدیکی رامهرمز و در حوالی ماماتین بود منتقل بنمایند. در اینجا شروع به حفر دو چاه آزمایشی شد و حفارهای کانادایی استخدام کردند که تحت ریاست رینولدز به عملیات پردازند. در سال ۱۹۰۵ م. عملیات حفاری به منطقه بختیاری در جنوب غربی ایران توسعه پیدا کرد.

خوانین بختیاری و نفت جنوب:

قبل از اینکه رینولدز وارد سرزمین بختیاری شود به ملاقات کنسول انگلیس در اصفهان رفت. کنسول انگلیس در اصفهان «جان ریچارد پرسی» G. R. Pricy نام داشت.

رینولدز در اول ماه ژوئیه سال ۱۹۰۵ م. از طریق بیروت، آلبو، هیت، فالوجه، و بغداد به ایران بازگشت. وی در بدو ورود، عملیات حفاری را در چیا سرخ تعطیل کرد. زیرا ادامه فعالیتها، مغایر سازش و موافقت های بود که با خوانین بختیاری نموده بود. باید گفته شود بدون موافقت، رضایت و همکاری خوانین آن زمان در زمینه طرح پیشنهادی، هیچ کاری نمی توانست انجام گیرد. با وجود اینکه در آن موقع روابط خوانین با حکومت مرکزی حسنه بود و آنها رضایت خود را برای اکتشاف نفت در «شاردین» و نفتون (که مناطق انتخابی مزبور در اراضی آنان واقع بود) اعلام

داشته بودند، مع الوصف ریتولدر در سیزدهم ما اکتبر وارد «شلمزاره» شد و با کمک و همکاری بریسی کنول وقت انگلیس در اصفهان با حاج علی قلی خان، سردار اسعد دوم، ملاقات نمود و پس از یک ماه توقف در اصفهان و مذاکره موفقی به عقد قرارداد گردید. در آن موقع سردار اسعد در رأس خوانین بود و ایلخانی و ایلیقی هیچ یک ریاست و نفوذ عشیرهای را مانند او نداشتند و ریتولدر بدون نفوذ آتی وی نمی توانست مفاد قراردادی را که با بختیاری ها منعقد ساخته بود، به موقع به اجرا در آورد. بریسی اصرار کرد خاتهای بختیاری در مطالبات خود تخفیف دهند و بالاخره در تاریخ ۱۵ نوامبر سال ۱۹۰۵ م. خوانین بختیاری موافقت کردند از هر صد سهم خادی کمپانی و هر شرکت دیگری که در آینده، در ارتباط با نفت در منطقه بختیاری تشکیل شود، سه سهم متعلق به آنان باشد علاوه بر این کمپانی ها باید مبالغی برای استخدام و پرداخت حقوق گاردهای محافظ عملیات حفاری و کارگران نصب لوله های نفتی پردازند. توافق با خانهای بختیاری بعداً منجر به تشکیل شرکت نفت بختیاری Bakhtiarian oil company به عنوان یک مؤسسه تولیدکننده شد.

به واسطه واقع شدن منابع نفت جنوب در خاک بختیاری، از نظر اهمیتی که شرکت نفت به ایجاد امنیت در این مناطق می دادند موضوع خواه ناخواه با خوانین بختیاری ارتباط پیدا می کرد.

خلاصه شرکت جدید مذکور به جهاتی که ذکر شد با خوانین بختیاری که هم صاحب اراضی نفت خیز بودند و هم حفاظت آن حدود را از لحاظ راه تجارتنی لاینج بعهده داشتند، قرارداد جداگانه ای نیز منعقد و سهمی معادل چهارصد هزار لیره برای خوانین بختیاری قائل گردیدند که بعداً این سهام را خود شرکت نفت خریداری کرد. گرچه قبلاً در همان روزهای اولیه به طوری که پیش از این اشاره شد انگلیسی ها با اسفندیار خان سردار اسعد و محمدحسین خان سپهدار که در آن موقع فرمانروای کل بختیاری بودند وارد مذاکره شده بودند. سپهدار پیش نویس قرارداد را نیز شخصاً تنظیم و به انگلیسی ها پیشنهاد نمودند، ولی چون گذشته از صدی ده که پیشنهاد شده بود مواد مندرجه آن هم بسیار محکم و قانونی و حتی از لحاظ قوانین بین المللی فوق العاده متقن بوده است، انگلیسی ها زیر بار نرفتند و فقط مبلغی در سال بنام حق الارض به ایلخانی بختیاری می دادند ولی همین که اسفندیار خان سردار اسعد درگذشت و بلافاصله محمدحسین خان سپهدار هم جهان را بدرود گفت در سال ۱۹۰۵ م. انگلیسی ها بدون درنگ با نجفقلی خان مصمصام السلطنه و حاجی علیقلی خان سردار اسعد دوم و غلامحسین خان شهاب السلطنه و نصیرخان

صاحب الملک، وارد مذاکره شدند و با میانجیگری و وساطت حاجی امین القریبه اصفهانی که یکی از معتمدین دولت انگلیس در اصفهان بود قرارداد مجددی منعقد نمودند و صدی سه برای خواتین در این قرارداد جدید در نظر گرفتند. خواین بختیاری با وضعیتی که از لحاظ سیاست دولت انگلستان داشت در ایران پیش می آمد، خوب سعی توانستند از این موقعیت استفاده های مادی و معنوی بنمایند؛ ولی چون غالباً خردمانی سیاست مدار و جاه طلب نبودند، به همان قولی که انگلیسی ها علاوه بر صدی سه منافع به آنها داده بوده که حتی الامکان آنها را در امر مشروطیت که مقدمات آن فراهم شده بود پشتیبانی کنند و حکومت و امنیت مناطق نفتی و حتی قسمت جنوب ایران را در دست بمانده آنها واگذار کنند به این قرارداد تن در دادند. این قرارداد در زمان سلطنت محمدعلی شاه بسته شده و اندکی قبل از دخالت بختیاریان در جنگهای مشروطیت ایران علیه محمدعلی شاه بوده است.

• متن قرارداد منتشر شده نوامبر سال ۱۹۰۵ م. بین کمپانی نفت و خواین بختیاری.

ماده اول:

در مدت پنج سال شرکاء کمپانی حق دارند در خاک بختیاری همه قسم امتحانات و همه نوع ملاحظات و تفحصات نمایند و منزل و محل برای لوله و غیره بسازند و هر کجا عمارت، منزل و مسکن ساخته، دو عدد برج برای منزل مستحقین نزدیک عمارت بسازند که در هر برج ده نفر مستحفظ مسکنی نمایند. برای محافظت اجزاء کمپانی و منازل و اسباب و غیره و اعانتاً شرکاء کمپانی در تکمیل اجزاء مقصود خواتین هر سالی دو هزار لیره انگلیسی حق گرفتن دارند در این کتورات باقی است تا هر مدتی که شرکاء کمپانی صلاح بدانند در سرزمین بختیاری کار کنند و اگر قبل از پنج سال شرکاء کمپانی نفت نخواهند کار کنند، خواتین حق مطالبه مبلغ مرقوم را ندارند؛ مادامی که مشغول کارند مبلغ مرقوم را هر سه ماه پیش بگیرند.

ماده دوم:

چنانچه نفت مورد اکتشاف شرکتهای وابسته کمپانی نفت در خاک بختیاری پیدا شود و چنانچه این شرکتهای خواهند نفت مزبور را تصفیه کرده و با آن معامله کنند، طرفین پذیرفته و موافقت می کنند که شرایط مقرر در ماه یکم از (دالزیر) استفاده از زمین و محافظت آن) تا اقصای مدت امتیاز شرکت اجرا کنند و در این مورد شرکتهای وابسته موافقت دارند که پس از احداث خط لوله نفت او جریان از طریق آن، همه ساله (۱۰۰۰) لیره انگلیسی به غیر از مبلغ سابق الذکر بپردازند که روی هر سه (۳۰۰۰) لیره خواهد بود و سه ماه به سه ماه برای حفاظت جاده ها، راههای محل عبور خط لوله، خطوط لوله نفت، خانه ها، اشخاص، کارمندان و اثاثیه موجود در خاک بختیاری و اموال

خوانین، پیشاپیش قابل پرداخت است. بعلاوه، پس از تشکیل شرکت نفت در خاکه بختیاری و جریان نفت از طریق خط لوله، سه سهم از صد سهم عادی (عمومی) کمپانی نفت یا شرکتهای نفتی که در خاکه بختیاری تشکیل شود به خوانین بختیاری داده می‌شود و در این شرکت هزینه سه سهم مزبور را از خوانین نخواهد خواست و شرکت حق مطالبه این سهم را ندارد.

ماده سوم:

شرکتهای وابسته موافقت کردند چنانچه چاههای ساخته شده نفت که مورد استفاده خوانین بختیاری است خسارت کلی دیده و یا بلا مصرف بماند یا در اثر عملیات شرکتهای وابسته موجب ایراد خساراتی به خوانین بختیاری گردد، برای این نوع خسارت رضایت خاطر خان بختیاری فراهم خواهد شد و اگر در این مورد اختلافی بین طرفین پیدا شود، موضوع باید به سرکنسول انگلیس در اصفهان احواله گردد تا به عنوان حکمی، اختلاف را حل و فصل کند.

ماده چهارم:

خوانین باید حاکم و رئیس مستحفظ مخصوص تعیین نمایند و اگر مستحفظین کوتاهی در وظیفه نموده، آنها را تنبیه نمایند.

ماده پنجم:

به موجب این قرارداد، مبلغی که از طرف شرکتهای وابسته به خوانین پرداخت می‌شود در قبال کارهایی است که در این قرارداد تصریح شده، بنابراین چنانچه خان و یا کسان وی در انجام وظایف فوق‌الذکر خود تأخیر کنند، شرکتهای وابسته با اطلاع سرکنسول انگلیس در اصفهان مطالبه خسارات خود را از خان خواهد داشت، ولی قرارداد لغو نخواهد شد. اما خوانین، ضامن و مسئول هر شخصی خواهند بود که ادعایی داشته باشد و یا مداخله‌ای در مواد قرارداد مزبور کند.

ماده ششم:

پس از انقضای مدت امتیاز شرکت از دولت ایران، هر نوع عمارت و ابنیه‌ای که متعلق به شرکت و در اراضی بختیاری باشد به خوانین بختیاری داده خواهد شد.

محل امضاء اصحاب الشریعه	محل امضاء مشرواحه	محل امضاء مصمم السلطه
(شیخ محمد تقی)	(از طرف کمپانی و شرکاء)	(نجفقلی خان)
محل امضاء شهاب السلطه	محل امضاء کنسول انگلیس	محل امضاء سردار اسعد دوم
(غلامحسین خان)	(جان ریچارد پرسی)	(حاجی حلیقلی خان)
محل امضاء ریئولندز	محل امضاء صابرم الملک	
(سر مهندسین عملیات حقانوی)	(نصیرخان)	

این قرارداد شش ماده‌ای در تاریخ نوامبر سال ۱۹۰۵ م. به امضاء رسید. برای جبران قیمت زمینها و مراعاتی که مورد استفاده شرکت واقع شده بود و به منظور جلب همکاری بختیاریه‌ها، به رقبای بختیاری وعده داده شد که سه درصد سهم مالکیت کله شرکت‌هایی که به منظور استخراج نفت در خاک بختیاری تشکیل می‌شود به آنها پرداخت گردد و علاوه بر این از سال ۱۹۰۵ م. به بعد سالی ۳۰۰۰ لیره انگلیسی برای محافظت اموال و نوله‌های نفت پرداخت کنند و این نکته در خور ذکر است که ارزش (۳٪) سهم مالکیت بختیاریه‌ها بیش از (۲۰۰۰) لیره پرداخت ثابت سالانه‌ای بود که دولت ایران دریافت می‌کرد.

مفاد قرارداد فوق صدها منافع نفت متعلق به خوانین بختیاری بطور عام بود که بایستی بین تمام اولاد ایلخانی، حاج ایلخانی و ایللیگی بطور تساوی تقسیم شود ولی متأسفانه طمع ورزی آن دو موجب گردید که اولاد ایللیگی را از این حق، بکلی محروم دارند و درآمد هنگفتی که از نفت بدست می‌آید، بین ایلخانی و حاجی ایلخانی و اولادشان تقسیم می‌شد و این تبعیض (حق‌کشی، حق‌شکنی و غیره بود که دشمنی، نفاق و کشمکش هر روزی بنوعی بروز نماید و بین این فامیل جریان داشته باشد، چنانچه تا این اواخر نیز اختلاف شدید در این رابطه بین سرخام‌السلطنه، بزرگ خاندان ایللیگی با حاجی علی قلی خان (سردار اسعد دوم) و سایر عموزادگان پابرجا مانده.

در مدت حکمرانی نجف‌قلی خان مصمص السلطنه و غلامحسین خان شهاب‌السلطنه، اولاد حاج ایلخانی ساکت، با مدارا و احتیاط رفتار می‌نمودند. گاهی اوقات هم خانواده‌های جوان و مغرور در برابر حکام جدید قصد سرکشی داشتند ولی با اقدام بزرگ‌ترها، ساکت می‌شدند بهر حال کلیه اطراف و جوانب قرارداد مورد مطالبه واقع شده بود و با وجودی که عقد چنین معاهداتی مورد تأیید آنان بوده، اما به علت بروز اختلاف و کینه‌های خانوادگی که از دیرباز بین خوانین وجود داشت، موجب شد که از همان مراحل اولیه مشکلاتی بزرگ و روزافزون، منجمده تصور در حفاظت اموال آنان روی دهد و در نتیجه بار مسئولیت و تعهدات خوانین سنگین تر گردد. باری کارشناسان نفت ناگزیر موضوع را به گارد کنسولی خود (که در سال ۱۹۰۷ در آنجا مستقر گردیده بود) ارجاع نمودند.

وینولدز می‌گفت مذاکره با این سران بختیاری در عین سادگی پیچیده بود و همان‌طور که تخم بلبیل آبیستن موزیک است، آنان هم آبیستن خنده و نیرنگ بودند. مذاکرات منتج به عقد قراردادی در مورد تشکیل یک گارد بختیاری برای محافظت از شمال انگلیسی در سال ۱۹۰۶ م. گردید در ازای این کمک از جانب بختیاریه‌ها، شرکت نفت بختیاری با سرمایه ۳۰۰۰۰۰ لیره، (هر سهم معادل یک لیره) در آوریل سال ۱۹۰۶ م. تأسیس شد و انگلیسی‌ها قبل از هر چیز سه

خوصد از سهام این شرکت جدید را به خانهای بختیاری واگذار و تعهد کردند که مبلغ ۲۵۰۰۰ لیره در سال برای حفاظت و سائل حفاری و سایر منعلقات تخصیص دهند. همچنین متعهد شدند ۱۰۰۰ لیره دیگر نیز برای حفاظت خطوط لوله‌هایی که قرار بود در آینده احداث گردد به خانهای بختیاری پرداخت کنند.

از نظر انگلیسی‌ها این قرارداد و ضایع بخش بود اما عملاً برای رینولدز و گروه وی ایجاد دردسر نمی‌کرد. برای حفاظت از اموال شرکت، بختیارها از افراد قبائل خود استفاده می‌کردند. اما غالباً حقوق آنها را پرداخت نمی‌کردند. خانها این رعیتها را که آدمهای فقیر و تهیدستی بودند، به عنوان گارد و نگهبان از زندگی معمولی و ایلی خود جدا می‌کردند. شرایط زندگی برای این مردم تا روز گرسنگی پیش می‌رفت. هر وقت بختیارها برای شرکت نفت ایجاد مزاحمت و شروع به اذیت و آزار پوسل می‌کردند، اعمال سیاست اقلیق توپ‌دار به نظر ساده‌ترین راه بود. این مسئله همواره همراه با داد و بیداد و مشاجره در سازماتهای بین‌المللی منجی بر دخالت در امور کشور دیگر قلمداد می‌شد و نتیجه آن رأی بعضی از کشورها بود که خواستار محکوم کردن انگلیسی‌ها می‌شدند.

انگلیسی‌ها هر وقت با مشکلاتی در مورد بختیارها مواجه می‌شدند و احساس می‌کردند که امنیت پروژه در خطر است، کنسول انگلیس در اهواز اعلام می‌داشت که قادر به هیچکاری نیست مگر اینکه اقدام به اعزام اقلیق توپ‌دار بر روی رودخانه کارون کند و دولت انگلستان مجبور به ارسال اقلیق توپ‌دار کشته می‌گردید. این اقلیق توپ‌دار غالباً در ۲۰ میلی از اهواز به گل می‌تشت و نمی‌توانست به راه خود ادامه دهد. بهر تقدیر بعد از چهار سال طولانی و زحمت و مشقت بی‌فایده در بیابانهای چاه سرخ، رینولدز به همراه همکار و نادر خود آقای «مک ناتن» اقدام به عملیات مرحله دوم کردند. برای شروع کار ناگزیر بودند از ابتدایی‌ترین وسائل در مقابل طبیعت که به نظر می‌رسید غیر قابل تسخیر است استفاده کنند. در دسامبر سال ۱۹۰۵ م همه نیروهای خود را در اهواز جمع کردند و برای شروع عملیات در منطقه شاردین، نزدیکی واسهرمز آماده شدند. کاروان آنها شامل هفت نفر بود. از ارابه‌های ابتدایی که دارای چهار چرخ آهنی و دسته‌های فلزی دراز بود جهت کشیدن و حمل لوله‌های حفاری استفاده می‌کردند. همچنین شش دستگاه ارابه چهار چرخه آمریکایی و دو ارابه دو چرخه که غالباً توسط قاطر کشیده می‌شدند از جمله تجهیزات حمل و نقل آنها محسوب می‌شد. راه درست و حسابی هم که اصلاً وجود نداشت. وقتی به مناطق حاصلخیز و کشت و زرع شده و نهرهای کشاورزی می‌رسیدند، تنها راه گذشتن از این نهرها و راهها خالی کردن بار ارابه‌ها بود. لوله‌ها و دیگهای بخار را در داخل این نهرها تخلیه

می کردند و به عنوان پل از آنها استفاده می شد. نخست اوابه ها را از روی آنها عبور می دادند سپس وسائل مذکور را مجدداً از درون نهرها بر روی اوابه ها سوار می کردند و به راه خود ادامه می دادند. قرار بود حفاری را در دو منطقه شروع کنند. یک نقطه در شاردین و ماماتین در نزدیکی رامهرمز و یک نقطه دیگر در نفتون مسجد سلیمان. این دو نقطه تقریباً ۹۰ کیلومتر از هم فاصله داشتند. رینولدز معتقد بود که منطقه نفتون از موقعیت بهتری برخوردار است. طبق دستورالعمل شرکت، کار را باید از منطقه شاردین شروع کنند. بعداً رینولدز از داریسی تقاضا نمود که اجازه دهد اودوی جدیدی نیز در منطقه میدان نفتون برپا کند. رینولدز به داریسی نوشت: «باید بفهمی اگر عملیات حفاری را نیز در منطقه نفتون شروع کنیم کار من چیزی بیش از دوپایزه کاری خواهد بود. به علت اینکه ناگزیر هستم در بین دو منطقه رفت و آمد کنم. اما باید بدانم با تمام سختیهای کار، من تا این تصمیم را به نتیجه نرسانم دست از تلاش برنخواهم داشت و اگر به من اجازه حفاری در منطقه نفتون را ندهی مثل این است که هیچ کاری انجام نداده ای.» ماهها در زیر گرمای کشنده منطقه، عملیات حفاری را در شاردین با اسباب و وسایلی که بیشتر شباهت به قطعات مستعمل یک موزه داشتند تا لوازم حفاری، ادامه دادند.

سر آرنولد ویلسون، Sir Arnold Wilton در کتاب خود موسوم به تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران می نویسد در اواسط آخرین هفته ماه نوامبر سال ۱۹۰۷ م. به اینجناب دستور داده شد که به فرماندهی بیست نفر از افراد دسته ۱۸ نیزه داران بنگالی از طریق کراچی به محمره (خرمشهر) عزیمت نماید و از آنجا به محلی که بعدها یکی از مراکز مهم نفت خیز دنیا به شمار آمد، و عده ای از کارشناسان حفاری کانادایی و مهندسان انگلیسی به سرپرستی رینولدز از طرف کمپانی داریسی برای استخراج نفت در دو نقطه واقع در دامنه کوههای جنوب غربی ایران مشغول کار بودند؛ رهسپار شوم. سکته محل و ایلات مجاور نسبت به این عملیات پاندمینی و نظر تردید آمیز می نگرند و در راه حصول موفقیت کارکنان نفت، از ایجاد اشکال خودداری ندارند. در آن ایام نیروهای محافظ کنسولهای انگلیسی مقیم شمال غربی و جنوب ایران از طرف حکومت هندوستان اعزام می شدند و عده تحت فرماندهی اینجناب ظاهراً مأمور تھویت کادر کنسولگری اهواز مولی عملاً حمایت و حمایت جان کارشناسان حفاری چاههای نفت را عهده دلو بودند. روز اول سال ۱۹۰۸ م. اینجناب از راه رقیوه به منطقه ماماتین عزیمت نمودم تا از نزدیک وضع کار مشخصی را حاصل کنم. در جستجوی این ماده گرانبها و به عبارتی دیگر طلای سیاه هستم. ملاحظه کنم مقامات وزارت امور خارجه برای جلوگیری از وقوع پیش آمدی، چند دسته سرباز مسلح از هندوستان به تقاطعی که عملیات حفاری ادامه داشت گسیل کردند و پیشاپیش

اقدامات احتیاطی بعمل آوردند.

بالاخره غائله دفع، و مشکلات تا حدودی حل شد و ادامه کار حفاری مجدد امکان پذیر گردید و در نتیجه صدور ملزومات و مایحتاج از هواز در اواسط دسامبر سال ۱۹۰۷ م شروع شد و در پایان آن ماه اولین محموله کاروان، بد تحمل مشقت و زحمت فراوان، در سبت ۱۰ روز قبل از شروع پارتهای تند و سبیل آساکه منجر به بسته شدن جاده و مسیر راه گردید، به شاردین واصل شده گرچه مهندسین زمین شناسی در جهت امکان حفاری، تحت تأثیر موقعیت خوب شاردین قرار گرفته بودند، ولی رینولدز نه تنها شوق و حرارتی در این زمینه از خود نشان نمی داد بلکه ترجیح می داد فقط در منطقه نفتون مسجد سلیمان حفاری انجام گیرد.

نامه رینولدز به دارسی :

نامه زیر که در ژانویه سال ۱۹۰۶ م خطاب به دارسی نگاشته شده، مؤید اکراه و بی میلی رینولدز می باشد؛ در مورد اینکه آیا در مسجد سلیمان باید حفاری ادامه یابد یا خیر، باید بالصراحت متذکر گردم که به هیچ وجه تصمیم شما را مبنی بر عدم حفاری در این منطقه صحیح و عادلانه نمی بینم یا اعتماد کامل من، کیفیت بهتر این مسئله آن است که حفاری در یکی از دو محل انجام گیرد. شما باید سعی کنید بدانید که چنانچه ما هر دو نقطه مورد نظر (شاردین و مسجد سلیمان) را حفاری کنیم، تکلیف شاقی خواهد بود و ما آلاً مسئولیت من مضاعف خواهد شد زیرا تا گذیر باید مداوماً بین هر دو نقطه با توجه به نبودن جاده همواره در تردد باشیم. در نظر داشته باشید که من به این منظور به اینجا آمده ام که امکانات را بطور کامل بررسی و مطالعه کنم و چنانچه شما نخواهید یا نگذارید که کار را به طرز اصولی به سامان برسانم، این مسئله قهراً غرض شده است.

جالب اینجاست که احساس و تشخیص رینولدز چند ماه بعد به ثبوت رسید و مورد تأیید همگان واقع گردید. چنانچه خود او چنین می نویسد: «من از ابتدا به مولفیت در انجام این مهم اطمینان کامل داشتم و باز دید مجدد از مسجد سلیمان موجب افزایش امید و اطمینانم گردید. باری هنوز کارهای زیادی و مشکلات بیشتری در شاردین وجود داشت که باید حل می شد. منجمله پیدا کردن راهی جهت حمل و نقل آلات و ادوات سنگین حفاری به مسجد سلیمان، ابروایی و مساجی و تهیه اراضی آن مجدداً، اجلاس در این جراحت اموال، اراضی کردن خاطر حفاران، خلاصه آنها که از زندگی یکنواخت به ستوه آمده بودند و از عدم تنوع غذاها شکایت داشتند و مرتباً غرولند می کردند، کوشش برای یافتن آب آشامیدنی گوارا، مراقبت از جهت حفظ سلامت مهندسان و کارکنان با توجه به هوای نوائفرمای محل و بالاخره اوضاع پریشان آن زمان، انجام کلیه کارها را دشوار می نمود. با وجودی که رینولدز مردی قائم به ذات بود و از حسن اعتماد به

نفس، برخورداری کامل داشت اما در برابر غرولند و شکوه‌های کارکنان خود، ناشکیبا بود و از این رو با لحن ملامت آمیزی به مهندسان و تکنسینها می‌گفت، اگر شما بجای این بی‌حوصله گیهای بی‌لایحه، به وظایف خود و مسائل مورد علاقه‌تان اندک توجهی بنمائید، محققاً به پیشرفتهای زیادتری نائل خواهیم شد و نگرانیها و نابسامانیها، پایان خواهد پذیرفت. رینولدز مغز متفکر سازمان بود و از این رو توجه و اتکاد همه کارکنان به او بود معاون رینولدز که در چپاسرخ کمال همکاری را با او نموده بود، هملانده نام داشت در اوت سال ۱۹۰۶ م. دو نفر دیگر به عنوان معاونین جدید وی به جنوب ایران اعزام گردیدند. «پارسونز» و «برادشاوه» به محض ورود به ایران بیمار شدند. آنها در بدو امر به عنوان مهندس نقشه برداری و مسیژی باستخدام او درآمده بودند در آن موقع کار حفاری با کندی محسوسی پیش می‌رفت. چاه شماره یک شاردین تا تاریخ هیجده سپتامبر ۱۹۰۶ م. فقط به عمق ۱۲۰ فوتی رسیده بود. آب برای مصرف در دیگ بخار با دست پمپ می‌شد و سوبخت دستگاه از لیر آلوده به نفت و بوته‌های خشک بیابان تأمین می‌گردید سوخت آنها به میزان شگفت‌آوری نامطلوب و مضافاً آلوده به خاک و خاشاک بود و انجام کار را دشوارتر می‌نمود. حفاری دومین چاه نفت شاردین در اکتبر سال ۱۹۰۶ م. آغاز گردید. باری در آن هنگام که اوایل سال ۱۹۰۷ م. بوده، بنیه مالی آقای ویلیام ناکس دارسی بطرز محسوسی رو به تحلیل می‌رفت و بالاخره به دنبال شش ماه مذاکره متوالی، مجدداً توانست مقداری پول تهیه نماید هنگامی فرارسید که اراضی محدوده مورد نیاز جهت عطیات اکتشاف و حفاری در مسجد سلیمان تقویم گردد. رینولدز اراضی را تعیین حدود نموده و پس از زده بندی زمین و تقسیم نسبی براساس آیین آتش، قسمت‌های حلف چرو اراضی خشک و شوره زاره یک نفر مهندس نقشه بردار انگلیسی از هندوستان وارد شد تا کلیه محدوده را متاحی و نقشه برداری نماید.

در برآورد و محاسبه‌ای که متاح انجام داد، تقسیمات و محاسبات رینولدز در حد انحراف کارفرما و تقریباً بصورت انجام کار بیچگانه‌ای جلوه گر شد و از این رو وی به سبب پرداخت اضافی و بیش از حد مقرو به خرابی بخش‌های، مورد انتقاد و ملامت قرار گرفت. در جلسه‌ای که به دنبال ارزیابی اراضی تشکیل گردیده بود، ایلخان اظهار داشت: من مرد صادق و درستکاری هستم، من قیمت هر جریب را به همان مبلغی که سه سال قبل به آقای رینولدز گفته بودم می‌خواهم، درست به همان قیمت، نه کمتر و نه بیشتر حاضر لیستم بفروشم.

رینولدز ضمن سرپرستی کارهای حفاری در شاردین به دنبال احداث جاده‌ای به سوی میدان نفتون بود. در شاردین که در ۱۳ کیلومتری رامهرمز واقع است، حفاری دو حلقه چاه نفت ادامه داشت و در این مزرعه ساختمان جاده مسجد سلیمان رو به پایان بود، اما مشکلات عدیده و قابل

ملاحظه‌ای، خاصه اشکالات ناشی از کمبود کارگر، کمیابی آذوقه، کاستن و خشکیدن چشمه آب و بالاتر از همه کار کردن، در گرمای توانفرسای مردادماه (اوت سال ۱۹۰۷ م) جریان کار را همچنین دشوارتر می‌نمود. بالاخره رینولدز بعد از مشکلات باورنکردنی توانست در ماه اوت (۱۹۰۷ م) جاده‌ای به میدان نفتون احداث کند. در آن سال دو تن از همکاران بسیار خوب رینولدز وی را همراهی می‌کردند. یکی از آنها بعدها سنوات خود را نه تنها خرج شرکت نفت ایران و انگلیس کرد؛ بلکه از نظر انگلیسی‌ها به مردم ایران نیز خدمت نمودند. دیگری یکه ناظر ماهر و قابل اعتماد برای رینولدز بود همکار اول رینولدز، دکتر «ام» وای. «یانگ» M. Y. Young بود. او جایگزین پزشک هندی آنها که در بهترین فصل از سال آب و هوای جنوب را برای خود مساعد نمی‌دانست از انگلستان به اهواز اعزام شده بود. عدم صلاحیت و بی‌لیاقتی پزشک هندی و عادت بسیار بد او که استفاده از تنها اسب اردو را منحصر به خود کرده بود، حال افراد اردو را با اخلاق لاجور خود می‌گرفت.

در ماه مه سال ۱۹۰۷ م. دکتر «یانگ» به جای وی از انگلستان اعزام گردید. ورود وی از طریق بمبئی به خرمشهر بود که مصادف با شیوع بیماری طاعون شد. به همین جهت در بنادر ایران قرنطینه به شدت کنترل می‌شد. اولین خاطرهای که از ورود به ایران داشت این بود که ده روز تمام در یکی از اطافهای قرنطینه در خرمشهر نگهداری شد. وقتی به اهواز رسید رینولدز به ملاقات او رفت و از دیدن وی تعجب کرد. رینولدز مقدش را آگرایی قاشت و در مدت کوتاهی بین آنها دوستی صمیمانه‌ای بوجود آمد. او با آن همه سختی‌ها توانسته بود شخصاً خود را به اهواز برساند. دکتر «یانگ» هفت ماه بعد از ورود به ایران توانست بود که شخصاً در ۲۳۸۰۰۰ مریض را معالجه کند. اما همکار دیگر رینولدز سرگرد «ویلسون» Sir Arnold Wilson از هنگ ۱۸ «انسریبنگال» Bengal Lancer بود و زمانی هم نماینده مردم «هیچین» Hitchin در پارلمان انگلیس شد. او نویسنده کتاب جنوب غربی ایران، خاطرات سیاسی یک افسر بین سالهای ۱۹۱۴ - ۱۹۰۷ م است. ویلسون تا پایان سال ۱۹۰۷ م، مشغول خدمت در هندوستان بود و پس از آن وی را به اتفاق ۲۰ نفر تفنگدار به جنوب غربی ایران اعزام نمودند. ظاهراً جهت تقویت گارد کنسولگری انگلیس در اهواز اعزام شده بود اما در واقع به منظور حفاظت از حفاران نفت آمده بود.

یک نفر زمین‌شناس بنام مهندس «کانینگهام کریگ» Cunningham - Craig در سی‌ام نوامبر سال ۱۹۰۷ م، جهت خدمت و همکاری با رینولدز وارد مسجد سلیمان گردید.

در آن موقع رینولدز با یکی از همکاران خود بنام دکتر «باورتون ردوود» Dr. Bowerton Redwood اختلاف نظر پیدا کرد زیرا وی عقیده داشت که فقط ناحیه نفتون باید حفاری شود، در

حالی که دکتر رود به اکتشاف و ادامه حفاری در شاردین مصراحتاً هلاکتند بود و رینولدز در این باره چنین می نویسد: در شاردین سنگ گچ فراوان است و آثاری از گاز و نفت در آن وجود ندارد. اما باید دانست که زیر بار رینولدز گرفتند و اراده خود را دلیلاً بر ادامه حفاری در شاردین به او تحمیل کردند.

باری کابینگیام کریگ، موقعی وارد ایران شد که رینولدز محل اولیه چاه نفت را انتخاب کرده و در کل حفاری را نیز نصب کرده بود. اما کریگ با وجود توجه ذهنی نسبت به آن مسئله، جانب حزم و احتیاط را گرفت و از نظر صریح خودداری می کرد و حتی به این مسئله نیز اشاره ننمود که باید نفت به مقدار زیادی برای سوخت دیگ بخار مورد استفاده قرار گیرد، زیرا احتمالاً نفت کشف خواهد شد. او فقط گفته می به هیچ وجه توصیه نمی کنم که کاوش و حفاری را در عمق زیاد ادامه دهیم. باید یاد آور شد که کریگ از محل دومین چاه، که خود انتخاب کرده بود، کاملاً راضی و خوشحال به نظر می رسید وی در این مورد چنین اظهار داشته بود: حفاری این چاه، بیشتر از آن جهت اهمیت دارد که ما بدین وسیله از مجامع منطقه مستجد سلیمان آزمایش به عمل می آوریم. ضمناً باید گفته شود که وی بطور کلی به کشف و پیدایش نفت در شاردین اطمینان کامل نداشت و بر این اعتقاد و زعم او چینه های کم شیب و شکل و ترتیب رده بندی کوه های صاف و یکسوخت آنجا که معمولاً نمیشکند وجود ماده نفت است، ابتدا در این ناحیه وجود نداشت.

اطلاق کار رینولدز در یکی از محلهای قبر نشین اهواز در نزدیکی رودخانه کارون بود. اطلاق نشین وی از یک میز مغزولی، چند صندلی و یک قفسه کتاب که توسط تاجر محلی ساخته شده بود تشکیل می گردید. در اطاق کار رینولدز یک میز بزرگه یک ماشین تحریر، دو سه عدد صندلی و دو عدد چمدان از جنس نسلی جهت نگهداری پرونده ها و نامه های اداری رسمی قرار داشت. رینولدز در آن موقع ۵۵ سال سن داشت. تمام وجودش را وقف کار می کرد و بسیار امیدوار بود که موفق به کشف نفت خواهد شد. البته از زمانی که وارد ایران شد بود وقت خود را به هلاکتی و امید سپری کرده بود. ویلسون جوان، باپسر رینولدز در مدرسه Clifton هیگلاسی بودند از نظر ویلسون، رینولدز مردی فعال و دارای بدنی قوی و فکری بلند بود که عادت به سفرهای دور و دراز بر روی قاطر و یا اسب داشت. یک زمین شناس با لیالت و یک مهندس میویل بسیار خردمند و یک انسان موفق در برخورد با مردم بود. رینولدز بارها توطئه ها و ضربه هایی را که ممکن بود به تشکیلات پروژه وارد آید دفع کرده بود. بر اعضای خود مسلط بود و همواره آنها را کارکنان تحت سرپرستی خود را جلب می کرد در مباحثات قوی و مشخص عمل می کرد. در باره تطابق با کشف نفت کاملاً تکمیل و مصمم بود. کارها را با سازماندهی و مدیریت

فوق العادیه می داد و مورد احترام کارکنان انگلیسی و کانادایی، با احساس دوستانه در بین ایرانیان و اعزای بود. وی یک انگلیسی تمام عیار بود و یلسون می گفت: «زیر روکش چوب، ظاهر رینولدز چوب کپوده و سخت انگلیسی خرابیده است.»

رینولدز پنج سال مشغول حفاری در ایران بود که از این مدت سه سال آن را در چاه سرخ و دو سال آن را در شاردین گذرانده بود. در ماه سپتامبر سال ۱۹۰۷ م. دو حلقه چاه به عمق ۲۰۰۰ پا خنجر شده بدون آن که اثری از نفت باشد. ماهها بود که همه قلباً می دانستند کوششهای او بی نتیجه است. بار دیگر وسایل را زمین گذاشتند و تلاش را متوقف کردند.

همین که در شاردین (حوالی ماماتین) نتیجه مطلوب بدست نیامد. آخر الامر طبق دستور کبی واصله از لندن رینولدز حفاری چاههای شماره یک و دو را در اهلیق (۲۱۷۳۱) و (۱۴۹۲۱) فوتی تعطیل کرد. سپس الالبه و لوازمات از شاردین به میدان نفتون حمل گردید. رینولدز ۲۳ ژانویه ۱۹۰۸ م برابر با سوم بهمن ماه سال ۱۲۸۶ خ. حفاری اولین چاه را در منطقه مسجد سلیمان آغاز کرد.

شاید عدم دسترسی به نفت در شاردین و خود حکمتی بود، زیرا چنانچه نفت به ثمر می رسید، از آنجا که آن چاهها جزء محدوده حاکمیت بود، مواجه با مشکلات کنترل فشار زیاد گاز آن منطقه می گردید. باید دانست که رینولدز فاقد ابزار لازم جهت مهار کردن چاهها بود، چه بسا که فوران عظیم چاه در انتظار آنان بود.

میدان نفتون را مهندسین زمین شناس توصیه کرده بودند و رینولدز نیز با ملاحظه سطوح ناهموار زمین و خاصه مشاهده حوضچه ها، که از آن تیر می جوشید، امید کشف نفت را در محلیه می پروراند. در اینجا اولین فعالیتها در اوائل سال ۱۹۰۸ م. شروع شد و همزمان با حفاری نخستین چاه، یک حلقه چاه دیگر در مازس همان سال مورد کاوش قرار گرفت.

با اتمام جاده ماماتین - میدان نفتون و نقل مکان وسایل و تجهیزات به محلی که بالاخره آخرین کوششها را باید رینولدز و همکاران وی به کار می بردند در واقع آخرین فرصت، برای امتحان بخت و اقبال آنان رقم زده می شد. منطقه خشکی مشرف به نهر آبی که آب آن مزه نمک می داد، انتخاب کردند. آب برای دیگهای بخار که در واقع انرژی دکل حفاری توسط آنها تأمین می گردید آمده و در دسترس بود. لکه های نفت و نفوذ نفت در منطقه قابل رؤیت بود، البته این یکی از هزاران مناطقی در ایران بود که نفوذ نفت در سطح زمین جاری بود. مشاهدات

زمین‌شناسی که از انگلستان ارسال شده بود امیدوارکننده نبود. رینولدز فکر می‌کرد حداقل به قدر کالی و جهت مصارف سوخت، می‌توان نفت پیدا کند. از لندن توصیه شده بود که حفاری را بیش از میزان پیش‌بینی شده و در اعماق بیشتر از آن انجام ندهند. در فاصله پگی دو کیلومتری از این منطقه که برای حفاری انتخاب کرده بودند، خرابه‌های دیوارها و پلکان سنگی که افراد محلی آن را مسجد سلیمان می‌نامیدند و در واقع خرابه‌هایی که از تمدن با قدمت بیش از ۲۰۰۰ سال وجود داشت، باید یادآور نگردید که رینولدز در میان آن همه نشووندهای خطیر و مختلف خود از تأخیر و عدم پیشرفت کار در مسجد سلیمان، به علت آماده نبودن مته و چرخ تراش حفاری متأسف و نگران بود. رینولدز می‌اندیشید، آیا این من هشتم که بالاخره توانستم در میدان نفتون مسجد سلیمان حفاری را آغاز کنم؟! سپس با السوس برخورد گفتم آیا بالاخره خواهم توانست مته‌های فرستاده را مرمت و دستگاه را به گردش درآورم و آیا بالاخره خواهم توانست کار حفاری را سازمان بخشم؟

در سطور گذشته اشاره کردیم که قرارداد فی‌مابین داری و رینولدز در لندن تجدید شد و به دنبال آن فرمائی در هفدهم ژانویه به این مضمون به او ابلاغ گردید: «با نهایت دقت و کوشش کار حفاری دو حلقه چاه انتخاب شده در مسجد سلیمان را ادامه دهید».

در آن موقع وضع امنیت داخلی ایران در محدوده خوزستان به قدری نامساعد و سرفت اموال آنچنان فراوان و جاری بود که دولت وقت انگلستان ناگزیر تصمیم گرفت یک دسته سواره نظام هندی را که جزء گارد کنسولگری انگلیس در اهواز بود، به محل کار گروه اکتشافی در مسجد سلیمان اعزام دارد. فرماندهی گارد مزبور را ستوان آرتولد ویلسون به عهده داشت. ویلسون الهسری طوق‌العاده و استثنایی بود و به علت هوش سرشار خود، در مسیر ترقیات چشمگیری قرار گرفت. وی به عنوان عضو ارشد شرکت سهامی ایران و انگلیس استخدام شد و بعدها به نمایندگی مجلس عوام انگلیس انتخاب گردید. وی بعدها ترقی درجه یافت و از طرف دربار انگلستان به دریافت لقب وینزه مفتخر گردید. باری اعزام گارد به منطقه مسجد سلیمان جهت حفاظت اموال عشایری که در حفاری و استخراج نفت انجام وظیفه می‌کردند سودمند و مؤثر واقع گردید. صفت مسجد سلیمان در اصل یکی از آتشکده‌های قدیم است که به مناسبت مجاورت چشمة نفت در این جانور ساخته شده است تا احتیاج به سوخت دیگری نباشد. مسجد سلیمان سرزمینی کوهستانی است که رشته کوه‌های گچی و سنگی و خاکی در سراسر آن کشیده شده است. در میانه این رشته کوه‌ها، جلگه‌ها و دره‌های زیادی است که در روزگاران پیشین کشتزار بوده و در آن جو و گندم به صورت دیم کاشته می‌شد. در محل جدید همه چیز باید از آغاز شروع می‌شد. نصب چادرها،

لطاف کاره محل غذاخوری و دکل حفاری در پایان ماه ژانویه سال ۱۹۰۸ م. حفاری چاه شماره یک آغاز گردید. چند هفته بعد طبیعت زیبای منطقه ناگهان سرسبز شد. شقایقهای وحشی شکفته شدند و دریاچه گلنهای بهاری در سراسر دشت به مشام می‌رسید. با غروب خورشید شقایقها نیز شادابی خود را از دست می‌دادند. طبیعت در این ایام از سال، یعنی در اسفندماه آنقدر لریج‌انگیز و نشاط‌آور بود که انسان احساس سرودن اشعار عاشقانه و عارفانه می‌کرد. دشتها و تپه‌ها مفرش از گلها بودند. درون دره‌ها در همه جا فرگسهای وحشی در یستر طبیعت جلوه‌ای خاص داشتند. کارکنان ایرانی به هنگام عبور از میان آنها خم می‌شدند و از بوی آنها استشمام می‌کردند. بعضی از اوقات با یکی دو گراز وحشی مواجه می‌شدند که آرام آرام در حال فرار بودند. پرنندگان مهاجر با رنگهای طبیعی و مختلف، گروه گروه در حال پرواز بودند. انسان از دیدن آن همه زیبایی محسوس می‌گردید و ذهن، چشم و گوش از پدیده‌های طبیعی و زیبا لذت می‌برد. در طول شبانه روز، عملیات حفاری ادامه داشت.

اواسط ماه مه میلادی ۱۹۰۸ م. چاه شماره یک که نام نخستین چاه حفر شده در آن منطقه بود تا عمق ۱۱۰ م پا در حال حفاری بود. بالاخره لحظاتی که باعث از جا کندن قلبها در سینه‌ها می‌شد فرا رسید. شش سال بود که رینولدز در غرب و جنوب غربی ایران با رنج و زحمت مشغول کار و حفاری بود. ناامیدی حاصل از عدم موفقیت در حفر چاههای منطقه چاه سرخ و شاردین همواره در آنها ایجاد سرخوردگی می‌کرد. رینولدز با وجود نداشتن ابزار کار صحیح و سالم، با امید و دلگرمی، خاصه با حمایت از جانب گارد کنسولگری موجود در منطقه، بکار ادامه می‌داد. دیگر ناامنی وجود نداشت. راه تا حدود قابل ملاحظه‌ای هموار شده بود. آن دوران را باید دوران بی‌قراری، دوران آشفتگی، دوران پلاتکیلی و ناپسامانی دانست، چه از یک سو در محیط کوچک مسجد سلیمان آن روز در حین تلاش و مبارزه برای کشف اسرار زمین و مآل یافتن ماده ارزشمند که طبیعت میلیونها سال در داخل خاک به امانت نهاده بود، حالتی پر از بیم و امید وجود داشت و از سوی دیگر تشویش و انتظار توأم با نومییدی در لندن حکمفرما بود، زیرا طی هفت سال متوالی مبالغ متناهی صرف شده، مغزهایی بکار افتاده، نیروی انسانی به هدر رفته و هنوز کمترین نتیجه مثبتی هاید نگردیده بود. آری طاس انداخته شده بود. نتیجه پایان قمار بزرگ بزرودی معلوم می‌گردید، گویی همه در این اندیشه و در این انتظار بودند که: شب آستن است تا چه زاید صحر.

مضمون نامه زیر حاکی از اضطراب آشکار داری است که به دستور او منشی مخصوص وی چند روز قبل از پایان سال ۱۹۰۷ م. از لندن به مسجد سلیمان به رینولدز نگاشته شده است. تصور

می‌رود تا کنون کار حفاری را در مسجد سلیمان شروع کرده‌اید باید تأکید نمایم که آقای ویلیام ناکس داریسی در این موقع بیش از هر وقت دیگر، کنجکار و شائق هستند تا از جریان و پیشرفت کار حفاری آگاهی کامل بیابند، زیرا در این حوالیت و شرایط همه چیز به اقدامات و فعالیت‌های شما در آن سرزمین بستگی داده‌باری وینولدز از تصمیم زعمای و سرپرستان اسمو کینگ پویش خود دایره مطالعه و بررسی تشخیص صحیح کار تردید فراوان داشت و از این رو با اینکه به پیشنهاد‌های آنها، نظرات طبعه آمیز و تلخ و سخادی نثار کند، تنفر و ابایی نداشت. این نحوه قضایوت را اسر آرینولد و طسون، نوعی خشونت و درشتی دو پندله گویی نامیده بود.

مدیران سندیکا در لندن و گلاسکو که تا آن موقع در جهت جستجوی ظاهراً بی حاصل و نافرجام نفت بالغ بر ۲۵۰ هزار لیره متفرز شده بودند و بدست آوردن مجدد آن را فکر و آرزویی عبث می‌پنداشتند ولی به هر صورت داریسی مدت هفت سال به طرق مختلف از حمایت، تشویق و پشتیبانی بی دریغ این معامله‌ای که بطور جدی به قمار مانند بود، بهره‌مند شده بود.

داریسی در این هنگام مورد شور و مشاوره قرار گرفت، شور و مشورتی که اینک بکلی از شکیبایی حامیان خود خارج شده بودا داریسی در این باره به مشاور فضایی خود گفت: قصه کهنه باز هم تکرار شده است و در دنباله گفتارش به او اطلاع داد که جیمس هامیلتون، یکی از اعضای هیئت مدیره نفت برمه، به او پیغام داده است که پولها ته کشیده و ناگزیر بدون دریافت این سلاح مطمئن، کار در محاق تعطیل در خواهد آمد.

داریسی بار دیگر با استفاده از اعتماد به نفس و اطمینان فوق‌العاده و کم‌تظیر خود با اشاره به معاهده مربوط، امید و توکل خود را دایره به کشف نفت ابراز داشت. داریسی همچنین آنان را نسبت به قضایوت سلیم و تشخیص صحیح وینولدز اطمینان داد و اعضای هیئت مدیره را به ترغیب بیشتر آنان در ادامه حفاری به مدت یکسال دیگر خواستار شد و از آنها خواست که مقدار دیگری وجه تأمین نمایند. اما مدیران سندیکای امتیاز نفت جانب حزم و دوراندیشی را گرفتند و نامه‌ای به وینولدز نگاشتند و نظر او را در این باره خواستند. جالب اینجاست که این نامه حدود دو هفته قبل از پیدایش نفت در مسجد سلیمان به وینولدز واصل گردید. مضمون نامه آنان خطاب به وینولدز چنین بود:

«عطف به مسئله‌ای که طی نامه‌های متعدد اخیر خود مبنی بر تعطیل کار نگاشته‌اید و در آن استفسار نموده‌اید، چنانچه اقدامات با شکست روبرو گردد کارکنان به انگلستان مراجعت نمایند چه اقدامی باید معمول گردد؟»

و لزوماً یاد آور می‌شود که هیئت مدیره علاقمند است چنانچه امکان داشته باشد به حفاری دو حلقه

چاهی که هم اکنون مشغولید تا اصمق ۱۱۵۰۰ و ۱۱۶۰۰ فوت ادامه دهید. و چنانچه آثاری از نفت تا آن اصمق ظاهر نشد، بهین وسیله به شما دستور داده می شود که چول تمام شده عملیات را به سنگی متوقف ساخته، کارکنان و لاجرم استخراج نموده، هر چند بخواهید از آلات و ادوات با ارزش به مجموعه (بختر مشهور) جهت عودت به انگلستان ارسال دارید. و بلافاصله با همراهان به لندن عزمیت نمایید.

اما نظر چنان بود که دو هفته بعد نتیجه قطعی گندو کاوی بدست آید. این نامه را رینولدز در اواخر ماه آوریل سال ۱۹۰۸ م دریافت کرد و در پاسخ طی نامه ای با بیخیز نوشت: «تصور نمی کنم بالاخره در نحوه قضاوت و نظرات شما تغییری حاصل شود و عقایدی مغایر با آن در ذهنتان جایگزین گردند».

رینولدز بدون فوت فرصت موضوع نامه را برای ویلسون شرح داد. این اخبار غیر متعقباتی نهی نهایت ویلسون را ناراحت کرده بود. او شخصاً در کار نفت وارد نبود ولی بنا آنجا که از بیانات کارشناسان استنباط می کرد، پراش مسلم بود که دیر یا زود وحمایت کمپانی به نتیجه رسیده و از ذخایر ذیقیمت مسجد سلیمان استفاده خواهد شد.

چون منتر «لورینر» (Lortimer) نایب کنسول انگلیس در اهواز نیز به مرخصی رفته، دفتر رمز و با خود برده بود و تنها تصمیم ویلسون فعلاً در این قضیه تأثیر به سزایی داشت. لذا بدون اتلاف وقت شرحی به این مضمون به سرگروه «ماژر کاکس» (Cox) (پسر پرسی کاکس معروف، سرکنسول انگلیس در بوشهر و عاقد قرار داد ۱۹۱۹) نوشته و توجه او را به اهمیت موضوع جلب کرد:

«شرکت نفت برمه تصمیم غیر عاقلانه ای اتخاذ کرده و برای اخذ نتیجه شتابزدگی به خرج داده است. چاههای خوزستان بدون شبهه دیر یا زود به نفت خواهد رسید و اگر ما امروز این منافع زرخیز را از دست داده و از امتیاز داری استفاده نکنیم، فردا با آلمانی ها یا یکی از کمپانی های وابسته به راکفلر از نفت این ناحیه منتفع خواهند شد. برای اینجانب جای کمال تعجب است که چگونه اولیای کمپانی با این عجله حاضر شده اند که از چنین امتیاز مهمی که شامل قسمتی از نقاط عمده ایران است صرف نظر کنند و اصولاً چرا قبلاً با وزارت خارجه یا وزیر هندوستان و بنا با جنابعالی وارد مذاکره نشده و من ضرورت چنین تصمیم غیر عاقلانه ای اتخاذ کرده اند».

اولیای شرکت چند نفر اسکاتلندی هستند و اسکاتلندی ها نیز به طور کلی عموماً در حمایت و بهره جویی بیاد می کنند، به هر حال به نظر اینجانب باید تا وقت از دست نرفته و اعضایی را که در این مدت به کارها آشنا شده مرخص نموده اند. جنابعالی اقدام فوری بعمل آورید. من از دست این آلمانی که از مواهب الهی فقط به پول قناعت کرده و از عقل و شعور بهره ای نبرده اند به تنگ

آمدیم.

اولیای شرکت و سایر تجار مخالفه‌های انگلیسی که در کرانه‌های خلیج فارس به امور بازرگانی اشتغال دارند برای یکبار هم که شده از لندن به این حدود مسافرت نکرده‌اند تا از نزدیکی مشکلات کار را ملاحظه نموده و بعداً همینطور حلی‌العصیاء از لندن دستورات معتاقض صادر نکنند. چون سیاستمداران بزرگ و کارشناسان عالی رتبه به اهمیت این منطقه واقف می‌باشند و نرد کوزن هم در کتاب خود آیه درخشانی را برای خوزستان پیش‌بینی می‌کند و خود ایشان از سوابق امر و فعالیت‌هایش که قبلاً برای کشف نفت شده اطلاع کامل دارند، انتظار می‌رود جنابعالی به هر قسم که مصلحت و مقتضی بداند اقدام فوری به عمل آورند.

لازم به تذکر است که از همین نامه ویلسون به سر پرسی کاکس می‌توان اهمیت این منطقه برای چپاولگران مغرب زمین و رقابت آنها بر سر منابع ثروت ملی دیگر کشورها را نتیجه گرفت. رینولدز از دست رؤسای خود دل‌خونی داشت و معتقد بود که اگر در همان ایام سابق که لوئیس کارشناس نفت در این حوالی مشغول فعالیت بود، دنیال کار را می‌گرفت، به طور قطع امروز بهره‌برداری از چاههای نفت این حدود آغاز و منابع سرشاری هاید می‌گردید.

رینولدز پس از مشاوره با ویلسون تصمیم گرفت که قبلاً کار را تا وصول نامه تأییدیه کمپانی به عنوان اینکه چند کلمه تلگراف به طور صحیح کشف نگردیده تعطیل نکرده و عملیات خود را ادامه دهد. ویلسون چنین می‌نویسد: رینولدز با آنکه سنش از پنجاه گذشته فوق‌العاده پُرکار و فعال است و از زمین‌شناسان و مهندسان لایقی است که وجودش از هر جهت منشأ اثر می‌باشد، چون سالم و تندرست است، ساعات متوالی بدون احساس خستگی، همواره این طرف و آن طرف رفته و اراضی مختلف را بازدید می‌کند. وی مکرر در نقاط دور دست مورد حمله و تعرض واقع شده و با حزم و دوراندیشی خطر را از خود دور کرده است. مهندس رینولدز هرگونه مشکلی را با خونسردی مرتفع ساخته است. به نظر من هرگاه دیگری جای او بود هرگز نمی‌توانست به این سهولت با کمپانی که سرکار دارد سازش کرده و وظایفش را ضمن تأمین منافع کمپانی به انجام رساند. رینولدز در نامه خود به داری در تیرماه ۱۲۸۶ خ. چنین می‌نویسد: ما با دشواریهای زیادی از لحاظ کارگر، خوراک، آب آشامیدنی، گرمای سوزان در دره‌هایی که رودخانه شور تمپنی بجاری است و ببرو هستیم.

ویلسون هنگام رینولدز در خاطرات خود می‌نویسد: کارگران و مهندسان نفت در این موقع فوق‌العاده در زحمت بودند. از یک طرف حرارت سوزان آفتاب و از طرفی فقدان وسایل و ابزار کافی همه را به ستوه می‌آورد. ماشین آلات و ادوات مورد نیاز کمپانی از آمریکا، انگلستان،

هندوستان و سایر کشورها تأمین می‌گردید و وقتی به محمره (خرمشهر) می‌رسید از آنجا بایستی به اهواز، درخزیه، سپس به (تل خباط) و بعد به مسجد سلیمان فرستاده می‌شد. در این موقع راههای ایران هنوز اتومبیل رو نبود، کمپانی پوسله شرکت برادران لینچ، همیشه متجاوز از ۹۰۰۱ رأس قاطر برای حمل و نقل ائاله خود در اختیار داشت. باید یادآور شد که این قاطرها را شرکت لینچ از پیمانکاران محلی کرایه کرده بود و در صفحات بعد بیشتر راجع به آنها توضیح داده می‌شود.

سه هزار کیلومتر جفا از منزل با تلخی و ناامیدی دو گروه از انسانها به سرنوشت خود دشنام می‌دادند. به جای اینکه رینولدز در آن سن و سالی که داشت از مزایای بازنشستگی خود مانند یک نجیب‌زاده از آب و هوای انگلستان عصر ادوارد لذت ببرد، ناگزیر بود در قطعی دورافتاده و محروم در تلاش برای رسیدن به نفت باشد. تنها پاداش داری به رینولدز و افراد وی تحمیل چندین سال کار سخت و طاقت‌فرسا و از دست دادن بیش از ۳۰۰۰ هزار لیره بود. شرکت برمه خدمات بعضی از بهترین نفرات خود را قربانی کرده بود. مقامات دریانوردی انگلستان مجدداً به اصل سوخت هیرفتی کشتی‌ها بازگشت کرده بودند. اما هنوز آقای فیشر، سیاستمدار انگلیسی طرفدار استفاده از نفت در سوخت کشتیها بود. در تپه‌های خشک و داغ مسجد سلیمان رینولدز و المراد وی آزادانه دشنام می‌دادند. این رسم و عادت مردان حفاری به هنگام کار در مناطق نفتی است، به ویژه وقتی که مواجه با تصمیمات غیرمنطقی مسئولین ارشد خود در ادارات مرکزی می‌شدند. رینولدز با تسلط بر احساسات خود باید تصمیم خویش را می‌گرفت اجرای دستورالعملهای مهم مبنی بر توقف عملیات بدون اخذ تأییدیه مکتوب قابل اقدام نبود. به همین جهت کسب موافقت کبلی در خصوص توقف عملیات حدود یک ماه به طول می‌انجامید. رینولدز از این فرصت استفاده کرد. عملیات حفاری با دلسردی و رنج و امید و علی‌رغم تلگراف داری مبنی بر قطع حفاری، ادامه یافت.

* کشف و فوران نفت در مسجد سلیمان :

اوایل ماه مه سرعت کار شدیدتر شده بود و مه حفاری شبانه‌روز، بی‌وقفه و پُر هیاهو بر زمین ضربه می‌زد تا اینکه در روز چهارشنبه ۱۶ ماه مه سال ۱۹۰۸ م. بوی گاز استشام شد. درست ۱۰ روز بعد یعنی ۲۶ ماه مه ۱۹۰۸ م. برابر با ۵ خردادماه ۱۲۸۷ ه. ش. در ساعت ۳:۳۰ بامداد مه حفاری چاه، آخرین ضربه خود را به صخره‌ای که روی معدن معروف مسجد سلیمان قرار گرفته

بود وارد آورد و نفت در صق ۱۱۸۰۰ فوتی^۱ از چاه شماره یک مسجد سلیمان با فشار زیادی فوران کرد.

این صحنه آنقدر موجب خوشحالی حفاران و کارگران شد که شروع به رقصیدن بدور دکل کردند و از خود صداهای عجیب و غریب در می آوردند و هلهله می کردند.^۲ این روز تاریخی یکی از باشکوه ترین دقایق تاریخ صنعت نفت در خاورمیانه بود. در نتیجه میدان عظیم نفتون کشف شد و صنعت نفت در خاورمیانه متولد گردید. چاه شماره یک در روز ۲۸۰۰۰^۳ گالن نفت تولید می نمود. انگلیسی ها از شادی نفت را بصورت خود می مالیدند و همیشه در مقابل چاه کلاه خود را در آورده، تعظیم می کردند زیرا حق داشتند چون با این نفت انگلیس تبدیل به بریتانیای کبیر شد. در حفر این چاه آقایان عبدالحمین رضاپور، امیر قلی قاضی و علی رحم ظاهری حضوری فعال داشتند.^۴

رینولدز در مورد این روز تاریخی چنین می نویسد: همانگونه که مت حفاری با قدرت و زورمندی به کندن و کاویدن در گردش بود، در یک طبقه سخت سنگی، طبقه و لایه ای آنچنان سخت که ما هرگز قبلاً بدانند آن برخورد نکرده، طبقه ای که می توانست ویران کننده دستگاه باشد و مهار و دهنه زدن به آن کاری بس دشوار می نمود و کنترل چاه را بسیار مشکل و بل محال می کرد، نفت فواره زد. بلافاصله و با سرعت، گودالی عمیق و بزرگ کنده شد تا نفت چاه دیوانه در آن جا داده شود.

بوی گازی نهایت زننده و نفرت انگیز بود و در یک لحظه فضا از رایحه کره آن پر شد. بلاشک تماشای فوران نفت منظره ای دیدنی و حادثه ای استثنایی بود که آن گروه فعال برای نخستین بار در طول زندگی خود در آن صبحگاهی، در حالی که هنوز هوا تاریک بود و ستارگانی چند در آسمان می درخشیدند مشاهده می کردند. نفت با صدای مهیب و باشکوهی خاص، به ارتفاع یکصد فوتی رو به بالا فواره می زد و بوی تند و شدید گاز همه جا را فرا گرفته بود. سیل تبریقات بی شمار بسوی رینولدز خاصه از جانب دوستانش که در اهواز اقامت داشتند، آغاز گردید. و این چیزی بود که رینولدز به آن نیاز فراوان داشت و به حق استحقاق چنان تبریقات و تشریفات را

۱- این صق برابر با ۳۶۰ متر می باشد.

۲- کارگران بهخوبی در این موقع شروع به گاله زدن کردند.

۳- این میزان برابر ۳۶۰۰۰ لیتر در روز می باشد.

۴- این سه نفر از طایفه نصیر می باشند.

دارا بود.

متن یکی از تلگرافهایی که به او مخایره شده چنین است: «تو ای رینولدز بالاخره محل چاه اصلی را که اصرار و پافشاری به حفاری آن داشتی یاشی و به ثمر رساندی.»

روز چهارشنبه ماه مه برای رینولدز روزی بود که نامش در تاریخ ایران در اوج افتخار ثبت گردیده است، زیرا وی نخستین کسی بود که ماده نفت را در ایران کشف کرده بود. نفتی که پس از هفت سال و اندکی با تلاش، استقامت و سماجت خاص او کشف شده بود. نگاهی به گذشته و توجه به دورانی که او در میان قهقراپی غوطه‌ور بود، دورانی که پُر از بیم و امید بود، زمانی که توأم با عدم آسایش خیال، تضییقات مالی، کار در کوهستانهای ناشناخته، فضیلت در هواهای مستعیر و ناسازگار، و بالاخره عدم آشنایی به محیط بود که اگر چه در اراده مردی خود ساخته و با اراده اما حساس و تنها و درون‌گرا، که در عین حال زیاد بدان اهمیت نمی‌داد ولی بهر صورت بدون اثر نمی‌توانست باشد. شجاعت و استقامت وی در قبال مرارتها و شکستها که آخر الامر منتهی به پیروزی گردید، اهمیت کاری را که انجام داده بود به صد چندان می‌رساند.

ویلسون که از روی یادداشت‌های مسافرت خویش به مسجد سلیمان کاپی نوشته است، این روز تاریخی را چنین توصیف می‌کند:

«سحرگاهان روز ۲۶، ماه مه یکی از دو چاه آزمایشی به نفت رسید. صبح خیلی زود بود، من در جلوی چادر خود در آن نواحی در خواب بودم. ناگاه صدای مهیب و مهمنامی به گوشم رسید و سروصدای زیادی برپا شد. به محض شنیدن سروصدای غیرعادی و داد و فریاد کارگران بیدار شدم و به طرف چاه دویدم، نفت، آری نفت بجوش آمده و به شکل ستون سیاه رنگی در حدود صد فوت از نوک دکل حفاری بالا می‌زد و در هوا پخش می‌شد و بر سر و صورت کارگران می‌پاشید. چیزی نمانده بود که حفاران و مهندسين کانادایی، انگلیسی، و کارگران زحمت‌کش ایرانی از گاز بدبوی این ماده غلیظ سیاه، تلف شوند.

نفت چون نهر آب در دره‌ها روان بود و رینولدز اولین رئیس عملیات نفت در ایران، تصمیم گرفت از هدورفتن آن جلوگیری کند. گودال بزرگی در ۲۰۰ متری چاه درست کردند و جریان نفت را بطرف آن سرازیر ساختند. در حفر چاههای بعدی برای گرم کردن دیگ بخار بجای هیزم از این نفتها استفاده می‌شد. به گفته معمرینی که در هشتاد و هفت سال پیش در حفر چاه شماره یک شرکت داشتند، بیشتر مسجد سلیمان پوشیده از درختهای کوتاه کنار و بوته‌های سبز بود و جز در فصل زمستان که بعضی مردم چادر نشین به اینجا کوچ می‌کردند، اثری از اجتماعات انسانی در آنجا نبود. این ناحیه وسیع به چشم نمی‌خورد.

شب بعد رینولدز و دستپارش مفرور و سر مست در صدد بودند تا مزده این پیروزی را به صورت رمز به اطلاع داری برسانند. رینولدز به انگلستان از طریق بصره چنین گزارش کرد: «مفتخرم گزارش کنم که امروز صبح در ساعت چهار به وقت ایران، نفت در عمق (۱۱۸۰) پا از چاه شماره یک فوران کرد. جزئیات دیگر شامل خلطت و مقدار نفت، متعاقباً اعلام خواهد شد. این نزدیکی راه برای گزارش حادثه بود.

البته نفت حاوی گوگرد خوبی بود و بوی شهد گیاهی می داد. رینولدز با همان پیک نیز با جملات عامیانه تلگراف کوتاهی جهت مخبره از طریق بصره با شتاب ارسال کرده بود. مأمور ارسال و مخبره تلگراف از مسجد سلیمان حدود یک هفته طول می کشید تا به بصره برسد. اما ویلسون ۴۸ ساعت بعد با تظاهر و آب و تاب فراوان تلگرافی را به وسیله اداره تلگرافخانه شوشتر به سرگرد کاکس سر کنسول انگلیس در بوشهر نمود. چون وی رمز تلگراف نداشت، آن را با این مضمون مخبره کرد: «قرات کنید مزمو ۱۰۳۱، آیه (۱۵) سوره دوم و مزمو ۱۱۳۶، آیه ۸۵ سوره سوم و انجیل مقدس را که می فرماید: باری تعالی روغن را از دل خاک بیرون آر و به سیمایم روشنی و بشارت عنایت فرما، و اینکه اولین سنگ آتش زفه در یک چشمه فیاض نفت در مسجد سلیمان»

کاکس کتب مقدس تورات و انجیل را در اختیار داشت و بدین ترتیب توانست کشف رمز کند و از دسترسی رینولدز به نفت پی برد و مطلب را بلافاصله به تهران گزارش کرد و از آن طریق خبر کشف نفت به وزارت امور خارجه انگلیس رسید. البته چندین روز قبل از اینکه پیک پستی رینولدز به بصره برسد. چند روز بعد وزارت امور خارجه انگلستان طی نامه ای به داری نوشت: «از طرف سر ادوارد گری وزیر امور خارجه به ما دستور داده شده تا رسماً به شما ابلاغ نمایم به موجب تلگرافی که از طرف کاردار سفارت انگلیس در تهران مخبره گردیده، مستصدیان و کارشناسان سندیکای شما در ایران گزارش داده اند، چاه شماره یک در عمق ۱۱۸۰ فوتی به نفت رسیده است. هم اکنون رونوشتی از آن پیام تاریخی که روی کاغذ بسیار نازک و محقری نوشته شده در آرشیو «خانه بریتانیا» موجود است.

داری که یک بار در چهار سال قبل با دریافت خبر کشف نفت از چاه شماره یک چیا سرخ از خوشحالی کلاه خود را به بالا پرت کرده ولی چند روز بعد با تکشیدن نفت آن، تمام آرزوهایش نقش بر آب گشته بود، خبر جدید کشف نفت در ایران را با احتیاط مورد بررسی قرار داد. با خود گفت: «اگر این خبر صحت داشته باشد مشکلات ما تمام شده است. اما من به هیچ کس نخواهم گفت تا اینکه این خبر مورد تأیید قرار گیرد.» اما این بار یک امر واقعی اتفاق افتاده بود. رینولدز

به یکی از بزرگترین مناطق نفتی که تا آن زمان کشف نشده بود دسترسی پیدا کرده بود. آقای کلبعلی فرهادی از طایفه نصیر در حفر این چاه شرکت فعال داشتند.

چاه شماره دو هفت روز پس از فوران چاه شماره یک در عمق ۳۰۷۵ متر با فشار گاز بسیار زیادی که قابل کنترل نبود، به نفت رسید و معلوم گشت که ضخامت سنگ معدن مسجد سلیمان بالغ بر ۳۰۰ متر است. چهارده روز بعد در ۱۹۵۳ ماه ژوئن، رینولدز نامه‌ای از لندن دریافت کرد که طی آن شرکت نفت برمه مواقت خود را در مورد پرداخت پیش پرداخت کافی اعتبار جهت ادامه حفاری تا عمق ۱۹۶۰۰ پا اعلام کرده بود. این مواقت نامه در ۱۴۱ ماه مه ۱۹۰۸ م یعنی چهارده روز قبل از رسیدن اولین چاه به نفت منعقد گردیده بود، اما خبر آن بعد از سه هفته به رینولدز رسید. یک ماه بعد سر مهندس رینولدز وقتی فهمید که رؤسای مربوطه وی قبل از اینکه تلگراف او برسد بشارت این پیروزی را بوسیله وزارت امور خارجه شنیده‌اند و خلاصه ویسون در فرستادن خبر بر او سبقت گرفته بود، اندکی رنجیده خاطر و ناراحت شد.

با فوران چاه شماره یک مسجد سلیمان آشکار می‌شود که ایران دارای منابع ذیقیمتی از نفت بوده و آینده درخشانی در پیش دارد. چند چاه دیگر نیز در همان حوالی با موفقیت حفر گردید که همه آنها حاوی مقادیر معتدله‌ای نفت بوده؛ به این طریق میرهن شد که منطقه نفتخیز وسیع و مهمی کشف گردیده است. آینه صنعت نفت پس از کشف طلای سیاه در مسجد سلیمان و حفر چاههای مولده دیگری که حاکی از وجود ذخایر سرشار این معدن بود تأمین گشت.

در خلال سال ۱۹۰۷ م روابط بین سندیکا و امتیازات نفت و خوانین بختیاری از حالت دوستانه خارج شده بود. اگرچه لوریمر، کنسول انگلیس در ایران اظهار کرده بود که حالت خصومت نسبت به شرکت و سندیکا و یا انگلیس در بین ساکنین محل وجود ندارد، اما از زمان ورود گارد هندوستان به ایران این موضوع موجب نگرانی خوانین بختیاری گردیده. وقتی سردار اسعد در ژوئن سال ۱۹۰۸ م در لندن بود از این بابت از آقای هاردینگ وزیر امور خارجه انگلیس گله‌مند می‌شود که با وجود نیروی بختیاری برای حفاظت از خط لوله و تأسیسات نفتی، شرکت مبادرت به اعزام گارد هندوستان به منطقه کرده است. هاردینگ هم اظهار داشت: بجای تأسف است دولت انگلیس که دوستان خوانین بختیاری هستند مجبور شده‌اند برای حفاظت از اتباع انگلیسی در مقابل طوائف بختیاری از هندوستان گارد اعزام کنند. نگرانی که از طوائف بختیاری مأمور حفاظت از تأسیسات شرکت بودند، چون حقوق آنها از طرف خوانین پرداخت نمی‌شد. غالباً اقدام به خرابکاری و ربودن وسائل شرکت می‌کردند و یا افراد شرکت را تهدید و ایجاد ناآمنی برای آنها می‌کردند. شایع است که یکی از همین نگرانیان وقتی به نزد خان رفته و از

وی تقاضای حقوق نگهبانی کرده، خان به او گفته بود: پدر سوخته! کار به تو داده‌ام حقوق هم از من می‌خواهی؟!۱

تا پایان سال میلادی ۱۹۰۸ منتهی بازگشت گارد هندوستان همواره مورد سؤال قرار می‌گرفت. لوزمر ترجیح می‌داد که گارد را در منطقه نگهدارد. بدین ترتیب در آغاز ماه دسامبر ۱۹۰۸ م هاردينگ وزیر امور خارجه وقت انگلیس به داری چتن نوشت: «با توجه به آرامشی که در منطقه وجود دارد نیازی به حضور گارد نیست و فراخواندن آنها یک مانور تاکتیکی و از نظر سیاسی مهم خواهد بود. چنانچه وجود گارد ادامه داشته باشد هزینه آن را نمی‌توان به حساب مخارج عمومی دولت منظور کرد و باید توسط هیئت رئیسه شرکت پرداخت گردد.» البته پاسخ داری نیز بسیار زیرکانه بود و او با عطف به تأخیرها و ضرورت‌هایی که به علت قطع عملیات شرکت توسط عوامل بختیاری صورت گرفته، اظهار داشته بود که با بهره‌برداری از منابع نفتی در جنوب ایران توسط شرکتی که کارشناسان آن انگلیسی هستند و با سرمایه انگلیسیها فعالیت دارد، منابع بسیار باارزشی از لحاظ تأمین انرژی و سوخت برای دریاداری انگلستان به دنبال خواهد داشت. بنابراین مساعدت دولت انگلیس در نگهداری گارد در منطقه قابل تقدیر خواهد بود. هزینه ماهیانه گارد ۱۷۴/۸۵ لیره بود که حتی نیمه ارزان آن تا پایان ژوئیه ۱۹۰۸-۹۹ م پرداخت گردیده بود.

بهبود روابط با خوانین بختیاری که موجب تسهیل در امر بازگشت گارد هندوستان شد در واقع مرهون فعالیت دکتر بانگ بود. از دکتر بانگ درخواست گردید که برای معالجه فرزند مریض شهاب‌السلطنه به منزل ایشان برود. در نتیجه معالجات وی فرزند شهاب‌السلطنه شفا یافت. رضایت و خوشحالی خان باعث شد که خان بختیاری علاقمند به همکاری با شرکت شود. البته دکتر بانگ و رینولدز دریافته بودند که مشکل اساسی با خوانین بختیاری در چهار حرف ختم می‌شود: «گارد» آنها می‌دانستند مادامی که افراد گارد هندوستان در منطقه باشند، خوانین به بازی خود مبنی بر تاوان کردن محل عملیات استخراج نفت ادامه خواهند داد. به همین جهت رینولدز پیشنهاد کرد تا قرارداد نگهبانی بختیارها مورد تجدیدنظر قرار گیرد و پیشنهادات معین و مشخصی در ارتباط با تعداد نیروی انسانی مورد نیاز، ثبت اسامی آنها، گماردن سرنگهبان، تعیین مقدار حقوق و تشریح وظایف آنها انجام پذیرد.

شهاب‌السلطنه این امر را یک تغییر در سیاست می‌دانست و علاقمند بود که روال گذشته ادامه داشته باشد اما مورد موافقت دکتر بانگ و رینولدز نبود.

خان بختیاری اظهار داشته بود که این انعطاف‌پذیری که از خود نشان می‌دهد بیشتر به خاطر

احترامی است که برای دکتر یانگ قائل است.

مذاکرات برای حل مسئله نگهبانی در «مال امیر» از مناطق بختیاری (مرکز ولایت ایذه) بین دکتر یانگ و رینولدز از یک طرف و شهاب‌السلطنه و سردار بهادر و پسر سردار اسعد از طرف دیگر در خلال روزهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ م. ماه مارس ۱۹۰۹ م. صورت گرفت. لوزینر نسبت به خلوص نیت خاتمه مشکوک بود و یاد آور شده بود هرگونه ترتیباتی که با خوانین بختیاری انجام پذیرد در صورتی نهایی و قابل اجرا خواهد بود که چهار نفر از سران ایلات بختیاری آن را امضاء کرده باشند، به ویژه سردار اسعد. در ۱۹۵۱ م. مارس همان سال یک الحاقیه قرارداد نگهبانی امضاء گردید و به موجب آن حق و حقوق نگهبانان مستقیماً توسط سرنگهبان پرداخت می‌شد. قرار شد فوق‌العاده‌ای معادل ۶۰۰۰ لیره از هزینه‌های سال گذشته کاسته شود و حقوق عقب‌مانده نگهبانان تا مبلغ ۲۵۰۰۰ لیره پرداخت گردد. رینولدز که از رویه گذشته حراست و نگهبانی تأسیسات توسط بختیارها نگران بود با اعتقاد این قرارداد امیدوار بود سرآغاز خوبی برای بهبود روابط با بختیارها باشد. در مورد سردار اسعدخان، رینولدز احساس کرده بود که وی خیلی بیشتر از وجود گارد هندوستان نگرانی داشت، تا تجدید قرار داد.

به همین جهت رینولدز اظهار داشت چنانچه قرارداد جدید به مرحله اجرا درآید و مشکلی از طرف بختیارها ایجاد نگردد قول خواهد داد گارد هندوستان را از منطقه خارج کند. کسب موافقت سردار اسعد در مورد اجرای آزمایشی قرارداد جدید برای ۲ تا ۳ ماه، در واقع کار بسیار بزرگ و فوق‌العاده‌ای برای رینولدز بود و ادامه عملیات در حوزه بختیارها را امکان‌پذیر ساخت. پس از حضر اولین چاه نفت در مسجد سلیمان و با گذشت زمان چاههای دیگری در آن منطقه حفر گردید و تاکنون تعدادی از آنها دارای برنامه حفاری است و تعدادی نیز عملاً حفر گردیده است. بعضی از آنها به نفت می‌رسید. تعدادی به آب یا گاز، بعضی نیز اصلاً به نفت نمی‌رسید که امروزه با تکامل روشهای زمین‌شناسی و ژئوفیزیک، تکنیکهای اکتشاف و تولید نفت متحول و متکامل گردیده است. گاز، ماده‌ای که امروز نیز قوی و مهیب محسوب می‌شود از اعماق ۵۰۰۰ پا به سطح چاه نفوذ می‌کند با خلقتی که دارد می‌تواند از یک سطح سخت استیلی ظرف چند ثانیه عبور کند. در زمان رینولدز گاز عامل بسیار خطرناک بود، انفجار آن نه تنها باعث قطعه‌قطعه شدن افراد می‌شد بلکه خلقت زیاد آن به هنگام انفجار موجب مسخومیت و کشش هر چه در اطراف محل نشت گاز می‌گردید.

هنگامی که رینولدز مشغول حفاری اولین چاه نفت در مسجد سلیمان بود لاشه مرده روباه، شغال، پلنگ و در یک مورد گاو در شعاع چند کیلومتری از محل دکل حفاری دیده شده بود. در مواردی

نشت گاز سمی به حدی بود که دائماً ناگزیر بودند بعضی از حفاران را که دچار گاز گرفتگی شده و بیهوش می شدند از گردن گرفته و از محل نشت گاز خارج کنند.

در موقع فوران چاه شماره یک آقای دکتر بلایی الله دادمهوش، بعضی از حفاران خارجی را که دچار گاز گرفتگی شده بودند کمک نموده و آنها را بیهوش آورده، و انگلیسی ها تا هنگامی که در مسجد سلیمان اقامت داشتند، احترام خاصی برای ایشان قائل بودند. بعداً از ماسک ضد گاز استفاده کردند و برای فرار از گاز اقدام به تهیه کپسول فرار کردند که از یک سبد غلظان تشکیل می گردید و در بالای دکل حفاری قرار داشت. حفاران به محض احساس خطر در آن می پریدند و خود را از بالای دکل به پایین می رساندند. یک لحظه استنشاق گاز موجب مرگ می گردید. کسانی که دچار گاز گرفتگی شده باشند احساس خواهند کرد که گاز گرفتگی از طریق نشت گاز محلول در نفت خام چقدر لاجرم و مرگ آور است. انسان یک لحظه زنده است و لحظه دیگر به حالت تزار و جان کندن می افتد. گاز همراه نفت آنقدر سمی و خطرناک است که موجب از بین بردن احساس بوئایی در انسان می گردد. برای تدابیر آن می توان بوی تخم مرغ بگنندید و تهوع آور را مثال زد. البته حیوانات به علت غریزه طبیعی و علی رغم گرمی شعله های گاز و نفت از نزدیک شدن به این مناطق خودداری می کنند.

رینولدز بعد از آن که اقدام به حفر چاههای شماره یک و دو مسجد سلیمان کرد، وسایل اضافی برای حفر چاه سوم را نداشت از این جهت ناگزیر بود که یکی از دکلها را به محل چاه شماره ۳ انتقال دهد. در ماه سپتامبر سال ۱۹۰۸ م. به لندن خبر داد که این چاه نیز به نفت رسیده است. با دریافت این خبر، داری اظهار داشت: «این چاه همه چیز را اصلاح خواهد کرد و وقت آن رسیده است که بالاخره شرکت بزرگ را تشکیل دهیم. شرکتی که باید اکتشاف نفت را بعهده گیرد.» کشف این معدن مهم، مشکلات مالی را فوراً حل کرد و چند ماه بعد ۱۵ آوریل ۱۹۰۹ م. شرکت نفت ایران و انگلیس «Anglo-Persian oil company» با سرمایه دو میلیون لیره که نصف آن پرداخت شده بود تشکیل و در لندن به ثبت رسید و این شرکت جانشین شرکت سندیکای امتیازات گردید.

لرد امبرائکونا که در آن وقت ۸۹ سال سن داشت به ریاست هیئت مدیره انتخاب گردید و یک تاجر انگلیسی که سابق مبتدی در تجارت با هندوستان داشت و با شرکت نفت برمه هم روابط نزدیکی داشت و نامش «چارلز گرینوی» Lord Charles Greenway بود به مدیریت عامل شرکت مزبور انتخاب گردید. داری هم به عضویت هیئت مدیره انتخاب گردید و تا هنگام فوت ۱۹۱۷ م. این سمت را حفظ کرد.

هجوم برای خرید سهام شرکت به نحو بی سابقه‌ای افزایش یافت. دو شهر گلاسکو انگلستان که ساختمان شرکت نفت ایران و انگلیس در آن محل قرار داشت در تمام طول روز مردم به صورت صفهای پنج یا ده ردیفه جهت خرید سهام شرکت در جلوی بانه ایستاده بودند. ورود به درون بانک امکان پذیر نبود. بعضی از لردها و سرمایه‌دوران انگلیسی جزو متقاضیان سهام بودند. آنها از طریق روزنامه‌نگار روزنامه دیلی تلگراف در مورد گزارش کشف نفت در مناطق نفت خیز ایران چیزهایی شنیده بودند. تنها کسی که از نتایج کشف نفت در ایران زیاد راضی به نظر نمی‌رسید خانم داریسی بود. با دیدن دورنمای شرکت به وکلای خود نوشت: «از این که من بینم نام شوهرم را مطلقاً از یاد برده‌اند و عنوان شرکت به نام داریسی انتخاب نگردیده، بسیار مأیوس شده‌ام!» البته نام داریسی همیشه با مسئله تجارت و غارت نفت در ایران همراه است و حتی وی به سلطان بی تاج و تخت نفت ایران معروف شده بود.

تلاش خانم داریسی برای تغییر نام شرکت ایران و انگلیس به نتیجه‌ای نرسید و اقدامات وی خیلی دیر شده بود. اما داریسی بدون پاداش نبود. همه هزینه‌هایی را که متحمل شده بود به او بازپرداخت گردید و سهام اسمی او در شرکت نفت برمه در آن موقع ۹۰۰۰۰۰۰ لیره انگلیس بود. نام او در دنیای نفت باقی ماند و شرکت اکتشاف نفت داریسی، شرکتی که داریسی تشکیل داده بود و مناطقی از عراق امروز را حفاری کرد در سال ۱۹۵۷ م. به شرکت انگلیسی «بی پی» British Petroleum تبدیل گردید. این شرکت در واقع به کار کاوش و اکتشاف و تولید نفت در کشورهای مختلف جهان اشتغال داشته است.

داریسی در سال ۱۹۱۷ میلادی، زندگی را وداع گفت در حالی که ارزش سهام نفت او به میلیونها لیره انگلیسی رسیده بود.

باری کار اصلی انجام گرفته بود. کاری که اهمیتش فراوان و کم‌نظیر به حساب می‌آمد و حاصل رینولدز، مسئولیتهای دیگری برعهده داشت که الزاماً هرچه زودتر باید دست بکار انجام آن می‌شد. اقداماتی نظیر احداث خط لوله نفت که از کوهها و بیابانها گذشته و مسافت چهل فرسخ بین این معدن و خلیج فارس را طی کند، تشکیلات نقلیه موتوری، استخدام کارکنان جدید، تکمیل کادر فنی، تهیه و بکار انداختن اولین کارخانه مولد برق، طرح ریزی نخستین سیستم خطوط اجتماعی، مذاکرات و عقد قرارداد با شیخ محمره (خرمشهر) جهت اجاره نمودن اراضی جزیره آبادان برای ایجاد پالایشگاه که نفت خام را تصفیه و جهت ارسال به بازارهای دنیا آماده بنمایند. در آن زمان محدوده مزبور بناحق تیول شیخ خزعل بود.

کشیدن چاه از در خزینه به مسجد سلیمان، همچنین انتخاب محلی مناسب در مسجد سلیمان برای

ایجاد و ساختمان اولین شهرک به منظور سکونت در آن و مهتر از آن تصفیه و تأدیه هرامت لوازمی به خوانین یختیاری، البته حصول به این مقاصد متضمن صرف مبلغ کثیری پول، مدت مدیدی وقت و مقدار مهمی سعی و عمل بود. انجام این کارها همانگونه که ولترد چارلز گریوی، Lord Charles Greenway اذعان کرده بود، یک موفقیت معمولی نبود و همچنین اظهار داشته بود که رینولدز به حق مردی نیک و شایسته بود و بسیار مشکل است که بتوان با چنین مشخصات و خصوصیات، شخصیتی را نظیر او یافت.

* تحولات زمانی شهر در عصر جدید :

بنای نخستین شهر در سال ۱۲۸۵ ش، شمس برابر با ۱۹۰۷ م. با ایجاد چند ساختمان و یک کمپ اکتشافی اتفاق افتاده است. بدین ترتیب که متصدیان و کاشفین معادن نفتی جنوب ایران در آنجا چند ساختمان ساخته و شروع به حفر چاه شماره یک در زمینی که طلای سیاه در زیر آن خفته بود نمودند. هنگامی که چاه اکتشافی به نفت رسید و نفت فوران نمود، پرمایگی و عظمتش توجه مالکان نفتی را جلب نموده و آنان را به آینده‌ای درخشان و پرسود امیدوار ساخت لذا سرگرم انجام اقدامات لازم جهت بهره‌برداری از این منبع عظیم گردیدند.

طلوع دوباره این نخستین شهر پارسیان بعد از گذشت چندین سده در ۱۳۰۳ با تعداد پنجم خرداد ۱۲۸۲ ش. با فوران نفت از میدان نفتون در میانه مسجد سلیمان کنونی، انجام پذیرفت و فورانی که حیات اقتصادی و اجتماعی مسجد سلیمان، ایران و بعد خاورمیانه را دگرگون کرد. ولی این بار بانیان شهر نه شبانان پارسی فرود آمده از کوهها، بلکه فرنگیان شهرنشین و صنعتگر و به اصطلاح مدنیت یافته اما جهانگشا و جهانخواری بودند که از دریاها دور خود را به این سرزمین رساندند. این بیگانگان زیرک به مدد متون تاریخی دریافته بودند که ایرانیان در این محل از نفت و گازی که بطور طبیعی از زمین بیرون رانده می‌شود، استفاده‌های گوناگون کرده و آتش جاودان را در این جایگاه جسته‌اند. پس نمایندگی پی‌گیر و ماجراجوی آنها به نام «رینولدز» انگلیسی موفق شد با انتقال وسایل و تجهیزات لازم و حفر چاه به سرچشمه آتش جاودان پارسیان دست یابد. در آن زمان که بزرگترین میدان نفتی دنیا در مسجد سلیمان کشف گردید، بجز بقایا و خرابه‌های آتشکده‌ای قدیمی، آبادانی و محل تجمع دائمی انسانی دیگری دیده نمی‌شد و تنها به هنگام زمستان ایلات یختیاری از جمله طوائف نصیره، شهنی و باور صاد که مالک اینچا بوده و هستند، چند صباحی را در دامنه تپه‌های نفتون سپری می‌نمودند و با گرم شدن هوا، آنجا را ترک می‌کردند و دیگر تابانیز اثری از فعالیت انسانی در این ناحیه دیده نمی‌شد و پرنده‌ای به پرواز بر نمی‌خاست. با کشف نفت در این ناحیه و بیگران بودن آن، بنای هسته اولیه مسجد سلیمان در مساحتی به حدود یک کیلومتر

مربع با جمعیت ثابتی حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر که به صورت یک کمپ بود گذاشته شد. از این تاریخ بتدریج رو به توسعه نهاد و بصورت یکی از جالبترین شهرهای ایران درآمد.

* چگونگی تحصیل اراضی و حفاظت اموال :

موضوع تحصیل اراضی در مسجد سلیمان و امنیت این ناحیه از ابتدا مواجه با مشکلات بسیار گزیدید اراضی مزبور اغلب چراگاه دستجمعی دامهای ایل بختیاری بود که طبق سنت قدیم، متعلق به همه افراد ایل بوده ولی خوانین بناحق خود را مالک شناخته و اجازه نمی دادند که کسانی طبق امتیاز نامه با مالکین حقیقی یعنی طوایف نصیر، شهنی و باورصاد وارد معامله شود. به علاوه ایلخانی و حاج ایلخانی بختیاری خود را نماینده دولت مرکزی معرفی کرده و فقط در مقابل دریافت وجوهی حاضر بودند که امنیت ناحیه را عهده دار گردند.

یکی از کارمندان کمپانی پزشکی بنام دکتر یانگ که در مدت کوتاهی زبان لاری را آموخت و حتی زبان محلی و اصطلاحات آن را نیز فراگرفت. کمپانی از اطلاعات و زبان فارسی دانستن او و مقام پزشکی وی استفاده می کرد و کارهایی که با متصدیان محلی داشت بوسیله ایشان انجام می داد. برای آنکه روابط شرکت و خوانین بختیاری به نحو مطلوب جریان یابد سه فقره قرارداد با آنها منعقد گردید که تسهیلات بسیاری را در کار شرکت فراهم نمود.

اول :

قرارداد مربوط به سهام شرکت بود که به موجب آن خوانین بختیاری را در امور شرکت سهیم می ساخت. برای این منظور شرکت نفت ایران و انگلیس، یک شرکت تابعه ای بنام شرکت نفت بختیاری با مسئولیت محدود، Bakhtiani - Oil - Company, L. T. d. را در اول آوریل سال ۱۹۰۹ م. با سرمایه منتشر شده ۳۰۰۰۰۰ لیره که تا سال ۱۹۲۳ م. ۱۰۰۰۰۰ لیره رسید تأسیس نمود. رؤسای ایل بختیاری در سال ۱۹۱۱ م. از ۳۸۹۰۰۰ لیره سهام منتشر شده، معادل ۱۱۶۷۰ لیره سهام عادی در شرکت نفت بختیاری داشتند و معادل ۱۷۰۸۰ لیره سهام عادی از ۵۹۸۰۰۰ لیره سهام منتشر شده شرکت استخراج اولیه را دارا بودند. لازم به ذکر است که این پولها نمی بایست به خوانین پرداخت می شد؛ بلکه بایست بین سه طایفه مالک اصلی مسجد سلیمان نصیر، شهنی و باورصاد تقسیم می شد. چهار نفر از خوانین که دو نفر نمایندگان حاجی ایلخانی و دو نفر دیگر نمایندگان ایلخانی بودند از طرف سایرین نمایندگی داشتند که عواید سهام را هر سال گرفته و بین دیگران تقسیم نمایند. بعدها با قدرت یافتن رضا شاه و اقتدار بیشتر دولت انگلیس، خوانین بختیاری که درآمد فراوانی داشتند، سهام شرکت نفت بختیاری خود را در خرداد ماه ۱۳۰۷ (ژوئن ۱۹۲۹ م.) از دست دادند و شرکت آنها ضمیمه شرکت بهره برداری

اولیه گردید و دوازده هزار سهم خوانین هم تبدیل به سهام شرکت بهره‌برداری اولیه شد.
دوم:

قراردادی راجع به خرید اراضی بود که هر ساله شرکت اراضی مورد لزوم را که در حدود خاک
بخیاری نیاز داشت از ایلخانی و حاج ایلخانی به قیمت معینی خریداری می‌کرد و این دو که خود
را نمایندگان دولت می‌دانستند، متعهد بودند وجه آن را به صاحبان حقیقی بدهند و اگر اراضی
متعلق به یکی از خوانین بود، وجه آن را باکم و کسر کردن معمول خودشان به او می‌پرداختند و
اگر خانی پیدا نمی‌شد که خود را مالک اراضی مزبور معرفی کند قیمت اراضی جزو درآمد
ایلخانی و حاج ایلخانی محسوب می‌گشت.

سوم:

قرارداد درباره حفاظت محل بود که ایلخانی یکی از خان‌زاده‌ها را به عنوان سر مستحفظ شرکت
معرفی می‌کرد و عده‌ای مستحفظ و تنگچی بدین منظور در اختیار او می‌گذاشت. شرکت حقوقی
به سر مستحفظ، مستحفظ و تنگچیان می‌پرداخت و آنها امنیت ناحیه را حفظ می‌کردند و سالی
سه هزار لیره هم به ایلخانی می‌داد. این سر مستحفظ ضمناً حاکم محل بود و در همه کارهای
حقوقی و جزایی، به رسم قدیم معمول در ایل عمل می‌کرد. در ابتدا کمپانی نفت، پست سر
مستحفظ ناحیه را به آ. سلطان لاسیانی از طایفه نصیر محول کرد، ولی بنا به غللی او پذیرفت،
پس داراب خان ایلبگی، مرتضی قلی خان بیصام، محمد کریم خان ایلبگی، اسماعیل خان
زراسوند، ناصر قلی خان اردلان و وثوق همایون اصفهانی، سر مستحفظ و حاکم مسجد سلیمان
شدند. مستحفظین محلی آ. پیلر اعتدالی از طایفه شهنی، آ. حیدر سامانیان و آ. محمد نصیر
سامانیان از طایفه باور صاد بودند، البته در نمیی هم عده‌ای از بزرگان طایفه علاسوند، مستحفظ
اموال شرکت در آن ناحیه بودند. در محله بی‌بی‌یان مردم جهت رفع مشکلات خود به مستحفظ
آنجا یعنی ملک حسن اوزک مراجعه می‌کردند.

تا سال ۱۳۰۳ ه. ش. اداره نظام شهر بدست خانها بود و مقر این خوانین هنوز هم در بالای یکی از
تپه‌های شمالی مسجد سلیمان دیده می‌شود که بعد از این تاریخ به پاسگاه ژاندارمری تبدیل شده
و در گذشته به برج خانی «دارالحکومه» معروف بود.

اینجا برقرارکنندگان نظم شهری بودند و با مسئولان و نمایندگان شرکت داری رابطه داشتند. برج
خانی در اطراف دکل بزرگ محله پشت برج واقع شده است که به دستور داراب خان ایلبگی،
دارالحکومه نامگذاری شد. قرارداد سوم تا موفقی که نفوذ حکومت مرکزی در خوزستان مستقر
نشده بود به قوت خود باقی بود ولی بعدها با ایجاد ادارات دولتی نظیر ژاندارمری و غیره،

خود بخود از میان رفت؛ لکن پرداخت سالی سه هزار لیره مدتها پابرجا بود. در زمانی که آ. بیلر،
 آ محمد نصیر و آ. حیدره در گرمای طاقت فرسای تابستان در مسجد سلیمان صرفاً بعنوان مستحفظ
 بودند و کمتر کسی در این هوای گرم در خوزستان می ماند؛ آ. میرزاقلی اشرف زاده (پدر بزرگ
 نویسنده) و همین طور آ. جواد فرهادی معروف به جوادخان بختیاری از طایفه نصیر (دالی
 نویسنده)، حاکم گیلان و مازندران بودند و لباس پرافتخار سرداری بر تن داشتند.

در زمان حکومت داراب خان بر مسجد سلیمان، هر کسی که بجای «دارالحکومه» لفظ «برج» را بر
 زبان جاری می ساخت؛ می بایستی ۲ ریال جریمه پرداخت کند و اگر چندین بار می گفت «برج»
 مجازات وی افزون تر می شد؛ خوانین اینگونه رفتار را در پیش می گرفتند تا مردم را بیشتر مطیع
 نمایند. لازم به ذکر است که دو ریال آن موقع، دقیقاً برابر با پنج هزار تومان فعلی است.

آبادان، جزیره گنج:

جایی که قرار بود پالایشگاه در آن احداث شود قابل تصور نبود. آبادان دو آن موقع جزیره
 لم بزرج و خشکی بود که بطور پراکنده آثار کشت در آن مشاهده می شد. از نظر چگونگی پیدایش
 این جزیره باید گفت که آبادان جزیره ای دلتا مانند است که تائده آن بطرف خلیج فارس و رأس
 آن به جانب خرمشهر قرار دارد. تحقیقات زمین شناسان نشان می دهد که آبادان در روزگار قدیم
 وجود خارجی نداشته است و در وسعت یک یا دو میل مربع در هر سده از زمان از زیر آب بالا
 آمده و بدین ترتیب وجود خارجی پیدا کرده است و در بین رودخانه های اروندرود و بهمشیر
 در حالی که رودخانه کارون در قسمت علیای آن کانالی که قرنها پیش از این حفر گردیده است،
 قرار دارد. اروندرود از بهم پیوستن آب رودخانه های فرات و کارون تشکیل شده و رودخانه ای
 بزرگ و پر آب بوجود آورده است.

کشف نفث نه تنها اهمیت ایجاد رابطه باخانهای بختیاری را به دنبال داشت، بلکه مذاکره با
 شخصیت دیگری را طلب می نمود.

شیخ خزعل معروف به شیخ محمره، رئیس طوائف عرب زبان که در سر، هوای استقلال داشت و
 در حوزه خود و اطراف دهانه اروندرود، از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه عظم خودمختاری را
 برافراشته بود.

آندرو کمپبل A. Campbell مدیر عامل پالایشگاه «رانگون» Rangun در برمه اقدام به انتخاب
 محلی جهت احداث پالایشگاه در مردابهای جزیره آبادان در جنوب (خرمشهر) در
 دیسامبر سال ۱۹۰۸ م نمود. در اواسط سال ۱۹۰۸ م قبل از اینکه رینولدز ایران را به قصد
 انگلستان جهت گنواندن مرخصی ترک گوید، اشاره کرده بود که امکان تحصیل زمین در جزیره

آبادان از شیخ خزعل وجود دارد. در واقع او بود که در بازگشت از مرخصی توصیه نمود موضوع گرفتن زمین برای پالایشگاه دنبال گردد. امید می‌رفت که زمین از شیخ خریداری شود و این کار به طور پنهانی صورت گیرد تا موجب ایجاد مسائلی از نظر قیمت واقعی زمین نگردد. در اواسط فوریه سال، هیچ‌گونه دستور قاطعی از لندن دریافت نشد. علیرغم مخالفت‌هایی که از طرف «هامیلتون» Hamilton مدیرعامل شرکت نفت ایران و انگلیس در گلاسکو می‌شد وینولدز از توصیه‌های لوریمر، کنسول انگلیس در ایران که در تماس با سرگرد کاکس در بوشر بود استفاده می‌کرد. چون کاکس کاملاً درگیر مذاکرات موقتیت آمیز با شیخ خزعل بود. بنابراین توصیه‌ها و برداشتهای او از اوضاع و وضعیت شیخ خزعل قابل استفاده بود. وی معتقد بود باید از اعمال اقدامات مخفیانه خودداری کرد. و اظهار می‌کرد که شیخ به زودی سرش را از زیر برف بیرون خواهد آورد و به نیت واقعی انگلیسی‌ها واقف خواهد شد. وینولدز معتقد بود که مذاکرات باید آشکارا باشد و شرکت نیز باید با صداقت با شیخ رفتار نماید و از مساعدت‌های دیپلماتیک انگلستان اطمینان داشته باشد تا به هنگام عقد قرارداد حتی الامکان هباراتی که مورد نظر است در متن قرارداد گنجانده شود.

مذاکرات با شیخ خزعل در سه مرحله انجام گرفت. ابتدا در ۲۳ آوریل ۱۹۰۹ م. مصاحبه‌ای دوستانه با شیخ رئیس، مشاور ارشد و پیشکار شیخ خزعل که می‌توانست در پیشبرد و یا عدم موفقیت مذاکرات تأثیر بسیار داشته باشد صورت پذیرفت. شیخ رئیس از مزایای پیشنهادات شرکت آگاهی داشت و برای نیل به اهداف خود تقاضای هزار سهم یک لیره‌ای داشت. در اواخر آن روز وینولدز با شیخ خزعل ملاقات کرد. شیخ خزعل علاقمند به اجاره دادن زمین پالایشگاه بود و مایل به فروش آن نبود. در مقابل ۱۲۰۰ لیره‌ای که وینولدز پیشنهاد کرده بود او تقاضای دو هزار لیره برای زمین به مساحت ۱۴۰ هکتار در آبادان داشت. احتمالاً هزینه حفاظت از آن نیز به عهده شرکت باشد. وینولدز به لندن گزارش نمود که احتمالاً مبلغ ۱۵۰۰ لیره مورد موافقت شیخ قرار خواهد گرفت و تأکید کرد قرارداد باید قبل از تشکیل شرکت ایران - انگلیس منعقد شود زیرا ممکن است باعث افزایش مبلغ اجاره زمین پالایشگاه گردد. ۱۵ مه ۱۹۰۹ م. سرگرد کاکس با شیخ خزعل ملاقاتی داشت و به نتیجه مطلوبی جهت عقد یک قرارداد رسمی و جامع رسید. شیخ خزعل نیز آماده تأمین احتیاجات شرکت چه به طریق اجاره سالیانه زمین براساس هزار لیره و یا اجاره دهساله بر اساس ۶۵۰ لیره در سال و پیش پرداخت ده سال اجاره موافقت داشت. به هر تقدیر، شرکت موافقت‌نامه مورد دلخواه خود را با شیخ منعقد کرد. البته این قرارداد به سادگی منعقد نگردید. زیرا حضور شرکت، شیوه سستی زندگی مردم و توازن سیاسی را

در منطقه برهم زده بود.

نخستین خط لوله نفت :

کار مهم دیگری که باید به فوریت انجام می‌گرفت برنامه‌ریزی جهت یک خط لوله به طول ۱۳۰۰ کیلومتر از میان تپه‌ها و دشتهای مختلف مسجد سلیمان و امتداد آن تا خلیج فارس بود و می‌بایستی در سواحل خشک خلیج فارس نیز محلی برای احداث پالایشگاه در نظر گرفته شود. مشکلات، هم اجرایی و هم مدیریتی بود.

ویلسون همکار ریتولندز این مشکلات را در یک جمله خلاصه کرده بود: وضعیت یک شرکت که تحت یک امتیاز نفتی از سوی دولت (ایران) کار می‌کند بی‌شک ادامه کار آن بستگی به پرداخت سرقفلی به مقامات محلی و ایالتی (حربها و بختیاریها) دارد و همچنین حمایت‌نظامی و اخلاقی شخص ثالث (انگلستان و هندوستان) با اداره مرکزی آن در گلاسکو انگلیس لازم است، زیرا که با وزارت امور خارجه (در لندن) مراد دارد و اداره اتباع بیگانه آن در سیلوا (Sirma) از طریق افسران محلی در ایران میر است.

در ایام قدیم از خط لوله نیز برای حمل و نقل مایعات استفاده می‌گردید. مشهور است که در هفت هزار سال پیش، چینی‌ها خطوط لوله‌ای از خیزران درست کرده و آب را از آن عبور می‌دادند. آشوریها، مصریها، یونانیها و رومی‌ها لوله‌هایی از گِل پخته می‌ساختند و تنبوشه‌ها را پهلوی یکدیگر گذاشته، از آن خط لوله‌ای درست می‌کردند.

در سال ۵۲۵ قبل از میلاد کامبیز پادشاه ایران در موقع حمله به مصر، خط لوله‌ای طولانی برای رساندن آب به ارتش خود در بیابانهای بی‌آب و علف ایجاد کرد که در تاریخ معروف است. این خط لوله از پوست گاو و گاو میش بود که آنها را به یکدیگر دوخته بودند و آب از وسط آن جاری بود. اولین خط لوله نفت جهان دو سال بعد از حفر اولین چاه در آمریکا ساخته شد و این لوله از چوب ساخته شده و طول آن در حدود ده کیلومتر بود. چهار سال بعد اولین لوله نفت که از آهن ساخته شده بود و قطر آن پنج سانتیمتر و طول آن هشت کیلومتر بود در آمریکا ایجاد شد. برای احداث خط لوله اولیه در ایران، لوله‌ها را به یکدیگر پیچ می‌کردند و آنها را در گودالی که در زمین حفر شده بود گذاشته و برای این که زنگ به لوله تأثیر نکند اطراف لوله را با پارچه یا نم و یا چیز دیگری که آلوده به قیر باشد و از سرایت آب و نم جلوگیری کند می‌پوشاندند و بعد با خاک، روی گودال را مستور می‌کردند.

برخی اوقات هم جریان الکتریکی در لوله‌ها می‌فرستند که از خوردگی و زنگ‌زدن محفوظ بماند. ضمناً برای حفظ لوله از تأثیر حرارت و سرما در طول سال، لوله‌ها را کج و غیر مستقیم قرار

می دهند که لوله ها در اثر انبساط و انقباض آسیبی نبینند.

برای تعیین مسیر خط لوله، شرکت شخصی را به نام «چارلز ریش» Charles Ritchie به ایران اعزام داشت. «ریش» مانند اغلب پیشتازان خود که گویی برای قرن‌ها از انگلستان خارج می شدند و به دورترین گوشه جهان می روند. یک اسکاتلندی پر طاق است. او در استخدام مؤسسه بزرگی به نام «جی. اند. ژ. ویر» G. & J. Weir در گلاسکو بود و در قرار دادن خط لوله نفت در برمه تجربه داشت. بررسی و نقشه برداری وی آنقدر دقیق و ماهرانه بود که در سال ۱۹۰۹ م. مسئولیت احداث خط لوله نفت در ایران به وی داده شد. اگرچه شاهد احداث و بهره برداری از این خط لوله بود اما سرانجام کار به قیمت جان او تمام شد. ویسئون او را یک انسان برجسته و فوق العاده که نظیر وی را کمتر دیده بود توصیف کرده است. مردی قدبلند و سرخ گونه با دستهای سنگین و پهن. متهور و پُراثرزی. غالباً اهل دعوا و مراءعه با اخلاق نامعین. با افراد مافوق خود حالت جنگجویانه و پرخاشگرانه داشت. تصمیم قاطع داشت تا قبل از مدت زمان موجود پروژه احداث خط لوله را به پایان رساند.

وقتی رینولدز در انگلستان بود مانند نجیب زادگان انگلیسی ابروهایش را رنگ می زد. از عینک تک شیشه ای استفاده می کرد و همیشه با نشانهای سلطنتی ظاهر می گردید. اما به هنگام کار سخت گیر و جدی بود. ریش هم دست کمی از رینولدز نداشت. اصلاً مشروبات نمی خورد سیگار نمی کشید. تب یک سرگرد را داشت که تحمل دیدن هیچکس را که کاری انجام نمی داد نداشت و تنها کلمه ای که از زبان فارسی می دانست کلمه «یالا» به مفهوم زودباش بود که همیشه به کار می برد. بهترین منزل را در اهواز اجاره و آن را با میلمان خیلی خوبی تزئین کرده بود صاحب یک اتومبیل «دارا ک» Darracq با قدرت ۱۴ اسب بخار بود که در آن موقع در میان ساکنان محل بسیار جلب توجه می کرد، و در واقع اولین ماشینی بود که به منطقه وارد شده بود.

یک قایق (دوبه) خیلی خوب که نام آن را «تیم» Thames گذاشته بود برای شکار، ماهیگیری و تفریح بر روی رودخانه کارون خریداری کرده بود. او یک شخصیت استثنایی بود و انسان از کارهای وی احساس تعجب و دلگرمی می کرد. بعدها تقاضای یک هواپیما کرد. البته تخیلات او در مورد هواپیما بیشتر از پرواز آقای «بلریو» Blériot بر روی کانال مانس نشأت گرفته بود که در آن زمان موضوع روز بود. در واقع هواپیمای مورد تقاضای وی نیز از همان مدل بود.

اطلاعات «ریش» در مورد پرواز صفر بود. می خواست از طریق مطالعه کتاب دستورالعمل پرواز که همراه هواپیما ارسال شده بود پرواز را یاد بگیرد. او با خود گفت «باید پرواز کنم». یک روز در منطقه شنی اطراف اهواز شروع به حرکت کرد و ناگهان خود را در آسمان دید. معلوم نبود این

پرواز یا نصب اولیه بود یا غیر. چند لحظه بعد هواپیما سرنگون شد. موتورها آن به یک سو پرت شد و روغن آن به سرتاپای او ریخت. در این لحظه ریش فریاد می زد: «کسی دورین بیارود و از من در این حالت عکس بگیرد.» بعداً موتورها پیما را باز کرده و برای مدتی آن را در انبار خود نگهداری می کرد، که سرانجام آن را به لندن ارسال داشت و در تالار ورودی ادارات مرکزی شرکت نفت انگلیس به عنوان آثار و خاطرات آن سالها نصب گردید.

مهندس جوانی که با آقای ریش کار می کرد شخصی به نام ژ. الف. جیمسون، J. A. Jameson بود. او نیز یک اسکاتلندی پرکار بود. جیمسون که تلفظ اسکاتلندی آن «جاماسون» Jamason است ۲۴ سال داشت ۶ سال به عنوان کارآموز در کارهای کشتی سازی مشغول کار بود و از زمره ۶ نفری بود که در استخدام شرکت درآمد بود. با همان کشتی که ریش به منحل کار خود به ایران مراجعت می نمود مسافرت می کرد. جیمسون و همکارانش از ناحیه بصره به ایران آمده بودند و مدتها در قرنطینه خرمشهر بازداشت و مجبور بودند روی زمین بخوابند. بعد از ترخیص از قرنطینه با یک دونه که دائماً به این سو و آن سو می رفت و بعضی از مواقع هم به گل می نشست با استفاده از رودخانه کارون از خرمشهر به اهواز آمدند. حقوق آنها چهار لیره در هفته بود. ریش از جیمسون خورش آمده بود. او وسایل نقشه کشی خود را نیز به همراه داشت و تنها کسی بود که می توانست از نقشه های اولیه ریش نسخه هایی تهیه کند. ریش یک خط نازک به نشانه محل عبور خط لوله بر روی نقشه کشید و هر دونه کمی یک قطب نمای مشوری، صبح زود فردای روز پس از ورود به اهواز شروع به علامت گذاری محل احداث خط لوله کردند. چوبهایی که بر روی آنها چلوارهای فلیمکار بسته و به شکل پرچم درآمده بودند در فاصله یک کیلومتری از همدیگر بوسیله چکش چوبی در زمین فرو می کردند. جیمسون در نخستین روز از ورودش به اهواز علیرغم این که هیچگاه در زندگی سوار بر اسب نشده بود، ۲۵ کیلومتر اسب سواری کرد. یک انسان سالم با انرژی و خوش خلق بود و می توان گفت یکی از بهترین افراد گروه ریش محسوب می شد. حتی بهتر از آقای ریش در رتق و تقی کارها و مدیریت کارکنان تسلط داشت. وقتی که جیمسون برای اولین بار تپه هایی را که خط لوله می بایست از روی آنها عبور داده شود مشاهده نمود و سختی کار را دریافت، خوشحال بود که قراردادش فقط برای یک سال در ایران منعقد شده است. اما او هجده سال در ایران ماند و به عنوان یک مدیر پس از ۳۶ سال خدمت از شرکت بازنشسته گردید. او مشهور به آقای ژ. الف. بود.

تپه ها و کوههایی که در آغاز موجب نگرانی ریش و گروه وی می شدند و دارای ارتفاعاتی به بلندی ۴۰۰ متر بودند و چلنگه صیاف را از جوارحل رودخانه تمبی در مسجد سلیمان، محلی که

خطوط لوله باید، از آنجا احداث شود جدا می‌گردند، در واقع حوزه مأموریت آنها را تشکیل می‌دادند و مسیر خط لوله در آن پستی و بلندیها باید معین می‌شد، نیروی کارگری راه، هشایر بهنجاری تشکیل می‌دادند که از روستاییانی بودند که تنها با بیل و کلنگ آشنایی داشتند کارگران صبح که به سر کار می‌آمدند، تفنگهای خود را در یکجا قرار می‌دادند و یک نفر را مأمور نگهبانی آنها می‌کردند، سپس مشغول کار می‌شدند به هر تقدیر کارهای فوری زیادی بود که باید انجام می‌گرفت. کشتی «آنا تونگا» Anotonga قرار بود به آبادان برسد و حامل لوله‌هایی به قطر ۸ و ۶ اینچ برای خط لوله آبادان - مسجد سلیمان بود. وسایل تلبه‌ها که از شهر «ویر» Weir انگلستان ارسال شده بود باید از کشتی تخلیه می‌شد در آن موقع هیچگونه اسکله و یا پاراندازی در آبادان وجود نداشت اما کارگزاران کشتی راتی بنگ طرح ابتکاری با استفاده از یک کشتی ۷۰۰ تنی به نام «دینا» Dwina پیاده کردند.

دینا، یک کشتی قدیمی در ساحل شرقی بصره بود که محمولات خرمای را از بندر بصره به کشتی‌هایی که نمی‌توانستند وارد ساحل شوند حمل می‌کردند. قرار بود که این کشتی را در ساحل دریا در آبادان غرق کنند و لوله‌ها بر روی خرشته آن تخلیه گردند و از آنجا از روی چوبهای کلک (کرجی) به ساحل غلتانده شوند. مناسبانه ساحل دریا در منطقه‌ای که قرار بود کشتی را در آنجا غرق کنند شیب‌دار و سطح آن پایین بود. و کشتی پس از غرق شدن به زیر آب فرو رفت و در محل مورد نظر قرار نگرفت. طراحان این فکر تسلیم قهر طبیعت نشدند و به کاپیتان «گری فیت» Captain Griffiths دستور دادند که طرح خود را اجرا کند. کشتی را از زیر آب بیرون آوردند و سپس آن را پُر از گِل و شن کردند و آن را در نقطه‌ای به فاصله ده متری از ساحل غرق کردند تا فشار آب بتواند آن را جابجا کند. یکی دو روز بعد موج نسبتاً بلندی خرشته آن را شست و سطح آن را پُر از آب کرد و کشتی در عمق ۱۵ متری در کف ساحل فرونشست.

عینم وجود امکانات یکی از مشکلات مهم دو روزهای اولیه کشف نفت بود. در مقام مقایسه می‌توان مشکلات کمک به روسیه در ۳۰ سال بعد از کشف نفت در ایران را ذکر نمود. «داویدسون» Davidson و «گری فیت» که با همکاری یکدیگر کشتی دینا را غرق کرده بودند، تعدادی از دکلهای نوعی بلم را که اهالی محل «شیلای» می‌نامیدند و در آن زمان در منطقه متداول بود، دویدو به هم بستند و در امتداد ساحل در فواصل که کشتی «لیانوس» پیمانگر انداخته بود در آب مهار کردند و با قرار دادن تخته بر روی آنها و مستقر شدن در روبروی دریچه تخلیه بار کشتی و وصل کردن بلم‌ها به واشرهایی که با استفاده از استیل و الوار در ساحل درست شده بود، سکوی مناسبی جهت پهلو گرفتن کشتی ایجاد کردند، وقتی کشتی حامل لوله‌ها یک هفته بعد از

آماده شدن اسکله به آبادان رسید و حامل ۲۴۳۰۰۰ قطعه لوله بود. همه آن لوله‌ها ظرف ده روز به کسکد نیروی انسانی در ساحل آبادان تخلیه شد.

از آنجا که قرار بود خط لوله به موازات رودخانه کارون احداث گردد برای نصب خط لوله از دویه استفاده می‌گردید. در بعضی موارد به علت کم‌صافی بودن رودخانه و عدم امکان استفاده از دویه که به گیل نشسته بود ناگزیر بودند لوله‌ها را تا چند کیلومتر از طریق خشکی حمل کرده و سپس بار دیگر از دویه برای ادامه مسیر استفاده گردد.

لوله‌ها با استفاده از دویه و از طریق رودخانه تا آب گنجی در نزدیکی در خزینه بین شوشتر و مسجد سلیمان حمل می‌گردید. از آن نقطه به بعد خط باید از ستیج کوهها و ارتفاعات تپه‌ها یا شیبهای تند کشیده شود. قهرمانان این عملیات، قاطره‌هایی بودند که از مناطق مختلف سائند، سرزمین بختیاری، یمناد و حتی قبرس خریداری شده بودند و برگردن آنها زنگوله‌هایی آویزان شده بود قاطره‌ها را دویه دو دو کنار هم می‌بستند و به تناسب طول لوله که بر روی پشت آنها قرار داده می‌شد قاطره‌ها را از یکدیگر تنظیم و بدین ترتیب لوله‌ها حمل می‌گردید. البته در این عملیات حمل و نقل، زخمی شدن قاطره‌ها امری اجتناب‌ناپذیر بود. روی هم رفته بیش از ۶۰۰۰۰ قاطر مورد استفاده قرار گرفت. قاطره‌ها در سه اصطبل و در مناطق به‌عنوان در خزینه و تمبی، هر یک به تعداد حدود ۲۴۰۰۰ رأس نگهداری می‌شد.

قدیمی‌ترین پیمانکارانی که قاطر در اختیار کمیانی نفت قرار می‌دادند عبارتند از:

- ۱ - حاج دستم شاران‌زاده، ۲ - کریمایی نظر چالشتری، ۳ - کریمایی خان بابا زرشتی، ۴ - شهدی عزیزالله امرالی.

وقتی که بالاخره خط لوله احداث شد با مشکل حمل و عبور آن از روی عرض رودخانه به‌شهر در جزیره آبادان مواجه شدند. عرض رودخانه حدود ۲۵ متر بود. برای این کار همه مسیر عرض رودخانه را از شبکه‌های خالی قیر که بوسیله سیم به همدیگر وصل شده بودند و بر روی آب شناور می‌شدند و از دو طرف ساحل رودخانه توسط جرافتال که خود ساخته بودند چرخ کردند. بدین ترتیب اقدام به احداث یک پل شناور شد. از آنجا که ارسال نفت به بالای تپه‌ها نیاز به فشار داشت لذا اقدام به نصب پمپهایی در منطقه تمبی در مسجد سلیمان شد که بتواند نفت را در بخشی از ارتفاعات بین راه تلمبه کند و سپس به فاصله هر ۱۰ کیلومتر در دشت تلمبه‌هایی نصب گردید به نحوی که ارسال نفت به آبادان به سهولت انجام پذیرد. این تلمبه‌ها مجهز به صافی (فیلتر) بودند که می‌توانست از نفوذ اشیایی مانند پارچه، کلاه و در بعضی از مواقع جانورانی چون روباه که در لوله همراه نفت جریان پیدا می‌کردند جلوگیری کند. همه این وسایل و تلمبه‌ها از شهر دویره

انگلستان تهیه می‌گردید. حدود پانزده هزار لیره هزینه این وسائل شده بود.

مبانی که امروز با توجه به هزینه‌های سرسام‌آور بسیار جزئی به نظر می‌رسد، در اواسط سال ۱۹۹۱ م. ریش آزمایشات اولیه وایر روی خط لوله به پایان رساند و اعلام کرد که خط لوله به طول ۱۳۰۰ میل، آماده بهره‌برداری است.

قطر این لوله در جاهای مختلف بین ۴۱ تا ۴۹ اینچ بود. این خط لوله قادر بود سالیانه ۱۰۰۰۰۰۰ تن نفت خام را از مسجد سلیمان به پالایشگاه آبادان که تا آن زمان هنوز آماده نشده بود حمل کند این ولیم در آن ایام قابل ملاحظه به نظر می‌رسید. ناگفته نماند که لوله‌های مذکور دارای آلیاژهای مختلفی بودند که دچار خوردگی و پوسیدگی نمی‌شدند.

طول خط لوله اصلی که معادن نفت مسجد سلیمان را به آبادان و ساحل دریا وصل می‌کرد چهل فرسخ یعنی دویست و چهل کیلومتر بود و قسمت اول آن از دو رشته کوهی عبور می‌کرد که یکی از آنها موسوم به گنج امام رضاع و ارتفاعش از سطح دریا چهار صد زرع بود چون خط لوله از کوه‌های مزبور می‌گذشت، به زمین صاف و مسطح می‌رسید و از پایان همواری عبور می‌کرد که تا ساحل دریا بیست و هفت فرسخ مسافت داشت. نظر به اینکه محصول معادن نفت روز افزون و احتیاج به وسایل حمل و نقل آن رو به تزاید بود، لوله‌ای که شرکت در سنوات اولیه عمر خود با ابزار شهابت و مقاومت کارگران بختیاری و مهارت مهندسی در مقابل مشکلات، کشیده شده بود بتدریج توسعه یافت. برای آنکه بتوان نفت را از کوه‌ها بالا برده و سپس جریانش را در قسمتهای هموار مرتب و منظم نگاه داشت، شرکت چهار ایستگاه تلمبه پر قدرت در نقاطی موسوم به تمبی - ملائانی - کوت عبدالله و دارخوین بنا نمود که فشار کاملی ایجاد کرده و نفت را به آبادان می‌رساند. تلمبه ایستگاههای مزبور از سیستم «خارج از مرکز» و کاملاً موافق اصول علمی جدید ترتیب داده شدند و توره محرکه آنها نیز از توربینهای بخاری تحصیل می‌شد. در ایستگاه تمبی نفت سوخت برای تولید بخار مزبور به مصرف می‌رسید و در سه ایستگاه دیگر نفت خام را پس از تجزیه مواد سبک آن بوسیله دستگاههای تقطیر کوچک، برای سوخت بکار می‌برد. ظرفیت روزانه تلمبه‌ها ۱۰۰۰۰ بشکه و حداکثر فشار آنها ۱۸۰۰۰ پوند بر اینچ مربع بود.

جیمسون باید زنده می‌ماند تا منطقه نیم زرع و خشک جزیره آبادان را که در آن موانع حاوی از سکه، اما در سال ۱۳۵۵ ه. ش. دارای جمعیتی حدود ۱۷۵۰۰ نفر شد مشاهده کند. ریش یکی دو سال بیشتر در آن منطقه نماند. در سال ۱۹۶۴ م. در عنوان زندگی به سرخک مبتلا گردید. بعضی‌ها از این بیماری نجات پیدا کردند و زنده ماندند. ریش در حالی که آینه‌های بدست داشت تا صورت خود را در آن ببیند، صورت خود را به طرف دیوار اطلاق برگردانید و در آن

حال زندگی را بدروغ گفت. ویش یکی دیگر از قربانیان سرخک و بیماریهای متداول مانند طاعون بود که امروزه مبتلا شدن به آن و چنین بیماریهایی و تلف شدن از آن به فکر هیچ اروپایی که در دورترین نقاط عالم زندگی می‌کند نمی‌رسد. آقای «جکسون» Jackson رئیس مهندسين شرکت و یکی از مشورتهای قدرت و انرژی در آن روزهای آغاز فعالیت نفت، خاطرات گذشته خود را در سال ۱۹۱۱ م. بازگو می‌کرد و به یاد می‌آورد که: «با در جنوب ایران شیوع پیدا کرده بود و آقای جیمسون شنبه را با یک همکار شام می‌خورد و شب دیگر در تشیع جنازه وی شرکت می‌کرد. گرمی هوا به شکلی که امروز مورد توجه است نبود، بلکه بسیار طاقت فرسا بود. حرارت خورشید بر روی سطح زمین تا ۱۸۰ تا ۱۸۵ درجه فارنهایت می‌رسید. به هر تقدیر علیرغم این گرمی جیمسون ۱۸ سال در ایران بود که البته دچار هیچگونه بیماری بدی که جان او را به خطر اندازد نشده جیمسون به خاطر دارد که در بعد از ظهرها همانند ایرانی‌ها برای کاهش حرارت آفتاب به غارها و یا زیرزمینها در مسجد سلیمان و آبادان پناه می‌برد.

خط لوله باطی مسیر پرپیچ و خم بر روی تپه‌ها و از میان دشتهای کشیده می‌شد. نقطه حساس اوج تراژدی بهمنیات جز مناطق نفتخیز نمایان می‌گردید. لحظه بزرگ برای رینولدز و گروه بینانگذازان نفت که با سختی فوق‌العاده‌ای کار کرده و خطرات و امیدهای بسیاری، روح رینولدز و سایر همکاران او را ساییده و متغیر کرده بود. کار در محل بهمنیات تولید و استخراج نفت متناسب با پیشرفت کار در عملیات احداث خط لوله و پالایشگاه نبود. گزارشات مبنی بر نارسایی پمپ در منطقه عملیات تولید به گوش می‌رسید که قابل اضماعن نبود.

علیرغم تمام مشکلات طبیعی، کار خط لوله نفت در اواسط تابستان سال ۱۹۱۱ م. به پایان رسید اما پالایشگاه آبادان در پایان سال بعد آماده بهره‌برداری شد و انتقال نفت از طریق خط لوله مذکور عملاً امکان پذیر گردید. به عبارت دیگر بهره‌برداری کامل از پالایشگاه در سال ۱۹۱۳ م. انجام گرفت. اولین کسی که مسئولیت اداره شرکت و در آبادان به عهده داشت آقای داویدسون بود. وی مردی ۲۸ ساله و مهندس نیروی دریایی انگلیسی بود. او به اتفاق آقای ویش، مهندس ارشد احداث خط لوله در ایران، دوران کودکی خود را در یک مدرسه گذرانده و بعدها نیز در شهر اوپره انگلستان با هم بودند. داویدسون بخاطر دارد یکبار آقای ویش دو دستگاه قلمبه هوا را که قرار بود در یک کشتی تفریحی نصب شوند و وزن هر کدام تقریباً ۱۲۰ کیلوگرم بود بلند کرد و در کشتی قرار داد. وقتی که داویدسون در سال ۱۹۰۹ م. به آبادان آمد حتی یک سنگ به اندازه مشت انسان در آن محل وجود نداشت. همه جای آن شن‌زار و گیل بود. در اولین نامه‌ای که او برای خانواده‌اش نوشت، محل جدید را سرزمین «آفتاب، گیل، پشه» نامیده بود.

حکمشایی که داویدسون در آن زمان از محل گرفته است نشانگر این موضوع است که سرزمین آبادان صاف و عاری از هرگونه حیوان بود به طوری که در مواقعی که سیل بطور ناگهانی اتفاق می افتاد او ناگزیر بود از بلم استفاده کند و بر روی آب باشد. در این محل قرار بود بزرگترین پالایشگاه جهان احداث گردد. آقای داویدسون برای مدتی تنها نماینده شرکت در آبادان بود. اولین وظیفه داویدسون این بود که اقدام به احداث کوره آجرپزی نماید آجر چه در این مورد موفقیت زیادی کسب نمود و برای تأمین احتیاجات خود ناگزیر بود که از بصره و کراچی آجر به منطقه حمل نماید، معیناً اقدام به طراحی و ساخت اسکله کرد. بعد از چند ماه تعدادی از اعضای پانچریه فنی و اداری شرکت نفت برمه که به شرکت نفت ایران و انگلیس مأمور به خدمت شده بودند، به همراه تعدادی تکنیسینهای ماهر از پالایشگاه رانگون در برمه به وی پیوستند. با رونق گرفتن کار در آبادان افراد قبائل مختلف از کوهها و کوهپایه های ایران به سوی دشت و جزیره آبادان روان شدند، به نحوی که در پایان ماه مارس سال ۱۹۱۹ م حدود ۸۸۲۴ نفر بر روی لیست حقوق بودند که اکثر آنها در عمرشان بجز چکش، ایزار دیگری را ندیده بودند.

با پیشرفت کارها لازم بود که اقدام به احداث منطهای مسکونی دائمی برای کارگران ایرانی و هندی شود و آنها را جایگزین کلبه های حصیری و چادری کنند. از آنجا که شرکت برای پیشبرد مقاصد خود می بایستی رفاه نسبی کارکنان غیرانگلیسی را تأمین کند اقدام به احداث خانه های کارگری کرد. وقتی که اولین کاری پرنوع دار وارد منطقه شد، پس از آن وسائل لازم بر روی آن بار شد نیروی محرکه آن ۴ مرد قوی هیکل بود. وسائل نثریمی و آسایش زندگی که امروزه کارکنان توقع آن را دارند، در آن موقع وجود نداشتند. بعدها انگلیسی ها توانستند وسایل مدرن و تفریح برای خود ایجاد کنند. آنها در دورترین نقاط عالم که زیر سلطه آنان قرار می گرفت سعی می کردند امکانات رفاهی برای خود فراهم سازند. وقتی که نیروهای انگلیسی در آغاز جنگ بین الملل اول وارد ایران شدند بازی گلف را نیز رواج دادند. این بازی برای اولین بار بین تیمهای مشترک ارتش و نیروی دریایی و تیم شرکت نفت برگزار شد. هر وقت تیم شرکت نفت به هنگام اجرای مسابقات مهم در موفقیت باعث قرار می گرفت ناگهان آژیر خطر پالایشگاه به صدا در می آمد و بازی متوقف می گردید. البته مشکلاتی از جمله مسائل کارگری، عدم تأمین مواد، تأخیرها، بیماریها و شورشهای خراشگامی و فصلی در منطقه همواره موانعی برای ادامه کار بودند.

ایام کار در زمستان از دوشنبه تا جمعه و از ساعت ۶ الی ۳/۵ بعد از ظهر بود و در تابستان از ساعت ۶ صبح تا سه بعد از ظهر بود. روزهای شنبه در واقع روزهای اصلی تعطیل بود اما انگلیسی ها غالباً در این روز هم کار می کردند. در روزهای اولیه احداث تأسیسات مسجد سلیمان

ساعات تفریح و مجرد نداشت. زندگی بود و تلاش. کارهای زیادی بود که می‌بایستی انجام می‌گرفت. کارکنان خارجی از این که می‌توانستند در آن هوای گرم تابستان اوقات خود را با کار پُر کنند خوشحال بودند.

نامزد آقای داویدسون خانم بیسی Bessie در واقع نخستین زن انگلیسی بود که وارد آبادان شد. در سال ۱۹۱۱ میلادی در گلاسکو آماده حرکت به آبادان شد. تا به همسر آینده‌اش پیوندد و با او ازدواج کند. یکی از هیئت مدیره شرکت در لندن به او پیشنهاد نمود که آبادان جای نیست که یک زن متعهد انگلیسی بتواند در آن زندگی کند و او را از رفتن به آبادان منع کرده؛ اما او مشتاق رفتن بود. از شناس بد او کشتی کردستان که قرار بود با آن به آبادان برود در خلیج بیکی (Biscay) گرفتار طوفان شد و درهم شکست و از بین رفت و او ناگزیر شد با ناراحتی و ناامیدی، باروبند خود را باز کند و از رفتن به آبادان منصرف شود. اما بالاخره دو سال بعد به آبادان آمد پوشیدن بلوز، کمربند، دامن چین دار بلند و کلاه بزرگ و تور صورت در آن آفتاب گرم آبادان برای یک زن اروپایی کسل کننده و غیر قابل تحمل بود اما برای خانم داویدسون لذت بخش بود. در آن موقع نه بیخ بود و نه تهویه مطبوع. وضعیت لباس زن در آن محیط می‌بایستی کاملاً پوشیده باشد. گرینگ سلامت از پای زنی برهنه بوده صدمه چشم به آن خیره می‌شد. خانم داویدسون اهمیتی نمی‌داد که زندگی در آبادان برای یک زن سفید پوست اروپایی خوب است یا بد. داویدسون و همکارانش با اراده بسیار قوی کار می‌کردند. آقایان «گرین وی» Greenway و «هامپتون» Hamilton فرستادگان هیئت مدیره شرکت در آبادان، به لندن گزارش کردند که پالایشگاه تا پایان سال ۱۹۱۵ م. به پایان خواهد رسید. برآوردی که لااقل با تفاوت ۱۲ ماه خوشبینانه به نظر می‌رسید. سه کار عمده می‌بایستی انجام و هماهنگی می‌شد. نصب تأسیسات در مناطق نفتخیز، احداث خط لوله آبادان - مسجد سلیمان و راهاندازی پالایشگاه. متأسفانه این سه کار بزرگ هم‌راهم تلاشها همزمان و با یکدیگر روند مشترک پیش نمی‌رفتند. اختصاصات در انگلستان باعث کندی ارسال وسایل زیادی که برای پالایشگاه لازم بود گردید. آقای ویش رئیس خط لوله، زحمت زیادی در حمل وسایل خطوط لوله متحمل شده بود همه چیز می‌بایستی بوسیله قاطر حمل می‌شد. جاده ارسال وسایل از آبادان به مناطق لوله قطع شده ماه از سال باز و قابل استفاده بود. برای حمل چند قطعه لوله حفاری به قطر ۱۰ اینچ به محل عملیات در مناطق نیاز به هشت رأس قاطر و چهار روز زمان بود. نیاز به خدمات دکتر یانگ دو پالایشگاه آبادان بطور اضطراری اعلام گردید. شیوع ویلایع

مرگ بسیاری از کارگران هندی شده بود. مقاومت کارگران مسلمان در پیروی از بعضی اقدامات پیشگیری کننده (مانند سوزاندن جسد افرادی که مبتلا به ویامی شدند) موجب بدتر شدن وضعیت مرگه و میر شده بود. کارگران هندی طبق سنت خود با سوزاندن جسد مخالفتی نداشتند اما اگر یک ایرانی مبتلا به ویامی گردید بستگان وی اجازه سوزاندن جسد را نمی دادند.

در ماه مارس سال ۱۹۱۴ م. چاه شماره ۷ مسجد سلیمان که به عنوان تنها پناه نفت جهان از نظر میزان تولید محسوب می گردید تا آنکه تولید آن از میزان ۳۳۴۰۰۰۰ گالن در روز به ۶۰۰۰۰۰۰ گالن افزایش یافت. تولید این مقدار نفت بیش از میزان مورد نیاز پالایشگاه بود و بیش از مقدار ظرفیت خط لوله نفت مسجد سلیمان به آبادان بود. به همین جهت تا آنجا که امکان داشت سعی شد برای کاهش فشار آن اقداماتی انجام دهند؛ ولی بهر جهت تاگزیر بودند روزانه حداقل ۱۰۰۰۰۰۰ گالن از آن را بسوزانند. در همان سال آلابی ولسون در گزارش خود به لندن نوشت: «برای من موجب کمال خوشحالی بود از اینکه می دیدم تلاش هنسکاران دو شرکت موجب ایجاد ضرر در دنیای مهندسی شده است. در مناطقی که هیچ اروپایی تاکنون دیده نشده است، کارکنان خارجی شرکت نفت ایران و انگلیس نه تنها آزادانه سفر می کنند بلکه مورد استقبال نیز قرار می گیرند. مردان قبائلی که در چند کیلومتری از منطقه عملیات نفت در مناطق، سنگ پر تاب می کردند حالا در استخدام شرکت هستند و تجار و مکانیکهای ماهری شده اند. ما شاهد خلق یک انقلاب صنعتی هستیم که به آرامی این بخش از سرزمین ایران را مشغول خواهد کرد.»

تجهیزات پالایشگاه و مناطق نفتخیز و فراهم نمودن وسائل مورد نیاز اعم از فنی و عملیاتی و انجام امور اداری شرکت از ابتدای کار توسط یک شرکت تجاری به نام «استریک اسکات» Strick, Scot. Co. Ltd انجام می گرفت. این شرکت امور اداری و تدارکاتی شرکت نفت انگلیس و ایران را به عهده داشت و مقر آن در خرمشهر بود. مدیران این شرکت بیشتر عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس بودند و شرکت استریک اسکات هر سال کمیسیون و حق العمل کاری گزالی از شرکت نفت می گرفتند که کارهای اداری آن را در ایران اداره نماید.

پس از آن که نفت مسجد سلیمان استخراج شد یکی از بازرگانان انگلیسی مقیم هندوستان به نام «لوید» Lloyd که در هندوستان لزوت بسیاری از تجارت چای بدست آورده بود ریاست شرکت استریک اسکات را در ایران به عهده داشت لوید در سال ۱۹۱۴ م. به لندن رفت و پس از مدت کمی به عضویت هیئت مدیره شرکت منصوب گشت. پس از او برای مدت هفت سال شخصی بنام «والپول» Walpol از مأمورین اداره سیاسی هندوستان که از سال ۱۹۰۷ م. تا سال ۱۹۱۴ م. کنسول بار انگلیس در خرمشهر بود ریاست شرکت را به عهده داشت در سال ۱۹۲۱ م. سر

آرنولد ویلسون و آقای جکسن (که بعدها مدیر مقیم شرکت نفت در تهران شد) توأم این مقام را داشتند. تا اینکه سال بعد سر آرنولد ویلسون مسئولیت مدیر مقیم شرکت استریک اسکات را عهده‌دار گردید. در سال ۱۹۲۵ م. که ولرد کدمن Lord Cadman به ریاست شرکت نفت منصوب گردید شرکت استریک اسکات نیز برچیده شد.

وقتی که پالایشگاه آبادان شروع به تصفیه نفت کرد کلیه کارکنان فنی و اداری و بازرگانی شرکت که مشاغل عمده و مسئولیت اداری داشتند همه انگلیسی بودند و کم و بیش کارکنان نسبت اداری انگلیسی‌هایی بودند که هندوستان را دیده و با افکار استعماری عجیب بودند. شرکت برای هموم کارکنان انگلیسی خانه‌های مناسب و راحتی در آبادان و مناطق ساخته و وسایل آسایش را کاملاً فراهم کرده بود. کارکنان هندی و پاکستانی هم در اطرافهایی که به شکل سر بازخانه بنا شده بودند سکنی داشتند ولی برای ایرانیان اهم از کارگر و کارمند معمولی خانه و مسکنی تا آن تاریخ ساخته نشده بود و آنها مجبور بودند در کپرهای حضری، آونکهای روستایی و یا در خانه‌هایی که بعضی اشخاص متفرقه ساخته بودند زندگی کنند و این وضعیت کم و بیش تا سال ۱۹۲۴ م. به همین منوال بود.

توسعه عملیات در مسجد سلیمان :

توسعه عملیات بین سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۳ م. که جنگ اول بین‌المللی شروع گشت با سرعت هرچه تمامتر پیشرفت داشت. شرکت نفت انگلیس و ایران پس از انتخاب محل مناسبی در جزیره آبادان به منظور تأسیس پالایشگاه در سال ۱۹۰۹ م. شروع به ساختن خط لوله‌ای از میدان نفتون و اتصال آن به تصفیه‌خانه آبادان نمود که عملیات ساختمان لوله مزبور در ماه ژوئن ۱۹۱۱ م. تکمیل گردید.

از روزی که اقدامات مستر وینولدز به نتیجه رسید و نفت استخراج گردید، جنب و جوش و فعالیت بیشتری در مسجد سلیمان مشاهده می‌شد و مرتباً غاقله‌ها و ظرایف مختلفی به این محل ایاب و ذهاب کرده و جمعیت کثیری شامل اصفهانی، چهارمحالی، دز لولی، شوشتی، بهبهانی، کرد و ارمنی به مسجد سلیمان مهاجرت نمودند و جنب فعالیت‌های اکتشافی، حفاری، باغبانی، ساختمانی، خدماتی و غیره می‌شدند.

تا سال ۱۹۱۳ م. سی حلقه چاه در مسجد سلیمان حفر گردید، خانه‌هایی برای کارکنان ساخته شد و خطوط لوله به چاههای نفت وصل گردید. آب آشامیدنی که در آغاز با وسایل بسیار ابتدایی همچون مشک، از چشمه‌ها تهیه می‌شد، در این موقع از رزدخانه کارون در خزینه با لوله آورده شد، کارخانه تعمیر، کارخانه برق، انبار ملزومات، مغازه، بیمارستان، در مانگاه، باشگاه، ادارات

مرکزی شرکت و غیره بنا گردید.

اولین خانه‌هایی که در میدان نفتون ساختند در نزدیکی چاه شماره یک، محل شهربانی کنونی بود و پس از آن بتدریج بناهای دیگر احداث شد با توسعه عملیات اکتشافی، بر وسعت منطقه نیز افزوده شد و هر کجا چاهی بر روی این میدان وسیع نفت زده می‌شد، منزل و وسایل لازم زندگی کارکنان هم برپا می‌گردید و با برقراری کارگاهها و کارخانه‌های مربوط به صنعت نفت، ناحیه توسعه پیدا می‌نمود. در اطراف این تأسیسات نیز چندین مسکن ساخته شد که در این زمان در حدود ۳۰ کیلومتر مربع بر وسعت منطقه شرکت نفت افزوده شد که این مساحت شامل قسمتی از تواجی تمبی، چشنه جلی، کلنگه و مال کریم بوده است.

به استثنای لوله اصلی واقع بین معادن و کارخانه تصفیه که از تمبی شروع و به آبادان ختم می‌شد، تقریباً یکصد و سی و پنج فرسخ لوله در ناحیه مسجد سلیمان کشیده شد که جریان مرتب نفت و نگهداری آن را تأمین می‌کرد. جریان و فشار نفت این چاهها بعدی بود که استخراج از چاههای دیگری لزومی نداشت؛ لیکن در صورت ضرورت ممکن بود به سهولت شیر چاههای دیگر را باز کرده و از آن استفاده می‌کردند. پانزدهم ژوئن سال ۱۹۱۰ م. ویلسون پس از یک سال برای بازدید چاههای نفت، عازم مسجد سلیمان شد و یک قسمت راه را برای اولین بار با اتومبیل و یک قسمت دیگر را با اسب رفت، تغییرات و تحولاتی که در نتیجه اکتشاف نفت در این حوالی بوجود آمده بود حتی برای اولین حیرت آور بود. در این رابطه وی چنین می‌نویسد: «در صحرای سوزان و پستی که سابقاً کلاخ هم بر تنی زد جمع کثیری عمله، کلوگر، بنا، مهندس، معمار، آهنگر، مکانیک، تجار و غیره مشغول سعی و فعالیت بودند. ساختمانها و ابنیه جدید الاحداث و دکاکین و مغازه‌های مختلف و انبارها و مخازن بزرگ، انسان را دچار شگفتی و اعجاب می‌کند که چگونه محل بایر و ویرانی در فاصله کوتاهی از شرکت محصورلات نفتی اینطور منصوره آباد و پیر جمعیت شده است؟ دکتر یانگک پزشک عالی‌مقام کمپانی، این روزها مشغول اش بیشتر شده است و عمارت بیمارستان را هم برای اینکه گنجایش بیشتری داشته باشد توسعه داده و با کمال جدیت به معالجه و مداوای بیماران می‌پرداخت.»

در ابتدای امر کلیه لوازم از خر مشهر با کشتی به اهواز حمل می‌شد و از آنجا بواسطه نبودن راه شویسه و وسایل جدید حمل و نقل با قاطر به مسجد سلیمان حمل می‌کردند. تا سال ۱۹۱۶ م. از طرف مقامات لندن، کسی برای بازدید عملیات کارکنان شرکت نمی‌آمد ولی از آن تاریخ به بعد و پس از این که میزان تولید و بهره‌برداری از منابع نفت رو به افزایش نهاد، مأمورین عالی رتبه یکی پس از دیگری به مسجد سلیمان آمده و برای تسهیل پیشرفت کار مشغول فعالیت می‌شدند.

کارکنان از گرمای طاقت‌فرسای اینجا بستوه آمده بودند و علاوه بر این از وقتی هم که چاههای نفتی مورد بهره‌برداری قرار گرفته، هوا در اثر این مادهٔ تنبیه، لطیفان آلود و سنگین شده بود. منتظره سواران بختیاری که بعنوان محافظ در اطراف چاههای نفت اقامت داشتند برای انگلیسی‌ها خالی از تفریح نبود. اسلحه این عده، تفنگک مار تینی بود و هر سوازی در حدود پنجاه گلوله تفنگ و یکی دو عدد خنجر و قمه و خنجره داشت. شرکت هر نام‌مبلغ انتخابی به عنوان حقوق این عده به خواتین بختیاری پرداخته و به اصطلاح به آنها حق سکوت و باج سبیل می‌داد؛ ولی خواتین بیک پاپاسی هم به مأمورینی که به عنوان حفاظت چاههای نفت می‌فرستادند، تهر و اخند و آنها نیز ناگزیر برای تأمین معاش به جان کشاورزان و رهاپا و کارگران محل افتاده و به عنوان مختلف از قبیل قتل و جرمیه و غیره از طبقات نامبرده اخاذی می‌کردند. برای اینکه نظام امرال ایل و یا گناشنگان خواتین از این نحوین به اصطلاح گسترده استفاده نمایند، هر چند وقت عدهٔ سابق احضار و بجای آنها عده جدیدی فرستاده می‌شد تا عموم آنها در مکیدن خون و گرفتن رمل و رهاپا بیره‌بخت، شرکت کرده باشند.

ویلسون در رابطه با خواتین و افراد ایل در آن ایام چنین می‌نویسد:

زندگی خواتین بختیاری فوق‌العاده مجمل و یا شکوه است و گویا اینکه افراد ایل بیشتر بدقت و مسکنت بسر می‌بردند ولی رؤسای قبیله در رفاه و آسایش می‌باشند و تجدید و کوشش آنها نسبتاً به تأمین نظم و آراستن محل از هر جهت مورد تقدیر است؛ زیرا در نتیجه مراقبت خواتین، مأمورین شرکت نفت در مسجد سلیمان بدون درنگ خاطر به رفتن و رفتن امور مربوطه اشتغال دارند و افراد ایل از ترس خواتین متعرض مأمورین شرکت نمی‌شوند.

در سرج. ت. کارجیل، رئیس کمپانی نفت برمه در آن ایام در جلسه‌ای اظهار داشت: علاوه بر معاون مهم برمه، اراضی نفت خیزی نظیری برای امپراطوری بدست آمده که بزودی اهمیت آن بر دنیا ثابت خواهد شد. چاههای نفت پرنایه در امتداد خلیج، کشف شده با دو امتیاز، یکی اینکه ۵۵ درصد نفت خالص می‌دهد و دیگر اینکه در محله‌هایی واقع است که بواسطه موقعیت اراضی جنگل و نزدیکی به رودخانه و دریا برای نصب لوله و رسانیدن به کشتیهای نفتکش کاملاً مناسب و کم‌خرج است و از همه مهمتر قنات و اطاعت کارگران است که با هیچ ساخته، خودشان در روی ذخایر طلا از گرمی جان می‌دهند و حمل ثروت هنگفت کشورشان را به کشورهای بیگانه نظاره می‌کنند.

عاقبت کار و پایان زندگی رینولدز:

رحمات و فعالیتهای چشمگیر دو سال آخر رینولدز، بعلمت بروز اختلافات و مشاجراتش با هیئت مدیره وقت که از آوریل سال ۱۹۰۹ م. بنام شرکت سفاسی نفت ایران و انگلیس خوانده شد،

یکلی مدیریت، رنجش و آزرده‌گی او و اختلاف عقیده‌اش در هیئت رئیسه که اساسنامه وقت شرکت را آژانس تولید اندامسکات در خرمشهر تدوین و تأسیس نموده، مزید بر علت شده بود آنچه رینولدز اظهار می‌کرد مربوط بود به مباحث و موضوعات فنی که در کنترل و اختیار و صلاحیت وی بود ولی با معارضه و حالت ناوارد آنان روبرو می‌گردید و ظهراً موجب تصدیق آزار و نگرانی فوق‌العاده او می‌شد.

رینولدز هرگز موافق این تز و ایده نبود که اظهار شده بود مدیر کل مناطق نفتخیز ضرورتاً نباید فنی باشد و بلکه یک مدیر جدید و پرسنل ارجح است. آری رینولدز شدیداً تحقیر شده بود. زیرا تا روا و برخلاف حقانیت می‌خواستند افراد غیر فنی و ناوارد را بر او ریاست و رجحان دهند. عکس العمل رینولدز در برابر این خفت و خواری که شاید هم اتفاقی نبوده و بلکه با تمهیدات قبلی صورت گرفته بود، موجب دل‌سردی و بالاخره عدم همکاری و انزوای وی گردید. رینولدز مدتی در انتظار فرامین صادره که غالباً مبهم و پر از اشاره و در همین حال غیر عملی بود مانند ماندن این شیوه و این طرز رفتار، عواطف وی را به سختی جریحه‌دار ساخت ولی خوی فرمانبرداری و دیپلماسی خاص او موجب اطاعتش از دستورات صادره و مقررات موضوعه گردید.

در آبان سال ۱۹۱۸ م. آقای چهارلز گرین وی، Charles Greenway و آقای جیمز هامیلتون James Hamilton اعضای هیئت رئیسه شرکت سفری به ایران کردند و بدین ترتیب اولین کیسیتی بودند که از طرف هیئت رئیسه شرکت قدم به خاک ایران می‌گذاشتند. دیدار آنها از ایران موجب شد که همی و شکوه کاری را که رینولدز در مراحل اولیه انجام داده و چگونگی غالب آمدن بر مشکلات فراوان از نظر کم‌زیکی آب و هوا، حمل و نقل و مسائل سیاسی را از نزدیک لمس و مشاهده کنند و رینولدز را به بهترین وجه و عالی‌ترین عنوان مورد تقدیر قرار دهند. از طرف دیگر هلاکم زیادی مبنی بر این که فشارها و سختی‌هایی که در طول ده سال کار در بدترین شرایط آب و هوایی و عدم امکانات رفاهی در ایران اثر نامطلوبی در خلق و خوی رینولدز ایجاد کرده نمایان بوده به نحوی که کار کردن با او بسیار دشوار شده بود و او طاقت شنیدن هیچ‌گونه انتقادی را نداشت، حتی انتقاد سازنده و برحق.

بالاخره نمایندگان امرامی هیئت رئیسه شرکت در لندن با توجه به شواهد کار توضیح کردند که قرارداد رینولدز به بهترین شرایط ممکن اما در اسرع وقت فسخ گردد.

در فوریه سال ۱۹۱۸ م. قرارداد کار رینولدز با تعلق طرفین در وضعیتی متأثرکننده فسخ گردید. مردی که بدون شک به عنوان معمار کشف نفت در ایران محسوب می‌شد و مبدأ ایجاد ثروت و دارایی در خاورمیانه بود از صحنه عملیات نفت خارج گردید. مردی که مردم جنوب ایران او را

و لیکن نفت می ناپیدند.

بسیاراً این نادیدنی غیر عادلانه که توأم بود با انقباض خشک، وی را سخت و زنجیره خاطر ساخت و بالاخره بدنبال مکاتبات زنده و وطن آخیز و نیشدار، وی به لندن فراخوانده شد و ناگزیر طبق توافق دو جانبه ای خدمت شرکت را ترک گفت و از آنجا به کشور و تروکلا رفت تا در آنجا پشاهنگ جهانی نو گردد و تا سال ۱۹۲۵ م. برای کشف منابع نفت آن محل نیز فعالیت می کرد و در این تاریخ چشم از جهان فرو بست.

دهه ای که گذشت (دهه ای که از سال ۱۹۰۱ م. آغاز گردیده بود) برای ریولدر فرجام و پایانی خوش نداشت، زیرا کوششهای پیگیر و قاطع، پیشکار و جسارت او، بالاخص که توأم با عبادتی اخلاقی و انسانی و بالاخره گفتار و کردار شایسته و خیرخواهانه بود که توانست اعتماد همگان را بخود جلب نماید و بالاخره اقدام مهم و تاریخی وی که منجر به کشف نفت در کشور باستانی ایران شد، برای او مطلقاً نتیجه ای در بر نداشت. افسوس که توفیق دیدار مجدد ایران نصیب او نشد تا بنای شهر جدید، توسعه عملیات نفتی و پیشرفتهای همه جانبه ای را که خود رأساً پایه گذار آن بود مشاهده نماید، دعوتی که از ریولدر بعمل آمده بود تا از ایران بازدید نماید، صرفاً به منظور ادای احترام و تجلیل از زحمات و خدمات بی شائبه او بود که منجر به تشکیل شرکتی عظیم گردیده بود، اما افسوس مرگ او را مانع نداد و به قاضیه کوتاهی پس از وصول دعوتنامه زندگی را بدرود گفت.

ریولدر نسبت به ایرانی ها، خاصه آنهايي که در استخدام او بودند و بالاخره آن دسته از هشابر بختیاری که امور مربوط به راه سازی، نصب دکل را انجام می دادند رفتاری شایسته داشت و بالاخره او به آشپزها، معترها، نگهبانان، بناها، مکانیکها، و عموم کارگران فنی و غیر فنی با احترام و نیکی رفتار می کرد.

آری متعلقه مسجد سلیمان، منبع و مبدأ صنعت عظیم نفت ایران بود و کشف نمودند و ماده ارزشمند نفت ایران، موهون خدمات صادقانه و ممتاز مردی است بنام هرژو برنارد ریولدر، G. B. Reynolds که سهم اصلی را در این مهم داشته است ولی خود طرفی بر نبسته است. آری نام این مرد برای همیشه در تاریخ نفت ایران ثبت خواهد بود.

دکتر یانگ حکیم امنیتی

علیرغم همه کوششهایی که آلمانیها و ترکها در زمان جنگ بین الحالی اول نسبت تضعیف موقعیت انگلیسی ها در ایران به عمل آوردند، وجود افرادی بود شرکت چون دکتر یانگ که در طول جنگ به عنوان پزشک و مصلح بین انگلیسی ها و ایرانی ها به ویژه بختیار بها فعالیت داشت،

تمام توطئه‌های آنان را نقش بر آب می‌کرد. دکتر یانگ که انگلیسی‌ها او را به علت قد کوتاهش دکتر کوچیکه، Little Doctor می‌نامیدند و مردم عادی جنوب غربی ایران او را حکیم فرنگی می‌گفتند، از نظر انگلیسی‌ها مرد بزرگی بود که با خدمات درمانی خود در واقع به عنوان یکی از بزرگترین نیکوکاران خارجی شهرت پیدا کرده بود و هر جا می‌رفت مورد احترام قرار می‌گرفت. بین انگلیسی‌ها عنوان «مأمور سیاسی» Political - officer را نیز داشت. بسیار باهوش و جدی و آزموده بود. شالوده بهداری شرکت را در خوزستان ریخت و اساس بیمارستانهای مسجد سلیمان و آبادان را او بنیان نهاد. در جوانی به اسکاتلند رفت تا تحصیل چشم پزشکی کند. چون بی پول بود به دنبال رؤیت یک آگهی که در یکی از روزنامه‌های گلاسکو در انگلستان درج گردیده و احتیاج به یک دکتر را جهت همراهی یک تیم فنی راه آهن در لرستان ایران اعلام کرده بود، برای مدت یک سال هازم آن منطقه شد. با این امید که مقداری پول پس انداز کند و تحصیلات خودش را ادامه دهد. زندگی در ایران در خلال آن مأموریت بر او اثر گذاشته طولی نکشید که به عنوان دکتر شرکت نفت ایران و انگلیس در استخدام آن شرکت درآمد و در سال ۱۹۰۷ م. به ایران آمد. دکتر یانگ با زیرکی خاصی که داشت هر جا زندگی می‌کرد محیطی از اعتماد ایجاد می‌کرد. خرابی‌های پختاری و شیخ محیره (شیخ خزعل) به وی اعتماد داشتند. خیلی از مردم در آن زمان بی طریقی ایران در جنگ و تقریباً عدم هرگونه مشکل در مناطق نفتخیز در خلال جنگ اول جهانی را مدیون نفوذ وی می‌دانند. حتی راهزنان نیز به وی احترام می‌گذاشتند. در هر حال بهر تعلقه از ایران به راحتی سفر می‌کرد و همیشه مقداری پول و قهره یا خود داشت که به کارگران حقوق پرداخت می‌کرد. در یکی از مسافرت‌هایش پول بخريد ۱۹۰۹ را پس خاطر را در اصفهان پرداخت کرد که از این خاطر ها جهت حمل لوله از خوزستان به تیمی در مسجد سلیمان استفاده شد.

انگلیسی‌ها و ایرانی‌ها برای حل مسائل درمانی و مشکلات دیگر خود به او مراجعه می‌کردند. از همان روزهای اول شروع عملیات نفت، سیاست شرکت بر این مبنا بود که نه تنها به معالجه و درمان خارجیها پردازد بلکه به مردمی هم که در اطراف و یا در نزدیکی تأسیسات شرکت بودند توجه کند. این امر بیشتر جهت کسب وجهه و شهرت بین مردم منطقه بود. در مواردی دکتر یانگ در طول مسافرت خود به هنگام عبور از یک اردوگاه عملیات کار به اردوگاه دیگر ناگزیر بود درمانگاه عمومی در بین راه تشکیل دهد و مردم معمولی و خارجی از کادر شرکت را نیز معالجه کند. دکتر یانگ با خطرات خود را در یکی از این درمانگاههای سیار و عمومی چنین شرح داده است:

هر جا که یک پزشکی ما عبور می‌کرد مردان و زنان و کودکان به دور ما جمع می‌شدند و از من به عنوان حکیم پایشی التماس می‌کردند که برای آنها یک نسخه دوا بپیچم. روش درمان اروپایی

هنوز در ایران متداول نشده بود. مردان در صفهای طولانی همراه با بچه‌های خود که اغلب از مرض مالاریای مزمن رنج می‌بردند در انتظار معالجه بودند. زخمهای قانقاریا، پاهای عفونی، و بدمنظره که در نتیجه حمله کوزه و قطع عضو، صورت گرفته بود از جمله نمونه‌هایی از دردها و ناراحتیهای مردم بود. در مواردی مردم منطقه از من‌التماس می‌گرفتند تا فردی را که دچار فقریب‌زدگی و یا مارگزیدگی شده و یا ریحنی را که در نتیجه مرض کزاز حالت تشنج پیدا کرده و یا مردی را که سنگها او را شدیداً آگاز گرفته و از شدت درد به حالت دیوانگی رسیده بود دست و پایش را بسته بودند تا به دیگران آسیبی نرسانند. معالجه کنیم؛ اگر آبله شیوع پیدا می‌کرد صورتهای وزم‌کرده مبتلا به آبله که به همه چیز بجز شکل آدمی زاد مشابه بودند در صفهای طویل جهت معالجه در انتظار من بودند. در چنین مواردی تعداد کفتری از بچه‌ها به آبله مبتلا می‌شدند.

همانگونه که هنر جراحی پلاستیکی در جنگ بین‌المللی اول مدیون زحمات و تجربیات «سرهارولد جیلز» Harold Gillies و دیگران بود، در ایران نیز دکتر یانگ به پشرفتهایی در زمینه تراخیم چشم نائل آمده بود. دکتر یانگ با توسعه روش درمان خود در طول زمان اقامت در ایران، شروع به معالجه تراخیم چشم از طریق برداشتن گوشت زیادی در پبله چشم کرد. همچنین با کاربرد روش جدید جراحی لوزه، افراد زیادی را در طول اقامت خود در ایران معالجه کرد. از کسب موفقیتی که دکتر یانگ به آن می‌بالید و در گذشته نیز آرزو داشت در آن رشته فعالیت کند، رشته چشم پزشکی بود. عمل برداشتن آب مروارید چشم یکی از روشهای قبایل بختیاری که در اثر آب مروارید بینایی خود را از دست داده بود، از جمله نقاط عطف زندگی وی در ایران محسوب می‌شد. بهر تقدیر برای جلوگیری از گوزی باید آب مروارید خارج گردد. اما او هیچگاه چنین عملی را تجربه نکرده بود. بعد از مطالعه چشم پزشکی نخست بر روی چشم یک گوسفند زنده آزمایشی کرد که با موفقیت انجام گرفت. سپس به خود جرئت داد تا چشم رئیس قبیله را عمل کند. با کسب موفقیت در انجام این کار در واقع نقطه عطفی در حرفه چشم پزشکی برای دکتر یانگ ایجاد گردید. خبر بینا کردن چشمهای گوزر توسط دکتر یانگ در همه نقاط مناطق نفتخیز شایع شد. مردم به هنگام عبور اتومبیل وی، بر روی جاده دواز می‌کشیدند تا باعث توقف اتومبیل او شوند. در مواردی هنگام عبور از یک دهکده، بیش از دو ساعت معطل می‌شدند تا همه کودکان و نوزادان اهل ده به داخل اتومبیل وی برده شوند. انجام این عمل صرفاً به این انگیزه بود که دست‌مشترک دکتر یانگ با آنها تماس حاصل کند و بدین ترتیب اگر مرضی داشته باشند شفا پیدا کنند و اگر سالم هستند در آینده مریض نشوند. از نظر مردم شهر و روستا در جنوب ایران، دکتر یانگ وضعیت آدم مقدسی را پیدا کرده بود که می‌توانست گوز را شفا دهد و از نعمت بینایی بهره‌مند

سازد اگرچه نقش وی به عنوان میانجی و مصلح در میان مجافل حالی در تهران شهرت پیدا کرده بود اما مردمی که دکتر یانگک بیشترین تأثیر را بر آنها و به قول خودش بیشترین خدمت را به آنها کرده بختیارها بودند که با آغاز کار شرکت نفت در قلمرو آنها منجر به تغییرات زیادی در روش زندگی آنها شد. طوایف بختیاری طبق سنت گذشته غالباً مشاجرات و اختلافات خود را با تیغ و شنگ حل و فصل می کردند. اما دکتر یانگک توانسته بود محبت و دوستی سران آنها را نسبت به خود جلب کند و از این باب برای وی احترام خاصی قائل بودند. برای آنها فردی قابل اعتماد بود. دکتر یانگک خاطرات خود را در مورد بختیارها چنین بازگو می کرد: «افراد قبائل بختیاری به تجربه ثابت کرده بودند که قدرت فراگیری خیلی خوبی دارند. مردانی که پدران آنها هیچگاه اتومبیل نرانده بودند، در اسرع وقت یاد گرفتند که چگونه موتور ماشین را پیاده کرده و پس از تعمیر دوباره ببندند. قوه فراگیری و ذوق بدیه سازی آنها تحسین انگیز بود. برای مثال وقتی که شرکت در حال احداث جاده گچساران بود، موتور ماشینهای باری معمولاً به علت شیب تند جاده در سربالایی بیش از حد معمولی گرم می شد و رانندگان ناگزیر بودند ساعتها در جاده معطل شوند تا موتور ماشین خنک شود. یک روز استادکار گاراژ و رئیس ناحیه گچساران که تصادفاً در راه بودند مشاهده می کنند یک ماشین باری به هنگام عبور از جاده هیچگاه برای خنک شدن کامیون خود در سربالایی ها توقف نمی کند. فقط در اول شیب جاده توقف می کرد، کاپوت ماشین را بالا برده، چند لحظه بر روی موتور ماشین می نشست و بادنده یک و دو شروع به بالارفتن از تپه ها می کرد. دو ابتداء یکی از سربالایی ها ماشین وی را متوقف می کنند و از وی می خواهند تا کاپوت ماشین خود را بالا برد. مشاهده می کنند که راننده بختیاری نصف یک هندوانه را بر روی کاربوواتور موتور قرار داده و بدین ترتیب باعث سرد نگه داشتن موتور و جلوگیری از جوش آمدن بنزین در سربالاییها کرده بود.

بختیارها مردمی با استعدادند. در کارهای نقشه برداری، زمین شناسی و یا حفاری در مناطق صعب العبور به راحتی طاقت کار کردن را دارند. البته هر طاقته بودن آنها بیشتر به علت آن است که نسل اندر نسل در چنین مناطقی قشلاق و ییلاق کرده اند. آنها داستانهای بزرگی هستند. بسیار زیرک و بذله گو و در شجاعت هم شهره آفاق. به یک راننده بختیاری شرکت اطلاع دادند زنش توی آب رودخانه کارون افتاده و غرق شده است. به اتفاق هم ولایتی های خودش عملیات نجات و نجات غریق را شروع کردند. راننده بختیاری به جای این که به محلی که زنش در آن نقاط به آب افتاده بود برود به نقاطی بالاتر از محل رودخانه رفت که آب با فشار به طرف محل حادثه در جریان بوده از او پرسیدند چرا به جای رفتن به پایین دست رودخانه در بالا دست به دنبال زنت

می‌گردی؟ گفتند: زلم آفتدر کله شوق و لجرج است که سبطنن هستم با آب هم می‌جنگد و نمی‌گذارد آب او را ببرد و هرق کند.

کار کردن با افرادی که دارای فرهنگی متفاوت از فرهنگ اروپاییان بودند خیلی مشکل به نظر می‌رسید. به کارگران می‌گفتیم که شرکت مال آنهاست و باید با تمام وجود برای آن کار کنند. اما غالباً بر خلاف آن عمل می‌کردند و استنباط دیگری از این مالکیت داشتند. در یک مورد کارگری از پایه برق بالا می‌رود تا با گازانبر مقداری از سیمهای مسی را که یازده هزار ولت برق از آنها عبور می‌کرد قطع کند تا بعداً آنها را به فروش رساند. شدت جریان برق به قدری زیاد بود که او را به شدت به زمین می‌کوبید و اگرچه چنان سالم بدر می‌برد اما در حالی که زخمی می‌شود و یک پایش سیاه شده بود به نزدیکترین باجه تلفن می‌رود و از دربانگاه شرکت تقاضای آمبولانس می‌کند. یک شب ۲۸۰۰ متر سیم مسی تلفن یک جاکنده شده بود. بعضی از کارگرها در آخر هفته با پای پیاده و از میان تپه‌ها و کوهها، مسافتی حدود هفتاد کیلومتر را طی کردند تا به خانه خود در دهات اطراف بروند و شبه صبح طبق معمول در سر کار خود حاضر بودند. بهر تقدیر با استفاده از امثال همین کارگران بود که شرکت توانست با موفقیت به کار خود ادامه دهد و در واقع بدون آنها نه موفقیت مطلوبی برای شرکت حاصل می‌شد و نه برای مردم منطقه.

اما دکتر یانگک که بود و در شرکت نفت چه وظایفی به عهده داشت؟!

در داخل محوطه عملیات شرکت اداره‌ای ایجاد شده بود به نام اداره امنیت و حفاظت Security - office که وظایف آن عبارت بود از حفظ انتظامات و امنیت در داخل محوطه شرکت و برقراری تماس و رابطه با خان‌ها و شیوخ محلی و مأمورین دولتی و نظارت در قراردادهایی که از طرف شرکت به اشخاص مختلف داده می‌شد. همچنین سرپرستی اموری که وابسته به روابط بین کارگر و کارفرما بود و اجاره و خرید اراضی و بطور خلاصه هر کاری که تماس بین شرکت و اهالی محل را ایجاد می‌کرد. اداره امنیت و حفاظت عده‌ای را در استخدام خود داشت که در اوایل نام پلیس M. P داشتند و بعدها که نفوذ دولت مرکزی بیشتر شد و ثبات سیاسی برقرار گردید به نام مستحفظ و آتش‌نشان و غیره خوانده می‌شدند. لباس همه متحدالشکل و مختصر تعلیماتی نظامی نیز فرا گرفته بودند و به رؤسا سلام نظامی می‌دادند و به جز این که مسلح نبودند از هر حیث دیگر به سربازان شباهت داشتند. شرکت عده‌ای از آنها را به کارهای آتش‌نشانی گناشته و عده‌ای زیادی را برای امور انتظامی در خدمت داشتند که هر دو یک نوع لباس داشته و هر وقت می‌خواست می‌توانست همه آنها را به عنوان آتش‌نشان معرفی کند.

در سال ۱۳۰۵ شمسی پلیس‌ها کارشان محدود به تأمین عبور و مرور در محوطه شرکت شده

بود. بطوری که نقل شده است اداره امنیت و پلیس های آن، تمام وظایف یک شهربانی را بر عهده داشته و حتی زندان هم داشتند. بطور خلاصه اداره تأمین شرکت جبارت از یک دستگاه شهربانی در داخل محوطه شرکت بود و اموری را که ژاندارمری انجام می دهد بعهده خوانین محلی و مستحفظین آنها بود که تمام هزینه آنها را شرکت می پرداخت.

رئیس کل اداره امنیت و حفاظت شرکت با دکتر بانگه بود که در مسجد سلیمان اقامت داشت و زبان فارسی و محلی را به خوبی آموخته بود. پس لز جنگ بین المللی اول شرکت معاونی برای دکتر بانگه استخدام کرد که نام او والکینگتن، Ellington بود این شخص در ارتش هندوستان سروان بوده و در آنجا زبان اودو را فرا گرفته و کسی هم فارسی آموخته بود به واسطه تجربیاتی که بدست آورده بود و شخصیت ویژه ای که داشت در لندنک مدتی توانست توجه اولیای شرکت را جلب کند. از نظر انگلیسی ها اولین خدمت برجسته اودر شرکت، سرکوب احتصاب گروهی از کارگران پاکستانی بود که در آبادان برای افزایش دستمزد احتصاب کرده بودند. الکتینگتن مأمور شد که از مسجد سلیمان به آبادان رفته و احتصاب را خاتمه دهد. او ترتیبی داد که یک روز صبح زود کارگران مزبور را بدون اطلاع قبلی از منازل خود خارج کرده و تحت نظر عده ای سرباز هندی که از بوشهر برای این کار آمده بودند به یک فرودگشتی که در انتظار آنها بود انتقال دهد و به هندوستان اعزام کند تا بدین ترتیب دیگر در آینده کسی جرئت احتصاب و امتناع نباشد. این اقدام از نظر اولیای شرکت جلوه مخصوصی کرد و از همان وقت او را برای کارهای عالی تری در نظر گرفتند تا اینکه قطعی پس از پنج سال خدمت به سمت معاون کل شرکت و اندکی بعد به ریاست کل شرکت در ایران منصوب شد و این سمت را متجاوز از ده سال دارا بود و بعدها نیز عضو هیئت مدیره شد.

الکتینگتن یکی از برجسته ترین مأمورین شرکت در ایران بود و استعداد فوق العاده ای برای همرنگ شدن با محیط های متغیر از خود نشان داد. موفقی که قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر گردیده الکتینگتن با مهارت زیادی دستگاه شرکت را با تغییر سیاست توافق داد و توانست جلب توجه اولیای شرکت را بنماید و موفقی که آرد کدمن به اصلاحات داخلی پرداخت و انگلیسی های هندوستان دیده را بصریح طرد می کرد، او تنها کسی بود که جلب توجه او را کرد و توفیق آن را یافت که در ایران مانده و مهمترین مقام را حائز گردد.

در سال ۱۹۳۶ م. دکتر بانگ از شرکت بازنشسته شد اما آرام ننشست. به گروه آقای آل مروت رایب، Almroth - Wright در آزمایشگاه تحلیلی با کتری شناسی در بیمارستان سنت ماری و Saint Marry لندن ملحق شد. پس از شروع جنگ جهانی دوم به اتفاق تعدادی از کارکنان فنی به

آزمایشگاهی در «ایپینگ» Ealing انگلستان منتقل شد و در آنجا به کار واکسینه کردن افرادی که در خدمت جنگ بودند همشگماشت. بعد از دو سال به بیمارستان سنت ماری احضار گردید تا به آقای الکساندر فلمینگ Alexander Fleming کاشف پنی سیلین کمک کند، در آنجا تجربیات زیادی بدست آورد و در طرح روش تولید، ایمنی و استاندارد کردن پنی سیلین فعالیتهای زیادی کرد. در سال ۱۹۵۰ میلادی دکتر یانگ دارفانی را وداع گفت. در دوازدهم ماه ژوئن ۱۹۵۲، سر الکساندر فلمینگ در اجتماع دوستان و همکاران وی از لوح برنزی که به یاد دکتر یانگ در سالن ادارات مرکزی شرکت نفت انگلیس در لندن نصب گردیده بود بهره‌برداری کرد.

تأثیرات جنگ جهانی اول بر صنعت نفت:

وقتی که جنگ بین انگلیس و ترکیه در پنجم نوامبر سال ۱۹۱۳ م. اعلام گردید، مناطق و تأسیسات نفتی در ایران از اهداف قابل دسترسی ترک‌ها محسوب می‌شد. مأموریت شناسایی منطقه سائها قبل توسط عامل آلمانها آقای «واسموس» Wassmuss که ظاهراً بعنوان کنسول آلمان در پوشهر مأموریت داشت انجام گرفته بود. سفرهای شناسایی وی در اطراف «اروند رود» و در نزدیکی اهواز ایجاد ظن و گمان برای مقامات سیاسی انگلیس در ایران کرده بود. یکبار در حالی که قلم و دفترچه یادداشتی بدست داشت، در شهر مسجد سلیمان گردش می‌کرد و با رئیس ناحیه این منطقه ملاقات نموده بود.

مدتی بعد واسموس و گروه او در راه عزیمت به شیراز مورد حملهٔ راهزنان قرار می‌گیرند و آنها را لخت می‌کنند. واسموس توانسته بود فرار کند و جان خود را نجات دهد. بعدها بطوری که دکتر یانگ گزارش کرده بود، واسموس به همهٔ مقامات ایرانی تلگراف مخابره می‌کند و نسبت به این تجاوز و راهزنی شدیداً اعتراض کرده بود. گفته می‌شد که این راهزنی در نتیجهٔ توطئه و نقشه انگلیسی‌ها بویژه دکتر یانگ صورت گرفته بود. ارتش انگلیس برای حمایت از کمپانی نفت، در جنگ جهانی اول در خوزستان نیرو پیاده کرده بود و از راه بین‌النهرین به جنگ عثمانی رفت. در نوامبر ۱۹۱۳ م. کائها و لوله‌های نفت و پالایشگاه آبادان مورد تهدید قرار گرفتند. حال ترکیه و آلمان جمعی از هشایر را تحریک به طغیان و شورش نمودند.

بعد از ظهر ششم فوریه سال ۱۹۱۵ م. فشار خط لوله مسجد سلیمان - آبادان بتدریج کاهش می‌یافت و در ساعت ۴ بعد از ظهر جریان ارسال نفت به آبادان قطع گردید. در خط لوله انتقال نفت خرابکاری صورت گرفته بود. طی تحقیقاتی که صورت گرفت، معلوم شد تحت تحرکات آقای واسموس و ترک‌ها عده‌ای از افراد طایفه «باوی» در اهواز ضمن قطع دو خط لوله در مسیر شهر اهواز بطرف منطقه کوت عبدالله، نفت موجود در لوله را نیز آتش زده، لوله‌های شرکت را غارت

و از گزن نموده و پایه‌های سیم تلفن ارتباط شرکت را نیز قطع کرده بودند. برقراری مجدد جریان انتقال نفت از طریق خط لوله مذکور چهار ماه بطول انجامید. از آنجا که در مناطق وسیله‌ای برای قطع کامل چاههای تولید نفت وجود نداشت و بعد از آن که هر مخزن که در مسجد سلیمان موجود بود پر از نفت گردیده ناگزیر بودند مقدار اضافی نفت تولید شده را آتش بزنند. با افزایش تهدیدات نظامی ترکمنها، افراد طایفه باوی به شرکت پیشنهاد کردند حاضرند از همان خط لوله‌ای که جریان نفت آن را خود قطع کرده بودند، حفاظت نمایند و در مقابل به آنها حقوق نگهبانی و کمکهای نقدی پرداخت گردد.

انگلیسی‌ها برای حفظ منافع خود در ایران دست به هر کاری می‌زدند و بدین ترتیب با همه عواملی که به منافع آنها لطمه می‌زد شدت مبارزه می‌کردند. با ادامه جنگ، نیروی واکنش سریع و نیروی دریایی سلطنتی انگلستان نفوذ بیشتری در منطقه ایجاد کرد و به موازات آن امنیت تأسیسات شرکت در ایران افزایش یافت و از نفوذ عمال آلمانیها شدت جلوگیری شد.

چون خطر پیشروی قوای عثمانی در خوزستان می‌رفت انگلیسی‌ها عده‌ای سرباز هندی به خوزستان آورده و در تمام مدت جنگ در اهواز پادگانی برقرار کردند و در مسجد سلیمان سنگرها و مقرهایی داشتند. در تابستان ۱۹۱۵ م. پس از تعمیر خط، نفت جریان خود را بطور عادی شروع کرد و دیگر در تمام مدت جنگ تجاوزی به اموال و مؤسسات شرکت نفت نشد. پس در ایام جنگ به خط لوله پانصد هزار لیتر خسارت وارد شد. موتور کشتی‌های جنگی انگلیسی را بر اساس ترکیبات نفت مسجد سلیمان طراحی کردند زیرا در آن عصر، فراوان‌ترین و ارزانه‌ترین محصولی که در اختیار بریتانیا قرار داشت، نفت این شهر بود.

قرارداد جدید بعد از جنگ جهانی اول :

موقعی که جنگ اول بین‌المللی آغاز گردید شرکت نفت دارای معدن بزرگ مسجد سلیمان و خط لوله‌ای از معدن مزبور تا آبادان و پالایشگاه متناسبی در جزیره آبادان بود که می‌توانست کمک مهمی به عملیات جنگی انگلستان و متفقین بنماید.

در سال ۱۹۱۴ م. مجلس مبعوثان انگلستان قانونی وضع کرد و به دولت اجازه داد که قسمتی از سهام نفت انگلیس و ایران را خریداری نماید. متعاقب آن قراردادی بین دولت انگلستان و شرکت مزبور منعقد گردید. به موجب این قرارداد شرکت نفت انگلیس و ایران مقادیر عمده نفت سوخت را به نیروی دریایی انگلستان به قیمت تازلی می‌فروخت و دولت انگلیس دو نفر از مدیران شرکت را تعیین نمود که عضو هیئت مدیره شرکت نیز بودند.

در موقع عقد قرارداد، دولت انگلیس دو میلیون سهام حادی شرکت و هزار سهام ممتاز آن را

خریداری کرده و بدین ترتیب اکثریت سهام شرکت را بدست آورد. تاکنون هیچگونه اطلاعی راجع به قیمت نازل نفت سوخت که شرکت به دولت انگلستان فروخته است، منتشر نشده و کوشش بسیار شده است که این قضیه محکوم بماند ولی شهرت‌های زیادی درباره آن رواج داشته است. بعضی ها گفته‌اند که قیمت نفت سوخت مزبور یک چهارم قیمت بازار بوده و برخی گفته‌اند که قیمت مزبور قیمت تمام شده بعلاوه سود خیلی کمی بوده است.

تنها رقمی که منتشر شده ممکن است از تجزیه و تحلیل آن به نتیجه‌ای رسید همان رقمی است که چرچیل در کتاب «بحران جهانی» خود منتشر کرده و گفته است که در چهار سال جنگ اول جهانی ادارات دولتی انگلیس در اثر استفاده از مواد قرارداد با شرکت نفت انگلیس و ایران، و خرید نفت به قیمت نازل تر از بازار ۷۵۰۰۰۰۰ لیره نفع برده‌اند. تردیدی نیست که تمهد شرکت درباره فروش نفت به دولت انگلیس به قیمت نازلتر از قیمت بازار یک نقض عهد آشکاری با دولت ایران بوده ولی متأسفانه اولیای امور هیچگاه در صدد مطالبه جدی حقوق دولت برنیامدند. معیناً حدهای از مردم آگاه به سیاست و آزادیخواهی به این معامله ایراد گرفتند. علاوه بر اعتراض مردم ایران، حدهای از آزادیخواهان و بعضی از جراید انگلستان هم درباره خرید سهام شرکت نفت معترض بوده و ابراز نگرانی‌هایی نمودند.

سرمداران انگلیسی شرکت به خاطر حفظ استقلال انگلستان بزرگ خود که صریحاً توسط چرچیل عنوان شده بود حتی با پرداختهایی که جهت حفاظت اموال خود به نیول داران می‌شد، هم روش استعماری خود را تحکیم می‌نمودند و هم قدرت حکومت مرکزی را متزلزل می‌ساختند ولی متأسفانه زمامداران امور در آن وقت به واسطه گرفتاریهای مهمتری، توجهی به حواقب قرارداد بین دولت انگلیس و شرکت نفت نداشتند و با وصول جواب سفارت انگلستان که قرارداد مزبور ضرر و زیانی به منافع ایران وارد نمی‌آورد خود را ناچار قانع ساخته و سکوت اختیار کردند ولی چیزی نگذشته که اثرات شوم آن که نفوذ روزالزون روس و انگلیس در ایران بود بخوبی مشهود بود و حکومت مرکزی نمی‌توانست در مقابل فشارهای خارجی اقدامات جدی بعمل آورد.

تولید و صادرات نفت همزمان با توسعه شهر:

در سال ۱۹۱۲ م. نخستین نفتی که از مسجد سلیمان استخراج شده بود به شکل خام صادر گردید که بالغ بر ۴۳۰۰۰ تن بود. سال بعد این مقدار به ۸۱۰۰۰ تن رسید و در سال ۱۹۱۴ م. به ۱۷۷۴۰۰۰ تن افزایش یافت.

هنگامی که جنگ بین‌المللی اول شروع شد، ماهی بیست و پنج هزار تن نفت از آبادان صادر

گردید و اهمیت این مقدار نفت برای نیروی دریایی انگلیس و مقاصد جنگی آن دولت به اندازه‌ای بود که دولت انگلیس مصمم شد اقدامات جدی نموده و مانع از سرایت عملیات جنگی به خوزستان بشود. نمایندگان انگلستان خوانین بختیاری و شیخ خزعل را تقویت کرده و با دادن پول و اسلحه آنها را متعهد به حفظ مؤسسات نفت نموده‌اند.

پس از پایان جنگ بین‌المللی اول بطوری اهمیت و ارزش نفت برای دول بزرگ اروپایی زیاد شد که سیاست استعماری در اطراف خلیج فارس به سیاست نفت تغییر اسم داده و دولت انگلیس توافقت برای مدت نامعلومی رقبای خود را در این میدان مبارزه مغلوب و متواری سازد. بین سالهای ۱۹۱۵ م. تا ۱۹۱۹ م. عملیات شرکت در ایران توسعه یافت و با وجود اینکه وارد کردن لوازم از خارج و استخدام کارمندان خارجی و تهیه لوازم مواجه با اشکالات بسیار بود معیناً احتیاج فوق‌العاده به نفت طوری بود که برای توسعه عملیات در ایران اولویت خصوصی قائل شده بودند. به این ترتیب اولین راه ارتباطی شوسه‌ای، بین مسجد سلیمان و درخزیه ساخته شد و این منطقه را از یکجا محیط بسته خارج نمود و وسایل جدید حمل و نقل از قبیل اتومبیل‌های سواری و باری به کار افتاده و در این مدت کارخانه برق توسعه یافت و مواد غذایی و پوشاک و وسایل فنی و حتی مواد و مصالح که بوسیله کشتی از خارج به آبادان حمل می‌شد با کشتی‌های کوچک به درخزیه انتقال می‌یافت و از آنجا بوسیله راه شوسه به مسجد سلیمان حمل می‌گردید و خانه‌سازی در مسجد سلیمان پیشرفت زیادی کرد و از هر حیث کارها روبه توسعه می‌رفت.

خط لوله جدیدی بین مسجد سلیمان و آبادان ساخته شد که در آخر جنگ، خطوط لوله جدید و قدیم تماماً می‌توانستند سالی سه میلیون تن نفت به آبادان بفرستند. در آبادان هم اضافات به پالایشگاه مرتباً ادامه داشت و ظرفیت پالایشگاه که قبل از جنگ سالی ۱۲۰۰۰۰ تن بود در آخر جنگ به سالی یک میلیون تن رسید. استخراج و صدور نفت از مسجد سلیمان هم روبه فزونی رفت که لرواق زیر میزان افزایش تدریجی استخراج را نشان می‌دهد:

سال	میزان
۱۹۱۴	۱۲۷۴۰۰۰۰
"	۱۳۷۶۰۰۰۰
"	۱۴۴۹۰۰۰۰
"	۱۶۳۴۰۰۰۰
"	۱۸۹۷۰۰۰۰
"	۱۱۱۰۶۰۰۰۰
"	۱۱۳۸۵۰۰۰۰

توسعه صنعت نفت پس از جنگ اول بین‌المللی و طرز اداره کردن شرکت :
 بعد از جنگ غالب مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران، سرمایه‌داران انگلیسی بودند که سالها در
 هندوستان زندگی کرده و روش استعماری عادت ثانوی آنها شده بود.

الطبع مأمورین حاضر به شرکت نفت در ایران (باستثنای مأمورین هندی) یا از بین مدیران بازنشسته
 ارتش هند یا از مأمورین سیاسی انگلیس که در هندوستان سابقه خدمت زیادی داشتند، انتخاب
 می‌شدند و این نوع انتخاب تأثیر فوق‌العاده‌ای در طرز اداره کردن شرکت داشت چون اینگونه
 افراد به راه و روش انگلیسی‌ها در هندوستان عادت کرده و نظر موافقی با شرقیان نداشتند و خود
 را از نزاع بالاتر از شرقیان می‌دانستند. الفاظ «صاحب» و «مهم‌صاحب»^۱ و «نتهای هندی» را اینگونه
 اشخاص در مؤسسات نفت در مسجد سلیمان و آبادان و سایر مناطقی که بعدها کشف شدند رواج
 دادند، و نظر استعماری آنها بود که همیشه در روابط بین ایرانیان و انگلیسی‌ها مؤثر بوده و موجب
 رنجش ایرانیان می‌گردید. در این کتاب نمونه‌هایی از طرز رفتار آنها ذکر شده است که واضح
 می‌دارد چه اندازه این راه و روش در تیره کردن روابط بین کارکنان ایرانی و انگلیسی مؤثر بود.
 ناگفته نماند که در آن ایام پول رایج در خوزستان رویه هندی بود و شرکت کلیه حقوق و دستمزد
 کارکنان خود را به رویه می‌پرداخت و این نمونه کوچکی از طرز کار آنها بود. پس از جنگ
 بیشرکت کار شرکت در مسجد سلیمان سریع و وسیع بود و رژیم اداری شرکت در دست کسانی
 مانند بیرچارلزگزینوی بود که قصدشان استعمار ایرانیان و نفت آنها بود و همواره سعی می‌نمودند
 به هر وسیله‌ای که ممکن باشد حداکثر استفاده را نموده و حداقل فایده را به ایران بدهند.

علاوه بر مسجد سلیمان عملیات کاوش برای نفت در چند نقطه دیگر ایران شروع شد. در جزیره
 اشم به قطر چاه پرداختند و در پشت کوه لرستان در ناحیه‌ای موسوم به ده‌لران که نزدیک مرز
 عراق است، کاوش و حفاری را آغاز کردند ولی در هیچ یک از این مناطق نتیجه مطلوب حاصل
 نگشتند. کلیه نفتی که در سالهای اول بعد از جنگ استخراج می‌شد از منطقه مسجد سلیمان بود و
 بقادیر آن بشرح زیر است:

سال	تولید نفت (طن)
۱۹۲۱	۱۷۳۳۰۰۰۰
۱۹۲۲	۱۲۳۲۷۰۰۰۰
۱۹۲۳	۱۲۹۵۹۰۰۰۰
۱۹۲۴	۳۷۱۳۰۰۰۰
۱۹۲۵	۴۳۳۳۰۰۰۰

در سال ۱۹۲۱ م. خط لوله جدیدی به قطر ۳۰ سانتیمتر بین مسجد سلیمان و آبادان کشیده شد و ایستگاههای لیمیة بزرگتر و کاملتری بنا گردید.

در سال ۱۹۲۳ م. شرکت، مرکزی برای ترویج کارگران و آموختن فنون مختلف به آنها ایجاد کرده بود و این کار را بعد از سال ۱۹۲۹ م. توسعه داد. در قسمت بهداری، بیمارستان مسجد سلیمان به وسیله اضافاتی که به آن شده بود مجهزتر شده و جرمانگاههای متعددی ایجاد شد که بهداشت عموم کارکنان شرکت را تأمین نماید.

در آن زمان که هنوز جاده مسجد سلیمان - اهواز ساخته نشده بود، شرکت نفت در سال ۱۹۲۳ م. خط آهن کوچکی بین درخزین و مسجد سلیمان تأسیس نمود و با آغاز به کار آن، قسمتهای جدیدی به محوطه اصلی اضافه شدند و هدیه دیگری ایرانی به استخدام شرکت درآمدند و به جمعیت شهر افزوده شد. شرکت پس از آنکه معمولات را با کشتی از آبادان تا درخزین می آورد، خط آهن مزبور آن وسایل را از درخزین به مسجد سلیمان حمل می کرد این خط آهن از مسجد سلیمان تا درخزین به طول ۷۴ کیلومتر امتداد داشت. علاوه بر آن در این خط دو دستگاه واگن مجهز جهت ایاب و ذهاب کارکنان و خانوادههای آنان نیز وجود داشت. در درخزین کالا پس از تخلیه به دوبهها منتقل و مسافران پس از پیاده شدن نیز به وسیله کشتی شرکت نفت به اهواز حرکت می نمودند. هم اکنون در محوطه چشمه علی محلی وجود دارد که ایستگاه مبدأ بود و هنوز بنام «زبل وی» نامیده می شود. ایستگاههای دیگر آن عبارت بودند از مالکرم، تسی، بتوند، آهنگ و نهایتاً درخزین. بعداً که جاده مسجد سلیمان به اهواز ساخته و آسفالت گردید و حمل و نقل شرکت بوسیله کامیونها انجام گرفت، تأسیسات راه آهن و کشتی رانی مزبور بین اهواز - درخزین و مسجد سلیمان در سال ۱۳۲۶ ه. ش. خورشیدی برچیده شد. در سال ۱۹۲۴ م. برای همه کارکنان خارجی در مسجد سلیمان خانه و مسکن ساخته شد ولی فقط برای تعدادی از کارکنان ایرانی در مسجد سلیمان خانههایی برپا گشت و قسمت اعظم کارمندان و کارگران ایرانی در آن گرمای شدید خوزستان از وسایل اولیه زندگی محروم بودند.

پس از جنگ کاوش برای کشف معادن جدید در حوزه امتیاز به مستمراً ادامه داشت. در نقاطی مانند زیلایی، پیرگاه، گندک (در حوالی نفت سفید)، گنج خلیج، چاههایی حفر شد و به نتیجه نرسید. ادارات مرکزی شرکت نفت در مسجد سلیمان مستقر بودند و کارشناسان اکتشاف و حفاری

۱- در آن زمان معدن شن و ماسه شرکت نفت مسجد سلیمان در بتوند و تسی واقع بود و قطار از این دو محل برای کارهای ساختمانی بارگیری می شد و واگنهای مخصوص این مصالح را دارا بود.

از این منطقه به سایر نواحی فرستاده می‌شدند.

همسران کارمندان شرکت نفت، سالها در ایران زندگی کرده بودند اما اولین زن انگلیسی در خاورمیانه اوایل سال ۱۹۱۰ م. در مسجد سلیمان اقامت کرده بود. البته در آن زمان، این سرزمین زیر سلطه و نفوذ بریتانیا قرار داشت و تداوم حکومت استعماری سبب شده بود که مردم محلی به حضور زنان اروپایی خو بگیرند. کارمندان شرکت از ملیت‌های مختلف بودند: حفاران لهستانی، انگلیسی، آمریکایی، کارمندان مسلمان و هندو، مکانیک‌ها سیک و تعداد زیادی ایرانی. در گذشته، وقتی کارمندان هندی شرکت احتصاب می‌کردند فوراً آنها را به اتفاق خانواده‌شان با اولین کشتی به هند برمی‌گرداندند.

انگلیسی‌ها در ابتداء کارگران ماهر و کارمندان فنی را از هند، استادکارهایی مثل نجاران، بنا، رنگ‌آمیز، را از اصفهان به مسجد سلیمان می‌آوردند. آنها از سنی‌ها را بر مسلمانان برتری می‌دادند.

رضاشاه در دیماه ۱۳۰۳ م. خورشیدی برای سیاحت و سرکشی معادن نفت به مسجد سلیمان آمد و عملیات این صنعت را با نهایت دقت مطالعه فرموده و مورد توجه خاص قرار داد. از آن زمان به بعد نیز علاقه تامی نسبت به پیشرفت و توسعه صنعت نفت مبذول نمود. این اقدام، تشویق شاهانه‌ای برای عموم اشخاصی بود که در توسعه و پیشرفت منابع نفت ایران دخالت داشتند و از آن وقت به بعد عده زیادی از رجال عالی مقام ایران هم دعوت شرکت را اجابت نمودند و به فواصل مختلف برای سیاحت صنعت مزبور به مسجد سلیمان آمده، شخصاً ترقیات زیاد و پیشرفتهای بی‌شمار صنعت نفت را دیده و نتیجه آن را که موجب آبادانی و عمران مسجد سلیمان شده و شرکت در آن مشغول کار و فعالیت بود را به رأی‌العین مشاهده کردند.

رضاشاه در سفرنامه خود راجع به خط لوله نفت و چاههای مسجد سلیمان چنین می‌نویسد:
 «این لوله‌های قطور را که از کوهستان مسجد سلیمان تا آبادان در کنار خلیج فارس کشیده شده است یکی از شاهکارهای تمدن باید محسوب داشت. در واقع این لوله‌ها که به امتداد سطح کاروان سیر می‌کند و همیشه نفت در آن جاری است، یک رودخانه کوچک و مفیدی است که با کاروان رقابت و مسابقه دارد. نفت این سرزمین به قدری زیاد و خوب است که نظیری برایش معلوم نیست. بعد از نیشابای معدن، کثرت نفت ثابت می‌گردد. اغلب چاهها را مهر کرده، علامت زده و بسته بودند زیرا که پس از فراهم آوردن مقدمات استخراج، معلوم کرده‌اند که میزان نفت به قدری است که صدور آن امکان‌پذیر نیست، و مجبور خواهند بود بالاخره آتش بزنند، پس مبدود بودن را بهتر دیده‌اند. کمپانی تاکنون موفق به حفر ۴۳ حلقه چاه گردیده و یقین به وجود نفت آن نموده است،

اما کلیه عایدات امروزه، فقط از سه چاه است و نفت همین سه چاه هم به قدری زیاد است که مجبور شده‌اند از قسمتی استفاده ننمایند. رئیس کمپانی گفت: «تا به حال از یک چاه معروف به «اف هفت» شش میلیون تن (تقریباً بیست میلیون خروار)، استفاده کرده‌ایم و هنوز هم نقصانی در آن دیده نمی‌شود» در ثلث فرسخ دورتر، چاه دیگری هست موسوم به «ب هفده» که روزی ۵۶۷۰۰ خروار آن استخراج می‌شود. این قبیل چاهها بسیار است که در نقاط دور و مختلف واقع‌اند و مخصوصاً آنها را بسته‌اند، زیرا که لوله کافی، کارخانه تصفیه و کشتی نفت کش برای حمل موجود نیست. هر جا را حفر می‌کنند، همین‌طور به چاههای پر نفت عصادف می‌شوند.

اگر تمام چاهها را باز کرده به کار بیندازند، میزان محصولات در سال به ده میلیون تن (تقریباً ۳۵ میلیون خروار) خواهد رسید و این، با وسایل موجوده، دور از عقل و اسباب اتلاف و به هم خوردن بازارهای نفت دنیا خواهد شد. بنابراین به همین میزان قناعت کرده و بتدریج پیشرفت می‌دهند. میدان نفتون به تصویب دولت ایران، دو سال پیش از مناسرت رضاشاه به این ناحیه در سال ۱۹۲۶ م. (۱۳۰۵) به مسجد سلیمان تغییر نام یافت و این اسم بعلت وجود یک آتشکده قدیمی در این منطقه، مناسبترین نام برای میدان نفتون بود.

در سال ۱۹۱۹ م. از معدن اصلی میدان نفتون یک میلیون تن نفت استخراج گردید لکن در سال ۱۹۲۶ م. این مقدار به چهار میلیون و نیم تن افزایش یافت.

در سال ۱۹۲۶ م. دو دستگاه جذب گاز در ناحیه بین بی‌بان آماده کار شدند که وظایف آنها بعداً تشریح خواهد شد.

از جمله حوادثی که بین دو جنگ بین‌الملل در مناطق نفتخیز اتفاق افتاد، میل سال ۱۹۲۴ م. بود. با ظاهر شدن ابرهای سیاه در آسمان ناگهان منطقه «دره بحر سون» مسجد سلیمان به زیر آب ناشی از سیل باران رفت. سیل با وسعت ۹۰۰ متر و ارتفاع ۹۰ متر در جریان بود. تمام دستگاههای بهره‌برداری و خطوط انتقال نفت به زیر آب رفتند. آب در خطوط تلفن، پمپها و منازل کارمندان نفوذ کرد. در این زمان هجوم ملخها نیز در آسمان آغاز شد و آسمان ناگهان سیاه گردید. جاده‌ها و دیوارهای خانه‌ها پوشیده از ملخ گردید هر چه گیاه و سبزی و گندم بود ظرف چند ساعت طعمه ملخها شدند.

با وجود مشکلات، زندگی در سالهای بین دو جنگ بین‌المللی برای کارکنان اروپایی شرکت به زوال حادی درآمده بود. شمار آنها این بود: «خوب بخور، خوب بخواب و هرگز عصبانی مشو، زندگی به شکلی است که می‌توان آن را بسازی». البته بعضی از مواقع سال که درجه حرارت به ۶۰ درجه سانتیگراد در روز می‌رسید عمل کردن به این شعار قدری مشکل بود. سالهای بین دو جنگ

برای کارکنان خارجی بعنوان سالهای سخت و فراوانی کار محسوب می‌شید. از یکجهت جهت که سختی کار حفاری همواره وجود داشت و بر کسی پوشیده نیست و نبود. اما تهيلاات رفاهی زیادی نیز برای کارکنان خارجی ایجاد شده بود.

آمدن ژنرال سرپرستی سایکس، قنصل انگلیس و فرمانده پلیس جنوب ایران به مسجد سلیمان :

از ایلخانی به اسکندرخان عکاشه و آمهدیقلی اشرف‌زاده (کلاترکل طایفه نصیر) دستور داده شد که: ژنرال سرپرستی سایکس انگلیسی از ناصریه خیال دارند برای ملاقات بیایند. از طوایف اعراب خوف جانی داشته، شما با یکصد سوار به همراه دکتر ویانگه بروید و آقای سایکس را از بند عقیلی به مسجد سلیمان بیاورید. شب را اقامت کنید؛ صبح که وارد شد، او را سالمأ و صحیحأ در درخزیه به اردو برسانید. باید در محافظت او خیلی سعی باشید که آسیب جانی به او وارد نشود.

حسب الامر صبح زود با یکصد سوار جرّار حرکت نموده، اوایل تابستان بود. هوا بشدت گرم گشته و اذیت می‌کرد. وارد بند عقیلی شدیم. شب را استراحت کرده، صبح تا آن طرف چمر یا ائومبیل آمد. از چمر به این طرف در کالنگه نشست. ما هم به تاخت همراه رفته تا عصر رسیدیم در درخزیه. وارد اردو شدیم. ملاقات کردند سپس مراجعت کردند و اردو برای بیلاقی حرکت نمود.

تصیبه‌های از استاد محمد تقی بهار (ملک الشعراء) و اجماع به مسجد سلیمان

در سال ۱۳۰۶ شمسی از طرف کمیته نفت ایران و انگلیس دعوی از وزراء و نمایندگان مجلس شورای ملی برای باز دید مؤسسات نفت (عبادان) و مسجد سلیمان بعمل آمد و رضاشاه نیز متعزین را به رفتن و دیدن مؤسسات علمی و صنعتی مذکور رخصت و تشویق فرمود و تادروان ملکه الشعراء بهار نیز در زمره مدعوین بدان سفر رفته و این تصیبه را در شرح مشهورات خویش گفته است.

مسجد سلیمان

معدنی بر کوهسار از سنگ بنیان کرده‌اند
 ز سرش انبازی برای آب باران کرده‌اند
 از پی آمد شد خالصان مگر آن کرده‌اند
 زین سبب پیداست کانرا بهر بزدان کرده‌اند
 آن بنای هایل منگین به سامان کرده‌اند
 کنرها مشربتنه با گردون گردان کرده‌اند
 خسروان آن را به عهد آن ماسان کرده‌اند
 در چنین احجار نقش و خط نمایان کرده‌اند
 گویا آن را زلازل سخت ویران کرده‌اند
 کاندرا آن مسکن فقیری چند عریان کرده‌اند
 نیز مسجد را لقب (مسجد سلیمان) کرده‌اند
 کاندرا آن وادی زگل گنتی چراغان کرده‌اند
 یاقم کانرا ز روی صدق، عنوان کرده‌اند
 وندرا آن تصویرها از لعل و مرجان کرده‌اند
 کش مرصع یکسر از گل‌های الوان کرده‌اند
 دشت را گنتی به برگ لاله پنهان کرده‌اند
 گنتی اندام مرا زان سنگ بی‌جان کرده‌اند
 ز آنچه اینان می‌کنند و ز آنچه آنان کرده‌اند

حق پرستان سلف، کناری نمایان کرده‌اند
 نیست پله بر نهاده پیش اینوانی ز سنگ
 پله‌ای دیگر نهادند از سوی دیگر
 اندر آن بی‌آب وادی جای گشت و زیست نیست
 هشت تنه فرسنگ دور از شوشتر بر سوی شری
 هست پندار کنان لرزاننده از خوار عظیم
 یا زانگانی است آن ویرانه مزکت یا نگر
 نیست آن کار کیان زیرا که در عهد کیان
 طاق‌ها افتاده و دیوارها گردیده پست
 چشمه آبی است خرد، اندر تشیب آن دره
 نام آن چشمه نهادند پس (چشمه علی)
 یک هزار و سیصد و شش بود و آغاز ربیع
 خوانده بودم در کتب، وصف بهار شوشتر
 راست گنتی گسترده مرضی از دینبای سبز
 مسیزوادی‌ها گرفته گرد هلدونی فراخ
 کوه را گنتی زلرش سبزه مطرف بسته‌اند
 از بر معبد نهمم بر سر سنگی خموش
 یک نظر کردم به ماضی یک نظر کردم به حال

مزدیسنا را بدیدم، از فراز قراها
 در زمان الکندر بابل و یونان و مصر
 هفتاد و نه سال پیش دو هم با دولتی مانند روم
 و زس چندی دیگر ساسانیان این ملک را
 وین زمان با مفسدان شایع زانیج آن خسروان
 گویی این پیمالی از خورشید و گرمیهای اوست
 اندک اندک مهر پنهان گشت گشتی کاختران
 سر بزرگندم و تا که دو چشم خیره شد
 هفت فرسنگ اندر آن کهسار هایل ناگهان
 از فروغ بسرفها در عیاشها و راهها
 یادم آمد کاندلر این آباد ویران مریرا
 شرکت نفت بریتانی و ایران است این
 آب را با آتش از کارون به بالا برده اند
 تا نگویی معجز است این یا کرامت یا که سحر
 سنگ را با مس علم و هنر، سنجیده نرم
 هفت پستانها ز مهر، اندر دهان طفل خاک
 سالیها این راز پنهان نبود در قلب زمین
 عقده هایی بود مشکل در دل خاراه گره
 این شگفتی بین که از هم خوابه قیر سیاه
 نار اگر شد گلستان بر پور آرد دور نیست
 حلقه های چاهشان خوانده زدل راز زمین
 لوله های چاهساران، ره به مرکز برده اند
 تا نجوشد نفت و هرزین سوی و آنسو نگذرد
 دیگرهای آهنین، بر هیئت دیو سیاه

کز شهامت ملک ایران را گلستان کرده اند
 سلطنت بر بابل و مصر و یونان کرده اند
 بردلان یارت همدوشی به میدان کرده اند
 چون بهشت از عدل و داد و علم و عرفان کرده اند
 در مستخر و بیستون و طاق پستان کرده اند
 ای بسا مهرا که محض بقض و عدوان کرده اند
 مخفی از شرم منش در زیر دامن کرده اند
 خاک را گشتی ز اخترها درخشان کرده اند
 روز شد گشتی مگر شب را به زندان کرده اند
 اختر شبگرد را سر در بیان کرده اند
 انگلیسان با رفیقی چند، مهمان کرده اند
 کز هنرمندی جهان را مات و حیران کرده اند
 نفت را با لوله سرگرد بیابان کرده اند
 با فشار علم، هم این کرده هم آن کرده اند
 نفت را از قعر چه زی اوج، پیران کرده اند
 تا دهانش را بسان غنچه خندان کرده اند
 آشکار آن راز را اینک به دوران کرده اند
 آن گره بگشوده و آن مشکل آسان کرده اند
 چون مجزا نفت و بهترین فروزان کرده اند
 بین که خارستان نفتون را گلستان کرده اند
 برج های قصرشان با حلق پیمان کرده اند
 میله های کلرگامان قصد کیوان کرده اند
 لوله های تعبیه بر چاهساران کرده اند
 لوله های همچنان بر شکل ثعبان کرده اند

۱- مزدیسنا یعنی خداپرستان و این لقب زرتشتیان بوده است و مرکب است از مزدا به معنی خداوین به فتح اول به معنی پرستی و الف و تون جمع و به عقیده محققان یسن بعدها در عهد اسلام به جشن به معنی عید میل شده است.

سوی آبادان رود کاینگونه فرمان کرده‌اند
 که نفوذش چرخها را جمله گرهان کرده‌اند
 علمی روشن به نور علم و عرفان کرده‌اند
 این زمان شهرش پرفهر و خجایان کرده‌اند
 که دوباره کوه آهن پتکه و سندان کرده‌اند
 بر یکی آهن که بهر کندن کان کرده‌اند
 که لیب و شعله، دوزخ را هراسان کرده‌اند
 که پی تعظیم بزدان، مزدستان کرده‌اند
 چند سارستان بسطرز انگلستان کرده‌اند
 سالها خلق آرزویش را به تهران کرده‌اند
 هست کیمیا و گران و ایقان دگرمان کرده‌اند
 در برابر علم را المزون و نوزان کرده‌اند
 حرمت از اینکه یک صابی مسلمان کرده‌اند

نقشها در دیگها شبانه وز لوله‌ها
 دستگه برقی (تسمی) چرخ گره‌است راست
 تا به آبادان زلفتون در چهل فرسنگ راه
 فرقه ویران (عبادان) که بد ضرب‌المثل
 دکه آهنگرستان، دهشت السزاید از آن
 پتکه خود بلا رود چون کوه و عود آید فرود
 همچو دو دوزخ، دو تیران مشعل دیدم ز دور
 گشتی این هست آذر برزین و آن آذر گتسب
 بهر مسجروحان و بیماران و گریه‌خوردگان
 نظمانی که در آن غصه دیدم، ای عجب
 وقت، در ایران فراوانست و آردان، لیک علم
 وقت را بسیار کیمیا و گران کرده‌اند، لیک
 انگلیسان اندرین گوارند و اهل نامری

و زمن خواهی بزنج ای مدعی خواهی مزنج

این هنرمندان به عصر خوش احسان کرده‌اند

وضعیت مسجد سلیمان از آغاز تا سال «۱۳۰۸» شمسی برابر با «۱۹۲۹» میلادی، خوب است که در ابتدا شرح مختصری از منطقه تحت پوشش عملیات شرکت نفت ایران و انگلیس در کشور ایران داده شود.

مسجد سلیمان یا خرابه‌های معبد قدیم، مرکز معادن نفت گرانبها شده و در دامنه کوهها و وسط دره‌ها منجیقهای چاه نفت سربرافراشته و به اطراف نگاه می‌کنند. ادارات بزرگی که بر طبق جدیدترین اصول بنا شده، مبدا عمارت، مبدا خانه برای کارکنان، کلوبهای متعدد، مریضخانهٔ جامعی که دارای تمام وسایل مدرن طبی و جراحی بوده و با بهترین و جدیدترین طرز معماری اروپایی بنا گردیده است، کارخانه‌های بزرگ، انبارهای عظیم و مخازن سترگ نفت و آب، امروزه سطح این نضا را پر کرده است.

معادن نفت مذکور بین دره‌های مطول و باریک مختلف‌الشکلی واقع شده که آنها هم بنوبه خود در میان چند رشته تپه‌های پستی قرار گرفته‌اند که پله‌پله بالا رفته و بتدریج بلندتر شده و جبال عظیم جنوب ایران را تشکیل می‌دهد. در فصل بهار که مدتش کم و زیباترین بسیار است، دره‌های مذکور پر از گل و سبزه است، ولی بقیه سال سطح آن خشک و هیچگونه خضر ندارد. فقط منظرهٔ قابل ملاحظه آن رنگ آمیزی غریبی است که در تپه‌های مجاور هویدا و هرگونه رنگی از سفیدی گچ گرفته تا پررنگترین و لشنگترین رنگهای موجوده، در آنها نمایان است. طول این دره‌ها تقریباً هشت فرسخ و هر قسمتی از آن اسم مخصوصی دارد، مانند زیلایی که در یک گوشه و چوب سرخ که در گوشه دیگر آن واقع است، لکن نواحی مرکزی و قسمت عمدهٔ مولده آن، موسوم به میدان نفتون است. بر حسب تصمیم دولت ایران، شرکت اخیراً نام «مسجد سلیمان» را برای تمام این ناحیه رسماً انتخاب کرده و چون این اسم، تاریخ باستانی این ناحیه را با ترقیات صنعتی جدید آن مرتبط می‌سازد، قابل تقدیر است.

زیر سطح ناحیهٔ مذکور قشری از سنگ آهک متخلخل به شکل کمر بند عرضی قرار گرفته، که دست طبیعت آن را در طی قرون متمادی آرایش و پیرایش داده و به هزار صورت درآورده است. در گوشه جنوب غربی این معدن، این قشر از سطح زمین بیرون جسته و کوه بزرگ موسوم به «آسماری» را تشکیل داده است. عالمان به علم معرفت‌الارض نیز تجانس این کوه و لشر تحت‌الارضی را در نظر گرفته و قشر را هم آسماری نامیده‌اند. قشر آسماری منبع طبیعی منابع کثیری نفت معدنی می‌باشد که در طی ادوار قدیمه و تحولات ارضی گذشته دست طبیعت، نفت

مزبور را تحت فشار زیادی ذخیره کرده است. هنوز حدود این معادن نفت کشف نشده و لذا بطور قطع نمی توان کنیت آن را تعیین نمود. چاههای متعدد به فواصل مختلفی که لایق قطع از مرکز دور می شود، برای امتحان حفر شده و تاکنون طول ناحیه که به معرض امتحان درآمده و وجود نفت در آن ثابت شده است بالغ بر چهار فرسخ و حد اعلی عرض آن فریب یک فرسخ و نیم است. معیناً هنوز دسترسی به حدود ناحیه مولده پیدا نشده است. قدر محقق آن است که اگر معدن مذکور از روی میزان استخراج حاضره مقیاس گرفته شود، سالهای بسیار دوام خواهد کرد و هنوز هم یگانه معدنی محسوب می شود که از حیث بارآوری در تاریخ صنعت نفت کشف شده است.

دو سببیه ای که معدن مسجد سلیمان را از سایر معادن نفت معروف دنیا، از قبیل معادن نفت آمریکا، مکزیک و روسیه، تمیز و تشخیص می دهد، یکی مرتب بودن میزان محصول و دیگری فشار زیادگازی است که مدام در آن دیده می شود، و مسلماً این سببها کاملاً به یکدیگر مربوط است. دلیل این قضیه آن است که نفت این معدن در سنگهای متخلخل و مسام دار ذخیره شده و برخلاف غالب معادن دیگر در قشرهای ریگی قرار نگرفته، و علیهذا اقوام و دوام مخزن آن بالنسبه بیشتر می باشد. بعلاوه ظرفیتهای که شرکت در استخراج و توسعه آن بکار می برد در این امر ذیدخل است. پراهمیت ترین منطقه نفتی، میدان معروف نفتون است که دامنه آن تا نواحی شمالی مسجد سلیمان امتداد دارد. این منطقه (مسجد سلیمان) در ۳۵۰ مایلی شرقی شهر قدیمی شوشتر قرار دارد. در منطقه مسجد سلیمان و در دامنه تپه ها، نفت بوفور یافت می شود. این تپه ها ادامه کوه های سر بلندی کشیده بختیازی هستند که بزرگترین خط حائل بین دشتهای جنوب و جنوب غربی و فلات بزرگ مرکزی ایران هستند. فاصله بین دورترین چاه نفت در مسجد سلیمان در شمال غربی و دورترین آن در جنوب شرقی حدود ۱۷۰ میل است.

در آبادان پالایشگاه عظیمی است که آن را برای پالایش نفت خام منطقه مسجد سلیمان ساخته ایم. همچنین اسکله و بندر مدولی نیز برای بارگیری نفت خام و محصولات پالایش شده ساخته شده است تا این محصولات به مقصدهای مختلفی مثل «اسکون» Skowen، «لاناری» Lanarcy، و جنوب ویلز S. Wales و غیره فرستاده شوند.

دومین منطقه ای که بطور سریع در حال توسعه است هفتگل می باشد که در ۴۰ مایلی جنوب شرقی مسجد سلیمان قرار دارد و عملیات آزمایشی در خیلی از مناطق جنوب ایران در حال انجام است. در حال حاضر تقریباً منطقه عملیاتی فعال شرکت نفت ایران و انگلیس در خاورمیانه است. منطقه مورد قرارداد با دولت ایران عملاً شامل همه ایران است جز چندین استان در شمال و شمال غربی

اطراف دریای خزر و مساحتی است در حدود ۵۰۰۰۰۰۰ میل مربع.

اگر کسی از آبادان قصد بازدید از «مناطق»^۱ را داشته باشد می تواند به وسیله قایق به خط‌العرب و سپس به بالای کارون که بطور ماریج در میان صحرا قرار دارد منفر کند و به درخزینه برسد و یاده شود. این مسافت در حدود ۱۷۰ میل می باشد. در مسیر آبادان به اهواز در ۱۱۴ میلی، کشتیرانی در کارون یا مواع عبوری روزروست و در اینجا شرکت نفت ایران و انگلیس، کارگاهها، انبارها، و تجهیزات کشتیرانی برای بارگیری و تخلیه وسایل مورد نیاز شرکت را دارد. ماشینهای باری، کالاهای تخلیه شده از کشتی را بارگیری می کنند و یا بالعکس کشتیها را بارگیری می نمایند. از درخزینه راه آهنی به «مناطق» وصل شده است که از طریق تنگه رودخانه تنبی عبور می کند، و این بیشتر برای حمل تجهیزات است و همچنین یک خط آهن دیگری برای حمل کارکنان تا میان تپه ها کشیده شده است و تاکنار چاههای نفت امتداد دارد.

راههای مختلف برای رفتن به «مناطق» وجود دارد. صحرای بین آبادان و درخزینه یک جاده طبیعی بسیار خوبی است برای حمل وسایل، گرچه بعد از بارانهای سیل آسا در زمستان غیر قابل عبور است. با استفاده از وسایل نقلیه مسیر ۵ روزه بین آبادان و «مناطق» به ۸ ساعت تقلیل یافته است.

در رودخانه کارون کشتیهای بخار جدید و قایقهای زیادی کار می کنند که هنوز با صرفه ترین وسائل حمل و نقل محسوب می شوند. این شرکت اخیراً اقدام به ایجاد یک خط هوایی نموده و هواپیمایی هم بدین منظور در نظر گرفته است. کارکنان پراحتی می توانند به مناطق عملیاتی شرکت رخت و آمد کنند. امید می رود که در زمان مناسب توسعه پیدا کنند.

کار شرکت نفت ایران و انگلیس، پیدا کردن نفت، تصفیه و توزیع فرآورده های نفتی می باشد.

«اکتشاف نفت»

در بیشتر کشورهایی که نفت پیدا شده است وجود لایه های نفتی قبل از اینکه زمین شناسان بطور عملی آن را ثابت کنند تا حد زیادی مشخص است. نشت گاز یا نفت یا هر دو از دبرباز وسیله ای بود تا از روی آن بوجود نفت پی ببرند. نشت گاز یا نفت به بیرون از زمین ممکن است برای خبرنگاران آن فریته باشد و هیچگاه از روی آن نمی توان مقدار نفت را مشخص کرد. نوع ساختار و خصوصیات لایه های تشکیل دهنده پوسته زمین اغلب برای زمین شناسان با تجربه برای

۱- این اسم برای اختصار به میدان نفتی مسجد سلیمان داده شد، بخاطر اینکه بعدت شصت سال، مرکز کل مناطق نفتخیز بوده است.

پیدا کردن لایه‌های نفتی راهنمای بهتری است.

بنابراین مسئله پیدا کردن نفت بطور اساسی یک مسئله علمی است. نباید به فوران نفت یا گاز از زمین، یا جاری شدن نفت بصورت چشمه اعتماد کرد و نمی‌شود به امید اینها در این حوالی چاه حفر کرد. می‌دانیم که حفر یک چاه بیش از ۲۰۰۰۰ پوند خرج دارد و این کار بدون تحقیقات لازم، مقرون به صرفه نیست. قبل از اینکه چاه آزمایشی در هر نقطه‌ای حفر شود و تصمیمات لازم و منطقی گرفته شود باید تحقیقات علمی گوناگون به عمل بیاید، و نتیجه آنها با هم مقایسه شود.

«زمین‌شناسی»

دفتر مرکزی زمین‌شناسی در مسجد سلیمان واقع و تجهیزات مدرنی شامل وسایل کامل زمین‌شناسی و کارتوگرافی و همچنین یک موزه که نمونه‌های خاک از مناطق مختلف عملیاتی شرکت در آن نگهداری می‌شود وجود دارد. این نمونه‌ها نه تنها برای صنعت نفت بلکه برای دانش زمین‌شناسی حائز اهمیت است. کارکنان مدیریت زمین‌شناسی شامل، زمین‌شناسان علمی، کارتوگرافرها، نقشه‌کشها و چاپ‌کنندگان نقشه می‌باشند، و اخیراً مدرسه‌ای برای آموزش نقشه‌برداران ایرانی به این سازمان اضافه شده است. کار قسمت زمین‌شناسی به دو بخش تقسیم می‌شود، اول کشف و سپس بهره‌برداری. زمین‌شناسانی که مشغول اکتشاف هستند به جاهای دور دست و بیرون از شهر فرستاده می‌شوند و در موقع لزوم، وسایل فنی و تجهیزات کمپ صحرائی را با خود به همراه دارند؛ آنهایی که در قسمت بهره‌برداری کار می‌کنند مشغول پیشبرد، تطبیق، و کار تحقیقات بر روی مناطق مشخص شده نفتی و مناطق تحت آزمایش حفاری هستند. کار زمین‌شناسی و نقشه‌برداری در ایران بسیار پردردسر است. جاهای زیادی است که هنوز اروپایی‌ها آنجا را ندیده و یا شنیده‌اند. در موارد زیاد نقشه‌ها نارسا است. آب و غذا یا نیست یا بزحمت پیدا می‌شود. نه تنها جاده نیست بلکه راه مال‌روهم وجود ندارد و معاشرت با ساکنین محلی دشوار می‌باشد. حمل تجهیزات و تعمیر وسایل ارتباطی در این چنین مناطق دور با مشکلات فراوانی روبرو می‌باشد. اولین کار زمین‌شناسی این است که «منطقه» را از لحاظ نوع و ساختار خاک بررسی کند. در صورتی که نقشه جامعی در دسترس نباشد. یک بررسی سطحی بعمل می‌آید و بعداً بررسیهای دقیقتر در قسمتهای مورد نظر انجام می‌شود. سپس نقشه‌ای به مقیاس وسیعتر که می‌توان گفت ۱:۳۰ تا ۱:۶۰ اینچ در میل است تهیه می‌شود که البته اینهم بسادگی یا پیچیدگی ساختار زمین بستگی دارد. تاکنون شناخت ما محدود به سطح زمین بود. لایه‌های بیرونی اطلاعات زیادی به ما از لایه‌های درونی که در آن حوالی هستند می‌دهند. مثل لایه‌های تحتانی که به بیرون راه پیدا کرده‌اند و یا بطرفی در دید قرار گرفته‌اند. مثل صخره‌ها، تنگه‌ها،

کف رودخانه‌ها که مواد مختلف تشکیل‌دهنده خاک در دید قرار گرفته و مشخص شده است. ضخامت این لایه‌ها، اندازه‌گیری و جهت آنها مشخص می‌شود. با بررسی جهت چین‌خوردگیها است که شناخت در مورد لایه‌های زیرین زمین بدست می‌آید. در مرحله حفاری صحت این اطلاعات تأیید یا تصحیح خواهد شد. این سؤال پیش می‌آید که نفت در سنگ آهک به چه صورتی نگهداری می‌شود آیا بسادگی در تخلخل سنگ آهک نگهداری می‌شود یا اینکه در حفره‌های وسیع سنگها جای می‌گیرد؟

برای ارزیابی تئوری تخلخل در بخش زمین‌شناسی در مناطق نفتخیز مسجدسلیمان، آزمایشاتی به عمل آمده است. نتیجه آزمایشات نشان‌دهنده آنست که نفت خام اصولاً در شکاف سنگها و فاصله بین قلوه‌سنگها و با بصورت چوبیار داخل سنگ آهک وجود دارد و پیوستگی سنگ آهک طوری است که مخزن نفت به هم مربوط است.

ساختار سنگ آهک اصلی ساده‌تر از ساختار لایه‌های تحتانی است. سنگ آهک به شکل طاقدیسهای باریک و طولانی در اندازه‌های بسیار وسیع چین خورده است و تحت فشارهای ناودوسی از یکدیگر جدا شده. مسجد سلیمان بر روی یک طاقدیس بزرگ قرار دارد که قسمت فوقانی آن چین خورده و سه قوس اضافی، تفرق، نفتک و گنگک^۱ را تشکیل داده که هر سه تشکیل‌دهنده یک منطقه بزرگ نفتی هستند.

در این گنبدها گاز از نفت جدا شده و بطور پیوسته به سمت بالا فشار می‌آورد و نفت را به بالای گنبد می‌راند و فشار حاصل از این اجتماع گاز، عامل اصلی در بازیافت نفت از این گنبدها می‌باشد. اگر در کنار آثار تاریخی مسجد سلیمان، آتشکده زرتشتیان به شمال غربی نظر می‌کنیم خطوط فراوان لایه‌های رویازگنبدی شکلی دیده می‌شود که در چین خوردگیهای اخیر سنگهای زیرین بصورت گنبدی شکل درآمده‌اند.

زمین‌شناسی در مسجد سلیمان به دلیل سخت بودن لایه‌های سطحی خاک بسیار مشکل است. لایه‌های این منطقه در دوران چین‌خوردگی، نه فقط بطرز غیر معمول درهم پیچیده شده‌اند بلکه لایه‌های جوانتر را هم در بین خود پرشاندند. لایه‌های نرمی که در بین لایه‌های سخت بودند فشرده شدند و به بیرون آمدند و روی لایه‌های جوان قرار گرفتند. از این جهت است که تشخیص از روی لایه‌های بیرونی قابل اعتماد نیست و این هرچ و مرج است در زمین‌شناسی.

مسیر راه آهن درخیز به «مناطق» از دامنه تپه‌های بی‌شماری گذر می‌کند و از طریق تنگه‌ای که

رودخانه نسبی نیز از آن می‌گذرد و سنگلاخ نیز هست عبور می‌کنند. جنس سنگها عموماً گچ و از مواد نرمی است که از دل زمین بیرون آمده. راه آهن تا میان تپه‌های متعدد و مناطق امتداد دارد. این تپه‌ها بسیار نامنظم و درهم و برهم هستند یعنی می‌توان گفت شبیه دستمال کاغذی است که با دست بچه‌های مجال شده باشد. در بین همین تپه‌های نامنظم و بیشمار است که نفت کشف گردید. اینجا نه لطف مهم‌ترین منطقه نفتخیز جهان است، بلکه خصوصیات ساختاری لایه‌هایش در دنیا بی‌نظیر است.

نفت در عمق ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ پا در لایه سنگ اصلی یافت می‌شود. این لایه به شکل روباز در پشت گرده کوه آسماری که در ۱۷ مایلی مسجد سلیمان است یافت می‌شود. روی لایه سنگ آهک تخت‌دار، سنگ گنبدی شکلی از جنس آیتدریت فرار گرفته است. روی آن لایه‌های دیگری از نمک، آیتدریت، شیل، سنگ ماسه و دکنگلومرا قرار دارد. زمین‌شناسان این مجموعه را اصطلاحاً سازند فارس و بختیاری تحتانی، میانی و فوقانی نامیده‌اند.

«حفر چاه»

قسمت اعظم نفت جهان از منابع زائعه در شن تحصیل می‌شود و نفت در منابع مزبور در وضعی است که بکلی با وضع منابع آهکی میدانهای نفت ایران فرق دارد. بالتجربه در موقع استخراج نخستین منبع آهکی ایران در مسجد سلیمان بین سالهای ۱۹۱۰ م و ۱۹۲۹ م ناچار شدند تکنیک جدیدی برای استحصال نفت تنظیم نمایند. این مسئله در ظرف سالهای بعد از جنگ ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ م بر اساس روشهای علمی بررسی شد و در پرتو تدابیر و مشاهدات مخصوص و همچنین در نتیجه اتخاذ طرز استحصالی که در آن موقع در صنعت نفت جدید بود مشخصات اصلی منابع آهکی معین گردید. بعداً معلوم شد که این مشخصات در تمام وسعت منطقه نفت‌خیز شرق میانه (به استثنای مناطق مکشوفه اخیر کویت و بصره) حکمفرماست. این خصوصیات باعث اتخاذ اصول استحصالی گردید که با اصول معمول جاهای دیگر بکلی فرق دارد و اینکه فقط با درک صحیح این خصوصیات است که منابع مزبور را می‌توان مورد عمل قرار داد، بطوری که حداکثر استفاده از آنها بشود.

استخراج علمی

اشخاصی که استخراج نفت را در سایر نقاط دنیا دیده‌اند و می‌فهمند، پس از دیدن معدن نفت مسجد سلیمان تعجب خواهند کرد که تعداد منجنیقهای چاهها کم و فواصل بین آنها زیاد و به استثنای چند چشمه کوچک آثار دیگری از نفت پدیدار نیست. در هر گوشه و نقطه این معدن، لوله‌های نفت و اتبارهای ذخیره موجود، ولی غشی که ظاهر باشد نیست. استخراج معادن نفت در

جایی که منابع نفت زیاد موجود است عموماً مستلزم آن است که جنگل انبوهی از منجنیق تشکیل یافته، نفت غرض کنان به صدها ذرع فواره زده و به اطراف پراکنده شود. در این صورت همه جا نفت پدیدار و اغلب در انبارهای سرگشوده ریخته و در حقیقت مقدار زیادی از آن تلف می‌شود. لکن در مسجد سلیمان ازدحامی از حیث رقابت در حفر چاه نبوده، نفت به اطراف نریخته و هدر نمی‌رود. در اینجا اغلب حفر چاههای بزرگ به اتمام می‌رسد، بدون آنکه حتی یک پشکه نفت هم از میان برود. دلیل این موفقیت همانا طریقه علمی است که در استخراج اعمال شده و فقط در تقاطعی میسر است که رقابت شدید در حفر چاه و استخراج وجود نداشته باشد. اگرچه علائمی که استخراج مقدار مهم کتونی را نشان دهد ظاهر نیست، ولی اشخاص بصیر و متخصص متوجه این نکته می‌شوند که سالیانه موازی چهارده میلیون و هشتصد و پنجاه هزار خروار نفت از زمین مسجد سلیمان استخراج می‌شود؛ از این نقطه نظر، تماشا و سیاحت معدن مزبور جالب است. از نقطه نظر صرفه جویی و اقتصاد معادن نفت، نمونه برجسته‌ای بشمار می‌آید. خوبی کار و حسن عملی که در استخراج معدن نفت مسجد سلیمان مشاهده می‌شود، نتیجه آن است که تنها یک شرکت به استخراج آن پرداخته و آن هم از یکطرف دارای تشکیلات فوق العاده جامعی می‌باشد که با نهایت دقت برای این مقصود تهیه کرده و از طرف دیگر همه گونه موجبات تشویق در اعمال طریقه علمی برای آن موجود و رقابت بی‌مورد هم که موجب تضییع محصول است مفقود می‌باشد. بدین سبب صنعت نفت دارای موقعیت بی نظیر و سعادت‌مندی بوده و منابع معدنی مزبور سرمایه بزرگی برای ترقیات اقتصادی مملکت خواهد شد. از نقطه نظر معرفت الارضی و طبیعی تصاویر معدن نفت مسجد سلیمان که در این کتاب دیده می‌شود، حاکی از وضعیات جالب توجه این ناحیه بوده و مشر بر عظمت مؤسساتی است که در اینجا ایجاد و برقرار کرده است. ناحیه‌ای که در حال حاضر تحت استخراج می‌باشد فریب به سیزده فرسخ مربع است. تعداد چاههایی که تا سال ۱۳۰۸ شمسی حفر و به نفت رسیده بالغ بر ۲۰۰۰ حلقه چاه می‌باشد و فریب پنجاه چاه دیگر نیز در حالت حفر است. مجموع عمق چاههایی که تا بحال حفر شده بالغ بر یکصد و پنجاه هزار ذرع است.

معروفترین چاه معدن نفت مسجد سلیمان موسوم به «الف» است که کثرت میزان محصولش سبب شهرت آن بین عموم اشخاصی شده که در دنیا با نفت سروکار دارند؛ مثل مشر و آ. بی. بی. تمسن، انگلیسی که از دانشمندان متخصصی نفت است و درباره این چاه گفت: «در خاورمیانه چاهی هست که هفت سال، روزی هفت هزار و هفت سال دیگر هم روزی ۱۴۰۰۰ چلیک نفت دورد و بالاخره پیش از اینکه خشک شود درب آن را مسدود ساختند»

این چاه معروفترین چاه نفت در دنیاست و امروزه هم در مسجد سلیمان می‌توان آن را از نزدیک دید و مشهور است که انگلیسی‌ها در موقع برخورد با آن، کلاه خود را به عنوان احترام برمی‌دارند. چاههای دیگری نیز وجود دارد که میزان محصول آنها از ۷۰۰۰ تا ۱۷۰۰۰ لیتر است، ولی تاکنون مجموع محصول مستخرجه هیچکدام به پایه محصول ۷۰۰۰۰ لیتر که قریب به بیست و سه میلیون خروار بود نرسیده است. چاه مذکور در آبانماه ۱۳۲۹ شمسی به نفت رسید و سر آن را در اشدت ماه ۱۳۰۳ ش. با وجودی که میزان محصولش کمافی‌السابق جریان داشت، هستند. دلیل این اقدام نیز این بود که لوازم سر چاه مزبور قدیمی و اگر بستن شیر چاه و جلوگیری از جریان نفت آن لازم می‌شد، قادر به مقاومت در مقابل فشار نفت نبوده لذا برای رفع حوادث و جلوگیری از خطر، تصمیم فوق‌الذکر اتخاذ و به مرحله اجرا گذاشته شد. موفقیت در انجام این امر صعب، بدون حدوث هیچگونه والله و اتفالی باعث غلبه علم و شعر بر مهارت مهندسین متخصص در این فن می‌باشد.

چاههای سرشار دیگری که در معدن مسجد سلیمان است و بعضی از آنها میزان محصولشان هم از چاه ۷۰۰۰ لیتر بیشتر است عبارتند از چاه موسوم به ۱۱۸۸/B که محصول روزانه‌اش بالغ بر شش هزار خروار و چاههایی موسوم به ۱۱۷/ن، ۱۱۹/ن، ۱۱۸/ن، ۱۱۷/ب که محصول روزانه هر کدام بالغ بر پنج هزار و پانصد خروار است. بعلاوه هدهد دیگری هم هست که روزانه بین چهار هزار و پنج هزار خروار نفت می‌دهد. در حال حاضر ۱۰۰ حلقه چاه بوسیله مخازنی که حکم مجری را دارد به خطوط لوله اصلی اتصال داده شده و پنجاه و پنج چاه دیگر هم به نفت رسیده و در صورت ضرورت به سهولت می‌توان آنها را به لوله‌های مزبور وصل کرد. اضافه بر آنچه ذکر شد چاههای متعددی دیگر نیز حفر شده و به سنگی که روی قشر نفتی می‌باشد رسیده است؛ بطوریکه در موقع احتیاج حفر آنها را هم می‌توان به اتمام رسانید. حفاری در این معدن بیشتر بوسیله متدهای عظیم فولادی است که بالا و پایین رفته و زمین را بوسیله کوبش حفر می‌کنند. این طریق را حفاری کوبنده سیستم ضربه‌ای می‌گویند و قریب شصت دستگاه آن مشغول کار است. اگر چه حفاری دوار، یعنی طریق حفری که مته یا اسکند متصل دور می‌زند، در پاره‌ای از نقاط دنیا قابل استفاده گردیده، لکن در مسجد سلیمان بواسطه آنکه طبقات مختلفه زمین بطور خاصی قرار گرفته است چندان مفید واقع نشده و لهذا پنج دستگاه بکار انداخته شده است؛ ضمناً برای امتحان معرفت الارضی، چاهی نیز به عمق دو هزار ذرع بدین طریق حفر می‌شود که از نتایج حاصله آن استفاده نمایند. بهر حال امروزه روش جدید حفاری دورانی جایگزین سیستم قدیمی ضربه‌ای شده. این کشف به همان اندازه که استفاده از مته در دقتانهرشکنی تحول ایجاد کرده بود، در

صنعت حفاری نیز مؤثر بود.

این که حفاری را از کجا شروع کنیم، بطور اساسی یک مسئله علمی است، این مسئله باید بر اساس دانش و متدهای امروزی حل شود. فرض کنیم حالا یک نقطه‌ای برای شروع کار حفاری انتخاب شده است. مسئله حفاری عموماً یک مسئله مهندسی است و مهندسی خاص حفاری چاه نفت است و مدت مدیدی است که توسعه پیدا کرده و پیشرفتهای فراوانی کسب کرده است. عملیات حفاری که توسط شرکت نفت ایران و انگلیس صورت می‌گیرد طبعاً استاندارد است.

این مطلب روشن شده است که حفر چاههای کم عمق در مسجد سلیمان به روش ضربهای و حفر چاههای عمیقتر با مته به صرفه‌تر است، که از دو روش حفاری استفاده می‌شود، یکی ضربهای و دیگری مته (چرخشی). در روش اول یک جسم لوله‌مانند که لبه‌های تیز دارد و از جنس فولاد است به سه کابل فلزی بسته شده است که بوسیله ماشین آلات به بالا کشیده می‌شود و سپس وها می‌شود و با ضربهای سنگین به لایه‌های زمین برخورد می‌کند. کم کم زمین را کسند و لایه‌های برگردانی دارد که مواد کسند شده را با خود به بالا می‌آورد. در روش حفاری بوسیله مته، لوله‌ای استیلی بوسیله دستگاه می‌چرخد و انتهای مخصوص، نوک آن وصل شده که زمین را متورخ می‌کند و برتری مهم این روش، به سرعت آن است. حفاری در این روش حدود ۳۵۰ پا در شرایط معمولی است. برتری دیگری که این روش دارد، این است که اگر گاز یا نفت با فشار زیادی به بیرون فوران کرد براحتی کنترل می‌شود. این روش در تمام دنیا قابلیت بکارگیری بیشتری را در شرایط مختلف دارد.

لبت نمونه‌های حفاری

گزارشات روزانه پیشرفت هر چاه، مقدار حفاری روزانه و عمق آن، لایه‌هایی که مته حفاری رسیده و موارد مهم دیگر که بوسیله حفار گزارش می‌شود. کپی‌هایی از این گزارشات بدست زمین‌شناسان می‌رسد تا مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این در هر پنج پا نمونه خاک که به قسمت زمین‌شناسی ارسال می‌شود تا مورد آزمایش قرار گیرد. گِل ارسالی به آزمایشگاه شسته، خشک، و بوسیله چشم و میکروسکوپ آزمایش می‌شود. گاهی هم تشخیص به کمک تجزیه شیمیایی انجام می‌شود.

در ضمن تمام نمونه‌های خاک که از حفاری بدست آمده بدقت نگهداری می‌شود و برای کمک به دانش زمین‌شناسی بکار گرفته می‌شود.

پیش از (۲۰۰) حلقه چاه در منطقه مسجد سلیمان حفر شده است و هرچ و مرج در زمین‌شناسی، که قبلاً بدان اشاره شده است، بطوری که زمین‌شناسان می‌گویند «حل شده است».

در مدیریت زمین‌شناسی در مسجد سلیمان و همچنین در دفاتر لندن، شرکت نفت ایران و انگلیس، نه فقط نقشه‌هایی با مقیاس وسیع، بلکه نمونه‌های جامدی ساخته است تا مقدار ضخامت لایه‌های آهکی نفت‌دار و موقعیت هر چاه را نشان بدهد.

باید بدانیم همچنان که چاه حفاری می‌شود، بدنه چاه بوسیله لوله‌ای فولادی پوشانده می‌شود. موقعی که متعاً به نزدیکی لایه سنگ آهک اصلی رسیده، جایی که انتظار می‌رود که نفت باشد، دقت کافی باید بعمل آید تا نفوذ به بالا فوران نکند و خطری برای حفاری و دکل حفاری نداشته باشد. جاهایی که به روش چکش (ضربه‌ای) حفر می‌شوند، شیری در قسمت بالای لوله‌ای در سر چاه نصب شده که از فاصله دور بوسیله دست باز و بسته می‌شود. در صورت فوران نفت یا گاز از چاه بوسیله این شیر جلوی خطرات آتش‌سوزی را می‌گیرند. در کنار جاهای نفت‌تابلوهای اعلان خطر در همه جا نصب شده است و بر روی آنها نوشته است «سیگار کشیدن ممنوع، حفاری در سنگ آهک اصلی». بوسیله همین اعلان خطر است که چاه با تولید روزانه ۱۶۰۰۰ تن نفت، بدون هیچ خطری کار می‌کند و بخوبی پیش می‌رود. برای کسی که اولین بار به تماشای مسجد سلیمان می‌آید بسیار جالب است که همه جا را تمیز می‌بیند. بجز بعضی از جاهایی که نفت خود بصورت چشمه جاری و از زمین به بیرون می‌آید. اگر جاهای نفت مسجد سلیمان را یا مناطق نفتخیز رومیه مقایسه کنیم، اینجا بسیار تمیزتر است و این نتیجه تلاش شرکت ایران و انگلیس است که توجه خاصی به این کار دارد.

حال فرض می‌کنیم که چاه نفت حفر شده و به نفت رسیده است و نفت تحت کنترل کامل در لوله جریان دارد، به طرف مخازن، جایی که نفت باید ذخیره شود هدایت می‌شود. اتصالات سرچاهی شامل شیرهای جهت تنظیم یا متوقف کردن جریان، و درجه فشارسنج جهت اندازه‌گیری دقیق فشار وجود دارد. وقتی که نفت به سطح زمین آورده می‌شود از طریق خط لوله به سوی پالایشگاه هدایت می‌شود. قبل از اینکه به مرحله تصفیه برسد چندین مرحله را باید بگذراند.

کار

در نفت خام مقدار زیادی گاز وجود دارد و مشکل ما این است که با این گاز چه باید کرد. در اوایل کار شرکت بخوبی نیازهای اقتصادی را تشخیص می‌داد، لذا به محض اینکه نفت را استخراج و سپس تصفیه می‌کرد محصولاتش را برای فروش به بازارهای جهانی عرضه می‌نمود. در روزهای نخست می‌بایست هرچه سریعتر کارها به پیش رود زیرا وقت مناسب برای اندیشیدن به تولیدات باصرفه‌تر و یا بهتر نبود و همه انرژی بر روی تولید نفت متمرکز شده بود.

گاز به جاهای مناسبی بر روی تپه‌ها هدایت می‌شد و بطور ممتد سوزانده می‌شد و شعله‌های آن تا

ارتفاع ۱۰۰ پا می‌رسید. عکسهایی که در روزهای نخست از میدان نفتون گرفته شده، یکی از جالب‌ترین و عجیب‌ترین منظره‌هایی است که تاکنون بشریت صنعتی به آن دست یافته است. یکی از کارکنان انگلیسی صنعت نفت وقتی که شعله‌های آتش میدان نفتون را دید، گفت: شباهت بسیاری به «جهنم دافته» دارد و هنوز این شعله‌های تابناک آتش، در مسجد سلیمان روشن است. در ابتدا نیاز مبرم به محصولات پالایش شده بود و کار با موفقیت پیش می‌رفت و توجه مستقیماً بر روی توسعه مراحل مختلف عملیات معطوف بود و مشکل گاز یکی از پیچیده‌ترین کارها بود که با آن روبرو بودیم و شاید سالها همچنان باقی بماند. نفت خامی که در عمق زمین است، شامل مقدار زیادی گاز حل شده است که از سمت بالا تحت فشار فرار دارد.

وقتی شیر سر چاه نفت باز می‌شود و نفت درون لوله جریان پیدا می‌کند چون فشار کمتر می‌شود این گازها بصورت حباب درون لوله و همراه نفت به بیرون می‌آید.

کم کردن فشار قوی نفت تا به فشاری برابر «جَوَه» دو مرحله را طی می‌نماید. نفت با فشار ۱۵۰ پوند بر اینچ مربع در سر چاه به «فشار شکن» که شامل لوله‌ای استیلی به قطر ۷/۵ پا است وارد می‌شود. در این لوله فشار به ۳۰/۴۰۱ پوند بر اینچ مربع می‌رسد. تحت این فشار قسمتی از گاز همراه نفت جدا می‌شود که احتیاج سوخت را در مسجد سلیمان برآورده می‌سازد. گازی که بدین طریق جدا شده است به نقاط مختلف لوله کشی شده و به مصارف خانگی و صنعتی می‌رسد. سوخت مصرفی دیگ بخارهای ایستگاه تولید برق، و ایستگاههای پمپاژ در تمبی و کارگاههای مختلف از این طریق تأمین می‌شود. نسبت مقدار گاز مصرفی در اینجا نسبت به ذخیره کل گازی نهایت کم است. وقتی فشار نفت پایین آمد به درون تانکرهایی بنام «تانک سرریز» هدایت می‌شود. در اینجا فشار به اندازه فشار جو است. گاز محلول در نفت در این تانکها در قسمت بالای تانک جمع می‌شود و این گاز بنام «کم فشار» نامگذاری شده است.

وقتی گاز کم فشار و پر فشار از نفت جدا شد، نفت به ایستگاههای پمپاژ می‌رسد. در اینجا سفر ۱۳۰۰ مایلی خود را آغاز می‌کند که از روی تپه‌ها و در میان صحراها عبور کرده تا به پالایشگاه آبادان برسد. در مسجد سلیمان تانکهای زیادی است که فقط برای ذخیره نفت در مواقع اضطراری بکار گرفته می‌شود. به این طریق در مواقع هادی، نفت به ایستگاه پمپاژ در تمبی فرستاده می‌شود و بدون اینکه در تانکرها مواد سبک آن گرفته و بخار شود به آبادان فرستاده می‌شود.

باز یافت بتزین:

گاز کم فشار درون تانکرها به منظور ارسال استحصال مواد با ارزش آن به واحد فشار و جذب گاز می‌رود. ظرفیت واحدهای جذب بتزین در حال حاضر در مسجد سلیمان ۴۵۰۰۰۰۰ فوت

مربع گاز در روز می باشد که مقدار ۱۳۰۰۰۰۰ گالن بترین از آن بدست می آید.
 در این نزدیکیها هیچ شهر بزرگ و صنعتی وجود ندارد که بالوله کشی گاز به آن، بتوان گاز تولیدی
 را در آنجا به مصرف رساند. نزدیکترین شهر به مسجد سلیمان، شوشتر است که ۳۵ میل با آن
 فاصله دارد. کسانی که از این شهر قدیمی و رمانتیک بازدید کرده اند، براین باورند که کشیدن گاز
 به آنجا هیچ کاربردی ندارد و شهر شوشتر را اینگونه توصیف کرده اند: خیابانهای تنگ و گلی و
 خانه ها و مغازه هایی که از خشت و گچامی دیده شده از آجر ساخته شده اند و هیچ کارگاه صنعتی
 بجز چند آسیاب آبی چیز دیگری ندارد.

جمع آوری گاز

در ضمن استخراج نفت خام، مقدار زیادی گاز از چاههای مسجد سلیمان خارج می شود که چون
 فوق العاده فرار است ذیقیمت بوده و بنابراین جزء مهم نفت محسوب می شود. برای آنکه گاز
 مزبور از میان نرته و قابل استفاده واقع گردد کارخانه مفصل مهمی در این معدن بنا شده است.
 طرز انجام این مقصود نیز اصولاً ساده و بدین طریق است که بدو پانزده مخزن، که به پنج دسته
 مختلف قسمت شده است، بنا گردیده که نفت خام پس از خروج از چاه در آنها جریان پیدا می کند.
 نظر به اینکه نفت سنگین و گاز سبک است، اولی در مخازن مزبور ته نشین شده و دومی از آن جدا
 گشته، متصاعد می شود. پس از آنکه این تفکیک صورت گرفت گاز مزبور بوسیله لوله وارد
 کارخانه می شود. در اینجا برجهای آهنی مخصوصی بنا شده است که هر یک دارای صفحات
 متعدد آهنی بوده و به فواصل معین از بالا به پایین برج رو به هم قرار گرفته است. برجهای مزبور
 دارای دو مدخل است، یکی در بالا و یکی در پایین، که از دومی گاز داخل آن گردیده و از اولی
 محصول دیگری موسوم به نفت گازی، وارد آن می شود.

توضیح آنکه نفت گازی، یکی از مستخرجات نفت است که قوه جاذبه خاصی برای جلب گاز
 دارد. نفت گازی از بالا بتدریج روی صفحات آهنی فوق الذکر که شبکه دار است، شروع به
 چکیدن نموده و پیوسته گاز را از پایین بطرف خود جلب کرده و در نتیجه این جفت شدن، قسمت
 مواد گازولینی با بترینی گاز مذکور در آن جذب می شود. سپس بوسیله عمل تقطیر بترین جذب
 شده از نفت گازی تجزیه گردیده و مجدداً بوسیله عمل دیگر آن را از صورت گازی خارج کرده
 و مبدل به بترین مایع می کنند. آن وقت این بترین را داخل لوله اصلی کرده و توأم با نفت خام به
 آبادان حمل می کنند. نفت گازی را هم باز برای انجام خدمت مذکور دوباره وارد برجها می کنند.
 در مواقعی که گاز و نفت گازی در برجها با هم تلاقی کرده و چنانکه ذکر شد مواد بترینی گاز جذب
 می شود، بگ جزء از گاز که باقی می ماند، دارای صفت حرارت بوده و چون برای سوزاندن

مناسب است بومیله لوله‌های مختلف به اطراف برده و برای گرم کردن دیگهای بخار عمل خفرو چرخاندن دستگاههای تلمبه، فوه و گرم کردن خانه‌ها و پختن غذا مصرف می‌شود. همان‌گازی که سابقاً خطرناک محسوب می‌شد و بواسطه آنکه سریع الاحتراق و منفن بود و آمایش عمومی را سلب می‌کرده، اینک از پرتو تشکیلات علمی این صنعت از یک طرف مبدل به یزین ذهیمت گردیده و از طرف دیگر برای گرم کردن و سایر خدمات نوعی بکار می‌رود. در این صورت صنعت نفت مسجد سلیمان می‌تواند ادعا کند که از کلیه محصولات خود به نحو اکمل استفاده کرده و هیچگونه ضایعاتی نمی‌دهد.

کلیه محصولات نفت خام به وسیله فشار گاز طبیعی خود، که عبارت از تقریباً چهل و شش تن تبریز در هر شش سانبترولیم مربع می‌باشد، از چاه خارج می‌گردد. معیناً بسیاری از عملیاتی که در معادن صورت می‌گیرد مستلزم استعمال دستگاههای متعدد تلمبه می‌باشد. بنابراین در مسجد سلیمان پانزده ایستگاه تلمبه‌زنی بنا شده که جمعاً دارای ۲۳۲۵۱ دستگاه تلمبه و هالپ دستگاههای مزبور به سیستم خارج از مرکز و ساتری فوزه ساخته شده‌اند.

«خط لوله» :

در پنج میلی مسجد سلیمان ایستگاه پمپاژ قرار دارد که نفت را بسوی آبادان پمپ می‌کند. قابل ذکر است که یکی از کارهای پردردسر در ابتدای کار نصب خط لوله مسجد سلیمان - آبادان بود. فاصله تقریبی ایستگاه پمپ تمبی تا پالایشگاه آبادان ۱۳۰۰ میل است. خط لوله از دو ارتفاع، یکی دامام رضا به ارتفاع ۱۳۶۶۱ پا و دیگری وقل خباطه به ارتفاع ۱۳۰۸۱ پا از سطح دریا می‌گذرد و سپس به دامنه تپه‌ها می‌رسد و بعد وارد دشت صاف می‌شود. تا گفته نمایند که تمبی حدود ۶۶۸۱ پا از سطح دریا ارتفاع دارد. همانطور که انتظار می‌رود مشکلات خط لوله بی‌شمار هستند و هموماً این مشکلات مربوط به کارهای مهندسی است. مشکل عمده، شکستن لوله‌ها بود. و بدین جهت که تغییر دما بسیار شدید است. در نتیجه انقباض و انبساط باعث شکستن لوله‌ها می‌شود. خط لوله در جاهای مناسب تم شده است تا بتواند در مقابل تغییر دما که باعث شکستن آنها می‌شود تحمل نماید.

فرستادن نفت به بالای تپه‌ها به آسانی آب نیست و حتی در سطح شیبدار ملایم هم روان‌گرایی و اصطکاک طوری است که سرعت حرکت نفت را خیلی پایین می‌آورد. بنابراین به فشار بیشتری احتیاج دارد تا در لوله بچریان یفتد.

ایستگاه پمپ تمبی مجهز به دستگاهها و ماشین آلات مدرنی است که بدون اشراق هم پای ایستگاههای پمپاژ قوی موجود در دنیا است. سوخت مصرفی این کارخانجات برای تولید بخار گاز

طبیعی است که از مسجد سلیمان بدست می آید. پمپ‌های بسیار قوی، بوسیله توربین بخار بحرکت درمی آیند. نفت را با فشار ۶۰۰۰ پوند در هر اینچ مربع به درون لوله بست ملاثانی که ایستگاه بعدی است می فرستند. با توجه به اصطکاک و عوامل دیگر نفتی که به ملاثانی می رسد فشار آن به ۳۰ تا ۳۰ پوند در اینچ مربع می رسد. از آنجا به ایستگاه پمپ کوت عبدالله که در ۳۲ میلی است فرستاده می شود. در کوت عبدالله ایستگاه تقویتی دیگری است که فشار نفت را در اینجا هم تقویت می کنند و ۳۵ میل دورتر، آخرین ایستگاه تقویت است بنام دارخوین. وقتی نفت به آبادان رسید در نزدیکی پالایشگاه ذخیره می شود. به منظور اطمینان از تداوم کار ایستگاههای پمپاژ در هر ایستگاه تقویت فشار، انبار ذخیره سازی وجود دارد که در موقع خرابی پمپهای ایستگاه قبلی، ایستگاه بعدی بتواند کار خود را با ذخیره های لیل ادامه بدهد. موقعی که تعمیرات انجام گرفت دوباره شیر مخزن ذخیره بسته می شود و جریان عادی پمپاژ ادامه پیدا می کند. خط لوله ای که نفت از آن جریان پیدا می کند حیات شرکت است. در اهواز در کنار کارون جایگاهی است که تمام مشکلات خط لوله در آن بررسی و تصمیم گیری می شود و مسائل تعمیر و نگهداری و توسعه این خط حیاتی صورت می گیرد.

آب، نیروی برق و روشنایی :

برای تأسیسات با اینهمه وسعت چهار نیاز اولیه وجود دارد آب، سوخت، روشنایی و برق. تأمین سوخت در بخش گاز توضیح داده شد، و حالا وقت آن است که در مورد آب، روشنایی و برق صحبت کنیم. یکی از ضروریات عملیات معدن نفت، وجود مقدار زیادی آب تازه است که برای حفر چاهها و دستگاههای بخار کارخانه برق و حواتج اهالی به مصرف می رسد. تا سال ۱۹۲۹ م. آب مصرفی بطور عمده از رودخانه کارون و از طریق درخزیه تأمین می شد. آب بوسیله پمپی به مسجد سلیمان پمپاژ می شد که خط لوله آن در کنار راه آهن بود. فاصله درخزیه تا مسجد سلیمان حدود ۲۳۸ میل است. ولی اکنون آب اینجا بوسیله سه دستگاه تخلیه ساخت سولزر (خارج از مرکز) از گدارلندر تأمین می شود و فاصله آن تا میدان نفتون حدود ۱۲ میل است، حدس زده می شود که هزینه آب گدارلندر نسبت به آب درخزیه یک چهارم است.

از میدان نفتون (مرکز مناطق) جاده ای در میان تپه های بیشمار عبور می کند و تدریجاً به ارتفاعات «تل بزاق» می رسد و جاده تالیه یک بلندی کشیده شده است. این بلندی در حدود ۲۲۰۰ فوت از سطح دریا ارتفاع دارد و دامنه آن شیب دار و سنگلاخ است. ۱۰۰۰۰ فوت پایین تر از آن دره تنگی است که تپه های بدون درخت، آن را در میان گرفته اند.

ایستگاه پمپ آب ۵ میل پایین تر از این دره که در سمت چپ ساحل کارون، در محلی بنام

گذارلندر واقع است. پایین این بلندی جاده وجود ندارد. ساختن جاده در اینجا از توان ما خارج است بنابراین ماشین خود را در بالا، رها کردیم و با کسکه و سایر مکانیکی که روی ریل سُر می خورد و به آن «سِلینج» می گفتند به پایین رفتیم و به محلی بنام پاگج رسیدیم. ارتفاعی که سُر سُر «سِلینج»^۱ بالا و پایین می رود حدود ۹۵۰ فوت و طول ریل آن ۲۱۵۸۰ فوت است. وسیله ای که روی ریل بود و ما را پایین آورد به سیمی متصل بود که این سیم بوسیله دستگاه برقی که بالای آن بلندی نصب شده بود جمع می شد. در صورت لزوم با دمی باز می شد تا سُر سُر به پایین بلندی برود و در پایین^۲ ماشینی برای حمل ما آماده بود. برقی که در دستگاهها و پمپهای گذار مضرر می شود از کارخانه برق تمبی تأمین می گردد. برق آن ۱۱۶/۳۰۰ ولت است و به برق ۴۴۰ ولت تبدیل شده است. موتورهای نصب شده ۳۵۰ اسب بخار و دورانی هستند. آب را با فشار ۸۰۰ پوند در هر سانتی متر مربع به بالای کوه پمپاژ می کنند. این پمپها از مدرنترین پمپهای دنیا هستند و هزاران گالن آب را با سرعت کافی در روز پمپ می کنند. شاید جالبترین چیزی که در طی دیدار نویسنده از گذارلندر با آن روبرو شد و توجهش را جلب کرد، دستگاهی بود که بطرز ابتکاری ساخته بودند. در گذارلندر مسیر رودخانه، سنگلاخ است و طغیان رودخانه در فصل بارندگی خیلی زیاد است، بطوریکه گاهی تا ۴۵ پا بالا می آید. برای مقابله با طغیان رودخانه راه حل زیرکانه ای ابداع شده است که تا ۷۰ فوت ارتفاع در مواقع طغیان پیش بینی شده است، سطحی سیمانی و شیدار که از بالا تا لب رود کشیده شده است. اطاقک پمپ بر روی چرخ و چرخها، درون ریل آهنی که روی سیمان است بالا و پایین می رود. از اطاقک کوچکی که دورتر از ساحل قرار دارد اطاقک پمپ را برای رفتن به پایین یا بالا هدایت می کنند و این بستگی به وضعیت طغیان رودخانه دارد. آب به دو مخزن در گذارلندر پمپاژ و سپس بوسیله دو پمپ قوی که هر یک ۸ اینچ هستند به «سرگج» و «تل بزانه» فرستاده می شود و در آنجا انبارهای ذخیره آب به ظرفیت ۶۴ میلیون گالن وجود دارد. آب ذخیره شده در انبارها به سمت مسجد سلیمان فرستاده و برای مصرف خانگی و صنعتی انشعاب پیدا می کنند. تمام وسایل و ماشین آلات موجود در گذارلندر و پمپهای آب و خلاصه تمام تأسیسات بوسیله سُر سُرهای که قبلاً بدان اشاره شد به پاگج برده شده است و سپس با ماشین به گذارلندر حمل شده اند. بازدیدکنندگان و خوانندگان این کتاب به کارکنان

۱- در زمان قدیم آقایان «کریلایی» عبدالرضا بهادری شهنی و «علی خان بالمش زره» از طایفه نصیر، مسئول

دستگاه «سِلینج» بودند.

۲- منظور «پاگج» می باشد.

این شرکت بخاطر زحمات و اهداات کم نظیرشان، احسن می گویند.

استعداد ایستگاه تلمبه آب درخزیه، روزی موازی ۲۵۰۰ خروار می باشد، لکن عجلتاً مشغول کار نبوده و فقط در مواقع ضروری از آن استفاده می شود. بعلاوه در تل خیاط واقع بین مسجد سلیمان و درخزیه هم ایستگاه تلمبه دیگری است که بردن آب را از نقطه اخیرالذکر به محل تسهیل و تسریع می نمایند. صنعت نفت مسجد سلیمان خود را از حیث ولور آب، بسی معادنند می نگرد، زیرا تحصیل هر مقدار آبی که برای رفع حوائج خود لازم دارد، برایش میسر و موجود است.

ایستگاه برق،

در کنار رود تمبی و در نزدیکی ایستگاه پهاژ که شرح آن گذشت یکه نیروگاه عظیم برق برای مصارف مختلف میدان مسجد سلیمان وجود دارد. در ابتدا تولید آن ۳۵۰ کیلووات بود ولی نیاز روز افزون به برق باعث شد که دو مولد بخار نیز بکار اندازند و تولید برق را به ۱۵۰۰ کیلووات برسانند.

در دسامبر ۱۹۲۶ م دو توربین بخار دیگر نصب شد و تولید برق آن به ۶۷۰۰ کیلووات رسید سوخت آن از گازهای طبیعی منقله مسجد سلیمان بود. این برق بوسیله کابلهای ۱۱۰۰۰ ولت به همه مناطق نفتخیز کشیده شده است و شاخه های نیز به گل خیاط و گدارلندر برده شده و ایستگاههایی برای تبدیل فشار قوی به ضعیف در جاهای مناسب ساخته شده. گاهی از این جریان برق برای حفاری استفاده می شود. قریب چهل فرسخ سیم برق پرفره که معادل یازده هزار وات نیروی برق دارد و سیزده فرسخ سیم چراغ برق و سیزده فرسخ هم سیم دیگری که دارای قوه ۴۴۰ ولت می باشد در این میدان نفتی بزرگ کشیده شده است. تمام این پیشرفتهای مهندسی مدیون تلاشهای منظم و توجهات دائمی آقای ج. جیمسون رئیس و نماینده شرکت در مسجد سلیمان به تمام قسمتهاست.

واضح است برای عملیاتی که توضیح داده شد، جلب همکاری ایرانیان از ضروری ترین چیزهاست. بخصوص جلب رعایت نیروی کارگر محلی برای پیشبرد کارها بسیار مهم است. فعالیت کارگران در حمل و نقل و سائل سنگین، ساختن پل، لوله کشی، راه آهن و مشکلات عدیده دیگری دیگر که شرکت در ابتدای کار با آن روبرو است کمکف مؤثری محسوب می شود. شکل بفرنجی که این شرکت در ابتدای کار با آن مواجه بود خصوصیات اجتماعی این کارگران محلی بود. مردم ساکن در این خطه تماماً بختیاری هستند و بخاطر دامهایشان در فصل بهار مجبورند به بیلاق و دامنه رشته کوههای پوشیده از برف کوچ کنند. راه از رودخانه های بدون پل عبور می کند. آنها در اوایل پاییز به ناحیه گرم خوزستان بر می گردند. بختیارها عموماً چادر نشین هستند یا در

خانه‌هایی که از تخته سنگ درست کرده‌اند زندگی می‌کنند. خواسته‌هایشان محدود است و تحمل مشکلات این نوع زندگی را بر خود هموار می‌کنند. به پول کمی احتیاج دارند و در دامن طبیعت زندگی ساده‌ای دارند و معاملات پایاپای انجام می‌دهند.

این قسمت ایران، تشابه زیادی به پادشاهی کهن ایلامیها دارد. زمانی مردم اینجا هم مثل سایر قسمت‌های ایران کوچ نمی‌کردند و به کار کشاورزی مشغول بودند. باقیمانده تأسیسات آبیاری آنها هم اکنون در اطراف رود کارون برجای مانده است. زندگی قبیله‌ای کوچ‌نشین بختیارها در نتیجه حملات یونانیان، رومیان، عربها و ترکها است که از شمال و غرب بابل صورت گرفت و کشاورزی و تأسیسات آنها را نابود کردند. اینجا یکی از سرزمینهای پر بار محصولات کشاورزی محسوب می‌شود.

شرکت مجبور بود که برای نیروی کارگر خود، از همین مردم استفاده کند. عادات و خصوصیات قومی این مردم، مسائل اجتماعی و انسانی پیچیده‌ای بیار می‌آورد. این کافی نیست که مردم این خطه را جذب شرکت کنیم یا حقوق و وسایل رفاهی به آنها بدهیم بلکه چاره‌ای باید اندیشید تا از کوچ آنان جلوگیری بعمل آید. شوق و حال و هوای کوچ، آنان را به جنب و جوش می‌آورد و در آنان این احساس بسیار قوی است. بتدریج تعداد زیادی استخدام می‌شوند و مشکلاتی از قبیل بهداشت، خدمات درمانی و آموزشی بروز می‌گردد.

خدمات پزشکی

از ابتدای کار مشخص بود که پیشگیری از بیماریها و دادن خدمات بهداشتی و پزشکی پیش از دادن حقوق برای جذب کارگران مؤثر بود. یکی از اشخاصی که در ابتدای امر توسط شرکت به اینجا آورده شد و کار را شروع کرد، ام. وای. بانگه بود. او نه تنها کارهای پزشکی را انجام می‌داد بلکه نسبت به مسائل اجتماعی، تاریخ، رسوم و طرز تفکر مردم اینجا توجه خاصی می‌کرد. هم‌اکنون یک واحد منظم پزشکی از شرکت نفت همه استان را تحت پوشش قرار داده است.

در مناطق نفتخیز، اهواز، آبادان، بیمارستانهای مجهزی ساخته شده که خدمات آن نه فقط برای کارکنان شرکت است بلکه برای عموم از هر نژادی که باشند آزاد است.

در مسجد سلیمان بیمارستانی که در آن بیماران را بستری می‌کنند در دو میلی میدان نفتون قرار دارد. اضافه بر خدمات پزشکی و جراحیهای سرپایی در کلینیکهای بیرون از بیمارستان، وسایل لازم برای صد نفر در مواقع اورژانس وجود دارد. همچنین یک بیمارستان مجزا برای امراض مسری و یک کمپ برای قرنطینه کردن آنها برپا شده است. بخش گرم‌زدگی بمنظور مطالعه و مداوای موارد گرم‌زده و برای بیمارانی که بعد از عمل تب شدید دارند و یا شکک به آنها دست می‌دهد

ساخته شده است. هوای این بخش خنک و حدود 65 فارنهایت است که تصفیه هم شده است. بیمارستان دور از جاده و یک طبقه است که از گچ و سنگ همین محل ساخته شده است. پیش ایوانهای بزرگ، سایه جلو بخشها را تأمین می‌کند. علاوه بر دو اطاق عمل، یک اطاق حکبرداری و آزمایشگاه باکتری‌شناسی نیز وجود دارد. ضد عفونی و تهویه در بخشهای بیمارستان طبق استانداردهای علمی است. با جرئت می‌توان گفت که بیمارستان مسجد سلیمان نه فقط بهترین بیمارستان در خاورمیانه است، بلکه مجهزتر از بهترین بیمارستانهای روسیه، هند، و سایر کشورهای قاره آسیا است. امکانات مدارا در مناطق منتخب بوسیله چند درمانگاه در مناطق برآورده می‌شود. تعداد بی‌شماری از بیماران سرپایی مدوا می‌شوند و موارد جدی به بیمارستان پذیرش داده می‌شود. ۹۱ داروخانه وجود دارد که هر یک ۲ میل از همدیگر فاصله دارند. باید گفته شود که خدمات پزشکی و جراحی در بیمارستان و خارج از بیمارستان برای کارکنان و سایر ساکنان محلی و کوچ‌نشینان است که از فاصله دور به اینجا می‌آیند. برای جلب اعتماد مردم کوچ‌نشین، دلسوزی، صبر و مهارت زیاد لازم است.

کارکنان پزشکی شامل یک «سینیر» و دو پزشک رزیدنت و پزشک بازرس و متخصصانی که مشغول خدمت در مسجد سلیمان هستند، شامل یک پاتولوژیست و یک اپتال مالوجیست می‌باشند. کارکنان پرستاری ۲۶ نفر می‌باشند و زیر نظر عاترون اروپایی هستند که به کمک هشت سبتر اروپایی سرپرستی می‌شوند.

ارقام زیر نشاندهنده بیمارانی است که در طی ۹ ماه مداوا شده‌اند (آوریل - دسامبر ۱۹۴۸).

وسعت و تنوع کارهای پزشکی، جراحی و فعالیت‌های بهداشتی بشرح زیر است:

بیماران در بیمارستان	۱/۳۸۶
موارد تازه	۳۳۲۱۲ - الف
بیماران بخش خارجی	
	بیمارستان
موارد دیگر	۶۴۹۱۶ - ب
جراحی همراه با بیهوشی کامل	۲۴۵
تنه‌های پاتولوژی	۷۴۵۱
موارد دندانپزشکی	۳۵۲
رادیوگرام	۴۲۳
جراحی بایستی حسی یا بدون بی‌حسی موضعی	۱۹۰۳

بهداشت عمومی:

عملیات برای جلوگیری و کنترل حشرات ناقل بیماریها بطور سیستماتیک انجام گرفته است. عملیات ضد مالاریا بطور علمی پیش می‌رود و تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که کم کردن پشه‌ها تأثیر فراوانی در پایین آمدن افراد مبتلا به مالاریا دارد. گزارشات پزشکی در سال ۱۹۲۸ م. نشان می‌دهد که نه فقط مالاریا کمتر شده است بلکه نوع مالاریا هم ضعیف شده است. مقایسه اعداد سالهای ۱۹۲۷ - ۱۹۲۸ (بر اساس ۱۲ ماه) نشان می‌دهد که ۴۳۸۵ نفر از مبتلایان به مالاریا کمتر شده است و ۲۱۷۷ مورد بیمار مداوا شده‌اند.

عملیات بهداشتی مثل، ضد عفونی خانه‌ها، گرفتن موشها با تله و سمپاشی، بعمل می‌آید و در کمتر از نه ماه در حدود ۳۳/۵۷۳ موش و گزیزه^۱ را از بین بردند. ناگفته نماند که این شرکت مقام مسئولی برای گرفتن موش دارد. اگر بیماری سری مثل سرخک یا آبله شایع می‌شود، شدیداً کنترل می‌گردید تا افراد مبتلا با سایر کارکنان تماس برقرار نکنند. لباس بیماران سوزانده می‌شد و خانه‌های آنها با بخار دی اکسید سولفور ضد عفونی می‌شد. همه انگلیسی‌هایی که وارد ایران می‌شدند، بر علیه خیلی از بیماریها واکسینه بودند و حتی کسانی که از هند وارد نجرمشهر می‌شدند واکسینه می‌شدند. وقتی که در مناطق نفتخیز مشغول کار می‌شدند برای بار دوم واکسینه می‌شدند. در سال ۱۹۲۸ م. در طی نه ماه تقریباً ۱۰۰۰۰ نفر واکسیناسیون شدند.

بازرسی مداوم غذاهای آب و شیر، با جمع آوری نمونه‌ها انجام می‌شد و مورد آزمایش قرار گرفته و در کارخانه سوداسازی تحت کنترل شدید قرار می‌گرفت. برای مثال بازار سبزی در مناطق مسجد سلیمان روزانه بازرسی می‌شد. یکی از مسئولین شرکت می‌گفت که بازار سبزی این منطقه تمیزترین بازار در قاره آسیا است و روزی دو مرتبه نظافت می‌شد.

نویسنده گزارش^۲ که از بازارهای دمشق، بغداد، و هندوستان دیدن کرده است این گفته را بخوبی قبول دارد.

در لیست زیر خدمات بعمل آمده در طول یک سال بوسیله واحد بهداشت عمومی مشخص گردیده است:

ساختمان بدون مجوز خراب شد.	۳۰۷
اطاق، ساختمان و غیره ضد عفونی شد.	۷۰۰

۱- موش بزرگ را در زبان محلی «گزیزه» گویند.

۲- نویسنده گزارش آقای ویلیامسون می‌باشد.

۴۴۳	حیوان مرده سوزانده شد.
۲۱۹۲۹	لاشه حیوان کشته شده برای خوراکی بازرسی شد و ۳۰۸۳ قسمت آنها غیر قابل خوراکی تشخیص داده شد و نابود گردید.
۲۳۸۱	پوند میوه و سبزی لاسد تشخیص داده و نابود شد.
۱۵۱	تن مواد غذایی فاسد تشخیص داده و سوزانده شد.
۱۷۳۸	مورد واکناسیون انجام گرفت.
	مسکن:

مستخدمین معدود شرکت نفت مسجد سلیمان که در ابتدای استخراج این معدن پیش از بیست نفر هم نمی شدند، اکنون بالغ بر ده هزار نفر ایرانی و سیصد و پنجاه نفر اروپایی می باشند و عده شان هم رو به افزایش است. برای سکونت آنها ۵۵۰ باب عمارت بنا گشته و همه گونه وسایل آسایش و تفریح آنها فراهم شده است. در ابتدای کار هیچ مسکن مناسبی که قابل ذکر باشد وجود نداشت. ساختمانهای بی شماری، اکنون ساخته شده است. بخصوص در آبادان و مسجد سلیمان همه ساختمانها بر سبیل شرکت ساخته شده است. برای کارکنان سه نوع ساختمان ساخته شده، بنگله های بزرگ و جادار (که اغلب یک طبقه هستند) مخصوص کارکنان سطح بالا، بنگله های کوچکتری برای کارمندان، خانه های ردیفی که از سنگ، گچ و آجر ساخته شده برای کارگران ماهر و ساده که آنها را ده فوتی و بیست فوتی گویند.

در انگلیس سعی بر این است که خانه آلتا بگیر باشد ولی در اینجا برعکس بخاطر گرمای هوا، طراحی خانه باید طوری باشد که نور کمتری به درون پنجره های اطلاق بشاید. کلمه بنگله در نظر اروپاییان ساختمانی است که از خانه معمولی کوچکتر و از کلبه بزرگتر باشد اما بنگله های مورد نظر ما بسیار جادار و مجلل هستند. امکاناتی از قبیل برق، لوله کشی گاز، هیتز برقی و پنکه نیز دارند و دیوارهای آنها از سنگ، آجر و خشت ساخته شده است. هیچ کتوری که مقدار مصرف را نشان دهد ندارد. خیلی از بنگله ها باغدار هستند، اما نه مثل باغهایی که ما در اشعار خیام خوانده ایم. اینجا نیمی از سال همه جا خشک است. بوته و درختان فراوانی از سیلان و هندوستان به اینجا آورده ایم، علاوه بر این اداره باغبانی نیز تشکیل شده است.

غیر از مسکن، ساختن بازار هم بسیار ضروری بود. با پرداخت منظم حقوق به کارگرانی که از کوچ نشینان بودند آنها را بسوی شرکت می کشاندیم و حقوق دادن خیلی مؤثر نیست بلکه لازم

است تا بازاری برای مصرف پول آنها وجود داشته باشد. با پولی که در دست دارند و با خریدهایی که می‌کنند، آسایش بیشتری نسبت به زندگی کوچ‌نشینی بدست می‌آورند. بازار مسجد سلیمان نخستین بازار مدرن و نمونه ساخته شده در قاره آسیا می‌باشد که وسایل خانه، مواد غذایی، پوشاک، تنباکو، زیت، آلات و کالاهای مختلف دیگری در آن موجود است. مغازه‌ها بصورت ردیفی و جلو باز هستند.

آموزش

۱- آموزش کارگاهی:

ما متوجه بودیم که کارگران ساده برای عملیات جاده‌سازی، حمل و نقل بوسیله قاطر و الاغ، حمل ماشین آلات و مواد گوناگون، نصب وسایل حفاری، و غیره بسیار ضروری بودند. گذشته از این برای کسی که به مهندسیین خارجی، احتیاجات روزافزونی به اشخاصی که مهارت فنی داشتند پیدا می‌شد. افرادی مثل مکانیک، لوله‌پیچ، جوشکار و ریخته‌گر، بیشتر اهل اصفهان بودند. بعضی‌ها که از اطراف و اکناف ایران دانش مهندسی کمی کسب کرده بودند، بوسیله مهندسیین اروپایی آموزش تخصصی بیشتری کسب می‌کردند. شرکت در مسجد سلیمان، اهراز و آبادان کارگاههای مهندسی زیادی دارد که از نظر وسعت، تنوع، حجم کار، برابری دارد. با کارگاههای نسبتاً وسیع در انگلیس. در هر یک از این کارگاهها، نوجوانان ایرانی در حال آموزش هستند که اغلب از کوچ‌نشینان می‌باشند. به هر صورت شرکت سعی بر آن دارد که این جوانان را بطور سیستماتیک آموزش دهد.

در مسجد سلیمان و آبادان، هر یک ۵۰ کارآموز پسر در حال آموزش هستند. شرکت سعی دارد که این نوجوانان را بطور سیستماتیک آموزش دهد و بطور انفرادی تحت نظر افراد برای آموزش قرار گیرند. بعد از آموزش کارگاهها، بعنوان تعمیرکار و Tapping - Turning و کارهای فنی دیگر مثل تراشکاری، سوهان‌کاری، در شرکت مشغول بکار می‌شوند.

علاقه این جوانان ایرانی به کارشان بیش از آن است که انتظار می‌رفت. گزارشگر ما گفته است در میان چیزهایی که جلب توجه می‌کرد هیچ چیز به اندازه آموزش در کارگاههای مسجد سلیمان توجهش را جلب نمی‌کرد. بعد از مدتی کوتاه این شرکت تصمیم گرفت که به این نوع جوانان که کاملاً بیسواد بودند، خواندن و نوشتن یاد بدهد. کار آموزش شروع شد و تاکنون بطور نسبی موفقیت آمیز بوده است. همه آنها می‌توانند دستورالعملهای روی دستگاهها، اعداد، و شماره‌های انگلیسی را بخوانند. بعضی‌ها یاد گرفته‌اند که فارسی را بطور کامل بخوانند و بنویسند.

برای استخدام این نوجوانان، مشکلات فراوانی داریم زیرا در موقع کوچ کار را رها کرده و ۴ تا ۵

ماه بعد مراجعه می‌کنند. استخدام فصلی است. بهترین موقع استخدام بین اولین باران در ماه دسامبر یا ژانویه و یا مارس است.

حدود ۳۹۰ نفر از این دانش آموزان در طی سه سال در مدرسه فنی و حرفه‌ای مسجد سلیمان دوره دیدند و در فصل کوچ کار خود را رها کرده و به بیلاق رفتند. تلاش شرکت بر این است که امکانات بهتر، حقوق بیشتر، و آسایش بیشتر برای آنها فراهم نماید و شوق کوچ را در آنها کم کند.

۲ - خدمات معارفی شرکت:

چند سال است که شرکت نفت انگلیس و ایران برای توسعه و پیشرفت معارف ناحیه‌ای که عملیاتش در آن واقع است جهد بسیار کرده و مبالغ زیادی صرف نموده است. اخیراً دو باب مدرسه ابتدایی هم در مسجد سلیمان بنا و به خرج شرکت اداره می‌شود، که یکی در ناحیه میدان نفتون و دیگری در چشمه حلی واقع است. عده شاگردان این مدارس بین دویست الی سیصد نفر است و پس از آنکه پیشرفت لازم در تحصیلات ابتدایی آنها دیده شد، در نظر است که وسایل تحصیلاتشان را بوسیله ایجاد یک باب مدرسه متوسطه تکمیل نمود.

عملیات و اقدامات معارفی شرکت، اکنون توسعه یافته و تحت نظر مدیر معارف شرکت اداره می‌شود و مشارالیه هم با مساعدت و همراهی اولیای دولت ایران به خدمات خود می‌پردازد. دستور دروس این مدارس، همان پروگرام رسمی وزارت معارف ایران و معلمین هم از طرف وزارت مزبور انتخاب می‌شوند. اهالی این منطقه نسبت به مؤسسات معارفی که برای تربیت اولاد آنها ایجاد شده متهای قدردانی را ابراز داشته و غالب درخواستهای دخول، بیش از گنجایش مدارس مزبور است. در مسجد سلیمان ورود به مدارس برای کلیه داوطلبین که والدینشان در شرکت نفت کار می‌کنند آزاد است. در این مدارس انگلیسی و فارسی تدریس می‌شود و بچه‌ها با یونیفرم می‌آیند.

مدرسه تحت نظر اولیاء ایرانی است. اخیراً مدرسه یکم مربی ورزش هم استخدام کرده است. گزارشگر ما خود شاهد بود که تمام کارکنان مدرسه تحت نظر مربی، ورزش می‌کردند. نظم و ترتیب همانند مدارس انگلیسی است. روشهای ورزشی با پیروی از مدلهای ورزشی روس و آلمان است. درسهایی که تدریس می‌شود همان درسهای معمولی دبستانی است. خیلی از این پسرها پیشرفت قابل توجهی در خواندن انگلیسی پیدا کرده‌اند و مشکلات آنها در ارتباط با تلفظ، خیلی کمتر از بچه‌های لندن است. علاوه بر این، کلاسهای عصر در مسجد سلیمان، اهواز، آبادان به آموزش انگلیسی، حسابداری، ماشین‌نویسی و غیره مشغول است.

کارگاهها و کارگران :

کارگاههای مسجد سلیمان در مکانی بنام چشمه علی واقع است که تقریباً در وسط مرکز جغرافیایی مسجد سلیمان قرار دارد. در ابتدای کار شرکت، هیچ تأسیساتی در اینجا نبود، بجز همین چشمه. کارگاههای اینجا شامل کارگاههای تعمیرات عمومی و زیر نظر مهندسین اروپایی اداره می‌شوند. کارکنان اروپایی حدود ۳۰ نفر هستند که ۴۲۰ کارگر ماهر را رهبری می‌کنند و ۳۰۰ تن از آنها ایرانی هستند. این کارگران شامل لوله‌پیچ، تراشکار، ریخته‌گر، آهنگر، مکانیک، نجار، اتومبیل‌ران، آل موتورینده، تعمیرکار وسائل برقی، دیگ بخار ساز، ابزار ساز، جوشکار (هم جوشکار برقی، هم استیل) هستند. در بین اینها ۷۹ نفر هندی وجود دارد.

نصب کامل ماشین آلات امروزی و مدرن از کوچکترین ابزار تا بزرگترین ابزار توسط ایرانیانی که در همین جا آموزش دیده‌اند صورت می‌گیرد. تعمیرات در تعمیرگاهها از ظریف‌ترین چیزهای علمی گرفت تا ماشینهای بخار توسط همین کارکنان انجام می‌شود.

جدول زیر نشان‌دهنده عمق علاقه ایرانیان به کارهای فنی مهندسی است و این آمار در دسامبر ۱۹۲۶ م در چندین کارگاه در مسجد سلیمان گرفته شده است:

ایرانی‌ها	مجموعاً	
۹ نفر	۱۲ نفر	۱ - متصدی نصب و ساخت ماشین آلات
۳۹	۵۷	۲ - کارگاه دیگ بخار
۲۶	۲۹	۳ - کارگاه نجاری
۳۱	۵۰	۴ - کارگاه نصب و تعمیر
۲۴	۲۴	۵ - کارگاه تعمیر وسائل الکتریکی
۳۷	۳۷	۶ - کارگاه عمومی
۳۱	۵۷	۷ - ماشین آلات
۱۶	۲۴	۸ - ریخته‌گری
۱۰۰	۱۰۰	۹ - آهنگری

در کنار کارگاهها، انبارهای بزرگی وجود دارد که به قسمت‌های مختلف تقسیم می‌شوند. نه تنها هزاران وسیله برای حفاری، راه آهن، لوله کشی، جاده سازی و تأسیسات وجود دارد، بلکه نیازهای فراوان کارکنان که شامل مواد غذایی، مبلان، وسایل استراحت آنان است، در اینجا به وفور یافت می‌شود و انبارها منلو از کالاهای لوکس و مختلف است.

انبارهای عظیم در اهواز، آبادان و مسجد سلیمان بنا شده و براساس اصول علمی طرح ریزی شده

است. فروشگاه مسجد سلیمان مجهز به نجران قیل ده تن برقی است و راه آهن در خزینه به مناطق تا محفوظه انبارها کشیده شده است که تقریباً ماهانه ۳۰۰ تن مواد مختلف را حمل می کنند. واحد توزیع در مسجد سلیمان کالاهایی به ارزش ۶۰۰۰۰ پوند در ماه توزیع می کنند. در نزدیکی انبارها کارخانه بیخ فعالیت دارد، با ماشین آلات مدرن که روزانه در تابستان $\frac{۳۱}{۲}$ تن بیخ تولید می کند و تا سطح ۸ تن هم می تواند تولید را بالا ببرد.

کارکنان انبارها ۶ اروپایی، ۵۰ کارمند و ۱۲۰ کارگر هستند.

شرکت نفت ایران و انگلیس تشخیص داده است که آموزش کارگاهی، حفاری یا چیزهای دیگر به تنهایی کافی نیست. لازم است که کارگران ماهر از ارتقاء رتبه شغلی خود آگاه باشند و نتیجتاً از این طریق ضروری نیز به آنها دست می دهد و علاوه آنها برای مهارت بالاتر جلب می شود. برای دادن یک درجه بالاتر، امتحان مخصوصی گرفته می شود. قبولشدگان گواهینامه قبولی دریافت می کنند و همزمان با آن حقوقشان اضافه می شود و این قبولشدن نشاندهنده سطح مهارت کارگران نیز بود، و اگر هوای کوچ به بیرش می زد و کار را رها می کرد در بازگشت برای رفتن سرکار با اشکالاتی مواجه می شد و رتبه شغلی او کمی تنزل می کرد و از این روش استقبال شایانی بعمل آمده هر سال قریب سیصد نفر در مدرسه فنی و حرفه ای مسجد سلیمان کار آموخته و سپس در خدمات شرکت فرار می گیرند.

اضافه بر این، عده زیادی هم هستند که شاگرد صنعتگر بوده و هر سال امتحان داده و داخل در ردیف صنعتگران می شوند. از فرار تخمینی که شده، در مسجد سلیمان سالی سیصد نفر به درجه صنعتگری رسیده و در یکی از فنون مذکور وارد خدمت می شوند. رقم فوق شاهد صادقی برای توسعه دائم عملیات شرکت بوده و دلیل واضحی است بر اینکه اهالی محل با اشتیاق زیاد وارد خدمات شرکت می شوند. نکته جالب توجه آن است که اغلب اهالی این محل تا سنوات اخیر زندگانی عشایری داشته و بیشتر به امور دامی و فلاحتی می پرداختند و اکنون که صنعت مهمی ایجاد شده با اشتیاق زیادی به تحصیل رموز آن پرداخته و وارد خدمات آن می شوند. هلت این تغییر روش زندگانی، آن است که همه آنها شعائر مخصوصی برای صنایع یدی داشته و همینطوری که در امور زواهی - دامی - بنایی - نجاری - و غیره ید طولایی دارند، صنایع جدید را هم حسن استقبال نموده و بوسیله مدرسه فنی مذکور موجبات دخول خود را در صنعت نفت فراهم می آورند. استعداد و پشت کار فوق العاده ای که آنها از حیث کسب معلومات صنعتی جدید ظاهر می سازند موجب همه گونه تحسین بوده و سعادت و پیشرفت اقتصادی مملکت را نوید می دهند. برای آنکه تشریک مساعی و مساعدت کامل بین افراد مستخدمین انگلیسی و ایرانی برقرار گردد،

شرکت وسایل تشویق متعددی برای مستخدمین اروپایی خود تهیه کرده است که زبان فارسی را بیاموزند، و دانستن این زبان را در بعضی موارد، شرط ترفیع رتبه قرار داده است. این نکته واضح است که بهترین اساس تحکیم روابط بین این دو نژاد، همان طرز تکلم مستقیم و بلاواسطه است که فقط بوسیله دانستن زبان حیر می شود، و قسمت اعظم اقدامات معارفی شرکت بر روی این پایه قرار گرفته و نتایج حاصله آن فوق العاده رضایتبخش است.

رفاهیات

در مورد کارهایی که برای روحیه و وله انجام گرفته، باید مطلبی گفته شود. برای اروپاییانی که دور از مملکت خود هستند لازم است که تدارکاتی بهتر صورت گیرد. جمماً حدود ۱۰۰۰ اروپایی در این شرکت کار می کنند که ۳۵۰ نفر آنها در مسجد سلیمان، ۵۰۰ نفر در آبادان، تعداد ۷۰ نفر در اهواز و گروههای کوچکتر آنها در جاهای دور افتاده، در ایستگاههای همپاژ و مناطق بیابانی هستند. منظور از اروپاییان بیشتر انگلیسی ها هستند که در این گزارش آمده است.

۳۹ محل بازی تنیس وجود دارد که در ساختن آنها بیشتر از نوع استفاده شده است. چون هوا در اینجا خیلی گرم است و در تابستان چمن کاملاً خشک می شود ما بطور غیر علمی دست به ابتکاراتی زده ایم.

ما مجبوریم که زمین تنیس و فوتبال را کاهگل کنیم و روی آن را صند دریایی بریزیم. اغلب ایستگاههای بیابانی زمین بازی تنیس دارند. در مسجد سلیمان مسابقه اسب دوانی هر سال ۳ یا ۴ مرتبه برگزار می شود. نویسنده^۱ خود شاهد یکی از این مسابقات بود. همه شرکت کنندگان از داوطلبین بودند و دقیقاً مثل مسابقات اسب دوانی در لندن بود. استخرهای شنا از سالها قبل در مسجد سلیمان ساخته شده و در آبادان نیز در دست ساختمان است. در مسجد سلیمان، آبادان، اهواز، باشگاههایی جادار، خوش ساخت که مجهز به اطاق استراحت، اطاق بیلیارد، اطاق ورق بازی، اطاق مطالعه و معمولاً سالن رقص، سکوی نمایش و اطاق تعویض لباس می باشد وجود دارد. در مسجد سلیمان هشت باشگاه برای تفریح و تجمع کارکنان اروپایی و ایرانی ساخته شده است که هر یک که دارای عمارت مخصوص و لوازم کافی می باشد. باشگاه بسیار بزرگی ساخته شده که در ساخت، راحتی، تجهیزات، استخر، نمایش سینما توگراف، کنسرت، کثرانس و غیره با بهترین باشگاههای لندن که برای همین منظور ساخته شده است برابری می کند. این باشگاهها

۱- نویسنده گزارش آقای John. W. Williamson می باشد که شاهد این مسابقات بود و در سال ۱۹۲۶ میلادی

تأثیرات بسزایی در راحتی و روحیه اروپاییانی که دور از وطن بسر می‌برند دارد. هم‌اکنون بازیهای تنیس، کریکت، اسب‌سواری، هاکی، اسکواش، فوتبال و غیره نیز رواج کاملی در مسجد سلیمان پیدا کرده و لهذا ۳۰ میدان برای بازیهای مزبور و چندین میدان دیگر جهت بازی گلف و سایر ورزشهای بدنی تدارک دیده شده و پیوسته بر بناهای موجود شهر افزوده می‌شود. بهداشت، مسکن، آموزش و تربیت کادر متخصص بود که منافع اقتصادی و اجتماعی صدور نفت را برای ایران در پی داشت.

کافی است که بگوئیم پیشبرد امر بهداشت و درمان و تأثیرات مثبت صنعتی شدن، بالا بردن استاندارد آسایش قسمت وسیعی از منطقه کارگری ایران را در پی داشت و این امر برای هر کشوری صنعتی امر مهمی است.

منافع اقتصادی بیشتر را که حاصل کار شرکت نفت ایران و انگلیس است برای ایران بدنبال داشت. برای مثال امکانات حمل و نقل پیشرفته و ساختن جاده و وسایل دیگر، دادن سهم نفت به دولت ایران و همکاری با مقامات محلی برای دادن خدمات مناسب و تحریک برای تولید و اضافه کردن حجم و تنوع واردات بداخل ایران به منظور جواب دادن به تقاضاهای وسیع برای کالاهای مختلف. کسانی که از خاورمیانه دیدن کرده‌اند، کاروانتهای فراوان از الاغ و قاطر یا شتر را دیده‌اند که از جاده‌های صعب‌العبور می‌گذرند. این جاده‌ها طی سالهای متمادی از رد پای همین حیوانات درست شده است. یا دیدن جاده‌های امروزی مشخص می‌شود که کشیدن جاده چه کمک بزرگی است به این کشورها. اغلب جاده‌های شرکت در دامنه تپه‌های پریچ و خم هستند که برای ساختن آنها مهندسين و کارگران زیادی بکار گرفته شده است و بیشتر توسط کارگران زحمتکش و پرتوان بختیاری ساخته شده‌اند که با حقوق بسیار ناچیز و وسایل ابتدایی به این امر می‌پرداختند. قسمت اعظم جاده‌هایی که ساخته شده و دائماً ساخته می‌شوند، برای رسیدن به نواحی جدیدی است که عملیات اجتنابی در آنجا شروع شده و غالباً مسافت زیادی تا مرکز فعالیت مناطق نفتخیز شرکت در مسجد سلیمان دارد.

راه آهن مسجد سلیمان - درخزیه، اولین، طولترین و بهترین خط آهنی است که شرکت در خاورمیانه بنا کرده و از مسیر رودخانه تمبی عبور می‌کند که پلهای متعددی بر روی این رودخانه ساخته شده است. این مسیر تا مسجد سلیمان ۳۶ میل است که فاصله زیادی از آن تنگه درازی است و خط آهن در کنار همین رودخانه و داخل تنگه است. حدود ۴۰۰۰ هزار کارگر پسمانی و رسمی شرکت بطور دائم مشغول ساختن و تعمیر جاده‌ها هستند. پهنای این راه آهن ۲.۱ فوت است که در سال ۱۹۲۳ م. ساخته شد. در هر ماه حدود ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ تن مواد و لوازمات بوسیله

این راه آهن حمل می شود. بکک اطباتک رو بازی بنام «دروازی» (Derewary) که بوسیله موتور حرکت می کند مسالران را جابجا و به مقصد می رساند. جاده اتومبیل رو خوبی هم بین مسجد سلیمان و درخزینه بنا شد که دائماً مورد استفاده عموم است. درخزینه از اهواز ۷۵ و از مسجد سلیمان ۵۰ کیلومتر فاصله دارد و در دشت همواری قرار گرفته که خود از مراکز مهم کشاورزی علمی شرکت نفت می باشد. موضوع جالب توجه در این صحاری وسیع، سرسبزی و خرمی آن است که تا چشم کار می کند سبز و منلو از گل‌های خودروی مختلف است.

حقیقتش این است که هدف اصلی این جاده‌ها برای رفع نیاز متدیهای شرکت نفت ایران و انگلیس است. ساکنین محلی هم می توانند از این جاده‌ها و وسایل نقلیه استفاده کنند. وسایل نقلیه فراوانی نیز در جاده‌ها بکار گرفته می شود. سازماندهی و کنترل این وسایل نقلیه در طول این جاده‌ها کار آسانی نیست. برای مثال ماشینهای حمل و نقل شامل باری، سواری ۴۶۷ دستگاه است که با تعداد ماشینهایی که به مسجد سلیمان رفت و آمد می کنند حدود ۱۰۰۰ دستگاه است و کمتر از این تعداد نیز در اهواز و آبادان است. قابل توجه است که ماشینهای باری مجهز به وسیله مخصوص بنام کنترل گراف هستند که به طور اتوماتیک وقت صرف شده (سرعت، زمان استراحت و فاصله طی شده) را در هر سفر روی کاغذ دایره‌ای شکل ثبت می کنند. ارزش این چنین وسیله‌ای برای وقت صرف شده، سرعت زیاد و مسیرهای اضافی رفتن است. رانندگان اتومبیلها و کامیونها اغلب ایرانی هستند که بوسیله شرکت آموزش دیده‌اند و تعدادی هم عرب و آمریکایی در بین آنها وجود دارد. در اهواز تعمیرگاه بزرگی برای تعمیر ماشینهای سنگین ساخته‌اند.

باید یاد آور شویم که در جاده‌های شلوغ مسجد سلیمان ترافیک ماشینها بوسیله آشکاران، بجای پلیس کنترل می شود. مثل میس هوس در لندن. این آشکاران تحت نظر افسران انگلیسی آموزش آتش نشانی دیده‌اند، و یونیفورم خاکستری رنگ می پوشند. حتی در میدان نفتون که مدرن‌ترین قسمت است جاده یکطرفه است. ممکن است این جاده در مسیر راهی باشد که اسکندر کبیر در سرراهش برای حمله به هند از آن گذشت. در مورد حمل و نقل این نکته باید گفته شود که کشتی‌های کوچک بخار که بین اهواز - درخزینه و آبادان - اهواز در حرکتند در آبهای ۵ تا ۳ پایی نیز می روند و دقت‌های لازم در مورد پیچ و تابهای کارون باید بعمل آید. در موقع سیلاب رودخانه ظفیان می کند و محل سوار و پیاده شدن را می پوشاند و گاهی وسوایات زیاد کار را مشکلتر می کنند.

و در پایان برای تکمیل مسئله حمل و نقل باید اشاره‌ای هم به کاروان نانکرها می که به آبادان می آیند داشته باشیم که نفت خام را به پالایشگاههای شرکت در لاناری، سوت ویلز، گرنگ موث،

اسکاتلند و محصولات تصفیه شده را به مراکز توزیع در سراسر دنیا می‌برند. کاروان کشتی‌ها شامل ۸۶ کشتی است که جمعاً ظرفیت ۷۸۲۰۰۰ تن را دارند که دارای تجهیزات مدرنی هستند. برای اینکه کشتی‌های بزرگ این کاروان بتوانند با ظرفیت کامل بارگیری شوند، در یوآرده، کانال جدیدی به خرج شرکت لایروبی شد (در مسیر شط العرب).

روزانه حدود ۱۰ کشتی وارد آبادان می‌شود، آزمایشات اکتشافی در نقاط ذورافتاده ایران انجام می‌شود، لوله‌هایی که نفت را حمل می‌کنند، مسیری طولانی دارند؛ در نتیجه شرکت مجبور است که ایستگاههای زیادی از تلفن و تلگراف و بی‌سیم را بکار گیرد. دو ایستگاه اصلی بی‌سیم وجود دارد که یکی در مسجد سلیمان و دیگری در آبادان قرار دارد که هر یک پنج دستگاه بی‌سیم بُرد کوتاه با آن در ارتباط است و این بی‌سیمها در ایستگاههای محلی قرار دارد.

از طریق خطوط لوله، شبانه‌روز نفت خام را از مسجد سلیمان به آبادان می‌فرستند. ارتباط تلفنی و تلگرافی بسیار با اهمیت و حیاتی است تا در موقع قطع لوله یا متوقف شدن پمپها هر چه سریعتر عملیات تعمیرات صورت پذیرد. پیامهایی همچون مقدار فشار، همق تانکرها، درجه حرارت و صدها ریزه کاری فنی دیگر که با اهمیت هستند، برای فرستادن نفت بطور مکرر از طریق تلفن و تلگراف داده می‌شود. هیچ یکاری اینهمه مراقبت لازم ندارد که این خط حیاتی دارد. این وسایل ارتباطی، ایستگاه راه دور آبادان که بزرگترین بندر صادراتی نفت در شرق است را قادر می‌سازد با تانکرها، نفتکش ارتباط برقرار کند و دستورات لازم را برای آنها صادر نماید. بین مسجد سلیمان که دارای صنعت عظیم تولید نفت در خاورمیانه است و آبادان، خطوط ارتباطی در حکم سیستم عصبی می‌باشد. بدون ارتباطات این تأسیسات با مشکلات فراوانی روبرو خواهد بود. مبلغی که باید به دولت ایران پرداخت شود از سال ۱۹۱۳ م. تا ۳۱ دسامبر ۱۹۲۸ بالای ۸ میلیون لیره استرلینگ بوده است که این مبلغ پرداخت شد. در مدت ۲۹ ماه در پایان ۳۹ دسامبر ۱۹۲۹ تخمین زده می‌شود که مبلغ حدود ۱۶ میلیون پوند باشد. از آنجایی که درآمد ملی در ۲۱ - ۱۹۲۶ م. در حدود ۱۶ میلیون پوند بود مشخص می‌شود که این مبلغ اساسی، بار پرداخت کنندگان مالیات را سبک‌تر کند.

شرکت نفت ایران و انگلیس سالانه در حدود ۲ میلیون پوند در قبال دستمزد و خرید کالاهای محلی می‌پردازد. منافع اقتصادی توزیع این همه حقوق در بین کارکنان تنها به حقوق‌بگیران ختم نمی‌شود بلکه افزایش قدرت خرید آنان، منافع زیادی هم برای بازاریان دارد و در نهایت به نفع مملکت است و محرکی است برای تولید بیشتر و واردات کالاهای مورد نیاز کشور.

جالبه توجه است که یادآوری شود به منظور مقابله با نوسانات هزینه‌های زندگی در بین کارگران

ایرانی مخصوصاً گران شدن گندم و آرد، شرکت تصمیم به انبار کردن طلا گرفت تا در موقع کمبود و گرانی، آنها را به بازار عرضه کند و با مستقیماً تجویل کارگران بدهد، تا قیمت‌ها تأثیر منفی در وضعیت زندگی کارگران نداشته باشد. حائز اهمیت است که شاه روشنفکر ایران از پیشتر مناطق تحت عملیات شرکت در ایران بازدید بعمل آورده و در دسامبر سال ۱۹۲۶ م. تعدادی از وزرای کابینه دولت ایران دیدار مشابهی داشتند.

دلایل محکمی وجود دارد که شاه و دولتش توجه خاصی به اقتصاد و منافع اجتماعی و اقتصادی دارند و ایرانیان از صنعت نفت و منافع آن که از این صنعت نوپا نصیب‌شان می‌شود راضی هستند. سیاست این شرکت اقتضا می‌کند که ارتباط خود را با مردم بهتر و بیشتر کند.

این شرکت سالانه گزارشی را در مورد مناطق نفتی ارائه می‌دهد و ترجمه قسمت‌های انتخابی آن را در ایران انتشار می‌دهد و بدین طریق در بین روشنفکران ایرانی، علاقه فراوانی برای پیشبرد و توسعه صنعتی و اقتصاد زنده کشورشان بوجود می‌آید.^۱

توسعه عملیات صنعتی و خدماتی :

هنوز از تبدیل نام میدان نفتون به مسجدسلیمان مدت زیادی نگذشته بود که معدن دیگری در سال ۱۹۲۸ م. در هفتگل که در ۵۸ کیلومتری جنوب شرقی مسجدسلیمان واقع است کشف گردید. این معدن بزرگی که ضخامت سنگ آلوده به نفت آن ۲۷۳ متر است در عمق شصده متری در زیر زمین قرار گرفته و طول آن ۲۷ کیلومتر و عرض آن قریب ۵ کیلومتر است. پس از کشف این معدن، چاه‌های متعددی در آن حفر گردید. در سال ۱۹۳۰ م. از شش چاه آن معدن نفت استخراج می‌شد. در همین زمان راه شومنه بین مسجدسلیمان - هفتگل با وسایل اولیه و قدرت ید کارگران بختیاری توسط پیمانکاران محلی ساخته شد و وسایل جدید حمل و نقل از قبیل اتومبیل‌های سواری و باری از این راه تردد می‌کردند. ناگفته نماند که هنوز هم از این جاده استفاده می‌شود. در سال ۱۹۳۰ م. خط لوله‌ای از هفتگل به کوه عبدالله کشیده شد که به خط لوله‌ای که از مسجدسلیمان به آبادان امتداد داشت متصل می‌گردید و در همان سال قریب به یک میلیون تن نفت از این معدن استخراج گردید. در این تاریخ گنجایش حمل خطوط لوله شرکت به روزی هفده هزار تن یا سالی شش میلیون تن بالغ گردیده بود. با اضافه شدن نفت استخراجی هفتگل، خطوط لوله نیز به موازات افزایش استخراج توسعه یافت.

تا قبل از ملی شدن نفت، قریب ۴۳ حلقه چاه در این منطقه حفر شد.

در سال ۱۹۲۹ م. با احداث دستگاه تقطیر و ایجاد خانه‌های کارکنان در ناحیه بی‌بی‌یان، آن ناحیه نیز به قسمتهای گذشته اضافه گردید و در این سال مساحت کل منطقه مسجد سلیمان به پنجاه کیلومتر مربع رسید.

ذیلاً میزان نفت استخراج شده از مسجد سلیمان و هفتگل نشان داده می‌شود:

سال	تن
۱۹۲۶ میلادی	۳۵۵۶۰۰۰
۱۹۲۷ میلادی	۴۸۳۲۰۰۰
۱۹۲۸ میلادی	۵۳۵۸۰۰۰
۱۹۲۹ میلادی	۵۴۶۱۰۰۰
۱۹۳۰ میلادی	۵۹۲۹۰۰۰
۱۹۳۱ میلادی	۵۷۵۰۰۰۰
۱۹۳۲ میلادی	۶۳۳۶۰۰۰
۱۹۳۳ میلادی	۷۰۸۷۰۰۰

در سال ۱۹۲۸ م. به پاس احترام به چاه شماره یک که طی دو دهه میلیونها پوند را نصیب دولت انگلیس کرده بود مراسم خاصی برگزار شد. در غروب یک روز پاییزی، شیپورچی انگلیسی شرکت نفت، با دمیدن در شیپور خود، مرگ این چاه را اعلام کرد. انعکاس صدای شیپور در کوهها، تنها فایده‌ای بود که بعد از بیست سال از سخاوت چاه به روستایان اطراف رسید. خبر این واقعه سرعت در لندن و همه محافل نفتی پیچیده اما هیچ‌کس را نگران نکرد بلکه همزمان جشن و شادمانی به افتخار چاههای جدیدتر برگزار شد.

اکنون در جلوی ساختمان مرکزی شرکت «بریتیش پترولیوم»، شیر اولین چاهی که در مسجد سلیمان به نفت رسید نصب شده است تا نشانه‌ای باشد از اقتدار شرکت B. P و دولت بریتانیا در ابتدای قرن بیستم. سال ۱۳۰۷ م. باشگاه گلف در محوطه بی‌بی‌یان بنا شد و همیشه جشنها و مراسمهای مختلفی در آن برگزار می‌شد. اهالی مسجد سلیمان ورزش گلف را از انگلیسی‌ها آموختند و به ترویج آن پرداختند.

از سال ۱۹۳۹ م. شرکت به فکر این افتاد که برای کارکنان ایرانی خود خانه و مسکن ساخته و رفاه و آسایش آنها را بتدریج فراهم آورد. در قسمت بهداشتی، تجهیزات زیادتری افزوده شد که بهداشت عمومی کارکنان شرکت را تأمین نماید.

سازمان اداری شرکت ۱

از آغاز اکتشاف نفت در مسجد سلیمان تا سال ۱۹۲۳ م. سازمان اداری شرکت دو مرحله مختلف را بشرح زیر طی کرد:

۱ - مرحله اول از ابتدای کار تا ۱۹۲۳ م. بود پس از آنکه نفت مسجد سلیمان استخراج شد یکی از بازرگانان انگلیسی مقیم هندوستان بنام وللوید، Sir. John. B. Lloyd ریاست شرکت استریک اسکان را در ایران داشت و چنانچه قبلاً گفته شد شرکت مزبور عهده دار امور اداری شرکت نفت در ایران بود. وللوید در سال ۱۹۱۳ م. به لندن رفت و پس از مدت کمی به عضویت هیئت مدیره شرکت نفت منصوب گشت. پس از او برای مدت هفت سال شخصی بنام «والپول»^۱ که او هم هندوستان دیده بود ریاست داشت. در سال ۱۹۲۱ م. سرآرنولد ویلسون و «جاکس»^۲ توأمأ این مقام را داشتند تا اینکه سال بعد سرآرنولد ویلسون عنوان مدیر مقیم شرکت استریک اسکات را حائز گردید و ریاست مطلق با او بود. به استثنای جاکس، ریاست امور شرکت نفت در ایران تا سال ۱۹۲۳ م. با کسانی بود که در هندوستان پرورش یافته و آلوده به افکار استعماری بودند و اینها از ابتدای امر شالوده‌های ریختند که بعدها تأثیر بدی در افکار عمومی و بخصوص بین کارکنان ایرانی شرکت داشت. درین مرحله از اقتدار حکومت مرکزی فقط نامی بیش نبود. خوانین بختیاری در شمال آن استان^۳ و شیخ خزعل از اهواز تا مرز جنوبی را در حیطه اختیار خود داشتند و شرکت برای حفاظت اموال خود و تأمین امنیت متوسل به لتوالهای محلی می‌گردید. قراردادهایی بین شوکت از طرفی و شیخ خزعل و خوانین بختیاری از طرف دیگر منعقد شده بود که بموجب آن هر سال شرکت مبالغی به آنها می‌پرداخت تا امنیت اطراف و جواتب حوزه عملیات شرکت را تأمین نمایند ولی در داخل محوطه عملیات، خود شرکت سازمانی داده بود و اداره‌ای داشت بنام «اداره تأمین» Security - office که وظایف آن عبارت بود از حفظ انتظامات و امنیت در داخل محوطه شرکت و برقراری تماس و رابطه با خان‌ها و شیوخ محلی و مأمورین دولتی و نظارت در کتراهایی که از طرف شرکت به اشخاص مختلف داده می‌شد و سرپرستی اموری که وابسته به روابط بین کارگر و کارفرما بود و اجاره و خرید اراضی و بطور خلاصه هر

۱- بازرگانی بود که در هندوستان ثروت زیادی از تجارت چای بدست آورده بود و بعد مدیر شرکت استریک اسکات شد.

۲- T. L. Jacks که بعدها مدیر مقیم شرکت نفت در تهران شد.

۳- استان خوزستان.

کاری که تماس بین شرکت و اهالی محلی را ایجاد می‌کرد. در تمام مدتی که آن را مرحله اول نامیده‌ایم شرکت کارهای خود را با دولت توسط سفارت انگلیس در تهران انجام می‌داد و فقط پس از برقراری نمایندگی شرکت در تهران در سال ۱۳۰۱ شمسی، تماس مستقیمی بین دولت و شرکت برقرار گشت. در این مرحله شرکت توجهی را برای ایجاد دستگاه تأمین خود در خوزستان می‌کرد، این بود که دولت مرکزی طبق فصل چهاردهم امتیاز داری معهد بوده است که اقدامات لازمه را برای حفاظت امنیت در حوزه عملیات شرکت و مراقبت از اموال و اثاثیه شرکت بنماید و چون از عهده این کار بر نمی‌آمد شرکت ناچار بوده است که خود وسائلی برای تأمین عملیات خویش فراهم سازد.

در این مرحله اول، کارکنان شرکت به قرار زیر بود:

کلیه کارکنان فنی و اداری و بازرگانی شرکت که مشاغل عمده و مسئولیت اداری داشتند همه انگلیسی بودند و کم و بیش کارکنان قسمت اداری انگلیسی‌هایی بودند که هندوستان را دیده و با افکار استعماری آلوده بودند. کلیه کارمندان دفتری و عمومی کارگران فنی و حتی پیشخدمتها و آشپزها هندی و پاکستانی بودند و فقط کارهای فیر فنی به ایرانیان محول بود. تنها کارگران فنی ایرانی عبارت بودند از یکجده بنا و نجار و عده معدودی که زیر دست هندیها و انگلیسی‌ها کارهای فنی آموخته بودند. معدودی ایرانیان هم به عنوان منشی و دبیرزاه^۱ استخدام شده بودند که کمی انگلیسی دانسته و سمت مترجمی داشتند. توجه شرکت برای این کار این بود که طبق فصل دوازدهم امتیاز داری که می‌گوید «صله و فعله باید رعیت اعلیحضرت شاهنشاه باشند» تمهید دیگری ندارد و علاوه می‌کرد که چون کارگران و کارمندان فنی بین ایرانیان یافت نمی‌شود بناچار آنها را از خارج می‌آورد و چون ایرانیانی که بزیان انگلیسی آشنا باشند، نادر هستند لذا برای کارهای دفتری هم از هندوستان استخدام می‌کند. ولی علت حقیقی اینگونه استخدام این بود که کارکنان هندی مطیع‌تر بودند و اگر هم اعتراضی بطرز استخدام خود می‌کردند به سهولت به خدمت آنها خاتمه داده و آنها را روانه هندوستان می‌کردند و بالاتر از همه، اولیای شرکت معتقد بودند که استخدام از چند ملت مختلف اختلافاتی را بین کارکنان شرکت ایجاد می‌نماید که بصره و به صلاح شرکت است. در تمام مدت این مرحله اول، شرکت هیچگونه اقدامی برای تربیت ایرانیان و آموختن کار به آنها نکرد و چون اولیای مافوق دولت هم اعتراضی به چنین روشی

۱- در آن ایام انگلیسیها به کارمندان دفتری که ایرانی بودند، میرزا می‌گفتند و این عنوان را از خوانینی که به منشی‌های خود «میرزا» می‌گفتند اقتباس کرده بودند.

نداشتند شرکت هر رویه‌ای را که می‌خواست تعقیب می‌نمود.

شرکت برای عموم کارکنان انگلیسی خانه‌های مناسب و با آمایشی در مسجد سلیمان ساخته و وسایل رفاهی آنها را کاملاً فراهم کرده بود. کارکنان هندی و پاکستانی هم در اطاق‌هایی که به شکل سربازخانه بنا شده و به آنها ده فونی و بیست فونی می‌گفتند مسکنی داشتند ولی برای ایرانیان، اهم از کارگر و کارمند، خانه و مسکنی ساخته نشده بود و آنها مجبور بودند در روستاهای اطراف در خانه‌هایی که بعضی اشخاص متفرقه در مسجد سلیمان ساخته بودند زندگی نمایند. این بود وضع مرحله اول عملیات شرکت و سازمان اداری آن تا سال ۱۳۰۳ شمسی.

۲ - مرحله دوم از موقعی شروع شد که نفوذ و قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر گردید و شیخ خزعل به تهران آورده شد و دخالت خوانین بختیاری در امور مسجد سلیمان قطع گردید و ادارات دولتی به تدریج در خوزستان ایجاد گشت. این مرحله کم و بیش تا موقع انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ م برابر با ۱۳۱۳ ش ادامه داشت. در این مرحله کارکنان ایرانی شرکت احساس می‌کردند که حکومت مرکزی سرپرست آنها می‌باشد و اندک اندک زیان به اعتراض گشوده و تقاضاهایی از شرکت می‌کردند و حاضر نبودند رفتاری که سابق با آنها می‌شد را دیگر تحمل نمایند. چند سالی نگذشته بود که راه شومنه تهران - خوزستان ساخته شد و تماس مرکز با این استان توسعه یافت. تحت هدایت و راهنمایی لُرد کدمن تحولی در طرز فکر متصدیان شرکت پدید آمد. دستگاه شرکت استریک اسکات برچیده شد و استخدام انگلیسی‌های هندوستان دیده، رو به تقلیل رفت. ولی مقامات مهم شرکت باز بدست همان کسانی بود که در مرحله اول وارد کار شده و مستقر شده بودند. جای مستحفظین را ژاندارمها و پاسبانان و سربازان گرفتند و کار پلیسهای شرکت محدود به نگهبانی اثاثیه و اموال شرکت در محوطه کار شد و مسئولیت امنیت نواحی مختلف عملیات شرکت را دولت مرکزی بعهده گرفت. بتدریج عده کارمندان ایرانی شرکت افزایش یافت و مؤسسه کوچکی در مسجد سلیمان از طرف شرکت برپا گشت که در آن بعضی کارهای فنی را بکارگران می‌آموختند. چند خانه‌ای در مسجد سلیمان برای کارمندان و کارگران ایرانی که سابقه زیادی در شرکت داشتند ساخته شد ولی اقدام مشابهی در آبادان بعمل نیامد. در این مرحله وضع بهداشت کارمندان و کارگران شرکت بهتر از سابق شد و شرکت در کم نمود که از کارکنان سالم و نیرومند استفاده بیشتری می‌توان کرد. دو سال پس از جنگ اول جهانی، آب لوله برای اهالی شهر تهیه شد و اصلاحی در وضع بهداشت شهر نمودند. در این مرحله سیاست حکومت مرکزی این بود که تسلط حکومت تهران بر استان خوزستان کاملاً مستقر گردد، ولی هیچ قدمی برای عمران و آبادی این استان برداشته نشد. دولت مرکزی هرگونه

تظاهرات اجتماعی و سیاسی مردم را با نهایت خشونت و سختی سرکوب می‌کرد. در سال ۱۳۰۸ شمسی وضع ناگوار کارگران نفت به اندازه‌های دشوار و سخت شده بود که دیگر توانایی تحمل برای آنها باقی نمانده بود. فقدان خانه و مسکن و دستمزد کم و هجوم مهاجران برای تحصیل کار، بالاخره منجر به اعتصاب شد. پس از اعتصاب مزبور دولت از شرکت خواست که بررسی دربارهٔ علل اعتصاب نموده و تعدیل در دستمزد کارگران بشود و پس از مدتی شرکت حاضر شد که حداقل دستمزد کارگران غیرنفتی را روزی پنج ریال^۱ و دستمزد کارگران نفتی را هم به همان تناسب بيفزاید. سالهای بین در جنگ اول و دوم جهانی سالهای ثبات و پیشرفت برای شرکت نفت ایران و انگلیس بود. اگرچه این شرکت و شرکتهای وابسته به آن در جستجوی نفت در سایر نقاط عالم بودند اما آنچه برای آن شرکت مهم بود، مسئله بالابش و فروش افزایش آن در مقیاس چهار فازهٔ جهان بود. نفت ایران هنوز نقش اساسی را در جهان ایفاء می‌کرد. با توسعه فعالیتها، نمودار سازمانی شرکت نیز در بریتانیا تغییر پیدا کرد و مستهای جدیدی ایجاد گردیدند. در مناطق غنیمت ایران پروژه‌های خانه‌سازی آغاز گردیدند. صد‌ها کیلومتر جاده احداث شد. لوله کشی آب به جریان افتاد و دهها هزار شیر لوله آب و تعداد قابل ملاحظه‌ای ایستگاههای تولید برق و مراکز بهداشت و درمانی ایجاد شد. مهندسين اقدام به ابداع تکنیکهای جدید نمودند، سیستم کنترل مخازن از طریق بررسی مکرر سطح آب و نفت و فشار گاز، موجب طولانی کردن عمر مفید مخازن گردید، زمین‌شناسان به دانش دقیقتری در مورد مناطق نفت‌خیز دسترسي پیدا کردند. از سال ۱۹۳۳ م که قرارداد جدید منعقد گشت تا سال ۱۹۳۱ م که رژیم بیست ساله پهلوی اول سقوط کرد شرکت نفت سابق با خیال راحت و بهره‌مندی کامل از مساعدت دولت به توسعه عملیات خود پرداخت و میزان استخراج چنانکه از ارقام زیر هنوید است روبه تزاید رفت:

سال	تن
۱۹۳۳ میلادی	۷۵۳۷۲۷۲
۱۹۳۵ میلادی	۷۴۸۸۰۰۰
۱۹۳۶ میلادی	۸۱۹۸۰۰۰
۱۹۳۷ میلادی	۱۰۱۶۸۰۰۰
۱۹۳۸ میلادی	۱۰۱۹۵۰۰۰
۱۹۳۹ میلادی	۹۵۸۳۰۰۰

۱- ارزش پنج ریال آن زمان، تقریباً معادل ۴۰۱ تومان امروز بود.

تن	سال
۸۶۲۷۰۰۰	۱۹۴۰ میلادی
۶۶۰۵۰۰۰	۱۹۴۱ میلادی
۹۳۹۹۰۰۰	۱۹۴۲ میلادی
۹۷۰۶۰۰۰	۱۹۴۳ میلادی
۱۳۲۷۴۰۰۰	۱۹۴۴ میلادی
۱۶۸۳۹۰۰۰	۱۹۴۵ میلادی

در سال ۱۹۴۴ م. از مجموع ۷۵۳۷۳۷۲ تن نفتی که بوسیله شرکت استخراج گردید، متجاوز از دو میلیون تن آن از معدن هنتگل و مابقی از مسجد سلیمان بدست آمد. صرف نظر از معدن تگزاس شرقی واقع در آمریکا، معدن هنتگل از حیث محصول، بزرگترین معدن نفت دنیا است.

در موقع عقد قرارداد ۱۹۳۴ م. تنها از معادن مسجد سلیمان و هنتگل نفت استخراج می گردید ولی از آن وقت به بعد عملیات کاوش با جدیت زیادتری تعقیب و بتدریج استخراج از معادن جدید آغاز شد. کسی پیش از آن که آتش دومین جنگ جهانی زبانه کشد یعنی سال ۱۹۳۶ م. در محل نفت سفید که سابقاً چشمه های نفت سفید^۱ نامیده می شد و در ۳۷ کیلومتری جنوب مسجد سلیمان واقع است حفاری آغاز و به کشف گاز منجر شد و نفت هم به مقادیر تجارتي بدست آمد. طول این معدن فریب به بیست و چهار کیلومتر و عرض آن شانزده کیلومتر است. در این محل تقریباً بیست سال قبل بمنظور یافتن نفت مجاهدتهایی بکار رفت که به نتیجه ای منجر نگردید.

در سال ۱۹۳۵ م. معدن آخاجاری و پازنان کشف گردید. از معدن آخاجاری از همان سال کشف، استخراج بعمل آمد. در سال ۱۹۳۶ م. از معدن گچساران که در سال ۱۹۳۱ م. کشف شده بود استخراج صورت گرفت.

در سال ۱۹۳۸ م. معدن نفت لالی واقع در شمال مسجد سلیمان کشف و معلوم گردید که قطر سنگ معدن آن ۴۶۵ متر است. استخراج از معدن لالی ۱۰ سال بعد صورت گرفت.

بطور خلاصه بین تاریخ امضای قرارداد جدید و آغاز جنگ دوم جهانی چهار معدن بزرگ نفت و یک معدن گاز کشف شد که مقدمات استخراج از معادن مزبور فراهم می گشت ولی کلیه محصول از مسجد سلیمان و هنتگل بدست می آمد. از سال ۱۹۳۶ م. تا آغاز جنگ دوم جهانی مقادیر

نسبتاً قلیلی نفت خام از مسجد سلیمان به خارج صادر گردید. از سال ۱۹۳۳ م. شرکت برنامه ساختمانی و ایجاد رفاه برای کارکنان را توسعه داد ولی باز هم تعداد منازل ساخته شده تکافوی همه کارکنان را ننموده و این برنامه محدود بود، و شامل همه کارکنان شرکت نمی گردید و تولید عدم رضایت بسیاری، بین آنانکه فاقد مسکن و خانه مناسب بودند می نمود.

بیمارستان مسجد سلیمان باز هم توسعه بیشتری یافت و شرکت در مانگاهاهی متعددی در مسجد سلیمان بنا کرد و جدیدت بسیاری برای تأمین بهداشت عیوم کارکنان خود می نمود. چند مدوعه ابتدایی در مسجد سلیمان ساخته و تحویل وزارت فرهنگ داد و تعلیم و تربیت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. بین رئیس که در آن وقت به ایران حکومت می کرد و شرکت نفت روابط حسنی برقرار بود. کارمندان و کارگران بواسطه تفضیقاتی که موجود بود جزئیات هیچگونه اعتراضی را نداشتند و شرکت هم جداگانه استفاده را از وضع آن وقت می نمود. به کارگران اجازه داده نمی شد که اتحادیه ای داشته و تقاضاهای مشروع خود را اظهار نمایند و از هرگونه اقدامی در این زمینه با نهایت شدت جلوگیری بعمل می آمد.

در آن سالها چون برای کلیه کارکنان ایرانی مسکن ساخته نشده بود، افراد در اطراف محل کار مآولینی برای خود می ساختند که با اجازه قبلی از مسئولان شرکت نفت عملی می شد و به این ترتیب روز به روز وسعت شهر افزوده شد و نواحی متراکم بوجود آمد و همزمان با افزایش جمعیت، لزوم احداث و توسعه تأسیسات شهری ضروری احساس شد و مسجد سلیمان در زمره شهرهای ایران درآمد.

در سال ۱۹۴۰ م. جمعیت شهر به ۲۵۰ هزار نفر بالغ گردید که در مساحتی به وسعت ۸۵۰ کیلومتر مربع و در نواحی پراکنده و دور از هم می زیستتاند.

در سال ۱۳۲۵ شمسی برابر با ۱۹۳۶ م. رضاشاه پهلوی دستور داد که سهام خوانین را دولت به قیمت عادلانه روز خریداری کند و وامهای شرکت را پرداخته، سهام را از گرو درآورد. وزارت دارایی این کار را کرد و هر سهم یک لیره ای خوانین بختیاری را به ده لیره خریداری کرد و ملک را هم از رهن شرکت خارج نموده و خود مالک شد.

چنانکه در فصل پیش گفته شد شرکت نفت سالی ۳۰۰ لیره به ایلخانی و حاج ایلخانی بختیاری به عنوان حق الحفاظه مؤسسات خود می پرداخت. موقعی که قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر گشت شرکت دو صد لیره برآمد که پرداخت این مبلغ را قطع نماید ولی چون در قرارداد اولی که بین خوانین و شرکت منعقد شده بود، شرکت از روی اشتباه و برخلاف مندرجات امتیاز داری متعهد شده بود که پس از خاتمه امتیاز، تأسیسات خود را در مسجد سلیمان مجاناً به خوانین

بختیاری واگذار نماید مذاکراتی با خوانین مزبور کرده و این تعهد را ملفی نمود و در عوض تعهد کرد که سالی سه هزار لیره حق الحفاظه را تا ختم امتیاز به آنها بپردازد. موقعی که وزارت دارایی سهام خوانین را خرید، حق دریافت سالی سه هزار لیره هم به دولت صلح گردید و از آن تاریخ به بعد دولت مبلغ مزبور را وصول می کرد.

قبلاً شرح داده شد که شرکت نفت برای جلب رضایت خوانین بختیاری سی و هفت هزار و سیصد و بیست و یک سهم (یکه لیره‌ای) در شرکت بهره برداری اولیه که یکی از شرکت‌های تابعه آن بود به آنها اختصاص داده بود که هر سال سود آن را دریافت می داشتند. باستثنای سهامی که خوانین بختیاری و دولت ایران و عده معدودی دیگر (که در ابتدای کار آنها هم ایرانی بودند و بعدها قسمت عمده سهام خود را به خارجیان فروختند که شرح آن گذشت) در این شرکت تابعه داشتند. اکثریت سهام در دست شرکت نفت ایران و انگلیس بود و مظنه‌ای هم برای سهام مزبور در بورس داده نمی شد ولی چون سود سالانه این سهام نسبتاً گزاف بود قسمت سهام مزبور (اگر بدست طالبین آن می رسید) بیش از قیمت اسمی آنها بود. پس از جنگ اول جهانی خوانین بختیاری سهام خود را به شرکت نفت وثیقه داده و باعتبار آن چند فقره وام گرفته بودند و در موقع دریافت سود سالانه هم اختلافاتی بین خوانین روی می داد زیرا چهار نفر بخانی که از طرف دیگران نمایندگی داشتند سود سهام مزبور را بگیرند، در تقسیم صحیح آن بین دیگران کوتاهی می کردند که منتهی به شکایت عدیده به دولت می شد.

جنگ جهانی دوم و مسجد سلیمان:

در جنگ جهانی دوم، حفاظت از تأسیسات یا استار گونی، شن و گشت زنی مداوم صورت می پذیرفت، حراست از تلگراف خانه و سایر مراکز حساس فکر مسئولین شرکت را مشغول کرده بود. در اوایل جنگ که استخراج و تولید نفت از حوزه‌های نفتی ایران کاهش عمده‌ای یافته بود، کلیه عملیات ساختمانی و توسعه مناطق نفتی متوقف و تمام توجه شرکت معطوف به تأمین وسایل دفاعی و حفظ پناهگاه‌های نفت گردید.

اطراف ایستگاه‌های تلمبه نفت را که در مسیر خطوط لوله واقع بوده سیم‌های خاردار کشیدند و حصارهای فلزی در سرتاسر تمام پناهگاه‌های نفت نصب شد. مقدماتی برای بنی مصرف ساختن

۱- در ابتدا خوانین بختیاری ۱۲۰۰۱۱ سهم در شرکت نفت بختیاری داشتند در سال ۱۹۲۴ م. که شرکت مزبور منحل شد و منضم به شرکت بهره‌برداری اولیه گردید سه درصد از سهام این شرکت که ۳۷۳۲۰۰ باشد درازای ۱۲۰۰۱۱ سهم مذکور به آنها واگذار گردید.

چاههای نفت فراهم گشته بود که اگر این حوزہ‌ها بدست آلمانی‌ها بیفتند، بتوانند در مدت کمی چاهها را منجمد و خراب کنند. پس از آنکه در سال ۱۹۴۰ م. پالایشگاه بحرین مورد هجوم آلمانیها قرار گرفت، چراغهای آبادان را شبها خاموش می‌کردند و تمام شهر در طول مدت جنگ خاموش بود.

البته این یکی از نتایج جنگ برای انگلیسی‌ها بود. سایر جنبه‌های زندگی هم بسیار تلختر شده بود. خانواده‌های کارکنان انگلیسی شرکت، در انگلستان بودند و بدین جهت اغلب آنها چه به علت مرخصی و یا به بهانه فرار از گرمای طاقت‌فرسای تابستان از مسجد سلیمان رفته بودند تا خانواده خود را از انگلستان خارج کنند و به محل مطمئن تری ببرند.

انگلستان مورد حمله شدید بمبارانهای آلمان بود. اغلب کارکنان انگلیسی، خانواده‌های خود را به هندوستان و یا آفریقای جنوبی فرستادند. شرایط زندگی در هندوستان از آنچه تصور می‌رفت بدتر بود. آغاز جنگ جهانی دوم که برابر شهریور ماه ۱۳۲۰ شمسی بود، انگلیسی‌های شاغل در مسجد سلیمان، از طریق فرودگاه یکمبه (بین مسجد سلیمان و هفتگل) به خارج از کشور فرار می‌کردند. در ۲۵ اوت سال ۱۹۴۱ م. برابر ۳ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. به نیروهای انگلیسی و روسی دستور داده شد، وارد خاک ایران شوند.

در جنگ شهریور ۱۳۲۰ ش. در مناطق (مسجد سلیمان) درگیری به این شکل بود که انگلیسی‌ها صبح زود در منزل و یاغچه رئیس منطقه اجتماع نمودند. (انگلیسی‌ها از جمله کارکنان ایرانی و هندی کار را تعطیل کرده بودند) بعد از آن پیامی از منطقه هفتگل به صوت دمز و با اصطلاحات حقاری دریافت گردید و طی آن خبر دادند که شش نفر بر ارتشی از طریق بمبئی وارد خاک ایران شده‌اند. ضمناً دو نفر پر دیگر نیز در اثر طوفان از بین رفته‌اند. تقریباً یکصد سرباز هندی وارد خاک ایران شدند و توانستند بدون خونریزی در مسجد سلیمان بر اوضاع مسلط شوند. فرمانده ایرانی سربازخانه در مسجد سلیمان تلاش کرد که به فرمانده انگلیسی تیراندازی کند. هفت تیر خود را به سمت فرمانده انگلیسی نشانه گرفت اما تیر او به خطا رفت و این امر باعث شد که خودش مورد هدف قرار گیرد. این تنها زخمی بود که در مناطق اتفاق افتاد.

بر روی یکی از کوههای اطراف خانه شماره یک علامت «V» به نشانه پیروزی و ویکتوریا با گچ توسط انگلیسی‌ها نوشته شد که ممکن است تاکنون اثر آن باقی باشد.

روز بعد سید نصر از سربازان ایرانی به مسجد سلیمان وارد شدند و در قسمت‌های مختلف

سنگرینی کردند و روی روی گاراژ مرکزی شرکت در ناحیه آفریمی مستقر شدند و شروع به جمع آوری همه وسایل حمل و نقل که در دسترس بود و می توانستند پیدا کنند نمودند. موفقیت برای انگلیسی ها خیلی عجیب و غریب شده بود. فرماتده ایرانی از مذاکرات با آقای لین، H. W. Lene که رئیس مناطق نفتخیز بود خودداری کرد. آقای لین یکی از کارمندان ایرانی شرکت به نام آقای قوامی را به عنوان میانجی انتخاب نمود. این شخص فعالیت زیادی در جهت رضایت بخش کردن اوضاع به نفع شرکت و انگلیسی ها کرده او نظامیان ایرانی مستقر در محل را قانع کرد که تعطیل پالایشگاه آبادان به این معنی است که اگر یک چاه از کنترل خارج بشود، نخستین کسانی که بر اثر مسومیت گاز چاه خواهند مرد، فقط نیروهای ایرانی مستقر در منطقه نفتی و در شهر خواهند بود.

به علاوه اگر تلمبه خانه آب مسجد سلیمان بسته شود همه کس، دوست یا دشمن از تشنگی خواهد مرد. این توضیح غیرلینی و دور از واقع از تأثیر کارسازی برخوردار شد و باعث جلوگیری از آسیب رسیده به چاهها یا تلمبه خانه های نفت و آب گردید. در طول روز ۲۷ ماه اوت سال ۱۹۴۱ م. تعداد ۹۶ نفر از اتباع انگلیسی در منزل شماره یک مسجد سلیمان که متعلق به مدیر مناطق نفتخیز بود زندانی شدند و غذا و آب برای دو هفته موجود بود. منزل دارای باغچه وسیعی بود و همه با هم زندگی می کردند. علیرغم سلیقه ها و نظرات مختلف در چنین مواردی انگلیسی ها نسبت به همدیگر همکاری داشتند و این همکاری را عملاً در اردوگاههای نازیها در زمان جنگ هم نشان داده بودند. کارها را بین خود تقسیم کرده بودند و برای این منظور در مورد نگهداری، ساعات کار، باز بودن یا بسته بودن، گروه تنظیفات، آشپزی، رختخواب اندازی و سایر کارها برنامه ریزی کردند. انگلیسی ها تختخوابهای خود را طوری قرار می دادند که به شکل OK به معنی خیلی خوب، در آمده بود. انتظار آنها زیاد طول نکشید. در روز ۲۸ اوت سال ۱۹۴۱ م. یکی از آنها بر روی دیوار و در مقابل در ورودی منزل شماره یک (منزل مدیر) این نوشته را کنده کاری کرد: ۹۶ نفر از کارمندان به اتفاق همسران آنها در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۴۱ م. در این خانه زندانی بودند و توسط نیروهای نظامی ایران به یک مقصد نامعلوم در ساعت ۸/۳۰ صبح روز ۲۸ اوت سال ۱۹۴۱ م. انتقال یافتند. بعدها این شعار کنده کاری شده را با یک پوشش شیشه ای برسم یادگار حفظ کردند.

هنگامی که انگلیسیها دیپلماتیوس قرار گرفتند تا به نقطه ای امن انتقال یابند یا احساسات فریاد می زدند در باره برمی گردیم. افسر ایرانی خوشحال از این که بالاخره انگلیسیها را از منطقه خارج می کند فکر می کرد که آنها بخاطر ادای احترام به وی ابراز احساسات می کنند. به همین

جهت با لبخند زدن و برداشتن کلاه خود به احساسات انگلیسیها پاسخ می داد. مقصد آنها اندیشکده بود اما قبل از آن که در اندیشکده در مهتابخانه شرکت که گنجایش هفت نفر را بیشتر نداشت مستقر گردیدند، متوجه جنگ اعلام گردید و به مسجد سلیمان مراجعت نمودند. در اوایل سال ۱۹۴۱ م. آقای جیمسن و یا آقای ژ. - ژ معروف که خط لوله اصلی نفت مسجد سلیمان آبادان را احداث کرده بودند به ایالات متحده آمریکا روانه گردیدند. به هرجهت آقای ژ. - ژ توانست دستگاههای جدیدی را طرح ریزی کند و آنها را از طریق کشتی های تجاری انگلیسی که مجهز به دفاع در مقابل حملات دشمن بودند روانه خلیج فارس کند.

از موقعی که جنگ دوم جهانی آغاز گشت و تا دو سال بعد از آن صنعت نفت ایران مواجه با اشکالات بسیاری گردید. پیشرفتهای سریع قوای آلمان در اروپا موجب شد، حاصله بین آغاز جنگ و هجوم ارتش متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ ش. فرصت بسیار مناسبی را برای ایران پیش آورد که نظریات خود را به شرکت قبولاند. متأسفانه این فرصت گرانبها هم از دست رفت و استفاده ای از آن نشد. هجوم ارتش متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ ش. در درجه اول برای این بود که راهی برای رساندن مهمات جنگی به روسیه بدست آورند ولی ضمناً نمی توان انکار کرد که حفظ صنعت نفت ایران برای متفقین هم نقش عمده ای را در این تهاجم داشت است و برای آنکه خوانندگان به اهمیت فوق العاده نفت پی ببرند، شرح زیر را از کتاب خاطرات جنگ سر ویستن چرچیل (جلد سوم صفحه ۲۲۲) نقل می کنیم: «احتیاج به رساندن مهمات جنگی و هر نوع لوازم و تدارکات دیگر به دولت شوروی و مشکلات عظیمی که راه دریای منجمد شمالی دربر داشت، توأم با امکانات سوق الجیشی آبدار، بطور آشکارا ایجاب می کرد که ارتباط کامل با روسیه از طریق ایران برقرار گردد. معادن نفت ایران یک عامل مهم جنگی محسوب می شد و ژنرال ستاد پیشنهاد کردند که عملیات محدود به جنوب باشد و برای این کار ما دست کم یک لشکر که از طرف نیروی هوایی کوچکی یاری شود لازم داشتیم تا بتوانیم معادن نفت را تصرف کنیم.

اگر روسیه دچار شکست شود ما باید حاضر باشیم که معادن نفت ایران را خودمان اشغال کنیم، نقل مطالب فوق آشکار می سازد که نفت ایران چه اهمیتی جزا در جنگ نداشته و علت تهاجم ارتشهای بیگانه به ایران تا چه حد مربوط به نفت بوده است.

پس از آنکه ارتشهای روس و انگلیس در شهریور ۱۳۲۰ ش. برابر ماه اوت ۱۹۴۱ م. به ایران حمله کرده و نقاط مختلف را اشغال کردند اقدامات حفاظتی در نواحی معادن و بخصوص در مسجد سلیمان و آبادان توسعه بسیار یافت. در نقاط مختلف شمال معازن یعنی مسجد سلیمان، گاوویل و بنزین اصفافی ساختند تا اتمیلهای ارتش متفقین که حامل لوازم و مهمات به روسیه

بودند، بتوانند مصرف خود را در همه جا حاضر داشته باشند. در سال دوم جنگ که معلوم شد نفت ایران باید مقادیر زیادی فرآورده های نفتی را برای متفقین تهیه نماید، توسعه شرکت دوباره آغاز گشت و دولتهای انگلیس و آمریکا تصمیم گرفتند که لوازم کار را به ایران ارسال دارند. شرکت در سال ۱۹۴۵ م. از معدن نفت سفید شروع به استخراج کرد. و خط لوله ای به قطر بین ۲۵ و ۳۰ سانتیمتر از معدن مزبور به نقطه ای بین اهواز و شوشتر که موسوم به «ویس» است کشیده شد. و به خط لوله بین مسجد سلیمان و آبادان متصل گردید.

این توسعه عملیات متضمن استیضاح کارکنان جدید بود که با عجله زیاد برنامه جنگی را به اتمام رسانند و در همان حال بر عده مستخدمین ایرانی شرکت افزوده گشت.

در اوایل جنگ که بیشتر عملیات جدید شرکت متوقف شده بود برنامه ساختن خانه و سایر وسایل و لوازم کارکنان هم قطع گردیده بود. همین که برنامه توسعه عملیات برای مقاصد جنگی شروع گشت و بر عده کارکنان شرکت افزوده شد جمعیت مسجد سلیمان رویه لژیونی گذاشت و قصبه منزل و مسکن بی نهایت مشکل گشت و هدم و ضایعات بین کارکنان ایرانی شرکت هم روزی روزی تراشد می یافت، تا اینکه بالاخره متعجباً به اعتصاب عمومی شد. پس از جنگ توسعه زیادی در صنعت نفت صورت گرفت و استخراج نفت افزایش یافت.

وضع اجتماعی کارگران و کارمندان ایرانی در زمان جنگ دوم جهانی و بعد از آن بسیار وخیم و نگران کننده بود و از حیث منزلت، آب و برق که از ضروریات حیاتی در هوای گرم خوزستان است بسیار در مضیقه بودند. هر جا هیئت اعزامی مشاهده می شد کارگران به وضع رقت باری از زندگی خود و احوال شرکت سابق شکایت می نمودند. در آن زمان وضع بسیار پیشانی در مراکز صنعت نفت حکمفرما بود و کارکنان هم از حیث منزلت در مضیقه بودند و هم از میزان حقوق که به هیچ وجه با قیمت های روز وفق نمی دادند شکایت داشتند و از تبعیض بین کارکنان ایرانی و کارمندان انگلیسی ناراضی بودند. بدین ترتیب وضع اجتماعی مراکز نفت خیز از لحاظ سیاسی و امنیتی، بسیار وخیم و از لحاظ زندگی، قسمت اعظم سناکتین آن نواحی فوق العاده رقت انگیز بود.

یکی از اقدامات اداره نفت بعد از خاتمه جنگ جهانی در ایران، تقلیل مستخدمین بیگانه شرکت سابق و جانشین ساختن کارمندان ایرانی به جای آنان بود که کم کم ایرانیان وارد مقطع کارمندی می شدند.

بعد از جنگ دوم جهانی شرکت شروع به تدوین برنامه آموزشی جهت تربیت کارکنان ایرانی کرد. البته بعد از آن یادداشتی که از طرف دولت ایران به شرکت داده شد و در قسمت طرح عمومی به جایی نرسید مقرر شد که ویژه کارمندان خارجی داده نشود. این امر باعث شد که

شرکت احتیاجات خودش را از لحاظ کارمندان خارجی به وزارت دارایی متمسک کند و وزارت دارایی تحقیق کند که آیا کارمندان ایرانی با تخصص مشابه وجود دارد یا نه و بعد برای آنها ویزا صادر می‌کرد. اولیاء شرکت نفت هیچگاه کارهای عملیاتی و فنی حساس را به ایرانیها محول نمی‌کردند. تقابداً از این بابت تخصص پیدا کنند و به فوت و فن کارها آشنا شوند یکی از علل اصلی که مانع افزایش تعداد ایرانیان متخصص در شرکت نفت شده بود همان طرز رفتار شرکت نفت انگلیس و ایران با کارمندان عالی رتبه ایرانی بود. برای اکثر ایرانیان که با همت بلند خود نمی‌توانستند توهین و تحقیر را تحمل کنند و از اشخاص با صلاحیت و با شخصیت بردند که لیاقت قابل توجهی در اداره کارها داشتند با وجود مزایای مادی، خدمت شرکت را ترک می‌گفتند و به کارهای آزاد و گاهی کارهای دولتی با حقوق و مزایای کمتری تن می‌دادند.

در ۵۶ کیلومتری شمال مسجد سلیمان معدن لالی قرار گرفته است که رودخانه کارون در وسط آن جاری است و مساحت آن ۶۳ کیلومتر مربع است. قبل از جنگ دوم جهانی و در اثنای جنگ، استعداد این معدن اندازه گیری شده و معلوم شده بود منبع مهمی است ولی تا پس از جنگ، نفتی از آن استخراج نشده بود. شرکت در سال ۱۹۳۶ م. برابر با ۱۳۲۵ ش. اولین چاه را در این معدن حفر کرده و به نفت رسید و پس از آن چاههای دیگری نیز حفر شد. در سال ۱۹۳۷ م. برابر با ۱۳۲۶ ش. خط لوله‌ای به قطرهای مختلف بین ۲۵ سانتیمتر و نیم و سی سانتیمتر و نیم از لالی به مسجد سلیمان کشیده شد که معدن لالی را به خطوط لوله مسجد سلیمان متصل نماید و در سال ۱۹۴۸ م. نیم میلیون تن نفت از این نقطه استخراج گردید. در سال ۱۹۵۱ م. از چهار حلقه چاه این معدن، نفت استخراج می‌گردید و محصول آن به ۷۵۰۰۰۰ تن در سال رسیده بود. نفت لالی عاری از گوگرد، ولی قدری سنگین بود و گفته می‌شد که پس از حفر چاههای دیگر محصول آن خیلی زیادتر خواهد شد. بهر حال توسعه و تکامل امور شرکت مرتباً ادامه داشت و معدن نفتی را نیز که در لالی واقع در شمال مسجد سلیمان کشف شده بود، باید طلیعه آتیه درخشانی بشمرد. رودخانه کارون، لالی را به دو ناحیه شرقی و غربی تقسیم می‌کند. وسیله ارتباط شرق و غرب شهر راه یکسره پل آهنی که در سال ۱۳۲۸ ش. بر روی رود ساخته شده است تأمین می‌کند و بین دشت لالی در ساحل چپ و عنبل در ساحل راست رودخانه ارتباط برقرار می‌نماید. این پل مسیر عمده کوچ سالانه قبایل بختیاری است که هنگام زمستان احشام خود را از کوههای بختیاری به نقاط کم ارتفاع می‌رانند و لالی یکی از مراکز تجمع ایل بختیاری است. در سال ۱۳۴۱ ش. در دشت لالی فرودگاهی توسط شرکت نفت بنا شد و خدمات هوایی فراوانی به کارکنان این منطقه ارائه نمود. حتی در آن سالها مانوری در فرودگاه مذکور به اجرا درآمد که بخود حاکی از اهمیت آن است.

شرکت نفت برای کارکنان خود و خانواده‌های آنها در این منطقه و در ناحیه هبل، مسکن، درمانگاه، باشگاه، سینما، دبستان، کودکان، بازار، استخر شنای مدرن، زمین تنیس، والیبال و غیره بنا نمود. هنگام اشغال ایران توسط قوای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ ش. و همچنین بعد از خاتمه جنگ دوم جهانی، مردم ایران به ماهیت بیگانگان از جمله انگلیس‌ها پی بردند و فهمیدند که آنها با ملت ایران دوست نیستند. در نتیجه آزادی نسبی که بعد از سالهای پایان جنگ به وجود آمده بود، احزاب مختلف در ایران تشکیل گردید.

کتابها و نشریات و مقالات زیادی منتشر شد و شروع به انشاء مطالبی در مورد دورهٔ اختناق از جمله کودتای رضاخان و چگونگی به سلطنت رسیدن وی نمودند. بدین ترتیب مشت دولت انگلیس و شرکت نفت انگلیس و ایران باز شد و مداخلات آنها در امور سیاسی و اقتصادی ایران روشن گردید. از طرفی با توجه به آزادی بیانی که ایجاد شده بود، کارگران توانستند وضع اسفناکه و بی‌شقتبار خود را تا حدی شرح دهند و با شرکت در اعتصابات به ویژه اعتصاب بزرگ ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ ش. کارگران آبادان و مناطق نفت خیز که قدرت عظیم آنها را برای گرفتن حق خود آشکار ساخت، شرکت را متوجه نمود که باید رویه خود را سریعاً تغییر دهد.

● نقل از روزنامهٔ اطلاعات، سه‌شنبه بیست و پنجم تیرماه ۱۳۲۵ ش.:

اعتصابات کارگران عیناً منعکس می‌شود:

در نتیجه اعتصابات در مراکز نفتی شرکت ایران و انگلیس، عدهٔ زیادی زخمی و جسمى کشته شدند. تقاضاهای کارگران در شهرهای بهم خوزستان باعث ایجاد اعلام حکومت نظامی شده است. محال انگلیسی مدعی هستند که اعتصاب فقط به دلایل کاملاً سیاسی ترتیب داده شده بود. در نخستین ساعات روز یکشنبه ۲۳ تیرماه، در آبادان، مسجدسلیمان، لالی، اهواز، آغاجاری و دیگر مراکز نفتی شرکت نفت ایران و انگلیس، کارگرانی که اعضای اتحادیه کارگران بودند، به یک اعتصاب عمومی بزرگ اقدام کردند و تمام کارگران از کار دست کشیدند و در نقاط اعتصاب، در باشگاههای اتحادیه‌های خود اجتماع کرده، درخواست کردند:

۱- شرکت نفت ایران و انگلیس از مداخله در امور سیاسی، خودداری کند و عساکر عرب را بر ضد کارگران اتحادیه برنماید.

۲- آقای مصباح فاطمی استاندار خوزستان به تهران احضار گردد.

اجتماع کارگران در مراکز نفتی آرامش را برهم زد و برای احادهٔ نظم، حکومت نظامی در اهواز، مسجدسلیمان، آبادان و بعضی دیگر از نقاط اعلام گردید.

هنگامی که آقای مصباح فاطمی استاندار خوزستان در تهران بودند، طبق تصویب‌نامه‌ای که از هیئت

وزیران گذشت، به ایشان حق داده شد، هر وقت که موقعیت ایجاد کند، حکومت نظامی اعلام کنند و اکنون نیز طبق این تصویرنامه، در مرکز خوزستان و دیگر شهرهای کارگری آن، مقررات حکومت نظامی اجرا می‌شود و طبق این مقررات است که در نفر از کارگران راه آهن یگانهای و گاوه و بیفرض، و با بلپانزده نفر دیگر در اهواز بازداشت کردند، زیرا بیم آن می‌رفت که در راه آهن جنوب نیز نظم و آرامش از میان برود، ولی طبق آخرین خبری که رسیده، این عده آزاد شده‌اند و اکنون در اهواز آرامش برقرار است. ما منتظر کسب اطلاعات زمینی از هیئت هشتم به ریاست آقای مظفر فیروز، معاون سیاسی نخست‌وزیر و عضویت آقای آرامش کفیل وزارت بازرگانی و پیشه و هنر و چند تن از نمایندگان حزب توده، که با هواپیما به سمت خوزستان رفته و اکنون در مسجد سلیمان و آبادان هستند.

● نقل از روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۲۵ ش ۱:

احتصاب کارگران نفت پایان یافت و عده کشتگان را مخبر اطلاعات بین ۳۰ و ۶۰ نفر تخمین می‌زند. کارگران به کار مشغول شدند، بشرط آنکه به تقاضاهای آنان رسیدگی شود. احتصاب در مراکز نفتی خوزستان پایان یافته و در این استان، بار دیگر آرامش برقرار گردیده است و هیئت هم که برای رسیدگی به اوضاع خوزستان به ریاست آقای مظفر فیروز معاون سیاسی آقای نخست‌وزیر و عضویت آقای آرامش کفیل وزارت بازرگانی و پیشه و هنر و آقای ورزی باوزر می‌مخصوصاً نخست‌وزیر و آقای تقی مدیرکل وزارت بازرگانی و پیشه و هنر و آقای حمید رضوی رئیس اداره اطلاعات و خبرگزاری پارس و آقای فرشید مدیر روزنامه دنیای امروز، به نمایندگی عده‌ای از جراید تهران به اهواز رفته بودند، پس از رسیدگی به تقاضاهای در محل، دیشب ساعت ۸ به تهران وارد شدند. آقای تقی برای تحقیقات بیشتری در خوزستان توقف نموده‌اند و آقایان دکتر رادمنش و دکتر جودت، نمایندگان شورای اتحاد مرکزی که به همراهی هیئت اعزامی به مسجد سلیمان و آبادان رفته بودند نیز در خوزستان هستند. از خبرهایی که از جنوب رسیده، هنوز تصویر روشنی از حقیقت اوضاع بدست نمی‌دهند و گزارشات مخبرین ما از نظر آنکه تحقیقات مأمورین دولت نیز کامل نیست نمی‌تواند جریان واقعی و چگونگی شروع زدو خورد و عده حقیقی زخمیها و کشته‌شدگان را بدهند. در این حوادث اعراب بیشتر مسلح به کارد، خنجر بوده و اسلحه گرم هم داشته‌اند، تولید نفت در ایران به میزان بیش از سایر قسمت‌های خاورمیانه افزایش یافته بود، در حالی که مسجد سلیمان همچنان به عنوان پایتخت مناطق نفتخیز محسوب می‌شد.

در حال ۲۳-۲۵ ش ۱ که مسجد سلیمان همچنان مرکز کل مناطق نفتخیز ایران بود و از نظر امکانات

زندگی و وجود تکنولوژی همپای مراکز صنعتی اروپا به شمار می‌رفت، شهرهای فعلی اینده، باغملک و شهرکرد، روستاهایی با جمعیت هفتاد تا هشتاد نفر بودند و در آن روستاها، آلائی از آبادانی و صنعت به چشم نمی‌خورد.

مسجد سلیمان، هفتگل و آبادان دو آن روزها میدان به جوامع بزرگی مانند شهرهای انگلستان شده بودند. برای هر نوع علاقه، یک تفریح وجود داشت. از بازیهای تئیس، گلف و فوتبال تا تیراندازی، اسکواش، قایق سواری، پریم، بولینگ، عکاسی، نقاشی، تئاتر، هنرهای دراماتیک و پارتنی های شبانه همه در دسترس بودند. با این تفاوت که دسترسی به این نوع تفریحات در انگلستان مستلزم پیسودن بعد مسافت زیادی بود.

شرکت نفت برای اعلام، آغاز و خاتمه کار از آژیر صوتی که به لفظ انگلیسی به آن فیدوس **Faidus** می‌گفتند استفاده می‌کرد.

محل‌های به صدا درآوردن آژیر در اداره آتش‌نشانی، چشمه علی، بین بی‌بیان و تجمی بوده ساخت چهار بعد از ظهر یا صدای فیدوس (آژیر) انبوه کارگران با بویلر صوتی **Boiler Suit** (لباس کار) آبی رنگ پیاده و یا سوار بر دوچرخه در حالی که سپرتاس (ظرف سفری مخصوص حمل غذا) دو یا سه طبقه و دول آب در دست داشتند به سوی خانه روان می‌شدند و شهر از حالت یکجا نواختی بیرون می‌آمد.

بعضی از کارگران در سر راه دسته‌های سبزی خوردن می‌خریدند تا عصرانه خود را تداوم ببینند. غذای دیگر هندوانه، رطب و خیار ترنگ (چنبر) می‌خریدند. مغازه‌ها غالباً وقت کار خود را با آغاز کار کارگران روز کار تنظیم می‌کردند. کاسب‌ها در زمستان از ساعت ۷ صبح تا ۱۲ ظهر و در بعد از ظهرها از ساعت ۴ به بعد مغازه خود را باز می‌کردند.

حقوق کارگران هر دو هفته یکبار پرداخت می‌شد و قبل از دریافت وجه بین کارگران «چتی» **Chety** (کارت کوچکی که مبلغ حقوق بر روی آن درج شده بود) توزیع می‌گردید. حقوق کارگران تقیاً و در پاکتهای جداگانه با ارائه چتی به هر یک از آنها پرداخت می‌گردید. وقتی که شرکت تصمیم می‌گرفت به حداقل دستمزد روزانه کارگران مبلغی معادل یک یا دو ریال اضافه کند شایعه آن در بازار و شهر می‌پیچید. بازاریان خوشحال بودند که کارگران بیکه پیسه **Back Pay** (مقدار پولی که از تاریخ تصویب اضافه دستمزد تا تاریخ پرداخت عملی آن به

کارگران پرداخت می شد که معمولاً چندین ماه طول می کشید. حقوق خود را خرید خواهند کرد. شمار اهل خانه هم این بود. امروز معاشه و بنگها پر آتش.

در تابستان شروع کار از ساعت ۶ صبح و بطور یکسره تا ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر بود. پنجشنبه ها تا ساعت ۱۲ ظهر کار می کردند. بین ساعت ۱۰ تا ۱۰/۱۵ صبح یک ساعت استراحت بود که به لفظ انگلیسی به آن «بریک» Brake می گفتند. صبحها به استثنای روزهای تعطیل سه ربع ساعت قبل از شروع کار سه آژیر که به آن لیدوس اول^۱ می گفتند به صدا در می آمد. پس از گذشت نیم ساعت مجدداً دو آژیر و در ساعت ۶ صبح یک آژیر یا لیدوس آخر زده می شد.

اگر کسی بعد از به صدا در آمدن آژیر آخر به محل کار می رسید جریمه می شد و پشت دروازه های ورودی می ماند. تا از رئیس واحد وی اجازه ورود کسب گردد. در غیر این صورت، آن روز جریمه می شد. جیره یخ کارگران در تابستان ربع قالب (یک چهارم قالب) در روز بود. ماشینهای باری حامل یخ از ساعت ۳ صبح در محلهای مختلف منازل مسکونی مستقر می شدند و یخ را بین کارگرانی که قبلاً کوبن یخ در حالت کرده بودند توزیع می کردند. کارگران یخ را معمولاً در گونی و یا در صندوقهای چوبی که بدنه آنها از پوشال چوب و ورق آهنی گالوانیزه پوشیده شده بود به نام صندوق یخی نگهداری می کردند.

به هر تقدیر انگلیسیها به موازات استفاده از منابع سرشار نفت ایران به طرز بی موزیانه فرهنگ و زبان و آداب روزمره خود را بخصوص در محیط کار و در معاشرت های کارکنان بختیاری اشاعه می دادند.

در غالب مناطق مسکونی کارگری و شخصی لوله کشی آب وجود نداشت. در سر هر ردیف خانه که اصطلاحاً به لفظ انگلیسی به آن «لین» Line می گفتند یک شیر فشاری آب بود که به آن «بمبوه» Bambo می گفتند. زنها و دخترها ظرفهای خالی آب خود را در صف قرار می دادند تا به نوبت پر شود. غالباً بین زنها مشاجره می شد و گاهی منجر به زدوخورد می گردید. شیرهای فشاری آب به محل بختیهای اجنماعی هم بود و چه بسا متج به آشنای خانوادها و سرانجام خواستگاری و عروسی می شد.

بعد از جنگ دوم جهانی نیروهای افسرانگر انگلیس بر اساس تاریخ مورد توافق از ایران خارج شدند ولی روسها همچنان در خاک ایران باقی ماندند. میزان ذخائر انگلیسیها از نظر مواد و کالا و همچنین سایر مایملک خیلی زیاد و روابط شرکت با دولت ایران حسنه بود.

۱- کارگران لیدوس اول را در زبان بختیاری «شیت اوله» و آژیر آخر را هم «شیت اخیره» می گفتند.

خفلیت شرکت در ربط دادن صنعت نفت با اقتصاد عمومی کشور.

یکی از بزرگترین خیطهای شرکت نفت این بود که نمیخواست صنعت نفت ایران ارتباطی با اقتصاد عمومی کشور حاصل نماید و در اثر این خفلیت و خیط عظیم عملیات آن همیشه مجزا و مستقل از امور اقتصادی کشور قرار گرفته بود. از ابتدای امتیاز داری تا بیست سال بعد از آن که قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر گشت هیچگاه شرکت سعی نکرد که از محصولات داخلی ایران استفاده نماید و کلیه لوازم خود و کارکنانش را از خارج وارد می کرد. هدر و بهانه شرکت این بود که خوزستان با سایر نقاط ایران رابطهای ندارد و فقدان راه و راه آهن بین خوزستان و سایر نقاط مانع از این است که شرکت از فرآورده های داخلی ایران استفاده نماید. معینا پس از آنکه راه شوسه خرم آباد ساخته شد و راه آهن سراسری ایران هم ایجاد گشت باز همین رویه ادامه داشت.

این قضیه را با چند مثال بهتر می توان آشکار ساخت. شرکت مغازه هایی در مراکز عمده خود داشت که کلیه مایحتاج کارمندان را از خارج وارد کرده و در آنها می فروخت. تا موقع عقد قرارداد ۱۹۳۳ م کالاهایی که در این مغازه بفروش می رسید، اختصاص به کارمندان انگلیسی داشت.

یکی از کالاهایی که مورد احتیاج مبرم کارکنان واقع می شد میوه بود که اگر شرکت ترتیبی می داد تا هفته ای یک بار هواپیمای شرکت به اصفهان و همدان یا تهران رفته و مقداری میوه تازه و خوب آورده بفروش رساند هم کمک بزرگی به کارکنان شرکت که مصرف کننده بودند و هم به تولیدکنندگان میوه در نقاط شمالی و مرکزی ایران می بود.

اینها البته چیزهای جزئی بود که بعدها خود بخود اصلاح شد. بدین معنی که مقدار زیادی نوشابه ساخت تهران به خوزستان حمل و به فروش می رسید و اتومبیلهای باری متعددی میوه زیادی از اصفهان آورده و در بازار مسجد سلیمان می فروختند.

در قسمت زراعت و کشاورزی نیز شرکت می توانست کمکهای عمده ای به اهالی خوزستان بنماید تا از محصولی که به عمل می آمد مستخدمین آن بهره مند گردند ولی از این کار خفلیت کرد.

از گاز نفت می توان صنایع شیمیایی بزرگی را برآورد ساخت. شرکت نفت از بهر دادن گاز نفت زمینهای بسیاری به ایران وارد ساخت و اگر مثلاً کارخانه های برای تهیه کود شیمیایی در مسجد سلیمان ایجاد کرده بود چه اندازه در اقتصاد کشور مؤثر می شد و چقدر از گاز نفتی که به هدر می رفت استفاده می کرد.

کارهای سودمندی که شرکت می توانست انجام دهد و صنعت نفت را در اقتصاد کشور وارد نماید،

یکی دو تا نیست و شرح کامل آنها به‌خرازا خواهد گشتید
 هفتتایی متصدیان امور.

یکی از هفتتایی که در گذشته متصدیان امور مرکب شدند، این بود که اغلب متصدیان امر و کسانی که باید امور مربوط به شرکت نفت را رسیدگی کنند، از وضع خوزستان بی‌اطلاع بودند و حتی برای یک مرتبه هم این استان را ندیده بودند و عظمت صنعت نفت را که در تمام شئون افاری، سیاسی و اقتصادی این استان مؤثر بود، درک نکرده بودند. شهر مسجد سلیمان، استحقاق این را داشت که بهترین مأمورین دولت به این منطقه اعزام شوند تا در مقابل خارجیان ابراز شخصیت نموده و حقوق مآکین نقاط مزبور را (چه آنهایی که در استخدام شرکت بودند و چه دیگران که نبودند) حفظ نمایند. متأسفانه به این نکته فوق‌العاده مهم در تمام مدت امتیاز اندک توجهی نشد و اغلب واحوردهای وزارتخانه‌ها به مراکز نفت مأمور می‌شدند که به هیچ وجه صلاحیت نداشتند. هفتت دیگری که در گذشته می‌شد، این بود که هر وقت اختلافی با شرکت نفت روی می‌داد متصدیان امر آن را پنهان می‌کردند و از انتشار آن خودداری می‌کردند در صورتی که اگر مردم را از آن مطلع می‌ساختند و افکار عمومی را به پشتیبانی خود تجهیز می‌کردند، در مقابل بیگانگان بهتر می‌توانستند ایستادگی کنند و مقاومت نشان دهند. هفتت دیگر این بود که دولت مراکز نفت، برای مأمورین خود خانه و مسکن نداشت و خانه‌های مناسبی هم برای اجاره موجود نبود. مأمور دولت فوری پس از ورود به مسجد سلیمان محتاج به این بود که خانه‌ای از شرکت بخواهد و مهبل و اثاثیه مطالبه کند و دستگاه سردکننده هوا و یخچال و غیره را تقاضا نماید اینگونه تقاضاها که اغلب با اسما که مورد قبول شرکت واقع می‌گشت، مأمور مزبور را تا اندازه‌ای بدون اخلاقی شرکت می‌نمود و چنین مأموری، دیگر آن شخصیت لازم را در مقابل شرکت نداشت. دولت نمی‌بایستی از ابتدای امر به تعداد مأمورین خود خانه از شرکت تقاضا کند و بدون دخالت شرکت خانه‌ها را به تناسب مقام و رتبه مأمورین خود به آنها تخصیص دهد. البته شرکت در مقابل تقاضای دولت اشکالات بسیار می‌تراشید و متعلو می‌شد که کارکنان آن بی‌خانه هستند و حق اولویت دارند. ما گفته نماند که از ابتدا تا سال ۱۳۵۷ ش. شرکت نفت حتی به ژاندارسها و پاسپانهای شهرتایی هم جیره می‌داد و آنها از کلیه امکانات شرکت استفاده می‌کردند.

آنهایی که در مسجد سلیمان بودند می‌دانند که دادن خانه از طرف شرکت به مأمورین دولت چه نفعاتی را برای مأمورین مزبور ایجاد می‌کرد و چه اندازه برای مأمورین پاکدامن، ناگوار بود که زیر بار منت شرکت بروند.

رفزاری که شرکت با کارکنان خود می‌نمود :

از آغاز فعالیت‌های شرکت و کشف نفت در مسجد سلیمان تا سال ۱۳۰۸۶ ش. حداقل دستمزد کارگران شرکت نفت از روزی چند ریال تجاوز نمی‌کرد. پس از این تاریخ حداقل دستمزد آنها به پنج ریال افزایش یافت و این مبلغ تا اوایل جنگ دوم جهانی با اندک تغییری برقرار بود.

بین سال ۱۳۱۵۶ و ۱۳۲۰ ش. شاخص کل هزینه زندگی تقریباً دو برابر و نیم شده بود ولی دستمزد کارگران نفت به همان پایه سابق مانده بود، موقعی که ارتش‌های بیگانگان به ایران هجوم آورده و تقریباً تمام کشور را اشغال کردند بواسطه تورم پول و کمیابی کالاهای خارجی و احتکار کالاهای داخلی و عروج و مرج اقتصادي که حکمفرما گردید. هزینه زندگی با سرعت عجیبی بالا رفت و در سال ۱۳۲۳ ش. شاخص کل به ده برابر آنچه در سال ۱۳۱۵۶ ش. بود، رسید.

کارکنان نفت هم مانند سایر مردم در مصیقه غریبی قرار گرفته بودند و چون با حضور ارتش خارجی وسیله اعتراضی نداشتند، مشقت و سختی را تحمل کرده و ساکت بودند. لکن در آن وقت ارتش‌های آمریکا و انگلستان محتاج به کارکنان و مستخدمین فنی بوده و حاضر بودند که دستمزد بیشتری بدهند و عده‌ای را استخدام نمایند. این احتیاج تولید، رقابتی بین ارتش‌های بیگانه و شرکت نفت ایجاد کرد که لازم بود خاتمه یابد. لذا شرکت در سال ۱۹۴۲ م. یک قرارداد بر دستمزد کارگران افزود و جیره نان و قند و شکر رایگان به آنها داد و ضمناً با اولیای ارتش‌های بیگانه فراری گذاشت که دستمزدها را ثابت نگاهداشته و رقابت در استخدام را قطع نمایند. اضافات مذکور موجب شد که حداقل دستمزد به چهارده ریال افزایش یابد ولی ترقی روزافزون هزینه زندگی و کاهش ارزش پول ایران و کمیابی مایحتاج و از همه بدتر کرایه گزاف مسکن اضافات مزبور را خنثی کرد و کارکنان شرکت باز دچار مصیقه سختی بودند. برنامه خالص سازی شرکت هم در ایام جنگ دوم جهانی متوقف شده بود و از طرفی افزایش عده کارکنان و از طرفی دیگر کمی خانه‌های مسکونی مناسب، تقاضا را بر عرضه طلبنداده و مصیقه غریبی برای کارکنان ایرانی شرکت در مسجد سلیمان و سایر مناطق فراهم ساخته بود.

کمی دستمزد، فقدان مسکن، محدود بودن آزادی مردم در ایام جنگ، افزایش هزینه زندگی، دلخوری‌های ایام گذشته، بودن قوانینی که حقوق کارگر را حفظ نمایند، خفقت اولیای امور، وضع را برای نهضت و قیام کارگران فراهم ساخت و زمینه فوق‌العاده مساعدی برای حزب توده ایجاد شده بود که عملیات خود را در سالهای آخر جنگ در خوزستان شروع نماید و کارگران مستعد هم با آغوش باز پیشوایان و عمال آن را استقبال نمودند. در بین کارمندان هم عدم وضاحت شدیدی در آن ایام حکمفرما بود. آنها هم گرفتار افزایش هزینه زندگی و گرانی مسکن و

بعضات گوناگونی بودند.

انگلیسی‌ها راضی نمی‌شدند. کارگر ایرانی در سایه این تأسیسات تحت قوت لایموت خلافت باشد. شرکت نفت این مملکت را گرفتار فقر و جهالت ساخته بود تا کارگران ارزان استخدام کند و از نشناختن سالم و با لوله هم که مطالبه حق کنند، خیری نبود.

انگلیسی‌ها در سهامی استعماری را به خوبی در کشورهایمانند هندوستان و سایر مناطق فراگرفته و تجربه کرده بودند و نمی‌خواستند بطورب تلخ خورشدهای آن مملکت در ایران تکرار شود. انگلیسی‌ها با انجام بعضی اصلاحات ظاهرفریب در مناطق نفت‌خیز و ایجاد مراکز تفریحی و تباد و ذوق و برقعار و برپایی سحائل آن چندی، طوری واقف گردیدند مثل اینکه این خوزستان بیکه بیابانی بوده مثل رنگارهای آفریقا و در آنجا هیچ چیز نبوده جز بیکه ملت مردم لغت و برهنه و آنها آمدند و تمدن را به این منطقه آوردند. در صورتی که بیکه نژادگاورومطای تمدن بشری همین خوزستان بوده است. خرابه‌های فروش و آثاری که از آنجا بدست آمده و موجود است نشان می‌دهد که خوزستان تا چه اندازه آباد بوده است. اگر این منطقه از نظر انگلیسی‌ها بیکه بیابان خشک و بی آب و حلف بوده فقط برای این است که کارگر لوزان برای استخراج نفت در دسترس داشته است. هر کارگر ایرانی که در استخدام شرکت بود وضع زندگی او را طوری رقم می‌زدند که وضع گذران و زندگی وی منحصر به همان حقوق شرکت و اجیاً خانه شرکتی دو اطاله شود (که هنگام بازنشستگی، همان خانه دو اطاله را نیز از او پس می‌گرفتند) و از آنها هرگونه استفاده‌های می‌کردند. در حقیقت خود و خانواده آن کارگر و یا کارمندی ایرانی را اجیر و جبرمخوئر و در نهایت طرفدار، باز می‌آوردند. کارگر نیرویش را و کارمند روحش را به آنها می‌فروخت. اگر کارگری بازنشسته می‌شد طولی نمی‌کشید که فوت می‌کرد و عمر دوران بازنشستگی خیلی کوتاه بود. شرکت نفت ایران و انگلیس وضعی پیش آورده بود که غالب ملت ایران حلالند بودند، کارمندی و یا کارگر آن بودند و شماره کارگری یا کارمندی شرکت را که بیشتر فیه به شماره زندانیان بود تا شماره شناسایی، بر روی جیب لباس کار خود نصب کنند. کشاورزان و صنعتگران اصلهائی و شهرکردی، بختیاری، چهارمحالی و یزدی، با قاطر از راه اینها مال امیر و بازلت به مسجد سلیمان می‌آمدند و کشاورزی و صنعتکاری را رها می‌کردند تا در شرکت به شغل‌های فراشی، باغبانی، یارکاره فیر و کارگر ساده استخدام شوند و تاخوه آگاه تحت تأثیر فرهنگ استعماری غرب قرار می‌گرفتند و از جامعه سنی خود جدا می‌شدند.

شرکت نفت انگلیس و ایران در طول حیات خود اجازه نداد ایرانیها در رأس مشاغل حساس قرار گیرند و مانع می‌شد که ایرانیها فوت و فن استخراج نفت را یاد بگیرند. اگر به بیکه ایرانی مثل

نسبتاً مهی می دادند باید کاملاً از وی اطمینان حاصل می کردند که در جهت منافع آنها عمل می کند. اما نبوغ و هوش فوق العاده ایرانی ها باعث شد که در کاری که انجام می دادند مهارت بسیاری از خود نشان دهند. در طول شش سال جنگ جهانی دوم در کارگاه مرکزی مسجد سلیمان، ایزاری ساختند و تعمیر کردند که برای انگلیسی ها قابل تحسین بود. شاید به دلیل همین نبوغ و ابتکار ایرانی بود که انگلیسی ها از واگذاری کارهای حساس به آنها خوف داشتند.

• توسعه فرهنگ از سال ۱۹۰۹ تا سال «۱۳۲۹ شمسی» :

عده زیادی از ایرانیان که دبیرستان را تمام کرده و با زبان انگلیسی هم آشنایی داشتند حاضر و مهای این نموده بود که در شرکت استخدام شده و جای کارمندان خارجی که مشاغل فنی نداشتند بگیرند ولی شرکت ترجیح می داد که هندی ها را برای کارهای دفتری و حسابداری و غیره استخدام کند و از استخدام ایزانیان خودداری نماید. این جانبداری بی جا و بی مورد عده زیادی از ایرانیان را که در جستجوی کار بودند محروم از شغل کرده و عصبانی کرده بود. یک عده مشاغل مانند انبارداری و نظارت در ساختمان و تقسیم خواربار و غیره در شرکت بود که ایرانیان می توانستند به سهولت انجام دهند ولی شرکت حتی برای اینگونه کارها هم کارمند انگلیسی استخدام کرده بود.

از حیث حقوق ماهیانه و حقوق پازنشستگی و مسکن و تسهیلات اجتماعی تفاوت محسوسی بین کارمندان ایرانی و خارجی برقرار بود که عدم رضایت شدیدی ایجاد می کرد. تمام کارمندان انگلیسی شرکت حتی آنهایی که کارهای دفتری می کردند جزو کارمندان عالی رتبه به حساب آمده و قسمت عمده کارمندان ایرانی عنوان کارمند جزم را داشتند. عضویت باشگاههای عمده شرکت، حق رفتن به سینمای درجه اول، سوار شدن در اتوبوسهای مخصوص، استفاده از مغازه های شرکت که کالاهای اروپایی داشت، استفاده از بعضی از زمینهای ورزشی و استخرهای شنا فقط اختصاص به انگلیسی ها و معدودی از ایرانیان عالی رتبه داشت. این تبعیض های ناروا عموم کارمندان ایرانی شرکت را عصبانی و رنجیده می ساخت.

سیاست شرکت این بود که خارجیان را در زندگی اجتماعی از ایرانیان جدا نگاه دارد و امتزاج آنها را تشویق نکند و تفوق نژادی برای انگلیسی ها قائل شود و حتی در بیمارستان اطالهای مخصوصی برای انگلیسی ها اختصاص داده شده بود که کارمندان ایرانی به آنها راه نداشتند.

بطور خلاصه موقعی که جنگ تمام شد و ارتش های انگلیس و آمریکا از خوزستان خارج شدند وضع سخت و پر مشقت کارگران و کارمندان ایرانی شرکت، باندازه های ناگوار بود که همه خشمگین و همه حاضر برای این بودند که بهر قیچی هست وضع را تغییر دهند. عملیات حزب

توده در خوزستان از اوایل سال ۱۳۲۱ ش. شروع شده بود ولی پیشوایان حزب برای آنکه وقفه‌ای در رساندن مهمات به روسیه شوروی روی ندهند اقدامات خود را محدود به ایجاد سازمان حزبی و تشکیل اتحادیه کارگران کرده بودند که قسمت عمده آن هم پنهان و در خفا بود. در سال ۱۳۲۳ ش. سازمان آنها توسعه یافت و هلنی گردید و همین که ارتش انگلستان از ایران خارج شد فعالیت آنها شدیدتر و بر ملا گردید.

کارگران و کارمندان شرکت، هیچ توجهی به مقاصد باطنی حزب توده نداشتند و سازمان حزب را تنها ملجأ و پناهگاهی برای خود تشخیص داده بودند که مدعی اصلاح وضع آنها بود. پس از خاتمه جنگ شرکت جیره رایگان نان و قند و شکر را که می‌داد قطع کرد و در عوض به دستمزد کارگران افزود و کالاهای مورد احتیاج کارکنان را به قیمت اسمی در دسترس آنها می‌گذاشت. ولی هیچ‌گونه اقدامی برای رفع نارضایتی کارکنان ایرانی خود نکرد.

یکی از کارکنان قدیمی شرکت نفت مسجد سلیمان می‌گفت: به کسانی که کار فنی داشتند ۵ سال، ۵ ریال می‌دادند یعنی سالی یک ریال، بدین معنی که آنها در بهشت و ما در جهنم بودیم. انگلیسی‌ها به ایرانیان خیلی زور می‌گفتند و حقوق بسیار ناچیزی به آنها پرداخت می‌کردند و از آنچه ایرانیان استحقاقش را داشتند محرومشان می‌کردند.

ما را گذاشتند زیر دست یک هندی و شروع به کار کردیم و چون عشق به کار داشتیم و می‌خواستیم کار کنیم، به ما جریمه‌های تحقیرکننده می‌زدند، به چکش و سوهان که دست می‌زدیم از ما می‌گرفتند.

تمام بنگله‌ها و خانه‌های خوب مال انگلیسی‌ها بود. کارگران ایرانی خانه نداشتند. و یک نمونه خانه‌هایی بود که ده فوت وسعت داشت، یک ده فوتی گلی را به سه نفر کارگر مجرد می‌دادند. کارگر هم به علت شدت گرما و شرایط خفه کننده ده فوتی‌ها با از آنجا می‌رفت و یا در آنجا تلف می‌شد.

یک خارجی بود به نام «مستر هارمن» او قاطر کرایه نمی‌کرد ۵۰ کیلو بار را به دست یک نفر و در دست دیگری یک بشکه ۲۰ لیتری می‌داد تا ببرد. سرپرست ما هم یک کارمند جزء بود که او را گذاشته بودند بر کارها نظارت کند و ما اجازه نداشتیم با مدیران ارتباط برقرار کنیم. آنها درپ را بروی ما باز نمی‌کردند. اگر تیغ اره پا هر وسیله صنعتی دیگری در حین کار بر اثر سهل‌انگاری شکسته شده و از بین می‌رفت، حتی کارگر را جریمه می‌کردند.

* صرفه‌جویی بسیار در هزینه :

شرکت صرفه‌جویی‌های بی‌مورد در تسهیلات بهداشت و بهداشتی می‌کرد که باعث تبعیض و

آزردگی خاطر مستخدمین بود. مثلاً در سالهای آخر که عده‌ای از کارگران مبتلا به بیماریهای صعب‌العلاج می‌شدند، توسل به قانون کار بسته و تقاضای درمان و پرداخت دستمزد خود را تا ختم معالجه داشتند. شرکت به حذر اینکه فلان بیماری مزبور ناشی از کار نبوده است، از مساعدت‌های لازم دریغ می‌کرد. در صورتی که بر همه کس واضح بود که علت عده بیماری آنها یکی تغذیه بد و دیگری مسکن نامناسب آنها بوده است که مسئولیت هر دو متوجه شرکت می‌شد. سازمان بهداری شرکت طوری تنظیم شده بود که با کمترین مبلغ ممکن اداره گردد و آن اندازه وسیع و کامل نبود که حتی احتیاجات کلیه مستخدمین و خانواده‌های آنها را تأمین نماید. درمان کلیه مستخدمین و خانواده‌های آنها در درمانگاههای شرکت رایگان بود ولی پذیرش در بیمارستان محدود به کارگران، کارمندان و خانواده‌های کارمندان بود. بطوری که خانواده‌های کارگران مسجد سلیمان در بیمارستان شرکت پذیرفته نمی‌شدند. و تازه آنهایی هم که پذیرفته می‌شدند چنانچه محتاج به عمل جراحی بودند که تعویق آن خطر جانی نداشت باید چندین ماه صبر کنند تا نوبت عمل آنها برسد. در قسمت بهداشت، عملیات شرکت محدود به تقاضای بود که در آنجا خانه و مسکن ساخته بودند و شرکت حاضر نبود که از آن قسمت تجاوز کرده و معاونتی به دیگران بنماید.

اینگونه صرفه‌جویی‌ها برای شرکت با هفتمی که میلیونها استفاده می‌نمود اثر فوق‌العاده بدی در افکار عامه باقی می‌گذاشت و موجب یأس و بدبینی عموم می‌گشت.

اگر شرکت جاده‌های در مسجد سلیمان آسفالت کرد و منازل و مراکزی به سبک منازل انگلیس و خیابانهایی به شکل شهرهای «برایتون» Brighton و «سانبری» Sonbury انگلستان ایجاد نمود، از روی دلسوزی و بشردوستی نبود. تا سال ۱۳۲۶ ش. آب سرد نوشیدنی که در هوای گرم مسجد سلیمان، یکی از ضروریات است و هنگام کار در آن هوای سوزان تا اندازه‌ای عطش را فرو می‌نشاند برای کارگران موجود نبود و آنها با وضع بسیار رقت‌انگیزی مشغول کار بودند.

* توسعه مسجد سلیمان بین سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۴۰ م. (۱۳۳۹ - ۱۳۱۹) و تحولات

خلع ید:

وضعیت صنعت نفت مسجد سلیمان که از سال ۱۳۱۹ ش. توسعه بیشتری نموده در موقع ملی شدن به قرار ذیل بوده است:

از سی چاه، نفت بدست می‌آمد و سالی، بین سه تا پنج میلیون تن از معدن مزبور استخراج می‌گردید. از ابتدای کار این معدن که در سال ۱۹۰۸ م. بود تا ۱۹۵۱ م. که نفت ایران ملی شد ۲۸۰ چاه در مسجد سلیمان حفر شده بود. مرکز اداری معادن نفت مناطق نفت‌خیز در مسجد سلیمان

بود که دارای کارخانه، تعمیرات، انبارهای کالا، لابراتورها و تأسیسات تحقیق و بررسیهای علمی، گاراژها، اداره زمین شناسی معادن، ادارات مرکزی معادن بود و کاملاً مجهز به این بود که مرکزیت داشته و سایر نقاط را اداره نماید. همین مرکزیت نیز باعث توسعه و گسترش شهر گردید. کارکنان این منطقه در حدود شش هزار نفر بودند که برای عده زیادی از آنها خانه و مسکن ساخته شده بود و بیمارستان بزرگی در مسجد سلیمان بنا شده بود که احتیاجات محل را رفع می کرد.

دولت هم ادارات مالیه، ژاندارمری، بخشداری، پست خانه و شهرنایی را بتدریج در آنجا تأسیس کرد و تاکنون بر آبادی مسجد سلیمان روز به روز افزوده می شود. شرکت در سالهای قبل از ملی شدن نفت، مزرعه کوچکی در درخزین (تزدیک مسجد سلیمان) ایجاد کرد که محصول آن را مستخدمین خودش خریداری می کردند.

• تحولات خلق ید در مسجد سلیمان :

تمام مطالب از روزنامه اطلاعات ۶ فروردین ۱۳۳۰ مطابق با ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۷۰ و ۲۷ مارس ۱۹۵۶ نقل شده است :

اعلام حکومت نظامی در خوزستان :

بطوری که از مقامات دولتی کسب اطلاع شده است در روزهای سوم و چهارم فروردین در بعضی از مناطق خوزستان وضع بخصوصی بوجود آمده و از طرف بعضی از کارگران و کارمندان، اعتراضاتی نسبت به ندادن بعضی امتیازات صورت گرفته است. طبق اظهار همین مقامات چون در بین دانش آموزان آموزشگاه و کارگران اعلامیه هایی هم توزیع شده بود که متعاقب آن در یکی دو چاه، کارگران آن چاهها دست از کار کشیدند. لذا با صلاح دید مقامات مسئول هیئت وزیران تصویب نمود که از روز پنجم فروردین ماه برای جلوگیری از خرابکاری و استقرار نظم، در هفت شهر از شهرهای خوزستان حکومت نظامی اعلام گردید. شهرهای مزبور عبارت است از آبادان، مسجد سلیمان، آغاچاری، هفتگل، لالی، بندر معشور، گچساران. امور مربوط به فرمانداری نظامی در این نقاط با لشکر ده خوزستان و نیروی دریایی جنوب است.

برای رسیدگی به تقاضای کارگران نیز از طرف آقای نخست وزیر به وزارت کار و استانداری خوزستان دستورات لازم داده شده است. بطوری که مقامات مسئول اظهار می دارند فعلاً اوضاع در خوزستان عادی است و اخباری که خبرنگاران خارجی در مورد تقویت نیروهای انتظامی در خوزستان و اعزام نیرو از تهران انتشار داده اند، صحت ندارد.

• نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۷۴۸۱، شنبه دهم فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. :

و اعصاب در خوزستان ادامه دارد.

اطلاعاتی که از آبادان و اهواز بوسیله خبرنگاران اداره به تهران رسیده حاکی است که از پیروزی صبح کارگران کارخانه، تعمیرات و حمل و نقل شرکت نفت در مسجدسلیمان احتصاب کرده‌اند. اعتصابیون هنوز علت خودداری از کار را معین نکرده‌اند. در این منطقه نیز حکومت نظامی اعلام گردیده و حادثه مهیجی روی نداده است. اکنون مرکز اعتصابات که تا بحال آغا‌جاری و آبادان بود به بندر معشور (ماهشهر) نیز منتقل گردیده است.

از طریق مقامات دولتی در تهران و اهواز تا کنون چند کمیسیون برای رسیدگی به اعتصاب تشکیل گردیده، ولی تصمیم قطعی برای دادن مزایای کارگران و رفع اعتصاب هنوز اتخاذ نشده است. خبرنگار اداره در تلگرافی که دیروز با ممداد مسخا بره کرد و امروز واصل شد می‌نویسد: با اینکه به کارگران توصیه شده است فریب تحریکات را نخورده، دست به عملیات تندی نزند و رفتار عموم اعتصابیون نیز در این چند روز بسیار مرتب و منظم بوده، مع هذا محیط به اندازه‌ای تشنج آور است که هر لحظه بیم وقوع زد و خورد می‌رود.

این اخبار عموماً حاکی است که هنوز اعتصاب کارگران و کارآموزان در چهار نقطه خوزستان یعنی در آبادان، مسجدسلیمان، آغا‌جاری، بندر معشور ادامه داشته و با آنکه حکومت نظامی در آن مناطق اعلام شده، مع الوصف اکنون تعداد کلیه اعتصاب کنندگان به دوازده هزار تن می‌رسد. کارگران و کارآموزان مسجدسلیمان از اولیای شرکت نفت ایران و انگلیس درخواست کردند که خطوط اتوبوس‌رانی و سایر وسائل حمل و نقل در مناطق که تا کنون توسط شرکت اداره می‌شد، از اختیار شرکت خارج شده و به آنها اجازه داده شود، شخصاً عهده‌دار امور حمل و نقل آن مناطق شوند و از این راه استفاده کنند. تا کنون شرکت نفت از دادن پاسخ صریح به درخواست اعتصاب کنندگان خودداری ورزیده و همین سبب ادامه اعتصاب گردیده است. قرار است از طرف دولت بزودی هیئتی به نمایندگی وزارتخانه‌ها برای رسیدگی به اوضاع خوزستان به آن منطقه اعزام گردد.

نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۷۴۸۲ مورخ یکشنبه یازدهم فروردین ۱۳۳۰

دامنه اعتصابات در دو روز اخیر وسیع‌تر شده و به مسجدسلیمان نیز سرایت کرده است. یک هیئت سه نفری برای مذاکره با شرکت به خوزستان خواهد رفت.

اصل مطلب: به قراری که یک منبع رسمی امروز صبح به نمایندگی اداره اظهار داشت. اعتصاب کارگران شرکت نفت در خوزستان کماکان ادامه دارد و از این رو تا کنون دامنه‌اش وسیع‌تر شده و به مسجدسلیمان نیز سرایت کرده است و شاید تعداد کارگرانی که اعتصاب کرده‌اند به ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر برسد.

حالت اعتصاب و اعتصاب ظاهراً مربوط به قطع شدن اضافه حقوقی کارگران می باشد و جریان چنین بود که از قرار معلوم، شرکت نفت به کارگرانی که خانه نداشته و در چادر زندگی می کردند، یک اضافه ای علاوه بر آنچه به عنوان مزد می گرفته اند می پرداخته است، و چون فعلاً به آنها خانه داده است از آغاز سال ۱۳۳۰ ش. آن اضافه را کسر کرده و کارگران به این عمل شرکت معترض بوده و برای گرفتن حق خود دست به اعتصاب زده اند.

اعلام حکومت نظامی و با آنکه اعتصاب کنندگان تابعال رعایت نظم و آرامش را کرده و در کارهای شرکت عملاً اختلالی نکرده اند ولی دولت از نظر حفظ تأسیسات مختلف نفتی، مجبور شده است بطور احتیاطی، در هفت نقطه نفت خیز خوزستان حکومت نظامی اعلام کند و از طرف دیگر از آن نظر که هرچه زودتر اعتصاب خانه یافته و کارکنان با رضایت خاطر مشغول کار شوند، دولت با اولیای شرکت وارد مذاکره شده است.

نقل از روزنامه اطلاعات، یکشنبه یازدهم فروردین ماه ۱۳۳۰ :

وضع اعتصاب کارگران در جنوب؛

تهران - آسوشیتد پرس : یک منبع صلاحیتدار امروز اظهار داشت که ۳۵۰ نفر از محصلین آموزشگاههای فنی آبادان و همچنین ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت نفت مسجد سلیمان از اعتصاب دست کشیده و به کار برگشته اند، بقیه اعتصاب کنندگان در مسجد سلیمان از شرکت نفت خواسته اند که هشتاد درصد به حقوقشان اضافه شود. عده قلیلی از کارگران نفت در لالی که منطقه کوچک نفت خیزی است به پیروی از سایرین دست به اعتصاب زده، همچنین کارمندان جزء دفتری در آغاجاری نیز مبادرت به اعتصاب کرده اند.

نقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۲ فروردین ماه ۱۳۳۰ :

تلگراف از مسجد سلیمان : به شرحی که دیروز انتشار دادیم، دامنه اعتصاب از پیروز و دیروز پر دامنه تر شده و به مسجد سلیمان نیز سرایت کرده است و تلگراف واصله از مسجد سلیمان حاکی است که اعتصاب کارگران در قسمت اعظم کارخانجات ادامه دارد ولی کارگران در نهایت آرامش در حال اعتصاب هستند.

• نقل از روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۴ فروردین ماه ۱۳۳۰ :

اعتصاب ادامه دارد و بر شدت آن افزوده شده است :

تلگرافهایی که در این دو روز از خوزستان رسیده حاکی است که اعتصاب کارگران کماکان ادامه داشته و حتی بر وسعت آن افزوده شده و دامنه آن به تمام نقاط نفت خیز گشائیده شده است.

تلگراف از مسجد سلیمان : ما کارگران اعتصاب کننده مسجد سلیمان تقاضا داریم هرچه زودتر

اضافه حقوق قطع شده ما پرداخت گردد و متأسفانه با شکایات متعددی که کرده ایم هیچگونه ترتیب اثری به تقاضای مشروع ما داده نشده است.

در جلسه حل اختلافی که در روز یازدهم فروردین ماه با حضور نمایندگان کارگران اعتصاب کننده و نمایندگان شرکت نفت و رئیس اداره کل کار خوزستان و رئیس ستاد لشکر خوزستان و فرماندار و بخشدار تشکیل گردیده در آخر جلسه نمایندگان شرکت حاضر نشدند از کارگران احقاق حق نمایند و تقاضای مشروع ما انجام شود.

اکنون تقاضا داریم که دولت توجهی کند که هرچه زودتر شرکت نفت دست از زورگویی بکشد و حق قانونی کارگران را بپردازد.

اخبار وارده از مسجد سلیمان

گزارش نماینده اداره از مسجد سلیمان حاکی است که اعتصاب کارگران در قسمت اعظمی از کارخانجات ادامه دارد. کارگران تلگرافهایی متعدد برای احقاق حقوق خود به دولت و مجلس مخایره کرده اند. پلیس، کارگران را متفرق ساخته و اعتصاب ادامه دارد.

● نقل از روزنامه اطلاعات، ۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۰

در اعتصاب خوزستان تخفیف کلی حاصل شده است.

خبرنگار ما از خوزستان اطلاع می دهد که طبق آخرین آماري که در بعد از ظهر پنجشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۳۰ ش. از منابع رسمی کسب شده سیصد کارگری که در لالی یکی از مناطق نفتی، اعتصاب کرده بودند مشغول کار شدند و در مسجد سلیمان دوهزار نفر فعلاً مشغول کار هستند و سه هزار و هشتصد نفر کماکان به اعتصاب خود ادامه داده اند.

در مسجد سلیمان نیز از ششم فروردین ماه ۱۳۳۰ ش. شروع به اعتصاب نمودند.

کارگران نفت سفید و لالی و عتبل که روی هم رفته یکهزار و پانصد نفر می شوند، بعنوان همدردی با سایر کارکنان از روز دوازدهم (۱۲ فروردین) دست به اعتصاب زدند.

● نقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه نوزدهم فروردین ۱۳۳۰

بیانیه برای کارگران از طرف هیئت دولت:

کارگران مسجد سلیمان، نفت سفید، لالی، با اظهار امتنان از کارگرانی که توصیه استانداری و هیأت اعزامی را قبول و سرکار خود حاضر شدند، به اطلاع می رساند.

پس از مذاکراتی که در جلسه اول مورخ ۱۷ فروردین با اولیای شرکت بعمل آمد در مورد زیر شرکت نفت موافقت نمود:

۱۵ - طبق قانون کار کمیسیونهایی به فوریت در نواحی فوق الذکر مرکب از نمایندگان دولت و

کارفرما و کارگر تشکیل و کلیه مسائل مختلف فی مابین کارگر و کارفرما طبق مقررات قانون حل و تصفیه شود.

۲ - روزهایی که کارگران مسجد سلیمان، لالی و نفت سفید در فاصله نوروز و تاریخ انتشار اولین برنامه، بر سر کار حاضر نشده‌اند، جزء ایام مرخصی که تاکنون به آنها تعلق یافته و یا در آینده تعلق می‌گیرد محسوب خواهد شد. بدیهی است این امر به هیچ وجه سابقه‌ای برای آینده ایجاد نخواهد کرد.

۳ - دستمزد تعطیلات شرکت در ایام نوروز و تعطیل ۱۳ عید از طرف شرکت پرداخت خواهد شد.

هیئت اعزامی به مذاکرات خود ادامه داده و به کارگران فوق‌الذکر توصیه می‌نماید که با کمال دلگرمی مشغول کار بوده و به موارد شکایات آنان که در کمیته‌های مربوطه مطرح و رسیدگی خواهد شد، نظارت خواهند نمود.

*** مشغول کار شدند :**

تلگراف دیگری که از خیرنگار اداره رسیده حاکی است که ۳۵۰۰ نفر از کارگران مسجد سلیمان که از چهارشنبه گذشته اعتصاب کرده بودند از امروز صبح مشغول کار شدند. نمایندگان آنها پس از مذاکره با هیأت اعزامی در اثر قولهایی که برای رسیدگی به کارشان داده شده، موافقت کردند که کارگران مشغول کار شوند.

کارگران مزبور، ۸۰ درصد اضافه حقوق و منزل خواستارند و اداره کار شهرستان مسجد سلیمان معتقد است که پیشنهادات کارگران قانونی است. امروز صبح قرار است آقای «دریکه» رئیس کل شرکت نفت که محل کارش در مسجد سلیمان است برای مذاکره با هیأت اعزامی به اهواز مسافرت کند. آمد و شد در مسجد سلیمان از ساعت ۱۱ ظهر ممنوع است و مجاهدت مأمورین نظامی و شهربانی برای ایجاد نظم و آرامش قابل تقدیر است و هیچ یک از کارگران توقیف نشده‌اند.

*** در حال اعتصابند :**

سومین تلگراف خیرنگار روزنامه اشعار می‌دارد که شصت نفر از کارگران لالی و هنبیل که اعتصاب کرده بودند شروع به کار کردند ولی در آغاز جاری کارگران کماکان در حال اعتصابند.

*** نقل از روزنامه اطلاعات، دوشنبه دهم تیرماه ۱۳۳۰ :**

«عزیمت خارجیان از مسجد سلیمان»

به قرار اطلاع آخرین دسته خانواده انگلیسی‌های مقیم مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت‌خیز با هواپیما عزیمت کردند. عزیمت خانواده‌های پاکستانی، هندی و سایر خارجیان نیز همچنان ادامه

دارد. صبح امروز اولین دسته ۳۰ نفری کارمندان اداری و فنی انگلیسی با هواپیما به قصد خروج از ایران، مسجد سلیمان را ترک کردند.

* اولین مسافرت هیئت‌های اعزامی به مناطق نفت‌خیز:

بازدید از مسجد سلیمان و انتخاب هیئت مدیره ایرانی برای اداره مناطق نفت‌خیز پس از آنکه هیئت مدیره موقت در خرمشهر مستقر شد و اندکی جای پای خود را محکم و تا حدی مسلط بر کار شد برای یافتن و تسلط بر مناطق نفت‌خیز می‌بایستی اقدامی نماید، بنابراین برنامه مسافرت به مرکز کل مناطق نفت‌خیز یعنی مسجد سلیمان تنظیم گردید. و روز دوشنبه ۱۰ تیرماه ۱۳۳۰ ش. صبح با هواپیمای داکوتای نیروی هوایی به اتفاق مهندس بازرگان، مهندس همایونفر، دکتر توانا و عده‌ای از مخبرین خارجی و داخلی و دیگر همراهان از آبادان پرواز نمودند و هواپیمای مذکور در ساعت ۸/۳۰ در فرودگاه مسجد سلیمان بر زمین نشست که شرح این مسافرت را روزنامه خبرهای روز در شماره ۱۳۱۲ مورخ سه‌شنبه ۱۱ تیرماه در صفحه اول بجای سر مقاله چنین درج نموده است:

مسجد سلیمان - از روزی که هیئت‌های اعزامی از مرکز به اهواز و آبادان وارد شده بودند اهالی مناطق نفت‌خیز بخصوص کارمندان و کارگران و اهالی مسجد سلیمان با کمال بی‌خبری و اشتیاق هر لحظه ورود هیئت مزبور را انتظار می‌کشیدند. بالاخره این انتظار به پایان رسید و ساعت ۸/۳۰ صبح دیروز آقایان مکی و مهندس بازرگان و مهندسین اعزامی از مرکز با هواپیمای ارتشی به فرودگاه مسجد سلیمان وارد گردیدند. همین که اهالی از روز گذشته دریافته‌اند که هیئت برای مشاهده منطقه نفت‌خیز مسجد سلیمان و تسلی دل رنجیده آنها از آبادان به مسجد سلیمان خواهند آمد در حد تهیه و تدارک وسایل پذیرایی و جشن و چراغانی برآمدند. همه جا با پرچمهای سه رنگ ایران تزیین شده بود. از ساعت ۶ صبح دیروز دسته دسته مردم از هر طبقه زن و مرد، پیر و جوان بجانب فرودگاه مسجد سلیمان رهسپار بودند. با اینکه فرودگاه مسجد سلیمان از شهر خیلی دور است، بعدالیک مردم با پای پیاده و یا با وسائلی که در اختیار داشتند برای استقبال از آقایان نمایندگان هیئتهای اعزامی و مهندسین در فرودگاه حاضر شده بودند.

محوطه خارجی فرودگاه آقدر از ماشین و وسایل نقلیه پر شده بود که دیگر جای حرکت نبود. بر طبق برنامه قبلی قرار بود که به مجرد ورود هیئت اعزامی، توسط نمایندگان کارمندان و کارگران خیز ملتمس گفته شود و سپس نمایندگان کارمندان و کارگران و رؤسای دوایر دولتی و اصناف عده شهر به هیئت معرفی گردند. ولی پس از اینکه هواپیما بر زمین نشست و به تریب آقایان مهندس بازرگان و مکی و مهندسین اعزامی از تهران از درون هواپیما پدیدار گردیدند مردم به جلو

دویده، با فریادهای زنده یاد دکتر مصدق ناچی ایران و پیروز یاد نهرمانان جبهه ملی و هیئت مدیره نفت ملی ایران، اعضاء مزبور را بدوش گرفته و ابراز احساسات نمودند در مدخل در خروجی سالن فرودگاه چندین رأس گاو و گوسفند ذبح گردید، ابراز احساسات مردم نسبت به هیئت اعزامی و سیل جمعیت مستقبلین بقدری زیاد بود که به هیچ وجه جای رعایت برنامه و عرض خیر مقدم باقی نماند. آقای مکی و مهندس بازرگان و سایر آقایان مهندسین در ماشینهایی که قبلاً برای ایشان تهیه شده بود نشسته به طرف شهر روانه گشتند و قریب دو ساعت طول کشید تا از فرودگاه به منزلی که برای ایشان تهیه شده بود رسیدند. در بین راه دسته اهالی و کارگران و سایر طبقات مسجد سلیمان اجتماع نموده و با هلهله و شادی نسبت به میهمانان عزیز این ابراز احساسات نمودند. در تمام طول راه زنان و مردان و کودکان با چشمانی پر از اشک که حاکی از بیکه دنیا شور و شغف ایشان بود نسبت به ورود آقایان اعضاء هیئت اظهار خوشوقتی و مسرت می نمودند. آتقدیر اهالی با ماشینهای سواری و تاکسی و کامیون و اتوبوس به استقبال هیئت آمده بودند که جای حرکت باقی نمانده بود همه جا مردم دست می زدند و شادی می کردند و ورود هیئت اعزامی را به بیکه یگر تبریک می گفتند. در طول راه جلوی ماشین نمایندگان اعزامی صدها رأس گوسفند و گاو ذبح گردید. در تمام طول راه که ماشینها از مقابل کارگاهها و کارخانهها عبور می نمود کارگران با پرچمهای ایران و شعارهای گوناگون در کنار جاده صف کشیده و غریب شادی و مسرت آنها در آسمان طنین انداز گردیده بود.

ساعت نزدیک ۱۰/۳۰ بود که هیئت به منزلی که قبلاً برای ایشان تهیه شده بود وارد شدند. پس از اندکی استراحت رؤسای ادارات و نمایندگان کارمندان به ایشان معرفی شده و سپس نمایندگان کارگران توسط آقای سرهنگ طراز نیک فرماندار نظامی مسجد سلیمان و آقای شهیدی رئیس اداره کار بحضور آقایان مکی و مهندس بازرگان معرفی گردیدند.

ابتداء سرکار سرهنگ طراز نیک از حسن سلوک کارگران اظهار تشکر نمود و بیان داشتند که کارگران مناطق نفت خیز همیشه برای قداکاری در اجرای منویات دولت آماده بوده و هرگز در هیچ موردی عتاب و خونسردی خود را از دست نداده اند.

بیانات آقای مکی^۱

سپس آقای مکی رو به نمایندگان کارگران نموده اینطور اظهار داشتند :

۱- حسین مکی در آغاز خود را «سرباز خطا کار» نام نهاد، ولی بعدها با توجه به خیانتهایی که به نهضت ملی شدن نفت نموده به «سرباز خطا کار» معروف شد.

بدون لازم است که از آنهمه ابراز احساسات بی شائبه آقایان تشکر نمایم، خواهشمند است تشکرات قلبی اینجانب و هیئت مدیره نفث ملی ایران را به عموم کارگران ابلاغ نمایند. بعد در دنبال مطالب خود اینطور بیان نمودند: حسن وطن پرستی مردم ایران و کارگران این سرزمین همیشه مورد نظر بوده و بخوبی یاد شده است. همه جا کارگران ایرانی مانند سرمازی شجاع، مدافع سنگر وطن بودند. دیگر روزگار پریشانی این مملکت بسر رسیده، شما کارگران مسجد سلیمان و سایر کارگران ایرانی با خون پاک که در عروقتان جاری است باید همیشه حافظ پرچم پر افتخار ایران باشید، نهایت افتخار را داریم که با شما همکاری کنیم. در این مبارزه مقدس اگر کشته شدیم زنی سعادت ما در راه مبارزه با بیگانه و استعمارگران ایران کهن خواهیم پوشید و نخواهیم گذاشت که دیگر ثروت ما در دست بیگانگان باشد، ما این ثروت سرشار را برای شما و هم میهنان دیگر خود می خواهیم. امروز وظیفه خطیری برهنده ماست، کاری کنید که بهانه به دست بیگانگان ندهید. کاری که ملت ایران در ظرف این چند روز کرده در تاریخ ۱۵۰۰ ساله اخیر ایران بی سابقه بوده است. ما در حال پاره کردن زنجیر استعمار بیگانه هستیم این افتخارات باید با استانت و بردباری نصیب ما گردد.

به یاری شما مردم تجیب و ملت متم کشته ایران، امیدواریم شب ظلمانی این مملکت را به صبح سعادت و امید مبدل نمایم.

پس از بیانات آقای مکی مطابق برنامه ای که تعیین شده بود، آقایان در ماشینهای خود جای گرفته و به طرف چاه شماره یک حرکت نمودند. باز هم در مسیر راه هلهله شادی هزاران نفر از اهالی مسجد سلیمان بدرقه راه هیئت اعرامی و نمایندگان هیئت مدیره نفث ملی ایران می گردید.

در این موقع آقای شمس رئیس دفتر دادگاه مسجد سلیمان شعری خواندند که مورد توجه واقع گردید. پس از بازدید از چاه شماره یک به طرف کارخانجات می می یان حرکت نموده و در آنجا نیز کارگران گوسفندهای متعددی را که با حقوق و زوجه خود تهیه نموده بودند در جلوی پای آقایان نمایندگان هیئت اعرامی قربانی کردند. آقایان مکی و مهندس بازرگان و سایر مهندسان اعرامی بدقت جزء بجزء کارخانجات را دیدن نمودند و در تمام مدت از متصدیان ایرانی که در کارخانجات مزبور کار می کردند سوالاتی می نمودند. آقای مکی خیلی بدقت قسمتهای مختلفه را از نظر می گذرانیدند، در قسمتی یک لوله زنگ زده جلب نظر ایشان را کرد و به آقای مهندس بازرگان گفتند: این لوله دیگر از بین رفته و اکسید شده است. اما مهندس بازرگان در جواب گفتند: این لوله هم مانند قرارداد عمر خودش را کرده است، در تمام قسمتهای کارخانجات کارگران با گونهای سرخ شده و چشمانی ملو از احساسات، مقدم میهنان را انگزامی می داشتند. بالاخره

پس از بازدید قسمتهای تقطیر و گاوگردسازی و چاه شماره ۲۹۶ ساعت ۱ بعد از ظهر آقایان هیئت اهرامی برای صرف ناهار و استراحت به منزل مراجعت نمودند. در تمام مدتی که آقایان قسمتهای مختلفه را بازدید می نمودند، آقایان سرهنگک طراژنیک و سرهنگک لعالی فرماندار نظامی و رئیس شهر بانی مسجد سلیمان و همچنین آقای قوامی ریاست امور اداری مناطق نفت خیز و ریاست ژاندارمری و آقایان رؤسای ادارات در معیت ایشان حضور داشتند و همه بجا با مأمورین انتظامی نهایت مراقبت را در برقراری نظم، ترعی می داشتند و اهالی در کمال راحتی و آسایش ابراز احساسات می نمودند.

ساعت ۵ بعد از ظهر دیروز آقایان نمایندگان هیئت مدیره و مهندسین اهرامی، از کارخانجات برق تبسی و سدیی که بر روی رودخانه پسته شده است دیدن نمودند پس از آن به باشگاه کاوه واقع در چشمه علی رفتند. کارگران عضو باشگاه با نهایت نظم و ترتیب در محوطه باشگاه اجتماع نمودند و منتظر ورود هیئت بودند. به مجرد ورود اعضاء هیئت غریب شادی و هلهله کارگران بلند شد. ابتدا آقای مدیر باشگاه خیر مقدم گفتند و پس از آن آقای شهیدی نماینده اداره کار مسجد سلیمان نیز از طرف کارگران، ورود نمایندگان هیئت را شادباش گفتند و درباره ملی شدن صنعت نفت بیاناتی ایراد نمودند. چند تن دیگر از نمایندگان کارگران نیز خطابه های غزایی مبنی بر جانپازی و فداکاری کارگران در راه اجرای منویات هیئت مدیره بیان داشتند.

پس آقای یکی نیز از جانب خود و دیگر اعضاء هیئت مدیره از ابراز احساسات کارگران تشکر نموده و بیانات مفصلی ایراد نمودند. مقارن ساعت ۷/۳۰ بود که آقایان نمایندگان و مهندسین اهرامی به باشگاه نفتون رفتند. باشگاه نفتون یکی از بزرگترین باشگاههای کارگران مناطق نفت خیز است. هزاران نفر از کارگران در محوطه باغ باشگاه اجتماع نمودند و ورود نمایندگان را با کیف زندهای میستد خودشان شادباش می گفتند. ابتدا آقای تبسی مدیر باشگاه خیر مقدم گفته و پس از ایشان نماینده اداره کار و نمایندگان کارگران نیز هر یک بنوبه خود بیانات مہیجی ایراد نمودند. یکی از کارگران شعری را که خود سروده بود خواند و مورد تشویق حضار قرار گرفت، پس از ایراد خطابه هایی که از طرف نمایندگان کارگران به عمل آمد آقای یکی بیاناتی به این شرح ایراد نمودند: از ابراز احساساتی که امروز از طرف شما کارگران عزیز مشاهده شد دلیل بر عظمت و روح پاک ایرانی است. امروز چند نفر خبرنگار خارجی یا ما بودند. احساساتی که نسبت به نمایندگان هیئت های مدیره از طرف شما ابراز گردید برای آنها خیلی تازگی داشت. دلیل بقا و حیات هر ملتی دو چیز است، یکی ملیت و قومیت و دیگری مذهب. این ابراز احساسات که در سراسر کشور ایران مشاهده می گردد برای حفظ ملیت ایرانی است، برای این است که به دنیا

بگویم حاشی خواهیم ملیت و پرچم ایران را حفظ کنیم، دیانت اسلام نیز همین تعالیم را به ما می‌دهد، می‌دانید که اسلام جنگه با کفار را واجب می‌داند و حتی بر هر فرد مسلمانی فرض و واجب است سه روز از سال را در سنگر مملکت اسلام خدمت نماید، این است که هم ملیت و هم دیانت به ما حکم می‌کند که با تمام قوا ملیت و دیانت خود را حفظ نماییم این صدایی که امروزه در سراسر دنیا بلند شده بر اثر توانایی و اراده شما ملت شریف و عزیز ایران است.

پس آقای مکی در اثر اشاره‌ای که از یکی دو نفر از نمایندگان کارگران در خطابه‌های خود نسبت به احتصاب گذشته ایراد نموده بودند اینطور اظهار داشتند:

شما اگر احتصاب را خاتمه نمی‌دادید محققاً به ضرر ملت ایران تمام می‌گردید، موقع شناسی و درایت شما زودتر از آنچه تصور می‌رفت احتصاب را خاتمه داد، این کار شما به بیگانگان مجال نداد که مبارزه اصلی و اصولی و اصیل ملت ایران از راه مستقیم خود منحرف گردد.

بیگانه پرست هر که باشد دشمن ایران است، بیگانه پرست خواه شمالی و خواه جنوبی و خواه اگر آن طرف دنیا باشد خائن است، هر کس با ملیت ایرانی مبارزه نماید به مملکت خیانت کرده است، هوشیار باشید تا فریب نخورید امروز این مناطق متعلق به شما است، شما پانسانان شریف ایران هستید و باید این سرمایه‌ها را حفظ کنید، حفظ این اموال به عهده شماست مطمئن باشید که در این مبارزه نه تنها زنجیر استعمار و اجارت ایران را پاره کرده‌اید بلکه زنجیر کلیه مردمانی که زیر یوغ اجارت و سلطه بیگانه هستند را پاره نموده‌اید و اینکه چشم مردم دنیا به شما دوخته شده است. ثبت قداکاری شما در این تاریخ موجب سر بلندی نسل حاضر و آینده ایران است. کاری نکنید که این افتخار به ننگ تبدیل گردد. تنها قانونی که از تصویب مجلسین گذشته است قادر نبود که نفت ایران را ملی نماید. پیش از این مبارزات دامت‌داری صورت پذیرفته، عناصر مبارزی به زندان رفتند. اگر در این مبارزه خون ناقابل ما ریخته شود برای سعادت ملت ایران ریخته شده است امیدواریم که خداوند، ملت ایران را در پرتو اتفاق و اتحاد سلاست و موفق بدارد.

تعلق آقای مهندس بازرگان :

پسند از خطابه‌های شیرین و بامعنی و محکمی که نمایندگان کارگران و رفقای شما ایراد نمودند و مطالبی که آقای مکی گفتند عرایض بنده خصوصاً با گذشتن وقت و اطلاع از روزه داری بودن عده‌ای بی‌مورد خواهد بود ولی برای اینکه حمل بر بی‌ادبی نسبت به شما نشود مختصری تصدیح می‌دهم: بنده موقعی که صبح در طیاره سوان شدم و به طرف اینجا حرکت کردیم با خودم فکر می‌کردم زمانی که پیش شما رسیدم از طرف هیئت مدیره و هیئت مختلط نفت چه بگویم و چه سفارش کنم. فکر می‌کردم با مسئولیتی که در منطقه و این موقع به عهده دارم لازم است به شما سفارش نمایم که

اگر خدای ناکرده پس از این همه سختی‌ها و مشقتی که تا به حال متحمل گردیده‌اید باز هم موردی پیدا نماید، تحمل تشنگی و گرمسنگی و سختی را بنمایید و از این راه کمکی به ما نموده باشید ولی دیدم آقایانی که صحبت کردند چنین فهمانند که نه تنها حاضرند گرمسنگی بکشند بلکه از نثار جان نیز دریغ نخواهند داشت.

گوسفندانی که شما قربانی می‌کردید نمونه‌ای بود از اینکه شما کارگران حاضرید در هنگام لزوم حتی جان خود را نیز قربانی نمایید. در این بازدید یکی از کارگران حتی فرزند خود را دراز نمود و می‌خواست در جلو ما سر ببرد و قربانی کند که ما از اجرای این کار سمانت نمودیم. پند و قصد داشتم به نمایندگی از طرف هیئت مدیره و بنا به سفارش جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر توصیه کنیم که آقایان لازمست در نهایت خونسردی و انضباط به کار خود ادامه دهند. راستش دیدم این نیز زائد است و رفتاری که شما داشته‌اید بهتر از آن است که من سفارش نمایم، دولتی با تبلیغاتی که خارجی‌ها می‌نمایند خواستم سفارش کنم مهمان‌نواز و بشردوست باشید ولی از زبان کارمندان انگلیسی امروز در اینجا شنیدم که شما نسبت به آنها کاملاً مهربان هستید.

امروز اولین مرتبه‌ای بود که از دهان یک نفر انگلیسی تکذیب کلیه شایعات آنها را شنیدم. همچنین خواستم سفارش کنم که کارمندان و کارگران دقت کنید و بردباری داشته باشید و بدانید که امر مهمی در خون‌ریزی صبر و حوصله است. هر روز که گذشته شما پایدارتر و امیدوارتر شده‌اید. پند و با شفلی که دارم خواستم به شما درس بدهم ولی اقرار می‌کنم که از شما درس گرفتم. این استقبال شایسته شما هر خنده‌ای که کردید - هر دستی که زدید - هر گوسفندی که کشتید هر کدام بار مسئولیتی بر دوش ما اضافه کردید. وظیفه ما دو صد چندان شد توجه و محبت‌های شما را در وظیفه‌های که به عهده داریم استوارتر کرد. ما مدیون و مرهون محبت‌ها و الطاف شما هستیم ما چرکت این را نداریم که پاسخ استقبال شما را ندهیم. مؤکداً می‌گویم که ما آمده‌ایم وظیفه خود را تا آخرین نفس انجام دهیم و مطمئن باشید که انجام نداده نخواهیم رفت. شما زنجیر اطاعت و بندگی بر گردن ما گذاردید. بر ماست که وظیفه ملی خود را انجام دهیم. ما آمده‌ایم که از قیافه‌ها، خواسته‌های شما را درک نمایم - ما در آبادان هستیم ولی چشم و دل ما در اینجا است و انشاءالله روزی دوباره بر خواهیم گشت. آقای مهندس بازرگان در پایان نطق خود اینطور گفتند: ما فردا از پیش شما می‌رویم ولی از طرف ملت ایران چند نفر را با شما می‌گذاریم آنها به عنوان چشم‌ها و هیئت دولت در پیش شما خواهند بود.

دو نفر آقایان مهندس ترابی و ترانا که در مناطق دیگر نفت خیز به غیر از مسجد سلیمان انجام وظیفه خواهند نمود و یک کسب‌کار به نفری مرکب از آقایان مهندس هما یونفر، احتصام و قوامی

در مسجد سلیمان به امور رسیدگی خواهند نمود.

● نقل از روزنامه اطلاعات، سه شنبه یازدهم تیرماه ۱۳۲۰، شماره «۷۵۵۷»

بازدید هیأت اعزامی از مسجد سلیمان :

ملاقات رئیس کل حوزه نفتی مسجد سلیمان :

ساعت ۱۲ دیروز پس از آنکه آقایان مکی، مهندس بازرگان و سایر همراهان از بازدید اولین چاه نفت خاورمیانه، یعنی چاه شماره یک مسجد سلیمان و کارخانه گوگرد مسجد سلیمان فارغ شدند به منزلی که جهت استراحت هیئت تعیین شده بود مراجعت نمودند. آقای مکی گزارش مسافرت مسجد سلیمان را به آقای نخست وزیر داد، آقای دکتر مصدق نیز دستورهایی جدیدی به آقای مکی صادر نمود.

پس از صرف نهار، سه تن از خبرنگاران خارجی که همراه هیئت بود به آبادان مراجعت کردند. مقارن ساعت ۲ بعد از ظهر مستر و کاکس، رئیس کل حوزه نفتی مسجد سلیمان به ملاقات آقایان مکی و مهندس بازرگان آمده و توضیحاتی در اطراف کارهای جاری داد. آقای مکی از ایشان پرسیدند: آیا انتشار شایعات روزنامه‌های خارجی دایر بر بدرفتاری با کارمندان خارجی شرکت، صحت دارد؟ وی در جواب گفت: به هیچ وجه، از یک نفر کارمند انگلیسی اظهار تشکر می‌شود:

ساعت ۵ بعد از ظهر قسمت دوم برنامه مسافرت هیئت با بازدید کارخانه برق تیمی مسجد سلیمان شروع شد. در این کارخانه سه توربین سه هزار کیلوواتی از ۲۵ سال قبل مشغول کار بوده که بنازگی چهار توربین سه هزار کیلوواتی دیگر وارد و نصب کرده‌اند تا بجای توربینهای سابق که فرسوده شده بکار افتند. در کارخانه مزبور یکی از کارمندان انگلیسی به آقای مهندس بازرگان گفت: این اشیاء، لوازم و تأسیسات تمام متعلق به ملت ایران است، ما نیز لرن آنها را نگهداری کردیم، حالا صحیح و سالم به شما تحویل می‌دهیم و امیدواریم شما هم از این ثروت ملی ایران بخوبی نگاهداری کنید. آقایان مهندس بازرگان و مکی از اظهارات کارمند انگلیسی مزبور اظهار تشکر نمودند.

تماس با نخست وزیر از داخل هواپیما :

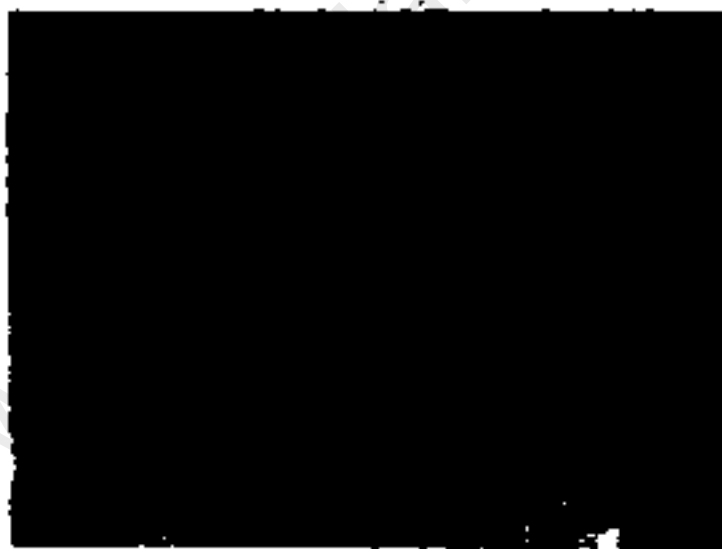
ساعت شش صبح امروز اعضای هیئت به مسجد نمره یک رفته، از بنای نیمه تمام آن بازدید نمودند. و با حضور عده زیادی از اهالی، مراسم دعا به عمل آوردند. سپس به دجنرال افسس، مسجد سلیمان رفته و ملاقاتی مجدد با مستر کاکس صورت گرفت. از آنجا به طرف فرودگاه رفته و ساعت ۸/۵ صبح وارد آبادان شدند.

در هواپیما آقای حسین مکی مجدداً با آقای نخست‌وزیر بوسینه بی‌سیم هواپیما تماس گرفته و اطلاع داد، چون آقای مهندس حسینی با اتفاق دو تن از مدیران شرکت ملی نفت ایتالیا به آبادان می‌آیند، لذا مسافرت به آهاجاری و هفتگل به وقت دیگری موکول می‌شود.

رؤسای ایرانی حوزه نفتی مسجد سلیمان:

از طرف آقای مهندس بازرگان هیئت مدیره موقت، آقایان مهندس هماپونفر، دکتر توانا، مهندس ترابی مأمور شدند که در مسجد سلیمان بمانند و کارهای حوزه نفتی مسجد سلیمان و اطراف را تحت نظر خود بگیرند.

آقای دکتر توانا مأمور هفتگل شده و آقای مهندس ترابی به لالی خواهد رفت. آقای مهندس هماپونفر با اتفاق آقای قوامی و مهندس احتصام کارمند عالی رتبه شرکت در مسجد سلیمان در مرکز منطقه مزبور انجام وظیفه خواهند نمود.



تقریباً از سمت چپ آقای حسین مکی می‌باشد که به همراه هیئت خلق یک فرمال ۱۳۳۰ به مسجد سلیمان آمده است. در این عکس مسجد چلچله شماره یک دیده می‌شود.

انگلیسی‌ها برای خنثی کردن فعالیت نهضت ملی شدن نفت، دست به هر اقداماتی می‌زنند و از آن

جمله ستر چیکا که، یکی از عوامل آنها در محافل مختلف و در بین کارکنان ایرانی شرکت، این شعار را که خودش ساخته بود به گرایش بخشاری و در طیف وسیعی اشاعه می داد:

«تو که مهر علی من دلته نفت ملی منی چته»

و ترجمه آن به فارسی چنین است: «تو که محبت علی رو در دل داری، نیازی به ملی شدن نفت نداری.»

• خروج رئیس انقلابیت سرویس مسجد سلیمان از ایران:

بدواً به این خبر که در شماره ۷۵۵۷ روزنامه اطلاعات مورخ یکشنبه ششم مرداد درج شده می پردازیم تا بعد چگونگی آن را شرح دهیم.

• یک نفر انگلیسی مشغول تحریر کرده است.

دیروز به هشت مدیره خبر رسید که یک نفر انگلیسی به نام «آوری» که شغل او معلمی آموزشگاه شرکت در مسجد سلیمان می باشد به منطقه ایلات بختیاری رفته و آنها را تحریک به اغتشاش و آشوب می کرده است. به محض اطلاع فوراً به فرماندار نظامی مسجد سلیمان دستور تعقیب و دستگیری وی داده شده.

• یکدیگر را در میان می بینند مدیره از طرف مکنی:

تجدید نظر برای بخشی کردن دبایس بعضی از عمال شرکت سابق و طرف آنها از مؤسسات نفتی با ملائمت اجراء می شد، اما خرابکارها و تحریکات ایادی «ایتلجنت سرویس» - Intelligent Service هر روز مشکل تازه ای در پیش پای ما می گذاشت.

در میان ما موزان ایتلجنت سرویس، جوان مو پور و خوش اندامی به چشم می خورد، که خیلی مورد توجه ایادی شرکت سابق بود، این شخص نامش «پتر آوری» و ظاهراً معلم انگلیسی بود. اما باطناً بیعت ریاست اداره جاموسی شرکت را در مسجد سلیمان بعهده داشت. این جوان که من نخستین بار او را در آبادان دیدم بیش از ۳۰ تا ۳۵ سال سن نداشت، دارای قامتی موزون و قیافه ای جذاب و گیرا بود، به زبان فارسی مثل یک ایرانی خوش لهجه صحبت می کرد، «مستر آوری» همان کسی بود که یک ساعت تمام در آبادان با استوکس ملاقات محرمانه داشت او در رشته السنة شرقی از دانشگاه کمبریج فارغ التحصیل شده بود و به بیشتر زبانهای شرقی آشنا بود و زبان فارسی را بخوبی می دانست، حتی در ادبیات فارسی بقدری مطالعه داشت و وارد بود که مثل یک ادیب از شعرای بزرگ ایران و آثار آنها سخن می گفت و درباره عقاید آنها بحث می کرد.

از حرفان و تصوف هم اطلاعاتی داشت و گاهی درباره عقاید حرفان و اهل تصوف هم بحث می کرد، این شخص در آبادان خیلی می کوشید تا خودش را به من نزدیک کند. یکبار مرا در منزل

ملاقات کرد و در همان ملاقات بود که من از اطلاعات نسبتاً وسیع او در ادبیات و زبان فارسی آگاه شدم (این ملاقات یکجا روز عصر جمعه بود) بعد از ملاقات آبادان که یک ساعت طول کشید و از هر دری سخنی به میان می‌آورد تا مرا خوب و رانداز کند و ببیند که به اصطلاح و چند مرده خلاج هشتم، دیگر او را ندیدم، و معلوم بود که همان روزها به مسجد سلیمان رفته و دنبال کار و نقشه‌های خود را گرفته است. بطوری که بعدها معلوم شد «اوری» بعد از مراجعت از آبادان در مسجد سلیمان به میان ایلات بختیاری رفته و شروع به تحریر یک آنها نموده بود، او به بعضی از افراد ساده لوح و بی اطلاع بختیاری گفته بود:

«حالا که نفت ملی شده و بدست ایرانیها افتاده و مراید آن به جیب دولت می‌رود باید چه شما در شرکت کار بکنند و این لازمه‌اش این است که خود شما به شهر آمده و از هیئت مدیره و رؤسای جدید کار بخواهید، غده‌ای از افراد ایل بختیاری نیز این حرف را باور کرده و دسته جمعی به مسجد سلیمان رفته بودند و در جلور شرکت اجتماع نموده تقاضای کار داشتند (اوری) از طرف دیگر در میان کارگران مسجد سلیمان نیز تحریکاتی کرده و گفته بود: «حالا که نفت ملی شده و بدست خود شما افتاده چرا حقوق شما را زیاد نمی‌کنند؟» بر اساس تحریکات او عده معدودی از کارگران نیز هر روز تقاضای اضافه حقوق داشتند و اسباب زحمت اولیای شرکت در مسجد سلیمان شده بودند، «اوری» هم که از این موقفت خادمان بود دست از تحریکات بر نمی‌داشت و مرتباً به این آتش زامن می‌زد، بدیهی است که در چنان روزهایی اینگونه ناراحتی‌ها و تظاهرات برای ما که در حساس‌ترین مراحل کار بودیم، خیلی گران تمام می‌شد و بیش از حد ما را نگران می‌ساخت. من از این جریان کاملاً بی اطلاع بودم بکروز در اتاق کارم در خرمشهر نشسته و با آلائی سرتیپ ریاحی صحبت می‌کردیم، آن روزها هنوز دستگاه ارتباطات شرکت کاملاً در دست ما نبود و اولیای انگلیسی، همه مکالمات تلفنی و تلگرافی ما را کنترل می‌کردند، در اتاق من نیز همیشه یکی دو نفر از جاسوسان مخفی اتلیجنت سرویس با لباسهای مختلف و به بهانه‌های گوناگون می‌آمدند و می‌رفتند تا تمام رفتار و گفتار ما را زیر نظر داشته باشند آن روز هم اتفاقاً وقتی با سرتیپ ریاحی صحبت می‌کردم یکی دو نفر از همین اشخاص به عنوان مجنون در اطاق کار من بودند و من نیز بخوبی آنها را می‌شناختم، هرگز این مطلب را بر روی خود نمی‌آوردم و همیشه با یک قیافه جدی و عادی که حاکی از بی اطلاعی من از مقاصد و نظریات آنها باشد، با آنها طرف صحبت می‌شدم، و صحبت‌های خود را با دیگران را نیز کاملاً کنترل می‌کردم.

آن روز ناگهان صدای زنگ تلفن بلند شد، وقتی گوشی را برداشتم گفتمند که از مسجد سلیمان می‌خواهند یا شما صحبت کنند.

مهندس همایونقر از مسجد سلیمان با نگرانی گزارش داد که «مستر اووری» در میان ایلات بختیاری و کارگران مسجد سلیمان دست به تحریکات زده و عده‌ای از افراد این را بر علیه اولیای شرکت ملی شورانده، همه تقاضای کار و اضافه حقوق دارند و این امر سبب نگرانی است.

من همان وقت از حضور یکی از جاسوسان مخفی اینتلجنت سرویس که در دفتر من مراقب جریان بود و همچنین کنترل و مسائل ارتباطی استفاده نموده گفتم به فرماندار نظامی مسجد سلیمان تلفن کنید و بگویند؟

«اووری» یک دادگاه صحرائی در آنجا تشکیل داده و این شخص را محاکمه و اگر در مقررات دادگاههای نظامی صحرائی برای اینگونه اشخاص مجازات اقدام پیش‌بینی شده، اجرا نمایند؟ این حرف را من چنان جدی گفتم که مأمورین مخفی با کنترل تلفنی باور کرده و مضطرب شدند و تنها من و سر قیپ ریاحی می‌دانستیم که هرگز چنین کاری عملی نیست. معلوم بود که این حرف من هم بوسیله تلفن کنترل می‌شود و هم بوسیله اشخاصی که در دفتر آمدن می‌کردند به اطلاع رؤسای دستگاههای جاسوسی خواهد رسید.

نتیجه این «بلوف سیاسی» این شد که همان روز قبل از ظهر یک هواپیمای شرکت به مسجد سلیمان رفت و «اووری» را بی آنکه الاثیه‌اش را جمع کند به آبادان آورد و پس از ویزای گذرنامه، یکسره او را همان روز به بصره بردند. موقعی اطلاع پیدا کردم که بلوف کار خود را کرده است که رئیس شهربانی آبادان تلفنی اطلاع داد «مستر اووری» تقاضای ویزای خروج کرده است. گفتم فوراً ویزا کنید.

• باز هم لغو جواز اقامت :

در شماره ۱۳۲۹ مورخه ۲۶ مرداد این خبر در روزنامه «خبرهای روز» درج شده بود: «آبادان - بقرار اطلاع واصله پروانه اقامت آقای کارلوس رئیس قسمت حمل و نقل مسجد سلیمان به دستور هیئت مدیره دولت لغو شده است» نامبرده اخیراً دست به تحریکات زده و با وجود اختارهای مکرر که به او شده از تحریکات علیه کارگران دست برنداشته بود.

• خرابکاری در بیمارستان :

خرابکاری و شکستن و از بین بردن الاثیه بیمارستان مسجد سلیمان و بیمارستهای سایر مناطق، مجدداً از طرف کارمندان انگلیسی بیمارستانها شروع شده باین معنی که غالباً قسمتی از آلات و ادوات را با خود می‌برند و قسمتی را که قابل حمل نیست از بین می‌برند.

• متخصصین انگلیسی مناطق نفت‌خیز قصد تخریب از ایران را دارند :

امروز صبح آقایان مهندس بازرگان، دکتر فلاح و مهندس ضیائی که برای سرکشی به مناطق

نفت خیز به مسجد سلیمان و هفتگل رفته بودند یا هواییما به آبادان بازگشتند.

آقای مهندس همایونفر سرپرست مناطق نفت خیز و مهندس ترابی سرپرست منطقه آغاچاری همراه این هیأت به آبادان آمدند.

این دو نفر قرار بود به سرخصی بروند ولی چون امروزه قبل از ظهر به هیأت مدیره گزارش رسیده بود که ۲۰۰ نفر انگلیسی ساکن در مناطق نفت خیز تصمیم دارند تا روز دوشنبه مناطق مزبور را ترک گفته و برای عزیمت از ایران به آبادان بیایند. لذا از طرف هیأت مدیره به آقایان مهندس همایونفر و مهندس ترابی دستور داده شد که بعد از ظهر امروز به سوزکنازهای خود بازگردند و ایشان ساعت ۳/۵ بعد از ظهر به مسجد سلیمان و آغاچاری عزیمت خواهند نمود. این ۲۰۰ نفر کلیه متخصصین انگلیسی هستند که در مناطق نفت خیز باقی مانده اند.

صبح روز چهارم ماه اکتبر سال ۱۹۵۱ م. بعضی از کارکنان خارجی شرکت در مقابل چشمهای هدفای از کارکنان و مردم آبادان که در ساحل بودند سوار بر کشتی «ماری توس» **Mauritius** شدند و هازم بصره گردیدند.

بعضی از خارجی ها سنگهای خودشان را نیز آورده بودند. هدفای دیگر را کتھای رئیس و یا چوبهای بازی گلف خود را به همراه داشتند.

کشیش «تیری» **Tyrie** در حالی که سوابق نوزادانی را که تازه بدنیآ آمده و غسل تعمید شده و یا مدارک الهراجی را که ازدواج و یا فوت کرده بودند، در کیف خود همراه داشت، با دلسردی و اکراه سوار کشتی شده زمان خدا حافظی فرا رسیده بود. دسته موزیک کشتی، سرود ملی ایران را نواخت و کشتی از سواحل جدا شد. پیشخدمتهای باشگاه در کنار آب ایستاده بودند و عزیمت خارجی ها را نظاره می کردند. از میان کشتی، انگلیسی ها صدای می کردند.

«خدا حافظ جاسم»، «خدا حافظ بلوطی»، «خدا حافظ شریکلا»، «به امید دیدار»!

غیر به وحشتناکی بود. انگلیسی ها که خود را رئیس نفت در خاور میانه می دانستند، در حالی که با حسرت از سواحل آبادان دور می شدند، احتمالاً در دل می گفتند: «خوزستان ما بی آیم».

متخصصین انگلیسی، مناطق نفت خیز را به کلی تخلیه کرده اند.

امروز صبح دگره کاکس و رئیس کل مناطق نفت خیز و بیست نفر از کارمندان انگلیسی مسجد سلیمان که آخرین دسته از انگلیسی های مقیم مسجد سلیمان بودند با اتومبیل به طرف اهواز حرکت کردند. کارهای مناطق نفت خیز تحت نظر هیئت سه نفری مرکب از آقایان مهندس همایونفر، مهندس احتشام و قوامی که مرکز کار آنها در مسجد سلیمان می باشد اداره می شود.

عده دیگری از انگلیسی ها با اتوبوس به طرف اهواز حرکت کردند که از آنجا به آبادان آمده و

چنین از ایران عزیزت کنده.

دیشب دکتر و کاکس با هیئت سه نفری مزیور خدا حافظی کرد و امروز اعضای هیأت، وی را بدرقه کردند.

باین ترتیب اکنون در سراسر مناطق نفت خیز دیگر هیچ متخصص انگلیسی وجود ندارد. در دل کوچه‌های اطراف مسجد سلیمان، چوپانی تنها و پراحساس، خاطرات این شهر ساکت و پر غرور را در «نی» خود می‌دمد و این مطلب را بیان می‌کند: «مسجد سلیمان، شهری که زمانی در اسارت انگلیسی‌ها بود و چون شصتی فروزان به اطراف نور می‌داد، اکنون آرمیده است.»

پس از تخلیه انگلیسی‌ها از مسجد سلیمان و مناطق نفت خیز حسین مکی چنین می‌نویسد: صبح پنجشنبه ۷ شهریور ۱۳۳۰ ش. برنامه مسافرت به مسجد سلیمان و مناطق نفت خیز تنظیم شده بود بنابراین با هواپیمای داکوتای نیروی هوایی به اتفاق ناصرقلی اردلان عضو هیئت مختلط، مهندس بازرگان، خردجو حسابدار اهزاسی، مهندس مزدا و ستوان یکم صوفی افسر شهرتانی و جعفری کارگاه و دوخته نفر از خبرنگاران از آبادان حرکت و ساعت ۸/۳۰ صبح در فرودگاه مسجد سلیمان هواپیمایه زمین نشست.

چند تن از رؤسای شرکت و دوازده تنی و نیز مهندس همایونفر رئیس مناطق نفت خیز و فرماندار نظامی به استقبال آمده بودند پس از معرفی عده زیادی از کارگران و نمایندگان آنها با پرچم و نظارات و ابراز احساسات شعارهایی داده می‌شد که برخی از این شعارها نوشته روی پرچمها حاکی از این بود که بین کارگران تحریکاتی شده و می‌خواهند به وحدت کلمه‌ای که وجود دارد لطمه وارد آورند. از جمله شعارها مثلاً این بود که فلان شخص باید از شرکت اخراج شود و از عوامل انگلیسی‌ها است یا زوی پارچه نوشته شده بود که اکنون که انگلیسی‌ها رفتند، عوامل آنها هم باید اخراج شوند حرف آنها حساسی بود ولی موقش نبود.

با آنکه قرار بود طبق برنامه به اتفاق مهندس بازرگان و اردلان و مهندس همایونفر، تشکیل جلسه داده درباره امور جاری تصمیماتی اتخاذ شود ولی مشاهده اوضاع و به گوش رسیدن بعضی حرفها ناچار به آقایان همکاران گفتم، شما طبق برنامه تنظیمی جلسه خود را تشکیل بدهید و از طرف هیئت نظارت ناصرقلی اردلان حضور دارد تصمیمات لازم را اتخاذ نمایید من می‌روم به باشگاه نفتون و با کارگران صحبت می‌کنم این بود که از فرودگاه مستقیماً به باشگاه کارگران رخصم جمعیت زیادی در باشگاه جمع شده بودند تقاضای کارگران این بود که نمایندگان کارگران که بوسیله شرکت سابق از کار برکنار شده‌اند بکارگمارده شوند و نیز دست عده‌ای از مسئولین امر که در زمان شرکت نفت مورد خشم و غضب کارگران بودند کوتاه شود. پس از استماع مطالب

کارگران پشت بلندگو رشم و سخنانی ایراد نمودم که خلاصه و شرح این مسافرت را در روزنامه مهرهای روز آبادان در شماره ۱۳۶۱ مورخه شنبه ۹ شهریور درج نموده است برای درج در این تاریخ ذکر می شود. و کارگران عزیز - امروز روزی نیست که بنگرانید دیگران ثنای و تشییع ایجاد نمایند شما که تا بحال تحمل کرده اید اندکی دیگر صبر کنید. من در حال کمالت آمده ام، هدف ملی خود را تأمین نمائیم. من و سایر رفقا در این هوای گرم جان خود را گذاشته ایم که شما نجات یابید. اگر به من و رفقای دیگرم اعتماد دارید قدری دیگر صبر کنید.

دل من و شما هر دو خون است. یکه شبه که ره صدساله نمی روند ما به امور مملکت و جریان دنیا وارد هستیم ما بدخواه شما نیستیم همه با جان خود برای سعادت ملت ایران بازی کرده ایم و شما که از این دستگاه ضرر دیدماید زودتر به استفاده خواهید رسید نگذارید انحلال کنند تا ما به هدف ملتس خود برسیم. (در این موقع یکی از کارگران گفت دشمنان داخلی مرجع نمی دهند شما باید این تحریکات را از بین ببرید)

آقای مکی گفتند: ما کم کم ریشه ها را خواهیم برید، رسیدگی خواهیم کرد. در بعضی نقاط این مملکت مردم آرد هسته خرما می خورند و با پرداخت مالیات حقوق کارگران مناطق نفت خیز را تأمین می سازند. سزاوار نیست که امروز تشییع ایجاد شود. مطمئن باشید که من جلوی هر عامل بیگانه را خواهم گرفت. به وضع همه رسیدگی خواهد شد شما باید هر یک که سرباز فداکاری برای حفظ منافع ملت باشید. ما به رفقا و سیلانی کارگران کمال جلاله را داریم. بطوری که دیروز با هواپیمایی که در اختیار داشتیم سه نفر مرطبی کارگران را از نواسی آها جباری و هفتگل به مرخصخانه آبادان رساندیم. شما همه نمی بینید، می شنوید، می فهمید، ببینید عوامل خارجی چه می کنند؟ و چگونه می خواهند دولت را در زمینه بنگرانند؟ آیا مصلحت است که در یک چنین موقع حساسی برای امور جزئی ثنای ایجاد گردد؟ من به شما قول می دهم که به کار همه رسیدگی خواهد شد و عوامل بیگانه پرست برکنار خواهند شد.

سپس آقای مکی برای استراحت به منزل رفتند. بطوری که ذکر گردید صبح روز پنجشنبه بلافاصله پس از ورود آقایان اردلان، مهندس یازرگان، مهندس همایونفر، خردجو حسابدار اعزامی، جلسه تشکیل داده و مدتی نزدیکه به سه ساعت درباره امور جاری و اداره مناطق نفت خیز تصمیماتی اتخاذ نمودند.

آقای مهندس یازرگان پس از اتمام مذاکرات بیان داشتند که با استخدام عده لازم از مرکز و دیگر نقاط ایران جریان استخراج بطوریکه صورت خواهد گرفت و همچنین کلیه اشیایی که اکنون در انبارهای شرکت ملی نفت باقی است کاملاً سالم و مورد استفاده است. ایشان از روحیه کارمندان و

کارگران مناطق نفت خیز اظهار رضایت و قدردانی نمودند، بعد از ظهر پنجشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر نیز یکدیگر نمایندگان به نزد آقای مکی آمدند.

طبق برنامه‌هایی که تعیین شده بود ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر آقایان نمایندگان هیئت مدیره به اتفاق همراهان به باشگاه کاره واقع در چشمه علی رفته و پس از اظهارات آقای مکی و نماینده کارگران ساعت ۶/۳۰ اعضا هیئت در باشگاه نفتون حضور بهم رسانیدند. در باشگاه نفتون ابتدا دبیر افتخاری باشگاه خیر مقدم گفت و سپس آقایان مکی و مهندس بازرگان در مقابل چند هزار نفر از کارگران مسجد سلیمان بیانات مفصلي درباره اتحاد و اتفاق کارگران ابراز نمودند و یاد آور شدند که به کلیه درخواستهای آنان هر چه زودتر رسیدگی خواهد شد. بعداً یکی از کارگران شعری را که خود سروده بود خواند و بی اندازه مورد تشویق حضار قرار گرفت. آقایان اعضا هیئت مدیره پس از صرف شام، مقارن ساعت ۹ به باشگاه ایران رفته و برای آقایان کارمندان و بانوانشان نیز بیانات مفصلي شرح زیرا ایراد نمودند:

• نقل از شماره ۱۳۶۲ مورخ یکشنبه ۱۰ شهریور

نطق آقای مکی در باشگاه ایران مسجد سلیمان

مسجد سلیمان - روز پنجشنبه ۷ شهریور ماه مقارن ساعت ۹ بعد از ظهر هیئت مدیره مولت شرکت ملی نفت به باشگاه ایران مسجد سلیمان رفتند. آقای سید حسین مکی در حضور کلیه کارمندان ایرانی مسجد سلیمان و بانوانشان بیاناتی شرح زیر ایراد نمودند:

هموطنان عزیز: در گذشته که من بدینجا آمدم حده زیادی انگلیسی در نقاط نفت خیز وجود داشتند ولی امشب برای بنده باعث بسی خوشحالی است که مجلس را خالی از اخیار می بینم، حافظ می گوید:

من آن نگین ملیان به هیچ نستانم که گاه گاه در او دست اهرمن باشد

امشب این محیط کاملاً صمیمانه و قوامیلی است در تمام مناطق نفت خیز جز ایرانی و ایران دوستی چیز دیگری هویدا نیست.

معاشران گیره از زلف یار باز کنید شبی خوش است بدین قصه اش دواز کنید

حضور مجلس انی است و دوستان جمعند وان یکسای سخوانید و در فراز کنید

امشب واقماً در تاریخ ملت ایران شب بسیار خوبی است. امیدوارم با همین نقشه ای که تاکنون پیش گرفته شده بقایای افراد خارجی را نیز از سایر مناطق خارج و محیط ایران را خالی از اخیار کنیم و یک ایرانی نو و یک ملت زنده و مبارز ایجاد کنیم. این آرزوی من و هر ایرانی شرافتمندی است. امیدوارم که در آینده میوه های شیرین این نهال را بچشیم و از شیرینی آنها لذت ببریم. تنها علت

اینکه ما تاکنون موفق به این همه پیشروی شده‌ایم، هوش و متانت و درایت شما بوده است. اگر خدای نکرده صدایی بیرون می‌آمد و تشنجی ایجاد می‌شد، صفوف اول این مبارزه بعوض آنکه با نفوذ عوامل بیگانه مبارزه کند و نشان مصروف دزدلی و تردید و موجب شکست می‌شد باید خود را به هدف برسانیم آنجا که رسیدیم نقشه معادته ایران آباد را خواهیم ریخته؛ پاینده باد ایران؛ پس از نطق آقای مکی، آقای حسگری یکی از کارمندان بیاناتی را که قبلاً تهیه کرده بود خوانده و یاد آور شدند که همه پشتیبان دولت دکتر مصدق می‌باشند و ایرانی از خود گذشته را به دنیا نشان خواهند داد که قادر است صنایع خود را نگهدارد چطو در حدود ساعت ۹:۲۰ پایان یافت. ساعت ۷/۳۰ صبح دیروز (جمعه ۸ شهریور) آقایان اردلان و مهندس بازرگان و دکتر فلاح با هواپیما برای بازدید و سرکشی به آهاجاری پرواز نمودند و آقای مکی و مهندس مرزا بوسیله ماشین به لالی رفتند. در لالی مردم دسته‌دسته در هوای گرم، منتظر ورود آقای مکی و همراهان بودند. به محض ورود فریادهای شادی از اهالی و کارگران به آسمان برخاست. اهالی در چند قطعه طاق نصرت‌هایی بسته بودند که به پرچم‌های ایران و شعارهایی عزم شده بود. آقای مکی باشگاههای کارگران و کارمندان و قسمتهای مختلف لالی را بازدید نمودند.

• نقل از روزنامه اطلاعات، مورخ یازدهم شهریورماه ۱۳۲۰، شماره ۷۶۰-۸.

«امروزه روز شروع بکار شرکت ملی نفت ایران در مناطق نفت خیز اعلام شده است؛ از طرف آقای مهندس همایونفر رئیس کل مناطق نفت خیز به‌خاسته‌ای خطاب به کارگران و کارمندان صادر شده که مضمون آن از این قرار است:

«از ساعت هشت صبح روز یکشنبه (دیروز) تمام مناطق نفت خیز از وجود کارمندان خارجی بکلی تخلیه شده است، اکنون که بخواست خداوند متعال عمل خلع بد با تمام رسیده است، امروز را روز شروع بکار شرکت ملی نفت ایران در مناطق نفت خیز اعلام می‌نمایم و مطمئن هستیم که کلیه کارمندان و کارگران با دلگرمی و پشتکار خستگی ناپذیر، همان‌طور که تاکنون بدنی متانت و بردباری و مهمان‌نوازی خود را ثابت نموده‌اید، از هم اکنون لیاقت و استعداد و هوش و فراست ایرانی را بدنیای به‌نمائید که با وجود ترک خدمت دسته‌جمعی ۸۳۵ کارمند انگلیسی و ۵۰۰ نفر کارمند هندی و پاکستانی، کلیه کارها جریان عادی خود را بهتر از پیش طی خواهد نمود و آمادگی خود را برای بهره‌برداری از چاههای نفت به دنیا اعلام می‌داریم.»

یکی از حرکت‌هایی که به واسطه حضور فعال مردم و به‌خصوص کارکنان صنعت نفت در صحنه مبارزه، توانست دست کارگران انگلیسی را از منابع نفتی ایران کوتاه سازد و کشور را از حالت درماندگی و زکود اقتصادی بدر آورد و بدین حرکت و پویایی بیشتری در جهت کسب استقلال

واقعی بدهد، لغو قرارداد ۱۹۳۳ م. و خلع ید شرکت نفت ایران و انگلیس از مناطق نفت خیز جنوب بود.

بهره برداری تحت نظر کارشناسان ایرانی :

پس از رفتن کارشناسان انگلیسی از مناطق نفت خیز حمل بهره برداری از کلیه مناطق بکلی تعطیل شده بود ولی از تاریخ ۲۳ شهریور در منطقه لالی، حمل بهره برداری انجام گرفت. در لالی برای استفاده از گاز روزی سی هزار گالن نفت استخراج می شد که در نتیجه، گاز آن به مصرف محلی می رسید و نفت به علت آنکه در آبادان مخازن پر بود به چاه مسجد سلیمان برگشت داده می شد.

• بازدید خبرنگاران خارجی از مسجد سلیمان :

بامداد آخرین جمعه شهریور ۱۳۳۰ ش. قطره مخبر روزنامه دلی میل، استید مخبر روزنامه دلی تلگراف و کلارک مخبر روزنامه دلی هرالد از آبادان به مسجد سلیمان سفرت کردند و در آنجا از کارخانه برق و انبار ابزار و آذوقه و تعمیرگاه و گاراژها و کارخانه بیخ و بیمارستان و سایر تأسیسات مناطق نفت خیز دیدن نمودند. طبق اظهار این خبرنگاران این بازدید موجب شگفتی آنان بود زیرا به آنها گفته شده بود که پس از رفتن انگلیسی ها کارها تعطیل خواهد شد ولی آنها به چشم خود دیدند که همه چیز مطابق معمول جریان هادی خود را طی می کند و با آنکه تمامی کارمندان انگلیسی خدمت خود را ترک کرده بودند هیچگونه اشکالی پیش نیامده بود و مراتب را به مخبر روزنامه خبرهای روز اظهار کرده بودند.

• آبادی و ساختمان در مسجد سلیمان تا قبل از خلع ید :

تا قبل از آنکه مسجد سلیمان و تأسیسات آن به تصرف هیئت مدیره موقت درآید، یعنی تا قبل از خلع ید، مناطق نفت خیز مسجد سلیمان، با آن جمعیت، مطلقاً فاقد مغازه و دکان شخصی برای کسبه بود، زیرا شرکت نفت اجازه ساختمان به کسبه و افراد نمی داد و کسبه ناچار بودند که در چادر یا سایبانهای کدبان چوب و حصیر و قیره درست کرده بودند مشغول کسب و کار خود شوند و چون این چادرها و آلونها محفوظ و محصور نبود، کسبه آن ناچار بودند که شب و روز برای مراقبت محل کسب خود در آن زندگی کنند. این معنی که هم خانه آنها بود و هم محل کسب و اطراف آن محلها هم بیابان و زمینهای بایر بسیار زیاد وجود داشت و این آلونها در یک مسیر معینی برپا شده بود. اشکال دیگری که این کسبه داشتند فقدان آب مشروب بود که فوق العاده آنها را دچار زحمت می نمود زیرا برای آنها لوله کشی آب نشده بود و این بیچاره ها می بایستی از مسافت دور بروند آب تهیه نمایند.

مأمورین دولتی هم برای رفع این مشکلات جرأت ابراز وجود نداشتند، زیرا بطور مثال اگر مأمور شرکت نفت می‌گفت که چرا اهالی مسجد سلیمان در مضیقه آب هستند فوراً آن مأمور مفصل می‌شد.

تعدادی خانه هم برای کارمندان و سرکارگران ساخته بودند که در تابستان دچار همان بی‌آبی و مضیقه بود چون موقعی که مسجد سلیمان شهر کوچک و کم جمعیتی بود یک لوله آب از گذار لندر دو ۱۸ کیلومتری مسجد سلیمان از رودخانه کارون آورده بودند و هر قدر وسعت شهر زیادتر و پر جمعیت و خانه‌ها و ساختمان افزوده شده بود باز همان لوله آب باید به تمام شهر آب بدهد بنابراین خانه‌های کارمندان و سرکارگران و سایر قسمت‌های ایرانی‌نشین همیشه آب نداشتند و به نوبت به آنها آب داده می‌شد و این آب بقدری در تابستان گرم بود که واقعاً دست را می‌سوزاند، زیرا لوله‌ها از روی زمین عبور می‌کرد، و روی آن کاملاً باز بود و در مقابل حرارت هوای ۷۵ در آفتاب و ۴۵ یا ۴۷ درجه سانتیگراد در سایه در طول ۱۸ کیلومتر تبدیل به آب گرم نزدیک به جوشیدن می‌گردید، البته برای محله‌های انگلیسی‌نشین تصفیه‌خانه پیش‌بینی کرده بودند که قدری از حرارت آب می‌کاست ولی برای همه مردم شهر اینطور نبود. حسین مکی در یکی از مسافرت‌های خود به مسجد سلیمان به این مشکلات برخورد کرد علاوه بر آن در حدود ۳ هزار نفر کارگر بیکار در مسجد سلیمان بود که وجود این بیکاران که کارگران مقاطعه کار شرکت نفت انگلیس و ایران بودند و پس از تحویل گرفتن مسجد سلیمان یعنی خلع ید از انگلیس‌ها چون شرکت ملی نفت دیگر با مقاطعه کاران مزبور کار نداشت و نمی‌توانست با آنها وارد قرارداد و معامله شود بودجه‌ای هم برای این کار نداشت کارگران نامبرده بیکار و خود سپاه انقلابی بودند که ممکن بود هر آن، متعلقه مسجد سلیمان را دچار مشکلاتی نمایند گرچه مسجد سلیمان بوسیله یک گردان نظامی حفاظت و حکومت هم نظامی بود ولی از شکم گرسنه نمی‌توان انتظار داشت که ساکت و آرام بنشیند. یک روز هم از مسجد سلیمان مهندس همایونفر رئیس قسمت مناطق نفت خیز به مکی تلفن کرد که عددهای از کارگران بیکار کترانچی‌ها جلو اداره کار و دفتر من جمع شده‌اند و کار می‌خواهند، تکلیف چیست؟

مکی موضوع را بلافاصله با سیم کاری به اطلاع نخست‌وزیری رساند و پیشنهاد کرد که دولت تصویب‌نامه‌ای صادر نماید که به کسب مسجد سلیمان بشرط آنکه طبق نقشه شرکت ملی نفت و با شرایط خاصی که از طرف منطقه مسجد سلیمان تعیین خواهد شد بسازند، مجاناً زمین واگذار کنند که در چند مسیر معین میخاز بسازند که هم کارگران بیکار بکارگمارده شوند و هم مسجد سلیمان از آن وضع اسف‌آور و ناخوار بصورت شهر زیبا درآید. دکتر مصدق موافقت نمود، مکی با

مهندس همایونفر مذاکره کرد تا شرایط و نقشه تهیه کند. کسبه هم از خدا می‌خواستند. مهندس همایونفر در این کار جدیت کرد و تقاطعی را تعیین نمود شرایط واگذاری آن را که یکی این بود تا بیست سال هیچکس حق فروش را ندارد و باید مغازه‌ها دو طبقه و از سنگ ساخته شود و بهر نفر فقط یک باب مغازه برای کسب خودش خواهد بود و هیچکس نمی‌تواند بسازد و به دیگری اجاره دهد و از این قبیل که عده‌ای سودجو بتوانند سوءاستفاده نمایند اعلام نمود.

در مدت کوتاهی چندین خیابان خوب و زیبا با سنگ ساخته شد که خود کسبه آن خیابان یکی را بنام خیابان دکتر مصدق و یک خیابان را کاشانی و سومی را مکی نامگذاری کردند و در آن مشغول به کسب و کار شدند و این اقدام بسیار حسن اثر داشت.

البته بعد از ۲۸ مرداد نام خیابانها را عوض کردند ولی مردم همچنان بنام اولیه می‌خواندند. حسین مکی در مورد اشکال آب مشروب از مهندس همایونفر سؤال کرد که وسایل و لوازم برای لوله کشی از گدارلندر تا مسجد سلیمان و تلمبه که آب را تا حدود دویست متر بالا بکشد و از آنجا به مسجد سلیمان سرازیر شود دارند؟ جواب مثبت داد. دستور داده شد که فوراً اقدام نماید و قطعاً شرایط واگذاری مورد موافقت هیئت مدیره موقت قرار گرفته است که از گدارلندر به مسجد سلیمان کشیده شده است.

سید حسین مکی می‌نویسد:

پس از چند ماه که از خلع پد گذشته بود در مسافرتی که به اتفاق هیئت مختلط به خوزستان رفتم، روزی تنها برای بازدید گدارلندر رفتم. در آنجا پسر مردی بختیاری که سه فرزند او هم در شرکت نفت بکار مشغول بودند، داستان عجیبی برایم بیان کرد که شنیدنی است. وی گفت:

این بیابان، خشک و اینطور سوزان نبود. تپه‌های آن انبوه از درختهای کنار، کَلَخَنگ، بادام و بلوط جنگلی بود و تمام حشم ما در زیر آن چرا می‌کردند و از بلوط آن می‌خوردیم.

یشه‌ها و جنگلهای مسجد سلیمان دارای همه گونه جانور وحشی مثل شیر، ببر، خرس، کفتار، خوک (گراز) و پلنگ بود و گوسفندان کوهی هم به وفور یافت می‌شد که حتی در گله‌های ما داخل می‌شدند و همراه گله به کوه می‌رفتند.

ما کاملاً مرفه بودیم دارای قاطر و چهارپا بودیم حشم زیاد داشتیم، البته بیلاق و قشلاق هم می‌کردیم. وقتی رینولدز آمد و نفت در مسجد سلیمان کشف و استخراج شد و عده‌ای انگلیسی که ما به آنها صاحب می‌گفتیم باین حدود آمدند از در دلسوزی ما برآمدند که زندگی شما خوب نیست و ما برای اینکه پول رایگان به شما نداده باشیم از این درختهای جنگلی هر بار الاغ یک ریال و قاطر سی شاهی می‌خریم. ما مردم بی اطلاع هم باور کردیم و شروع کردیم به قطع کردن

جنگلها بطوری که ظرف چند سال این منطقه تا چندین ده فرسخ بیابان برهوت شد و دیگر ما نتوانستیم حشم داشته باشیم و چوبهای جنگل را هم که تحویل صاحب می دادیم شب همه را به رودخانه کارون می ریختند. حال ماخی فهمیم که چه جایشی کردیم و شرکت نفت چه پروژ اهالی این منطقه آورده است و مجبور شدیم برای شرکت روزی ۲۲ ریال کار کنیم و از حشم و چهارپا هم دیگر خبری نیست.

● نقل از روزنامه خبرهای روز آبادان، مورخ پنجشنبه ۱۶ آبانماه ۱۳۳۰ شماره ۱۴۱۷
ساختن دکان برای پیشموران :

به منظور ایجاد کار و رفاه اهالی تاکنون از طرف شرکت ملی نفت در مسجد سلیمان اجازه ساختن ۲۲ دکان به کسبه محل داده شده و طبق نقشه‌ای که در دست اتمام است بزودی اجازه ساختمان تعداد بیشتری دکان و مغازه داده خواهد شد. در صورتی که در گذشته محل کسب اغلب اهالی در گرمای شدید تابستان و بارندگی‌های زمستان در زیر سایه‌ناهی بود که از چند صندوق چوبی و مقداری چادر و گونی تشکیل یافته بود.

ملی شدن نفت در ایران و خلق پد از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران در توسعه مسجد سلیمان بسیار مؤثر بوده است زیرا با ملی شدن نفت و خارج نمودن هده زیادی کارکنان خارجی، ایرانیان جانشین آنها شدند و با بهره گیری از تسهیلات و رفاهی که برایشان بوجود آمده بود، خانواده‌های خود را نیز به این شهر آوردند و جامعه‌ای بوجود آوردند متشکل از افراد متفاوت. تعداد جمعیت روه المزارش نهاد بطوری که در سال ۱۳۳۵ جمعیت شهر نشین این شهر به ۴۲/۶۵۱۰ هزار نفر بالغ گردید که در سرزمینی به وسعت ۱۵۵۰ کیلومتر مربع با رفاه نسبی زندگی می نمودند.

بعد از ملی شدن نفت بتدریج جمعیت روه کاهش نهاد زیرا با کم شدن فعالیت‌های نفتی و نبودن تأسیسات صنعتی عظیمی مانند گذشته که بتواند جاذب جمعیت و محل فعالیت باشند از تعداد افراد فعال روزه روزگامسته می شود و هم اکنون این روند ادامه دارد و اگر صنعتی جایگزین نگردد انکان دارد در آینده جمعیت شهری گامسته شود و مهاجرت از مسجد سلیمان بیشتر گردد.

● تماس فرهنگها در مسجد سلیمان :

مسجد سلیمان از آغاز تأسیس یکی از مهمترین مراکز کار و فعالیت‌های اقتصادی، و محلی برای تجمع جمعیت شد از اطراف و اکناف کشور بدین سو روی آوردند و بعلت نبودن متخصص و کارشناس و افراد آشنا به تکنیک و فنون جدید هده کثیری از اروپا و آمریکا به این شهر وارد شدند که در اثر تماس و برخورد با افراد ایرانی افکار و بعضی از عادات آنان، ساکنین این شهر را تا حدی تحت تأثیر قرار داد و همین امر سبب شد که جامعه‌ای پیشرفته تر از نظر اجتماعی

و فرهنگ صنعتی نسبت به سایر شهرهای ایران را بوجود آوردند. با این وجود دو چهره متضاد زندگی در این شهر دیده می شد چنانکه شخصی به پیروی از راه و روش زندگی مدرن اروپایی و هدمای خو گرفته به آداب و رسوم و روش زندگی ایرانی، بدون اینکه مزاجی برای یکدیگر پیش آورده، روزگار واسپری می کردند. این تضاد فکری و روش زندگی نیز در یک خانواده هم قابل ملاحظه بود، به طوری که پدر و مادر مذهبی و اهل مسجد، منبر، تدر و نیاز بودند اما فرزندان همان خانواده پسر و پناه های گوناگون غرب و شب زنده دار بهاء پارتی ها و مجالس و قمار بودند و به معنای واقعی غرب زدگی شدند.

بدین ترتیب هر یک دنیایی برای خود و از دریچه دید خود ساخته و بدون هیچگونه تعصب و یا ناراحتی در کنار هم بسر می بردند.

از زمانی که چاه شماره یک حفر گردید و قبل از اینکه راههای ارتباطی بین مسجد سلیمان و سایر شهرهای و مناطق وجود داشته باشد هدهای بازاری - بیکار و الزام مضره از قبیل اصطفاقی، دزفولی، شوشتری، ارمینی وارد مسجد سلیمان شدند و آشنا به امور مغازه داری و بازرگانی و سپس به کارهای خدماتی در صنعت نفت مسجد سلیمان اشتغال ورزیدند و سالیان شماری در این دیار و خطه زر خیز طلای سیاه جولان نمودند و استفاده های زیادی برده اند و تا جایی که با اختیارها و مالکین اصلی محل، وصلت نموده و در پناه این صنعت فعال، خود و فرزندان شان به جاهای بالایی رسیده اند و اکنون که فعالیتهای شرکت نفت افول نموده است بعضی از آنها با سرمایه های بسیار کلان به شهر و دیار خود برگشته اند و از اندوخته های چندین ساله بطور تعجب آوری تجارت نموده اند. البته بعضی از آنها اینقدر در این شهر ساکن بوده اند که با اعتقادات، سنن و افکار ایل ما خو گرفته و هرگز تمایلی به رفتن نشان نمی دهند. قبلاً هر دسته و گروهی از آنها در مرحله ای برای خود بطور دستجمعی زندگی می کردند مثل صدهای ها در کلنگه، شوشتری ها در پایین کاروانسرای کلنگه، ارمینی ها در نمره چهل، قریت ها در کلنگه و غیره.

اما اختیارهای مالک فقط جذب این صنعت می شدند تنها خدمتی که شرکت نفت برای اختیارها انجام می داد تا این حد بود و فراتر از آن چیز دیگری متصور نیست. اکنون می بینیم بجای اینکه خیر و برکت این صنعت به مالکین حقیقی یعنی ایل جلیل بختیازی برسد و اقوام دیگر، آگری سبقت را گرفتند.

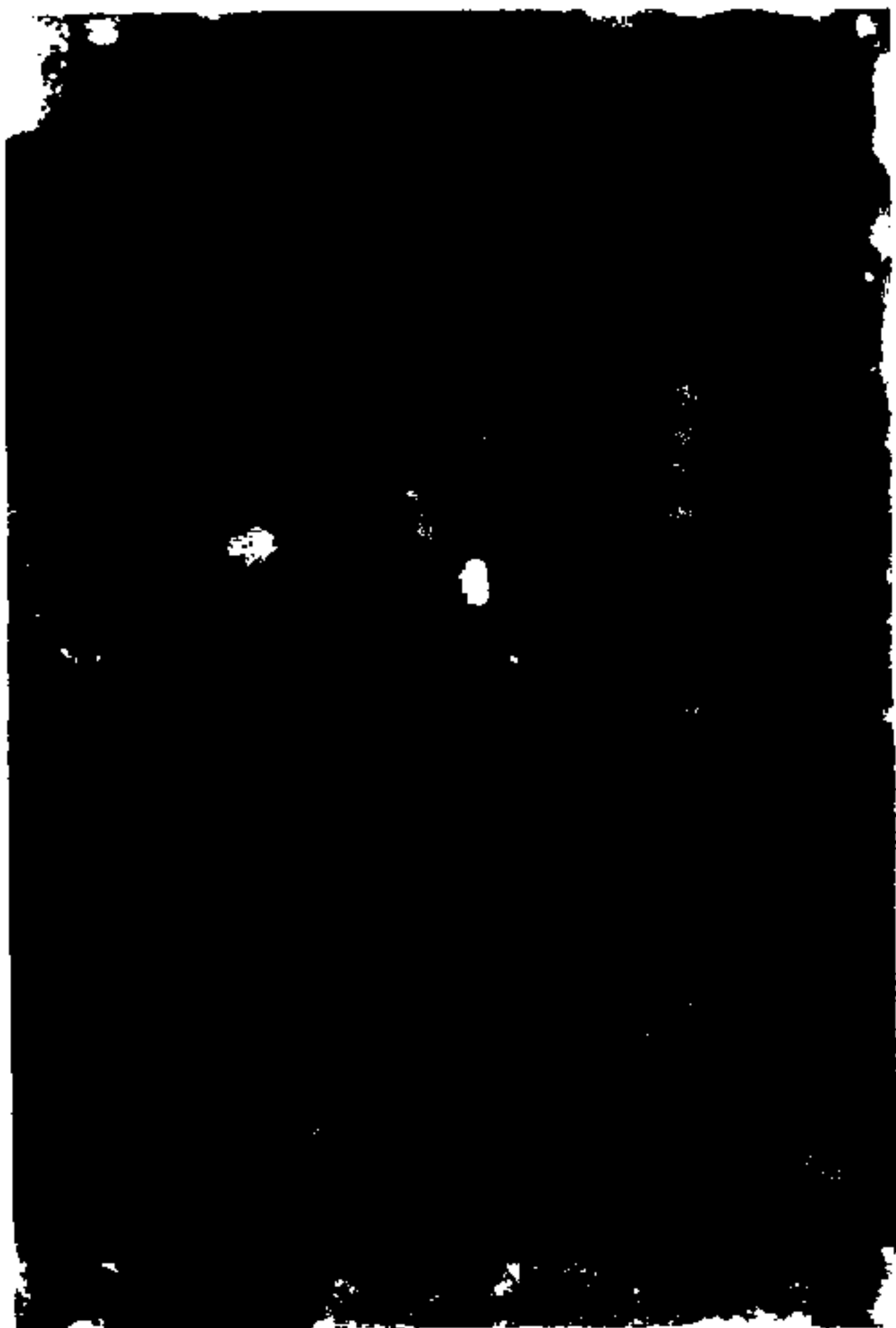
۱- منظور شوشتری، دزفولی، اصطفاقی هستند که بدون هیچگونه کار تولیدی مفیدی از دست ریح اختیارها و پرسنل فعال منطقه استفاده نموده و از این شمع فروزان شرکت نفت، بهره ها بردند.



۱ - مسجد سلیمان منجمله بی سربك زن که همچون مصالح در درون دیوار کار گذاشته بودند
 ۲ - مسجد سلیمان - نقش برجسته امیری که در برابر آتشدان پرستگاه هراکلی قرار می گرفتند



میرزا علی اصغر خان امین السلطان
 (آتابک اعظم)





همه یک زن و یک مرد که نیزه در دست دارند و شاید

سایه خندان باشند.



مسجد شاهزاده‌ای در حال زایش که در زمان سلسله دومتری هراکلی که نزدیک مسجد
هراکلی نزدیک مسجد سلیمان کشف شد. - در حال کشتن شیر.

احزاب سیاسی مسجد سلیمان بعد

از ملی شدن نفت

● حزب ایران

یکی دیگر از احزاب پیش از شهریور ۱۳۲۰ ش. و حزب ایران است که به آمریکائیان گرایش و وابستگی داشت. حزب ایران که در سال ۱۳۲۲ ش. تشکیل شد بطور کلی یک حزب توده‌ای و مردمی نبود، بلکه یک حزب روشنفکری بود. عده‌ای از روشنفکران تحصیل کرده اروپا و عده‌ای هم از ایران دور هم جمع شدند. کسانی که به حزب ایران رفتند عده‌ای از اساتید دانشگاهها و مهندسين بودند که تماماً یا تقریباً سران تحصیل در اروپا داشتند، یعنی به حزب مسافرت‌هایی داشته‌اند.

تمایلات آنها، تمایلات ملی و دمکراتیکه بود، دمکراتیکه به این معنی که طرفدار دمکراسی سلطنتی بودند، به هیچ وجه جمهوری در افکار آنها نبود. طرفدار یک سیاست ملی علیه امپریالیسم بطور کلی، در جهت سرمایه‌داری ملی ایران و نه در جهت توده‌ای و خلقی نیز بودند.

حزب ایران خیلی خواستار توسعه دوستی با حزب توده بود و حتماً می‌خواست که رهبرانش در خیانت‌ها و جنایات مردمی حزب توده شرکت داشته باشند. آقای ابوالفضل قاسمی، عنوان دبیر کل این حزب را داشت و دکتر منجایی هم رهبر اصلی حزب ایران در مراسم کشور بودند.

در مسجد سلیمان

ایران ابتدا دفترشان در منزل (نظر آقای) کارمند عالی رتبه شرکت نفت، در ناحیه

پشتکوه واقع بود. بعدها از آنجا تغییر نمود و به محل دیگری که اکنون مطب دگر میزانی می‌باشد

تعلق پیدا کرد. در زمان از این مکان به نمره چهل، جنب کتابخانه اوشاد اسلامی فعلی شهر، در پیشگله‌ای

قرار می‌گرفت که در دامنه کوه واقع شده، انتقال داده شد، برای مدتی آقای منصور لی در حزب ایران در

مسجد سلیمان بود.

حزب ایران در تابستان سال ۱۳۲۳ ش. به مسجد سلیمان آمد و سالهای شماری آقای شمشیری

فردی بنام علام‌الملکی که کارمند عالی‌رتبه شرکت نفت بود از اعضای بسیار فعال این حزب به شمار می‌رفت. لازم به ذکر است که آقای منوچهر نیرومند برای مدتی لیدر حزب زحمتکشان مسجد سلیمان بود.

• حزب پان ایرانیسم

این حزب تقریباً بعد از اشغال ایران توسط قوای متفق، شروع به فعالیت نمود و هدفش مبارزه با اشغالگران و قوای بیگانه بود. در زمان ملی شدن صنعت نفت ایران، این حزب موجودیت هلنی یافت و لیدر آن در سراسر کشور آقای منوچهر نیرومند بود. در همین زمان آقایان دکتر آملی تهرانی و عبدالرضا قزوینی در میان این حزب توسعه یافت و بنام پان ایرانیسم و حزب ملت ایران سر بنیاد پان ایرانیسم در این حزب در مسجد سلیمان در سال ۱۳۳۰ ش. با ورود آقای محسن پزشکی‌پور به این شهر تأسیس شد و ابتدا در ناحیه مالک‌کریم تشکیل جبهه دادند و آقای صفر علی وطن‌پور را در مسجد سلیمان به عنوان رهبر آن معرفی نمودند. اولین پایگاه و محل این حزب در منزل شخصی آقای منوچهر نیرومند در شهر مالک‌کریم بود. در همین مکان بود که نشریات حزب، پس از از سال به مسجد سلیمان، بین اعضاء آن توزیع می‌گردید. یکی از اعضاء فعال آن، آقای ایرج ایرانپور بود. افراد این حزب همیشه جلسات خود را با نام خدا شروع می‌کردند. شعار این حزب این بود:

مرگ بر روس، آمریکا و انگلیس، پاینده باد ایران.

• حزب سوسیالیست

حزب سوسیالیست از اولین احزایی بود که بلافاصله بعد از شهریور ۱۳۳۰ ش. هم‌زمان با حزب توده ایران تشکیل شد. مؤسس آن مصطفی فاتح، شهیدزاده و عباس نراقی بودند. سوسیالیست، حزبی بود که فقط علیه حزب توده ایران مبارزه می‌کرد و به وسیله شرکت نفت انگلیس حمایت می‌شد و همین‌ها بودند که توسط یوسف التختیاری، بیک اتحادیه کارگری در دست کردند که حتی فعالیت‌های آنها به مسجد سلیمان هم کشانده شد.

لازم به ذکر است که برای مدت کوتاهی حزب شوریکا که گرایش آلمانی داشت در مسجد سلیمان فعالیت می‌نمودند. ولی در اینجا مدت زیادی دوام نیافت و سریعاً زحل اقامت را بریست. بعضی از افراد می‌گویند که قوامیونرها در این شهر ملز و انجمن فعالی داشتند و جلسات خود را در نزدیکی کارخانۀ شرکت نفت برگزار می‌کردند.

• جنگ ابوالقاسم خان بختیاری

در بهار ۱۳۳۲ شمسی در بخش اندیکا جنگ سختی میان سران بختیاری و نظامی‌ها در گرفت و

عدد کثیری از الزامات برآیند کشته شد.



منظره‌ای از چاه اف - تری (F3)

وضعیت میدان مسجد سلیمان - زمین‌شناسی و مخازن نفت و گاز

میدان مسجد سلیمان در ۱۲۹ کیلومتری شمال اهواز در قسمت شمال غربی محدوده مناطق نفت خیز جنوب ایران، در منطقه دزفول شمالی قرار دارد و از آغاز اکتشاف ۱/۵ میلیارد بشکه نفت تولید کرده است.

میدان نفتی کارون و پزسیاه و میدان نفتی/گازی زیلابی در نزدیکی آن واقع شده‌اند. این میدان شامل مخزن آسماری و مخزن گاز ترش ژوراسیک می‌باشد.

۱- مخازن نفت

۱- مخزن آسماری: مخزن آسماری مسجد سلیمان یکی از قدیمی‌ترین نامتعارف کم عمق است. همانظوری که قبلاً نیز درج گردیده مخزن آسماری مسجد سلیمان اولین میدان نفتی در خاور میانه می‌باشد که در آن نفت به مقدار تجارتي اکتشاف گردید و خود نفت در این میدان در سال ۱۹۰۵ میلادی با چاه اکتشالی شماره یک مسجد سلیمان در عمق ۱/۱۰۸ فوتی در نیاز آسماری به ایات رسید و از سال ۱۹۱۱ م به بهره‌برداری از این میدان شروع شد. قسمتی از گستره فعلی شهر مسجد سلیمان بر روی سازند گچساران، قسمتی بر روی سازند ایشان و قسمتی دیگر بر روی سازند آخاجاری قرار گرفته است. این شهر عمدتاً در قسمت بال جنوبی طاق‌دیس زیرزمینی مخزن آسماری گسترش یافته است.

بر مبنای محاسبات انجام شده در کتاب ذخائر و آمار سالیانه نفت و گاز، میزان حجم نفت اولیه

مخزن (۲۵۸۰) میلیون بشکه برآورده شده است که با احتساب بازیافت نهایی (۱۷٪) فقط (۹۱۳۰) میلیون بشکه آنرا بطور طبیعی می توان استخراج کرد. از این مقدار تاکنون حدود (۱۹۰۹) میلیون بشکه که (۲۸٪) بازیافت نهایی از مخزن می باشد تولید و تخلیه شده است. نفت موجود در این میدان شنگ و دارای درجه وا. پی. آی. ۳۰ همراه با (۸۸٪) وزنی گئوگرد می باشد. مخزن آشناری مسجد سلیمان در بدو اکتشاف، زیر اشباع و ناقد گنبدگازی بوده که بعد از آن بر اثر تولید مداوم از مخزن و کاهش فشار و انقباض ستون نفت در قسمت فوقانی ساختمان مخزن، کلاهک گاز ناتوی در آن تشکیل گردیده. حداکثر ستون نفت اولیه مخزن قبل از آغاز بهره برداری در حدود (۲/۴۵) فوت بوده است. در حال حاضر ستون نفت مخزن به کمتر از (۲۰۰) فوت تقلیل یافته و ستون گاز کلاهک ناتوی نیز به ارتفاع (۸۰۰) فوت تشکیل شده است. درصد گازهای اسیدی گنبدگازی جرتیب (۲/۷۵٪) هیدروژن سولفور و (۶۳٪) گاز کربنیک می باشد.

ذخیره نفت موجود در معادن منطقه مسجد سلیمان براساس اطلاعات مندرج در کتاب آمار سالانه ذخایر تولید پناههای تنظیمی اداره کل مهندسی نفت و مناطق نفت خیز شرح زیر است:

باقیمانده نفت قابل تولید در معادن منطقه مسجد سلیمان در سال ۱۳۵۰

حداکثر نفت باقیمانده قابل تولید از طریق تخلیه طبیعی از معادن منطقه مسجد سلیمان ذیلاً درج می گردد.

مسجد سلیمان	۲۱	میلیون بشکه
پرچین	۱۹	میلیون بشکه
کاورن	۵۱	میلیون بشکه
زیلایی (آشناری)	۶۹	میلیون بشکه
زیلایی (بگستان)	۲۵	میلیون بشکه

لازم به توضیح است که مقدار محتابقی نفت علاوه بر میزان قابل استخراج در بازیافت اولیه، از بسیاری از منابع نفتی جهان در مراحل بازیافت ثانویه امکان پذیر است. جهت روشن شدن بیشتر مطلب و تبیین مراحل مختلف تولید نفت و نیز منظور مشخص شدن معانی و مصداق واژه های بازیافت اولیه و بازیافت ثانویه، منظور از چند درج می گردد.

اصولاً تولید نفت خام متضمن انجام عملیات و فرآیندهای متعددی بوده و بالا بردن بازدهی تولید در هر مرحله نیز مستلزم انجام عملیات بخصوصی است. پس از کشف یک مخزن نفت، ابتدا گنجایش مخزن و میزان نفت قابل تولید از آن محاسبه می شود. بدین منظور با جفر پناههای توسعه ای، ابعاد مخزن، اندازه گیری شده و با آزمایش عملی

این چاهها میزان بهره‌دهی آنها، نوع نفت، فشار، همق تولید و سایر اطلاعات مورد لزوم گردآوری می‌گردد. این اطلاعات دقیقاً تحت بررسی قرار گرفته و با استفاده از آنها میزان نفت موجود در مخزن کشف شده، محاسبه می‌گردد و همچنین مشخص می‌شود که چه مقدار از نفت موجود با استفاده از انرژی طبیعی مخزن قابل استخراج است که آن را اصطلاحاً بازیافت اولیه می‌نامند.

در ایران بطور متوسط (۲۰) درصد نفت موجود در زمین بازیافت اولیه قابل استخراج است. برای بالا بردن میزان استخراج می‌توان با تزریق سیال از کانسرتورهای مختلف مخزن بهره‌گیری کرده و به بازدهی تولید افزود. ارزش تولید در این طریق را اصطلاحاً بازیافت ثانویه می‌نامند. با استفاده از روش بازیافت ثانویه در ایران علاوه بر (۲۱) میلیارد بشکه نفتی که در بازیافت اولیه قابل استخراج است، می‌توان (۱۶) میلیارد بشکه نفت اضافی نیز تولید کرد که به احتساب هر بشکه ۲۵ دلار، ۴۰۰ میلیارد دلار درآمد اضافی عاید خواهد گردید که ثروت قابل توجهی است.

در میدان مسجد سلیمان هیدروکربورهای نفتی درون سازند آسماری در منطقه‌ای که طول و عرض آن در سطح تماس اولیه نفت/آب (در عمق ۲۲۰۰ فوت دیر سطح دریا) به ترتیب ۴۹ و ۷ کیلومتر بوده گسترش داشته است. ساختار هندسی مخزن در سازند آسماری شامل یک ظالقیسی نامتوازن با شیب تقریبی ۳۵ درجه در دامنه جنوب غربی و ۲۰ درجه در دامنه شمال شرقی می‌باشد. امتداد تقریبی محور آن شمال غربی - جنوب شرقی است. در شمال غربی میدان، ساختار مخزن روی سازند به دو شاخه منشعب می‌شود. سطح مخزن به ترتیب ۶۰۰ فوت زیر سطح زمین و ۲۵۰ فوت بالای سطح دریا واقع است. متوسط عمق مخزن کمتر از ۲۰۰۰ فوت می‌باشد. این مخزن بیشتر از نوع سنگهای کربناتی تشکیل شده است و بخش عمده آن سنگ آهک شکافدار می‌باشد. هرزرفتهای گل سفاری در زمان حفر چاهها بدان نشانه است که شکستگی به جلا قابل ملاحظه‌ای در سنگهای آهکی این میدان وجود دارد و به همین دلیل بوده که امکان بهره‌برداری با نرخ بالا از مخزن میسر گردیده است. چرا که نفوذپذیری در ماتریسها کم است. بهره‌دهی چاهها در دامنه جنوب غربی این میدان چلت گسترش و توسعه بهتر شکافها بالاتر بوده و تخلخل در سراسر مخزن به سمت شمال شرقی کاهش پیدا می‌کند. معدل تخلخل برای مخزن (۱۴٪) و نفوذپذیری در ماتریسها در حدود (۶٪) تا (۴٪) میلی داری می‌باشد. سابقه نمونه‌برداری مغزه از مخزن تایانگر این است که قسمت فوقانی مخزن شکافها و درزها بهتر توسعه پیدا کرده‌اند، در صورتی که در قسمت تحتانی دو طبقه با قسمت فوقانی گسترش شکافها کمتر است و به همین علت بالاترین نرخ تولید از قسمت فوقانی مخزن بوده و دامنه جنوب غربی در

ناخیه بر روی بان صورت گرفته است. ...
 همانطور که قبلاً اشاره شد مخزن آسماری از بدو اکتشافی فایده‌گیند گازی بوده که بعداً بر اثر
 بهره‌برداری مداوم از مخزن و کاهش فشار آن و انقباض ستون نفت، کلاهیگه گازی ثانوی در
 قسمت فوقانی ماسخسان آن تشکیل شده است.

فشار گیندگازی ثانوی در سال ۱۳۴۵) پوند بر اینچ مربع در عمق مینای هم سطح دریا
 می‌باشد. فشار نفت و آب در شرایط اولیه مخزن بر ترتیب (۱/۷۸) پوند بر اینچ مربع در عمق
 مینای (۱/۸۷۳) فوت زیر سطح دریا (۱/۲۲۷) پوند بر اینچ مربع (پام) در شرایط کنونی مخزن
 فشار نفت و آب بر ترتیب (۳۲۴) پوند بر اینچ مربع در عمق مینای (۱۸۷۰) فوت زیر سطح دریا
 بوده است و (۵۳۵) پوند بر اینچ مربع در عمق‌های مینای مذکور شده می‌باشد. کاهش فشار نفت و
 آب مخزن از بدو بهره‌برداری تا کنون بر ترتیب (۳۹۴) و (۷۱۲) پام بوده است.

۱-۲ - مخزن بنگستان
 مخزن بنگستان فایده‌گیند و گاز قابل برداشت است ولی با توجه به وجود هیدروکربور در مخازن
 آسماری و سطحی مینا سیوان و روشن می‌گردد که مخزن بنگستان دارای نفت یا گاز بوده که
 احتمالاً به‌تدریج شکستگیها از آن مخزن تخلیه شده است. وجود نفت در مازند چابده،
 می‌تواند این نکته است. ...
 کوه آسماری در ...
 این کوه در (۲۸) کیلومتری شمال و جنوبی مینا سیوان و در یاختر روستای گنگیو قرار گرفته به
 هتکل و مقدار ارتفاع (۱/۲۹۱) متر قرار دارد. ...
 کوه مذکور از دره زودخانه شور جنوبی جنوب خاوری تا تنگه زینان طول (۲۸) و عرض (۵)
 کیلومتر کشیده شده است. دره‌های نظام دره، گاو میشی و به موازات دامنه‌های خاوری این کوه تا
 زودخانه شور قرار دارد. بخشی از ارتفاعات نزدیک به قله آن را جنگلهای بلوط فراگیرند
 و تنگه گل‌ترش در دامنه خاوری آن واقع است.

این طاقتی در حدود (۴/۵۷۰) پا از سطح دریا و (۳/۱۳۰) پانزده سطح زمینهای اطراف آن
 ارتفاع دارد. این کوه نمونه بسیار خوبی از یکی از طالدهستانی است که منابع نفت در آن وجود
 دارد. ...
 در سال (۱۳۲۹) شرکت نفت برای اولین بار در این منطقه اقدام به حفاری نمود. پانزده به عمق
 (۸۲۹) متر رسیده شد. وقتی به قسمت فوقانی بنگستان رسیدند برای مدت چند روز آزمایش‌هایی
 ولی چون چاه مقدار زیادی آب تولید می‌کرد عملیات متوقف گردید.

پس از گذشت (۲۵) سال حرکت خدمات، دست به عملیات اکتشافی در این منطقه زدو است، مبنی این باز هدف مهندسی پلاستیک می باشد و حفاری حثال تا عمق (۴/۲۵۰) متر و دسترس به نفت طاقه نیز بر بلوطی انجامه داشت.

حفاری چاه مورد بحث ماه در ۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۳ آغاز گردید و به عمق (۵۸۷) متری رسید نظر می آید معهود ۱۰ ماه عبور کردند اما حفاری چاه شماره ۱۰ که در آسماری نتیجه ای نداشت و تا پنجمین ولید لایه سنگه آهک آسماری بلاه ایلی تفکیک حثال از عمق ۱۰۰۰ متر است که تمام کرده آسماری در جنوب شرقی مسجد امام که اولین بار در آنجا کشف شده نامیده می شود که در حوض و اطراف این گروه مشغول احداث کارخانه سیمان هستند و به همین و کارگران زیادی کارهای ساختمانی آن را انجام می دهند.

مخزن گاز

مخزن گاز ترش ژوراسیک
 مخزن دیگر مهندسیه این گاز ترش ژوراسیک می باشد که از مخازن گروه نهمین است این مخزن گازی در سال (۱۳۳۳) (۱۹۵۴ میلادی) با حفاری چاه اکتشافی شماره (۳۰۶) مسجد سلیمان کشف شد آن از این میزانهای گروههای سنگستان و خامی می باشد تخمین حدود گسترش سنگهای کرتانه بود در عمق (۱۴/۵۰۰) فوتی کشف گردید. گاز ترش کشف شده دارای (۲۴/۲) درصد حجمی H_2S و (۱۰/۷) درصد حجمی CO_2 بوده و در انتهای گیلان و گروه ژوراسیک که شامل تمام لایه های گوتیاء نهمین، برگروه آلان و حوض قرار دارد سنگ مخزن در سازندهای ژوراسیک دارای شکستگی های متعدد است و همچنین وجود دو گسل و منبع نهمین در نهمین این مخزن ایجاد کرده است بنابراین از همان آغاز اکتشاف، به علت شکست شدید لوله چاه دارای دو حله شماره (۳۰۶) فوران درونی به وقوع پیوست و گال ترش مخزن با بهره برداری نامرست به مخزن آسماری جریان یافت مهار نمودن این فوران درونی چندین سال بطول انجامید و به علت جلوگیری از افزایش فشار ناخواسته در سازنده آسماری منجر به فروزیدن و تعدد درین حدود (۲۳۲) میله در فوت مکعب گاز گردید با وجود آنکه این مخزن از سال ۱۳۳۸ مورد تولید مستمر قرار گرفته و تاکنون بیش از ۲۰ درصد ذخایر قابل برداشت آن استخراج گردیده ولی تا سال ۱۳۶۴ مورد مطالعه و ارزیابی کامل قرار نگرفته بود و اطلاعات این مخزن تا آن تاریخ اکراً برآکته و تا رسا می باشد.
 در چهرین ماه ۱۳۶۴ گزارش مطالعه حثال این مخزن گاز ترش ژوراسیک مهندسیه ایلی توسط آقای رفیعا ملک زاده یکی از مهندسان اداره اوزیانی مخازن زیرزمینی - حثال اکتشافی و

بر آورد کلی از وضعیت این مخزن بعمل آمد.

فشار اولیه مخزن ژوراسیک مسجد سلیمان در عمق (۱/۲۰۰) فوت زیر سطح دریا پترولیم (ب. ف. م) پام می باشد. با توجه به متوسط تولید روزانه ۱۰۰ میلیون فوت مکعب که مشابه پتروشیمی رازی واقع می نماید، ذخایر باقی مانده گاز مخزن که بالغ بر (۳/۱۰۰) میلیارد فوت مکعب می گردد، قادر به ادامه تولید به مدت ۷۵ سال دیگر می باشد. همچنین محاسبات مربوط به پیش بینی اصلکردن مخزن و جاهها نشان می دهد که با فرض وجود ۵ حلقه چاه تولیدی سطحی به مدت سال آینده نیازی به حفرت چاههای جدید نخواهد بود. در این مورد محاسبات و بررسیهای موجود ذخایر گاز در پلیمه سنگهای سازند گدوان به اثبات رسیده است و بررسیهای ایزوتوپیکی در این سازند و همچنین محاسبات جواز به مواد مؤید این موضوع می باشد. در مخزن گاز ترش ژوراسیک مسجد سلیمان زیر مخزن نفتی آسماری مسجد سلیمان واقع شده است تا کنون حدود (۹۰۰) میلیون فوت مکعب از این مخزن بهره برداری شده است. با اینکه از بیشتر چاههای این مخزن نمونه‌های گازی بعمل آمده بود ولی این نمودارها تنها مؤید ایزوتوپیکی مقدماتی و تقریبی قرار نگرفته بودند و ایزوتوپیکی دقیق از آنها بعمل نیامده بود. با انجام ایزوتوپیکی پتروشیمی چاههای (۳۱۲) و (۳۱۰) که اخیراً به اتمام رسیده است، اطلاعاتی دقیق تری در دسترس قرار گرفته است و مطالعه پتروشیمی چاههای (۳۱۳) و (۳۰۹) که در حال اتمام است، اطلاعات وسیع تری را در سطح این مخزن در اختیار خواهد گذاشت. گاز ترش کشف شده مسجد سلیمان در اقیانوسهای گدوان و گروه ژوراسیک قرار دارد و سازند گدوان که بیشتر از پلیمه سنگ تشکیل شده است، به علت وجود درزهای ناشی در این میدان بعنوان سنگ مخزن عمل می کند. بر اساس این مطالعات کل گاز موجود اولیه در سازند خامی و گروه ژوراسیک از طریق روش موازنه مواد (۵/۰۳۷) میلیون فوت مکعب (ب. ف. م) و از طریق روش حجمی (۵/۵۲۸) ب. ف. م (و میزان انحراف ۳۶۱ ب. ف. م) می باشد.

گاز قابل برداشت از این مخزن بر اساس فشار تزک (۱/۵۰۰) پام برابر با (۴/۰۳۷) میلیون فوت مکعب (میزان انحراف ۳۲۵ ب. ف. م) می باشد.

تا کنون (۹۰۰) ب. ف. م از گاز این مخزن تولید شده است که (۴۳۲) ب. ف. م آن در رویدادهای دوران درونی چاه شماره (۳۰۶) از این مخزن به مخازن ائوسن (بابده) و آسماری منتقل کرده و بقیه آن طی سالهای (۱۳۳۷) الی (۱۳۶۴) شمسی مایه کارخانه پتروشیمی رازی بنشیند. با تأمین کرده است.

زمین شناسی مخزن ژوراسیک :

ساختمان هندسی مخزن گازی ژوراسیک دارای ترکیب پیچیده‌ای است. با حفاری چاه (۳۰۸) و چاه‌های بعد از آن بدانتیهای اندکی درباره ساختار مخزن ژوراسیک بدست آمده، ولی آنچه که مورد تأیید قرار گرفته و مورد بحث است گسلی تراست گسلی مهم و بزرگ در شرقی ساختار مخزن بوده است. تغییر مکان عمودی این گسل در حدود (۱۸۶۰) فوت تخمین زده شده و به احتمال قوی دارای ارتباطی با تراست «تسی» یا «آپری» در سطح زمین در بخش شمال شرقی ساختار مخزن می باشد. علاوه بر تراست گسلی فوق الذکر با حفاری چاه‌های انحرافی (۳۱۸) و (۳۱۹) وجود گسل‌های کوچک دیگری در ساختار مخزن به اثبات رسید. دگرشیبی و تغییر شیبی و خمیدگی لایه‌های مخزن ژوراسیک با شیب‌های متفاوت و مشخص نبوده فاصله بستگی در مخزن closure یک حالت پیچیده به ساختار مخزن داده است.

نمونه‌برداری مخزن از مخزن یکجا بشکله شکستگی و ترک در ساختار مخزن را تأیید می‌کند. فرج سنگ‌های مخزن شامل سنگ آهکی، دولومیت، سنگ گچ، پلنه سنگد و سوس می باشد. خواص پهن و نرمی با توجه به اطلاعات بدست آمده از چاه‌های حفاری شده در این مخزن دامنه تغییرات تخلخل را بین (۲٪) تا (۱۶٪) و همچنین دامنه درصد اشباع آب را بین (۱۰٪) تا (۳۵٪) نشان می‌دهد. در هر ماه سال (۳۵۹) بیلت سنگ تحمیلی بهره‌برداری از این مخزن متوقف گردید، بهره‌برداری مجدد از این مخزن از اردیبهشت ماه ۱۳۶۳ آغاز گردید و تا آبانماه ۱۳۶۳ تولید انباشتی از مخزن به (۹۰۵) بیلیون فوت مکعب رسید.

گاز ژوراسیک میدان مسجدهایمان دارای مواد متشکله زیر است:

ترکیب	
۱-۱/۹۵۳	۱- هیدروژن سولفور
۲۴/۲۸۸	۲- هیدروژن سولفور
۱۰/۳۸۷	۳- اندرون کربنیکه
۲۳/۵۲۷	۴- متان
۰/۷۲۱	۵- اتان
۰/۷۹۶	۶- ایزوبوتان
۰/۲۳۵	۷- پروپان
۰/۰۸۸	۸- بوتان نرمال
۰/۰۵۳	۹- ایزوبتان

- توزیعی از ...
 ۹۱ - پستان شمال ...
 ۹۲ - هنگزان ...
 ۹۳ - پستان و بالاتر ...
 جمع کل

در همین غیر از موثره بالا مقداری آب و هیدروکربوزهای سنگینی هم به همراه دارد. تولید متوسط روزانه مخزن در گذشته حدود ۱۱۰ میلیون فوت مکعب در روز و یا ۳۰۰ میلیون فوت مکعب در سال بوده است.

کل دبی قابل تولید از این میدان با چاههای موجود، ۱۱۰ میلیون فوت مکعب در روز خواهد بود. مخزن خامی ۱

مخزن خامی میدان مسجد سلیمان با حفی چاه شماره ۳۰۰ در سال ۱۳۳۷ کشف شد (۱۹۶۳ م). کشف شد پس از پاره شدن لوله چاهری در عمق ۹۰۰ متری. گاز مخزن خامی با دبی ۲۳ میلیون فوت مکعب به مخزن آسماری نشست کرد.

تولید از مخزن خامی در سال ۱۳۳۸ آغاز شد. میزان تولید روزانه ۱۱۰ میلیون فوت مکعب گاز در شرایط استاندارد بود که به مصرف کارخانه شیمیایی رازی بندر امام خمینی می‌رسانید.

گروه خامی در میدان مسجد سلیمان در پی مسئله حجم **Volume Problem** در منطقه **Core** طاقدیس جداگانه توسط دو گسل شکسته شده است. این گسلها اگر چه تا سطح امتداد می‌یابند ولی ارتباطی را بین سنگ مخزن و سطح زمین برقرار نمی‌کنند. شکستگیها بخوبی در طاقدیس مسجد سلیمان از گچساران گرفته تا موسس توسعه دارند، ولی ارتباط پوسته‌ای **Vertical = perm** در این ضخامت ایجاد نمی‌کنند بطوری که گروه پنگستان به سبب وجود گاز شیرین از گروه خامی یا گاز ترش مرتبط نیست که دو عامل تکنیکی چینه‌ای در این قطع ارتباط خورد بزرگی قرار گرفته است.

برخلاف تصور قبلی، ذخیره گاز در میدان مسجد سلیمان منحصر به خامی زیرین نبوده و بخشی از گاز مخزن در خامی فوقانی ذخیره شده است. وجود گاز در سازند گدوان حتی، ولی در سازند داریان به مقدار اقتصادی مورد سؤال است. همانطور که در مبحث گسل‌ها گفته شد در طاقدیس مسجد سلیمان شکستگیها از سازند آسماری و حتی گچساران تا خامی بخوبی توسعه دارند. در برخی از چاهها مانند ۴۱۳، از سروک تا خامی گمشدگی گیل بطور پوسته اتفاق افتاده است. بنابراین منتظری بنظر خواهد رسید اگر شکستگی‌ها را مرتبط با هم بدانیم.

ولی دوران گاز شیرین در حقیقت ۲/۱۵۷ متری از بخش پایین سروک در چاه ۳۱۲ و گاز ترش در حقیقت ۳/۱۳۲ متری از سازند گدوان، علیرغم توسعه خوب شکستگی ها، نشان دهنده عدم ارتباط عمودی بین دو سازند سروک (پنگستان) و گدوان (خامی) در این چاه می باشد.

سازندهای داریان و گدوان، خامی فوقانی و سازندهای گوتیا تا موس، خامی زیرین را در میدان مسجد سلیمان تشکیل می دهند.

در حال حاضر تولید از مخزن خامی میدان مسجد سلیمان با دبی ۱۰ میلیون مترمکعب در روز ادامه دارد. در میدان گازهای آسیدی این مخزن بتریب ۲۴/۲۸۸ درصد غیروزن هیدروکربن و ۲۶/۶۸۷ درصد آبترید کربنیک می باشد.

فشار اولیه مخزن در حدود ۸۰۰۰ پوند بر اینچ مربع مشاهده شده است. ولی در حال حاضر به علت تولید گاز، این فشار کاهش یافته و در حدود ۶۵۰۰ پوند بر اینچ مربع است.

مقادیر تولید نفت از مخزن مسجد سلیمان

از مخزن آسیداری مسجد سلیمان با اثر عمدهای مختلف بهره برداری گردیده است. از جمله اکتشاف مخزن، تولید با نرخ ۵۰۰ بشکه در روز شروع شد و تا سال ۱۹۲۸ م. بتدریج به نرخ تولید ۱۰۸/۳ بشکه در روز رسیده و بالاخره در سال ۱۹۳۳ م. به حداکثر نرخ تولید ناخالص ۱۲۷۰۰۰ بشکه در روز در حیرت‌انگیز دوره بهره برداری از این مخزن رسیده. با شروع دوره ملی شدن صنعت نفت تولید ناخالص به ۲۸/۵۰۰ بشکه در روز کاهش یافت و پس از این دوره مجدداً از این میدان گاز و در اوایل سال ۱۹۵۹ م. با نرخ ۹۱/۰۰۰ بشکه در روز از مخزن بهره برداری گردید. از سال ۱۹۶۰ م. تا اواخر سال ۱۹۶۳ نرخ تولید بتدریج کم شد. بین سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۷ به علت توران گاز از لایه فوقانی مخزن ژوراسیک به داخل سازند آسیداری و افزایش فشار مخزن نفت مخزن، مجدداً نرخ تولید ناخالص در میزان ۵۶/۰۰۰ بشکه در روز تقریباً ثابت ماند و از سال ۱۹۹۷ م. با چنده نرخ تولید به شدت کاهش پیدا کرد و بین ۲/۰۰۰ تا ۵/۰۰۰ بشکه در روز توان داشت و فعلاً به ۸/۰۰۰ بشکه در روز رسیده است.

زیاد قسمتی از تولید نفت منطقه مسجد سلیمان در سالهای آخر لیل از ملی شدن صنعت نفت و بعد از آن به جهت حطوف توجه درج می گردد:

سال تولید	تولید سالانه (بشکه)
۱۹۵۰	۲۲/۳۷۴/۲۳۰
۱۹۵۱	۱۱/۱۹۷/۲۰۳
۱۹۵۲	۲/۲۱۹/۵۶۹

تولید سالانہ (بشک)	سال میلادی
۱۰/۱۹۵/۷۶۵	۱۹۵۳
۱۷/۲۲۱/۷۷۹	۱۹۵۴
۲۲/۷۱۸/۲۶۵	۱۹۵۵
۱۶/۵۰۹/۰۱۳	۱۹۵۶
۲۱/۸۶۳/۲۰۹	۱۹۵۷
۱۷/۵۵۸/۸۰۳	۱۹۵۸
۲۲/۲۰۴/۲۷۰	۱۹۵۹
۲۱/۸۹۹/۵۲۱	۱۹۶۰
۱۹/۲۸۲/۵۲۲	۱۹۶۱
۱۸/۷۷۵/۱۱۹	۱۹۶۲
۱۹/۴۴۱/۴۹۷	۱۹۶۳
۲۰/۲۸۱/۶۶۵	۱۹۶۴
۲۰/۲۴۳/۵۸۲	۱۹۶۵
۲۰/۲۰۴/۷۷۷	۱۹۶۶
۱۷/۶۸۶/۰۰۰	۱۹۶۷
۱۳/۵۴۳/۰۰۰	۱۹۶۸
۱۰/۸۰۰/۰۰۰	۱۹۶۹
۸/۸۲۰/۰۰۰	۱۹۷۰
۷/۶۸۵/۰۰۰	۱۹۷۱
۷/۰۰۵/۰۰۰	۱۹۷۲
۶/۵۲۷/۰۰۰	۱۹۷۳
۵/۸۰۹/۰۰۰	۱۹۷۴
۳/۹۶۵/۰۰۰	۱۹۷۵
۲/۸۴۹/۰۰۰	۱۹۷۶
۲/۲۲۲/۰۰۰	۱۹۷۷
تولید سالانہ (بشک)	سال شمسی
۲/۸۰۴/۰۰۰	۱۳۵۷

۲/۱۸۱/۵۰۰		۱۳۵۸
بسته بود	←→	۱۳۵۹
بسته بود	←→	۱۳۶۰
۳۱/۰۴۵		۱۳۶۱
۱۶۰/۹۵۱		۱۳۶۲
۱۸۲/۸۶۱		۱۳۶۳

از آغاز یکم خرداد و سفر اولین چاه نفت در سال ۱۲۸۷ شمسی در مسجد سلیمان تاکنون ۳۳۶ حلقه چاه چاهیت استخراج شده که از آن تعداد ۳۱۴ حلقه به نتیجه رسیده است. وضعیت چاههای منطقه مسجد سلیمان از آغاز تاکنون به قرار ذیل است:

۱ حلقه	تعداد چاههای نفت آماده بهره‌برداری
۱۰ حلقه	تعداد چاههای نفت بسته شده
۷ حلقه	تعداد چاههای گازی
۸ حلقه	تعداد چاههای گازی بسته شده
۲۱۷ حلقه	تعداد چاههای نفت بسته شده متروک
۴ حلقه	تعداد چاههای مشاهده‌ای آب
۲ حلقه	تعداد چاههای موقتاً متوقف شده
۳ حلقه	تعداد چاههای مشاهده‌ای گاز و نفت و آب
۵ حلقه	تعداد چاههای تزریق نفت
۷۲ حلقه	تعداد چاههای متروک
۱ حلقه	تعداد چاههای مشاهده‌ای گاز
۱۲ حلقه	تعداد چاههای مشاهده‌ای نفت
۲ حلقه	تعداد چاههای مشاهده‌ای آب و نفت
	تعداد چاههای مشاهده‌ای نفت و گاز

کاهش تولید از مخزن آسماری به علت نزدیکی پایان برداشت نهایی از مخزن و بعضی محدودیت‌های ناشی از کیفیت و کیفیت بازدهی چاههای تولیدی و اشکالات ناخواسته دیگر می‌باشد. کل تولید بنام و ناخالص از بندو بهره‌برداری از مخزن آسماری تاکنون پرتیب ۱/۳۶۹ و ۱/۱۰۰ میلیون بشکه می‌باشد که تولید خالص تقریباً ۹۸٪ حجم نفت قابل برداشت از مخزن است. مابه‌التفاوت تولید خالص و ناخالص ۲۶۷ میلیون بشکه می‌باشد که این مقدار طی دوران

بهره‌برداری از مخزن بصورت‌های متناوب به مخزن تزریق و برگردانده شده است. کل تولید گاز از مخزن، آماری ۴۲۶ میلیارد فوت مکعب است که از این مقدار ۳۳۹ میلیارد فوت مکعب بصورت گاز همراه با نفت تولید شده و ۸۷ میلیارد فوت مکعب مستقیماً از گنبد گازی ثانوی تولید شده است. اگر چه منابع نفتی دیگری نظیر هتکل و آغاچاری و بدنهال آنها گچساران و سیدریج کشف و مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، عمده‌الک تا سالهای متصادی بین از ملی شدن صنعت نفت، هنوز منطقه مسجدسلیمان بعنوان منبع اصلی استخراج نفت بحساب می‌آمده است.

طبق محاسبات بعمل آمده تا شهریور ماه ۱۳۲۶، جمع کل تولید ناخالص نفت از جزیره مسجدسلیمان به میزان ۱۳۰/۳۶۳/۳۶۹ بشکه می‌باشد. این مقدار تاکنون به بیش از ۱/۵ میلیارد بشکه نفت رسیده است. طبق بررسیهای بعمل آمده، بهره‌برداری از مخزن مسجدسلیمان بر مبنای ۱۲ چاه، تولیدی نفت بشرح زیر و با توجه به وضع محدودیتهای ناشی از تولید آب و نمک انسانی و اشکالات ناخواسته عملیاتی در کیفیت و کمیت یازدهمی چاهها، امکان پذیر می‌باشد.

۱ - چاه	شماره	۷۸	مقدار	۱۵۰۰	بشکه در روز
۲ - چاه	شماره	۶۲	مقدار	۸۰۰	بشکه در روز
۳ - چاه	شماره	۷۶	مقدار	۲/۳۰۰	بشکه در روز
۴ - چاه	شماره	۱۰۴	مقدار	۳۰۰	بشکه در روز
۵ - چاه	شماره	۱۳۲	مقدار	۹۰۰	بشکه در روز
۶ - چاه	شماره	۱۶۰	مقدار	۱۱۰۰	بشکه در روز
۷ - چاه	شماره	۱۶۹	مقدار	۲۰۰	بشکه در روز
۸ - چاه	شماره	۱۶۷	مقدار	۵۰۰	بشکه در روز
۹ - چاه	شماره	۱۸۴	مقدار	۷۰۰	بشکه در روز
۱۰ - چاه	شماره	۱۸۷	مقدار	۳۰۰	بشکه در روز
۱۱ - چاه	شماره	۲۹۴	مقدار	۳۰۰	بشکه در روز
۱۲ - چاه	شماره	۲۹۶	مقدار	۴۰۰	بشکه در روز

از جمع چاههای فوق‌الشارحه چاه شماره ۲۲۹ بتازگی جزء چاههای مشاهده‌ای درآمده و چاههای شماره ۱۶۶ جزء چاههای نفت بسته درآمده است که در صورت آغاز بهره‌برداری مجدداً از آنها به میزان قیه شده در مقابل هر کدام نفت قابل تأمین خواهد بود. هم‌اکنون از چاههای نفت مسجدسلیمان به اندازه نیاز دستگاه تقطیر محلی بهره‌برداری می‌گردد.

خاک منطقه ... خاک که جزات است از قشر خارجی و سطح الارضی است که تا اثر نفوذ عوامل مختلف فیزیکی و شیمیایی بر روی سنگه ماده معدنی در طی مرور زمان بوجود می آید و روده تکامل می گذارد، بازویش ترین و سودمند ترین ماده زمین خاک است زیرا بسیاری از منابع به آن بستگی دارد. در این دوران ساله کشاورزی یکی از منابع اساسی انسان بوده است. طبیعت با پنهان نمودن گنجینه های خود در دل خاک حامل اساسی نیرو دهنده صنعت، نوع معیشت و زندگی بشر بوده و هست. چنانکه در این منطقه با اعطای منابع زیر زمینی نفت که در قشرهای مخصوصی تشکیل می گردد، قدرت خاک سطحی را کاهش داد و زمینه مباحثی را برای کشف و کار بوجود می آورده است. خاک که اصولاً در اثر روش باد و خنوب گذریجی سنگها بوجود می آید و ممکن است این عمل در محل انجام گیرد که به آن خاک موضعی گویند و یا عواملی تخریب کننده، از جایی به جای دیگر نقل مکان کنند که در این صورت به خاکهای انتقالی می گویند. خاک این منطقه از نوع معمولی و موضعی می باشد و مانند سایر خاکهای ایران، چرتن و تالو خوب می باشد که از تجزیه شیمیایی سنگهای آهکی، گچی، نمکی و مارن تشکیل شده که برای فلاحه و کشاورزی چندان مناسب نیست و در صورت تقویت کردن آنها می توان از آنها بهره برداری نمود. اکنون تنها (۱۰٪) از خاک این منطقه جزو خاکهای زراعتی می باشد و (۲۳٪) خاک سطحی این منطقه رس می باشد همراه با مقداری شن و ماسه و سنگلاخ که مقدار شن آن ۳٪ و ماسه ۴٪ و سنگلاخ مخلوط ۵٪ و خاکهای تجزیه شده از سنگهای آهک ۲۱٪ و خاکهای حاصل از تجزیه سنگ گچ ۴۱٪ می باشد. خاک رس این منطقه قابلیت جذب آب را ۲۵٪ دارد و بعد از جذب آب، چسبیده و لزج می گردد رنگ در نواحی اطراف از صورتی تا نارنجی تغییر می کند بطور کلی این خاکها از سمیات خفید مریض و پلوسن می باشند که در کلبه آنها و تپه های اطراف، این خاکهای سرخ رنگ و خاکسری همراه با قلوه سنگها که از آثار دورانهای فوق می باشد پلوسن نمایان هستند نوع خاک و درصد آن به قرار زیر است:

نوع خاک	درصد
رس	۲۳٪
شن	۳٪
ماسه	۴٪
سنگلاخ	۵٪
آهک	۲۱٪
گچ	۴۱٪

رابطه افزایش نفت با جمعیت :

از بدو استخراج نفت و پیدایش زمینه فعالیت در صنعت نفت، جمعیت مسجدسلیمان پسر هفت افزایش یافته است. گسترش فعالیت و عملیات شرکت نفت و احتیاج به کادر فنی و اداری و با ایجاد شبکه های لوله نفت، گاز آب و نیروی الکتریسته سبب شد که مردم از گوشه و کنار ایران به این شهر رو آورند، ایجاد مدرسه فنی و دبستان و دبیرستان و تأسیس مراکز بهداشتی و درمانی سبب شد که بسیاری از بختیارهای محلی نواحی مجاور نیز به مسجدسلیمان کوچ کنند. دادن کمک هزینه از طرف صنعت نفت به خانواده کارکنان و تشویق در ازدیاد جمعیت در مدتی کم بر تعداد نوزادان و نوجوانان اضافه نمود. افزایش جمعیت با اینکه ابتدا منطقی صنعتی بود، روبرو تزیاد نهاد، بطوری که اکنون اکثر افراد جمعیت شهر متولد مسجدسلیمان می باشند. ناگفته نماند که فعالیت شرکت نفت در چند سال اخیر کاهش یافته و بسیاری از ادارات شرکت نفت به آبادان و اهواز نقل مکان کرده و این خود باعث گردید که در چند سال اخیر نوسانات جمعیت چشمگیر و بهمان میزان به جمعیت شهر اضافه می شود.

به واسطه اشتغال صنعت این شهر به نواحی دیگر، از تعداد افراد متخصص نیز کم شد. علاوه بر این فعالیت در زمینه کشف و حفار چاههای نفت در مسجدسلیمان بسیار تقلیل یافته و میزان استخراج نفت تقریباً ثابت ماند. ایجاد دو سد عظیم بر روی رودخانه کارون، همچنین تأسیس کارخانه تعمیر و مونتاژ تانک، احداث کارخانه سیمان و واحدهای مختلف در شهرک صنعتی، سبب شده که شهر مقدار کمی مهاجر را بپذیرد. می خواستند با احداث این کارخانه ها و واحدهای صنعتی بجای خلاء را که شرکت نفت ایجاد کرده پر نمایند، اما نتوانستند بطور کامل این قیصه را بر طرف نمایند. هم اکنون هند کثیری از جمعیت اهالی و جوان مسجدسلیمان بکار برده و یا بناچار جهت اشتغال خود، به نواحی صنعتی شهرهای اطراف رفته و ما در اوایل یا اواخر هفته شاهد اویاب و ذهاب آنها می باشیم که چطور گروه گروه به شهرهای دیگر می روند و یا ساعتها در مؤسسات مسافری معطل می شوند. در سال ۱۳۵۳ این منطقه را تعطیل کردند و بسیاری از ساختمانها را در اختیار ارتش قرار دادند. این تعطیلی تا سال ۱۳۵۸ ادامه داشت و جمعیت هم به همین نسبت کاهش یافت. بعد از انقلاب اسلامی بدستور مسئولین پس از تعمیر چاهها و خطوط لوله، مجدداً تولید شروع شد و شرکت نفت هم تا حدودی اجازه ساختمان سازی را به اهالی داده بود، و دیدیم که چگونه خیل عظیم جمعیت روستایی و عشایری بطرف شهر سرازیر شد و حتی در جاهای محسب العبور نیز شروع به خانه سازی کردند که بعدها هواقت منعی تویر داشت و در نتیجه مشکلات فراوان درون شهری، طبقاتی، زیست محیطی و ... را باعث شد که هم اکنون مسئولین

ادارات گریانگیر این مصلحت شهری شدهاند.

تجهیز چاه شماره ۳۱۱ مسجد سلیمان،

چاه شماره ۳۱۱ مسجد سلیمان یکی از چندین چاهی است که شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران برای شرکت ملی نفت ایران منظور تولید گاز گوگرددار، برای ارسال به شرکت پتروشیمی ذکریای رازی (پتروشیمی شاپور) حفر می نمود. گاز گوگرددار مورد نیاز برای مصرف کارخانه پتروشیمی بنوعی نام در زرفای تقریبی ۱۳/۰۰۰ پایی طبقه ژوراسیک که در عمق پایین تری از مخزن کم عمق لایه آسکاری قرار دارد یافت می شود. نقشه آسکاری برای سالهای اخیر در واقع منبع اصلی نفت منطقه مسجد سلیمان بوده است.

تاگیری برای دستهایی در عمق پایین تری می بایست از لایه آسکاری عبور کرد که حفاری در لایه آسکاری و رسیدن به طبقات ژور در جاهایی که دارای مخزن گاز هسته می نهایت سخت و اشکالات فراوانی در بر دارد و چنین وضع مشکلی نیز در محل حفر چاه ۳۱۱ مسجد سلیمان وجود داشته. برنامه های لازم با در نظر گرفتن خطراتی که عملیات حفاری اینگونه چاهها در بر دارد تهیه گردیده بود. روی همین اصل فولد های چلری فولادی محافظ دو بالای طبقه آسکاری پیمان گردید و نیز دستگاه درجه ایسی منظور پیشگیری از فوران بر سر چاه نصب شد. اینگونه دستگاههای پیش گیری از فوران منظور بسته شدن و کنترل چاههایی بکار می رود که ممکن است احتمالاً به گاز برخورد کنند، لذا در موقع خطر بطور خودکار از جریان گاز به دهانه چاه جلوگیری می نماید.

هنگام حفر چاه شماره ۳۱۱ در زرفای ۱/۹۱۸ پایی طبقه گاز آسکاری، استثنائاً کاهش ناگهانی گسل حفاری که در عملیات حفر بکار می رفته پدیدار گشت که باعث ورود گاز به چاه شده و منجر به آتش سوژی آن گردید. ساعت سه و پنج دقیقه بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۸ شهریورماه ۱۳۴۷ چاه گاز شماره ۳۱۱ مسجد سلیمان که در مراحل اولیه حفاری در عمق ۱/۹۱۸ پایی در لایه آسکاری بوده پشت برخورد با طبقات وسیع گاز از کنترل خارج شد و موجب فوران چاه، اشتعال آن و یزین رفتن دکل حفاری گردید.

بعد از آن حفاران شرکت بیست و نه شرکت و چهار سوختگی گردیدند ولی خوشبختانه تلفات جانی بیار نیامد و وضع خطرناکی پیش آمد نکرد. کلاه حفاران که هنگام آتش سوژی این چاه دچار گاز گرفتگی شده بودند کاملاً بهبود یافت و از بیمارستان مرخص گردیدند.

محوظه اطراف چاه و ساکنین مجاور و دهستان لؤل یزان تخلیه گردید و تمام اقدامات احتیاطی جهت ایجاد ایمنی محوظه بعمل آمد. اموال منزل محکم آکانصیری تماماً سوختند و شرکت نفت

جهت جبران خسارت وی، قطعه زمینی را در محله نفتون به او اعطاء نمود.

گاز مشعل کاملاً دهانه چاه را احاطه کرده و با احتیاط مهیبی بین سوخت و شعله‌های آن تا حدود ۳۰۰ پا می‌رسید. با مؤسسه آمریکایی بردآدیر، متخصص مهار چاههای گاز و نفت در شهر هوستن واقع در ایالت تگزاس، بلافاصله تماس گرفته شد و قرار شد سه تن از متخصصین آن به سرپرستی آقای بوتس هانسن روز یکشنبه ۳۱ شهریورماه ۱۳۳۷ وارد مسجدسلیمان گردند و دست به کار مبارزه برای مهار نمودن چاه می‌زنند.

ایزار و وسایل لازم جهت این کار نصب شده و همچنین پمپ‌های مخصوص آتش‌نشانی از شرکت ملی نفت ایران از انبار نفت شهر دبی، به عاریه گرفته شد.

ساعتی ۹/۳۵ بامداد روز یکشنبه آقای بوتس هانسن متخصص مهار نمودن چاههای گاز و نفت که معروفیت جهانی دارد، به اتفاق آقایان مائیس و هنری دو تن از همکاران خود به مسجدسلیمان وارد و بلافاصله به محل چاه عزیمت و اقدامات احتیاطی انجام شد و همچنین وسائل کار را که در محل متمرکز گردیده بود مورد بررسی قرار دادند. قرار باطلاح، سرعت عملی که در فراهم نمودن مقدمات و وسائل کار بعمل آمده، مورد توجه و قدر دانی متخصصین نامبرده قرار گرفت.

بعد از فراهم نمودن وسایل مربوطه بقول بوتس هانسن، معمولاً می‌بایستی در مدت یک هفته چاه سرکشی رام می‌شد، ولی این کار ۸۸ روز بطول انجامید.

با وجودی که این چاه در منطقه صعب‌العبور و دورافتاده‌ای واقع شده است، کلیه وسایل ممکنه برای کنترل این چاه فراهم گردید و اقدامات کارشناسان و افراد فنی با قدرت و حمت کامل، تمام سیاحت روز و شب در سر چاه بمنظور فرونشاندن آتش انجام گرفت.

سرعت یک مخزن بزرگ آب ساخته شد و بوسیله لوله ده اینچی آب مورد نیاز تأمین گردید. قسمتی از محتایلی که برای مهار نمودن چاه شماره ۶ اهواز مورد استفاده قرار گرفته بود نیز به مسجدسلیمان انتقال داده شد.

بارانهای شدید و نسبتاً پیاپی سال ۱۳۳۷ تا حدودی مانع پیشرفت کارهای مهار کردن چاه شده بود. آب از سوی هر دو چاه انحرافی تا میزان ۳۰۰/۱۰۰ بشکه در روز به چاه ۳۱۱ تزریق گردید و پراثر آن گرچه شراره‌های چاه سوزان فرونشانده شد، لیکن بطور کامل چاه مهار نگردید. پس از قطع تزریق آب از طریق چاههای انحرافی و ادامه فوران آب از چاه ۳۱۱ این قضیه روشن گردید که مقدار هنگفتی از آبهای تزریق شده در میان شکافهای بی‌شمار ناحیه‌ای که چاه ۳۱۱ در آن حفر گردیده بود به‌دور ریخته است. برای پیشگیری این ضایعات بیک رشته عملیات سیمانکاری در شکافهای مذکور طرح گردید. از طرف دیگر غلظت‌های سنگین رودخانه کارون، تلبه‌خانه آب

گدازکنند را از کار انداخته و صیب کمبود شده آب در مسجد سلیمان شد. بر اثر این پشامد کلیه توریقات آب از چاههای انحرالی متوقف گردید و در نتیجه چاه‌ها شد و شعله به روشنی پیشین خود برگشت.

مطابق برنامه یک رشته عملیات سیمانکاری منظور مسدود نمودن بخشی از شکافهای منبع گاز چاه مشتمل از چاه انحرالی شماره ۴ که همبند تر از چاه انحرالی نخستین بود انجام گردید. این اقدامات درست همزمان با تزریق آب از چاه انحرالی اول برای جلوگیری از خروج سیمان از چاه سوزان بعمل آمده بود. در تاریخ بیست و یکم آذرماه ۱۳۴۷ بانکار افتادن کامل تلمبه‌خانه آب در گدازکنند کلیه منابع ذخیره آب برای تزریق به چاه پر شده بود و ۳۰۰۰ پای مکعب سیمان به چاه دوم انحرالی تزریق گردید که در همان وقت نیز ۵۰۰۰ بشکه گِل سنگین حفاری به چاه انحرالی نخستین روانه گردید. در نتیجه تزریق این مقدار سیمان و گِل حفاری چاه شماره ۳۱۱ بکلی مهار گردید، ولی برای مدت بسیار کوتاهی می‌بایست به آن درپوش گذاشته شود.

۱۰۰۰۰ کیسه سیمان و ۵۰۰۰ بشکه گِل سنگین حفاری و کلیه لوازم و وسائل برای بستن نهایی چاه در محل مربوطه آماده گردید، گرچه شرایط جوی کاملاً مناسب نبود لیکن مطابق برنامه عملیات مهار چاه در ساعت ۹ یا منتهای روز یکشنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۴۷ آغاز شد و روز دوشنبه ۲۵ پایان یافت. شراره‌های چاه ۳۱۱ بکلی خاموش گردید و آقای بوتس هانسن برای نهادن لوله آب به دهانه چاه بسوی آن شناخت، به مجردی که آب به داخل چاه جریان یافت و خشک شد، عملیات پاک کردن اطراف دهانه چاه آغاز گردید. پس از نوسازی شهرهای کنترل و پاک کردن دهانه چاه آقای بوتس هانسن شیر کنترل را بر دهانه چاه نصب کرد و کارگران به سیمان‌کاری نهایی چاه پرداختند.

آقای دکتر ابوال صبح روز دوشنبه شانزدهم دیماه ۱۳۴۷ از چاه مهار شده ۳۱۱ مسجد سلیمان دیدن کردند.

مهار شدن این چاه به گفته آقای بوتس هانسن:

بحر اولین چاه انحرالی فوراً آغاز گردید و با موفقیت انجام گرفت و مرتباً بوسیله آن آب نسک به چاه تزریق شد، ولی چون قطر چاه زیاد و لوله جداره‌ی آن ۲۰ اینچ بود فشار حاصل از جریان ستون آب به تنهایی قدرت خنکی نمودن فوران گاز را نداشت و اگر آب بیشتری تزریق می‌گردید، تنها باعث خاموش شدن گاز می‌شد و در نتیجه این گاز منفرجه همچنان فوران می‌کرد و باعث مسجومیت افرادی که در این ناحیه کار می‌کردند و همچنین موجب آلودگی هوای مسجد سلیمان می‌شد. بنابراین چاه انحرالی دوم حفر شد. عملیات تزریق سیمان در چند نوبت در دو چاه

انحرافی بعمل آمد. این تزریق سیمان در چاههای فوق‌الذکر در تعقیب عملیات اسینکاری متعددی که بمنظور ازدیاد میزان تزریق به چاههای انحرافی انجام شده بود صورت گرفته. در نتیجه عملیات فوق فشار سر چاههای انحرافی تقلیل یافت. این تقلیل در فشار سر چاههای فوق‌الاشاره نشان داد که رابطه بین چاههای انحرافی و چاه ۳۱۱ مسجد سلیمان بخوبی برقرار گردیده است. بنابراین مقدار زیادی گل سنگین بمنظور تزریق در چاههای انحرافی تهیه گردید. عملیات تزریق سیمان به یک چاه انحرافی و تزریق گل به چاه انحرافی دیگر تماماً انجام گردید و در نتیجه آتش چاه ۳۱۱ مسجد سلیمان خاموش و فوران گاز از چاه فوق قطع گردید.

پس از اطفاء آتش خوزی و قطع فوران گاز عملیات تزریق آب به چاههای انحرافی بعمل آمد. متعاقباً عملیات نهایی مهار کردن چاه ۳۱۱ مسجد سلیمان بوسیله فرار دادن سرپوش و تزریق سیمان بخورد چاه ۳۱۱ انجام و در روز دوشنبه ۲۵ آذرماه ۱۳۴۷ عملیات مهار کردن چاه مزبور با موفقیت خاتمه یافت.

کارخانه جذب آب از گل مسجد سلیمان (پتروشیمی مسجد سلیمان)

Dehydration Plant

در هفت کیلومتری شرق منطقه صنعتی مسجد سلیمان، کارخانه‌ای موسوم به واحد جذب آب وجود دارد. این واحد وابسته به مجتمع پتروشیمی زکریای رازی بندر امام شینایی شاپور سابق، می باشد و گاز مورد نیاز مجتمع مذکور بوسیله آن مهیاشی گردد.

شرکت ا.م. دپلویو. کلاک، پس از مطالعات کاملی و تشریفات لازم، بعنوان پیمانکار اصلی و هماهنگ کننده کلیه عملیات ساختمانی این واحد انتخاب گردید و در فروردین ماه ۱۳۴۶ قرارداد مربوطه امضاء و عملیات ساختمان این واحد آغاز شد. این کارخانه در سال ۱۹۶۸ م. در دهستان گل پزان شروع بکار نمود. هنگامی که از تپه مشرف بر واحد مزبور به آنجا نظر می‌کنیم، برجها و تلوله‌های گچی‌کننده و دره‌سی دیده می‌شود و توله‌های متعددی که از کوهسارها به کارخانه و بالعکس کشیده شده، نمودار خطه صنعتی جالبی است. در وسط محوطه کارخانه و اطراف آن، ادارات نوساز به چشم می‌خورد. در یکی از همین اطرافها با آقای شهنی میرزا رئیس کارخانه به گفتگو می‌نشینیم. هنگامی که از طرز کار کارخانه سؤال می‌کنیم، ایشان می‌گویند: «این واحد بمنظور جذب بخار آب موجود در گاز تعبیه شده است. گاز مورد نیاز کارخانه از لایه ژوراسیک منطقه مسجد سلیمان از طریق خطه چاروبه شماره‌های ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴ تأمین می‌گردد و پس از گرفتن بخار آب موجود در گاز بوسیله این کارخانه، توسط یک رشته توله به قطر ۲۰ اینچ و بطول ۱۷۴ کیلومتر و به ضخامت نیم اینچ که در ماه مه سال ۱۹۶۸ م. احداث شده

بود. با فشار اولیه معادل حداقل $1/200$ پوند در اینچ به مجتمع شیمیایی ذکریای وازی بندر امام ارسال می‌گردد. خط لوله مزبور که از آلیاژی خاص و مقاوم در مقابل گاز ترش ساخته شده، بزرگترین خط لوله یک پارچه در نوع خود در دنیا می‌باشد.

مجتمع شیمیایی ذکریای وازی سالانه ۶۰ میلیارد فوت مکعب گاز از منطقه مسجد سلیمان دریافت می‌کند. گازی که از چاههای مذکور استخراج می‌شود دارای ۲۵٪ هیدروژن سولفور و ۱۱٪ گاز کربنیک می‌باشد. چنانچه قبل از ارسال آن به مجتمع بندر امام آبگیری نشود در لوله‌ها ایجاد خوردگی می‌کند. گاز قبل از آنکه وارد خط لوله اصلی شود از دستگاههای تفکیک کننده عبور کرده، آب و مواد آن جدا شده و بصورت ماده خام درمی‌آیند. گاز خشک ارسالی به مجتمع عظیم بندر امام مواد اولیه و سوخت مورد نیاز آن مجتمع را تأمین می‌نماید.

پس از پایان این مذاکرات به ملاقات رئیس عملیات فنی کارخانه می‌رویم. هنگامی که با او روبرو می‌شویم سیلندری از اکسیژن و نیتروژن در محوطه به آن راه کمر بسته است و مطالب زیر را حاصل توضیحات او می‌شویم. این کار است. سیلندرهای اکسیژن و نیتروژن در محوطه کار قرار داده شده است، تا در موقع لزوم برای تنفس و رفع سمومیت هوا مورد استفاده قرار گیرد. در اینجا برای توجه بیشتر به اهمیت کارهایی که از طریق این کارخانه انجام می‌شود، ذکر این موضوع بی‌مناسبت نیست که امروز یکی از اساسی‌ترین مسائل جهانی، مسئله حاصلخیزی اراضی زراعی است. نظر به افزایش روزافزون جمعیت، خاصه بعد از جنگ جهانی دوم، نیاز به تولید هر چه بیشتر خوراکی و پوشاک محسوس‌تر شده است. با در نظر گرفتن این واقعیت که سطح کشت زمینهای کشاورزی جدید و زیربوز کاهش می‌یابد، تنها این امید باقی است که با زدهی و قدرت تولید زمینهای که هم‌اکنون زیر کشت هستند افزایش داده شود. کودهای شیمیایی نه تنها مهمترین عامل افزایش تولید خوراک و محصولات کشاورزی می‌باشد، بلکه بکار بردن و استفاده از آنها نیز سریعتر و مؤثرترین وسیله بالا بردن تولید محصولات بشمار می‌رود.

گاز طبیعی مهمترین ماده خام اولیه کودهای شیمیایی است و خوشبختانه ایران از برکت وجود مخازن بزرگی از این گازها برخوردار است.

در داخل لوله انتقالی فساد شدیدی ناشی از زنگ زدگی ایجاد می‌گردد. بدین جهت در کارخانه آب‌زدایی مسجد سلیمان، یک دستگاه مجهز به چهار برج خریال تمام بخار آب را بخود جلب نموده و گاز ترش را پس از خشکاندن، هم‌زمان با جذب رطوبت از گاز گرم حتی المقدور

هیدروکربونهای سنگین موجود در آن نیز قبل از ورود گاز به داخل کارخانه آب زدایی از آن گرفته می شود. با اینکه نیروی برق مورد احتیاج معمولاً از طرف سازمان آب و برق خوزستان تأمین می گردد، با این حال پیش بینی لازم جهت رساندن برق در موارد اضطراری با نصب دستگاههای مولد برق در داخل کارخانه بعمل آمده است.

این خط لوله پوشش دار، در زیر زمین مدفون و با سیستم حفاظت کاتدی پکنه، مشتمل بر شش ایستگاه مولد برق از زنگنه زدگی ناشی از عوامل خارجی حفظ می شود. همچنین پوشش زینی فلزی جهت تقویت لوله هم برای جلوگیری از زنگنه زدگی و هم برای دفع هرگونه مایعاتی که ممکن است در طول سراسر خط جریان یابد، بعمل آمده است. هیچ کمپرسوری بر روی خط لوله انتقال گاز مسجد سلیمان به بندر امام، نصب نشده است و ۸۴ میل آن نیز زیر زمینهای گلی مدفون می باشند.

محافظت از بیرون خط لوله مذکور بوسیله نصب آندهای فلداشونده و نوار پیچی توسط نوارهای مخصوص و از داخل بوسیله تزریق مواد شیمیایی بنام **CORTRON - CB - 24** که ایجاد یک لایه محافظ می نماید صورت می گیرد.

این خط لوله از گره های صعب العبور و روستانهای متعددی می گذرد و نهایتاً به دشت و دمن همواری می رسد، بتدریج راه خود را ادامه می دهد تا به بندر امام خمینی جهت استفاده نهایی برسد.

ظرفیت آن برابر ۲۴۰ میلیون فوت مکعب در روز است. گاز ارسالی یا فشار خود چاهها به کارخانه مادری در بندر امام فرستاده می شود و نیاز به تلمبه هویت فشار ندارد. این واحد بتوبه خود در جذب نیروی انسانی در مسجد سلیمان مؤثر بوده و یک منطقه صنعتی جدیدی بشمار می آید. هم اکنون از مسجد سلیمان روزانه بطور متوسط ۹۱۰ الی ۱۵۰ میلیون فوت مکعب گاز به مجتمع شیمیایی زکریای رازی بندر امام ارسال می گردد.

از گاز ارسالی لایه ژوراسیک مسجد سلیمان محصولات زیر بدست می آید:

۱ - گوگرد

۲ - اسید سولفوریک

۳ - اسید فسفریک

۴ - دی آمونیم فسفات

۵ - آمونیاک

۶ - آوره

لازم به ذکر است که نزدیکترین چاه به کارخانه پتروشیمی مسجد سلیمان چاه ۲۰۹ است که ۵۰۰

متر و دورترین آنها چاه شماره ۳۱۰ بوده که ۷ کیلومتری با کارخانه یاد شده فاصله دارند. این چاههای گازی ۳۵۰۰ پوند فشار دارند.

گاهی شنیده می شود که برخی می گویند مسجد سلیمان مخازنی مرده دارد در حالی که اینطور نیست و چنانچه زمانی بخواهند چاههای گازی این منطقه را محدود سازند، چنانچه کارخانه پتروشیمی در بندر امام تعطیل و بندها تن بیکار می شوند.

مجموع شیپایی زکریای رازی با سنگگویی با احتیاجات ضروری یکی از پرجمعیت ترین مناطق جهان یعنی آسیای جنوبی، از لحاظ تهیه کودهای ارزان قیمت برای افزایش محصولات کشاورزی می باشد.

لایه ژوراسیک که مسجد سلیمان سوخت ۵۵٪ از اتمام استراتژی یک پتروشیمی ایران را تهیه می کند. در سال ۱۳۶۸ در ناحیه مسجد سلیمان پراکنندگی گازهای هیدروژن سولفور و اینترید سولفور به مقدار غیرمجاز و آزاردهنده مشاهده شد. حتی این گاز در دهستان تل بزان باعث تلف شدن سه نفر در سال گذشته نیز گردیده است.

در این خصوص لازم است مسئولین مربوطه رسیدگی نمایند تا حوادثی از این قبیل رخ ندهد. معادن گاز طبیعی مسجد سلیمان بسیار غنی است اما در طی ۸۰ سال بی خبری، مقدار متناهی از این ثروت عظیم همواره بی سوخت و بهدر می رفت و مقداری هم از این گاز به مصارف خانگی در این شهر می رسید. طبق گزارش اقتصادی سازمان ملل متحد راجع به خاورمیانه، در هر تن نفت خام حاصل از چاههای مسجد سلیمان ۲۸ متر مکعب گاز وجود داشته است. سالها این منبع بیکران ثروت و انرژی، سوزانده شد و میلیاردها تومان از درآمد این مملکت از گوشه و کنار این شهر شعله ور می شد و جزء تفریحگاههای مردم بی خبر از همه جا دوآمده بود تا اینکه مستفغان و

۱- روزنامه کیهان - شماره ۱۵۰۱۳ = ۱۳۷۲/۱۲/۱۹

مسجد سلیمان - خبرنگار کیهان: بر اثر گاز سمی در داخل یک کارخانه اطراف پتروشیمی تل بزان واقع در مسجد سلیمان سه نوجوان جان خود را از دست دادند.

آقای سرافق کارشناس اداره آتش نشانی و خدمات ایمنی مسجد سلیمان در این رابطه گفته سه نوجوان به اسمی هراس کریمی ۱۲ ساله، رضا بهادری ۱۴ ساله و علی موسوی ۲۵ ساله که در اطراف یک کارخانه در حوالی پتروشیمی تل بزان مشغول بازی بودند، یکی از آنان جهت برداشتن لیمی وارد کار گردید و دچار گاز گرفتگی شد و دو نفر دیگر نیز که قصد نجات جان او را داشتند وارد کار شدند و در نتیجه سه نفر جان خود را از دست دادند. وی لزوم نصب تابلوهای هشدار دهنده در این منطقه را مورد تأکید قرار داد.

صنایع پتروشیمی و طرق بهره‌برداری از آن، بطور جدی مطرح و در صنایع پرارزش پتروشیمی مورد استفاده قرار گرفت.

تعداد پرسنل واحد جذب آب پتروشیمی زکریای رازی مسجدسلیمان

کارمند	کارگر رسمی	کارگر تحت پوشش	کارگر قراردادی	
۳۷	۳۱	۶	۲۹	کارخانه
—	۲۳	۱۳	۱۹	حراست

جمع کل پرسنل این واحد ۱۵۹ نفر در تاریخ ۱۳۷۰/۵/۲۸

نشست گاز و نفت از کف منازل مسکونی واقع در مناطق سی برنج و دره خرسان^۱، باعث افزایش فشار مخزن آسماری مسجدسلیمان ناشی از عدم تولید مستمر و ارتباط احتمالی آب دریاچه پشت سد شهید عباسپور به قسمتی از مخزن آسماری، چشمه‌های نفتی از حدود ۱۶ سال پیش یعنی ۱۳۵۷ تا کنون در مناطق مسکونی سی برنج و دره خرسان مسجدسلیمان فعال شده‌اند. منطقه سی برنج مسجدسلیمان.

این منطقه از نظر جغرافیایی در ضلع شمال غربی شهر و در جوار مناطق پانسیون خیام و نفتون قرار دارد. از سال ۱۳۵۷ تا کنون چشمه‌های نفتی در منطقه مسکونی فوق‌الذکر مشاهده شده که از همان موقع، این پدیده نیز توسط ادارات ذیربط مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و جهت مزید اطلاع، موضوع نشست گاز و نفت در مسجدسلیمان در سال ۱۳۵۹ توسط اداره مهندسی بهره‌برداری ناحیه مرکزی، بطور جدی مطرح و اقدامات لازم بعمل آمد.

مجدداً در سال ۱۳۶۷، پیدایش چشمه نفتی دیگر، واقع در مغازه یکی خانه مسکونی در منطقه سی برنج، که در جوار بقیه چشمه‌های نفتی وجود دارد، توسط اداره عملیات بهره‌برداری مسجدسلیمان گزارش گردید. بدنبال گزارشات رسیده در دو نوبت بترتیب در تاریخهای ۱ و ۳۰/۹/۱۳۶۷ از محل بازدید، نمونه‌گیری و آزمایش مقدار درصد گازهای سی بعمل آمد که نتایج، بیانگر وزن مخصوص و نمک به میزان ۸/۸۱۰ و ۱۱ گرم در متر مکعب بوده است. لازم به ذکر است که چشمه نفتی مزبور برخلاف موارد قبل در هنگام حفر زمین جهت تسطیح کف مغازه در جوار منزل یکی از ساکنین بوجود آمده است.

این چشمه‌ها هم‌اکنون در سطح شهر از لحاظ مسائل زیست محیطی اشکالاتی را بوجود آورده‌اند. در سال ۱۳۶۷ در یکی از منازل محله سی برنج، نفت توأم با گاز از زیرزمین بیرون

آمد و وضعیت خطرناکی را برای آن خانواده و همسایگان بوجود آورده بود. در اطراف این چشمه‌ها، خانه‌های مسکونی بسیار زیادی وجود دارد که اکثراً مربوط به افراد بازنشسته عالی‌مقام و حتی کارمندان و کارگران شاغل در شرکت نفت می‌باشند. این چشمه‌ها پس از جاری شدن واره جاده آسفالت شده و چاه بسیار خطرناک جاده را تا مسافت بیش از ۳۰۰ متر آخته کرده و از نظر عبور و مرور و مسائلی نظیر و عابرین پیاده باعث بروز یادمرو وضع بسیار حادته آمیزی پیش آورده و هر لحظه انتظار سانحه‌ای می‌رود. نماینده اداره کل زمین شناسی به اتفاق نمایندگان اداره کل مهندسی نفت و اداره ایمنی و کنترل محیط در تاریخ ۱۳/۱۰/۶۷ حازم محل شدند.

نتایج حاصل از مشاهدات و بررسی‌های انجام شده و همچنین پیشنهادات ارائه شده توسط گروه بازدیدکننده را جهت اطلاع قید می‌کنیم:

۱ - ظاهر چشمه‌های نفتی در مسجد سلیمان و در بسیاری از دیگر نقاط مناطق نفت خیز، پدیده‌های جدید نبوده و از قبل نیز وجود داشته است. شدت و ضعف این چشمه‌ها در زمانهای مختلف متفاوت می‌باشد و نحوه راه‌یابی آنها به سطح زمین از طریق شکستگی‌هایی است که مخزن را به سطح ارتباط می‌دهند.

۲ - ظاهر چشمه‌های نفتی در آینده ممکن است در هر نقطه دیگری از منطقه مورد بحث صورت پذیرد که در این صورت بر مشکلات موجود خواهد افزود.

۳ - مهار چشمه‌های نفتی از طریق تزریق سیمن و یا غیره امکان پذیر نمی‌باشد. زیرا فشار موجود در مخزن موجب خواهد شد که گاز و نفت از سایر نقاط ضعیف زمین مجدداً راه خود را به سطح زمین گشوده و در جای دیگری ظاهر گردد.

۴ - انتشار گاز قابل اشتعال در هوا و نشست نفت بر روی زمین ممکن است موجب آتش سوزی شده و ایجاد خسارات مالی و جانی بنماید.

۵ - استنشاق گازهای موجود در هوا که دارای درصدی از گاز هیدروژن سولفورده نیز می‌باشد موجب مسویمت تنریجی، ضایعات پوستی و ضایعات چشمی گشته و سلامت ساکنان منطقه را در مخاطره‌ای جدی خواهد انداخته. در ضمن بیماریهای عصبی، جرایم و تخلفات اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد زیرا که گاز بر سیستم اعصاب اثر می‌گذارد.

۶ - لبریز شدن حوضچه نگهدارنده نفت، سبب جاری شدن آن در جاده خواهد گشت که علاوه بر ایجاد آلودگی ممکن است سبب آتش سوزی گردد. جهت رفع مضرات فوق، پیشنهاداتی بشرح زیر توسط گروه مذکور ارائه گردید.

الف - مسئله تخلیه محوطه مسکونی مورد بحث بصورتی جدیدی و بطریق مقتضی به مقامات ذیصلاح شهرستان مسجد سلیمان جهت اخذ تصدیقات عاجل منعکس گردد.

ب - محوطه تخلیه شده فرق گشته و توسط حصار استحفاظی محصور گردد و تابلوی خطرات وجود گاز هیدروژن مولفورد نصب شود.

ج - از احداث منازل و تأسیسات جدید در این محل جلوگیری شود.

د - جهت جلوگیری از پخش نفت در منازل مسکونی مورد بحث، حوضچه‌های بهمانی به عمق ۲ متر در محل نشت احداث و سپس با ایجاد کانالی مناسب به حوضچه مشترک جمع آوری نفت متصل گردد.

ه - تزئینی داده شود که حوضچه مرکزی جمع آوری نفت واقع در محوطه پانیون خیام بطور مرتب تخلیه گردد.

گاز مصرفی شهر مسجد سلیمان

گاز مصرفی شهر مسجد سلیمان در حال حاضر توسط یک لوله ۶ اینچ از نفت سفید تأمین می‌گردد که پس از ورود به کارخانه برق تسمی و تأمین گاز آن، با یک انشعاب ۴ اینچ و یک کنترل والو که فشارها روی ۵۲ پوند نگهداری می‌کند به یک لوله ۱۰ اینچ متصل و بطرف شهر می‌رود. سیستم گاز شهر رنگه نیست و بصورت شاخه‌ای می‌باشد.

شرکت نفت در گذشته اقدام به کشیدن یک لوله ۶ اینچ از کارخانه تسمی به تأسیسات بی بی بان نموده که بر اثر انشعابات غیر مجاز منازل، گاز به واحدها نرسید و باعث قطع آن شد.

خط لوله ۶ اینچ ارسالی گاز واحد بهره‌برداری نفت سفید به مسجد سلیمان بطول تقریبی ۶۰ کیلومتر از مناطق صعب‌العبور و کوهستانی می‌گذرد و اکثر اوقات دچار صدمات ناشی از سیل و بارانهای فصلی و همچنین یعلت نداشتن تکیه گاههای فلزی استناد دارد، مشکلاتی را در امر گاز رسانی به منطقه مسجد سلیمان بوجود می‌آورد.

میزان گاز مصرفی منطقه مسجد سلیمان ۱۷/۰۵ میلیون فوت مکعب در روز می‌باشد که بیش از حد متعارف است و مقدار گاز ارسالی از نفت سفید به این منطقه در سال ۱۳۶۲ = ۳۶۹/۱۹ میلیون فوت مکعب و مقدار گاز دریافتی منطقه مسجد سلیمان ۳۴۲/۲۲ میلیون فوت مکعب محاسبه شده است، مجموعاً مقدار گاز ارسالی از نفت سفید به مسجد سلیمان و گاز دریافتی منطقه مسجد سلیمان مقداری تفاوت دارد و برای تعادل فشار گاز مصرف می‌شود.

گاز مصرفی شهر مسجد سلیمان که از ناحیه نفت سفید تأمین می‌گردد، گاز گنبدی می‌باشد که از

مخزن نفت سفید استفاده می شود و گازی می باشد که در آینده جهت تزوین چاههای آن ناحیه مورد استفاده قرار می گیرد و هر چند از این نوع گازها مصرف شود، چون ارتباطی مستقیم با مخزن نفت ناحیه مذکور دارد باعث کم شدن فشار چاهها و کم شدن مقدار بهره دهی آن می شود و در کلیه کشورهای جهان، گازهای چاههای تولیدی که مازاد می باشد، توسط واحدهای عملیاتی گاز و گاز مایع تصفیه می شوند و به حرکت گاز جهت مصرف شهر داده می شود، ولی متأسفانه چون در نفت سفید این امکانات و تأسیسات موجود نمی باشد، مجبور هستند که از گاز مخزن استفاده کنند، که اینصافاً در آینده باعث مشکلات عملیاتی خواهد شد و از این نوع گاز در صورت امکانات، مواد شیمیایی بسیاری را می توان بدست آورد و بالمانده آن که گاز تصفیه شده باشد، جهت مصرف شهر می توان اختصاص داد.

با اینکه منطقه مسجد سلیمان به اعتبار آمار و نظریات متواتر کارشناسی، از مناطق غنی گاز دنیا بشمار می رود، از دیرباز بهره برداری از این مخازن که غالباً توأم با بهره برداری نفت خام بوده، معمول گردیده است. در حال حاضر تعدادی از شهرهای بزرگ و کوچک کشور تا سرحدات شمالی، از این راهگذر زیر پوشش لوله کشی و استفاده از گاز قرار گرفته اند. متأسفانه شهر مسجد سلیمان، خود از این نعمت بصورت مطلوب محروم مانده و مصداق «آب در کوزه و ماهی در تن» می گردیم. یاز دو خانقاه و ماگرد جهان می گردیم را در این زمینه بخشیده است. بمشاور تأمین گاز مصرفی منازل ساکنین شهرستان مسجد سلیمان و تبدیل سیستم قدیمی شبکه گازرسانی مسجد سلیمان به سیستم جدید، اداره تعمیرات شرکت نفت این منطقه از اوایل روز ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۶۲ اقدام به اجرای طرح گازرسانی در سطح شهر نموده است و این طرح بدنبال تأمین گاز بعلت کثیف شدن انشعابات بی روه توسط اهالی این شهرستان بعد از پیروزی انقلاب مورد نیاز تشخیص داده شد. لذا طی تماسهایی که مسئولین شرکت با مسئولین شهر و بدنبال آن جلساتی که با حضور نماینده شرکت ملی گاز منطقه یک خوزستان صورت پذیرفت. ابتدا قرار بر این بود که شرکت ملی گاز، خود رأساً اقدام نمایند. لیکن بعلت نامتکمیل بودن بناهای شهر و موقعیت خاص جغرافیایی و نحوه ساختمانی، حاضر به انجام این مهم نگردیدند. شبکه گازرسانی خانگی مسجد سلیمان که بسیار قدیمی است، بظلیل ازدیاد جمعیت و توسعه اماکن مستگولی پس از انقلاب و نصب انشعابات متعدد بطور غیر اصولی و خطرناکی درآمده است.

بهتر حال قرار بر این شد تا از دو طرح پیشنهادی مسئول آب و گاز (طرح جامع و طرح ضربتی)، طرح ضربتی به اجراء گذارده شود که البته کلیه وسایل این کار از طریق شرکت ملی گاز تأمین گردیدند.

اقداماتی که تا این لحظه انجام گردیده بشرح زیر می باشد:

۱ - نصب ۳۰ عدد مینیفولد، از زیر تلمبه خانه نمره ۸ و کشیدن یک رشته لوله چهار اینچ از زیر بیارستان شرکت نفت تا پیل نمره یک.

۲ - نصب مینیفولد و کشیدن خطوط لوله دو اینچ گاز از مال شیخ متنی تا آبادی مراد آباد گلگه.

۳ - کشیدن خط لوله دو اینچ از زیر فرمانداری به پشتون جهت گازرسانی منازل شخصی این ناحیه.

۴ - پاکسازی لوله ده اینچ گاز از محل تقسیم گاز واقع در سوراخی بمبی و مال شیخ متنی. یک قسمت به طرف بی بی بان و قسمت دیگر تا باشگاه مرکزی.

۵ - نصب مینیفولد و کشیدن خطوط لوله سه اینچ از محله دره اشکنت تا باشگاه مرکزی جهت

گازرسانی منازل کوی مال شنبه، سرگروه ها، مال جانکی، نورآباد، چشمه علی و منازل بالای باشگاه مرکزی.

توضیح اینکه این طرح هم اکنون ادامه دارد و پس از کشیدن خطوط لوله گاز، انشعابات قبلی از روی خط اصلی گاز قطع و در خطوط جدید جهت مصرف خانگی بجزایان خواهد افتاد.

هم اکنون خطوط لوله گاز مصرفی منازل در سطح شهر بصورت خیراستاندارد بوده و متأسفانه در

بعضی از نقاط شهر، شهرزندان روی لوله ها خاکریزی و ساختن اسفالت کرده اند و یا اینکه

برای گرفتن انشعاب گاز، از لوله های خیراستاندارد استفاده نموده و از زیر زمین و یا آسفالت

خیابان آن را عبور داده اند که اینگونه اعمال باعث خطرات زیادی در آینده خواهد شد. با

وفا شدن آب و تاغیلاب در سطح شهر، که باعث پوسیدگی شبکه مذکور می شود، متأسفانه این

مسائل موجب شده است که نشت گاز فراوانی در کوچه ها، محله ها و کانالهای تاغیلاب شهر

پروچود آید که قابل رویت نیست، ولی با ابراز تأسفقت باعث انفجارهای گوناگونی در بعضی از

مناطق شهر گشته که خسارات جانی و مالی در برداشته و اگر جلوگیری از اینگونه اعمال نشود، در

آینده نیز وقوع اینگونه انفجارها محتمل است. علیرغم خطرات فوق الذکر، این نشت گاز در سطح

شهر باعث افت فشار گاز شده که در بعضی از محله ها، دزون خطوط لوله، گاز وجود ندارد و اگر

هم وجود داشته باشد، آهدر کم می باشد که قابل استفاده نیست و با توجه به کشیدن انشعابات

بجز مجاز که روزانه بطور مستمر صورت می گیرد، مزید بر علت شده و باعث می شود تا تعداد

گرفتنی از مردم از مصرف گاز بی بهره بمانند.

نمودار گاز مصرفی در منطقه مسجد سلیمان در سال ۱۳۶۱

گاز مصرفی توربینهای برق تلمی	۱/۲۲۲/۰۰۰ فوت مکعب
گاز مصرفی منازل درون شهری	۷/۵۴۰/۰۰۰ فوت مکعب
گاز مصرفی منازل ارتش جمهوری اسلامی ایران	۲/۰۳۰/۰۰۰ فوت مکعب
گاز مصرفی کارخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران	۲۶۳/۰۰۰ فوت مکعب
مصارف صنعتی	۱۹۳/۰۰۰ فوت مکعب
جمع کل گاز دریافتی به منطقه	۱۱/۷۸۰/۰۰۰ فوت مکعب

توضیحاتی راجع به چاههای مسجد سلیمان

در سال ۱۹۲۴ میلادی در مسجد سلیمان ۴۰ حلقه چاه در حال فعالیت بود و سه ماه وقت صرف می شد که دکور این چاهها را بدلیل بیج و مهره بودن و نبودن جرثقیل، نصب کنند و به همین مدت هم برای برچیدن آنها وقت نیاز بود. شرکت ایران و انگلیس در پایان سال ۱۹۵۰ م. برابر ۱۳۲۹ ش. در مسجد سلیمان دارای ۲۵۷ حلقه چاه بود که فقط ۴۰ حلقه چاه آن در این سال فعال بود.

در حال حاضر ۱۲ حلقه چاه با تولید بین ۲۰۰ تا ۵ هزار بشکه در حال تولید نفت خام می باشند که با تزریق گاز به چاهها صورت می گیرد. البته باید اذعان داشت که در گذشته تولید نفت بی رویه صورت می گرفت. ضمن آنکه چاهها دارای فشار خوب بودند و تولید هم به صورت طبیعی انجام می شد. ولی هم اکنون این چاهها فشار خود را از دست داده اند، در حالی که چاهها دارای نفت می باشند اما بدلیل افت فشار قابل استحصال نیستند. بهر طریق شاید بتوان با ابتکاراتی نفت آنها را استخراج کرد.

در حال حاضر در مناطق نفتخیز جنوب برای تزریق گاز از کمپرسورهای لوی که گاز را فشرده می سازد، استفاده می شود. مانند آنچه در بارون اهواز جریان دارد. ولی متأسفانه در مسجد سلیمان کمپرسور برای فشرده کردن گاز در اختیار مسئولین قرار نگرفته است. ضمن آنکه چاههای منطقه وقتی بسته باشند، فشاری ندارند، اما با فشارگازی معادل ۲۵۰ تا ۳۰۰ پوند، نفت فشار پیدا می کند و به بالا رانده می شود. البته در مسجد سلیمان، تزریق گاز صورت می گیرد. به این صورت که از چاههای دارای گاز یا چاههای احیاء، لوله هایی را به چاههای نفتی می کشند که از طریق لوله مغزی یا جداری، گاز را با فشار طبیعی خود گاز، به درون چاههای نفتی، هدایت می کنند و چون چاهها دارای فشاری برابر با صفر هستند گاز می تواند به درون چاهها نفوذ کند.

زنگه خورده باشد و در نتیجه نتواند فشار جدید را تحمل کند، چاه را برای بررسی هلت بروز فشار و تعویض شیر پیچها با گل و سیمان مخصوص بستند، تا در آتیه نزدیکی آن قسمت را که سیمان شده دوباره حفر نمایند و شیر پیچهای تازه‌ای که متناسب با فشار جدید باشد، بر سر دهانه چاه نصب نمایند. چاه ۳۰۶ که در حقیقت ژرفترین چاه خاور میانه است و بر اثر برخورد با گاز پر فشاری، آن را حدوداً کزدند، در خوالی چاه ۲۸۱ می‌باشد.

مسئله بهره‌برداری را جنس بر این است که از طبقه زیرین آساری، گاز چاه ۳۰۶ به چاه ۲۸۱ راه یابد و چنین فشاری ایجاد نموده است.

جاده‌های ماشین‌رو چاهها، بطور کلی تمام جاده‌های ماشین‌رو، جهت سرکشی به چاههای نفت و گاز منطقه مسجد سلیمان، لالی، کارون، زیلانی و پرسیاه خاکی و فاقد آسفالت بوده و در اثر بارندگی در بعضی نقاط غیر قابل عبور می‌باشد و بازدید و تعمیرات روی بعضی از چاهها غیر ممکن می‌گردد. با وجود امکان این مسائل و تقاضا از سوی مسئولین جهت تعمیر جاده، اقدام اساسی صورت نگرفته است.

داستان اف - تری - 3 - F در مسجد سلیمان

در مسجد سلیمان نوقتی که از باشگاه مرکزی بنوی مرکز شهر بروید به فلکهای می‌رسید که آنجا راه به دو بخش تقسیم می‌شود اگر از سمت راست ادامه دهید رسیدن به پل اف - تری، دکل سه چاه پهلوی هم را می‌توانید ببینید که شب هنگام نیز با دو نورالمنیر یرقن که در نزدیکی آنها نورالمنیری می‌کنند کاملاً قابل رؤیت می‌باشند.

داستان اف - تری درست از ۸۵ سال قبل آغاز گردیده و از آن وقت این نام بر ناحیه اف - تری گذارده شده است.

۸۵ سال پیش ۱۹۰۹ م. هنگامی که مته حفاری در نقطه معین برای حفر چاه شماره ۳ بکار افتاد، جز ژوهای ۷۱۹ پایی به گاز پر فشاری برخورد و آتش گرفت و نتوانستند تاکنون آن را مهار کنند. چون در آن زمان هنوز وسائل کار حفاری چاههای نفت چندان کامل و مجهز نبود، چاره آن دیدند که با زدن دو چاه انحرافی در دو طرف آن از فشار گاز بکاهند.

بعد از اینکه چاه مذکور دچار لغزش شده، گازی از آن متصاعد گردید که ساکنین را دچار سردرد می‌کرد. برای اینکه بتوانند این چاه را مهار نمایند، دو چاه در کنار آن حفر کردند ولی متأسفانه هنوز مقدار کمی گاز از دهانه چاه 3 - F نشت می‌کورد. بار دیگر با مخلوط کردن نفع، سنگ، خرما، پهن اسب، پنبه، دانه‌های دیگر و صدف با گل در دهانه آن ریختند. اما هنوز از این چاه گاز بیرون می‌آید و بعضی اوقات تا ارتفاع ۶ فوت گاز زیاده می‌کشد. بدین منظور تصمیم گرفتند که

آن را آتش بزنند تا بسوزد.

حفاری چاه اول در عمق ۷۱۹ فوتی و دومی در ۸۱۶ پایی و سومی در ژرفای ۹۰۰ پایی خاتمه یافت و بالاخره بدون دسترسی به نفت هر سه چاه بسته شد و در ردیف چاههای متروکه بشمار آمدند، اما دکلهای آنها بعد از گذشت ۸۵ سال بر سر جای خود پائی و نمایان است.

برخلاف این چاه، چاه شماره (اف - ۷) عالی کار می کرد. این چاه هفت میلیون تن نفت حاصل داشته و بعد آن را پلمپ کردند. سپس انگلیسیها روی یک ورقه استیلی نوشته بودند که «بخطاظر اینکه از ما خوبه پذیرایی کردی، متشکریم».

هم اکنون چاه اف - تری بعثت ایجاد شکاف و ترک خوردگی روی CAP - ROCK، گاز آن از منافذ اطراف چاه بخارج متصاعد و با وجود یک دستگاه تفکیک گاز و ایجاد یک حوضچه آب که اخیراً طبق دستور اداره مهندسی، این حوضه خشک و از بین برده شد. مرتباً لوله های آن در اثر ایجاد آب و نمک گرفته و بعضی اوقات بصورت سرکش درمی آید. تاچار بوسیله تزریق آب از طریق تلمبه ماشین آب آتش نشانی شستشو و باز می شود.

اقدامات اصلاحی روی چاههای شماره (اف - ۶)، (۱۱) و (۱۲) مسجد سلیمان در رابطه با **تعمیر خیابان:**

چاههای متروکه فوق الذکر بعثت واقع شدن در مسیر طرح تعمیر خیابان اصلی، مانع از اجرای طرح بوده اند. بهمین جهت بر اساس برنامه ریزی بعمل آمده، ابتدا تاریخچه چاهها و وضعیت نهیلات سرچاهی، عملیات عمق پایی و نمونه گیری انجام شد که نتایج غیر قابل عبور در عمق (۹ - ۳) متر از جنس سیمان ملاحظه گردید. نهایتاً در آبانماه (۱۳۶۸) پس از حفر گودالهای مناسب به عمق (۳) متر و شعاع (۱) متر، لوله های جداری چاهها تا عمق (۳) متر از سطح زمین بریده شد و پس از نصب فلنج، شیر دروازه ای و کلاهک، تاج چاهها بوسیله خلک لوله ای همزاه با درپوش پوشانده شد. با این اقدامات، امکان تعمیر خیابان اصلی مسجد سلیمان فراهم گردید.

خطوط لوله مسجد سلیمان:

ساختن خط لوله در خوزستان همیشه مواجه با یک سلسله مشکلات بوده و هست. چه در کوهستانها و چه در پهنای دشتهای این ناحیه که غالباً در زمستان به زیر آب فرو می رود و از این رو در سرایشی های مرتفع باید خط لوله را با لنگر محکم کرد تا از لغزش آن جلوگیری شود. در سرزمینهای نسبتاً هموار مثلاً بین مسجد سلیمان و آبادان در اوائل کار، خطوط لوله زودفن می کردند، اما زنگ زدگی و فرسودگی آنها بر اثر رطوبت خاکه، چنان شدید بود که از سال (۱۳۲۳ شمسی) (۱۹۴۴ م.) به این طرف همه خطوط لوله را بر روی خاک آوردند. از هنگامی که

روشهای جدید دفع زنگ زدگی و فرسایش، مورد استفاده قرار گرفته، این خطوط لوله دوباره به زیر خاک رفته است.

در سال (۱۹۴۰م) خط لوله جدید به قطر (۳۰) سانتیمتر بین مسجد سلیمان و آبادان کشیده شد. سال (۱۳۵۹) در اثر سیل، کلیه لوله های نازل نفت مسجد سلیمان به اهواز در مسیر رودخانه راهدار شکسته شده و مقدار زیادی نفت از لوله ها خارج گردید. در سال (۱۳۶۳) نیز خط لوله (۱۰) اینج شماره یک توسط مایندوم اندازه تعمیرات خطوط لوله شکسته شد. در سال (۱۳۶۴) تقریباً (۱۳) هزار بشکه نفت از لوله های نازل نفت مسجد سلیمان - آنگچی، خارج گردیده است. خط لوله ای (۱۰) اینچی متعلق به شرکت نفت در حد فاصل بین محله سبزآباد و آبادی شیخ متولی، مربوط به اتصال نفت. مخازن سبزآباد به خط انتقال اصلی، از قدیم بر جای مانده و در سال (۱۳۶۶) سوم استفاده های از لوله های مذکور توسط افراد غیر مجاز وجود داشته است.

تعدادی از خطوط لوله های ارسال نفت و آب مربوط به گذشته، در حال حاضر بلا استفاده ادارات ذریعته بالیمانده و بدون هیچگونه نظارت و کنترل، خارج از دید نگهبان می باشد و لوله های فوق الذکر توسط سارقین مورد دستبرد قرار می گیرد.

در سال (۱۳۶۶) تعدادی افراد که خود را به دروغ، اهزاسی از اهواز معرفی نموده اند، در نقطه راهدار و گچ امام وضاح (ج)، اقدام به قطع غیر مجاز خطوط لوله نفت ارتباطی مسجد سلیمان - اهواز نمودند و حدود دو کامیون از لوله های قطع شده را به اهواز حمل کردند.

روز دوشنبه مورخ (۱۳۶۴/۷/۱) یکی از بلندوزرهای وزارت راه و ترابری که در جاده لالی - مسجد سلیمان مشغول کار بود، در محلی بنام ورزود در نزدیکی دوراهی چاه شماره یک کارون، به حریم لوله (۸) اینج نفت تجاوز نموده و ضمن تسلیح جاده، لوله هشت اینج نفت را در امتداد طولی شکافت و حدود (۵) هزار بشکه نفت از لوله خارج گردیده است. بواسطه بلندوزرهای موجود در محل، مقدار نفتی که با فشار زیاد خارج می گردید، کاتالیزه و به حوضچه های احداث شده هدایت گردید و به کسی آسیبی نرسید.

در طول سالها مختلف، اموال بسیاری از شرکت نفت در منطقه به سرقت رفته است. بهتر آن مثال یکی از موارد بدین صورت می باشد:

بازرس خطوط لوله نفت و گاز اداره بهره برداری در تاریخ (۱۳۷۰/۴/۳) گزارش کرد که حصارهای شیرگاههای دو طرف رودخانه تیبی مربوط به شیرهای خط لوله اصلی هشت اینج نفت ارسالی از مسجد سلیمان به واحد نفت سفید و حصار شیرگاه مشترک همین خط با خط لوله بخش اینج گاز ورودی به مسجد سلیمان، از واحد گازرسانی نفت سفید در دهستان لنگه تیری، قسمت اعظم

آنها به سرعت رفتند.

تکرار بعضی از سرکتها باعث خسارات و صدمات جبرانناپذیری خواهد شد.

دمتگاهها و لوله‌های انتقال نفت و گاز منطقه مسجد سلیمان، قدیمی بوده و هر کدام چندین سال از عمر مفید آنها گذشته است و نهایتاً به جهت انتقال نفت و گاز، لوله‌ها از میان شهر، روستا، نقاط پرجمعیت و همچنین از کنار گذرگاهها عبور می‌کنند. چنانچه مسئولان مربوطه از سالم بودن لوله‌ها مطمئن نباشند، یقیناً حوادث و خساراتی را بدنبال خواهد داشت.

خطوط لوله نفت و گاز منطقه مسجد سلیمان به علت گذشت زمان از کیفیت پایینی برخوردار می‌باشد و اشکال بیشتر لوله‌ها از این قرار است:

۱ - نداشتن حریم ایمنی.

۲ - مدیون بودن تمام یا قسمتی از لوله در زیر خاک.

۳ - عبور از زیر جاده ROAD = CROSSING.

۴ - در بعضی نقاط بر روی لوله‌ها ساختمان احداث شده است.

۵ - نداشتن جاده کنار گذر خطوط لوله نفت و گاز.

۶ - خطوط لوله فاقد تکیه گاه و بصورت اتصال کالراست.

خطوط لوله نفت و گاز این منطقه به علت فرسوده بودن و از دست دادن عمر مفید خود، به شکل غیراستاندارد بوده و چون نفت و گاز این منطقه گورگردد دارد و لوله هم فرسوده می‌باشد، هر لحظه ممکن است اتفاقات ناگوارتری پیش آید و عده‌ای جان خود را از دست بدهند.

امکانات افزایش ظرفیت تولید از طریق تزریق گاز:

بطور کلی تأمین و نگهداری فشار لازم در معادن نفت، بایستی به تناسب استخراج و برداشت نفت از آنها صورت پذیرد و نهایتاً سعی گردد در مقابل افت فشار محتمل، تا زمان تدارک امکان تأمین مجدد فشار به حد سابق، از مقادیر نفت تولیدی کاسته شود تا جایی که لازم می‌گردد هلیز هم نیاز به افزایش تولید، در جهت حیانت و حفاظت از معادن، از معادنی که افت فشار بیش از حد طبیعی دارند تولید متوقف گردد. متأسفانه این عمل و رویه در مورد معدن مسجد سلیمان رعایت نگردیده و سالهای شماری بدون تأمین و جبران فشار از دست رفته، استخراج به صورت مستمر ادامه داشته است.

اصولاً همانطوری که قبلاً ذکر گردید، راههای متعددی جهت تأمین فشار به حد اولیه در معدن نفت توسط تزریق گاز، تزریق آب و تزریق بخار می‌تواند صورت پذیرد. از میان طرق ذکر شده

در سالهای اخیر قبل از پروزی انقلاب اسلامی، تزریق گاز در معادن نفتی مناطق نفت خیز مطالعه و مراحل اولیه تدارک ایستگاههای تقویت فشار و کارخانجات خمیمه انجام گرفته که تعدادی از آنها در مراحل نزدیک به راه اندازی می باشند. لکن بایستی نقاط نشان گردد که حل و موافقی در بعضی از معادن وجود دارد که امکان تزریق گاز و تأمین فشار از این طریق را مستفی می نماید. وجود شبکه های آیران قوی، بوجود آمدن کلاهک گازی و یا پروژ گاهین ارتفاع ستون نفت، از جمله علل و موافق ذکر شده می باشد.

میدان مسجد سلیمان، علاوه بر دارا بودن ستون کوتاه و ناچیز نفت، به علت شکستگیهای فراوان موجود در سنگ معدن نفت و نزدیکی آن به سطح زمین، هم اکنون بدون تزریق گاز، علیرغم افت فشار ایجاد شده در بعضی از نقاط شهر فوران گاز می نماید بطوری که بعضاً لازم می گردد در جهت جلوگیری از ادامه فوران آن یا مقدار تولید نفت از چاههای باز و فعال را افزایش داد و یا چاههای نفت و گاز بسته را باز نمود. بدیهی است در این معدن، بدلائل ذکر شده، تأمین فشار توسط تزریق گاز بسیار دشوار می باشد. به همین علت برنامه مربوط به تزریق گاز و تأمین فشار در معدن نفت این منطقه، برای سالهای آینده برنامه ریزی گردیده است. اگرچه در خصوص افزایش فشار و افزایش میزان تولید از معدن نفتی مسجد سلیمان، مطالعات مستمر و پیگیری توسط واحدهای مربوط به ادارات کل زمین شناسی و مهندسی نفت در دست است، لکن بنابر آنچه فوقاً اشاره گردید افزایش ظرفیت تولید آن از طریق استحصال مقادیری اضافه تولید اولیه، تحت عنوان باز یافت ثانویه، در زمان نسبتاً کوتاه آینده نامحتمل و حسب شواهد و قرائن موجود، امکان ناپذیر است.

افزایش مقادیر تولید از طریق احداث کارخانه نمکزدایی:

هموماً افت فشار نفت باعث می گردد تا بتدریج طول ستون نقاط تماس نفت و آب بیشتر شده و همزمان با استمرار تولید از مخزن، سطح آب بالا آمده و در نتیجه همراه با نفت از شبکه لوله چداری چاه بطرف بالا سوق داده شود. بدیهی است در اینگونه موارد بایستی نمک محلول در آب را که اینک با نفت استخراجی همزوج شده گرفته شود. احداث کارخانجات نمکزدایی در مجاورت واحدهای بهره برداری بدین منظور صورت می گیرد. با این تعریف بسیار مختصراً وضعیت چاههای نفت مسجد سلیمان را ذیللاً بازنگری می نمایم.

در سالهای گذشته در اثر استمرار بی رویه تولید از مخزن مسجد سلیمان، پس از چندین سال بهره برداری، فشار لازم جهت تخلیه طبیعی نفت کم شده بود. به همین علت در آن زمان یک خط لوله چهار اینچ بصورت درینگ، حول میدان مزبور، بمنظور برقراری فشار یکنواخت و مساوی

در چاههای مورد بهره‌برداری از طریق جریان طبیعی گازهای حاصل از چاههای نفت مرتبط، کشیده شد این عمل، امکان استخراج از چاههای نفتی را که افت فشار زیادی داشته‌اند برای مدتی میسر گردانید، لیکن در اثر مداوم برداشت، تعدادی از چاههای مورد بهره‌برداری، نمکی گردید و نفت استحصال از آنها مستلزم عبور از کارخانه نمکزدایی و انجام شستشو گردید. لذا بجای احداث کارخانه نمکزدایی، چوکهایی سر راه داشت. از زمانیکه مقدار نمک همراه نفت تولیدی زیاد شد و چوکهای مزبور قادر به جلوگیری از نمکی شدن نفت نبودند، چاههای مزبور بسته شدند. از آن زمان به بعد، علاوه بر بسته شدن تعدادی چاههای نفت نمکی، بععلت بروز افت بیش از حد فشار در تعدادی از چاههای نفت، قسمتی از خط لوله چهار اینچ را نیز قطع نموده، ولی بهره‌برداری از سایر چاهها کماکان ادامه داشته است.

هم‌اکنون تعداد (۷) حلقه چاه از چاههای نفتی حوزه مسجد سلیمان، نمکی شده و ادامه تولید از آنها مستلزم نمکزدایی نفت تولیدی آنها در کارخانجات نمکزدایی است، لیکن با توجه به محدود بودن مقدار نفت استحصال از این طریق از یک طرف و هزینه نصب و احداث کارخانه نمکزدایی از طرف دیگر، ایجاد یک دستگاه کارخانه نمکزدایی، در منطقه مسجد سلیمان و فقط جهت نمکزدایی نفت تولیدی از میدان نفتی این منطقه از نظر اقتصادی توجیه ناپذیر تشخیص داده شده است. طبق بررسیهای بعمل آمده، اداره کل مهندسی نفت پروژه‌های را جهت احداث یک واحد نمکزدایی در ناحیه نفت سفید در دست مطالعه دارد که در آن پیشنهاد خواهد گردید تا نفت چاههای نمکی شده منطقه مسجد سلیمان، و نواحی پزسیاه، کارون، زیلایی و لالی نیز به این واحد انتقال و نمکزدایی گردد. نظر نهایی ابراز شده در خصوص دامنه فعالیت‌های چاههای نفت معدن مسجد سلیمان منتهی به این واقعیت است که بایستی از نفت باقیمانده در معدن مزبور تا زمان امکان تخلیه طبیعی، بهره‌برداری گردد و بتدریج که چاههای نفت این منطقه دچار افت فشار به میزان حداکثر گردند، بسته شوند.

دستگاه «دی. جی. تایزر» در اداره قدیمی پترو فیزیک مسجد سلیمان:

آن روزها در سرسرای عمارت مرکزی شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران در مسجد سلیمان، جبهه چوبی بزرگی به چشم می‌خورد که محوری دستگاه جدیدی به نام دی. جی. تایزر بود. این دستگاه به تحقیق، بیشتر مورد استفاده ادامه پترو فیزیک بود. مهندسین اداره مذکور اغلب در حین حفاری و بخصوص در پایان حفاری برای ارزیابی چاههای نفت از طریق لاکهای الکتریکی و رادیواکتیو، با دقت زیاد و صرف وقت، لاکهای یاد شده را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دادند که کاری بسیار طولانی و خسته کننده بود. ولی دستگاه دی. جی. تایزر، این

را آسان نمود.

آقای لوکالوز، رئیس اداره پترولیزهنگ مسجد سلیمان می گویند: اولین دستگاه چون خواندن انواع متحنی ها بوسیله آن امکان دارد، لذا دستگاه مذکور می تواند مورد استفاده ادوات دیگر شرکت نیز قرار گیرد.

عمل اصلی این دستگاه که شامل یک میز با صفحه الکتریکی حساس، یک قلم الکتریکی و همچنین یک دستگاه فرمان می باشد، عبارتست از تبدیل اطلاعات ضبط شده بوسیله لاگها، نقشه ها، متحنی ها و غیره به طرم قابل استفاده در ماشین کامپیوتری.

طرز کار این دستگاه بدین صورت است که قلم بر روی خطوط مربوطه کشیده می شود و در نقاط مورد نظر با فشار دکمه ای اطلاعات و ارقام ضبط می گردد. پس از آن به آسانی می توان به کمک ماشین کامپیوتری که فقط در مسجد سلیمان می باشد، جاهای نفت را بطور کامل مورد بررسی قرار داد و ارزیابی نمود. با کمک این دستگاه سرعت و دقت ارزیابی جاهها به مقدار قابل ملاحظه ای افزایش داده خواهد شد.

ناگفته نماند که حتی با در دست داشتن دستگاههای مدرن و الکتریکی دی، جوی، تایزر، نتیجه اصلی بستگی کامل به کیفیت لاگهای تهیه شده و مهارت و دقت مهندسین این اداره دارد.

تکلیف برجسته بررسی مختصر وضعیت نشتهای هیدروکربوری بر روی مخزن مسجد سلیمان

۱- مخزن مسجد سلیمان دارای پوشش سنگ نامطمئن و ضعیفی است. حضور نشتهای قدیمی (آشهای جاودان در زمان سلطانیان در محلی) قبل از هرگونه حفاری در مخزن بیانگر ناتوانی پوشش سنگ در نگهداری تیدروکربور در مخزن می باشد.

۲- متأسفانه شهر بدلیل امکانات و تجهیزات ابتدایی در زمان بنا شدن عمدتاً در ارتفاع بین ۹۰۰ - ۷۰۰ فوتی از سطح دریا بنا گردیده است، یعنی حواشی تراست ورودخانه های فصلی در منطقه که در آنها میزان فرسایش رسوبات روی مخزن آسماری بیشترین مقداری را شامل می شود. بطوری که ضخامت پوشش سنگ مخزن در این محلها حداقل می باشد. لازم به تذکر است که عمده نشتهای سطحی در شهر در این دره های هم جوار مناطق سکونی قرار دارند (دره خرمان - دره کت پز دلان - دره سی برنج - دره تنبی و...).

۳- شکل ساختاری سازنده آسماری در رابطه با رسوبات روی آن منطقه نفتی خوزستان از نوع چینه های تا هارمونیک disharmonic folds هستند. در چنین ساختارهایی بدلیل حرکت جامد Flowage رسوبات پلاستیک سازندگچساران (گچ - نمک - مارن) از خط الرأس ملاقه بین محل حداکثر شکستگیهای طولی بزرگ مقیاس نیز همیشه حداقل ضخامت برای چنین سازندی

باقی می ماند.

۴ - ناتوانی پوش سنگ در نگهداری لیدر و گریور در مخزن از نقطه نظر عدم گسترش یکسان رسوبات نمک در سازند گچساران که بهترین عامل نگهداری لیدر و گریور در مخزن می باشند. در این رابطه در جدول زیر (بعنوان مثال) جاهایی که در آنها اطلاعات لیتولوژی سازند گچساران موجود است (جاهای ژوراسیکی) را برای ملاحظه تغییرات این رسوبات آورده شده است.

شماره چاه	ضخامت نمک در سازند گچساران (پوش سنگ)
306 A	117 m
306	105 m
307	27 m
308	200 m
308 - 8	165 m

شماره چاه	ضخامت نمک در سازند گچساران (پوش سنگ)
309	200 m
310	132 m
311	48 m
311 - R1	230 m
311 - R2	170 m
312	55 m
313	35 m
314	92 m

تغییرات شدید ضخامت نمک در سازند گچساران در یک محدوده کم بر روی مخزن که بیانگر حالت پلاستیک بالا در این رسوب می باشد.

۵ - منطقه مسجد سلیمان از نظر لرزه خیزی یکی از مناطق فعال ناحیه خوزستان می باشد. این عامل نیز می تواند در تحریک و فعال نمودن نشتهای سطحی نقش داشته باشد.

۶ - در منطقه مسجد سلیمان نشتهای قدیمی با فاصله از مخزن به سمت جنوب (اطراف دره تنبی) عمدتاً آسفالتی هستند، زیرا بدلیل گذشت زمان و پیشروی فرسایش ارتباط این نشتهها که زمانی فعال بودند با مخزن قطع گردیده است. بر عکس هرچه به سمت مخزن پیش برویم نشتهها ابتدا نفت

سنگین بعد نفت سبک و بالاخره گازی + نفتی نامگذاری شده‌اند. در حالی که در حال حاضر عمده نشتها چه قدیمی و چه جدید گازی هستند.

۷ - علاوه بر نشتهای قابل رؤیت، در تعداد زیادی از چاههای حفاری شده در رسوبات روی مخزن دو حین حفاری جریان نفت و گاهی گاز به درون چاه مشاهده شده است. این مسئله بیانگر حضور تیدروکربور در لایه‌های بالای آسماری مثل آخاچاری - میشان و حتی خود گچساران در خارج از مخزن و نزدیک به سطح زمین می‌باشند. در اصطلاح زمین شناسی به اینگونه نشتها **impregnation** و **incrustation** می‌گویند.

۸ - تغییر نوع سیال بطور عمده، گسترش شهرسازی (جاده کشی، کوهبری و انفجارات مربوطه) و زلزله در گسترش و راه یابی نشتهای **impregnation** و **incrustation** به سطح زمین می‌تواند دخیل باشد.

۹ - نوع تیدروکربور مخزن آسماری مسجد سلیمان که زمانی نفت بود هم اکنون عمدتاً گازی است، بطوری که تمام مناطق مسکونی در حال حاضر در محدوده گسترش گاز قرار دارند.

۱۰ - گاز برخلاف نفت بدلیل تحریک پذیری فوق العاده زیاد و توانایی عبور از روزنه‌های بسیار کم تراوا باعث فعال شدن نشتهای قدیمی و ایجاد نشتهای جدید گردد که عملاً در شهر چنین اتفاقی رخ داده است. یعنی عامل اصلی فعال شدن نشتها تغییر نوع سیال از نفت به گاز که بسیار فعالتر و تحریک پذیرتر از نفت است، می‌باشد.

۱۱ - حفاری بیش از ۳۰۰ حلقه چاه در مخزن آسماری و رها نمودن آنها بدون هیچگونه رسیدگی از جنبه جلوگیری از خوردگی لوله‌های جداری، با توجه به بالا بودن درصد تیدروژن سولفور. در مخزن آسماری مسجد سلیمان (که دارای بالاترین درصد در بین مخازن آسماری منطقه است) می‌تواند عامل مهمی در گسترش و نفوذ تیدروکربور مخزن که حالا گازی نیز شده و بسیار فرار می‌باشد در نظر گرفته شوند.

۱۲ - چاههای متروکه می‌توانند عامل عمده‌ای در گسترش و تکثیر نشتهای **impregnation** و **incrustation** باشند.

۱۳ - در چاههای ژوراسیکی مثل ۳۱۳ و ۳۱۴ بنظر می‌رسد بدلیل این نبودن طراحی لوله‌های جداری (یا مقایسه با دیگر چاههای ژوراسیکی مثل ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۲ و همچنین مسئله ساز بودن چنین طراحی در دیگر مخازن منطقه (مثل بی بی حکیمه و مارون و...) شواهد سطحی حاکی از خروج گاز به همراه آب از اطراف این چاهها می‌باشند که ایجاد آلودگی بسیار زیاد نموده‌اند و بوی H_2S در نزدیکی این محلها واقعاً غیر قابل تحمل است.

۱۴ - تزریق نمودن سیالات جدا شده از گاز ژوراسیک بدون مطالعه بدرون چاه شماره ۹۸ مخزن آسماری (چاه بسیار قدیمی، بالوله جداری بدون شک فاسالم) :

۱ - باعث تحریک فشار و افزایش آن در چاههای هم مسیر از نقطه نظر امتداد شکستگی های طولی و عرضی مخزن گردیده بطوریکه رها نمودن فشار این چاهها نشتهای اطراف آنها که عاملشان افزایش فشار موضعی بوده از بین برده است (چاه ۳۰۷ SH).

۲ - با نفوذ به درون رسوبات اطراف لوله های جداری از طریق محلهای خورده شده باعث ایجاد نشتهای و *impregnation* و *incrustation* خواهد شد.

۳ - باعث آلودگی مخزن آسماری می گردد.

پیشنهادات :

کلاً مشکلات این شهر با توجه به بعد وسیع آلودگی و تشدید آن در آینده می توانند به دو دسته تقسیم گردند:

۱ - مشکلات علاج پذیر (در کوتاه مدت)

۲ - مشکلات لاعلاج

۱ - مشکلات علاج پذیر :

این مشکلات در مقایسه با مشکلات لاعلاج که نیازمند اقدامات اساسی می باشند بسیار محدود هستند. در زیر به تعدادی از این مشکلات اشاره می گردد:

الف : شناسایی تمام مناطق آلوده خصوصاً آنهایی که در منطقه مسکونی یا در نزدیکی آن قرار دارند و نصب حصار در اطرافشان بگونه ای که از تماس مستقیم افراد ناآشنا با خطرات احتمالی جلوگیری گردد.

ب : تخلیه مناطق با آلودگی شدید (بخصوص حالا که اکثر آگازی شده اند) و جلوگیری از بیماری زایی درازمدت این مناطق زیرا نصب حصار فقط تماس مردم را با نشتهای ممانع می شود، نه انتشار گازهای مسموم متصاعد شده از این نشتهای را.

ج : تعمیر چاههای ژوراسیکی از نقطه نظر لوله های جداری (چاه ۳۱۳ و ۳۱۴).

د : حفر یک حلقه چاه جدید برای تولید گاز از ژوراسیک بعنوان چاه کمکی. با حفر این چاه می توان در مواقع مشاهده اختلالات فشاری یا هرگونه مسئله غیرایمنی دیگر با پش چاه مزبور قبل از وقوع حادثه اقدام نمود.

ه : فکری اساسی برای سیالات بسیار خطرناک و آلوده جدا شده از گاز ژوراسیک با توجه به تجربیات موجود در دنیا. زیرا همانگونه که بیان شد این طراحی به گسترش آلودگی کمک می کند.

۴- مشکلات احداث

اینگونه مشکلات نیازمند اقدامات اساسی هستند و بدون کمک گرفتن از یک گروه متخصص فنی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نمی توان مسائل را بطور واقع بینانه ای جوابگو بود.

الف: پوش سنگ مخزن با توجه به نشت های سطحی طی ترون متناهی ناتوان از نگهداری نفت در مخزن بوده و حالا که تیدروکزیور مخزن گازی شده با توجه به حرارت گاز و قدرت رانش به سمت بالای سیار سریع آن، بدون شک قادر به نگهداریش نخواهد بود.

افزایش نشتها، این موضوع را تأیید می کنند. بنابراین پیشنهاد روشی اساسی و دراز مدت برای جلوگیری از نشتها عملاً غیر ممکن است.

ب: سیمان کردن چاهها، مطمئناً نمی تواند مانع خروج گاز از مخزن گردد. حتی اگر این نشت مثبت هم نگریسته شود، نتیجه آن بسیار موقتی و کوتاه مدت خواهد بود. زیرا این کار از میزان آلودگیهایی که سالهای متناهی از طریق لوله های جداری خورده شده در این چاهها، در اطرافشان توزیع گردیده، کم نمی کند. از طرف دیگر سیمان قادر به نگهداری گاز آمیدی با درصد H_2S بالا نمی باشد.

ج: شناسایی و مهار نشت های *incrustation* و *impregnation* نیاز به خطر میلیونها چاه دارد که امکان پذیر نیست. بخصوص حال که مخزن عمدتاً گازی شد فعالیت و گسترش آنها صدچندان شده و مترصد روزنه ای هستند که خود را به سطح برسانند.

کلاً باید گفت که شهر مسجد سلیمان به دلیل وجود نفت ایجاد و گسترش یافته، یعنی اینکه اساساً یک شهر معدنی می باشد که متأسفانه برخلاف اصول شهر سازی و ایمنی بر روی ماده معدنی ساخته شده است. جمعیت شهر برخلاف توان امکانات شهری و حتی زمین قابل سکونت، گسترش زیادی یافته است.

پراکندگی بیش از حد شهر با توجه به شرایط خاص آلودگی نشت های تیدروکزیوری می تواند در صد تکرار تلفات انسانی را بیش از پیش افزایش دهد. بجاست که بگوییم حالا که ماده معدنی، دیگر خیرش به این مردم نمی رسد، بهتر است این جمعیت را حداقل از شرش دور کنیم.

• تولید از چاه های نواحی مسجد سلیمان :

میلادین نفتی اطراف مسجد سلیمان :

۱- پرسیاه ۲- لالی ۳- کارون ۴- مسجد سلیمان ۵- زیلانی

نفت خندانهای پرسیاه، کارون، زیلانی و لالی توسط خط لوله به واحد شماره (۹) بی بی یان منتقل می شود. نفت خروجی از این واحد با نفت تولیدی از چاه های مسجد سلیمان مخلوط شده و از

طریق خط لوله، همراه با نفت تولیدی از واحد بهره‌برداری نفت سفید به کارخانه شماره (۲) اهواز منتقل می‌شود.

۲۰۰۰	بشکه در روز	زیلانی
۲۵۰۰	بشکه در روز	لالی
۸۰۰۰	بشکه در روز	مسجد سلیمان
۵۰۰۰	بشکه در روز	کارون
۳۰۰۰	بشکه در روز	پرسیاه

جمع: ۲۲۵۰۰ بشکه در روز

در کارخانه شماره (۲) اهواز نفت این نواحی بعد از آمیخته شدن با نفت تولیدی لیب سفید به کارخانه شماره (۶) مارون ارسال و سپس به خط صادراتی نفت بسکه منتقل می‌شود. خط لوله مسجد سلیمان تا کارخانه شماره (۲) اهواز از محلهای زیر می‌گذرد: تمبی، انام رضاح، تین هات، واهدان، آب گنجی، بنه ناصر، سلامت، ختام، و امین، و پس از ویس به کارخانه شماره (۲) اهواز متصل می‌گردد.

ناحیه پرسپاه

پرسیاه در حوالی شهر ایذه قرار دارد. در سال ۱۹۶۶ م. در طبقه فوقانی لایه آسماری پرسپاه یک منبع گاز کشف گردید که معلوم شد زیر این گاز منبع کوچکی از نفت موجود است. این ناحیه که در ۱۸۹۵ کیلومتری مسجد سلیمان قرار دارد دارای دو حلقه چاه حفر شده می‌باشد که از چاه شماره یک آن روزانه (۲۵۰۰) بشکه نفت تولید می‌شود. نفت استخراج شده وارد بهره‌برداری پرسپاه شده، سپس نفت ناحیه پرسپاه از طریق خطوط لوله (۸)، (۱۰) و (۱۲) اینچ بطول ۵۹۰ کیلومتر بدون احتیاج به تلمبه وارد مخازن واحد بهره‌برداری نمره (۹) سی بی بان می‌گردد. ارتفاع این میدان نفتی از سطح دریا ۱۲۹۵ فوت می‌باشد. قرار است نفت این ناحیه در آینده به بهره‌برداری نفت سفید تنبیه شده و از آنجا به اهواز انتقال یابد.

از پرسپاه در سال ۱۹۷۰ م. از یک حلقه چاه تولیدی آن ۷۵/۰ میلیون بشکه نفت خام تولید گردید. در سال ۱۹۷۱ م. مقدار تولیدی نفت خام ۸۵/۳ میلیون بشکه بود. در سال ۱۹۷۲ م. نفت خام استخراج شده از این منطقه ۸۵/۳ میلیون بشکه بوده است. لازم به ذکر است که از چاه شماره (۲) پرسپاه نتیجه مثبتی بدست نیامد. از ناحیه پرسپاه در سال ۱۹۷۳ م. از یک چاه تولیدی نفت خام ۲۳۲۵۰۰ بشکه و در سال ۱۹۷۴ م. از یک حلقه چاه بطول متوسط روزانه (۸) هزار بشکه و در سال ۱۹۷۵ م. از یک حلقه چاه بطول متوسط روزانه ۳۰ هزار بشکه تولید

سال ۱۹۷۶ م. از یک حلقه چاه تولیدی نفت خام بطور متوسط روزانه ۹۵ هزار بشکه و از ابتدا تا پایان ۱۹۷۶ م. تولید نفت خام از این ناحیه ۱۸۱ میلیون بشکه با درجه سبکی ۳۸۱ بوده است. چاه اکتشالی در این ناحیه در بهمن ماه ۱۳۳۵ در عمق ۶۹۸۲ فوتی به منبع کوچکی از نفت در لایه آسماری برخورد نمود.

• کشف منطقه جدید :

شرکتهای حامل نفت ایران اعلام داشتند که چاه اکتشالی در ناحیه پرسپاه واقع در حدود ۱۸۶ کیلومتری شرق مسجد سلیمان به منبع کوچکی برخورد کرده است. نخستین چاه در عمق ۶۹۸۲ فوت به لایه آسماری که دارای گاز بود اصابت کرد و ثابت شد که نفت هم در زیر گاز وجود دارد. همچنین کامل میزان بر تعداد منبع جدید نفت موقوف به ادامه عملیات حفاری خواهد بود.

از سال نفت گاز پرسپاه به واحد شماره ۹ بی بی یان با استفاده از نیروی لقی «GRAVITY FLOW» می باشد.

متوسط تولید نفت در شش ماهه دوم سال ۱۳۶۹ ش. برابر $20/3725$ هزار مترمکعب در روز بوده است. طی این مدت $166/603$ هزار مترمکعب نفت از این مخزن تولید شده است که این میزان نفت تولیدی نسبت به نیمه اول سال ۱۳۶۹ ش. حدود $17/93$ هزار مترمکعب کاهش نشان می دهد. از چاه شماره پنگه پرسپاه در حدود ۵ هزار دینی نفت می توان تولید کرد. نفت ناحیه پرسپاه به دستگاه شکیک شماره ۱۲۵ واقع در نمره ۹ بی بی یان که فشار آن $PSI 100$ می باشد هدایت می شود که پس از شکیک گاز در این مرحله دو یکی از مخازن نمره ۹ ذخیره می شود. از چاه شماره ۲ پرسپاه به علت افت فشار بهره برداری حاصل نیامده است. مجموع تولید نفت از مخازن پرسپاه آسماری تا پایان سال ۱۳۶۷ ش. به $13/9153$ میلیون مترمکعب و کل گاز همراه به 5332 میلیون مترمکعب بالغ می گردد.

• مطالعه زمین شناسی مخزن آسماری میدان پرسپاه :

میدان نفتی پرسپاه با ابعادی در حدود $5/5$ تا 19 کیلومتر و ذخیره های قریب ۳۲ میلیون بشکه از میدان نفتی کوچک به حساب می آید. این طاقچه پس بر سیله چهارگانه احاطه گردیده و یک گله روزانه در میانه میدان موجب تکوین سازند آسماری و بالتبعه افزایش قائم را تا 7500 متر موجب گردیده است. وسعت بخش روئنته شده و عملکرد این گله بخوبی روشن نیست و مطالعه خواص پارامترهای مغزنی مزید وجود ارتباط قطعات گله شده فرادپواره و فرودپواره می باشد. بر اساس خواص سنگ مخزن آسماری این میدان به پنج بخش تقسیم گردیده است که بخشهای دور و نه تقریباً از بخشهای بهره ده محسوب می شوند و چاه شماره یک قادر به تولید

۱۵۰۰۰ بشکه در روز بوده است. اولین مطالعات زمین‌شناسی و لرزه‌نگاری به روش انعکاسی در سال (۱۹۴۸ م.) انجام گرفت و وجود یک طبقاتی در عمق ۲۳۳۸ متر، در امتداد خط الرأس پرسیاه مشخص شد. مطالعات لرزه‌نگاری انعکاسی در سال ۱۹۶۲ م. وجود چنین ساختمانی را تأیید و تثبیت کرده، سپس دو چاه در فاصله سالهای ۱۹۶۶ م. تا ۱۹۷۰ م. در طاق‌دیس حفر گردید.

عملیات حفاری در چاه شماره یک در آسماری تحتانی متوقف شده ولی در چاه شماره دو تا عمق ۳۷۱۰ متر، درون سازند سروک ادامه داشته، لیکن چاه در سازند آسماری تکمیل نگردیده است. چاه شماره یک پرسیاه از در صد اشباع نیدر و کربوری بیشتر برخوردار است. مخزن پرسیاه دارای ۳۲۵ میلیون بشکه نفت قابل برداشت است و حداکثر تولید آن ۱۵۰۰۰ بشکه نفت (۳۸/۲) A.P.I. در روز می‌باشد. در حال حاضر از ناحیه پرسیاه روزانه ۱۵۰۰۰ بشکه نفت تولید می‌شود.

تاریخچه حفاری چاههای پرسیاه

پرسیاه - ۱

حفاری چاه شماره یک در تاریخ سوم نوامبر ۱۹۶۶ م. برابر مهرماه ۱۳۴۵ ش. برای ارزیابی مخزن نفت آسماری و بنگستان شروع و تا عمق ۲۳۳۸ متر، حفاری گردید که متأسفانه به علت مشکلات مکانیکی موفق به حفاری بنگستان نشدند، لذا حفاری در تاریخ هشتم ژانویه ۱۹۶۷ م. به پایان برسیه، لوله آنتری ۴ اینچ آخرین لوله جداري است که از لوله پوشش (۷) اینچ تا انتهای چاه باز که ۷ اینچ است سیمان شده و سپس در زون نفتی آسماری، چاه مشبک شده است. البته چون هیچگونه لوریتی در تولید، از ۲۲۶۶ متر متون نفت وجود نداشت، در سال ۱۹۶۷ م. عملیات به حالت تعلیق درآمد و کوچک سیمانی در چاه قرار داده شده تا اینکه در سال ۱۹۶۸ م. اولین توپکه سیمانی از عمق ۱۸۰۳ تا ۱۹۷۶ متر، دومین توپکه از عمق ۲۰۸۹ تا ۲۲۲۵ متر، حفاری شد. هنگام وارد شدن در چاه در عمق ۲۳۵۶ متر، به خرده‌های فلزی برخورد شد که با گیره مخصوص تا عمق ۲۳۸۸ متر پایین رفته و با موفقیت تا عمق یک متر حفاری و سپس با آسیاب کننده، خرده‌های فلز را از عمق یک متر حفاری و سپس با آسیاب کننده خرده‌های فلز را از عمق ۲۳۸۸ تا ۲۳۸۸/۵ متر، حفاری کردند. در هنگام تکمیل چاه موقعی که بررسی سرعت Velocity survey انجام می‌گرفت، ژئوفونی با ابعاد (۳ × ۳) اینچ در دو متر، درون چاه افتاد که پناچار لوله آستری با زوایه آن Bant. Roof Hunger. از عمق ۲۱۷۹ تا ۲۳۸۸ متر، پایین فرستاده شد و پس از نمودار برداری بر توی

گامان و تیربار سینتیسی، لوله آستری در عمق ۱۲۴۳۱ تا ۱۲۳۵۳ متری و (۱۲۳۳۱ تا ۱۲۳۱۹) متری مشبک شد و پس از جابجایی مواد درون چاه توسط گازوئیل، چاه با میزان ۱۰۰۰۰ بشکه در روز شروع به فوران کرد، نکته پس از تزریق اسید کلریدویک این مقدار به ۱۲۵۰۰۰ بشکه با فشاری حدود ۱۱۰۰۰ F.W.H.P. PSI در روز رسید این چاه در نیمه دوم سال ۱۳۳۹ ش. وارد شبکه بهره‌برداری شد.

پزشیاه ۴:

چاه شماره ۳ در شمال شرقی ساختمان پزشکی حدود (۵/۵) کیلومتری شمال غربی پزشکی - ۱ برای توصیف آسماری و اکتشاف بنگستان در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۷۰ م. در ماه ۱۳۴۹ ش. شروع به حفاری گردید. سرماژند آسناری روزانه حدود ۲۳۴ متر بالاتر از مقدار پیش‌بینی شده یعنی در عمق ۱۷۷۰ (۱۹۵۵) متری حفاری شد. گل گمشدگی‌های متعددی در همین حفاری این چاه اتفاق افتاده است و مهمتر از همه در عمق ۲۸۵۴ متری در سازند پابند، که باعث چسبندگی Stuck لوله‌ها در چاه شد و با تلاش، لوله‌ها آزاد و حفاری ادامه یافت؛ همچنین در عمق ۲۶۲۵ متری لوله‌ها دومر تبه چسبیدگی پیدا کرد که از عمق ۲۵۲۱ متری لوله‌ها جدا Back off شدند و بتاچار از عمق ۲۳۶۷ متری مجبور به حفاری انحرافی شدند.

در ادامه حفاری در عمق ۲۲۵۹ متری گل گمشدگی زیادی پیدا شد که پس از تزریق سیمان، لوله حفاری حثت اینچ در این عمق نصب گردید. پس از حفاری در عمق ۳۱۶۸ متری، لوله‌ها چسبیدگی پیدا کرد که آنها را از بالای مت و حثت طوق مت جدا کرده Back off و جدا مت و طوق مت‌ها توسط ابزار مخصوص بیرون آورده شدند. آنگاه تا عمق ۳۳۰۱ متری حفاری و لوله آستری پنج اینچ از عمق ۲۵۱۲ تا ۳۳۰۱ متری نصب گردید. سپس تا عمق ۳۷۱۰ متری حفاری و پس از انجام چند لایه آزمایی، توپکی سیمانی از ته چاه تا عمق ۲۵۳۰ متری قرار گرفته و چاه به عنوان مشاهده‌ای آب و نفت آسماری تکمیل گردید. حفاری چاه شماره دو در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۷۰ م. پایان یافت و چاه در حال حاضر بسته است.

• بخش لالی:

لالی شامل دو ناحیه به شرح زیر است:

۱ - عنبل ۲ - دشت لالی

۱ - عنبل

• موقعیت جغرافیایی:

ناحیه عنبل از شمال شرقی محدود است به رودخانه کارون، از جنوب به مسجد سلیمان و از غرب

به شوستر و از شمال به منطقه دشت لالی و از مشرق به بخش اندیکا، این ناحیه به جز دشت لالی ۷۰٪ کوهستانی می باشد. حداکثر درجه حرارت ۴۶ و حداقل ۱۰ درجه سانتیگراد و متوسط باران سالیانه به ۲۸۰ میلیمتر می رسد. آب و هوای این ناحیه گرم و خشک است.

• اوضاع اجتماعی :

ناحیه عنبل سابقاً محل فعالیت شرکت نفت و تأسیسات اداری آن بوده است. از اوایل سال ۱۳۴۶ ش. تأسیسات شرکت نفت به ترتیب از ناحیه عنبل و دشت لالی برچیده و منازل و تأسیسات اداری عنبل تحویل شخصی بنام آقای سلطان محمد بوستانی گردید. این شخص در زمان فعالیت شرکت نفت، مسئول حفاظت این ناحیه بوده است. در این ناحیه حدود ۲۰۰۰ منزل مسکونی شرکی و ۵۰۰۰ منزل شخصی ساخته شده بود که در حال حاضر از این اماکن حدود ۱۵۰۰ منزل شرکی و ۴۰۰۰ منزل شخصی باقی مانده و بیشتر تأسیسات شرکت در این محل تقریباً از بین رفته است. اکثر مردم ساکن در این ناحیه تیره ای از اعراب بنام «عرب گفتری» Arab - Kamary هستند. سالهای متعددی آ. ستار کریمی بابا احمدی حاکم کل ناحیه عنبل بود. این ناحیه نیز همچون لالی دارای رئیس ناحیه و مین ایس و منازل کارگری و کارمندی بود. حتی مخابرات، باشگاه، سینما، و استخر نیز داشت.

• بهداشت :

در مانگاه شرکت نفت در این ناحیه کماکان موجود است، ولی تأسیسات آن همانند زمان فعالیت و رونق گذشته شرکت نفت نیست. این در خانگاه هفته ای یکروز باز بود و یک دکتر و یک پزشکیار از طرف بهداری مسجد سلیمان بیماران این ناحیه را معاینه و مداوای مجانی می نمایند.

• آب آشامیدنی :

در هشت کیلومتری شمال شرقی این ناحیه نزدیک کارخانه برق، تأسیسات آب آشامیدنی موجود است که به همان شکل سابق از طرف شرکت نفت اداره می گردید. آب پس از پمپاژ از رودخانه کارون بوسیله یک رشته لوله به این منطقه فرستاده می شد. در زمان فعالیت شرکت نفت آب این ناحیه بطور مجانی و دائمی تأمین می شد. ولی در حال حاضر روزانه حداکثر دو ساعت آب برای استفاده این ناحیه پمپاژ می گردد و بعضاً نیز به علت خرابی موتور و استفاده بیشتر آب در دشت لالی، آب به این منطقه نمی رسد لهذا کمبود آب در این ناحیه به شدت احساس می شود.

• برق :

در سال ۱۳۲۵ ش. نیروگاهی در هشت کیلومتری عنبل از طرف شرکت نفت تأسیس گردید که برق ناحیه عنبل و دشت لالی را تأمین می نمود که مشخصات سه مولد مشابه این نیروگاه به شرح

ذکر می باشد:

تاسیسات	نام کارخانه
۷۵۰	قدرت (کیلووات آمپر)
۳۰۰	دور در دقیقه
۵۸۵	آمبر
۳۳۰	ولت
۵۰	سکال
۰/۸	ضریب قدرت (پاور فکتور)

قدرت مصروفه هر کتنام از این مولدما ۱۶۰۰۰ کیلووات بوده که به ترتیب مولد شماره ۳ از سرویس خارج شده و تعمیر آن به علت عدم دسترسی به لوازم یدکی غیرممکن به نظر می رسد، مولد شماره دو به علت فرسودگی و عدم تعمیرات کلی حداکثر بار آن ۱۸۰۰۰ کیلووات بوده و مولد شماره یک به علت اینکه تعمیر کلی گردیده حداکثر بار آن ۲۵۰۰۰ کیلووات رسیده است. ترتیب کار این موتورها به این شکل بوده که در روز مولد شماره دو مشغول کار بوده و شماره یک را جهت وژرو خاموش می نمودند. در مواقعی حداکثر بار ۲۳۰۰۰ کیلووات مولد شماره یک را وارد سرویس و شماره دو را از سرویس خارج می کردند. حداکثر بار عنبل و دشت لالی و تاسیسات آب جمعا به ۳۳۰۰۰ کیلووات می رسد و چون مولد شماره یک پیش از ۱۶۰۰۰ کیلووات قادر به تهیه نیرو نیست لذا در مواقع حداکثر بار تاسیسات آب آشامیدنی که بار آن حدود ۱۶۰۰۰ کیلووات می باشد از مدار خارج و فقط برق دشت لالی و عنبل تأمین می گردید و پس از گذشت ساعات معین دوباره مدار تاسیسات آب آشامیدنی وارد سرویس می شد. برق تولیدی این نیروگاه بوسیله سه ترانسفورماتور ۱۱۱/۳۳۰ به ۱۱۱ هزار وات تبدیل و به کمک سه رشته خط انتقال و با پایه های آهنی و سیم مسی نمره ۱۶۱ به عنبل و دشت لالی و تاسیسات آب آشامیدنی فرستاده می شد و در عنبل بوسیله دو ترانسفورماتور ۱۱۱/۳۳۰ در شهر توزیع و با استفاده از یک گاز و یک نول هر منطقه را با ولتاژ ۲۵۰۰ تغذیه می نمودند.

• فروش برق:

از سال ۱۳۳۶م توزیع برق این محل به انجمن ده تحویل گردید و فروش برق بدین ترتیب بود که انجمن ده برق را مجاناً از شرکت نفت تحویل می گرفت و مناسب با وضعیت مالی افراد از ۵۰۰ تا ۱۶۰۰۰ ریال دریافت می کرد.

• اوضاع ناحیه حنبل :

در حنبل یکجا میخانه، میدان فریبال، دو باشگاه یکی کارگری و دیگری کارمندی که دارای همه گونه امکانات و تجهیزات بودند، استخر شنا، ایستگاه آتش نشانی، مخازرات و میز تنیس در این ناحیه وجود داشت. در ضمن دارای مدارس، دبیرستان نظام قدیم ساخته شده توسط شرکت نفت می باشد. دانش آموزان دبیرستانی در زمان گذشته و اوج فعالیت های نفتی، از دشت لالی به حنبل می آمدند و سرویس ایاب و ذهاب داشتند.

۲ - دشت لالی

۱ - موقعیت جغرافیایی و اوضاع اجتماعی دشت لالی :

لالی ناحیه نفت خیزی است که در (۵۶) کیلومتری شمال غربی مسجد سلیمان واقع شده و مساحت آن (۶۴) کیلومتر مربع است. از طرف شمال به بخش سردشت و زقول، از طرف شرق به دهستان جاستون شه و دهستان سادات، از طرف جنوب به دهستان جهانگیری و از طرف مغرب به بخش گنوند شوشتر محدود می شود. این دهستان بین (۳۲) درجه و (۱۴/۵) دقیقه تا (۳۲) درجه و (۳۱) دقیقه عرض شمالی و بین (۴۹) درجه و (۴۸) دقیقه تا (۴۹) درجه و (۱۱) دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این دهستان دارای زمستانهای نسبتاً سرد و تابستانهای گرم است. برابر گزارش بخشدار لالی، میزان متوسط بارندگی در سال حدود (۵۰۰) میلیمتر می باشد. ارتفاع این میدان نفتی از سطح دریا (شبه جزیره فار) (۱۳۸۰) فوت می باشد. در شمال لالی رودخانه شور عبور می نماید و در مغرب رودخانه کیارث و در جنوب رود کارون جریان دارد. رود کارون لالی را به دو ناحیه شرقی و غربی تقسیم می کند. وسیله ارتباط شرقی و غرب لالی را یک پل آهنی که در سال ۱۳۲۸، بر روی رود ساخته شده است تأمین می کند و بین دشت لالی در ساحل چپ و حنبل در ساحل راست رودخانه ارتباط برقرار می نماید. قبل از احداث این پل، شرکت نفت جراثقال مخصوصی بنام (فیل لالی) را جهت حمل کلیه آلات و ادوات خود بر روی این رود نصب کرده که دارای سکوهایی در دو طرف ساحل رود کارون بود این پل مسیر عمده کوچ سالانه قبایل بختیاری است که هنگام پاییز احتشام خود را از کوههای بختیاری به نقاط کم ارتفاع می رانند و لالی، یکی از مراکز تجمع ایل خیر بختیاری است. قبل از فعالیت های اکتشافی و عملیاتی صنعت نفت در ناحیه لالی، بختیارها و بومیان محل جهت عبور از رودخانه کارون از وسیله ای بنام «کلک» استفاده می کردند. صاحبان این کلک ها از سمت ساحل شمالی رودخانه آقایان: مشهدی برات حاجی پور، حاج حیدر حاجی پور و حاج محمدزکی حاجی پور بودند. در ساحل سمت حنبل، آقای شهباز جانبازی که یکی ازهربهای ساکن در حاشیه

کارون می‌باشد، صاحب اینگونه وسایل بود. هر کدام از این افراد دارای کارگرانی بعنوان گلکچی بودند که وظیفه‌شان عبور دادن مسافران و معموله‌های آنان از روی رودخانه کارون بود. رود کارون هم در تابستان قنیف و نحیف می‌شود و در زمستان هرش کنان از کنار لالی می‌گذرد. در سال (۱۹۴۸) میلادی لالی نیز چون مناطق نفت‌خیز خوزستان تحت عملیات اکتشافی قرار گرفت و به نتیجه مطلوب رسید. محصول نفت خام این ناحیه در سال ۱۹۷۲ م. با محصول نفت مسجد سلیمان جمعاً (۷/۴) میلیون بشکه بوده است، در سال ۱۹۷۳ م. از یک چاه تولیدی نفت خام (۲۲۰۰۰) بشکه و از ابتدا تا پایان سال مذکور (۵۹۰۴۷۰۰۰) بشکه نفت تولید شد و در سال ۱۹۷۴ م. و ۱۹۷۵ م. فعالیت استخراجی بسیار ناچیز و در سال ۱۹۷۶ م. تولیدات نفتی صفر بوده، زیرا در نشریات گزارش عملیات ۱۹۷۶ م. صفر نوشته شده است. در لالی چهار منطقه شرکت نفت‌شین بود.

۱ - بنگله‌های واقع در کنار شاهه که محل سکونت کارمندان عالی‌رتبه شرکت نفت بوده که دارای یک هاستیل جهت افراد مجرد بود. در این محل باشگاهی وجود داشت که دارای تجهیزات زمین تنیس روی میز، والیبال، استخر شنای مدرن بود. هر یک از بنگله‌ها دارای گاراژی اختصاصی بودند و این منازل دارای یک دستگاه خنک‌کننده آب جهت مصرف در تابستان بودند. اولین دبستان و کودکستان ناحیه لالی در این مکان ایجاد شد. بنگله‌های مذکور به کلیه لوازم و سرویس‌های خانگی مجهز و کارکنان شرکت و خانواده‌های آنها دارای سرویس ایاب و ذهاب بودند. دبستان هنر دشت لالی در سال ۱۳۲۶ شمسی تأسیس شد و به صورت شش کلاسه مختلط بود. در سال ۱۳۳۲ ش. آقای ابوالفتح افشار، مدیر آموزشگاه فوق‌الذکر بودند.

۲ - منازل موسوم به «لین منشی‌ها» که شش ردیف بودند و همانظوری که از نامشان پیداست، مخصوص منشی‌های شرکت نفت بودند. دبستان فردوسی لالی در سال ۱۳۲۸ شمسی تأسیس شد و در سال ۱۳۳۲ ش. آقای محمدجواد اولیایی مدیر آن بود.

۳ - منازل «سی پراچ» جهت کارگران ساختمانی و مستغلات ساخته شده و هم‌اکنون پاسگاه لالی در یکی از این منازل قرار دارد.

۴ - منازل موسوم به «ده فوتی‌ها» که کارگران جزء و رتبه پایین در این اماکن بسر می‌بردند. از ابتدای حفاری در لالی، شرکت نفت برای حفظ حیات و رفاه اهالی به فکر تأمین آب آشامیدنی آنها افتاد و در کنار رودخانه کارون واقع در کنار شاهه، تلمبه‌خانه و نیز نگاه برق تأسیس نمود که آن مکان را Power house می‌گفتند. ابتدا آب از تصفیه‌خانه لالی تا رأس کوه «چنگ» پمپاژ می‌شد، سپس وارد مخزن شده و از آنجا به منبع مادر فرستاده می‌شد، بعداً دو مخزن کوچکتر را

اشباع می کرد تا مورد استفاده اهالی قرار گیرد.

بازار کوچکی با پیدایش نفت و ساختن منازل احداث شد که در کنار ده فوتی ها واقع بود که تعدادشان در آغاز شش باب بود و بتدریج روبرو توسعه نهاد. اغلب دکان های لالی از شوسترها و گتوندیهاست که به بختیارها نسبه می فروشند و پول اجناس فروخته شده را در ییلاق وصول می کنند. آنها در زمان اوج شکوفایی گذشته لالی به این ناحیه آمدند و از دستمزد پرمثل فعال شرکت نفت، بهره ها بردند.

از آغاز تاکنون (۱۷) حلقه چاه در لالی حفر شد.

در لالی دو کارگاه بزرگه و یک کاراژ ترابری بزرگ بود که صوت (آزیر) شرکت نفت در آن بصدا در می آمد. صدای صوت آن هم تا شعاع (۲۰) کیلومتر می رفت. لالی دارای سینما، درمانگاه، فرودگاه، میدان فوتبال و ایستگاه آتش نشانی بود. در لالی دانش آموزانی هم که دوره ابتدایی را در دبستانهای شرکت نفت به اتمام می رسانند جهت ادامه تحصیل، صبح ها بومیله ماشینهای شرکتی به عتبل آمده و عصرها بر می گشتند. در عتبل هم تا کلاس نهم تدریس می شد. بدون شک باید دانست که پدیده تخته ناپو (اسکان یافتن) در جهت مهیا کردن کارگران با دستمزد اندک برای صنعت نفت بسیار مؤثر بوده است. بهر حال اکتشاف نفت و استخراج آن هم در خوزستان در کار اسکان هشایری اثر نبوده است.

متن نامه بستن فرودگاه دشت لالی: در تاریخ ۱۸ فروردین ماه ۱۳۳۲ طی نامه ای از طرف سازمان امور غیر صنعتی به شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران پیشنهاد می شود که: چون سالیان درازی است که فرودگاه دشت لالی تحت تعمیر اساسی قرار نگرفته است و از طرف دیگر بواسطه تغییر نوع هواپیماهای مسافربری شرکتی، از فرودگاه لالی بطور کلی دیگر نمی توان استفاده کرد. لهذا بهتر است که این فرودگاه متروک شده تلقی گردد. سازمان مناطق با این پیشنهاد موافق است و بنابراین خواهشمند است که مراتب را به مقامات نیروی هوایی در تهران اطلاع فرمائید و نتیجه را اطلاع دهند که تا در اسرع وقت نتیجه به شرکت سهامی اکتشاف اطلاع داده شود تا برای بستن فرودگاه اقدام لازم بعمل آید. در سال (۱۳۳۶) خورشیدی تأسیسات شرکت در دشت لالی برچیده شد و منازل و تسهیلات شهری تحویل وزارت آبادانی و مسکن و بالاخره انجمن ده گردید. بعد از اتمام کار و هزینه گروههای اکتشافی، دستگاهها و تأسیسات صنعت نفت در لالی مستهلک شده است و احتیاج به بازسازی دارد. طبق گفته بعضی از اهالی، تجسم آینده لالی خاطر مردم را پریشان ساخته است.

۲ - بهداشت و لنجمن ده یکی از منازل سابق شرکت نفت را بصورت درمانگاهی در آورده و طبای یکی روز یک دکتر و یک پزشکبار از طرف بهداشتی مسجد سلیمان به این محل جهت معالجه و مداوای مجانی مردم اعزام می گردید. ضمناً از قول مهرماه تا ۱۵ فروردین که اینهای مختلف هشایر به این محل می آمدند یک دکتر هشایری به معالجه هشایر مذکور می پرداخت. درمانگاه مذکور دارای کستهای مختلفی نظیر اتاق معاینات، داروخانه و اکسیژن سون، تزویجات و سالن انتظار بود.

۳ - شبکه برق، پس از تخلیه شرکت نفت از نفت لالی تأسیسات توزیع برق تحویل لنجمن ده گردید و بعلت خرابی شبکه توزیع شرکت نفت مبلغ ۲۰ میلیون ریال به وزارت آبادانی و مسکن جهت نوسازی شبکه در سال ۱۳۴۸ پرداخت نمود که وزارت آبادانی و مسکن با صرف هزینه ای بالغ بر ۹۲ میلیون ریال شبکه توزیع را نوسازی و ۸ میلیون ریال دیگر را به شرکت نفت بازپرداخت نمود.

لنجمن ده برق را مجاناً از شرکت نفت تحویل گرفته بود و مبلغ ۴۰۰۰ ریال برای هر انشعاب از مشترکین دریافت می نمود.

۴ - زمین شناسی مخزن لالی ۲ تاقدیس لالی مابین تاقدیسهای زیلاهی و کارون قرار گرفته و بستگی ساختمانی آن در حدود ۶۲۵ متر برای مخزن بنگستان طبق گزارشات زمین شناسی پهنی شده است.

تاقدیس لالی نامشروع بوده و این عدم تقارن در جهت عرضی می باشد و نکته قابل اشاره وجود یک گسل در پال جنوبی آن است که سبب تکرار طبقات در افق آسماری در جاهای ۱۱ و ۱۳ این میدان شده است که ادامه عمل این گسل در طبقات بنگستان مورد سؤال بوده که با توجه به حفاری در آینده مشخص خواهد شد. براساس نقشه منحنی همترزی زیرزمینی در افق ایلام، آخرین کشور بسته شده در بنگستان در عمق ۲۷۰۰ متری از سطح دریا حسی زده می شود. مخزن بنگستان هنداً براساس داده های زمین شناسی و سنگ شناسی به سه زون تقسیم گردیده است که ترتیب سازند ایلام زون یک، سورگانه زون دوم و سازند سروکه زون سه نامگذاری شده است. براساس نتایج لایه آزمایشی ها و اندازه گیری فشار ایستا بنظر می رسد لایه سورگانه به واسطه داشتن شکستگی ماضی در مقابل ارتباط تنزیدی زونهای یک و سه ایجاد نمی کند و هر دو لایه ایلام سروکه تشکیل یک مخزن واحد را می دهند. همچنین امکان قطع ارتباط زونهای نامبرده توسط زون دو که محدود به یک لایه پلمه سنگ ۵ متری می باشد در سایر قسمتهای تاقدیس بعد بنظر می رسد.

نتایج حاصله توسط برنامه کامپیوتری مقادیر گاز و نفت در جا را در لایه بنگستانی لالی به ترتیب $(7/4 \pm 61/1)$ میلیارد فوت مکعب گاز و $(4/206 \pm 1/283)$ میلیون بشکه استاندارد نفت نشان می دهد همچنین بازیافت نهایی به ترتیب $(7/5 \pm 9/45)$ میلیارد فوت مکعب گاز و $(3/124 \pm 4/24)$ میلیون بشکه استاندارد نفت تخمین زده می شود. عملیات اکتشاف و استخراج نفت و گاز در این میدان با حفز اولین چاه در سال ۱۹۴۸ میلادی شروع شده و تا به امروز ۶۷ حلقه چاه در آن حفاری شده است. چاه شماره (۲) میدان لالی تنها چاهی از این حوزه نفتی است که وارد مخزن بنگستان شده و ضخامت ۹۱ متری از سازند ایلام و ۳۲۰ متری از سازند سروک در آن حفاری شده است.

میزان حجم اولیه نفت در چاه در مخزن بنگستان لالی برابر $(1/283)$ میلیون بشکه برآورد شده است. میزان نفت قابل برداشت اولیه با بکار بردن ضریب بازیافت اولیه (۵٪) برابر $(4/94)$ میلیون بشکه (انحراف معیار $3/13$ میلیون بشکه) می باشد. با توجه به اینکه تاکنون ۱۴ میلیون بشکه تولید شده است، میزان نفت باقیمانده قابل بازیافت در مخزن بنگستان حدود ۵۰ میلیون بشکه برآورد می شود. نفت موجود در این میدان بسک و دارای درجه $(API 35/6)$ یا $(1/14)$ در محدوده گوگرد و مقدار اندکی هیدروژن سولفور می باشد. براساس شواهد، مخزن بنگستان لالی دارای آیران قوی می باشد و لذا احتمال وجود مشکل تولید آب و نمک در این مخزن وجود دارد.

میدان لالی دارای طول و عرضی به ترتیب برابر (24) و (6) کیلومتر می باشد. این میدان از میادین توسعه یافته قدیمی است که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که میزان ذخائر نفتی مخزن، تولید آن را در مقایسه با سایر مخازن از اولویت بیشتری برخوردار می سازد. همچنین تسهیلات بهره برداری در این میدان با ظرفیت اسمی (10) هزار بشکه در روز سهولت بهره برداری از آن، این میدان را از سایر میادین دور افتاده که فاقد تسهیلات بهره برداری هستند متمایز می سازد. ذی تولید پیش بینی شده از این مخزن (4) هزار بشکه در روز می باشد. بهره برداری از مخزن آسماری از اواسط سال (1351) تاکنون صورت نگرفته است. مجموع تولید نفت از مخزن تا آن تاریخ $(7/17)$ میلیون متر مکعب بوده است.

۵- بررسی وضع تولید از میدان لالی: (مخزن آسماری و بنگستان)

حوزه نفتی لالی شامل دو مخزن نفتی آسماری و بنگستان است. بازیافت اولیه برای دو مخزن به ترتیب (61) و (25) میلیون بشکه می باشد. تولید از این مخازن از همان سال اکتشاف آغاز و تاکنون $45(278)$ میلیون بشکه از آسماری و $14(59\%)$ میلیون بشکه از بنگستان تولید شده

است. بنابراین ذخائر قابل برداشت باقیمانده از آسناری (۱۶) میلیون بشکه (۲۶٪) و از بنگستان (۱۱) میلیون بشکه (۲۴٪) می باشد. این حوزة نفتی از سال (۱۹۷۲) میلادی تاکنون بسته بوده و برای استخراج ذخائر باقیمانده اقدامی صورت نگرفته است.

برای تولید از آسناری می توان از چاه لالی شماره (۳)، روزی (۲) هزار بشکه و از چاههای لالی شماره (۱) و شماره (۹) می توان جمعاً روزی (۵۰۰) بشکه تولید نمود. بنابراین در صورت نبودن اشکالات مکانیکی شاید بتوان از مخزن لالی آسناری روزی (۲۵۰۰) بشکه تولید کرد. در مورد مخزن بنگستان لازم به توضیح است که تنها چاه تولیدکننده این مخزن چاه شماره (۷) لالی می باشد که در ابتدا قادر به تولید بیش از (۷) هزار بشکه در روز بوده است ولی به علت واقع شدن چاه در دام مخزن، این چاه به آب زده و از سال (۱۹۶۶) میلادی به بعد قابل تولید نبوده است.

۶- واحد بهره برداری، وضعیت چاهها و بهره برداری از میدان لالی:

الف- واحد بهره برداری لالی:

در حال حاضر این واحد مجهز به یک دستگاه تفکیک کننده مرحله اول از نوع AIOC به ظرفیت اسمی (۱۰) هزار بشکه در روز و کلیه اتصالات، شیرها و پمپ اصلی انتقال نفت می باشد. این واحد در حدود (۵۰) کیلومتری شمال غرب مسجد سلیمان واقع است، بهنگام فعال بودن نفت چاههای شماره یک، دو، سه، نه، ده و پانزده لالی را پس از مرحله اول تفکیک از طریق یک رشته لوله (۸) اینچ به مسجد سلیمان ارسال می نموده و گاز حاصله از تفکیک، در مرحله یاد شده پس از تغذیه پمپهای این واحد که از نوع AIOC در محل وجود دارد، در زمان فعال بودن واحد، یک تفکیک کننده دیگر نیز وجود داشته که به محل دیگری منتقل شده است.

ظرفیت واحد بهره برداری موجود در حدود (۱۰۰۰۰) بشکه در روز می باشد. از دو پمپ نوع Slush واحد فوق نیز یک پمپ بیشتر در محل باقی نیست. این پمپ بنا به اظهار مسئول بهره برداری ناحیه قابل راه اندازی است. لوله و اتصالات موجود در واحد یاد شده ظاهراً در شرایط خوبی بوده و تحت لوله (۸) اینچ انتقال نفت از این محل به مسجد سلیمان، پس از خروج از واحد تا محل تبدیل به لوله (۱۲) اینچ در شرایط نسبتاً خوب می باشد. توضیح اینکه خط لوله اصلی انتقال نفت لالی به مسجد سلیمان، همان خط لوله انتقال نفت (لب سفید) به مسجد سلیمان است که از لب سفید تا لالی (۱۰) اینچ، از لالی تا (قیلین)، (۸) اینچ و از قیلین تا بی بی بان در مسجد سلیمان (۱۲) اینچ می باشد. خط لوله مذکور از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده و بریدگی و پوسیدگی در بعضی نقاط مسیر آن مشاهده می شود. هم اکنون فقط از چاه شماره (۵) لالی

می‌توان بهره‌برداری نمود. ضمناً قرار است با استفاده از دکلهای حفاری تعمیراتی، چاههای شماره ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ این ناحیه تعمیر و در آینده از آنها بهره‌برداری شود. واحد شماره (۵) لالی دارای یک دستگاه جداکننده گاز از نفت و یک دستگاه تلمبه رفت و برگشتی می‌باشد. این واحد، نفت چاه شماره (۵) را به منطقه مسجد سلیمان تلمبه می‌نماید.

ب- وضعیت چاهها و بهره‌برداری از میدان لالی:

در لالی تعداد (۱۷) حلقه چاه نفت حفر گردیده که سالهای متعددی مورد بهره‌برداری قرار گرفته، لکن هم‌اکنون فقط از چاه شماره (۵) آن می‌توان بهره‌برداری نمود. ضمناً قرار است با استفاده از دکل‌های حفاری تعمیراتی، چاههای شماره ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ این ناحیه تعمیر و در آینده از آنها بهره‌برداری شود. با توجه به برنامه تولید (۲/۵) میلیون بشکه در روز قرار است در محلی بنام (قتیل - ۳) نفت این چاهها فرآوری شده و سپس از طریق دستگاه تفکیک گر سرچاهی و خط لوله (۸) و (۱۲) اینچ بطول تقریبی (۶۰) کیلومتر به واحد بهره‌برداری بی‌بی‌یان - ۹ انتقال یابد. دبی نهایی از این میدان نفتی حدود (۲۵۰۰) بشکه در روز خواهد بود. واحد شماره (۳) لالی دارای یک دستگاه جداکننده گاز از نفت و یک دستگاه تلمبه رفت و برگشتی می‌باشد. این واحد، نفت چاه شماره (۳) را به منطقه مسجد سلیمان تلمبه می‌نماید.

در تقویم صنعت نفت راجع به لالی آمده است:

* در سال ۱۳۱۶ میدان نفتی لالی واقع در شمال فرین مسجد سلیمان کشف شد.

* در سال ۱۳۲۵، (۱۹۳۶ م.) اولین چاه در میدان لالی حفر شد و به نفت رسید.

* در سال ۱۳۲۶، (۱۹۴۷ م.) خط لوله بهره‌برداری به قطر (۲۵/۵) سانتیمتر الی (۳۰/۵) سانتیمتر بین لالی و مسجد سلیمان ایجاد و به خط لوله مسجد سلیمان متصل گردید.

تاریخچه چاه شماره (۲) لالی:

این چاه در سال (۱۹۴۸) میلادی به منظور استخراج نفت از مخزن آسماری حفر گردیده ولی بدلیل برخورد به لایه‌های سنگ گچ Basal Anhydrate تولید چندانی نداشت. (۳۰۰) بشکه در روز، سپس در سال (۱۹۴۹ م.) تصمیم گرفته شد که برای دستیابی به نفت مخزن ینگستان این چاه تا عمق (۲/۷۳۴) متر حفار تعمیق گردد. در ادامه حفاری این چاه سر لایه ایلام در عمق (۲/۲۲۶) متر حفار ملاحظه گردید. پس از حفاری ضخامت (۹۹) متری لایه ایلام که تماماً از سنگ کربناته تشکیل یافته بود سر سازند سوزگانه در عمق (۲/۳۱۷) متر حفار مشاهده شد. سازند سوزگانه در این چاه محدود به یک لایه نازک پهنه سنگ است که ضخامت آن به (۵)

متر می‌رسد. در ادامه حفاری سر لایه سر و کف در عمق (۲/۳۲۷) متر حفار ملاحظه گردیدند. این لایه از سنگ کربناته تشکیل یافته است و عتقا (۳۲۰) متر از این لایه در چاه شماره (۲) حفاری شده است. تکمیل اولیه چاه در تاریخ (۱۹۵۰/۱/۱۲) پایان یافت.

جمعا (۸) قهره آزمایش تولید در سازند بنگستان انجام گرفت که همگی دارای نتیجه بودند. نتایج حاصله از اندازه گیری فشار و آزمایش تولید لیپانگرا این است که لایه های ایلام و سر و کف تشکیل یک میزن واحد را می دهند و سازند معمول سر و کف که محدود به یک لایه نازک پلمه سنگ می باشد به واسطه وجود ترک و شکستگی نتوانسته است مانعی بین ارتباط لایه های ایلام و سر و کف ایجاد کند. در خلال حفاری سازند بنگستان در فاصله حفار باز (۲۵۴۳ - ۲۲۳۳) متر حفار اسیدکاری و سپس مورد آزمایش تولید قرار گرفت. قدرت بهره دهی آن حدود (۲۲) هزار بشکه در روز با فشار سر چاه معادل (۱/۲۳۰) پام گزارش شد ولی بعد از حفاری و رسیدن به عمق نهایی بدلیل گل کشیدگی زیاد میزان بهره دهی آن به (۲۰) تا (۱۲) هزار بشکه در روز کاهش یافت. در سال (۱۹۵۷ م.) به جهت مشکل تولید آب نمک مجدداً چاه مورد تعمیر قرار گرفت و پس از اینکه چاه تا عمق نهایی (۲/۷۳۲) متر حفار تنیز گردید یکسری نمودار پتروفیزیکی تا عمق نهایی چاه گرفته شد (۱۳۸ متر زیر سطح تماس آب و نفت اولیه) ارزیابی نمودار پتروفیزیکی هیچگونه موقعیتی از سطح تماس اولیه نفت و آب و همچنین تغییرات آن نشان نداد و در عهد اشباع هیدروکربور بیشتر از اشباع آن نشان داده شده است. پس از نمودارگیری چاه در عمق (۲/۳۲۰) متر حفار توسط میرابند مسدود گردید و با آویزان کردن لوله آمتری (بط ۴) اینچ دو حد فاصل (۱/۳۲۸ - ۲/۲۲۵) متر حفار چاه مجدداً مورد بهره برداری قرار گرفت این چاه تا اواخر سال (۱۹۶۶ م.) معادل (۱۰۰۰) بشکه در روز مورد بهره برداری قرار گرفت که بعداً به علت رانش آب قوی نحانی و مشکل تولید آب نمک بسته شد جمعا در حدود (۱۴) میلیون بشکه نفت از طریق چاه شماره ۲ تولید شده است که میزان گاز همراه تولیدی ۷۳ میلیارد فوت مکعب می باشد. این چاه تا ژرفای (۲/۷۳۴) متر حفار حفاری گردید و بعداً به علت مشکل تولید آب نمک با نصب میرابند در عمق ۱۷۳۲ متر حفار مسدود گردیده است. استخراج از میدان لالی بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم شروع شد. در لوج فعالیت های نفتی (۱۷۷۸ نفر) از جمله ۲۵ نفر انگلیسی در این حوزه کار می کردند.

تاریخچه چاه شماره ۳ لالی:

چاه فوق بدلیل توقف تولید از منطقه لالی از بهر ماه ۱۳۵۲ تا کنون بسته است و بدلیل معیوب بودن تاج چاه و بلای بسته نشدن شهرهای اصلی بالایی و پایینی تعمیر شد.

دیی پیش‌پیشی شده پیش از تعمیر (۵۰۰) بشکه در روز می‌باشد. در تاریخ (۱۳۵۳/۹/۴) اقدام به رفع نشت از شیر اصلی بالایی گردید و مشاهده شد که شیر اصلی پایینی باز بسته نمی‌شود. تعمیر چاه فوق جهت تعویض شیرهای مذکور و امتدادن لوله نمودن چاه طبق نمانده‌های مختلفی در تاریخ (۱۳۵۳/۹/۵) درخواست گردید ولی اقدامی نشد. در تاریخهای ۱۳ و ۱۴ برج ۹ سال ۱۳۶۹ خورشیدی مهندسین واحد مهندسی تعمیر و تکمیل چاهها به‌همراه نمایندگان اداره خدمات سرچاهی مناطق نفت‌خیز سعی در باز بسته کردن شیرهای اصلی بالایی و پایینی نمودند که سرانجام نیز نتیجه بود. اکنون شیرهای مذکور در حالتی باز هستند.

تاریخچه مختصری از اکتشاف و حفاری چاه شماره ۳ لالی:

- ۱- تاریخ شروع اکتشاف (۱۳۱۷/۱۲/۶)
 - ۲- تاریخ پایان اکتشاف (۱۳۱۸/۵/۹)
 - ۳- تاریخ شروع حفاری (۱۳۲۵/۸/۱۷)
 - ۴- تاریخ پایان حفاری (۱۳۲۶/۱/۲۰)
 - ۵- تاریخ شروع تعمیر اول (۱۳۳۶/۴/۱۸)
 - ۶- تاریخ خاتمه تعمیر اول (۱۳۳۶/۵/۹)
 - ۷- از چاه فوق تا تاریخ ۱۳۳۶ بطور متوسط ۳۰ بشکه در روز نفت تولید می‌شد.
 - ۸- تاریخ شروع تعمیر دوم (۱۳۳۶/۱۰/۳۰)
 - ۹- تاریخ خاتمه تعمیر دوم (۱۳۳۶/۱۱/۲۴)
 - ۱۰- تولید از چاه فوق با دیی متوسط ۳۲۱۰ بشکه در روز ادامه یافت و در تاریخ (۱۳۴۰/۱۰/۱۰) جهت بهبود وضعیت چاه ۴۲۰۰ گالن اسید کلریدریک (۱۹٪) با حداکثر فشار (۱/۶۰۰) نام در چاه تزریق شد.
 - ۱۱- بهره‌برداری از چاه فوق تا مهرماه (۱۳۵۲) ادامه یافت و در این تاریخ بدنبال توقف تولید از ناحیه لالی چاه فوق در دیی (۲۵۰۰) بشکه در روز بسته شد.
- مجموع تولید نفت از مخزن آسماری لالی از آغاز بهره‌برداری این میدان تا سال ۱۳۵۱ (۷/۱۷) میلیون مترمکعب بوده است.
- خط لوله اصلی انتقال نفت لالی به مسجد سلیمان قسمت (۸) اینچ آن از واحد بهره‌برداری تا چند راعه (قبله‌ای) چهار مرتبه زیر فشار هیدرواستاتیک قرار گرفت که در سه مرحله اول در سه نقطه بعثت ضعف در ضخامت آن ترکیب و در مرحله چهارم زیر فشار ۱۱۰۰ پوند بر اینچ مربع نتیجه رضایت‌بخش بود.

در سال ۱۹۳۸ م. معدن نفت لالی واقع در شمال غربی مسجد سلیمان کشف گردید و نفت زیادی کشف و معلوم شد که قطر سنگ معدن آن ۳۶۵ متر است. معیاد استخراج از معدن لالی ده سال به تعویق افتاد. قبل از جنگ جهانی دوم و در انای جنگ استعداد این معدن اندازه گیری شده و معلوم شده بود منبع مهی است و ولی تا پس از جنگ نفتی از آن استخراج نشده بود. در سال ۱۹۴۶ چاهی در این معدن حفر گردید و به نفت رسید و پس از آن چاههای دیگری نیز حفر شد. خط لوله‌ای به قطرهای مختلف بین ۲۵/۵ سانتیمتر و ۳۰/۵ سانتیمتر از لالی به مسجد سلیمان کشیده شد که معدن لالی را به خطوط لوله مسجد سلیمان متصل نماید و در سال ۱۹۴۸ م. نیم میلیون تن نفت از این ناحیه استخراج گردید. در سال ۱۹۵۷ م. از چهار چاه این معدن نفت استخراج می‌گردید و محصول آن به ۷۵۰۰۰۰ تن در سال رسیده بود. نفت این معدن جاری از گوگرد ولی قدری سنگین بود و گفته می‌شد که پس از حفر چاههای دیگر محصول آن خیلی زیادتر خواهد شد. در لالی اغلب دیده می‌شود که صدها بختیاری در شعب شرکت نفت و یا کارهای ساختمانی مربوط به آن صنعت به صورت فعال مشغولند. بعضی از آنها شوق کوچ دارند و بصورت فصلی کار می‌کنند و بعضی دیگر هنگام برداشت محصول در مزارع فعالیت می‌نمایند. متوج بودن کوششها در مجموع نشان می‌دهد که مردمان بختیاری در کنار انجام وظایف اصلی و خانوادگی خویش به کارهای کارمزدی هم، برای کسب درآمد بیشتر مبادرت می‌ورزند و آسایش زندگی را بهتر تأمین می‌کنند.

جمعیت لالی و حومه در بهمن ماه ۱۳۵۷

محل	جمعیت
دشت لالی	۱۷۱۱ نفر
عنبل	۶۶۵ نفر
حومه لالی و آندیکا	۶۵۳۳۸ نفر
جمع	۶۷۸۱۴ نفر

در زمان آغاز اکتشاف و بهره‌برداری از ناحیه لالی، این ناحیه را الالی پلاین می‌گفتند. پیداست که جزء «پلاین» در کلمه لالی، فارسی و بختیاری نیست و گمان می‌رود مأخوذ از کلمه هواپیمان به زبان انگلیسی باشد. زیرا لالی دازای زمینی برای فرود آمدن هواپیمان بوده و از زمین

سطح در این نامگذاری اراده شده است که البته آن «پلین» Plain^۱ هم به زبان انگلیسی است و به معنی دشت و جلگه بکار می‌رود. در اطراف لالی یک پل بسیار قدیمی روی «تنگ آب شور» وجود داشت که عشاير دلير بختیاری از روی آن عبور می‌کردند. پل مذکور پس از گذشت سالها هنوز محکم و استوار باقی مانده است و معمیری برای مسافران خود می‌باشد. بعدها پل جدید فلزی توسط شرکت نفث بر روی آب شور بنا گردید که بر رونق آن منطقه افزود و عشاير هم اکنون از روی آن می‌گذرند و احشام خود را عبور می‌دهند.

وضعیت آب پخش لالی:

لالی، آب آشامیدنی این بخش در سنوات قبل از انقلاب و بلحاظ رونق شرکت نفث در آن بخش بوسیله شرکت نفث و از روه خانه تأمین می‌گردید که با فروکش کردن فعالیت شرکت نفث در لالی تلمبه خانه مذکور بوسیله استادکاران شرکت و توسط انجمن ده سابق اداره منی شد ولی پس از پیروزی انقلاب ابتدا مدتی متولی آن پخشاری گردید و سپس برحسب وجوه اشتراک زیاد سازمان آب لالی دایر شد که اهالی در شبانه روز یک ساعت از نعمت آب بهره‌مند می‌گردند. لازم به ذکر است که در لالی و عنبل کارکنان دولت تسهیلات رفاهی و حتی جیره خود را از شرکت نفث می‌گرفتند و کلیه ادارات دولتی مستقر در این دو ناحیه از کتفالی نفث برای خود خط تلفن انشعاب نمودند. در سالهای ۱۳۳۳ شمسی آقای جهانپانی، ۱۳۳۶ آقای منقی و ۱۳۴۰ آقای محمد فرمند رؤسای ناحیه لالی بودند. لازم به ذکر است که محمدرضا شاه پهلوی دو مرتبه از لالی و تأسیسات آن بازدید نمود.

سال ۱۳۴۶ تعداد ۱۴ باب مغازه در لالی به اشخاص ثالث اجاره داده شد.

در تجولات نهضت ملی شدن نفث، مردم خور لالی فعالیت شرکت داشتند که خود خگارانده چندین مرتبه شرح فداکارها و احساسات وطن دوستی آنها را مطالعه نموده و در این کتاب آورده‌ام.

در سال ۱۹۷۳ م. فعالیت‌های نفثی در ناحیه لالی بتدریج گستره شد و بازده آن تا سال ۱۹۷۷ م. به سطح ۹۰ بشکه در روز تنزل کرده بود. ذخائر قابل بازیافت آن ۷۵۰ میلیون بشکه برآورد شده است. به هر طریق هنوز می‌شود دشت لالی را با همه گل‌های خطر آفرینش به تصویر کشید و از نظر من آنجا حظ بصر نمود.

تألیف

• ناحیه کارون :

این ناحیه از نظر جغرافیایی، بین لالی و مسجد سلیمان واقع گردیده است. چاه شماره یک کارون از آغاز اکتشاف و بهره‌برداری تاکنون بصورت فعال است و پنج هزار بشکه در روز تولید نفت دارد که نفت آن وارد واحد بهره‌برداری نمره ۹ بی بی یان می‌گردد.

خط لوله ناحیه کارون از محل چاه تا (در دوران) ۲۹ کیلومتر طول داشته و شش اینچ است، سپس تا نمره ۹ بی بی یان خط یاد شده دوازده اینچ می‌باشد.

بطور کلی طول خط لوله مذکور از ناحیه کارون تا شهرک میثم یعنی اطراف دروازه مسجد سلیمان ۵۰ کیلومتر است. جاده ناحیه کارون از ابتدای جاده لالی تا خود سر چاه مخاکی برده و هنگام بارندگی زمستان، موانع و مشکلاتی را جهت کارهای عملیاتی بوجود می‌آورد.

در سال ۱۳۶۵ ش. ۲ راجع به چاه شماره یک کارون، اقداماتی لازم جهت کشیدن طولین و وصل آن از چاه به خط لوله لالی در نزدیکی دژخوان مسجد سلیمان انجام شده و این چاه در انتظار شروع عملیات لوله‌کشی بود. متوسط تولید روزانه نفت از مخازن آسمای کارون در نیمه دوم سال ۱۳۶۹ ش. برابر ۲۲۲/۳۱ متر مکعب (۳۲۸۵ بشکه در روز) بوده است که در مقایسه با نیمه اول همین سال افزایشی معادل ۸/۵ درصد داشته است. چاه شماره یک کارون طبق آخرین شاخص بهره‌دهی که در تاریخ ۱۳۳۱/۷/۱۹۶۹ م. انجام گرفت قادر به تولید نفت با دبی ۷۹۵ متر مکعب در روز می‌باشد.

مخزن آسمای کارون تا حدود زیادی زیر اشباع می‌باشد. نفت فشار مخزن در چاه شماره یک کارون تا تاریخ ۱۳۶۹/۱۱/۱۷ م. برابر ۱۹/۵ بار بوده است. عملکرد مخزن آسمای کارون نمایانگر آن است که نفوذپذیری سنگ مخزن از کیفیت مطلوب برخوردار نیست و مخزن دارای آبده ضعیفی می‌باشد. با توجه به شرایط فوق ضریب بازدهی مخزن حدود شش درصد در نظر گرفته شده است. تزریق گاز به مخزن و تثبیت فشار آن ضریب بازدهی آن را افزایش می‌دهد. چاه شماره یک کارون در تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۲۷ م. راه‌اندازی شد و به عنوان چاه اکتشاف در لایه آسمای تکمیل گردید. این چاه جزء چاه‌های دور دست می‌باشد. در حال حاضر از ناحیه کارون روزانه ۵۰۰۰ بشکه تولید می‌شود. مقدار گاز تفکیک مرحله اول چاه کارون یکصد سه میلیون فوت مکعب در روز می‌باشد. خط لوله کارون یک به قطر ۱۲ اینچ می‌باشد.

گزارش مطالعه مقدماتی میدان نفتی کارون :

در این میدان تنها یک چاه حفر شده که وجود نفت اشباع نشده با سنگینی ۳۶ درجه ۵۰ پی. آی. را در طبقه آسمای و وجود گاز را در طبقه بنگستان به اثبات رسانیده است. آزمایشهای مقدماتی

چاه مزبور نشان می‌دهد که دارای ظرفیت ۱۰۰۰۰ بشکه در روز، نفت از آسماری و سه میلیون فوت مکعب گاز از بنگستان می‌باشد. میزان کل نفت موجود ۸۷۵۱ میلیون بشکه تخمین زده شده است. میزان نفت قابل برداشت اولیه، چنانچه قدرت آبدهی طبیعی مخزن ناچیز باشد، به ۴۸۱ میلیون بشکه بالغ می‌گردد.

این میدان نفتی از دو مخزن جدا از هم تشکیل شده است که یکی دارای نفت و دیگری گاز می‌باشد مخزن نفت در لایه آسماری و مخزن گاز در لایه‌های ایلام و سروک می‌باشد. میدان نفتی کارون نزدیک به میدانهای نفتی لالی و مسجد سلیمان می‌باشد. در حال حاضر در این میدان نفتی، تنها یک چاه حفر شده که محل آن تقریباً روی سطح مخزن می‌باشد.

کارون یک: حفاری این چاه در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۶۹ م. شروع و در تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۷۰ م. تمام شد. هدف از حفر این چاه، اکتشافی مطالعه روی سازندهای آسماری و بنگستان بود. این چاه در عمق‌های ۶۰۸۴۰، ۱۱۲۵۱۴، ۱۴۸۲۷ فوت به ترتیب به سازندهای آسماری، ایلام، سروک رسید.

• گزارش زمین‌شناسی مخزن آسماری ناحیه کارون:

ناحیه کارون در جنوب شرقی ناحیه لالی و شمال غربی ناحیه مسجد سلیمان واقع گردیده است. یک ساختمان زیرزمینی از سازند آسماری می‌باشد که در سال ۱۳۴۷ توسط عملیات لرزه‌نگاری تأیید شده است. برای ارزیابی سازندهای آسماری و بنگستان این ناحیه چاه کارون شماره یک در تاریخ ۱۳۴۸/۳/۵ حفر گردیده است. این چاه پس از حفر ۹۲۳۵ فوت از سازند سروک به عمق نهایی ۱۵۷۵۰۰ فوتی رسید لایه آزمایشی‌های انجام شده در این چاه نشان می‌دهد که سازند آسماری با بهره‌دهی حدود ۱۰۰۰۰ بشکه در روز نفت ده و سازندهای ایلام و سروک گاز می‌باشند.

پس از بستن مجرای چاه تا عمق ۱۱۵۴۸۰ فوتی و اسیدزدن این چاه به عنوان بهره‌ده آسماری تکمیل گردید. ناحیه کارون از یک طاقدیس متقارن که جهت آن شمال غربی به جنوب شرقی است، تشکیل گردیده است. ساختمان کارون که از دو طرف بوسیله دو گسل رورونده احاطه شده است، تقریباً ۳۴ کیلومتر طول و ۲۴/۵ کیلومتر عرض دارد. شیب همود بر محور چین حدود ۱۷ درجه در دامنه شمال شرقی و ۱۸ درجه در دامنه جنوب غربی می‌باشد.

• چینه‌شناسی چاه کارون یک:

قسمت اعظم سازند آسماری در چاه کارون شماره یک، از کربناتها تشکیل گردیده است. دولومیت و آهنکهای دولومیتی قسمت بالا و سنگهای آهکی، مارونی و فشرده بیشتر قسمت پایین

این سازند را تشکیل داده‌اند. از حقیق ۱۵۳۹ تا ۱۶۲۱ فوتی تا ۱۶۲۱ فوتی، پنج لایه گچی همراه با چند لایه پلیم سنگ و سنگهای آهکی ماری قرار دارند که قسمتی از آن با طبقات مشابه در چاههای شماره دو لالی و شماره ۳۰۹ مسجد سلیمان قابل مقایسه می‌باشند. همچنین یک لایه نسبتاً ضخیم گچی در انتهای سازند آسماری در چاه مذکور وجود دارد که با لایه‌های مشابه در چاههای لالی شماره ۲ و مسجد سلیمان ۳۰۹ قابل مقایسه است.

• ناحیه زیلاکی:

در این ناحیه تعداد ۱۶۲۱ حلقه چاه حفر گردیده است. تعداد آن ۱۶۱۳ حلقه آن متروکه است و در صورت انجام تعمیرات لازم، فقط از دو حلقه چاه آن می‌توان تولید نفت داشت.

زیلایی دارای چاههای شماره ۵ و ۶ بوده که در برنامه تعمیر قرار دارند که از آنها بهره‌برداری می‌شود. قرار است که خط لوله تولید، بطول شش کیلومتر تا دوراهی لالی کشیده شود. میزان تولیدتهایی از این ناحیه ده هزار ۱۰۰۰ بشکه در روز خواهد بود. در حال حاضر ناحیه زیلایی تولید نفت ندارد. اما در آینده نزدیک مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

• مطالعه مقدماتی زمین‌شناسی مخزن بنگستان میدان زیلاکی:

میدان زیلاکی در سی کیلومتری شمال باختری مسجد سلیمان و در حدود ۳۰ کیلومتری شمال خاوری شهرستان شوشتر واقع است.

با وجودی که اکتشافات این میدان از سال ۱۹۱۹ م. برابر ۱۲۹۸ ش. آغاز گردیده بود، و پس از یک دوره وقفه بین سالهای ۷۲۱ - ۱۹۲۸، بالاخره با حفر چاه شماره ۵ زیلاکی، اکتشاف حقیقی این میدان به نتیجه رسید و تنها چاهنی است که تا بنگستان خاوری گردیده است.

ابعاد این مخزن در سر سازند سروکه در حدود ۵۱ x ۶۸ کیلومتر می‌باشد.

• ساختار زمین‌شناسی زیلاکی:

میدان زیلایی در منطقه دژفون شمالی واقع گردیده و از نظر حقیق مخزن، نسبتاً حقیق می‌باشد. طالیدیس زیلایی براساس نتایج لرزه‌نگاری سال ۱۳۶۱، از نظر ساختمانی در ادامه خط محوری ساختارهای میدانهای مسجد سلیمان، لالی، هفتگل، نفت سفید قرار گرفته و توسط دو گسل به موازات محور طالیدیس محافظ می‌شود. گسلهای جانبی وجود نفت را در حقیق پایین‌تر از ۳۳۰۰ متر که آخرین کتور بسته است نشان می‌دهد که به این خاطر ابعاد طالیدیس به ۵ کیلومتر عرض و ۱۸ کیلومتر طول می‌رسد. بالاترین ستیخ طالیدیس در اقل بنگستان (ایلام) ۳۸۰۰ متر و بستگی گسلی آن به ۵۰۰ متر می‌رسد.

طالیدیس زیلاکی متناوب بوده و همانند دیگر طالیدیس‌های منطقه دارای امتداد شمال غرب -

جنوب شرقی باشد که بومیله دو گسل وورانده محدود شده است. میدان زیلائی در ۱۵ کیلومتری جنوب لالی و ۳۰ کیلومتری شمال غرب مسجد سلیمان واقع شده است. فعالیتهای حفاری اکتشافی و در این میدان می توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره اول بین سالهای ۱۹۶۸ - ۱۹۶۸ را شامل می شود ما در این دوره به علت نزدیکی به مسجد سلیمان که آن زمان مرکز فعالیتهای نفتی بود جمعاً ۱۱ حلقه بنامهای زیلائی (۴ حلقه)، پیرگاه (۲ حلقه)، سرفشکی (۱ حلقه)، گچ خلج (۳ حلقه)، بشوند (۱ حلقه) در اطراف با زوی طاقدیس فعلی زیلائی براساس اطلاعات حاصل از زمین شناسی سطح الارضی حفاری شده است که به نظر می رسد حداقل سه دکل حفاری همزمان در این دوره مشغول فعالیت بوده اند.

دوره دوم فعالیتهای حفاری پس از انجام برنامه های لرزه نگاری اکتشافی در سال ۱۹۷۳ م. آغاز شده است که تا سال ۱۹۷۷ م. سه حلقه چاه بنامهای زیلائی ۵ و ۶ و بالاخره زیلائی ۷ در این فاصله زمانی حفاری شده اند. از میان چاههای حفاری شده در دوره اول، تنها چاه شماره ۴ زیلائی تا آسماری پیش رفته، ولی سایر چاهها به سبب بروز اشکالات مکانیکی در سازند گچساران بسته و متروک شده اند.

• چینه شناسی سازند آسماری میدان زیلائی

سازند آسماری در ناحیه دزفون شمالی از نظر سنگ شناسی بطور کلی از دولومیت و سنگ آهک پلمه سنگ تشکیل یافته، بطرف جنوب غرب (میدان اهواز) دارای عدسی هایی از ماسه و ماسه سنگ نیز بوده، ولی به سمت شمال غرب ناحیه یک سری رسوبات تبخیری را در قسمت تحتانی آسماری بنام بخش کلهر شامل می شود.

• ساختمان زمین شناسی میدان زیلائی

طاقدیس زیلائی در دنباله خط محوری و در بین میدانهای مسجد سلیمان و لالی - هفتگل و نفت سفید قرار گرفته است (۱۵ کیلومتری جنوب لالی و ۳۰ کیلومتری شمال غربی مسجد سلیمان) این طاقدیس در افق آسماری دارای ۲۷ کیلومتر طول و ۴/۵ کیلومتر عرض نمی باشد و بستگی ساختمانی آن بطور تقریبی حدود ۶۵۰ متر است. طاقدیس زیلائی متقارن بوده و همانند سایر طاقدیسهای منطقه دارای امتداد شمال غرب - جنوب شرق می باشد که موازی خط محوری توسط دو گسل وورانده محدود می شوند.

واحد‌های عملیاتی و خدماتی منطقه مسجد سلیمان :

بخش ۱ - واحد‌های عملیاتی منطقه مسجد سلیمان

الف - واحد بهره‌برداری :

واحد بهره‌برداری مسجد سلیمان که هم‌زمان با شروع بهره‌برداری از اولین چاه به نفت رسیده در منطقه مسجد سلیمان، به فعالیت پرداخته و به تناسب بالا رفتن تولید در سالهای اوج بهره‌برداری از این منطقه به تبع فعالیت شهید داشته و در زمانهای کاهش مقدار تولید نیز از فعالیت آن کاسته شده، هم‌اکنون دارای تأسیسات و تجهیزاتی است که قبلاً قابل استفاده هستند و یا در صورت انجام بعضی تعمیرات لازم قابل استفاده خواهند گردید.

تمام دستگاهها و مخازن واحدهای بهره‌برداری و پالایش محلی مانند کنترل‌کننده‌های فشار مخازن تلمبه‌خانه شماره (۸) و واحد بهره‌برداری شماره (۹) و همچنین دستگاههای کنترل‌کننده‌های حرارت دیگهای بخار و کوره جوشان نفت واحد پالایش و کنترل‌کننده حرارت گاز دستگاه پیش‌گرم‌کن گاز GAS/PRE/HEATER واحد عنبیل ۴ تماماً بطور دستی کنترل می‌شوند و فاقد سیستم کنترل‌کننده ایمن می‌باشند در حال حاضر آقای شیشه‌گری رئیس اداره بهره‌برداری منطقه مسجد سلیمان می‌باشند. بهر حال امکانات موجود این قسمت شامل واحدهای بهره‌برداری دستگاههای تکنیکه، کارخانجات تقطیر و مخازن می‌باشد که ذیلاً وضعیت آنها درج می‌گردد:

۱ - واحدهای بهره‌برداری :

هم‌اکنون دو واحد بهره‌برداری به شماره‌های ۸ و ۹ در منطقه وجود دارد که حداکثر ظرفیت آنها ۸۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد. نفت تولید شده از چاهها، پس از جدا شدن گاز همراه نفت توسط تکنیکه‌کننده‌های سزچاهی به مخزنهای ذخیره واحدهای بهره‌برداری فوق‌الذکر جریان پیدا نموده و سپس بوسیله پمپ شدن از طریق ناحیه نفت سفید توسط خطوط لوله انتقال نفت به ناحیه مازون اهواز از میان می‌گردد.

واحد شماره (۸) این واحد دارای دو مخزن به ظرفیت هر کدام (۵۰۰۰۰۰) گالن است که اخیراً تعمیر و در حال بهره‌برداری می‌باشند. واحد فوق، سه تلمبه دو STAGE به ظرفیت ۶۹۵ گالن/دقیقه در برابر ۳۰۵ فوت (هد) دارد که در حال حاضر از دو تلمبه بهره‌برداری می‌شود و همیشه یکی از آن دو در سرویس است، ولی به علت کهنه بودن و نبودن وسائل یدکی جهت تعمیر، بایستی مورد بررسی قرار گیرند.

نفت مورد نیاز مخازن فوق از چاههای شماره (۷۶)، (۱۶۰)، (۱۶۷) و خط (۱۱) که نفت

چاههای (N - ۱۰۴)، (N - ۲۸)، (P - ۶۲)، (P - ۱۳۲) از طریق نفتک تأمین می‌شود. خط لوله (۱۰) اینچی از تلمبه‌خانه نمره (۸) که در حال حاضر خوراکه واحد پالایش محلی از آن تأمین می‌شود و در آینده، نفت مورد نیاز تلمبه‌خانه مسجد سلیمان به نفت سفید را نیز تأمین خواهد کرد بصورت اتصال کالر، در بعضی نقاط زیرزمین و از محل اتصالها نفت مشاهده می‌شود.

واحد نمره (۹)، نفت چاههای ناحیه بی بی یان به مخازن نمره (۹) ریخته می‌شود و توسط تلمبه‌هایی که در همان ناحیه وجود دارد به کارخانه تقطیر هدایت شده و به اهواز ارسال می‌شود. این واحد دارای سه مخزن به ظرفیت هر کدام ۵۰۰۰۰۰ گالن که شماره یک آن از سرویس خارج، شماره دو آن تحت تعمیر و شماره سه آن در دست تعمیر است. واحد یاد شده دارای (۴) تلمبه SINGLE - STAGE - CENTRIFUGAL به ظرفیت هر کدام ۴۲۰۰۰ گالن/ساعت در برابر ۱۳۰ فوت (هد) می‌باشد.

نفت مورد نیاز این مخازن از چاههای (۱۸۴) و (B - ۲۹۶) تأمین و می‌توان نفت مخازن واحد نمره (۸) و نفت چاههای ناحیه نفتک را از طریق دو خط لوله (۱۰) اینچی جداگانه به این مخازن هدایت نمود.

لازم به ذکر است که مخزن شماره (۴) واقع در کارخانه تقطیر بی بی یان به ظرفیت (۵۰۰۰۰۰) گالن جهت ذخیره مواد زائد پالایشگاه و بوسیله DISPOSAL - PUMP به چاه برگشت داده می‌شود. ناگفته نماند که واحد بهره‌برداری نمره (۹) بی بی یان (۹۷۷) متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

تلمبه‌خانه نفت کوره تمبی که قبلاً نفت کوره را جهت استفاده واحد پخش اهواز تلمبه می‌نمود نیز جزو تأسیسات بهره‌برداری مسجد سلیمان است که به علت خرابی و احتیاج به تعمیرات، مورد استفاده قرار نگرفته و هم‌اکنون برچیده شده است.

تلمبه‌خانه نفت مسجد سلیمان - نفت سفید، دارای سه تلمبه Disposal - Pump به ظرفیت تقریبی ۱۶۰۰۰ B.D با فشار خروج (۳۵۰) PSI می‌باشد که در حال حاضر جهت ارسال نفت از مسجد سلیمان به ناحیه نفت سفید در نظر گرفته شده و بوسیله یک خط لوله هشت اینچی که در سال ۱۳۶۵ کار احداث آن به پایان رسیده بود به لوله خروجی تلمبه وصل شده است. تلمبه‌های شماره ۱ و ۲ آماده بهره‌برداری و تلمبه شماره ۳ به علت اشکال فنی قسمت استارت برقی، تحت تعمیر واقع شد.

این سه تلمبه از نوع قدیمی بوده که از سرویس خارج شده و لوازم بدکی جهت قسمتهای مورد

تعریفی یافت نمی‌شود.

۲- دستگاههای تفکیک:

دستگاههای تفکیک فعال که اغلب در محل و یا در نزدیکی چاههای فعال نفت قرار گرفته‌اند بشرح زیر است:

دستگاه تفکیک چاه شماره (۱۲۷)؛ بعلت متروکه شدن این چاه، نفت چاههای شماره (۲۸) و (۱۰۴) به این دستگاه وارد و از آنجا به مخزن شماره (۸) می‌رود و سپس بوسیله تلمبه به واحد بهره‌برداری نمره (۹)، نفت سفید و نهایتاً به مارون اهواز انتقال می‌یابد.

دستگاه تفکیک چاه شماره (۷۶)؛ این دستگاه نفت چاه شماره (۷۶) را گرفته و پس از تفکیک، نفت را به مخزن شماره (۸) ارسال می‌دارد. نفت مزبور از طریق تلمبه‌خانه به نمره (۹)، سپس به بهره‌برداری نفت سفید و نهایتاً به اهواز انتقال می‌یابد.

لازم به ذکر است که این چاه همانطوری که از نامش پیداست، هفتاد و ششین چاهی است که در مسجد سلیمان حفر شده و بخاطر اینکه بیش از تمام چاههای سراسر جهان سابقه تولید دارد و سالیان متمادی است که فعال می‌باشد به (شاه‌چاه نفت جهان) معروف گردیده است. ناگفته نماند که این چاه تا ابتدای انقلاب اسلامی، بازدیدکنندگان فراوانی از داخل و خارج کشور داشت.

دستگاه تفکیک چاه شماره (۱۳۲)؛ در این دستگاه نفت چاههای شماره (۱۳۲) و (۶۲) وارد و پس از عمل تفکیک از طریق تلمبه‌خانه شماره (۹) و بهره‌برداری نفت سفید به اهواز انتقال می‌یابد.

دستگاه تفکیک چاه شماره (۱۶۷)؛ در این دستگاه نفت چاه مربوطه وارد و پس از عمل تفکیک از طریق تلمبه‌خانه شماره (۸) و بهره‌برداری نفت سفید به اهواز انتقال می‌یابد.

دستگاه تفکیک چاه شماره (۱۶۶)؛ نفت چاه شماره (۱۶۶) وارد این دستگاه شده و پس از عمل تفکیک به مخزن تلمبه‌خانه شماره (۹) ارسال و از طریق بهره‌برداری نفت سفید به مارون اهواز انتقال می‌یابد.

دستگاه تفکیک چاه شماره (۲۹۶)؛ در این دستگاه نفت چاههای شماره (۱۸۴) و (۲۹۶)، وارد و پس از عمل تفکیک از طریق تلمبه‌خانه شماره (۹) به بهره‌برداری نفت سفید و از آنجا به ناحیه مارون اهواز انتقال می‌یابد.

دستگاه تفکیک چاه (۱۷۹)؛ بعلت متروکه شدن چاه شماره (۱۷۹) از این دستگاه بمنظور تفکیک نفت چاههای شماره (۲۶۶) و (۲۹۴) استفاده شده و نفت چاههای مذکور پس از عمل تفکیک به تلمبه‌خانه نمره (۹) وارد و از آن طریق به بهره‌برداری نفت سفید و از آنجا به مارون

اهواز انتقال می‌یابد.

دستگاه تفکیک چاه شماره (۲۶۹) و (۱۸۷) نفت این چاهها پس از تفکیک، به تلمبهخانه شماره (۹) ارسال و از آنجا به بهره‌برداری نفت سفید تلمبه شده و از طریق بهره‌برداری ناحیه مزبور به مارون اهواز انتقال می‌یابد. بجز چاههای فعال که هم‌اکنون بدلیل عدم نیاز به بهره‌برداری کامل از آنها، بمنظور جلوگیری از بروز اشکالات ناشی از بسته بودن و عدم بهره‌برداری، به تناوب از آنها بهره‌برداری می‌گردد، بقیه چاهها نیز بعضاً دارای دستگاههای تفکیک هستند که با صورت واحد و بطور مستقیم نفت چاه مربوطه خود را تفکیک می‌نمایند و یا بطور اشتراکی نفت در چاه را تفکیک می‌کنند.

چاههای شماره (۲۳۶)، (۲۶۹)، (۱۸۷) و (۲۶۲) از جمله چاههایی هستند که دستگاههای تفکیک اختصاصی خود را داشته و دستگاه تفکیک چاه شماره (۲۱۳)، بدلیل گازی شدن آن، نفت چاه شماره (۲۱۲) را تفکیک می‌نمایند. نفت تفکیک شده همه این دستگاهها، به تلمبهخانه شماره (۸) و (۹) وارد و از آنجا به بهره‌برداری نفت سفید تلمبه شده و از آن طریق به ناحیه مارون اهواز انتقال می‌یابد.

۳ - مخازن،

در منطقه مسجدسلیمان، تعداد (۲) عدد مخزن (۲۵۰۰۰۰۰) گالنی و (۹) عدد مخزن (۵۰۰۰۰۰) گالنی جهت ذخیره نفت تهیه گردیده است. علاوه بر مخازن فوق، تعداد (۱۶) عدد مخزن، هر کدام با ظرفیت (۱۲) هزار گالنی جهت ذخیره نفت و فرآوردههای واحد تقطیر محلی در این منطقه وجود دارد. بجز تأسیسات فوق‌الاشاره، چاههای شماره (۱۲۷)، (۱۳۲)، (۲۱۳)، (۲۶۲) و (۱۷۹) هر کدام دارای یک تلمبه‌اند. از میان چاههای برشمرده، چاه شماره (۱۷۹) متروک می‌باشد. تأسیسات و تجهیزات ذکر شده، مقدار نفت تولیدی این منطقه را قبلاً توسط چند خط لوله به اندازه‌های متفاوت مستقیماً به بهره‌برداری شماره (۲) اهواز انتقال می‌داده، لکن اخیراً خطوط لوله مزبور که بدلیل کهنگی از نظر فنی احتیاج به تعمیر و مرالبت فراوان و بدلیل سکونت مردم روستاهای مسیر آن، از نظر ایمنی، ناایمن گردیده بود، برچیده شد. بعدها مقرر گردید که نفت تولیدی منطقه مسجدسلیمان، توسط یک رشته خط لوله شش اینچ از طریق نفت سفید به اهواز انتقال یابد.

عملیات احداث خط لوله مذکور در دست اقدام می‌باشد. مضافاً اینکه عملیات احداث یک خط لوله هشت اینچ از ناحیه نفت سفید به مسجدسلیمان جهت ارسال گاز مورد نیاز کارخانه برق نسبی و مصارف خانگی شهر مسجدسلیمان در دست اقدام می‌باشد. گاز مزبور فعلاً از محل چاه شماره

(۱۴) نفت سفید تأمین می‌گردد ولی در صورت راه افتادن دستگاههای تقویت فشار، از گازهای همراه نفت ناحیه نفت سفید تأمین خواهد گردید.

اشکالات و کمبودهای واحد بهره‌برداری مسجد سلیمان:

- ۱ - غیراتوماتیک کار کردن سیستمهای حرارتی و فشاری دستگاههای گرم‌کننده گاز، دیگهای بخار، کوره جوشان نفت و مخازن بهره‌برداری.
- ۲ - نداشتن سیستم مجهز اطفاء حریق در واحدهای (پرسیاه ۱)، (جنبل ۳)، (نمره ۹)، (کارخانه تقطیر)، (تلمبه‌خانه نمره ۸).

۳ - کارخانه جذب گاز در مسجد سلیمان:

گازهایی که از دستگاههای تفکیک نفت از گاز در مسجد سلیمان خارج می‌شوند، توسط لوله‌هایی به کارخانه جذب گاز در بین‌بی‌یان فرستاده می‌شوند. در ناحیه بین‌بی‌یان سه دستگاه جذب گاز موجود است که دو دستگاه آن در سال (۱۹۲۶ م.) و دستگاه سوم در سال (۱۹۲۸ م.) آماده کار گشته‌اند. هدف به کار انداختن دستگاههای بالا را می‌توان به دو قسمت ذیل تقسیم نمود:

- ۱ - تهیه گاز خشک جاری از لیدروکربورهای سنگین، جهت کارخانجات گوگردسازی.
- ۲ - بدست آوردن ماده‌ای بنام Gasoline که حاصل عمل اول است.

عمل دستگاه جذب گاز را می‌توان بطریق ذیل خلاصه نمود:

چون گازهای وارد به کارخانه دارای فشار کافی نمی‌باشند، ابتدا آن را بوسیله تلمبه‌هایی که برای فشرده نمودن گاز ساخته شده‌اند، به فشار مورد نیاز که تقریباً (۲۵) پوند بر اینچ مربع است می‌رسانند.

گاز فشرده شده را ابتدا از دستگاههای سردکننده عبور داده و سپس وارد برج جذب گاز می‌نمایند. مسیر جذب گاز در برج جذب از پایین به بالا بوده و از بالای برج مایع سرد شده‌ای بنام Gasoil یا گاز نفت ریخته می‌شود. بدین ترتیب لیدروکربورهای سنگین موجود در گاز، جذب و تبدیل به مایع شده و از پایین برج خارج می‌شوند. گازهای خشک نیز از بالای برج خارج گشته، توسط لوله‌هایی به کارخانه گوگردسازی فرستاده می‌شوند تا گاز سمی هیدروژن سولفور H_2S را از آن جدا نموده و گاز تصفیه شده را به مصارف مختلف برسانند.

مایع خارج شده از برج جذب گاز را ابتدا وارد دستگاههای تبادل حرارتی نموده و سپس آن را وارد دستگاه گرم‌کننده می‌نمایند. مایع گرم شده از بالا وارد برج تفکیک می‌شود و در اثر حرارت، لیدروکربورهای سنگین که جذب مایع شده بودند از آن جدا گشته و از بالای برج خارج می‌گردد و مایع اولیه از پایین برج تفکیک خارج گشته، پس از عبور از دستگاههای خشک‌کننده،

مجدداً وارد برج جذب گاز می‌گردد و این عمل بطور تلسیل انجام می‌گیرد. تیدروکربورهای آزادشده را از دستگاههای سردکننده عبور می‌دهند و در اثر برودت تیدروکربورین، تبدیل به مایعی بنام Gasoline می‌شوند. چون در حال حاضر مصرف آن کم است، بوسیله تلمبه‌هایی آن را وارد چاههای عاری از نفت می‌کنند. مقدار گازی که روزانه بوسیله دستگاه جذب گاز عاری از تیدروکربورهای سنگین می‌شود در حدود (۸) میلیون فوت مکعب و مقدار Gasoline حاصله تقریباً (۱۶) هزار گالن در روز می‌باشد.

۵- کارخانه‌های تقطیر

در جنوب شرقی مرکز شهر مسجدسلیمان، محله صنعتی بزرگی با گاز سولفور به نام ناحیه بی بی یان واقع شده که کارخانه‌های تقطیر و دستگاههای دیگر بهره‌برداری در آنجا قرار گرفته است. کارخانه‌های تقطیر مسجدسلیمان یکی از ابتکاراتی است که اولین بار در خاورمیانه برای بهره‌برداری از چاههای نفت این شهر بکار رفته و منظور از ایجاد تأسیسات مزبور علاوه بر تهیه مواد نفتی مورد نیاز محل، این بوده است که بعضی از مواد نفتی را که در ابتدای بهره‌برداری مورد استفاده بشمار نمی‌رفت، به چاه برگردانیده شود و بدین ترتیب به عمر میدان نفت مسجدسلیمان افزوده گردد. اصولاً کارخانجات تقطیر محلی که نمونه‌هایی از آنها در آغاچاری و مسجدسلیمان کار گذاشته شده‌اند، نوع ساده‌ای از یک پالایشگاه می‌باشد که فاقد دستگاههای تکمیلی جهت فرآورش نهایی محصولات استحصالی بوده و نتیجتاً محصولات آنها به کیفیت مطلوب، یعنی کیفیتی که در حال حاضر بایستی هم‌اثر نظر مرغوبیت در بازار و هم‌اثر نظر توجیحات اقتصادی در جهت فرآورش نفت خام در آنها می‌شود، نمی‌رسند.

در سال (۱۳۴۷) یکی از این دستگاههای تقطیر منحصراً برای شرکت ملی نفت و دیگری برای شرکتهای حامل نفت ایران کار می‌کردند.

مسجدسلیمان که در سال (۱۹۶۲ م) در حدود یک میلیون مترمکعب از نفت کوره مورد نیاز کشور را تأمین می‌کرد، با شروع بهره‌برداری از دستگاه تقطیر البرز، این مقدار تا میزان زیادی تقلیل یافت ولی مجدداً با تعطیل آن دستگاه، سالانه بیش از یک میلیون و نیم مترمکعب نفت کوره از مسجدسلیمان تأمین می‌شد.

بهر حال وضعیت کارخانجات تقطیر موجود در مسجدسلیمان بشرح زیر است:

کارخانجات تقطیر مسجدسلیمان Topping - Plant

شاید هنوز کسانی هستند که از وجود کارخانه تقطیر نفت در مسجدسلیمان اطلاع درستی در دست نداشته و از طرز کار و وظائف آن واحد بی‌خبر باشند. ولی باید دانست که این مسئله یک

واقعیت است و منطقه مزبور دارای چندین تصفیه‌خانه منحصر به فردی است و فعالیت‌های نفتی، از همین منطقه که پایه گذار این صنعت عظیم ملی بود آغاز گردیده است. تصفیه‌خانه مذکور بنام کارخانه تقطیر **Topping - Plant** نامیده می‌شود. این کارخانه شامل سه واحد است بنام واحدهای (الف)، (ب) و (ث) **A.B.C.** واحدهای (الف) و (ب) در تاریخ (۲۹) اکتبر (۱۹۳۰ م.) با اهداف عالی ساخته شد و واحد (ث) در سی‌ام فوریه (۱۹۳۵ م.) تکمیل و نصب گردیده است. هدف از ساختمان این کارخانه با واحدهای سه گانه‌اش، در وهله نخست، جدا نمودن هیدروکربورهای سبک نفت منطقه مسجد سلیمان و ارسال آن به پالایشگاه آبادان بود تا آن پالایشگاه معظم بتواند از هیدروکربورهای آن جهت تهیه مواد سبک، مانند بترین اتومبیل، حلال‌های سبک، بترین هواپیما و غیره استفاده نماید.

باری انجام این کار سالها بطول انجامید و کارخانه تقطیر مسجد سلیمان بدون هیچگونه وظیفه‌ای و وظیفه خود را انجام می‌داد تا پالایشگاه آبادان با نصب دستگاه کراکنینگ تکمیل گردید و خود عهددار تهیه این مواد شد و چون دیگر نیازی به مواد هیدروکربور نبود، لذا ارسال آن به آبادان متوقف گردید.

معدالذکر بعضی اوقات این کارخانه بنا به درخواست پالایشگاه آبادان در صورت نیاز به نفت‌های (۸۴) درصد تقطیر، اقدام به ارسال آن می‌نمود که احياناً روزها، هفته‌ها و ماههای مداوم این ماده ضروری به آبادان ارسال می‌شد. سابقاً ملزاد و تنشین نفت‌های بدست آمده (یعنی نفت سنگین) به چاه‌های بخصوصی حودت داده می‌شد. اما مقامات و کارشناسان صنعت نفت به این فکر افتاده‌اند تا ملزاد نفت‌های تقطیر شده را که در آن موقع مورد استفاده مخصوصی نبوده، به مصارف کوره‌های آجرپزی، نانوائی‌ها و سایر واحدهای نیازمند که تا آن موقع از چوب و هیزم و پوسته‌های خشک استفاده می‌کردند رسانده شود. باید دانست که مدت‌ها این نحوه ارسال با رعایت کامل اصول ایمنی ادامه داشت. از نفت کوره در کشتی‌های بازرگانی و همچنین نفتکشهایی که به این نفت سنگین احتیاج داشتند استفاده می‌شد.

فصلاً باید آنگاه بود که پدکهای قسمتهای بر سوده کارخانه تقطیر مسجد سلیمان با آلات و ادوات مدرن و جدید تعویض می‌گردید و بدین ترتیب متدرجاً قسمت اعظم وسائل آن بطور کلی تعمیر و مرمت می‌شد.

نفت منطقه مسجد سلیمان و همچنین نواحی نفت سفید، لالی و پرسیاه مستقیماً به کارخانه تقطیر واصل می‌گردید.

نفت‌های واصله از چاه‌های مناطق مذکور جمعاً حدود (۴۷) هزار بشکه در روز بود که پس از

تصفیه در مسجد سلیمان به صورت نفت کوره تهیه می‌گردید. این نوع فرآورده‌های نفتی از مسجد سلیمان از طریق لوله مستقیماً به منطقه اهواز، لیست پخش شرکت ملی نفت ایران تلمبه می‌شده و از آنجا بوسیله تانکرهای نفتکش و قطار به کلیه شهرستانهای مسیر راه و خط آهن ارسال می‌گردید.

ظرفیت هر یک از واحدهای (الف) و (ب) (۲۴) هزار بشکه نفت و ظرفیت واحد (ث) به تنهایی (۴۲) هزار بشکه نفت بود که هر سه واحد قادر بودند (۸۰) هزار بشکه نفت خام را در شبانه‌روز تقطیر نمایند.

باید یاد آور شد که ظرفیت لوله نفتی که نفت کوره را به اهواز ارسال می‌نمود بین (۳۰) تا (۳۶) هزار بشکه در روز و (۱۲) اینچی بود.

مواد سبک تر نفت را که در این کارخانه تهیه می‌شد، چون کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفت برای تهویت منیج، به یکی از جاهای منطقه تزریق می‌کردند. این کارخانه از بدو تأسیس تا سال (۱۳۵۶) فعالیت داشته است. پس از بسته شدن کارخانه تقطیر، ارسال فرآورده‌های سبک و سنگین از مسجد سلیمان نیز متوقف گردید و کلیه ظرفیت خطوط لوله جهت انتقال نفت خام مورد استفاده قرار گرفت.

پس از شروع جنگ تحمیلی و بسته شدن پالایشگاه آبادان و باختران که موجب کمبود فرآورده‌های نفتی میان تقطیر، بخصوص نفت سفید و نفت گاز در داخل کشور گردید، مطالعات گسترده‌ای جهت راه‌اندازی مجدد کارخانه‌های موجود در مناطق نفت‌خیز، انجام گرفت. نتیجه یکی از این مطالعات در مورد کارخانه‌های تقطیر مسجد سلیمان، پیشنهاد راه‌اندازی کارخانه تقطیر بی‌بی‌یان بوده که پس از مطالعه متخصصان پالایشگاهی وزارت نفت، ازمایی از تهران اعلام گردید و ما در اینجا نتیجه بررسی کارشناسان را نقل می‌کنیم:

نتیجه کلی بررسی‌های انجام شده طی گزارشی شماره (۲۵۵۰۳/۵/۶۰) مورخ (۱۳۶۰/۱۲/۸) به معاونت فنی مناطق نفت‌خیز ارائه گردید. طی این گزارش یادآوری شده که بازسازی و راه‌اندازی کارخانه تقطیر بی‌بی‌یان امکان‌پذیر بوده و از نظر اقتصادی نیز قابل توجیه است. کل بودجه لازم برای کلیه تعمیرات و بازسازی این دستگاه حدود (۷۰) میلیون تومان است که با توجه به تولید (۱۲۰۰۰) بشکه نفت گاز تولیدی روزانه این کارخانه علاوه بر اثرات مثبت از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در منطقه مسجد سلیمان، از خروج (۴۹۰۰۰۰) دلار ارز نیز جلوگیری می‌نماید و این منطقه را از حال خمودگی و خیرفعال بودن بیرون آورده و به خودکفایی لازم می‌رساند. تعمیرات مورد لزوم بوسیله کارکنان وزارت نفت در منطقه قابل انجام و وسایل و

تجهیزات لازم نیز از خود منطقه و یا در نهایت از سایر مناطق نفتخیز یا پالایشگاه آبادان قابل تأمین می‌باشد. لازم به ذکر است که سالهای هفتادی یکی از بزرگان طایفه نصیر بنام مشهدی عباس عباسی شهنی^۱ مسئول قسمت بوق این کارخانه بودند. ایشان از استادکاران بسیار قدیمی و اولیه صنعت نفت می‌باشند و دوستی صمیمانه‌ای با دکتر یانگ داشتند.

واحد تقطیر محلی مسجد سلیمان؛ Local - Distillation - Unit

این پالایشگاه در چهار کیلومتری شهر در ناحیه بی‌بی‌بان واقع شده است و در سال (۱۹۳۴ م) تأسیس شد. واحد مزبور تا (۱۳۵۲/۹/۲۰) مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت و از آن تاریخ به بعد بدلائل گسترش سیاست استعماری و توسعه تکنولوژی غرب در ایران، بلااستفاده تشخیص داده شد و بعیت عدم احتیاج به فرآورده‌های آن از سرویس خارج گردید.

بعد از جنگ تحمیلی و از کار افتادن پالایشگاه آبادان فعالتهایی بخاطر خودکفایی نسبی و احیاء مجدد تأسیسات در منطقه مسجد سلیمان آغاز گردید. همزمان با مطالعه امکان راه‌اندازی کارخانه تقطیر مسجد سلیمان، کار مطالعه و بررسی کارخانه تقطیر محلی مسجد سلیمان که با اختصار L.D.U خوانده می‌شود نیز آغاز گردید.

با توجه به گزارشات گروه بازرسی فنی که طی بازدید از این کارخانه بعمل آمد، جلیب خم قدمت چندین ساله این واحد و خارج از سرویس قرار گرفتن قسمتهای زیادی از آن، امکان استفاده و بهره‌برداری مجدد از آن با انجام تعمیرات لازم، ممکن اعلام گردید.

متخصصین و کارگران ایرانی، استعداد و خلاقیت خود را در راه‌اندازی این پالایشگاه بکار بردند و به همین منظور، گروهی از کارکنان منطقه مسجد سلیمان به فکر بازسازی این واحد افتادند و با تلاش شبانه‌روزی خود توانستند بار دیگر واحد پالایش را مورد بهره‌برداری قرار دهند.

جهت تأمین نفت خام واحد تقطیر محلی مسجد سلیمان با کسب اجازه از مدیر عملیات بهره‌برداری مناطق نفتخیز و سرپرست منطقه مسجد سلیمان روز چهارشنبه (۱۳۶۱/۱۱/۱۲) در ساعت (۱۳:۱۵) دقیقه چاه شماره (ب) ۷۶ مورد بهره‌برداری قرار گرفته و مقدار نفت تولید شده وارد مخزن شماره (۲) از واحد نمره (۸) گردید و روز یکشنبه (۶۱/۱۱/۱۷) مخازن نفت خام واحد تقطیر محلی پر از نفت خام شدند. روز چهارشنبه (۶۱/۱۱/۲۰) ساعت (۱۲:۱۰) دقیقه واحد مذکور بحالت Hot - Circulation قرار داده که بدین ترتیب مراحل مقدماتی ر

۱- این شخص لرزند آ. میرزایی اشرف‌زاده (کلاتر کل طایفه نصیر و حاکم قسمتی از مازندران) می‌باشد.

راه اندازی از واحد مورد نظر رسماً آغاز شد و روز جمعه (۱۳۶۱/۱۱/۲۲) کارخانه مزبور افتتاح گردید و اولین محموله آن به جبهه های جنگ ارسال شد. بعد از یک سال تلاش در زیر حملات هوایی و موشکی عراق، بالاخره این کارگران توانستند کار بازسازی پالایشگاه بی بی یان را با موفقیت به اتمام برسانند.

اداره کل مهندسی نفت مناطق نفتخیز ضمن انجام مطالعات مربوطه، اعلام نظر نمود که این کارخانه می تواند گازوئیل و یا نفت کوره تولید نماید و سایر محصولات آن مانند بنزین و نفت سفید به علت کیفیت پایین (درصد سولفور و مرکبتان بالا و درجه اکتان پایین) نمی تواند مورد استفاده معمول قرار گیرد. مضافاً اعلام نظر گردید که نفت کوره حاصل نیز به علت در دسترس نبودن برج خلاء به کیفیت مطلوب نخواهد رسید و پیشنهاد گردید همگی سعی صرفه تهیه گازوئیل بیشتر و با کیفیت بهتر مبذول گردد و بقیه محصولات به کارخانه های بهره برداری مجاور بازگردانده شود.

محصولات فعلی این کارخانه شامل گازوئیل، نفت کوره، بنزین و نفت سفید می باشد. گازوئیل و نفت کوره مورد مصرف محلی قرار گرفته ولی محصول بنزین آن به علت پایین بودن کیفیت و درجه مرغوبیت و همچنین نفت سفید آن به سبب عدم وجود مخازن ذخیره کافی، در حال حاضر قابل استفاده نبوده و در چاه شماره (۲۹۸) مسجد سلیمان تزریق می شود. ظرفیت این کارخانه بین (۵۰۰) تا (۵۸۰) بشکه نفت خام در روز می باشد.

این پالایشگاه بیش از (۳۰) هزار لیتر گازوئیل، (۲۵) هزار لیتر بنزین نامرغوب با اکتان پایین و (۲۵) هزار لیتر نفت کوره تولید می کند.

واحد پالایش محلی مسجد سلیمان در دامنه کوه قرار گرفته و در اثر بارندگی، ایجاد سیلاب و گل و لای بداخل پالایشگاه می شود و در بعضی مواقع باعث توقف عملیات می گردد.

این کارخانه از تاریخ (۱۳۷۱/۲/۲۵) تا کنون به علت اشکال در سیستم فرآورش، بسته شده است. طرز کار واحد تقطیر محلی، این واحد دارای سه مخزن نفت می باشد که ظرفیت هر کدام (۲۸۰۰۰) لیتر است که توسط یک لوله به یکدیگر مرتبطند و هر کدام از این مخازن دارای یک شیر می باشد. روی هر مخزن نیز یک لوله دو اینچ بعنوان هواکش نصب شده است. لوله خروجی نفت خام قبل از ورود به تلمبه ها از صافی که در سر راه آن گذاشته شده عبور کرده تا ناخالصی های نفت را گرفته و از وارد شدن آنها به تلمبه جلوگیری نماید.

تلمبه های نفت دو عدد بوده و یکی از آنها بعنوان کمکی می باشد. این تلمبه ها نفت را از مخازن گرفته و به داخل تبادل حرارت Heat - Exchanger می فرستند. در اینجا نفت خام و نفت

کوره با یکدیگر تبادل حرارت می کنند. نفت خام با فشاری معادل (۵۰) الی (۶۰) PSI وارد کوره می شود. در درون کوره لوله های مارپیچی بطور طولی و عرضی تعبیه شده است که نفت خام پس از ورود به کوره از درون لوله ها گذشته و با فشاری معادل (۱۸) الی (۲۰) PSI خارج می شود.

نفت پس از خروج از کوره وارد برج تقطیر می گردد که این برج دارای (۲۱) سینی و روی هر سینی تعداد (۱۲) عدد فنجانک نصب شده است. نفت خام پس از عبور از کوزه بین سینی (۳) و (۴) ریخته می شود و بخار وارد شده از قسمت پایین برج باعث پرتاب نفت به بالا می شود و بدین ترتیب مشتقات نفت که همان گاز و تیل، بنزین و نفت کوره است حاصل می گردد.

گاز و تیل پس از عبور از برج اول وارد برج دوم می شود و در آنجا توسط بخار مجدداً به بالا پرتاب شده و مقدار ناخالصیهای آن در برج دوم گرفته و توسط لوله برگشتی به برج اول ریخته و گاز و تیل خالص توسط لوله های دو اینچ پس از خنک شدن وارد مخزن ذخیره می شود. سپس در آخر عملیات به مخازن ذخیره مقابل پالایشگاه بوسیله تلمبه فرستاده می شود.

بنزین بصورت گاز از قسمت بالای برج خارج شده و وارد دستگاه خنک کننده می گردد. قسمتی از بنزین به دست آمده صرف خود پالایشگاه می شود. تعداد مخازن بنزین چهار تا است و ظرفیت هر کدام (۳۸۰۰۰) لیتر می باشد.

نفت کوره که سنگین ترین مواد می باشد به قسمت پایین برج ریخته می شود و توسط تلمبه ای پس از عبور از تبادل حرارت به مخازن ذخیره نفت کوره فرستاده می شود. تعداد مخازن چهار تا است که ظرفیت هر کدام (۳۸۰۰۰) لیتر می باشد. آب سرد توسط تلمبه برقی به شیدل هدایت می گردد و آب گرم نیز بوسیله لوله به حوضچه مخصوص خنک کردن آب می ریزد. این عمل بطور مداوم ادامه می یابد.

پالایشگاه دارای یک حوضچه بزرگ می باشد که کلیه مواد نفتی وارد این حوضچه شده و پس از جمع شدن توسط تلمبه به مخازن جهت ذخیره فرستاده می شود.

دیگ بخار (Boiler) یک دیگ بخار تولید بخار آب است. این دیگ با گاز کار می کند. آب مورد نیاز دیگ توسط تلمبه از مخزن آب فراهم می شود. ضمناً یک شیر ایمنی در روی دیگ بخار نصب شده که در فشار بیش از (۸۰) PSI عمل می کند و در این موقعیت موجب خروج بخار آب و تعادل دیگ می شود.

بخار آب از قسمت بالای دیگ توسط یک لوله (۳) اینچ خارج می شود. قسمتی از آن توسط یک لوله به تلمبه ها و قسمتی دیگر توسط یک لوله (۱/۵) اینچ به کوره می رود که حرارت از دست

زنده در بین مسیر خود را باز یافته و سپس بخار خشک وارد برج تقطیر شود. در دریا بنگار از مولدی بنام (کاستیک سودا) یا سود سوز آور جهت جلوگیری از تشکیل رسوب استفاده می‌شود.

۶- کارخانه گوگردسازی^۱: Sulphur - Plant

تا قرن نوزدهم گوگرد را از آب دریاها، معادن، سنگهای آتشفشانی و چشمه‌های اطراف آن بدست می‌آوردند. در اواخر قرن (۱۹) شیمیست آلمانی، دکتر هومان فرانس که در آمریکا زندگی می‌کرد، موفق شد گوگرد را از نفت بدست آورد. مهم‌ترین ترکیبات گوگرد که ممکن است در نفت خام پیدا شود گاز هیدروژن سولفور است. البته گوگرد و ترکیبات آن جزء مواد زائد نفت خام است که باید ضمن عملیات تصفیه از مواد نفتی جدا شود که برای رفع آفات نباتی و مباحث داروهای ضد عفونی و مواد متفجره بکار می‌رود. علاوه بر این جوهر گوگرد از گوگرد گرفته می‌شود که در صنایع مختلف و همچنین در پالایش نفت بکار می‌رود. از این رو معمولاً در مناطقی که گوگرد و هیدروژن سولفور به مقدار قابل ملاحظه‌ای در نفت خام یافت می‌شود، کارخانه‌هایی برای استخراج گوگرد از نفت خام تأسیس می‌گردد. در بی‌بی‌یان واقع در چهار کیلومتری مسجد سلیمان دو کارخانه گوگردسازی ایجاد شده و بوسیله آن گوگرد از گاز نفت گرفته می‌شود. در نتیجه این عمل، ضمن آنکه گاز نفت برای مصرف سوخت منازل مسکونی، کارخانه‌ها و بیمارستانها قابل استفاده می‌گردد، سوخت نیاز برای پالایشگاه آبادان و کرمانشاه نیز تهیه می‌شود. این تأسیسات اولین کارخانجات تهیه گوگرد در خاور میانه می‌باشند. مقصود از احداث این کارخانه‌ها، تأمین احتیاجات گوگرد مصرفی پالایشگاه و مصارف داخلی بوده است. بطور متوسط روزانه مقدار (۲۵) تن گوگرد تولیدی از این دو کارخانه به پالایشگاه آبادان و کرمانشاه ارسال می‌شود.

مصرف اصلی گوگرد در پالایشگاه، تولید اسیدهای گوگردی برای دستگاههای شستشوی بعضی از انواع فرآورده‌های نفتی می‌باشد.

کارخانه شماره (۱) این کارخانه در سال (۱۹۳۸ م.) توسط مهندسان آلمانی بنا شد و کلیه وسائل آن از آلمان خریداری و از سال (۱۹۳۹ م.) بهره‌برداری از آن آغاز گردید. محصول روزانه در آن هنگام (۱۰) تن گوگرد بوده است. ظرفیت این کارخانه بعد از تغییراتی که به قسمتهای مختلف آن داده شد، از ده تن به (۱۵) تن و بطور متوسط روزانه به دوازده تن گوگرد

۱- این کارخانه در زبان محلی معروف به (جی. ا. پی.) یا G.A.P می‌باشد.

بالغ گردید. با بکار افتادن دستگاههای فشار گاز، مقدار آن به پانزده تن رسید.

کارخانه شماره (۲) این کارخانه از آمریکا خریداری شده و ساختمان و نصب دستگاههای آن در سال (۱۹۴۲ م.) توسط مهندسان انگلیسی آغاز و در سال (۱۹۴۴ م.) بهره‌برداری از آن شروع گردید. ظرفیت این کارخانه در ابتدای کار، روزانه (۲۶) تن گوگرد بوده است، ولی پس از تغییراتی که در آن بعمل آمد ظرفیت آن به (۲۵) تن افزایش یافت. بعدها بطور متوسط روزانه (۲۲) تن گوگرد تولید می‌نمود. پس از گذشت زمان قسمتی به آن ضمیمه شد که نوهی گوگرد برای صادرات تهیه می‌کرد.

گاز نفت پس از خارج شدن از کارخانه‌های مزبور، فاقد مواد مضر گوگردی می‌شد و آماده مصرف برای سوخت در منازل مسکونی، بیمارستانها و کارخانه‌ها می‌گردید. گوگرد تولید شده در ناحیه بی‌بی‌یان، ابتدا بوسیله قناله‌های هوایی^۱ به دستگاه راه آهن شرکت نفت واقع در نزدیکی کارخانه برق تمبی حمل و از آنجا بوسیله قطار به درخونیه انتقال داده می‌شد. سپس با کشتی‌های کوچک به آبادان، کرمانشاه و سایر نقاطی که مورد لزوم بود حمل می‌گردید. کارخانه‌های گوگردسازی مسجد سلیمان در سال (۱۳۵۳) با راه افتادن و بهره‌برداری از کارخانه گوگرد مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی، تعطیل شدند.

طرز کار کارخانه‌های گوگرد سازی:

گازهای نفتی که از چاههای مسجد سلیمان گرفته می‌شد و حاوی (۱۴٪) هیدروژن سولفور می‌باشد، وارد برج جذب کننده کارخانه می‌شود. ماده شیمیایی مخصوصی بنام (لای) در کارخانه شماره (۱) و (دی اتانول آمین) در کارخانه شماره (۲)، از بالای برج بوسیله حلالی‌هایی که در مواصل معین در برج، کار گذاشته شده به پایین پاشیده می‌شد و ضمن عبور، از محاورت گازهای فوق‌الذکر که از پایین وارد می‌گردید، گاز هیدروژن سولفور را جذب می‌کرد، سپس بوسیله تلمبه‌های مخصوصی از منتهی‌الیه برج گرفته شده و به قسمت تبادل حرارتی منتقل می‌گردید و پس از عبور از این قسمت، وارد برج خشک‌کن می‌شد. از قسمت پایین نیز بخار آب وارد می‌گردید و باعث گرم شدن محلول و در نتیجه جدا شدن هیدروژن سولفور می‌شد. هیدروژن سولفور آزاد شده از بالاترین قسمت برج به طرف مخزن جدا کننده مایعات هدایت می‌شد و از آنجا به

۱- قناله‌های هوایی از اطراف مکانهای زیر عبور می‌کرد:

باشگاه گلف - آبادی مرادآباد - نور آباد و شیخ شیلانی.

دستگاه سردکننده هیدروژن سولفورده می‌رفت و پس از عبور از آن بطرف قسمت تولید گوگرد جریان پیدا می‌کرد.

در این قسمت گاز هیدروژن سولفورده با نسبت معینی از هوای لشرده مخلوط می‌شد و عمل سوخت ناقص انجام و گوگرد بصورت مایع و بخار آزاد می‌گردید. گوگرد مذاب از ناودان مخصوصی به خارج جاری شده و بخارهای آن در مراحل بعدی، بوسیله پاشیدن آب و تقلیل حرارت، مجدداً تبدیل به مایع می‌شد و بخارج جریان پیدا می‌کرد. بخارهای اضافی از آخرین مرحله به طرف دودکش حرکت می‌نمودند و در هوای آزاد متصاعد می‌شدند و فضای ناحیه بی‌بی‌یان را نیز آلوده می‌کردند. گوگرد مذاب در درون لوله‌هایی که در بین دو جدار خارجی آنها آب گرم جریان داشت واقع شده بود، تا مانع انجماد گوگرد شود و به طرف حوضچه‌های مخصوصی روان می‌گردید و حداقل مدت (۲۳) ساعت برای سرد شدن و انجماد در این حوضچه‌ها باقی می‌ماند.

ب - اداره تعمیرات منطقه مسجد سلیمان

این اداره که دارای (۱۷) نفر کارمند، (۱۲) نفر کارگر رسمی، (۹) نفر کارگر زیرپوشش و (۷) نفر کارگر قراردادی می‌باشد، کلیه کارهای تعمیراتی تأسیسات منطقه را انجام می‌دهد. واحدهای مربوط به این اداره به شرح زیر است:

۱ - کارگاه مرکزی : کلیه کارهای مکانیکی و تراشکاری مربوط به منطقه و بعضاً ارگانها و سازمانهای دولتی که به مقتضای زمان و نیاز ممکن است به این کارگاه مراجعه نمایند، در این مکان انجام می‌شود.

۲ - تعمیرات ابزار دقیق : این واحدهای مربوط به تعمیرات ابزار دقیق منطقه، تعمیرات وسائل الکترونیک بیمارستان، آزمایشگاه و کنترل بهره‌برداری و اخیراً تعمیرات ماشین آلات اداری را نیز انجام می‌دهد. آقای آهلی مردان فرهادی، یکی از استادکاران قدیمی این اداره می‌باشد.

۳ - قسمت تعمیرات دستگاه تقطیر محلی : این واحد کلیه تعمیرات دستگاه تقطیر محلی مسجد سلیمان را انجام می‌دهد.

۴ - کارگاه تعمیرات آب و گاز : در این واحد، تعمیرات مربوط به شبکه‌های آب و گاز در سطح واحدهای مسکونی شرکت نفت و نواحی مسیر راه آنها، انجام می‌پذیرد.

۵ - تعمیرات تلمبه‌خانه آب : مسئولیت این واحد همانطوری که از تماش پیداست، انجام تعمیرات مربوط به تلمبه‌خانه آب گذار لندز می‌باشد.

۶ - تعمیرات کارخانه برق تمبی ۱ واحد تعمیرات کارخانه برق تمبی، مسئولیت نگهداری و تعمیرات کارخانه مزبور را به عهده دارد.

۷ - تعمیرات آب و گاز خانگی: این واحد مسئولیت تعمیرات خطوط لوله آب و گاز و وسایل مربوطه را به عهده دارد.

۸ - دیگر خدمات اداره تعمیرات: تعمیر و ترمیم واحدهای تصفیه نفت، خطوط فشار قوی از ایستگاههای اصلی به مراکز توزیع تأمین آب حومه شهر و روستاهای حومه شوشتر و لالی را نیز به عهده دارد.

کار عمده اداره تعمیرات منطقه مسجد سلیمان، نگهداری و تعمیرات تلمبه خانه آب گذار کندز می باشد که رکن اصلی زندگی مردم شهرستان مسجد سلیمان محسوب می شود. این اداره علاوه بر نگهداری تلمبه خانه، مخازن و شبکه های لوله آب، بعضاً کارهای مربوط به شبکه های آب اختصاصی ادارات و سازمانهای دولتی دیگر را نیز انجام می دهد و از این نظر کارگشایی وسیعی را در سطح شهرستان مسجد سلیمان به عهده دارد. با توجه به نارساییهای بسیار زیاد موجود در نحوه بهره برداری از شبکه های آب و ایجاد انشعابات بی رویه توسط اشخاص ثالث منجر به قطع و وصل های مکرر آب گردیده و نارضایتی های فراوان ناشی از این عمل را بدنبال دارد. کارکنان واحد تعمیرات تلمبه خانه و شبکه های توزیع آب نیز مشکلات کاری وسیعی در رابطه با مصرف کنندگان خیر مجاز دارند؛ به طوری که روزانه به دفعات اجباراً آب ناحیه ای را بایستی قطع کنند و چند لحظه بعد مجدداً وصل نمایند. در این رابطه ادارات دولتی دیگر در جهت سازمان بخشیدن به وضعیت موجود بتدرت مساعدت می نمایند.

هماکنون آقای فرامرز حیدری تیا، رئیس اداره تعمیرات منطقه مسجد سلیمان می باشد.

تاریخچه تأمین آب در مسجد سلیمان:

چون شهر مسجد سلیمان را تپه های گچی و آهکی احاطه نموده، بالطبع آب شیرین و قابل شرب در این شهر وجود نداشته و تهیه آن، یکی از مشکلات بزرگ و پروژه های اساسی را تشکیل داده است.

آیا تاکنون این سؤال برایتان پیش آمده است که قبل از نصب تلمبه خانه گذار کندز، آب منطقه مسجد سلیمان از کجا و به چه وسیله ای تأمین می شد؟

تلمبه خانه گذار کندز در ۲۲ کیلومتری شمال شرقی مسجد سلیمان و در کنار رود کارون قرار دارد. بدینست با هم تاریخچه آبرسانی به این منطقه را از بدو فعالیت های کمپانی نفت تاکنون ورق می بزنیم.

هسته ما می دانیم که واژه آبادی از آب مشتق شده است. از این رو برای تشکیل هر شهر و یا محلی، قبل از تأمین سایر نیازمندیها، به تهیه آب که در رأس کلیه پروژهها قرار دارد می پردازند.

صنعت نفت نیز در بدو تأسیس، در صدد تهیه آب برآمد ولی دوری از رودخانه، حل این معضل را دچار اشکال می نمود. تصادفاً در همان ایام، شرکت نفت بر چشمه‌های که آب شیرین داشت و بنام چشمه تکاب معروف است دست یافت. این چشمه در فاصله ۱۱ کیلومتری دروازه ناحیه «هفتگل» قرار دارد و هنوز مورد استفاده ساکنین دهات و قراء اطراف است. برای آنکه آب آن چشمه آلوده و ملوث نگردد، با تعبیه اطافکی که بیشتر جنبه سرپوش داشت، آن را محصور نمودند و هنوز به همان صورت باقی مانده است. شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس از ابتدای عملیات اکتشاف و حفاری در منطقه مسجدسلیمان، شروع به اقداماتی جهت تهیه آب آشامیدنی برای کارکنان و همچنین چرخاندن دستگاههای حفاری نمود. چشمه‌های دیگری هم در اطراف نمبی، چشمه شُداد، گچ امام رضا(ع)، چشمه علی کنونی و حومه شهر مسجدسلیمان وجود داشت که انگلیسیها از آنها استفاده می کردند و هم اکنون بازنشنگان شرکت نفت از آن ایام خاطرات فراوانی دارند. در آن موقع که تازه نفت کشف شده و آغاز فعالیت صنعت نفت بود، هنوز پروژه خانه سازی و مآلاً لوله کشی پیاده نشده بود، لذا آب چشمه‌های طبیعی را درون تشک و بشکه‌های مخصوص می ریختند و بوسیله چهارپایان به چادرهایی که محل سکونت کارکنان محدود آن زمان بود می رساندند. البته چون در آن زمان وسائل لوله کشی و یا کامیون وجود نداشت، آب مصرفی در مشکلهای پوشینی مخصوص و بشکه‌های آب ریخته می شد و به وسیله چهارپایان توزیع می گردید.

طبعاً با توسعه شهر، آب چشمه تکاب و دیگر چشمه‌ها، تکافی نیاز کارکنان را نمی کرد. از این رو با دستگاه مخصوصی آب رودخانه شور نمبی را شیرین کردند ولی با گسترش بیشتر منطقه مسجدسلیمان و افزایش جمعیت، دستگاه شیرین کننده آب، نمی توانست جوابگویی احتیاج روزافزون کارکنان و همچنین دستگاههای حفاری و صنعتی گردد.

همزمان با فعالیتهای حفاری و اکتشافی، مهندسین شرکت نیز برای بدست آوردن مقدار آب بیشتر و قابل اطمینان تری، شروع به فعالیت و مطالعات دامنه داری در این زمینه نمودند و در نتیجه از موقعیت رودخانه کارون در «درخزین» که در حد واسط مسجدسلیمان - اهواز قرار دارد استفاده کرده و در آنجا یک تلمبه خانه موقت ایجاد نمودند و بیک رشته لوله ۶ اینچ از درخزین که در فاصله ۷۲ کیلومتری قرار دارد به مسجدسلیمان کشیده شد. ولی چون لوله می بایست از تپه صهبالعبور و مرتفعی معروف به «تل خیاط» بگذرد، بالاچار تلمبه خانه دیگری نیز در تل خیاط

نصب گردید.

مقدار آب حاصله از این تلمبه‌خانه روزانه در حدود (۱۴۰۰۰۰) گالن بوده است و جالب آنکه تلمبه‌ها یا دیگ بخار که سوخت آنها چوب و روغن حیوانی بوده کار می‌کردند. بدین ترتیب آب مصرفی دستگاهها و همچنین آب آشامیدنی ساکنین مسجد سلیمان که در آن زمان در حدود (۱۲۰۰۰) نفر بودند از این راه تأمین می‌گردید. این میزان آب تهیه شده از درخزیه به تناسب توسعه عملیات حفاری و افزایش جمعیت نتوانست بر طرف‌کننده نیاز به آب مصرفی باشد.

مهندسين صنعت نفت به مطالعات خود در این مورد ادامه دادند تا آنکه در سال ۱۲۹۶ شمسی پس از بررسیهای کافی، محاسبه و مقایسه آن با کلیه مخارج و موفقیتهای رودخانه کارون در گدارلندر را که ۸۸۰ پا از سطح دریا ارتفاع دارد، مناسبترین محل تشخیص داده شد و پس از آن مقدمات کار آغاز گردید. در نتیجه پس از مدتها زحمت و کوشش در سال ۱۳۰۴ تلمبه‌خانه گدارلندر نصب و شروع بکار کرد. از آن پس با ازدیاد جمعیت و نیاز بیشتر به آب، بتدریج تأسیسات تلمبه‌خانه توسعه یافت.

تلمبه‌خانه گدارلندر متشکل از سه دستگاه تلمبه فشار قوی هر یک به ظرفیت یک میلیون گالن در روز، دو دستگاه تلمبه فشار ضعیف هر یک به ظرفیت نیم میلیون گالن در روز، ۲ مخزن میانی هر کدام به ظرفیت ۱ میلیون گالن جهت تعشیر نمودن آب رودخانه، یک رشته سیم برق که از کارخانه برق نمایی کشیده شده بود و یک رشته لوله از گدارلندر به سرگیج که قسمتی از آن ۱۰ اینچ و قسمت دیگر ۸ اینچ بوده و چهار مخزن در سرگیج که مجموع ذخایر آب آنها به ۲۷۰۰۰۰۰ گالن بالغ می‌گردید، بوده که در سالهای بعد و به تناسب رشد نیاز به تقویت تلمبه‌خانه و مخازن پرداخته، بنحوی که در سال (۱۹۴۳) میلادی ظرفیت تلمبه‌خانه گدارلندر به ۴۴۰۰۰۰۰ گالن در روز رسید.

این شرکت به منظور تهیه آب بیشتر اقدام به حفر چاههایی نمود. چاههایی در اطراف گاوداری لرامرزی در ناحیه نفتک توسط شرکت حفر شد. چاههای آب دیگری هم در منطقه «لژک دژ» در اطراف شهر که معروف به «وایتز ویلز» Water - Wells است توسط صنعت نفت بمنظور بالا بردن میزان تولید آب مورد نیاز حفر گردید.

چاههای عمیق آب ترک دژ و تأسیسات مزبور در ۳ میلی قسمت مغرب نفتک و برای کمبود آب مصرفی اهالی و ساکنین نفتک و چشمه علی در سال (۱۹۴۳) میلادی احداث شدند. اگر بارندگی

در زمستان بطور متوسط باشد، چاههای ترک دز قادرند روزانه ۲۰۰۰۰۰ گالن آب تولید نمایند. سوابق امر نشان داده است که بدست آوردن چنین رقمی عملی بوده، ولی تولید مداوم چاهها، اضافه بر این رقم مقدور نمی باشد. بطور کلی ۱۶ حلقه چاه آب در ترک دز حفر گردیده و یک رشته لوله ۶ اینچ هم از ترک دز به کارخانه یخ سازی نفتک کشیده شده بود. وسائل موجود در تأسیسات آب ترک دز بطور خلاصه بشرح زیر است:

- ۱ - مخزن ۱۲۰۰۰ گالنی.
 - ۲ - سه کمپرسور الکتریکی هوا.
 - ۳ - موتور برق کمپرسورهای فوق (۶۵ - اسب).
 - ۴ - یک تلمبه الکتریکی.
 - ۵ - موتور برق برای تلمبه فوق (۱۳۰ - اسب).
 - ۶ - لوله های خارجی چاهها.
 - ۷ - لوله های داخلی چاهها.
 - ۸ - ترانسفورمر شماره (۲۵) و ساختمان مربوطه.
- همچنانکه از آمار و گزارشات قدیمی در سال ۱۳۲۲ برداشت می شود، آب در انشعابات عمومی ۴۴۶۵۰۰ گالن در روز و در انشعابات شخصی روزانه ۲۲۷۰۰۰ گالن مصرف می شد و جمع آب مصرفی روزانه بالغ بر ۶۷۳۵۰۰ گالن می گردید.

بهر حال با توجه به توسعه عملیات حفاری، نیاز به آب مصرفی در حال افزایش بوده و به همین دلیل مساعی لازم نیز در جهت رفع نیاز صورت می گرفت. تا اینکه از سال ۱۹۵۲ م. که نفت ایران ملی گردید، اقدامات دامنه داری جهت تقویت تلمبه خانه گذارلندر صورت گرفت. ابتدا ضمن نصب ۶ دستگاه تلمبه فشار قوی و یک دستگاه تلمبه فشار ضعیف، خط لوله ای ۱۰ اینچ از گذارلندر به سرگج که در مسیر خود به ۱۲ اینچ تبدیل شده، احداث و یک مخزن ۱ میلیون گالنی در محله پشت برج، نصب گردید. بعدها تأسیسات این تلمبه خانه به ۸ دستگاه تلمبه برقی شناور فشار ضعیف هر یک به ظرفیت یک میلیون گالن در روز و ۸ دستگاه تلمبه فشار قوی هر یک به ظرفیت یک میلیون گالن در روز افزایش یافته و ۳ رشته لوله ۱۲ اینچ از گذارلندر به سرگج و یک رشته لوله ۱۲ اینچ به ۱۰ اینچ دیگر نیز بین آن دو ناحیه تعبیه و ۲ مخزن فلزی برای ته نشین کردن آب رودخانه بظرفیت یک میلیون گالن نیز احداث گردید. آب رودخانه کارون در گذارلندر را به مخازنی واقع در سرگج که مرتفع ترین نقطه بین تلمبه خانه گذارلندر و منطقه مسجد سلیمان می باشد، پمپاژ می نمودند و آب از سرگج با نیروی فشار حاصله از اختلاف سطح به

مناطق مسکونی سرازیر شده و مورد استفاده قرار می‌گردید.

بدنبال توسعه تأسیسات تلمبه‌خانه، اقداماتی در جهت توزیع آب از محل مخازن به قسمت‌های مختلف شهر از طریق احداث خطوط داخلی لوله آب صورت گرفت و رفته‌رفته تقریباً همه نقاط مسکونی شهر مسجدسلیمان از محل تأمین آب توسط تلمبه‌خانه گدارلندر مشروب گردید.

در سال ۱۳۴۶ شرکت نفت با نصب وسائل جدید، از جمله چهار تلمبه بزرگ، مخازن ذخیره، صافی آب و احداث یک خط لوله ۳۰ سانتیمتری در گدارلندر، آب آشامیدنی برای شهر مسجدسلیمان از ۶/۵ به ۷/۵ میلیون گالن در روز افزایش یافت. از آن زمان تاکنون آب آشامیدنی کارکنان صنعت نفت و اهالی مسجدسلیمان از گدارلندر که در دره بزرگ و زیبایی واقع شده تأمین می‌گردد.

در سال ۱۳۴۷ آبرسانی به بخش بزرگی از شهر که شامل مناطق مسکونی غیرشرکتی چشمه علی، چهارپوشه، سرمسجد، نورآباد، دره گلگیری‌ها و مالک‌کریم می‌گردید، برعهده شرکت ملی نفت ایران بود و شیرهای آب عمومی شرکتی کفاف احتیاجات مردم را نمی‌داد و مرتباً اهالی از شهرداری درخواست می‌نمودند که امر آبرسانی را برعهده گرفته و با لوله کشی و نصب کنتور به منازل آنان مشکل کم‌آبی را مرتفع سازد.

قرارداد تهیه و تحویل آب آشامیدنی به شهرداری مسجدسلیمان بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران از یک طرف و شهرداری مسجدسلیمان از طرف دیگر در سال ۱۳۴۵ منعقد گردید و برطبق آن، نصب تلمبه‌های برقی جدید، احداث خطوط لوله اصلی تازه، تغییرات در تلمبه‌خانه گدارلندر و تخصیص مخازن لازم توسط شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران تقریباً تکمیل شد و آب مصرفی اهالی مسجدسلیمان به مقدار (۱۵۰۰۰۰۰) گالن در روز تأمین گردید. ولی بعلمت اینکه شبکه توزیع آب در محوطه‌های کلنگ و میدان نمی‌توانست بطور رضایت‌بخشی، جوابگوی احتیاجات محوطه‌های مزبور باشد، لذا برای تأمین رفاه بیشتری جهت اهالی مسجدسلیمان در تاریخ ۱۸ دیماه ۱۳۴۶ قراردادی بین شرکت ملی نفت ایران و شهرداری مسجدسلیمان در دفتر رئیس کل امور غیرصنعتی در حوزه قرارداد در مسجدسلیمان منعقد گردید. طبق این قرارداد که بامضاء آقای مهندس مصدقی و شهردار مسجدسلیمان رسید، شرکت ملی نفت ایران، نصب آلات و ادوات جدید و تغییرات و اضافات در شبکه موجود را جهت بهبود وضع توزیع پمپه‌گره و تمام عملیات مورد لزوم را که بودجه آن از طرف شهرداری مسجدسلیمان تأمین می‌گردید انجام داد.

بهرحال شرکت نفت مخازن کافی جهت آب، یکی در «ئُل بُزان» که متصل به دو مخزن دیگر در

پشت برج و پنج مخزن در کنگه می باشد فراهم نموده است. از این هفت مخزن، اخیراً آب به شبکه توزیع هدایت می شود.

آب آشامیدنی این شهر به وسیله (۱۰) دستگاه تلمبه آب کش که ظرفیت هر یک (۱۰) میلیون گالن است، از رودخانه کشیده می شود. این تلمبه ها با برق کار می کنند و آب را به دو مخزن نیم میلیونی وارد می کنند و در این مخزن ها، املاح معلق در آب را بوسیله زاج و سایر مواد شیمیایی رسوب می دهند، سپس آب را از (۱۲) صافی (ظرف محتوی شن) رد می کنند و آب در یک مخزن یک میلیون گالنی ذخیره می گردد و سپس بوسیله ۸ تلمبه فشار قوی به مخازن آب آشامیدنی که مجموع ظرفیت آنها (۱۸۰۰۰۰۰۰) گالن و حداکثر ظرفیت این مخازن (۲۱۰۰۰۰۰۰) گالن است تلمبه می کنند. این مخازن در ۱۵ کیلومتری تلمبه خانه شهر، روی کوه هایی موسوم به سرگیج واقع در دهستان ائل بزاق قرار دارند و از آنجا پس از تزریق نمودن گاز کلر توسط تلمبه مخصوص، آب برای توزیع بین مناطق شرکتی و غیر شرکتی بوسیله لوله های (۸)، (۱۰) و (۱۲) اینچ بسوی شهر سرازیر می شود.

قطر لوله های تقسیم آب در داخل نواحی مسکونی بین یک چهارم تا یک اینچ می باشد و در سال ۱۳۵۲ طول کل لوله های آبرسانی در داخل شهر ۳۲ کیلومتر بود که جنس آنها از چدن است. مصرف روزانه آب (۸۰۰۰۰۰۰) گالن و حداقل مصرف آب در سال ۱۹۶۱ م. (۳۸۰۰۰۰۰۰) گالن بوده که (۳۰۰۰۰۰۰) گالن آن صرف تأسیسات صنعت و بقیه برای مصارف آشامیدنی و غیره بود.

در سال ۱۳۵۲ مقدار کل آب تصفیه شده روزانه به هر فرد بطور متوسط (۱۲/۴) گالن می رسید. این تلمبه خانه ها، دارای (۱۸) کارگر بوده که در (۲۴) ساعت در سه نوبت و هر نوبت (۸) ساعت بکار مشغول بودند، تعمیرات جزئی و نگهداری تلمبه خانه ها بعهده همین کارگران بود. در گذشته تعداد کارگران بیشتر بوده و تأسیساتی نیز در محل گذار لندبر برای آنها فراهم شده بود که با خانواده های خود در همانجا بسر می بردند. تعمیرات عمده و سالیانه تلمبه ها، مخازن، صافی ها و غیره توسط یک گروه از کارگران ماهر و ورزیده که برای این کار تربیت شده اند انجام می شد. این دسته، یک گروه (شش) نفری را تشکیل می دادند که وظایفشان علاوه بر تعمیرات تلمبه خانه و موارد مذکور در سایر تأسیسات صنعتی نیز انجام وظیفه می نمودند. حداقل دستمزد این کارگران در سالهای قبل از (۱۳۵۱) روزانه (۱۸۵) ریال و حداکثر (۲۵۲) ریال بود.

در آبانماه ۱۳۵۷ صنعت نفت کوشش نمود، تأسیسات تلمبه خانه آب گذار لندبر را که تنها تلمبه خانه آب موجود آن زمان بود، طی تشریفات اداری به سازمان آب و برق خوزستان واگذار

نمایند. مقدمات کار انجام و صورت جلسات تنظیمی در این خصوص نیز توسط اولیاء شرکت امضاء گردید، لکن نهایتاً با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و سلب اختیارات از امضاء کنندگان، صورت جلسات مذکور و موضوع انتقال مسکوت ماند.

در سال ۱۳۵۸ عملیات کشیدن خط لوله‌ای جهت آبرسانی به دهات هفت شهیدان توسط جهاد سازندگی کارکنان صنعت نفت مسجد سلیمان شروع گردید. این خط لوله از چاههای واترولز شروع شده و تا هفت شهیدان تقریباً ۳۰ کیلومتر طول دارد که (۱۵) کیلومتر آن لوله‌های (۸) اینچ، (۵) کیلومتر آن لوله‌های (۶) اینچ و (۱۰) کیلومتر آن لوله‌های (۴) اینچ می‌باشد. هدف از کشیدن این خط لوله رساندن آب به هفت شهیدان و بیش از ۵۰ آبادی در مسیر بوده است. صنعت نفت مانند همیشه در این مهم شرکت فعال داشته است؛ از جمله یک دستگاه تراکتور، یک دستگاه ماشین جوش که در روزهای تعطیل، بمنظور سرعت عمل بیشتر سه دستگاه دیگر اضافه می‌شد. یک دستگاه برش لونه و همچنین چادر و ابزار کار و وسیله نقلیه برای بردن کارکنان به محل کار در اختیار جهاد سازندگی صنعت نفت قرار داده بود.

شرکت ملی نفت با کمک و مساعدت استانداری خوزستان و فرمانداری مسجد سلیمان، بمنظور رفاه و آسایش بیشتر اهالی شهر، برنامه زمان‌بندی شده‌ای را جهت بهبود و توسعه تولید شبکه آبرسانی در خردادماه (۱۳۵۸) به‌رحله اجرا گذارد. خوشبختانه این پروژه در شهریورماه (۱۳۵۸) پایان رسید و مورد بازدید دکتر مدنی استاندار خوزستان و همراهان قرار گرفت. عملیات مربوط به این پروژه که برای آن، مبلغی در حدود (۸) میلیون تومان هزینه برآورد گردیده بود، عبارت بود از تهیه و نصب دو دستگاه تلمبه دیزلی فشار قوی و دو دستگاه تلمبه فشار ضعیف که بتواند در حدود (۲) میلیون گالن آب را مستقیماً از رودخانه از طریق خط لوله (۱۰) اینچی ناسام ارتش به مسجد سلیمان برساند. برای این کار خط لوله‌ای بطول تقریبی (۱۰) کیلومتر و به قطر (۱۰) اینچ در دو مرحله مجزا یعنی از شبکه آبرسانی گنار تا محل شبکه نیمه ناسام ارتش بطول تقریبی (۲) کیلومتر، و از مخازن واقع در لرو دگانه تا محل توزیع یعنی اتصال به خط لوله (۶) و (۸) اینچی واقع در چهارمیشه بطول تقریبی ۸۰۰۰ متر در نظر گرفته شد.

مقداری از لوله‌های نصب شده از انبارهای مازاد شرکت ملی نفت گرفته شده بود. این پروژه با جدیت و پشتکار شبانه‌روزی کارکنان اداره تعمیرات شرکت ملی نفت ایران - منطقه مسجد سلیمان و همکاری کارگاه مرکزی و خطوط لوله اهواز به پایان رسیده و تکمیل این پروژه، حداقل تولید روزانه آب را در مسجد سلیمان در سال ۱۳۵۸ به ۸ میلیون گالن رسانده بود. در سال ۱۳۶۴ طرح توسعه تأسیسات آبرسانی شرکت توسط اداره مهندسی پروژه‌های آب مهندسی و

ساختمان در دست اجرا بود و در اواخر سال ۱۳۶۵ سیستم تکمیلی آن که شامل تعیبه ۲ دستگاه تلمبه فشار ضعیف و ۲ دستگاه تلمبه فشار قوی دیگر می باشد به مرحله بهره برداری رسید. با اتمام این پروژه، میزان آب تولیدی به مقدار ۱۱ میلیون گالن در روز بالغ گردید.

در سالهای گذشته، همزمان با بسته شدن دریاچه های سد شهید عباسپور مسجد سلیمان و کم شدن شدت جریان آب رودخانه کارون در گذار لنتر، امکان تأمین آب از طریق این تلمبه خانه محدود می گردید، لکن اخیراً با تغییراتی که در سیستم بهره برداری آب از رودخانه بعمل آمده، همیشه مقدار ۵۰ متر مکعب آب برای انتقال به داخل تلمبه های موجود، وجود دارد و در مواقع اضطراری و بسته شدن دریاچه های سد، تلمبه ها همچنان کار عادی خود را ادامه می دهند. در کنار بهره برداری از تلمبه خانه گذار، شرکت نفت از چاههای آبی ناحیه چشمه علی نیز آب تأمین نموده که جهت مصارف باغ چشمه و آبادیهای اطراف آن تخصیص می یابد.

در سال ۱۳۶۶ در موتورهای (۳۳۰۰) ولت، (۶۰۰) اسب تلمبه خانه گذار لنتر مسجد سلیمان عیبی بوجود آمده که سبب تخریب مجموعه Slip - Ring ها شده و بدین ترتیب با از کار افتادن موتورها، میزان تولید آب در منطقه مسجد سلیمان که بهر حال شدیداً دچار کمبود آب بوده، به حداقل تولید رسیده، بطوری که نگرانیهایی را نیز باعث شده است. تلمبه های تعیبه شده در تلمبه خانه آب ارتش که هم اکنون از آنها استفاده می شود، ۲ دستگاه می باشد. از این تلمبه خانه ها مقدار ۱۰ هزار متر مکعب آب مصرفی شهر تأمین می گردد.

نکته حائز اهمیت در خصوص نحوه تأمین آب این است که، در هیچکدام از تلمبه خانه های شرکت و ارتش آب بصورت کامل تصفیه نمی گردد. در تلمبه خانه شرکت بدلیل خراب بودن (بهمن) که از چند سال پیش از کار افتاده و نیز عدم وجود (شن ریز)، عمل تصفیه کامل نمی تواند صورت پذیرد و در مواقع بارندگی که آب رودخانه گل آلود می شود، ناچاراً تعدادی از تلمبه ها را از کار می اندازند. در زمستان سال ۱۳۷۳ طرح جامع کتورگذاری بر انشعابات آب آشامیدنی منازل و مؤسسات به اجرا درآمد. بدین منظور گروههایی از کارگران فنی سازمان آب شهرهای استان خوزستان به مسجد سلیمان آمدند و تمامی اماکن دولتی و شخصی شهر مسجد سلیمان را کتورگذاری نمودند.

هم اکنون آب رودخانه به ۱۰ عدد فیلتر موجود هدایت شده و از آنجا پس از گذشتن از صافیهای درشت (بعلت بودن شن ریز) بطرف مخازن انتقال یافته و از آنجا نیز به محلهای مصرف انتقال می یابد. در زمان جنگ تحمیلی بر اثر حملات هوایی، مخازن بزرگ آب آشامیدنی محله پشت برج، بطور کامل آسیب دیده و مجاله شده اند. تاکنون اقدامی در جهت ترمیم آنها صورت نگرفته

و سازمان آب هم با این بی توجهی، مردم تشنه مسجد سلیمان را بیشتر در تنگنای زندگی فرار داده است.

هم اکنون کمبود شدید آب مصرفی در سطح شهرستان مسجد سلیمان بطور واضح مشاهده می گردد، تا جایی که در نقاطی از شهر در هر شبانه روز فقط نیم ساعت می تواند آبگیری نمایند. اغلب درختان سرسبز و خرمی که روزی طراوت و شادابی این منطقه را تأمین می نمودند، به علت کم آبی و تشنگی، خشکیده شده و چمنهای منازل شرکتی نیز به علت بی آبی سوخته اند و نهایتاً نه فقط انسانها، بلکه درختان، حیوانات، گلها و سبزه ها نیز در این شهر تشنه اند. علت اصلی کمبود آب، علاوه بر عدم کفایت تلمبه خانه های موجود که با توجه به آمار جمعیت شهرستان مسجد سلیمان برای هر نفر فقط می توانند در شبانه روز ۲۰۰ لیتر آب تولید نمایند، روش توزیع ناصحیح و انشعابات غیر مجاز روی لوله های بالارونده در مسیر خط لوله از تلمبه خانه به مخازن و یا به سر راه مخازن اصلی، مخازن فرعی تعبیه شده در سطح شهر می باشد. انشعابات مزبور، بدون توجه به اندازه و قطر لوله انشعابی، فشار جریان آب بطرف مخزن را شدیداً کم کرده و باعث می گردد تا هیچگاه مخازن موجود پر نشوند. واضح است چنانچه مخازن اصلی و فرعی آب پر نشوند، امکان بهره برداری از لوله های آب در منازل نیز میسر نخواهد گردید.

با توجه به مضایق موجود در خصوص محدودیت تأمین و اشکالات مضاعفی که نتیجه استفاده ناصحیح از آب تولید شده است، لازم است که مسئولین شهری شهرستان مسجد سلیمان، رئیس شرکت ملی نفت ایران - منطقه مسجد سلیمان و مسئولین واحدهای ارتش مستقر در این شهرستان، مشترکاً مسئولیت رفع مشکل کم آبی این منطقه را بدوش گرفته، و هر کدام به تناسب امکانات موجود خود در جهت رفع این مشکل بزرگ، تمام بردارند. با در نظر گرفتن اینکه، اداره آبرسانی شرکت نفت جهت تأمین آب مورد نیاز منطقه بازحیات طاقت فرسا و مشکلات فراوانی روبرو است، جا دارد که مصرف کنندگان حداکثر صرفه جویی را در استفاده از آب بنمایند.

بهر حال عزت و حرمت آب در مسجد سلیمان، قصه همان اعرابی را در مثنوی مولوی به یاد می آورد که کوزه ای آب را بعنوان بهترین و ارزشمندترین هدیه ممکن به درگاه خلیفه برد. هم اکنون آقای نجف بهادری مسئول اداره آب و گاز صنعت نفت مسجد سلیمان می باشد. تا قبل از انقلاب در ساحل رودخانه و کنار تلمبه خانه گذارند در مهمانسرای کوچک و با صفایی وجود داشت که معروف به (ویلا ماه عمل) است و کارمندان مناطق نفت خیز پس از مراسم ازدواج مدت کوتاهی را در آنجا پسر می بردند.

داستانی از تأسیسات گذارلندر؛ انگلیسها در زمان جنگ دوم جهانی، اطراف تلمبه‌خانه گذارلندر را بخاطر حفاظت و امنیت تأسیسات آن، سیم خاردار کشیدند و به سیمهای خاردار، نارنجک وصل کردند؛ چون آنها از ناحیه آلمانی‌ها احساس خطر می‌نمودند.

در سال ۱۳۴۳ یکی از افراد بومی محل بنام امیرقلی و ناصری، یکی از آن نارنجکها را که در همان حوالی بود پیدا کرد. بر اثر گذشت زمان این نارنجک در آنجا خاک خورده بود. وی آن را به خانه آورد. آن شخص اطلاعی نداشت که این وسیله چیست. زمانی که مادرش مشغول پختن نان بود، او با چکش بر روی آن می‌کوبید. در این موقع سه بچه کوچک در اطرافش بود، ناگهان نارنجک منفجر می‌شود و همه آنها کشته می‌شوند.

گذارلندر؛

در مناطق نفت‌خیز جنوب که از شدت گرمای تابستانهای آن همه ما اطلاع داریم، گردشگاهها و تفرجگاههای سرسبز و فرحبخش نیز وجود دارد که زیبایی و فرحناکی آنها معروف می‌باشد. مهم‌ترین این گردشگاهها اطراف گذارلندر می‌باشد که در شمال شرقی منطقه مسجدسلیمان واقع است.

گذارلندر ناحیه‌ای است کوهستانی که ۲۷۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و در این محل است که رود کارون خیلی باریک و عمیق می‌شود. مسجدسلیمان تابستانهایی گرم، زمستانی نسبتاً سرد و پاییز آن مطبوع اما بهاری دل‌انگیز و پرطراوت دارد و گویی آن همه لطف، صفا، سرسبزی و خرمی در محدوده گذارلندر، متمرکز شده است.

در فصل بهار شقایقهای سرخ‌رنگ، سوسنهای ارغوانی، گل‌های استکانی آبی‌رنگ و سایر گلها و گیاهان وحشی خوشبوی دیگر در آنجا می‌رویند. از همین روست که از اوائل پاییز تا اواسط بهار، گروه‌های بی‌شمار برای پیکنیک به آنجا می‌روند. نه تنها از مسجدسلیمان، بلکه از دیگر نقاط خوزستان و حتی بازدیدکنندگانی که از تهران و خارج می‌آیند نیز از گذارلندر دیدن می‌کنند.

منظره عمومی گذارلندر، دره‌ای است با شیب زیاد که چراگاهی است بسیار خرم و پربرکت. بختیارها مجاهدت دارند تا با دقت و اطمینان، چنین دره‌هایی را انتخاب کنند که البته نه تنها بخاطر علفخیز اغنام و احشام خود، بلکه به انگیزه غریزه طبیعی و ذوق زیبایی دوستی‌شان، این قبیل مناطق را انتخاب می‌کنند، تا هم در نزدیکی چشمه‌های گوارای آب و بسترهای رودخانه باشند و هم از مناظر زیبا و پرشکوه، حظ بصر کنند و الحق باید گفت گذارلندر از این مناظر استثنایی است. به هر طریق هنوز می‌شود از فراز قلّه تنگ دولا، آسیابهای قدیمی و چل دولا، را دید و گهواره بدوشان کوچرو را نظاره کرد. از سال ۱۳۷۱ تاکنون مهندسین خارجی،

کارشناسان ایرانی و کارگران فراوانی در گذارلندر مشغول احداث سد کارون ۴ هستند و یکی تونل ماشین رو هم در کوه بسیار مرتفع گذار حفر گردیده است که بعدها باعث رونق شهر خواهد شد.

وجه تسمیه گذار لندر :

گذار یا گذار و یا گذاره بمعنی معبر (محل عبور) که آن را گذرگاه نیز می گویند. لندر در اصل به زبان بختیاری (لنده) بوده که تغییر شکل پیدا کرده، بمعنی کیسه و یا یکنوع گونی است که در آن اثاث سفر را می گذارند.

در زبان فارسی نیز لغتی داریم که (لندره) می گویم. لندره در کتاب تذکره الملوک، چنین معنی شده است: «دوخته ای از پارچه و چرم که روپوش کجاوه و امثال آن می کرده اند.» با این توصیف، می توان گفت که در مفهوم کلی لنده یا لندره تفاوتی زیاد نمی یابیم. کوتاه سخن «گذارلندر» به مفهوم گذرگاه آبی است که ویژه ارسال بسته ها، سیاه چادرها و اثاث کوچ کنندگان می باشد.

نظری اجمالی به تاریخچه گذار لندر :

بختیارها اجتماعی عظیم از عشایر چادر نشین هستند که همه ساله در اوائل فصل بهار از دشتها و کوهستانها به چراگاههایی که در سلسله جبال زاگرس قرار دارد، برای چراندن اغنام و احشام خود کوچ می کنند. گذارلندر یکی از آن نقاط خوش آب و هوا و کوهستانهای سبز و خرمی است که طبیعت از بذل نعمت به آن، دریغ نورزیده است و از همین نقطه است که گروهی از عشایر بختیاری کوچ سالانه خود را انجام می دهند. گذارلندر، در کنار کارون که بزرگترین رودخانه ایران است قرار دارد. درست در مقابل گذار، نخستین کوه سربلک کشیده سلسله جبال زاگرس قرار دارد که بخش اندیکا را از مسجد سلیمان مجزا می کند.

ایل بختیاری برنامه منظم کوچ خود را تا چند سال قبل، از همین مکان که هنوز پلی بین گذارلندر و اندیکا ساخته نشده بود، شروع و با تمام خانواده ها از جوانان، پیران، زنان باردار و کودکان ناگاو و گوسفندان شان از گذار عبور می کردند. اثاث و وسائل سفر را در لنده ها جا می دادند و آنها را روی «کلک»^۱ Kalack قرار داده، از رودخانه کارون که گاه پرجوش و خروش می شد می گذشتند. زنان غالباً گهواره کودکان خود را بر پشت داشتند و چون غزال، گردنه های صعب العبور و دامنه های مستور از برف را در می نوریدند. این کوچ و راه روی بیشتر با

۱- در گذار لندر شخصی بنام «حاج منصور ورنصری» دارای وسایلی بنام «کلک» بود.

پای پیاده برگزار می‌شد و در ستیخ کوهها، گذرگاهی برای خود می‌ساختند که هنوز آثار آن معابر، برجاست. به هر حال هنوز می‌شود از روی لعل تخت کاشان، پاریاب‌ها و شالیزاران برنج را مشاهده کرد و جوانان روستایی را که در امواج حلقزاران ترانهٔ محلی می‌خوانند، تماشا نمود. هنوز می‌شود از بالای کوههای سر به فلک کشیده خطهٔ دلاورپرور دشتگل خرمی مناظر آنجا را به تصویر کشید و از مهمان‌نوازی، حُسنِ سُلوک و صفای اندیشهٔ مردم آن دیار و حماسه‌های اسلاف آنها کتابها نوشت.

نالهٔ نی سازگارترین نواست بر جان این سرزمین، آنگاه که خورشید بر می‌خیزد، آنگاه که گردش زرینش را ادامه می‌دهد و آنگاه که آرام فرو می‌نشیند.

کارخانهٔ برق تمبی: در ده کیلومتری جنوب شرقی مسجد سلیمان در ناحیه تمبی، اولین کارخانه بزرگ برق در خاورمیانه قرار دارد که توسط کمپانی سابق با حق ارتفاق در زمینهای غیر مسکونی، ایجاد گردید و برق مورد نیاز را برای روشنایی خانه‌ها، خیابانهای مسجد سلیمان گردانیدن بادبزنهاي لازم در تابستانهای گرم و فعالیت تأسیسات صنعتی این منطقه تأمین می‌نمود. این محل نزدیکترین نقطه به دستگاههای خنک‌کننده تمبی می‌باشد که سابقاً جهت کارخانه تمبی مورد نیاز بوده است. اولین ایستگاه جهت تلمبه کردن نفت خام از مسجد سلیمان به آبادان معروف به O.P.L.A در سال ۱۹۰۹ در این محل بنا گردید و ایستگاههای مشابهی به ترتیب در ملائانی، کوت عبدالله و دارخوین شروع بکار کردند. از ایستگاههای نامبرده در حال حاضر فقط از ایستگاه دارخوین بهره‌برداری می‌شود و دارای دستگاه مولد برق برای رفع احتیاجات داخلی و سایر دستگاههای مربوطه می‌باشد. این تلمبه‌خانه‌ها دو نوع محصول را پمپاژ می‌کردند که عبارتند از: ۱ - نفت خام ۲ - نفت کوره.

دستگاههایی که بعدها نصب شده است در جنوب مسجد سلیمان و در کنار رودخانه تمبی قرار دارد در سال ۱۹۱۷ م. به علت مجاور بودن تلمبه‌های نفت خام و خطوط لوله با دیگ بخار انفجار عظیمی در این کارخانه رخ داد که منجر به کشته شدن یک نفر و مجروح گشتن چندین نفر گردید. بر اثر وقوع این حادثه تصمیم گرفته شد که تلمبه‌خانه نفت از محل اولیه به ساحل جنوبی منتقل گردد. بین سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲ چهار دستگاه توربین بخار جدید محرک تلمبه‌های نفت نصب گردید که ظرفیت هر تلمبه بالغ بر دو میلیون گالن در روز بوده است در سالهای بعد ظرفیت کارخانه برق توسعه داده شد و چهار دستگاه توربین مولد برق با جمع ظرفیتی معادل ۹ هزار کیلو وات نصب گردید به علت افزایش مصرف برق در سال ۱۹۵۰ م. شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران نصب دو دستگاه توربین گازی (براون/باوری) را آغاز نمود که ظرفیت تولید دستگاه

برابر با ۲۰۰۰ کیلووات برقی بوده که بعد از سال ۱۹۵۴ م. مورد بهره‌برداری قرار گرفت در گذشت ظرفیت این کارخانه ۱۸ مگاوات بود در سالهای بعد استفاده از مولدهای برق تمبیی تدریجاً کاهش یافته و در سال ۱۹۶۷ بعلت اتصال شبکه برق سازمان آب و برق خوزستان و استفاده از آن، دو دستگاه از مولدهای توربین‌های گازی کارخانه از سرویس خارج شد. در محله‌های مسجد سلیمان از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۵ شروع به پایکویی جهت توزیع برق شد. صبح روز پنجشنبه ۲۵ اسفندماه ۱۳۴۵ نیروی برق سد دز، طی مراسم باشکوهی به شبکه برق مسجد سلیمان اتصال یافت. در این مراسم ابتداء آقای مهندس پورخانی رئیس تأسیسات تمبیی، آقای مهندس نیل‌چیان رئیس تولید و انتقال برق در دز و آقای مهندس خلیلی رئیس شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران در منطقه مرکزی بیانات مبسوطی ایراد نموده آنگاه نیروی برق سد مزبور را به شبکه برق مسجد سلیمان وصل کردند. مقدار برق مورد لزوم صنعت نفت در مسجد سلیمان که از طرف سازمان آب و برق خوزستان واگذار شد به مقدار پنج هزار کیلووات در سال اول بود و قرار شد در سالهای آتی بنرتیب پانصد تا دو هزار کیلووات به این مقدار اضافه شود در سال ۱۹۶۹ بر اثر افزایش مصرف شبکه برق سازمان آب و برق خوزستان دو دستگاه دیگر نیز از توربینهای بخار این کارخانه از کار خارج شد و در سال ۱۳۵۰ فقط دو دستگاه از توربینهای گازی (براون/باوری) با ظرفیتی معادل ۸۰۰۰ کیلووات باقی ماند سپس ظرفیتی برابر ۷۵۰۰ کیلووات برق خریداری شده از سازمان آب و برق خوزستان کمبود ظرفیت کارخانه را تأمین نمود. بر اثر کاهش صدور نفت خام از مسجد سلیمان در سال ۱۹۶۸ چهار دستگاه توربین بخار مربوطه به تلمبه‌های صدور نفت نیز از سرویس خارج شده و فقط سه دستگاه تلمبه‌گازی (ویلسون سنایدر) در محوطه کارخانه برق جهت تلمبه کردن نفت از کارخانه تقطیری بی‌بی‌بان به قسمت پخش شرکت ملی نفت ایران در اهواز نصب گردید. در کارخانه برق تمبیی دو سیستم برق که یکی توسط توربینهای گازی شرکت نفت و سیستم دیگر که از سازمان آب و برق خوزستان خریداری شده موجود است که هر دو سیستم بوسیله ۷ خطوط فشار قوی ۱۱ کیلوواتی به نقاط مختلف مسجد سلیمان جهت مصرف در تأسیسات، کارخانه‌ها، بعضی از چاهها، ادارات، منازل مسکونی کارکنان و همچنین جهت تلمبه‌های آب در گذار لندر توزیع می‌شود. لازم به ذکر است که بعضی از مولدهای کارخانه برق تمبیی «انگلیش الکتریک» بودند. عملیات بهره‌برداری از کارخانه برق تمبیی، انتقال خطوط نیرو و تعمیرات دستگاههای برقی در کارخانجات و مؤسسات شرکت اکتشاف در مسجد سلیمان بعهده آقای خزائی رئیس اداره نیرو و تعمیرات برق بود. آقای مکوندی بعنوان متصدی خطوط فشار قوی و قسمتی از خطوط فشار ضعیف و کلیه مراکز پخش

فرعی برق انجام وظیفه می‌کرد. تعمیرات دستگاههای برقی این کارخانه بوسیله آقای غلامعلی مهوش و تعمیرات مکانیکی توربینهای گازی توسط آقای علیخان نظری انجام گردید که هر دو تحت نظر آقای حاج حبیب دهقان منصدی کارخانه تمبی انجام وظیفه می‌نمودند. آقای کبیرزاده سرپرست اداره ابزارهای دقیق، مسئول انجام تعمیرات ابزارهای دقیق این کارخانه بود. تعمیرات کلی و سالانه توربینهای گازی این کارخانه بوسیله اداره تعمیرات مرکزی و زیر نظر آقای فرجام رئیس اداره تعمیرات مرکزی انجام می‌گرفت. آقای مهندس پورخانی سالهای متمادی بعنوان رئیس کارخانه برق تمبی انجام وظیفه می‌نمود. تا چند سال پیش فقط منازل شرکت نفت از برق استفاده می‌کردند و بقیه ساکنین شهر شبها را با چراغ نفت، شمع و غیره تا روز به سر می‌بردند. سپس توسط اهالی بک کارخانه برق خصوصی با تولید روزانه ۲۰۰ کیلووات برای مساکن شهر روبروی شهربانی سابق و جنب کارخانه یخ‌سازی ایجاد گردید و تا سال ۱۳۴۵ (۴۶/۹٪) از کل مساکن شهری دارای برق بودند و ۷۸ کیلووات برق هم از کارخانه برق تمبی توسط شرکت نفت به شهر داده شد. بعداً با انتقال نیروی برقی از سد دز به این شهر، مسئله برق متفی گردید. طول کابل‌های هوایی انتقال برق ۱۴۲ میل و طول کابل‌های زیرزمینی ۲۹/۲ میل می‌باشد. به تناسب رشد جمعیت و توسعه عملیات شرکت، برق‌رسانی مزبور گسترش می‌یافت. تأسیس این کارخانه سبب ایجاد مساکن و جذب جمعیت در ناحیه تمبی شد.

تعمیرات برق: واحد تعمیرات برق از دو قسمت مجزا تشکیل شده بود:

الف: تعمیرات کلی

ب: تعمیرات جزئی

الف: تعمیرات کلی: سرپرست تعمیرات کلی مستقیماً زیر نظر رئیس کارخانجات و تعمیرات برق منطقه مسجدسلیمان انجام وظیفه می‌نمود و مسئولیت قسمتهای زیر را بهعهده داشت: تعمیرات جزئی و کلی وسایل برقی دستگاه کارخانه جذب گاز، کارخانه تقطیر بی‌بی‌یان، کارخانه گوگردسازی، دستگاه جداکننده گاز از نفت و دستگاه مخازن نفت.

در سال ۱۳۴۸ آقای شهیدیانی سرپرستی کلیه قسمتهای فوق را بهعهده داشت.

ب: تعمیرات جزئی: سرپرست تعمیرات جزئی مستقیماً زیر نظر رئیس کارخانجات و تعمیرات برق منطقه مسجدسلیمان انجام وظیفه می‌کرد و مسئولیت قسمتهای زیر را بهعهده داشت: تعمیرات جزئی و کلی تمام آلات و ادوات برق آتش‌نشانی، اداره شیمیایی، اداره حمل و نقل مرکزی، کارگاه تعمیرات ناحیه و ادوات شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت در منطقه مسجدسلیمان. در سال ۱۳۴۸ سرپرستی کلیه قسمتهای فوق را آقای باران پوریان بهعهده داشتند.

اصور اداری و تشکیلات سازمانی: در تیرماه ۱۳۴۸ نیروگاه و تعمیرات برق منطقه مسجد سلیمان دارای ۱۳ نفر کارمند و ۵۶ نفر کارگر بود و از این عده، تعداد ۸ نفر کارمند و ۲۲ نفر کارگر نوپیکار بودند که کلیه عملیات تولید برق بعهده آنها بود. پنج نفر کارمند و ۳۴ نفر کارگر مسئولیت تعمیرات کارخانه و امور اداری را بعهده داشتند. اکثر کارگران در منازل کارگری ناحیه نمبی و کارمندان در منازل کارمندی دو طرف رودخانه نمبی سکونت داشتند. آقای مهندس علی شوشتری زاده سرپرستی و اداره تمام قسمت‌های فوق اعم از مهندسی کارخانه و تعمیرات برق مسجد سلیمان را بعهده داشت.

کارکنان شرکت ملی نفت منطقه مسجد سلیمان توانستند مدت بیش از ۲۵ سال با تلاش شبانه‌روزی خود این کارخانه را در مدار تولید برق نگهدارند. در سال ۱۳۶۳ پس از بازدید مقامات مختلف از کارخانه مذکور، در صدد تهیه گزارشی از نحوه نگهداری و تعمیرات این کارخانه برآمدیم در این خصوص با آقای علی بندری سرپرست نیروگاه برق نمبی به گفتگو نشستیم. وی گفت: این نیروگاه دارای دو دستگاه توربین احتراقی گازی است که دو دستگاه ژنراتور ۴/۷ مگاواتی را می‌گرداند. دستگاه‌های این نیروگاه در سال ۱۳۲۷ شمسی توسط شرکت براون باوری سوئیس ساخته شد و تا سال ۱۳۲۹ حمل آنها به کشور ایران و سپس به مسجد سلیمان ادامه داشت.

از سال ۱۳۲۹ پس از پایان گرفتن حمل و نقل آنها به ایران ساختمان این نیروگاه آغاز و در سال ۱۳۳۳ پایان یافت و در سال ۱۳۳۴ کارخانه برق نمبی رسماً آغاز به کار کرد. در ابتدا از سوی شرکت سازنده، عمر مفید توربین‌ها ۱۳۰۰۰۰ ساعت کارکرد تخمین زده شده بود که این مقدار ساعت در سال ۵۱ - ۱۳۵۰ به اتمام رسید. قبل از اتمام ۱۳۰۰۰۰ ساعت کارکرد توربین‌ها مسئولین وقت شرکت ملی نفت در سال ۱۳۳۵ تصمیم گرفته بودند که به منظور جبران کمبود برق به دلیل بسته بودن کارخانه قدیمی برق و همچنین قبل از پایان گرفتن عمر مفید توربینها، یک خط برق با ولتاژ ۱۳۲۰۰۰ به ۱۱۰۰۰۰ از طریق سد دز در اندیشک را به این کارخانه وصل نمایند، به همین منظور قراردادی برای دریافت ۱۱ مگاوات برق با سازمان آب و برق بسته شد. تا سال ۱۳۶۱ که برق تلمبه‌خانه گدارلندر از این کارخانه تأمین می‌شد ۶ مگاوات از برق سازمان ۳ مگاوات نیز از کارخانه برق نمبی برای آن گرفته می‌شد.

چنانچه برق تلمبه‌خانه گدارلندر از طریق سازمان قطع گردد، کارخانه برق نمبی قادر خواهد بود تا ۷ مگاوات برق این تلمبه‌خانه را تأمین نماید. در سال ۱۳۵۱ از سوی بعضی از مقامات شرکت نفت تصمیم گرفته شد که توربینهای این کارخانه را از کار بازداشته و آنها را بصورت اسقاط در آورند، اما کارکنانی که روی تعمیرات و عملیات این توربین‌ها کار کرده بودند، با شناختی که

از وضع کلی سیستم آنها داشتند که با انجام تعمیراتی به موقع تا سالهای دیگر و بیش از ۱۳۰۰۰۰ ساعت کارکرد از توربینها بهره برداری کنند، با قانع کردن مسئولین وقت شرکت ملی نفت مبنی بر از کار انداختن آنها جلوگیری به عمل آمد. در حقیقت کارکنان این کارخانه با ضمانت خود تقبل کردند که به نحو احسن به توربینها رسیدگی نمایند و این کار را هم کردند. از طرف دیگر یرفی که از سوی سازمان آب و برق به این کارخانه وصل شده بود و به صورت آزمایشی عمل می کرد، مرتب نوساناتی در آن جریان داشت و این مسأله طبیعتاً اختلالاتی در امر برق رسانی به تأسیسات نفتی، بیمارستان، درمانگاهها، ادارات شرکت و بهره برداری از چاههای نفت را موجب می شد. لذا ادامه کار توربینها موقتاً مورد تأیید مسئولین قرار گرفت. در سال ۱۳۵۵ برای پاره ای تعمیرات اضطراری توربینها، مقداری وسایل یدکی از شرکت سازنده (براون/باوری) درخواست گردید، ولی شرکت مزبور به این دلیل که عمر توربینها به اتمام رسیده و قادر به کار نخواهد بود، از ارسال لوازم یدکی مربوط به آنها خودداری کرد. پس از مکاتبات مکرر در این مورد با کشور سوئیس و شرکت براون باوری، نمایندگانی جهت بررسی از وضع کلی توربینها به ایران اعزام شدند و ضمن بررسی وضعیت توربینها، متقبل شدند که مقداری از لوازم یدکی توربینها را برای ایران ساخته و تحویل دهند. تا سال ۱۳۵۷ و همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران از ارسال لوازم یدکی توربینهای مذکور خبری نبود، از سوی دیگر با تحریم اقتصادی ایران از طرف استکبار جهانی، امکان دریافت لوازم مذکور مقدور نبود. به همین منظور ضمن گفتگو با همکاران تصمیم گرفته شد که منتظر ارسال لوازم یدکی نباشیم و خود، تعمیر و تهیه قطعات توربینها را بعهده بگیریم. بنابراین با اتکال و ایمان به خودکفایی و قطع وابستگی این کار را به اتمام رساندیم و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بحمدالله این توربینها به نحو احسن کار می کنند و بازدهی آنها نیز رضایت بخش است. آقای بندری اضافه کرد: ظرفیت رسمی توربینها هر یک ۳/۷ مگاوات می باشد که به خاطر طول عمر آنها طی چند سال گذشته از هر کدام حداکثر ۳/۷ مگاوات برق گرفته شده است. تاکنون توربین شماره یک ۲۲۳۰۰۰ ساعت و توربین شماره دو ۱۸۶۰۰۰ ساعت کارکرد داشته اند، در صورتی که شرکت سازنده عمر آنها را هر کدام ۱۳۰۰۰۰ ساعت تخمین زده است. سرپرست کارخانه برق نسبی خاطر نشان کرد که در سالهای قبل از انقلاب در چند نوبت نمایندگان شرکت براون باوری سوئیس جهت نظارت در تعمیر کلی توربینها به ایران می آمدند و هر بار میلیونها تومان کارمزد و مخارج بابت آنها دریافت می کردند. خوشبختانه طی سالهای اخیر خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هیچ خارجی برای کارهای تعمیراتی توربینها به ایران نیامده در واقع از خروج حدود ۴۰ میلیون

تومان ارز از کشور جلوگیری بعمل آمده است. وی در ادامه سخنان خود همچنان گفت: چند سال پیش جهت بررسی توربین‌ها برای تهیه وسایل یدکی مورد نیاز، نماینده‌ای از طرف شرکت براون باوری سوئیس به این کارخانه فرستاده شده بود. نماینده اعزامی از نحوه نگهداری توربین‌ها که در کیفیت خوبی از آنها مراقبت شده بود، تعجب کرد و گفته بود که چگونه شما ایرانی‌ها توانسته‌اید این توربین‌ها را آنچنان حفظ و نگهداری کنید که آنها سه برابر عمر مفید واقعی خود بکار ادامه دهند، و چه خوب می‌شد اگر می‌توانستیم یکی از توربین‌ها را جهت تبلیغ و نمونه به کشور سوئیس برده و آن را در موزه‌ای نگهداری کرده تا افتخاری برای کشور سوئیس باشد، ولی او غافل از این بود که این توربین‌ها را کارکنان ایرانی صنعت نفت بودند که با پشتکار و کاردانی خود نگهداری کرده‌اند و در حقیقت این افتخار مال ایرانی‌هاست.

آقای بندری سرپرست نیروگاه برق تمبی در زمینه چگونگی گازرسانی جهت سوخت توربین‌های این کارخانه اظهار داشت: طی ۲۴ ساعت حدود ۱۳/۵ میلیون فوت مکعب گاز با فشارهای معادل ۶۰۰ پوند بر اینچ مربع از طریق یک رشته لوله ۶ اینچی به طول ۶۰ کیلومتر از محل چاه‌های گازی ناحیه نفت سفید به کارخانه کشیده شده است. از مقدار ۱۳/۵ میلیون فوت مکعب حدود ۱/۳ میلیون فوت مکعب صرف سوخت توربین‌ها می‌شود و حدود ۱۲ میلیون فوت مکعب گاز نیز پس از تصفیه و کنترل در این کارخانه از طریق خطوط لوله جهت مصارف منازل شهرستان مسجد سلیمان ارسال می‌گردد. سرپرست نیروگاه برق تمبی افزود: تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تنها ۱ مقدار گاز آنهم صرف مصارف منازل شرکت نفت می‌شد. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم خود مبادرت به استفاده از گاز کردند. بدین ترتیب که بدون رعایت اصول ایمنی اقدام به کشیدن لوله‌های گاز به منازل خود نموده و از آن استفاده کرده‌اند. وی در مورد هدف از تأسیس کارخانه برق تمبی در مسجد سلیمان نیز گفت: همانطوری که مطلع هستید اولین چاه نفت خاورمیانه در سال ۱۹۰۸ میلادی در مسجد سلیمان کشف و حفاری شد. بنابراین به منظور استخراج و بهره‌برداری و صدور نفت آن به آبادان، نیاز به تلمبه‌خانه‌های فشار قوی با نیروی برق احساس شد لذا به منظور برآوردن چنین نیازی در همان زمان یک نیروگاه برق که توربین‌های آن با بخار کار می‌کرد، احداث گردید. ظرفیت این نیروگاه ۹ مگاوات بود که پس از سپری شدن زمان رفته رفته دستگاه‌های آن فرسوده و نتیجتاً عمر مفید آن در سال ۱۳۴۷ به اتمام رسید و این نیروگاه جمع گردید. وی افزود: قبل از آنکه نیروگاه قدیمی برق از سرویس خارج شود، دست‌اندرکاران در صدد ایجاد نیروگاه جدیدی که سوخت آن بوسیله گاز تأمین می‌شد، افتادند و همانطور که در آغاز اشاره شد، نیروگاه جدید در سال ۱۳۳۴ رسماً راه‌اندازی شد. لازم

به ذکر است که آقایان علی خان نظری، حسنعلی رسولی، شفیق زاده، حاج دهقان، بابادی، علاموند و محمدی در کار حفظ، نگهداری و راهاندازی مجدد این کارخانه جهت تأمین برق تأسیسات شرکت ملی نفت منطقه تلاش فراوانی نمودند. شرکت سالهای قبل روی زمینهای زیر شبکه برق رسانی خود در قسمتهای مسکونی و عملیاتی، نظارت و کنترل داشته و اجازه احداث ساختمان نمی داد، لکن در سالهای اخیر خصوصاً سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی این کنترل از اختیار شرکت بیرون رفته و سازمانهای دولتی هم نه فقط در جهت جلوگیری از احداث بی رویه و خیراین ساختمانهای مسکونی عمل ننمودند، بلکه رسماً نسبت به واگذاری زمینهای اطراف تأسیسات و ادارات و مجتمعهای اطراف تأسیسات و ادارات و مجتمعهای شرکتی به اشخاص ثالث مبادرت نمودند. هم اکنون تعدادی از منازل ساخته شده زیر خطوط ۱۱ کیلوواتی برق فوق الذکر قرار گرفته که به علت نزدیکی پشت بامها به کابلهای مسی برق بسیار ناایمن و خطرناک بوده و همواره مشکلات قابل پیش بینی بوجود می آورند. با واگذاری زمین و احداث ساختمان زیر خطوط هوایی شبکه برق نه فقط موضوع حق ارتفاق شرکت منتهی گردید، بلکه زمینهای اطراف خانههای مسکونی و تأسیسات شرکتی نیز جهت احداث مسکن به اشخاص ثالث واگذار شده و عملاً امکان توسعه تأسیسات شرکتی در مجاورت ساختمانهای سابق نیز میسر نمی باشد. عدم کنترل و نظارت صحیح بر واگذاری زمین باعث گردیده تا در موارد متعدد پایه های خطوط هوایی برق شبکه در حیاط منازل ساخته شده محاط گردد و موجبات درخواست ساکنین این قبیل منازل جهت تعویض مکان پایه های مزبور فراهم شود. بدیهی است به دلیل عدم رعایت اصول فنی ساختمانی و بافت خیابانهای شهری، امکان جابجا نمودن پایه ها وجود ندارد. عیب دیگری که در شبکه برق رسانی موجود پیدا شده نزدیکی بیش از حد به پشت بامها و در دسترس اطفال قرار گرفتن آن است که می تواند در حد وجود یکک حسدلی الکتریکی بسیار قوی تلقی گردد. آنتنهای تلویزیون اغلب خانه های تازه احداث شده با فاصله بسیار کمی از کابلهای لغت هوایی قرار دارد و بروز خطرات ناشی از برق گرفتگی در مواقع نصب یا تعمیر آنها پیش بینی می شود. بهر ترتیب از نظر عملیاتی و نیاز واحدهای مختلف و اماکن مسکونی به برق، خوشبختانه کمبودی احساس نمی شود و شبکه برق موجود علاوه بر کفایت می تواند جوابگوی رفع نیازهای آتی منطقه در صورت گسترش نیز باشد. هم اکنون برق مورد نیاز صنعتی و غیر صنعتی شرکت نفت منطقه مسجد سلیمان از سازمان آب و برق خوزستان تأمین می شود. تولید کارخانه برق نمیی در سال ۱۹۷۷ میلادی برابر با ۱۳۵۶ شمسی ۸۲۰۰۰ کیلووات ساعت در روز بود. تقاطعی که خطوط فشار قوی اداره برق مسجد سلیمان از مجاورت خطوط برق فشار قوی شرکت

نفت عبور می‌نماید و مشکلاتی را ایجاد می‌کند بشرح زیر است:

- | | |
|---------------------------|---|
| فاصله دو متر و نیم | ۱ - محوطه مخازن شماره ۸ |
| فاصله یک متر و نیم | ۲ - محوطه مخازن شماره ۸ |
| فاصله چهار متر و نیم | ۳ - کلنگه نزدیک بتگله ۹۹ |
| فاصله سه متر در دو نقطه | ۴ - کلنگه روبروی بهداری دولتی |
| فاصله چهار متر در دو نقطه | ۵ - کلنگه روبروی بهداری دولتی |
| فاصله چهار متر | ۶ - کلنگه نزدیک مرکز برق فرعی شماره ۵۵ (آسایشگاه پرستاران) فاصله چهار متر |
| فاصله هفت متر | ۷ - تلمبه‌خانه نمره ۸ بی بی یان |
| فاصله چهار متر | ۸ - مرکز برق شماره ۲۹ بی بی یان نزدیک کارخانه گوگرد |
| فاصله چهار متر | ۹ - خط گذار لندر سه راه چاه ۳۰۹ |
| فاصله ده متر | ۱۰ - خط گذار لندر سه راه پشت برج |
| فاصله سه متر | ۱۱ - چشمه علی نزدیک ایستگاه فرعی شماره ۱۲ |
| فاصله یک متر | ۱۲ - محوطه نمره چهل |

بخش ۲ - واحدهای خدماتی منطقه مسجد سلیمان :

بهداری و بهداشت منطقه مسجد سلیمان: همانطوری که در قسمتهای مربوط به فعالیتهای شرکت سابق نفت ایران و انگلیس قید گردید، توجه به امر درمان و بهداشت در سالهای اولیه همزمان با شروع و توسعه عملیات، مورد نظر بوده و اولین بیمارستان در خاورمیانه توسط دکتر بانگ در مسجد سلیمان احداث گردید. مسئولان صنعت نفت ایران توجه به تندرستی کارکنان را در درجه اول اهمیت قرار می‌دادند، زیرا از کسی که تندرست نیست کار صحیح را نمی‌توان انتظار داشت، بنابراین از دیرباز اقدامات وسیعی به عمل آمده و ترتیباتی داده شده تا کارکنان صنعت نفت و افراد خانواده‌های ایشان در سایه سلامت، توانایی و نیرومندی، زندگی را به شادکامی بگذرانند و با تن سالم و فکر صحیح در انجام کارهایی که برعهده دارند کوشا باشند. صنعت نفت برای تأمین بهداشت کارکنان خود و خانواده‌های آنان بیمارستان، درمانگاه، داروخانه و دیگر وسائل بهداری و بهداشت را فراهم آورده و برابگان در اختیار آنها قرار داده است. این شهر یک بیمارستان صنعت نفت مجهز به تمام وسائل درمانی و پنج درمانگاه برای مداوای بیماران سرپایی دارد. بیمارستان موجود شرکت نفت در منطقه مسجد سلیمان که از سبک معماری خاص بیمارستانهای کشورهای غربی در احداث ساختمان آن استفاده گردیده، در سال ۱۹۱۴ م. احداث و در سالهای

بعد به تناسب رشد عملیات تولید و فزونی جمعیت شهری این منطقه گسترش بیشتری یافت. تجهیزات درمانی قابل توجهی در این بیمارستان تعبیه گردیده که نه فقط در سالهای اولیه تأسیس جزء آخرین پدیده‌های درمانی بحساب می‌آمدند بلکه هم‌اکنون نیز در ردیف بهترین وسائل و تجهیزات درمانی بحساب می‌آیند. رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۰۳ شمسی جهت درمان خود به مسجد سلیمان آمده و در این بیمارستان بستری و معالجه شد. وی در دفتری که مخصوص بازدید بود نوشته است: برای معالجه به میدان نفتون آمدم و از کارخانجات آن بازدید به عمل آمده در حال حاضر آقای هادی ارسطو رئیس بهداری و بهداشت صنعت نفت مسجد سلیمان می‌باشد. از آغاز اکتشاف نفت در مسجد سلیمان تا قبل از اینکه بیمارستان کمپانی نفت ساخته شود دکتر پانگ بیماران را در چادر بصورت معالجه صحرائی درمان می‌کرد. حتی عشایر و افراد بومی غیرشرکتی را هم بطور رایگان مداوا می‌کرد که از این طریق شهرت فراوانی کسب نمود. رویهمرفته امکانات و مستحقات موجود بهداری و بهداشت شرکت در منطقه مسجد سلیمان که مورد استفاده کارکنان و بعضاً اشخاص ثالث نیز قرار می‌گیرد بشرح زیر است:

۱ - بیمارستان: این بیمارستان به مرور ترمیم و توسعه یافته است و مدتها تنها بیمارستان در مناطق نفت‌خیز بوده که به اهواز، آغاچاری، هفتکل، نفت سفید، گچساران، ماهشهر پوشش درمانی می‌داد، تا اینکه بعدها بیمارستان آغاچاری با تعداد ۶۰ تخت تأسیس گردید. تا قبل از ملی شدن نفت اکثر کادر پزشکی بیمارستان خارجی بودند. بیمارستان مسجد سلیمان با مساحت کل $۳۰۳۹۲/۸۱$ مترمربع و $۸۱۲۷/۸۱$ مترمربع زیر بنا از ۸ بخش، یک کلینیک تخصصی خارجی، یک باب اتاق عمل بزرگ و یک باب اتاق عمل جراحیهای کوچک ۱۵۸ تخت، آزمایشگاه، ۲ باب اتاق مخصوص رادیولوژی، ۱۰ باب اتاق کار پزشکان متخصص، محل کادر سرپرستی و مدیریت و اتاقهای متعدد دیگر تشکیل شده است.

متخصصین داخلی، جراحی عمومی، اطفال، زنان و زایمان، بیهوشی، گوش و حلق و بینی، چشم پزشکی، فیزیوتراپی، پاتولوژی و داروسازی در این بیمارستان انجام وظیفه می‌نمایند. اکنون به علت کمبود متخصص یک بخش آن موقتاً بسته شده است. این بیمارستان در سال ۱۳۵۸ با بودجه ۸۷۳۶۰۰۰ دلار احتیاجات مالی خود را تأمین می‌نمود.

بیمارستان مزبور دارای انبار دارویی بوده و در سالهای گذشته مقدار زیادی از داروهای ساخته شده در این بیمارستان به این انبار انتقال و از آنجا برای مصرف بیمارستانها و درمانگاههای مختلف مناطق نفت‌خیز ارسال می‌گردید. در بخشهای این بیمارستان با توجه به نوع بیماری و پیش‌بینی تعداد بیمار، تعدادی تخت قرار می‌گرفته که ظرفیت آنها به تفکیک ذیل درج می‌گردد:

بخش ۱: این بخش که مخصوص بیماران مبتلا به امراض داخلی و جراحی می‌باشد دارای ۲۵ تخت خواب است.

بخش ۲ و ۳: این دو بخش که مخصوص بیماران مبتلا به امراض داخلی بوده به ترتیب دارای ۱۱ و ۲۰ تخت می‌باشد.

بخش ۴: این بخش دارای ۲۱ تخت و مجهز برای بستری شدن اطفال بیمار می‌باشد.

بخش ۵: این بخش با ظرفیت ۲۰ تخت مجهز برای بستری شدن زنان بیماری که تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند، می‌باشد.

بخش ۶: ظرفیت این بخش ۳۲ تخت بوده و مخصوص مردان بیماری که تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند، می‌باشد.

بخش ۷: این بخش دارای ۱۲ تخت و مجهز برای بستری شدن بیماران مبتلا به بیماریهای زنان و زایمان می‌باشد.

بخش ۸: این بخش دارای ۱۷ تخت و مجهز برای بستری شدن بیماران مبتلا به بیماریهای عفونی می‌باشد.

علاوه بر تجهیزات و تسهیلات درمانی فوق این بیمارستان مجهز به بانک خون و مینی است که می‌تواند برای بیماران احتمالی با ظرفیت کامل بیمارستان خون ذخیره کند. پس از پیروزی انقلاب این بیمارستان جوایگویی نیازمندیهای درمانی کارکنان شرکت و اهالی بومی شهرستان مسجد سلیمان قرار گرفت. در زمان جنگ تحمیلی هم خدمات درمانی قابل توجهی جهت مداوای مجروحین ارائه نمود. سازمان خدمات بیمارستان جهت سرویس دادن به کارکنان شرکت و خانواده آنان و همچنین دوائر دولتی و خانواده آنها و سایر اهالی بر آورده شده است. با در نظر گرفتن مراتب بالا و کمبودهای موجود، فشار زیادی به کادر درمانی، بخصوص پرستاران بعمل می‌آید و چنانچه این وضع ادامه داشته باشد، دیری نخواهد پاید که کارکنان بیمارستان بخصوص کادر درمانی و پرستاری متحمل این بار سنگین نخواهند بود. تنها بیمارستان مورد توجه اهالی مسجد سلیمان، بیمارستان امام خمینی می‌باشد که شهرت خوبی دارد و انتظارات اهالی جهت درمان، به آن دوخته شده است و همه فشارها به این بیمارستان وارد می‌آید. برای اینکه بتوان جوایگویی این توقعها بود لازم است پس از رفع کمبودهای موجود لااقل این بیمارستان علاوه بر تعداد تختهای ذکر شده به ۲۰۰ الی ۲۵۰ تخت مجهز و به موازات آن کادر پرستاری بیمارستان نیز افزوده گردد. در سال ۱۳۶۱، ۲۱۶ نفر کادر کارمندی و ۱۲۰ نفر کادر کارگری، جمعاً ۳۳۶ نفر رسمی و ۵۲ نفر کارگر زیر پوشش و ۳۲ نفر کارگر حفاری مأمور در بیمارستان فعالیت داشتند.

درمانگاه خارجی بیمارستان مرکزی (کلینیکهای تخصصی)؛ این درمانگاه تخصصی از سالهای قبل فعالیت داشت. در سال ۱۳۴۶ بمنظور تأمین رفاه و آسایش بیشتر کارکنان صنعت نفت از طرف سازمان امور غیرصنعتی در مناطق نفت خیز اقدامات وسیعی در زمینه توسعه تأسیسات درمانی در مسجدسلیمان انجام شد. هدف از انجام این پروژه‌ها، تأمین هرچه بیشتر صحت و سلامت کارکنان و خانواده‌ی بلافصل آنان بود و از جمله اقدامات فوق، نوسازی ساختمان درمانگاه خارجی بیمارستان مرکزی مسجدسلیمان می‌باشد که اوائل سال ۱۳۴۶ آن را خراب و مطابق با مدرنترین اسلوب و احتیاجات پزشکی، تجدید بنا گردیده است. در بنای جدید درمانگاه مزبور ساختمان کلینیکهای بیماریهای داخلی، زنان و زایمان، گوش و حلق و بینی، اطفال، چشم، پوست، جراحی بیماریهای روانی و اطلاق عمل کوچکی جهت مراجعات فوری در نظر گرفته شده است. ضمناً اطاقهایی برای کارهای دفتری، انتظار و کمکهای اولیه و محلی برای استراحت پزشک کشیک در آن تعبیه شده است. برخلاف واحدهای دیگر درمانی بیمارستان که در قسمتهای مختلف منطقه متمرکز شده و در مدت ۸ ساعت خدمت معمول، روزانه کارکنان و خانواده آنان را معاینه و معالجه می‌نمایند، درمانگاه خارجی بیمارستان بطور شبانه‌روزی زیر نظر پزشکان متخصص، کارکنان و بستگان بیمار را که به آن درمانگاه مراجعه می‌نمایند مداوا و معالجه می‌کند. آمار مراجعین به این درمانگاه تا قبل از تجدید بنا بطور متوسط در شبانه‌روز ۱۵۰ نفر بوده است و طبق اظهار نظر رئیس بیمارستان پس از تکمیل درمانگاه آمادگی بیشتری جهت پذیرش بیماران داشت روی هم رفته درمانگاه مزبور دارای ۸ کلینیک تخصصی و کشیک شب است که توسط پزشکان متخصص اداره می‌شود.

لباسشویی بیمارستان: دستگاههای موجود در لباسشویی بیمارستان که جهت شستشوی لباسها و ملافه‌های بیماران اختصاص دارد، می‌تواند مصاف بر رفع نیاز بیمارستان کارآیی داشته باشد. این لباسشویی بسیار مجهز بوده و ساختمان و مکانیزم کار آن رعایت حداکثر نکات بهداشتی را ممکن می‌سازد.

واحد فیزیوتراپی: این بخش در ضلع غربی بیمارستان و دور از غوغا و رفت و آمد بیماران قرار گرفته و مجهز به همه‌گونه وسایل نو بوده و از حق نگذیریم خیلی هم تمیز ساخته شده است. بیماریهای عضلانی و مفاصل بوسیله این واحد درمان می‌شود و از طریق ادوات برقی، مکانیکی و غیره معالجه می‌گردد.

داروخانه‌ها: علاوه بر داروخانه مرکزی در قسمت درمانگاه مرکزی، تعداد ۹ داروخانه کوچکتر در درمانگاههای مربوطه نیز در منطقه و نواحی تابعه وجود دارد.

۲- درمانگاهها: بهداری شرکت ملی نفت مسجد سلیمان از سالها قبل تا کنون ۵ درمانگاه مجهز در نقاط مهم صنعتی و پرجمعیت، بمنظور تشخیص اولیه و مراجعات سرپایی کارکنان و خانواده آنان ساخته است که بیماران توسط پزشکان عمومی مورد معاینه و معالجه قرار می گیرند و چنانچه لازم باشد جهت بستری شدن به بیمارستان معرفی می شوند و اگر اظهار نظر ثانوی را توسط یک متخصص صلاح بدانند بیماران را به کلینیک های تخصصی مربوطه در مطب خارجی بیمارستان راهنمایی می کنند. هم اکنون بخاطر کمبود پزشک متخصص، اکثر بیمارانی که دارای امراض حاد هستند به اهواز اعزام می شوند. درمانگاههای مذکور توسط ۸ پزشک عمومی و دو دندانپزشک اداره می شوند که عهده دار کشیک شب در درمانگاه مطب خارجی بیمارستان O.P.D نیز می باشند.

این درمانگاهها در محلهای زیر قرار دارند:

۱- درمانگاه کارکنان در میدان

۲- درمانگاه کارکنان در کلنگ

۳- درمانگاه کارکنان در نفتون

۴- درمانگاه کارکنان در بی بی بان

۵- درمانگاه دندانپزشکی در میدان

با توجه به محلهای سکونت کارکنان در نقاط مجاور این مراکز، خانواده کارکنان می توانند از خدمات بهداری و بهداشت در آن درمانگاهها استفاده نمایند. مضاف بر این درمانگاهها تعداد ۳ باب درمانگاه در لالی، نفت سفید و هفتکل نیز وجود دارد که هم اکنون بسته هستند. علاوه بر درمانگاههای مزبور یک باب درمانگاه صنعتی و یک مرکز مجهز مبارزه با سل نیز در منطقه مسجد سلیمان وجود دارد. هم اکنون اهالی بطور عموم با کمبود وسایل بهداشتی و درمانی مواجه هستند.

درمانگاه طب صنعتی در مسجد سلیمان: توسعه و پیشرفت سریع صنعتی و انوماسیون، مسائل جدید پزشکی را نیز به ارمغان آورده است که بایستی برای مقابله با آنها آمادگی کامل داشت بنابراین هماهنگی با تلاش فراوانی که در صنعت بمنظور ازدیاد محصول بعمل می آید کوشش برای متناسب ساختن خدمات بهداشت صنعتی کارکنان با این پیشرفتهای صنعتی نیز صورت می گیرد. با توجه بدانچه فوقاً اشاره شد در جهان امروز توسعه و پیشرفتهای صنعتی هیچ یک از ممالک پیشرفته و یا در حال پیشرفت بدون یک سرویس طب صنعتی مجهز، نمی توانند به هدفهای غائی و نهایی خود در راه توسعه و پیشرفتهای صنعتی نائل آیند، مگر آنکه سرویس طب

صنعتی را از اجزای لایف‌سک خود محسوب دارند. از این رو صنعت عظیم نفت ایران به داشتن سرویس مذکور که بتواند جوابگوی تضمین بالاترین درجه سلامت کارکنان این صنعت باشد، توجه خاصی معطوف نموده است. شرکت ملی نفت ایران ابتدا در سال ۱۳۳۷ اقدام به تأسیس طب صنعتی مناطق نفت‌خیز در مسجدسلیمان نمود. بدون شک این اقدام صنعت نفت در بالابردن نیروی انسانی و افزایش قدرت تولید و کم کردن هزینه‌های درمانی سهمی بسزا را تاکنون در بر داشته است.

روابط عمومی صنعت نفت مسجدسلیمان اعلام کرد، در راستای کمک به هموطنان ساکن در این شهر طی خردادماه سال ۱۳۶۹ شمسی ۴۴۴ نفر از بیماران غیرشرکتی از طریق ارگانها، ادارات و بیمارستان ۲۲ بهمن به بیمارستان شرکت نفت مراجعه و تحت درمان قرار گرفتند.

۳ - بهداشت : اداره بهداشت برای پیشگیری از بروز امراض و گسترش بیماریهای واگیردار اقدامات و فعالیت‌های وسیعی بعمل می‌آورد که در زیر مواردی از آن ذکر می‌گردد:

الف - طب پیشگیری: ۱ - سپاشی کلیه منازل، ادارات، کارگاهها و اماکن شرکت با مواد حشره کش.

۲ - نفت‌پاشی آبهای راکد بمنظور جلوگیری از انتشار بیماری مالاریا و امعاء لار و آنوفل.

۳ - توزیع داروهای پیشگیری از بیماری مالاریا.

۴ - مبارزه با بیماریهای عفونی و واگیردار.

ب - تزویقات استعفانلی همگانی: ایجاد مراکز ثابت و سیار بمنظور مصون نمودن کارکنان و خانواده آنان در مقابل بیماریهای مری.

ج - بهداشت مدارس: مبارزه با تراخم، معاینه دانش آموزان و درمان مبتلایان به کچلی و تراخم با اصول درمانی جدید و واکسیناسیون دانش آموزان در مقابل بیماریهای عفونی و واگیردار.

د - بهداشت محیط: ۱ - بازرسی مواد غذایی در فروشگاههای صنعت نفت.

۲ - بازرسی گوشت در کشتارگاهها. ۳ - بازرسی رستورانها و باشگاههای صنعت نفت.

۴ - بازرسی آب آشامیدنی کلیه نواحی. ۵ - مبارزه با مرض هاری.

۶ - بازرسی استخرهای صنعت نفت. ۷ - نظارت در کار تنظیفات داخلی و دفع فاضلاب.

لوله‌های فاضلاب شرکت نفت به محوطه‌ای در دره سبزآباد می‌رفت و در آنجا پس از زدن مواد شیمیایی و گندزدایی کردن، مواد رسوب نموده و آب گندزدایی شده ولرد دره سبزآباد می‌گردید و در اینجا نیز همیشه از طرف اداره بهداشت شرکت ملی نفت منطقه مسجدسلیمان، نفت‌پاشی

می‌شد تا از انتشار بیماری‌های ناشی از آبهای آلوده جلوگیری بعمل آید. مرکز مبارزه با مالاریا در خاورمیانه ابتدا در مسجد سلیمان احداث شده بود و از اینجا به سایر مناطق توسعه داده شد. این مرکز پیوسته معاینات مداوم و کاملی در مورد کارکنان شرکت و وابستگان آنها به عمل می‌آورد. در سالهای قبل واحدهای سیار مرکز مبارزه با سل به کلیه مناطق نفت‌خیز اهزام می‌شدند و متصدیان بهداشتی این مرکز مرتباً از مسجد سلیمان بوسیله هواپیما به اهواز، آبادان، آخاچاری، گچساران و خارکله عزیمت می‌نمودند و بیماران را در منازل خود عیادت می‌کردند تا نسبت به استفاده آنها از داروها و راهنمایی‌های لازم اطمینان حاصل نمایند. اداره بهداشت کارکنان منطقه با همکاری اداره بهداشت کارکنان حوزه قرارداد در مواقع مختلف برنامه‌هایی بستطور آموزش افراد گروه‌های مختلف نظیر کارکنان مؤسسات، مواد غذایی شاگردان مدارس و خانواده کارکنان ترتیب می‌داد و با استفاده از فیلم، سخنرانی و سایر وسایل سمعی و بصری در بالا بردن سطح معلومات بهداشتی و آشنا نمودن آنها به اصول و نکات بهداشت فردی و اجتماعی، اقدامات لازم را عملی می‌نمود.

گشایش بهداری آموزشگاههای مسجد سلیمان: بامداد روز سه‌شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۴۹ بهداری آموزشگاههای شهرستان مسجد سلیمان آهاز به کار نمود. در مراسم افتتاح واحد درمانی عزبور که با حضور رؤسای ادارات دولتی و صنعت نفت و اعضاء انجمن شهرستان و شهر مسجد سلیمان انجام گردید، آقای برزیده رئیس آموزش و پرورش مسجد سلیمان طی سخنانی از شرکت ملی نفت ایران که با واگذاری پاتسیون فردوسی به اداره آموزش و پرورش موجبات ایجاد در مانگاه و تسهیلات رفاهی بیشتر برای طبقه معلم نموده است، اظهار سپاسگذاری نمود.

آموزشگاه بهیاری مسجد سلیمان: در مسجد سلیمان یک واحد آموزشی پیشرفته و مجهز در جوار بیمارستان شرکت ملی نفت ایران وجود دارد که آموزشگاه بهیاری خوانده می‌شود. در سال ۱۳۵۰ دویمت دختر داوطلب تحصیل در آموزشگاه بهیاری مسجد سلیمان در مسابقه ورودی شرکت نمودند و متعاقب آن جلسه مصاحبه با شرکت کنندگان در مسابقه ورودی آبادان و مسجد سلیمان تشکیل گردید و در پایان ده تن از هر یک از شهرهای آبادان و مسجد سلیمان (جمعاً ۲۰ نفر) انتخاب گردیدند تا بعنوان کارآموز بهیاری، دوره آموزش مربوطه را در این آموزشگاه طی نمایند. میزان تحصیلات هر یک از شرکت کنندگان سیکل اول دبیرستان بود. امتحانات بوسیله کمیته آموزشگاه انجام می‌گردید و مصاحبه با حضور سه تن از اعضاء منصفه که مرکب از یک نفر از آموزشگاه، یک نفر از اولیاء بیمارستان و یک نفر نماینده که از طرف اداره پرسنل شرکت ملی نفت ایران معرفی می‌شد، صورت می‌گرفت. آموزشگاه بهیاری مسجد سلیمان

در سال ۱۹۵۹ میلادی تأسیس گردیده و آغاز به کار نمود. رئیس اولیه آن یک نفر متخصص آموزش فن پرستاری بود که از کشور انگلستان به همین منظور استخدام شده بود. فرد همکار دیگر این آموزشگاه خانم ماری مشی بود که قبلاً سمت $\text{Charge} = \text{Nurse}$ بیمارستان را داشت. در سال اول تأسیس جمع دانش آموزان آموزشگاه فقط ۱۴ نفر بود و در آن هنگام در خانه شماره ۶۷ که جهت سکونت آنان اختصاص یافته بود، زندگی می کردند و خانم ماری مشی به سرپرستی آنان انتخاب گردید. هدف آموزشگاه تهیه و تعلیم تعدادی پرستار مجرب و واجد شرایط جهت خدمت در بیمارستان بود. در چند سال قبل ظرفیت پذیرش دانش آموزان بهیاری از ۱۴ به ۲۰ نفر در سال افزایش یافت، به طوری که در هر فصل تحصیلی همیشه ۳۰ نفر دانش آموز سال اول و دوم در حال تعلیم دادن بوده که در سطح استانداردی عالی برای انجام خدمات بهیاری، سخت دست به کار آموزش بودند. مدیر اولیه آموزشگاه در سال ۱۹۶۳ میلادی از ایران عزیمت کرد. و بانو رالا در اوایل سال ۱۹۶۳ م. به جانشینی ایشان برگزیده شد. از ابتدای تأسیس، دروس آموزشگاه بطور دیکته تعلیم داده می شد و مربیان و آموزگاران آموزشگاه ضرورت داشتن کتب درسی مربوطه را به زبان فارسی جهت دانش آموزان عمیقاً احساس می کردند بطوری که آنان بتوانند با دسترسی به آنها از شرح کامل دائمی دروسی که باید بطور مداوم مطالعه نمایند برخوردار باشند. اولین کتاب درسی که مربوط به تشریح بود در سال ۱۹۶۶ م. آماده شد و کتابهای درسی دیگر که مربوط به داروسازی، جراحی و پرستاری عملی بود در پایان سال ۱۹۶۷ تکمیل گردید. پس از اینکه محتوا و اشیاء مضامین کتابهای نامبرده در بالا، مورد مطالعه و بررسی مقامات مسئول بیمارستان قرار می گرفت، ترتیب چاپ و مجله نمودن آنها به وسیله شرکت ملی نعت ایران داده می شد. که همزمان با آن کتابها و مواد درسی آن، در کلیه آموزشگاههای بهیاری سطح کشور تعلیم داده می شد. نحوه آموزش در آموزشگاه بهیاری بطریق (سیستم دوره‌ای) انجام می گردید. بدین ترتیب که دختران دانش آموز به دو دسته تقسیم می شدند، یکدسته در آموزشگاه تعلیم دیده و دسته دیگر در بخشهای مختلف بیمارستان به خدمت مشغول می گردیدند.

بدیهی است که دانش آموزان بهیاری به طور مداوم تحت نظارت دقیق پرستاران و مسئولان تعلیم دیده بیمارستان قرار داشتند. دانش آموزان در سال اول تحصیلی اصول پرستاری و در سال دوم دوره عالی پرستاری، دروس تخصصی، زبان و ادبیات فارسی و همچنین زبان انگلیسی را در سطح دهم دبیرستان تعلیم دیده و پس از امتحانات نهائی دانش آموزان ممکن بود تعلیمات درسی معینه را تا سال یازدهم ادامه دهند. به دختران دانش آموز طی سال تحصیلی آموزشی در دو نوبت

مرخصی چهار هفته‌ای استحقاقی داده می‌شد. سال ۱۳۵۰ کارکنان آموزشگاه بهیاری مسجد سلیمان که حقاً با دلسوزی و جدیت انجام وظیفه می‌نمودند عبارت بودند از: خانم والا، خانم نمرائز و دوشیزه توماسی. بدیهی است سرپرستان بخشها در مورد آموزش عملی و تجربی بهیاران، ماسی لازم را مبذول می‌نمودند و در پرورش آنان سهمی بسزا داشتند. عملیات پزشکی مانند بیشتر قواعد و نظامات هرگز ثابت نبوده و هرگاه تغییری در نحوه و طرز تکنیکها در بیمارستان بوجود می‌آمد، آموزشگاه بهیاری نیز بلافاصله بموازات آن تغییرات، نحوهٔ تعلیم خود را با آخرین اطلاعات و بتدوین روز منطبق می‌نمود. وقتی از مسئولین آموزشگاه در مورد روابط با دانش آموزان سوال گردید، متفق القول اظهار داشتند که: همهٔ ساله ۲۰ دختر دانش آموز به فرزندان ما اضافه می‌گردد. جای بسی خوشوقتی است که اینهمه تفاهم بین استاد و شاگرد در این آموزشگاه برقرار است.

هم‌اکنون آموزشگاه حضرت فاطمه (س) با ظرفیت (۹۰) دانش آموز جزو تجهیزات بیمارستان امام خمینی (ره) مسجد سلیمان است. این آموزشگاه سالانه ۳۰ نفر فارغ التحصیل بهیار تربیت می‌کند که عده‌ای از آنها در بهداری مسجد سلیمان و بقیه در بهداریهای مناطق نفت خیز و بیمارستان آبادان بکار گمارده می‌شوند. متأسفانه در سال ۱۳۵۶ این آموزشگاه به آبادان انتقال یافت و از این بابت بیمارستان مسجد سلیمان پیوسته با کمبود پرستار مواجه بوده است که خوشبختانه آموزشگاه مزبور مجدداً کار خود را از تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۶۰ شروع کرد. این آموزشگاه دارای یکت سرپرست، سه مربی و با همکاری پزشکان و هیاری ادارهٔ آموزش شرکت نفت و مریبان آموزش و پرورش شهرستان مسجد سلیمان فعالیت دارد.

آموزشگاه یادشده می‌تواند با پذیرش ۳۰ دانشجوی پرستاری در کنار دانش آموزان بهیار نیز توسعه یابد.

انتخاب کارآموز بهیاری در آموزشگاه مسجد سلیمان هر ساله شرکت نفت تعداد زیادی داوطلب از طریق امتحانات ورودی انتخاب می‌نماید تا دورهٔ سه سالهٔ آموزشگاه را طی نمایند و آنگاه در مناطق نفت خیز اشتغال ورزند. آزمون ورودی آموزشگاه بهیاری شهرستان مسجد سلیمان در شهریورماه ۱۳۶۷ با شرکت ۱۰۰۳ نفر داوطلب قبولی سوم راهنمایی و سیکل برگزار شد. در مدت تحصیل و کارآموزی در آموزشگاه بهیاری مسجد سلیمان، دانش آموزان جزو کارکنان شرکت محسوب نخواهند شد. دانش آموزان الزاماً در محل شبانه‌روزی بهیاران سکونت خواهند کرد و در دورهٔ تحصیل و کارآموزی، خوراکه، مسکن و لباس کار مناسب در اختیار آنان قرار داده خواهد شد. علاوه بر این در مدت تحصیل در آموزشگاه بهیاری ماهیانه

مبلغی برای مخارج متفرقه به دانش آموزان پرداخت می‌گردد. دوره تحصیل و کارآموزی در آموزشگاه بهیاری مسجدسلیمان سه سال است و در پایان دوره تحصیل در صورت رضایت اولیاء امور از حسن اخلاق و طرز رفتار و همچنین موفقیت در امتحانات نهایی که زیر نظر اداره کل امور پرستاری و مامائی وزارت بهداشت، اداره کل آموزش و توسعه مناطق نفت‌خیز و با نظارت اداره کل امتحانات وزارت آموزش و پرورش بعمل خواهد آمد، به فارغ‌التحصیلان گواهینامه پایان تحصیلات متوسطه داده خواهد شد. فارغ‌التحصیلان با توجه به احتیاجات شرکت در مسجدسلیمان و مناطق نفت‌خیز با سمت بهیار بعنوان کارمند رسمی به استخدام بهیاری و بهداشت شرکت نفت در خواهند آمد.

خانه پرستاران Nurse = Hostel: محوطه محصورى که دارای فضای سبز باصفا و طرب‌انگیز بوده و می‌تواند آسایشگاه شبانه‌روزی حداقل ۹۰ بهیار یا پرستار باشد. این مجموعه نیز جزو امکانات بهیاری و بهداشت منطقه مسجدسلیمان می‌باشد که در مجاورت بیمارستان امام خمینی قرار گرفته است. این آسایشگاه نیز همچون دیگر بناهای مسجدسلیمان به سبک معماریهای اروپایی ساخته شده و همه‌گونه امکانات رفاهی را دارا می‌باشد و دو طبقه است.

پانسیون وازی: این بنا که عملیات ساختمان آن از سالهای قبل آغاز شده بود، در تاریخ ۱۳۴۸/۱۰/۱۸ افتتاح گردید. بمنظور گشایش و استفاده از ساختمان نوساز شبانه‌روزی پرستاری در مسجدسلیمان پنجشنبه شب هیجدهم دی‌ماه ۱۳۴۸ شب‌نشینی دلپذیری در ساختمان مزبور برگزار گردید. این ساختمان که به سبک زیبا و بدیسی ساخته شده است، دارای ۳۰ واحد مسکونی مجهز به اتاق خواب، حمام، یک آشپزخانه کوچک و متعلقات آن از قبیل یخچال، خوراکی‌پز برقی و دیگر وسائل راحتی می‌باشد.

اتاق ناهارخوری و سالن نشیمن، همجوار با یک تراس مفرح و همچنین استخر شای مناسب از جمله ملحقات این ساختمان می‌باشد. شبانه‌روزی جدید پرستاران در زمینی به مساحت ۳۵۰۰ مترمربع که ۱۴۸۰ مترمربع از آن زیربنا می‌باشد، در مجاورت بیمارستان مرکزی مسجدسلیمان بنا گردیده است. عملیات ساختمان بوسیله پیمانکار و زیر نظر اداره مهندسی شرکت ملی نفت ایران باتمام رسیده است. در سال ۱۳۴۸ بانو مجایی تصدی امور داخلی شبانه‌روزی‌های بیمارستان را بهعهده داشتند.

این ساختمان که هم‌اکنون مورد سکونت عده‌ای از پرستاران بیمارستان است، می‌تواند علاوه بر محیط مسکونی بودن، به آموزش پرستاری و بهیاری تخصیص یابد.

حسب اطلاعات مکسبه، علیرغم وجود امکانات و تجهیزات فوق‌الاشاره، هم‌اکنون به علت

کمیود شدید پزشکی و کادر درمانی، متأسفانه از امکانات و تسهیلات موجود بهداری و بهداشت منطقه مسجد سلیمان بصورت حداقل استفاده می‌شود. اغلب بخشهای بیمارستان بسته و از بخشهای فعال نیز به ظرفیت بسیار کمتر از توان آنها استفاده می‌گردد.

- اغلب در مانگاهای تخصصی بدلیل عدم وجود پزشکی متخصص، تعطیل می‌باشند.

- آزمایشگاه مجهز این بیمارستان فاقد متخصص علوم آزمایشگاهی است.

- اطاق رادیوگرافی بعلت نداشتن متخصص رادیولوژی نمی‌تواند با ظرفیت کامل مورد استفاده قرار گیرد.

- تجهیزات مرکز مبارزه با سل بعلت عدم وجود پزشکی متخصص شرکنی هم اکنون مورد استفاده هلال احمر قرار می‌گیرد.

- تجهیزات فیزیوتراپی با استفاده از خدمات یک نفر تکنیسین فیزیوتراپی مورد استفاده قرار می‌گیرد. روی هم رفته از جمع امکانات و تسهیلات موجود در بهداری و بهداشت منطقه مسجد سلیمان فقط ۳۰ درصد استفاده می‌گردد.

آقای دکتر علی نهاوندی، اولین و قدیمی ترین متخصص چشم در بیمارستان صنعت نفت مسجد سلیمان می‌باشند. او تا سال ۱۳۵۱ تنها متخصص چشم در مناطق نفت خیز اهواز، آغاچاری، خارک، گچساران و مسجد سلیمان بود و از اینجا به سایر مناطق جهت معاینه و درمان بیماران اعزام می‌شدند. ایشان با اینکه سنش از ۸۰ سال گذشته ولی بسیار فعال و پرکار بوده و هنوز مشغول معالجه بیماران است. دکتر نهاوندی علاقه شدیدی به مردم مسجد سلیمان داشته و دارد و بیش از ۵۰ سال است که صادقانه در این شهر خدمت می‌کند. نویسنده از زحمات و خدمات فراوان ایشان تقدیر و سپاسگزاری می‌نماید.

اداره خدمات کارکنان منطقه مسجد سلیمان :

به موازات پیدایش نفت در منطقه مسجد سلیمان در سال ۱۲۸۷ خورشیدی و کشف تدریجی سایر مناطق نفتی دیگر، اندیشه خانه سازی و شاید بهتر بتوان گفت شهر سازی در مخیله مسئولان صنعت نفت ریشه گرفت قبل از این تاریخ، در شهرستان مسجد سلیمان که سالها مرکز مناطق نفتخیز بود، فقط یک خانه نسبتاً بزرگ در محله دپشت برج، وجود داشت که بر بالای کوهی واقع شده بود و یکی از جوانین در زمستان و بهار در آن سکونت می‌نمود و عشایری که برای چراندن احشام خود به این منطقه می‌آمدند در سیاه چادرهای خویش سکونت می‌کردند.

در آغاز فعالیت صنعت نفت، کارکنان محدود آن زمان در چادرهای مخصوص بسر می‌بردند، اما

هنگامی که وجود نفت به میزان تجارتمی محرز و تأیید گردید، لزوم خانه‌سازی و توسعه شهر و بالاخره راه‌سازی بین مسجد سلیمان و سایر مناطقی که بشاریج نفت در آنها کشف می‌شد، محسوس و ضروری گشت. از این رو ساختن مسکن و توسعه شهر سرعت آغاز گردید. فعالیت مربوط به تأسیسات شهری از اوایل سال ۱۹۰۹ میلادی آغاز شد. قدیمی‌ترین پیمانکاران راه‌سازی صنعت نفت مسجد سلیمان عبارتند از:

۱ - کریلایی بنیاد صالح ابراهیمی

۲ - رضاقلی بهادری شهنی (عظیمی)

۳ - آقاکیخاشیخ شهنی

۴ - مشهدی قاسم قاسمی نصیر

نخستین خانه‌ای که ساخته شد، بنگله دکتر یانگ بود که بر روی تپه‌ای واقع شده و اکنون محل دادگاه و دادسرای انقلاب اسلامی مسجد سلیمان است. مسجد سلیمان از لحاظ موقعیت طبیعی و وجود ناهمواریها، وضع بخصوصی داشته و از نظر اسلوب شهرسازی، شاید تنها شهری در ایران باشد که در دامنه تپه‌ها واقع شده و وجود تپه‌های متعدد و کمی زمینهای مسطح، پراکندگی زیادی را در این شهر بوجود آورده که همین انفصال و دوری نقاط شهر از یکدیگر، باعث شده که بر وسعت آن روز بروز افزوده گردد و نواحی تازه بدان اضافه شود. حتی به بالاترین نقاط تپه‌ها نیز هجوم می‌برند که البته از این لحاظ مشکلاتی را برای مؤسسات برق و آب و فاضلاب بوجود آورده‌اند. با اینکه این شهر نوبنیاد بوده و ۸۷ سال است که از عمر صنعتی آن می‌گذرد، ولی هیچ اثری از اسلوب و روشهای جدید شهرسازی در آن به چشم نمی‌خورد که علت اصلی آن همانا ناشی از موقعیت جغرافیایی آن است که امکان اجراء برنامه‌های شهرسازی را نمی‌دهد و از نظر سبک ساختمان، دو چهره متضاد در مقابل هم قرار دارند. چهره نخست، نواحی مسکونی‌ای است که در اختیار شرکت نفت می‌باشد و برای کارکنان صنعت نفت ساخته شده و تا چندی پیش از مدرن‌ترین نوع مسکن در خاورمیانه بوده‌اند و به سبک و سیستم منازل نواحی صنعتی اروپا ساخته شده‌اند که همه مجهز و روی اصول بهداشتی ساخته شده‌اند. در حالی که منازل نوع دوم که متعلق به افراد غیرشرکتی است از نظر سبک ساختمان، مطابق با آداب و رسوم مهاجرین است و در بعضی موارد منظور از ساختن خانه فقط داشتن محلی بنام خانه بوده که زندگی و عمر خود را در آن سپری کنند و بعضی از آنها شاید برای یک نفر ناآشنا، تصوری از دوران «حجر» بوجود آورد.

بطور کلی اکثر منازل بومیان روی اصول معماری و تکنیک ساختمانی بنا نشده و بمراتب بدتر از نواحی اطراف شهرها می‌باشد.

شهری که دارای ۸۷ سال فرهنگ صنعتی بوده و اولین تأسیسات و امکانات تکنولوژی، خدماتی

و رفاهی خاورمیانه و بعضاً آسیا، در آن بنا شده و میلیونها دلار پول از آن خارج گشته، اکنون ساکنین در منتهای بدبختی بسر می‌برند. این وضعیت اسفناک را می‌توان با تک بیت زیر بیان نمود:

کاخ‌های مرتفع از نفت در لندن پیاست لیک ایرانی به کوخ و دخمه‌ها کرده مقام
مجموع خانه‌های موجود در مسجد سلیمان، تعداد ۹۸۹ باب خانه کارمندی و ۱۶۲۴ باب خانه
کارگری و ۸ باب مهمانسرا، مهمانخانه و پانسیون مختلف می‌باشد. هم‌اکنون آقای سلطان
شهنی‌زاده رئیس اداره خدمات کارکنان می‌باشد.

وظایف این اداره حفظ و نگهداری کلیه ابنیه موجود شرکت نفت در سطح منطقه و در ضمن کار
فراهم کردن تسهیلات رفاهی کارکنان صنعت نفت و بسیاری از پرسنل سایر سازمانهای دولتی و
ارگانهای انقلاب اسلامی را بعهده دارد.

اداره خدمات کارکنان این منطقه از سه قسمت مجزا از یکدیگر تشکیل گردیده است که عبارتند از:
الف - تعمیرات منازل ب - تدارکات ج - خدمات اجتماعی

الف - تعمیرات منازل ، Housing = Maintenance

مسجد سلیمان در آن زمان که مادر مناطق نفتخیز ایران بود، رشته کوههایی داشت صعب‌العبور،
سپرده به صبر و به همت سالیان دراز انزواء که بارانهای متناوب بر سنگستان‌هایش باریده و نف
خورشید سوزان بر آن تابیده، گیاهان وحشی در آن روئیده و بار دیگر خشکیده...

ساکنانش دام و دوانی بودند و گاهی شبانانی که برای چراندن اغنام و احشام خود به آن کوهستان
روی می‌آوردند که احياناً طعمه گورگان، پلنگان و خرسان می‌شدند!

بتدریج کوهها و دشتها خود را برای پذیرش پیامی از کاری تو، آماده کردند. حفاری، شهرسازی،
جاده‌سازی، خانه‌سازی و ایجاد تأسیسات در مخیله مسئولان این صنعت عظیم ریشه گرفت. ابتدا
کارکنان معدود اولیه‌اش در چادر می‌زیستند، آنهم با وسائل ابتدائی نیمه مجهز. توسعه کار
ایجاب کرد تا خانه‌سازی به سرعت پیشرفت کند. فیافه کوهستانهای خرم، طبیعت بکر زیبا،
درختان انبوه و گل بوته‌های سرسبز مسجد سلیمان بتدریج تغییر یافت و شکل و شمایل دیگر به
خود گرفت.

خانه‌هایی که در آن زمان ساخته می‌شد فاقد استاندارد مشخصی بود. در آن موفع هنوز صنعت
نفت اداره و سازمانی بنام اداره ساختمان نداشت، لذا چند باب خانه به تقلید از مبک متداول و
معمول شهرهای قدیمی خوزستان مانند شوشتر، دزفول و رامهرمز که در آنها سردابهایی نسبتاً

عمیق احداث گردیده، ساخته شد که از جمله می توان ساختمانهای شماره ۷ و ۸ که مرکز شرکت ملی نفت ایران است نام برد. کارکنان روزهای گرم تابستان را پس از فراغ از کار در آن می آرمیدند و از هوای مطبوع و متناسب با آن زمان استفاده می کردند.

این سردابها در شوشر و دزفول نامهای مخصوص دارند. سردابهایی که در عمق کم می باشند بنام شبستان نامیده شده و چنانچه حدود ۱۰ تا ۱۲ متر زیر زمین حفر شده باشند، شوادان (یا در اصطلاح محلی شوادون = Shavadoon) نامیده می شوند. هوای شوادون سرد و مطبوع است که روزهای داغ، بدون پتو و روپوش ضخیم نمی توان در آن خوابید.

در مسجد سلیمان تعدادی خانه وجود دارد که دارای زیرزمین می باشد و چون عمق آن زیاد نیست (سرداب) نامیده می شود. این زیرزمینها که هنوز بعضیها به آن (شوادون) می گویند اکنون به علت وجود برق، کولر و تهویه مطبوع، مورد استفاده اصلی قرار نمی گیرند و به انبار یا آبدارخانه تبدیل شده و به هر صورت بنحو دیگری مورد بهره برداری واقع گردیده است.

زیرزمین و بادبزن برزنتی بجای کولر و چراغ نفتی بجای نور الکتریکی ۱

همانطوری که قبلاً ذکر شد خانه هایی که در آن موقع ساخته می شد، استاندارد معینی نداشت و چون کمپانی نفت در آن زمان هنوز اداره مطلق بنام منازل تأسیس نکرده بود، لذا ساختمان چند باب خانه را به پیمانکاران محلی واگذار نمود. اولین پیمانکاری که قرارداد خانه سازی با او منعقد گردید شخصی بود بنام (حاج محمدتقی هادیزاده) که بین اهالی به «نفتی» معروف شده بود. شرکت نفت پس از مدتی قرارداد دیگری هم راجع به ساختمان سازی با (آ. جاوربهداری) از طایفه جلیل و بزرگ شهنی منعقد نمود.

ساختمانهای اولیه صنعت نفت به سبک متداول آن زمان خوزستان، دارای دیوارهای بسیار قطور و اطاقهای نسبتاً وسیع بود، ولی نداشتن برق بخصوص در تابستانهای توانقرسای خوزستان فعالیت و پیشرفت امور را خاصه که در آغاز گسترش خود بود، دچار اشکال می نمود. از این رو به تقلید از سبک معماری متداول در شهرهای خوزستان در خانه های شرکت سردابهایی نسبتاً عمیقی احداث نمودند که از جمله می توان ساختمانهای شماره ۷ و ۸ را در مسجد سلیمان نام برد. ساختمانهای مذکور پس از تغییراتی که در آنها داده شد، مرکز ادارات شرکت ملی نفت ایران در مناطق نفت خیز شده بود.

ایجاد هوای مطبوع در ادارات، بدین ترتیب بود که از سقف آنها بادبزنهای مخصوصی آویزان می کردند. اختراع این نوع بادبزن را منتسب به هندیها می دانند. این بادبزن بشکل مربع مستطیل و جنس آن از برزنت بود و به ابعاد تقریبی $۶ \times ۲/۵$ متر بود. در قسمت پایین بادبزن مقدار معینی

(جو) یا (سنگ ریزه) قرار می‌دادند تا سنگین شود و طنابی به آن آویزان می‌کردند و یک مستخدم در انتهای اطاق می‌ایستاد و بادبزن برزنتی را بطور منظم و یکساخت می‌کشید و بدین ترتیب هوا به جریان می‌افتاد. برای تأمین آب سرد، آب را در مشک و کوزه ریخته، در سایه و در مجاورت هوا قرار می‌دادند و تا حدی که خنک و قابل شرب می‌گردید می‌نوشیدند. سرانجام با تأسیس کارخانه‌های برق و یخ‌سازی، بسیاری از این معضلات حل شد. آنچه گذشت دورنمایی بود از کارهای ساختمانی آن دوران.

منازل کارکنان کارخانه‌ها اغلب مجاور کارخانه یا کارگاه بنا می‌گردید و بیشتر بخاطر زودتر رسیدن به محل کار و جلوگیری از ازدیاد وسائط نقلیه صورت می‌گرفت. معمولاً در مجاورت کارگاهها، خانه سکونی زیادتر بوده و اغلب ساکنین این خانه‌ها وابستگی مستقیمی با کارخانه داشتند. مانند محله تمبی که صرفاً منازل کارگران و کارمندان کارخانه برق شرکت نفت آنجا بود و اکنون نیز به کارکنان برق همران و ارتش واگذار گردیده است. یا محله بی‌بی‌یان که عموماً کارکنان وابسته به کارخانه‌های تقطیر و گوگردسازی در آنجا است.

در مسجد سلیمان بنگله‌های شرکت نفت در اثر توجه و مراقبت منظره دلپذیری پیدا کرده، انواع اقسام گل و ریحان در باغها و کنار سبزیکاریها، صفا و طراوت مخصوصی را بوجود آورده بود. اکنون مشابه ساختمان مرکزی ادارات این منطقه را نمی‌توان در مناطق نفت خیز دیگر یافت، زیرا این ساختمان سراپا سفیدرنگ، قدیمی بوده و در حدود ۷۰ سال قدمت دارد و کارکنان منطقه آن را به طنز (کاخ سفید) می‌نامند.

بهر حال واحد تعمیرات منازل که بخشی از اداره خدمات کارکنان منطقه مسجد سلیمان می‌باشد، کار تعمیرات کلیه منازل متعلق به شرکت، اعم از آنهایی که مورد سکونت کارکنان قرار گرفته و یا ابواب جمعی سازمانهای دولتی دیگر در آنها سکونت دارند (بجز منازل تخصیص یافته به ارتش در سنوات قبل از انقلاب) و نیز کار تعمیرات تأسیسات و ادارات شرکتی موجود در منطقه را انجام می‌دهد.

این واحد برتریب از قسمتهای زیر تشکیل گردیده است:

الف ۱ - تعمیرات راه و ساختمان: این قسمت به صورت دو ناحیه تفکیک شده مشول تعمیرات منازل، ادارات و اماکن عمومی و غیره که در اختیار شرکت نفت، دوائر دولتی و ارگانهای انقلاب اسلامی است را یا کلیه کارهای تعمیرات ساختمانی منطقه از قبیل کارهای اضطراری، انتقالی و اساسی پیش‌بینی شده انجام می‌دهد. هم‌اکنون آقای اله مراد قاسم پور سرپرست واحد تعمیرات راه و ساختمان می‌باشد.

الف ۲ - تعمیرات راه و فاضلاب : این واحد در زمینه نگهداری و تعمیرات راههای داخلی و خارج از منطقه که در حدود ۲۳۰ کیلومتر شامل گذارلندر، هفتکل، نمره ۳، جاده‌های داخلی و همچنین نگهداری شبکه فاضلاب در سطح منطقه، انجام وظیفه می‌نماید.

هر وقت منبع نفت جدیدی کشف می‌شود یا چاه جدیدی حفر می‌گردد و یا عملیات توسعه در جایی صورت می‌گیرد، معنی‌اش این است که ما می‌بایست برای دسترسی به محل عملیات جاده‌سازی کنیم. جاده برای انتقال اسباب و لوازم و نیروی انسانی، جاده برای بازرسی، تعمیرات و عملیات دیگر. بنابراین جاده‌سازی که در شرکت ما توسط اداره مهندسی سیویل صورت می‌گیرد از فعالیتهایی است که دائماً در حال توسعه است.

در قدیم آقای آرکاس، مهندس مسئول راه‌سازی و پل‌سازی منطقه مسجدسلیمان و نواحی اطراف آن بود که اداره وی هم، در این منطقه قرار داشت.

مسجدسلیمان اولین شهری است در خاورمیانه که دارای سیستمهای لوله کشی آب و فاضلاب شده و بعدها با افزایش جمعیت نیز، شهرداری شهر مسجدسلیمان مجبور به تأمین آب آشامیدنی منطقه شهری شد و قبل از انقلاب به کمک صنعت نفت آب آشامیدنی اهالی نیز تأمین گردید و فاضلاب ساکن شهر نیز با اقدامات شهرداری به لوله‌های فاضلاب شرکت نفت وصل گردید.

از سال ۱۳۵۷ به بعد شهرداری با اخذ مبلغی از اهالی هر محله، اقدام به احداث کانالهای فاضلاب در اکثر نواحی شهر نمود و از این نظر مسئله بهداشت محیط زیست تا حدی حل گردید. در حال حاضر آقای علی شیر منجزی سرپرست این واحد می‌باشد.

پل تمبی : در سال ۱۳۰۷ پلی روی رودخانه شور تمبی نصب گردید که تقریباً محلی است که در بهار ناگهان تپه‌های رشته کوههای زاگرس مفروش از سبزه شده، قرمزی گل‌های آن سامان و غروب دل‌انگیزش منظره بسیار زیبایی دارد. اطراف پل تمبی بهاری با گل‌های وحشی خصوصاً گل لاله، شقایق و ترگس وحشی در میان تپه‌های فراوان دیده می‌شود. اینجا یکی از مناطق دیدنی فصلی مسجدسلیمان به شمار می‌رود.

پل لالی : در سال ۱۹۴۸ میلادی بر آن شدیم تا پلی روی رودخانه کارون بنا کنیم. این پل در حدود ۶۰ فوت از سطح آب ارتفاع دارد و بسیار زیبا است و راه ارتباطی خوبی می‌باشد.

پل نمره یک : پل فعلی نمره یک در سال ۱۳۲۶ ساخته شد. این شهر که بدلیل کوهستانی بودن به چند منطقه تقسیم شده است، دارای دره‌های بزرگ و خطرناکی است که در زمستان بر اثر ریزش بارانهای کوهستانی و سرازیر شدن سیلاب در این دره‌ها، عبور و مرور را بسیار مشکل می‌نماید. البته شاید در اعصار گذشته که مسجدسلیمان کوچکتر از زمان فعلی بود و هنوز اتومبیل نبود و

وسیله نقلیه تنها به چهارپایان محدود می‌شد، مشکلی این چنین وجود نداشت. اما با پیدایش نفت و آمدن اتومبیل نیاز به ساختن جاده‌های ماشین‌رو و پل احساس شد. لذا آتانی که بوی نفت را احساس کرده و خود را از آن سوی دنیا به این شهر رسانده بودند، برای به یغما بردن سرمایه مردم محروم، دست به کار شدند، جاده‌ها و پلها یکی پس از دیگری ساخته شد و مسجد سلیمان که تا آن زمان کمتر شباهتی به شهر داشت، رفته رفته چهره دیگری پیدا کرد. بهر حال لازم به ذکر است که پل قدیمی نمره یک در آغاز فعالیت‌های راه‌سازی احداث شد و بیش از هشتاد سال قدمت دارد. پل گذار لندر، در سال ۱۳۴۳ راهی بطول ۱۷ میل از گذار لندر واقع در شمال شرقی مسجد سلیمان به دشت اندیکا، از طرف شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران در دست ساختمان بود.

راه مزبور دو میل پایین تر از تلمبه‌خانه آب گذار لندر، در محلی که بقایای پل بسیار قدیمی وجود دارد از رودخانه کارون می‌گذرد. در این محل ساختمان پل جدید فلزی وجود دارد. طول این پل ۲۴۵ پا و دارای سه چشمه (دهانه) است که بترتیب از سمت جنوب ۷۵، ۹۰، ۸۰ فوت با یکدیگر فاصله دارند. کارهای ساختمانی این پل بوسیله شرکت ملی ساختمان که پیمانکار این پروژه بود و تحت نظر اداره ساختمان شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران، بوسیله مهندسین و کارگران ایرانی انجام گردید. کارهای ساختمانی این پل در دیماه سال ۱۳۴۳ آغاز و در مهرماه سال ۱۳۴۴ از آن بهره‌برداری گردید. از این راه و پل جهت نقل و انتقال وسائل حفاری و تجهیزات لازم دیگر به منظور انجام عملیات حفاری اکتشافی در دشت اندیکا استفاده بعمل خواهد آمد. تا چند سال پیش عبور از رودخانه کارون در محل گذار لندر، همچنان آبر بود و عشایر بختیاری همراه با ربه‌های خود سالیان متمادی از گذار لندر به اندیکا و بالعکس با طولانی (کلک) ایاب و ذهاب می‌کردند. بعداً اینج جایگزین آن شد و امروزه پلی نصب شده که این امر را راحت نموده و دسترسی به اندیکا آسان شده است. پل قدیم گذار لندر در زمان ساسانیان و بدست (خره‌زاد) مادر اردشیر بابکان که در آن دوران، وی اولین مهندس پل‌سازی زن در جهان بود، ساخته شده است.

وجود پل مزبور، موجب ایجاد ارتباط بیشتر و مستقیم اهالی بخش اندیکا که جزء حومه مسجد سلیمان بوده و در سال ۱۳۵۲ جمعیتی بالغ بر ۲۵ هزار نفر داشت، گردیده است. پلی از بتن مسلح : لوله ۶ اینچ چدنی خط فاضلاب که از طرف مالک‌کریم در مسجد سلیمان به تلمبه‌خانه فاضلاب کشیده شده بود، به جهت آنکه دره‌ای را در ارتفاع کوتاهی قطع می‌کرد، در دو نوبت بوسیله سیلاب سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۱ شکسته شد و از بین رفت.

تجربه‌ای که از دوبار انهدام آن بدست آمد، این بود که اولاً خط لوله فاضلاب می‌بایست دره را در ارتفاع بیشتری قطع نماید و ثانیاً حتی الامکان پایه عمودی جهت حمل آن در کف رودخانه کار گذارده نشود. به منظور فراهم نمودن این دو هدف، واحد تعمیرات راه اداره مستقرات شرکت ملی نفت ایران در مسجد سلیمان در شهریورماه ۱۳۵۱ پلی به شکل قوس از بتن مسلح در کارگاه مرکزی خود ساخت و سپس آن را به وسیله جرثقیل بلند کرد و به محلی که می‌بایست کار گذارده شود، حمل نمود و سپس آن را بر روی پایه‌های بتنی که قبلاً در محل ساخته شده بود سوار کرد. وزن قوس بتنی سهمی شکل $4/75$ تن بوده و این وزن اجازه می‌داد که جرثقیلی که انحراف بازوی آن نسبت به افق در حدود حداکثر ۶۵ درجه بود براحتی آن را بلند و حمل کند. انتقال این قوس به نحو آریزان از بازوی جرثقیل انجام شد و در محل دو انتهای آن در داخل شکافهایی که در بلوک بتنی تعبیه شده بود جاداده شد و اطراف آن برای نگهداری بتن‌ریزی شد. دهته قوس ۷۰ فوت، حداکثر ارتفاع آن ده فوت، عمق آن ۹ اینچ و عرض آن ۱۵ اینچ بود و این عرض، کارکردن آسان و ایمنی کارگران را بر روی آن، جهت ادامه ساختمان و لوله‌بندی خط فاضلاب فراهم نمود و در نتیجه احتیاجی به ساختمان داربست دیده نشد.

آرماتورهای این پل بوسیله ۶ میل‌گرد ۳ اینچ تهیه شده بود که سه عدد از آنها در نزدیک سطح بالا و سه عدد در سطح پایین قرار داده شده و بوسیله ۷۳ عدد میل‌گرد ۳ اینچ که به شکل مستطیل خم شده بود بدین صورت فکسی از آرماتوربندی درآمد و در قالب جای داده شدند. قالب قوس به روی زمین مسطحی و در حالت افقی پیاده شد و از آجر ساخته شد و دو سطح درونی آن بوسیله گچ صاف و صیقل شد و بتن‌ریزی درون این قالب انجام گرفت.

پل مال‌الکریم: سالها گذشت تا در مسجد سلیمان چاه نفت به چاههای متعدد نفت تبدیل شد تا اینکه بالاخره نفت آن ته کشیده و به قولی کفگیر به ته دیگ خورد و یکباره شهر مسجد سلیمان به حال خود رها شد. بیشتر جاده‌ها و پلها همان ساخته‌های قدیمی بودند که با گذشت زمان فرسوده شدند، از جمله همین پل مال‌الکریم که دو قسمت شهر را به هم متصل می‌نمود. این پل که دیگر رمقی بر پیکرش باقی نمانده بود با راه افتادن سیلاب در سال ۱۳۶۱ یکباره از پای درآمد و به آهن پاره‌ای تبدیل گردید و بار مشکلات این شهر را دوچندان کرد. لذا پس از مطالعاتی که از سوی شرکت ملی نفت مناطق نفت‌خیز بعمل آمد، تصمیم گرفته شد، پلی با کیفیت و مشخصات استاندارد وزارت راه و ترابری به جای پل قدیمی احداث شود که پس از طراحی و تعیین مسیر پروژه مذکور، از طریق مناقصه به پیمانکاران واگذار و عملیات ساختمانی آن از اواخر سال ۱۳۶۲ با بودجه‌ای معادل ۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال آغاز شد.

پل جدید مالکرمیم که در مرکز شهر واقع گردیده و همانگونه که قبلاً هم اشاره شد، باعث ایجاد ارتباط بین دو نقطه شهر می‌گردد از حاشیه ساختمان مرکزی شرکت نفت شروع و به ساختمان مهمانسرای شرکت نفت منتهی می‌شود. قابل ذکر است که جاده کمربندی مسجد سلیمان نیز در همین مسیر واقع شده است. این پل که ۵۰ متر طول دارد و از سه دهانه پانزده متری با ستونهای سنگی و بتنی تشکیل شده که دارای ۹/۲۰ متر عرض برای رفت و آمد وسائط نقلیه و همچنین پیاده‌رو جهت عبورین است. قابل ذکر است که عملیات طراحی و نظارت پروژه، کلاً توسط اداره مهندسی و ساختمان مناطق نفت خیز و از طریق اداره پروژه‌های راه انجام گرفته است. این پل در اواخر سال ۱۳۶۳ تکمیل و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

الف ۳ - عملیات منازل (امور منازل) Housing Operation

این واحد به دو قسمت واگذاری منازل و باغبانی و نظیفات تقسیم می‌شود: **واگذاری منازل** : عهده‌دار واگذاری منازل سازمانی به متقاضیان براساس ضوابط می‌باشد. نگهداری امتیازات و رعایت حق تقدم کارکنان از وظایف این شعبه است. در ضمن کار تحویل و تحول منازل در مواقع جابجایی کارکنان را نیز بر عهده دارد. نگهداری و بایگانی سوابق مربوط به منازل صنعت نفت در این قسمت صورت می‌گیرد. هم‌اکنون آقای علی احمدی مسئول این واحد می‌باشد.

باغبانی و نظیفات : کار احداث و نگهداری گلخانه‌ها، ایجاد مراتع سبز و ارائه خدمات باغبانی به کارکنان و محوطه‌های باغبانی و نظیفات اداری، تکثیر و توزیع نهال بین پرسنل شرکت نفت و ارسال آن به سایر مناطق را بر عهده دارد. ضمناً کار نظیفات ادارات و محوطه‌های مسکونی را نیز انجام می‌دهد. هم‌اکنون آقای عباس ابراهیم‌زاده مسئول این واحد می‌باشد.

الف ۴ - تعمیرات برقی : این واحد مسئولیت تعمیرات برق کلیه منازل، ساختمانهای اداری و تأسیسات شرکت نفت را عهده‌دار می‌باشد و علاوه بر این شبکه‌های توزیع برق شامل ۱۶۰۰۰۰۰ فوت کابل هوایی ۱۶۰۷۰۰۰ فوت خط زمینی و روشنایی خیابانهای محوطه شرکتی را بر عهده دارد. تعمیرات ضروری توسط این واحد بصورت روزانه انجام می‌شود، و همزمان با تعمیرات انتقالی و دوره‌ای منازل و ساختمانها و دیگر تأسیسات، تعمیرات برقی آنها نیز طبق برنامه تدوین شده انجام می‌شود. پروژه‌های تقویت شبکه برق‌رسانی از قبیل کابل‌گذاری و تعویض سیم‌پیچی موتورهای برقی تک‌فاز، سه فاز و سیم‌پیچی ترانسفورمرهای برقی سیم‌پیچی کمپرسورها و موتور فن‌های سه فاز و تک فاز دستگاههای خنک‌کننده و تعمیر اجاقهای برقی، جزء کارهای برنامه شده این واحد می‌باشد. در حال حاضر آقای شاپور عالیپور مسئول این واحد

می‌باشد.

الف ۵ - تعمیرات تهویه هوا و مکانیکی : این قسمت مسئولیت تعمیر کلیه ماشین آلات مکانیکی، تلمبه‌های فاضلاب، تلمبه‌های استخرها، دیگ بخار، لباسشویی، دستگاههای استریلایزر و کارخانه آسفالت‌سازی را ضمن رفع مشکلات روزانه بعهدہ داشته و تعمیرات کلی آنها را طبق برنامه انجام می‌دهند.

کارگاه مکانیکی دارای یک دستگاه ماشین تراش و دستگاههای دیگر می‌باشد که برای ساختن قطعات یدکی و رفع نیازهای فوری بکار می‌روند. تعمیرات تهویه هوا در تمام فصول سال بعطت ازدیاد کار، دارای وظیفه سنگین و متراکم می‌باشد. زیرا در تابستان راه‌اندازی و نگهداری دستگاهها و در زمستان تعمیرات اساسی و آماده کردن آنها با توجه به کمبود و نبودن قطعات یدکی، دستگاههای موجود را دو تا، یکی کرده تا بتوان به هر صورت مسکن ۱/۳۸۴ دستگاه کولر و ۱۰۳ دستگاه تهویه مطبوع و ۱۰۳ دستگاه سردخانه مختلف و ۲۶۳ دستگاه یخچال و ۲۰۶ دستگاه آب‌زدکن و دستگاههای تهویه و حرارت مرکزی، ادارات منازل، بیمارستان، درمانگاهها، باشگاهها و غیره را آماده بخمدت نماید. هم‌اکنون آقای بیگلر صالح‌پور مشول این واحد است.

الف ۶ - عملیات طرح و برنامه‌ریزی تعمیرات : این واحد مسئولیت طرح، برنامه‌ریزی و تعیین بودجه سالیانه ادارات و مهیا کردن مصالح مورد نیاز بموقع و تهیه هزینه‌های مالی و جلوگیری از مخارج بیهوده را بعهدہ داشته و نقش مفید و مؤثری در نظارت کامل بر مصارف بودجه ادارات و قسمتهای تعمیراتی دارد. در حال حاضر آقای پرویز ارجمند سرپرست این واحد می‌باشد.

تأثیر عوامل طبیعی در امر خانه‌سازی :

۱ - اثر توپوگرافی : توپوگرافی زمین تأثیرات مختلف و در عین حال مهمی را در امر خانه‌سازی و مسکن انسانی دارد. هرچه به ارتفاع اضافه گردد از تراکم مساکن کاسته می‌شود ولی موارد استثنایی نیز وجود دارد مانند آلپهای شمالی فرانسه که تراکم جامعه انسانی در آنها زیاد می‌باشد. پستی و بلندی در شکل ساختمان و مصالح مؤثر می‌باشند. چنانکه مصالح عمده مصرفی در ساختمانهای نواحی کوهستانی سنگ و گچ می‌باشد. در حالیکه در نواحی جلگه‌ای استفاده از گل و خشت رونق بیشتری دارد.

مهمترین عامل طبیعی در ایجاد واحدهای مسکونی مسجدسلیمان، وضع ناهمواریها است. زیرا

وجود تپه‌های متعدد و کمی زمینهای مسطح، پراکندگی زیادی را در نقاط مسکونی بوجود آورده است و سبب انفصال و گسیختگی این شهر شده است.

وجود این تپه‌ها سبب هجوم افراد به نواحی نسبتاً مسطح اطراف گشته است و پرتراکم‌ترین نواحی شهر را بوجود آورده‌اند، ولی بعداً نیز بعثت ازدیاد جمعیت و کمبود زمینهای مسطح و هموار، مردم به نواحی مرتفع نیز روی آوردند و هر چند خانواده‌های در پای تپه‌ای سکنی گزیدند و محله یا ناحیه‌ای برای خود بوجود آوردند که شیب مساکن در فستهای کوهستانی تا (۶۰٪) نیز می‌رسد. همچنین موقعیت کوهستانی سبب شده که مصالح عمده مصرفی، سنگ باشد.

۲- نور طبیعی: این عامل همچنان ژل مهمی را در بنای مساکن ایفا می‌کند. در نقاطی که آب و هوای سرد حکمفرما است خانه‌ها در معرض تابش نور خورشید قرار می‌گیرند و در مناطق گرم، سعی می‌شود که مساکن کمتر در معرض تابش مستقیم واقع شوند. مسجد سلیمان که در سال بیش از دو فصل ندارد که یکی فصل بارندگی و اعتدال هوا و دیگری فصل گرما و خشکی است، لذا سعی می‌شود که اطاقها مستقیماً در معرض تابش نور واقع نشوند که این امر در تقلیل دادن درجه حرارت داخل اطاقها در فصل گرما، سهم بسزایی دارد و اغلب اطاقها دارای دریچه‌هایی هستند برای استفاده از نور طبیعی در فصل اعتدال هوا و همچنین خانه را در جهت شمالی و جنوبی ساخته‌اند که در حدود ۸۰٪ از مساکن بدین ترتیب تا حدی ساکنین خود را از گرمای طاقت‌فرسای تابستان محفوظ می‌دارند. عامل دیگری که بوسیله آن با گرما مبارزه می‌کنند استفاده از کاهگل است که در تقلیل درجه حرارت بسیار مؤثر است.

۳- باد: این عامل در استقرار مساکن نقش مهمی دارد ولی اهمیت تأثیر آن در مناطق مختلف فرق می‌کند و در این ناحیه برای مصون ماندن ساکنین خانه از بادهای گرم و سوزان جنوب غربی که می‌وزند خانه‌ها را با دیوارهای بلند می‌سازند و برای برخورداری از باد شمال که مطبوع است خانه‌ها نیز در جهت شمالی جنوبی ساخته می‌شوند.

۴- بارندگی: این عامل طبیعی به سهم خود در نوع ساختمان و پراکندگی آن تأثیر بسزایی دارد. چگونگی آن را می‌توان از نوع ساختمانهای نواحی پرباران دریافت. لذا چون بارندگی این شهر اکثراً از نوع رگبار می‌باشد و در طول چند دقیقه بکجه مرتبه دریایی از آب جاری و همه جا را فرا می‌گیرد و این سیلابها به سوی دره‌ها سرازیر می‌گردند، لذا مردم برای جلوگیری از خسارات احتمالی این بارندگی و حفظ جان و مال خود، اکثراً بر روی نواحی نسبتاً مرتفع ساکن می‌شوند و بدین ترتیب از شر این بلای طبیعی، رهایی می‌یابند و همچنین ۳۷٪ از مساکن مسجد سلیمان مجهز به شیروانی هستند که راه دیگریست برای مقابله با بارندگی‌های این منطقه.

ساکنی که توسط شرکت نفت ساخته شده‌اند به چهار دسته تقسیم می‌شوند که خصوصیات هر گروه به این قرار است:

۱ - مساکن درجه یک: این مساکن بسیار مدرن و برای زندگی بسیار راحت و در عین حال مجلل بنا شده‌اند و دارای بیش از ۵ اتاق سکونی هستند که مساحت هر کدام بین ۱۲ - ۱۶ متر مربع می‌باشند همراه با کلیه وسائل لازم و مدرن امروزی بنا شده مانند دستگاههای تهویه مطبوع در زمستان و تابستان، آشپزخانه‌های مدرن و مجهز به گاز و اجاق‌های برقی، آب تصفیه شده و فاضلاب و سایر لوازم. همچنین در مقابل خانه‌های سکونی، محوطه‌های مخصوص سبزیکاری و گلکاری است. این خانه‌ها بصورت تکه تکه می‌باشند و با بوسیله حصارهای سبز یعنی درختان (موزد) بهم متصل و در طول یک خیابان و شبیه بهم هستند. این مساکن همه یک طبقه با پشت بامهای شیب‌دانی می‌باشند که اصطلاحاً در زبان محلی به آنها بنگله می‌گویند.

۲ - مساکن درجه دو: این مساکن نیز نسبتاً جالب و مدرن هستند و هر کدام دارای بیش از ۴ اتاق سکونی به مساحت ۱۲ - ۱۴ متر مربع و سایر ضمیمه‌ها مانند انبار و غیره می‌باشند و به کلیه وسائل لازم و مدرن امروزی مانند دستگاههای تهویه مطبوع در زمستان و تابستان و آشپزخانه‌های مدرن و مجهز به اجاقهای برقی و آب تصفیه شده مجهز می‌باشند. این مساکن نیز بصورت خانه‌های تکه تکه در امتداد خیابانهای آسفالت شده قرار دارند و اصولاً خاتمی دیده نمی‌شود که به خیابان راه نداشته باشد و این مساکن نیز یک طبقه بوده و فقط چند سری از این خانه‌ها در ناحیه نفتک به صورت آپارتمان دو طبقه ساخته شده‌اند. چنین مساکنی نیز دارای باغچه‌هایی برای گلکاری و سبزیکاری و تقریباً شبیه به هم هستند.

۳ - خانه‌های درجه سه: این مساکن قبلاً به کارکنان جزء و دون پایه شرکت نفت داده می‌شد و تعدادشان بسیار زیاد و در کلیه نواحی با شدمتند که بیشتر در ناحیه چشمه علی و میدان قرار دارند. هر کدام از این واحدها بین ۳ تا ۴ اتاق با مساحت ۱۲ متر مربع و وسائل مختصری مانند یک آشپزخانه مجهز به گاز، آب لوله کشی، حمام داخلی، فاضلاب و یکی دو انبار که برای اکثر خانواده‌ها کافی نیست را دارا می‌باشند. این مساکن نیز سقف آنها هلال مانند بوده و بصورت تکه و در کنار هم ساخته شده‌اند.

۴ - مساکن درجه چهار: این مساکن متعلق به کارگران است و نسبت به سه نوع قبلی دارای وسایل ابتدایی هستند. در این مساکن حتی راه نسی برای ساکنین در نظر گرفته نشده و اغلب دارای یک یا دو اتاق به مساحت ۱۲ متر مربع با یک پنکه سقفی برای استفاده در تابستان گرم و سوزان و یک آشپزخانه با لوله کشی گاز طبیعی می‌باشد.

مساکن کارکنان شرکت نفت اجاره‌ای است. پرسنل کرایه آن را ماهیانه به صنعت نفت پرداخت می‌کنند و از دستمزد آنها کم می‌شود و این نسبت به نوع منزل‌ها و مقام افراد ساکن فرق می‌کند. مساکنی از شرکت به کارکنان ادارات دولتی داده شده که اینها نیز ماهیانه مقداری وجه بابت کرایه پرداخت می‌نمایند.

مواد سوختی و تولید حرارت در مساکن: در منازل و مساکن ساخت کمپانی نفت نسبت به موقعیت و مقام افراد در این صنعت از وسایل و مواد سوختی مختلف استفاده می‌شود. مثلاً خانه‌های درجه یک مجهز به کولرهای گازی و اجاق گازهای مدرن و دستگاه تهویه و ارکاندیشن می‌باشد و همچنین از گاز طبیعی که مقداری از مواد آن تصفیه می‌شود در خانه‌ها استفاده می‌گردد. اولین ناحیه‌ای که در خاورمیانه از لوله کشی برای سوخت و تولید حرارت در مساکن آن مورد بهره‌برداری قرار گرفته، مسجد سلیمان بود. در خانه‌های درجه ۲ و ۳ شرکت نفت نیز بخاریهای برقی و آشپزخانه‌های مجهز به گاز لوله کشی شده برای رفاه کارکنان وجود دارد.

تسهولات بازار: در آغاز پیدایش صنعت نفت در این شهر بازار نیز مانند سایر وسایل وجود نداشت و تعدادی خرده‌فروش در محل شهرداری فعلی مسجد سلیمان، یعنی جنب چاه شماره یک وجود داشت که نمی‌توانست جوابگوی احتیاجات مردم باشد و از طرفی شرکت نفت تا سال ۱۹۲۶ میلادی حاضر به ایجاد ارتباط با اقتصاد و بازرگانی کشور نبود و مایحتاج کارکنان خود را از خارج وارد می‌نمود و در دسترس آنها قرار می‌داد. چون زمینها تحت اختیار شرکت نفت بود و کسی اجازه ساختمان‌سازی را نداشت و از طرفی اولیاء امور ملاحظه کردند که جمعیت در حال افزایش است و احتیاج آنها به این نیرو است که آنها را به این سو گسیل داشته، لذا با سرمایه شرکت نفت یک سری مغازه سرپوش‌دار در سال ۱۹۲۶ م. ساخته شد و به کسانی که مایل به امر خرید و فروش و تهیه مایحتاج مردم بودند اجازه داده شد.

در این مرحله سیل اصفهانی‌ها، دزفولی‌ها، شوشتری‌ها بطرف مسجد سلیمان برای امور مغازه‌داری جاری شد. بدین ترتیب اولین هسته مرکزی دادوستد در این شهر بوجود آمد و کم‌کم با افزایش جمعیت و بالارفتن قدرت اقتصادی صاحبان مغازه‌ها، بر وسعت بازار افزوده گشت و قسمتهای دیگری بنام بازار شوشتریها، بازار کاروانسرای کلنگه، بازار نو، بازار مصدق و بازار سبزی‌فروشا احداث گردید و تا سال ۱۹۶۱ م. تعداد مغازه‌هایی که توسط شرکت نفت ساخته شد به ۱۸۶ باب رسید و بقیه توسط مردم و یا با اجازه از شرکت نفت ساخته شد. هم‌اکنون پولی که از کرایه مغازه‌های شرکت نفت بدست می‌آید تحویل حوزه علمیه مسجد سلیمان داده می‌شود تا به مصارف آن حوزه و طلاب برسد. همانطوری که قبلاً یاد شد، از زمانی که راههای ارتباطی بین

مسجد سلیمان و سایر شهرها و مناطق احداث گردید، عده‌ای بازاری، بیکار و المراد متفرقه از قبیل اصفهانی، دزفولی، شوشتری، ارمینی و غیره وارد مسجد سلیمان شدند و ابتدا به امور مغازه‌داری، بازرگانی و سپس به کارهای خدماتی در صنعت نفت اشتغال ورزیدند و مالیات متبادی در این دیار و خطه زرخیز طلای سیاه، جولان نموده و استفاده‌های زیادی برده‌اند، تا جایی که با بختیارهای مالک محل، وصلت نموده و در پناه این صنعت، خود و فرزندانشان به جاهای بالایی رسیدند. اکنون می‌بینیم بجای اینکه خیر و برکت این صنعت به بختیارهای دلاور برسد به اقوام دیگر رسیده است و آنها با کمترین فعالیت مفید، سرمایه‌ها بدست آوردند.

مسجد نمره یک: مسجد نمره یک که به (مسجد جامع) معروف است از همه مساجد شهر بزرگتر و عمر آن بیشتر است. اولین مسجدی است که بعد از اسلام در این شهر ساخته شده و حدود ۵۰ سال قدمت دارد. کلیه مراسم مذهبی و سوگواریه‌ها در این مکان برگزار می‌شود. این مسجد با کمک شرکت نفت ساخته شده است و اکثر پرسنل قدیمی صنعت نفت، مبلقی برای احداث آن اهداء کردند. ابتدای بنای مسجد جامع نمره یک با توجه به کتیبه آن ۱۳۲۵ شمسی می‌باشد.

کلیساها: در این شهر دو کلیسا وجود دارد که یکی متعلق به ارامنه واقع در نمره چهل و دیگری در ناحیه چشمه علی و متعلق به اروپائیان می‌باشد. که به طرز بسیار باشکوهی ساخته شده‌اند. این کلیساها با کمک شرکت نفت بنا شده‌اند.

قبرستانها: قبرستان نفتون که اداره آن با شرکت نفت و مخصوص کارکنان این صنعت و وابستگان نزدیک آنها بود. این قبرستان دارای باغچه‌های گل‌کاری و درختان زینتی است که هزینه این اقدامات را شرکت نفت پرداخت می‌کرد. اگر کسی غیر از افراد آن شرکت، در این گورستان بخاک سپرده می‌شد، بایستی در قبال هر آرامگاه تا قبل از ۱۳۵۰ شمسی یکصد تومان پرداخت می‌کرد. در کنار قبرستان مسلمانان در نفتون گورستان ارمینی‌ها نیز قرار دارد که آن هم بسیار مجهز است و گورستان اروپائیان نیز در منطقه نفتک قرار دارد. در این شهر دو قبرستان بسیار بزرگ وجود دارد که یکی در ناحیه کلنگه و دیگری در منطقه چهاربیشه واقع است.

وجه تسمیه منطقه «آفرمینی» :

در قدیم ایلام در کنار گاراژ شرکت نفت مسجد سلیمان، اداره‌ای واقع شده بود که / Field Road / Maintenance / And / Building یا تعمیرات راه و ساختمان منطقه خوانده می‌شد.

در ادبیات انگلیسی قانون است که کلمات را به اختصار بیان می‌کنند. با توجه به این مسئله

انگلیسی‌های ساکن در این شهر، لغات مذکور را هم بصورت F.R.M - and - B (اف . آر . ام . آند . بی) اداء می‌کردند.

بختیاربهای محل هم به تبعیت از آنها این کلمه‌ها را به شکل ساده و با تلفظ محلی یعنی آفرئبی بر زبان جاری می‌ساختند و آن را ترویج می‌دادند. بعدها منازل شخصی در اطراف آن اداره، بنا گردید و مردم شروع به ساختمان‌سازی کردند و به این طریق نام محله مذکور از اداره فوق‌الاشاره گرفته می‌شود.

با این توضیحات مختصر بر شما خوانندگان ارجمند آشکار می‌گردد که اکثر مناطق شهر مسجد سلیمان که نامی بیگانه بر خود دارند، وجه تسمیه‌شان اینگونه است.

واگذاری منازل مسکونی شرکت: همانطوری که در سطور گذشته مندرج است با توجه به قدمت تاریخی منطقه مسجد سلیمان از نظر عملیات صنعت نفت، در طول سنوات فعالیت آن، امکانات رفاهی متعددی ایجاد گردیده، بطوری که نه فقط کارکنان شرکت در طول مدت خدمت می‌توانستند از آن امکانات بهره‌مند شوند، بلکه بعلت وسعت آنها، امکان ارائه خدمات رفاهی به کارکنان سازمانهای دولتی دیگر و حتی اشخاص ثالث نیز وجود داشته است. این تجهیزات و امکانات نوعاً بیشتر به لحاظ استقرار مرکزیت عملیات در آن منطقه ایجاد شده بود، لکن بعضاً شمول عام استفاده از آنها فراهم گردیده، بطوری که بعدها پس از محدود شدن عملیات و بالتیجه کم شدن پرسنل شاغل در آن منطقه کماکان تهیه و تدارک لوازم و نگهداری امکانات و تجهیزات مزبور توسط شرکت نفت استمرار گردید. شرکت نفت از اوائل سال ۱۳۴۷ و حتی قبل از آن تا اواخر سال ۱۳۵۰ بتدریج عده‌ای از کارکنان شاغل خود را از مسجد سلیمان به سایر نقاط نفت‌خیز دیگر انتقال داد. بدنبال انتقال کارکنان تعداد زیادی از منازل شرکتی خالی از سکنه شد و لازم بود جهت نگهداری آنها مورد سکونت قرار گیرند. از طرفی در پی اقدام ارتش در مورد توسعه عملیات خود، منازل مسکونی نسبتاً زیادی جهت تخصیص به کارکنان آن سازمان مورد نیاز قرار گرفت و بالتیجه حدود ۱۰۰۰ واحد مسکونی در نواحی چشمه علی، چهارپشه، نفتک و بعضاً در سایر نواحی به کارکنان ارتش واگذار گردید. علاوه بر تخصیص منازل به شرح فوق تعدادی از ساختمانهای اداری نیز به دلیل عدم نیاز شرکت به آنها، به سازمان مزبور و سایر سازمانهای دولتی واگذار گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی دامنه واگذاری منازل شرکتی به کارکنان سازمانهای دولتی دیگر وسیعتر شد و سازمانهایی نظیر شهربانی، دارائی، آموزش و پرورش، فرمانداری، دادگستری، سپاه پاسداران، و... هر کدام به تناسب درخواست خود و باقی بودن منازل خالی، تعدادی از منازل مورد بحث را جهت تخصیص به کارکنان بمنظور استفاده از آن بعنوان

اداره در اختیار گرفتند. با توجه به مراتب فوق، روشن می‌گردد، در حدود ۱/۲۸۸ باب منزل از جمع ۲/۶۹۳ منازل مسکونی شرکت نفت در منطقه مسجد سلیمان در اختیار سازمانهای دولتی دیگر قرار گرفته و در میان استفاده کنندگان از منازل مسکونی شرکتی، عمده سهم نصیب ارتش گردیده است. در سالهای آخر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ارتش کار احداث تعداد زیادی از منازل سازمانی جهت واگذاری به کارکنان خود را شروع نمود و پس از یک توقف تقریباً کوتاه بعد از انقلاب به ادامه کار احداث مبادرت نموده است. در جلساتی که با شرکت مسئولین ارتش در شهرستان مسجد سلیمان تشکیل گردیده، آمادگی تخلیه بعضی از منازل شرکتی واگذاری شده به آنان به تناسب اتمام ساختمانهای در حال احداث از مسیر اداری و با رعایت تشریفات خاص صدور دستور اعلام شده و اضافه نمودند، نظر به اینکه ارتش درصدد توسعه عملیات مربوط به خود در بخشهایی از شهرستان مسجد سلیمان می‌باشد، چنانچه امکانات اعیان مجدد فعالیتهای شرکت در این منطقه مورد نظر قرار گیرد، در خصوص تخلیه تعدادی از منازل شرکت و نیز ساختمانها و اماکنی که بعنوان ادارات به آنها واگذار گردیده، همکاری وسیعی بعمل خواهند آورد.

مشخصات ساختمانهای شرکت نفت قبل از واگذاری به دولت :

نام	محل	دو قدیم
۱ - دبیرستان نوروز	میدان	باشگاه هندیها بود
۲ - دبیرستان محمدرضا سابق	سبز آباد	هاستل کارکنان هندی بود
۳ - دبستان پروین اعتصامی	چشمه علی	مسجد هندیها بود
۴ - پاسگاه تمبی	تمبی	برای مستحفظین بختیاری ساخته شده بود

• کارخانه گچ سازی «Gatch Plant»

این کارخانه در بین محلات مالکریم و هشت بنگله واقع شده و وابسته به واحد راه و ساختمان صنعت نفت بود. کارخانه فوق در سال ۱۹۳۰ م. از انگلیس خریداری شد، سپس نصب گردید و شروع به فعالیت نمود. هدف از احداث آن، تهیه گچ ساختمانی برای مصارف داخلی صنعت، در نواحی مختلف مناطق نفت خیز بود. در اوایل، پیمانکاران کارخانه گچ سازی آقایان الله دادمنجری، حیات فدائی و فرهادخان سرداریان بودند. این افراد، گچ را بوسیله مواد مضره از کوه استخراج می‌کردند. سپس توسط کارگران خود و با وسایلی همچون گاری، ارابه یا واگنهای خط آهن، تا جایگاه ویژه دستگاه خردکننده «Crusher» حمل می‌کردند. باید یادآور شد که سالهای منمادی، آقای مهدی اسفندیار شمی پور مسئول دستگاههای مکانیکی کارخانه

گچ سازی بودند.

این کارخانه دارای دستگاه سنگشکن بود. در این قسمت گچ بوسیلهٔ تسعة نقاله، خرد می‌گردید و بعد آسیاب می‌شد و در گوره ۷۵ درجه حرارت می‌دید. سپس با اضافه نمودن دو ماده شیمیایی به محل مخزن، برده می‌شد و نهایتاً آن را پاکت‌گیری و حمل می‌نمودند. مرغوبیت گچ آن هم مطابق با استاندارد جهانی بود. واحد مذکور دو نوع گچ تولید می‌کرد:

۱- گچ زبره، (Coarse - Gatch)

۲- گچ نرم، (Fine - Murite)

از این دو نوع، فقط گچ نرم پاکت‌گیری می‌شد و گچ زبره توسط کامیون و بصورت «فله» حمل می‌گردید. تعداد کارگران شرکت مجموعاً در سه نوبت (۲۴) نفر بودند و در هر شیفت، ۸ Shift نفر به کار مشغول بود. اگر کارخانه در سه نوبت فعالیت می‌نمود، قادر بود نیاز صنعت نفت را در جنوب تأمین نماید و در سه شیفت ۷۵ تن گچ تولید می‌نمود.

گچ تولیدی به کلیه مناطق نفت‌خیز جنوب و آبادان، براساس نیاز حمل می‌گردید. قطار مسجد سلیمان دارای واگن‌های مخصوصی برای حمل و نقل تولیدات کارخانه گچ سازی بود و حتی گچ تولیدی این کارخانه به کریت و بقیه شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، صادر می‌شد.

در ابتدا و قبل از تأسیس خط آهن، گچ مورد نیاز کارخانه، پس از استخراج از معدن بوسیلهٔ «مخمل» و چهارپایان به جایگاه ویژه دستگاه خردکننده حمل می‌شد. رؤسای قدیمی این کارخانه عبارتند از:

۱- آقای میلر - انگلیسی

۲- آقای میکرتون - ارمنی

۳- آقای کایرز - انگلیسی

۴- آقای آلبرت دوروریان - ارمنی

۵- آقای اسدالمخمی - ایرانی

این کارخانه بین سالهای ۱۳۴۹ ش. تا ۱۳۵۰، به علت فرسوده شدن و عدم نیاز، به مزایده گذاشته شد و به فروش رسید. سپس وجوه حاصله به حساب شرکت نفت واریز گردید.

• کارخانه شن‌شوئی، (Shingle - plant)

این کارخانه در ناحیه تمبی واقع بود، حدوداً در پانصد متری بالای پل تمبی و در نزدیکی کاله‌ای موسوم به «گیزدو» قرار داشت. شن‌شوئی تمبی در سال ۱۹۴۶ م. از انگلستان خریداری شد و در سال ۱۹۴۷ م. شروع به راه‌اندازی آن نمودند و جزء تأسیسات واحد راه و ساختمان شرکت

نفت محسوب می‌شد.

هدف از احداث آن، تهیه چهار نوع ریگ، به ابعاد مختلف (۳)، (۱)، (۱-۱)، (۲)، اینچ و یک نمونه دیگر هم ریگ نخودی Pea - gravel و یک نوع ماسه شسته بود. این نوع مصالح، هم برای مصارف راه‌سازی و هم ساختمان‌سازی بکار می‌رفت. این کارخانه در مدت ۲۴ ساعتی که فعالیت مستمر داشت، جمعاً دوپست و چهل تن شن و ماسه تولید می‌کرد. تقریباً مواد آن ۸۰ درصد مرغوبیت داشت.

کل پرسنل آن با نگرهبانان، ۱۶ نفر بود. کارخانه فوق در صورت نیاز مبرم صنعت نفت، بصورت نوبت‌کار فعالیت می‌نمود. همانطوری که گفتیم، نوبت‌کاری این کارخانه بستگی به نیاز شرکت داشت، ولی یک نوبت‌کاری در روز مستمراً ادامه داشت.

در سالهای اولیه تأسیس کارخانه مذکور، نگرهبان‌های آن از بین بومیانی که مالک محلی بودند انتخاب و به کار گمارده می‌شدند. بعدها گاردیبه‌های شرکت نفت با لباس ویژه خویش، جایگزین آنها شدند. پیمانکار شن‌شویی تمبی، یکی از افراد طایفه نصیر بنام ملاحفظ‌الله اشرافی‌پور بود. رؤسای قدیمی این کارخانه عبارتند از:

۱ - آقای کانرز (انگلیسی)

۲ - آقای آلبرت دوروریان (ارمنی)

۳ - آقای اسد الحسینی (ایرانی)

بهر طریق، چون مخارج این کارخانه برای شرکت گران تمام می‌شد و کارمزد پرسنل آن هم مبلغی سرسام‌آور می‌گردید، لذا شرکت تصمیم گرفت این واحد را به مزایده گذارد و به فروش برساند. شن‌شویی تمبی در سال ۱۹۷۳ م. برچیده شد.

کارخانه آسفالت (Asphalt plant)

این کارخانه در ناحیه تمبی و در نزدیکی واحد شن‌شویی سابق شرکت نفت واقع است. کارخانه آسفالت در سال ۱۹۴۶ م. از کشور انگلستان خریداری شد و در سال ۱۹۴۷ م. آن را همراه با کارخانه شن‌شویی شروع به راه‌اندازی نمودند. واحد فوق وابسته به قسمت راه و ساختمان صنعت نفت بود.

هدف از احداث آن، تهیه آسفالت برای جاده‌های صنعت نفت در مسجدسلیمان و سایر مناطق نفت‌خیز بوده است. این کارخانه با حداکثر ظرفیت و در هر ساعت ۸ تن آسفالت گرم تولید می‌نمود. مواد آن با مرغوبیت عالی و مطابق استاندارد جهانی تهیه می‌شد.

در این واحد تعداد شش نفر کارگر به صورت یک نوبت کار فعالیت داشتند. پیمانکار کارخانه

آسفالت صنعت نفت مسجد سلیمان شخصی به نام آحسین علی محمدی بود.

در جاده‌های قدیم، شن توسط افراد بومی، کوبیده می‌شد و بعد نفت کوره را می‌پاشیدند و نهایتاً توسط غلطک دستی هاون‌مانندی که دو نفر در دو طرف آن قرار می‌گرفت کوبیده می‌شد. بعدها جاده‌سازی بدین شکل بود که اول قیر را می‌پاشیدند، سپس نوعی شن را که بنام Pea gravel (شن نخودی) می‌خواندند، توسط نیروی انسانی بر روی آن تسطیح می‌کردند.

جاده‌های بیرون شهری و چاهها، بدین صورت بود که فقط نفت کوره یا قیر را بر روی زمین تسطیح شده می‌پاشیدند تا عملیات صنعت نفت گسترش یابد و نهایتاً رونق گیرد.

پس از اینکه جاده‌سازی از حالت by - hand خارج گردید، شرکت نفت از دستگاهی موسوم به میکسر آسفالت Mixer استفاده می‌کرد.

در حال حاضر بقایای این کارخانه در ناحیه تمبی موجود است و به علت کاهش عملیات صنعتی در مسجد سلیمان و عدم نیاز صنعت نفت، از آن بهره‌برداری نمی‌شود و بصورت متروکه باقی مانده است. لازم به ذکر است که کارخانه فوق تا ابتدای انقلاب اسلامی فعالیت داشت. با نگاهی گذرا به گذشته عملیات جاده‌سازی و آسفالت‌سازی مسجد سلیمان، انسان به طالت‌فراسا بودن تلاش اسلاف و قدمای این صنعت و نکاپوی اقوام پیشین خود، پی خواهد برد.

ب - تدارکات Commissary

فعالتهای قسمت تدارکات در منطقه مسجد سلیمان عبارتست از: تهیه و توزیع جیره کارگران منطقه، مهیا نمودن خواروبار و مواد غذایی جهت بیمارستان، پانسیون‌ها و مهمانسراها، همچنین تهیه و توزیع بیخ در تابستان جهت ادارات درخواست‌کننده، هماهنگی نمودن کار مهمانسرا و برنامه‌های غذایی با سایر مناطق، تهیه گزارش آمار ماهیانه و مخارج بازدهی آنها و ارائه خدمات به کارکنان مأمور در منطقه مسجد سلیمان که بصورت موقت در مهمانسراها سکونت می‌پذیرند. این واحد یکی از فعالترین واحدهای خدمات کارکنان در سنوات گذشته بوده و علیرغم تعداد زیاد کارکنان منطقه و مأموریت‌های فراوان پرسنل سایر مناطق به مسجد سلیمان بخوبی می‌توانسته از عهده ارائه خدمات برآید. مهمانسرای مسجد سلیمان یا عمارت شاه‌نشین، یکی از قدیمی‌ترین ساختمانهایی است که در این منطقه ساخته شد و اولین مهمانسرای مجهز خاورمیانه می‌باشد که دارای ۱۳ اتاق دو تخت‌خوابی می‌باشد و در گذشته روزانه بطور متوسط، از ۲۲ نفر مهمان صنعت نفت پذیرایی می‌نمود. مهمانخانه کارمندان ارشد در محوطه میدان واقع شده و با تغییراتی که در سال ۱۳۴۸ در ساختمان آن داده شد ۱۳ اتاق دو تخت‌خوابی در آن ایجاد شده که قادر است روزانه بطور متوسط ۲۴ نفر مهمان در آن پذیرایی شوند.

در منطقه وسیعی در محله سی برنج **Branch - C ۸۶** دستگاه منازل مجردی دو اطاقه مجهز به کلیه وسائل ساخته شده که به اسم (پانسیون خیام) معروف می باشد. در این محوطه یک سالن غذاخوری نیز تعبیه شده که ساکنان می توانند از تسهیلات آن استفاده نمایند. علاوه بر پانسیون خیام ۳۲ دستگاه اطاق مجردی نیز در محل دیگری که بنام (پانسیون فردوسی) معروف است نیازمندیهای سکونتی کارمندان مجرد را تأمین می نمود. ضمناً ۸ دستگاه اطاق دو تخت خوابی در این محل مخصوص کارمندی که برای انجام مأموریت موقت به مسجد سلیمان اعزام می شدند در نظر گرفته شده بود. از سالن غذاخوری این پانسیون روزانه بطور متوسط ۲۱ نفر استفاده می نمودند. فروشگاه کارمندان یکی دیگر از واحدهای سرویس تدارکات می باشد. اجناس این فروشگاه هر ماهه از انبار عمده خواروبار آبادان تأمین می گردید. تعداد ۹۰۰ قلم جنس در این محل به معرض فروش گزارده شد. در مجاورت فروشگاه نیز محلی برای تأمین احتیاجات مواد غذایی از قبیل گوشت، میوه و تره بار جهت مهمانخانه ها و پانسیون ها وجود دارد که بعد از انقلاب فعالیت نداشت. در گذشته در این محل کلیه احتیاجات روزانه بوسیله پیمانکار مربوطه تهیه و هر روز صبح قبل از توزیع، کلیه اجناس توسط مسئول اداره بهداشت کارکنان، بازدید و آنگاه توزیع می شد. فروشگاه جیره کارگران در شهر نقطه متمرکز شده و طبق برنامه مشخصی جیره ماهانه کارگران بنام **Ration** توزیع می گردید. اجناس مورد نیاز فروشگاه جیره کارگران توسط انبار عمده خواروبار اهواز تهیه و تأمین می شد و ترتیب توزیع آن به فروشگاههای تعاونی صنعت واگذار شده بود که با نظارت مستقیم سرپرست تدارکات منطقه انجام می گیرد. وضعیت فعلی واحد تدارکات ذیلاً درج می گردد:

فروشگاهها: صنعت نفت به منظور تأمین رفاه کارکنان خود و حفظ قدرت خرید آنها در تشکیلات خود، فروشگاههایی احداث نمود و در این فروشگاهها انواع اجناس مورد نیاز کارکنان و بستگان آنها بفروش می رسد و برخی از کالاها به تریخی که مورد توافق وزارت کار و نمایندگان کارگران قرار گرفته بود و حتی نازلتر از نرخ تمام شده همان کالا در دسترس کارگران گذارده می شد. این فروشگاهها نقش مؤثری در تعدیل قیمتها، حفظ یا بالا بردن قدرت خرید کارکنان ایفا می کرد. فروشگاههای شرکت نفت مسجد سلیمان به دو دسته تقسیم می شوند.

الف - فروشگاه کارمندان (انبار خوراکی): این فروشگاه در چشمه علی و روبروی اداره برق مسجد سلیمان واقع گردیده است. در گذشته مخصوص کارمندان صنعت نفت بود ولی اکنون کلیه کارکنان از آن استفاده می نمایند. در نزدیکی اداره برق، سابقاً محل پرورش خوک برای کارکنان خارجی صنعت نفت قرار داشت.

ب - فروشگاههای تعاونی :

- ۱ - فروشگاه چشمه علی (بلازار) این فروشگاه ظرفیت استفاده ۱۵۰۰ نفر را دارا می باشد در سال ۱۳۵۶ این فروشگاه به ارتش واگذار گردید و هم اکنون با عنوان فروشگاه اسلامی مشغول فعالیت می باشد.
- ۲ - فروشگاه نفتون، این فروشگاه ظرفیت استفاده ۱۵۰۰ نفر از کارکنان را دارا می باشد. واحد پخش کالای خانه نیز جزء این فروشگاه می باشد. فروشگاه مذکور هم اکنون دایر می باشد.
- ۳ - فروشگاه بی بی بان : فعالیت روزانه این فروشگاه می تواند جوابگوی رفع نیاز ۳۰۰ نفر در روز باشد. فروشگاه بی بی بان هم اکنون فعال می باشد.
- ۴ - فروشگاه تعاونی سیار، این فروشگاه در یک ماشین تریلی مانند استقرار دارد. بصورت سیار در نواحی کلنگه، چاه نفتی، و چهارپیشه، مشغول ارائه خدمات به کارکنان صنعت نفت ساکن در محله های مذکور بوده که از اوائل سال ۱۳۶۴ تعطیل شده است. جایگاه این فروشگاه سیار روبروی در مانگاه کلنگه بود.
- ۵ - فروشگاه جیره آرد بی بی بان، در این فروشگاه نگهداری و توزیع آرد حدود ۳۰۰ نفر از کارگران صورت گرفت.
- ۶ - فروشگاه جیره آرد نمره یک، این فروشگاه که در محل بازار نمره یک و روبروی سینمای هلال واقع شده است، نگهداری و توزیع آرد حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران را بعهده داشت. هم اکنون این فروشگاه فروخته شده و در حال حاضر بصورت مغازه شخصی می باشد که مغازه دار، در آن تغییراتی بوجود آورده است.
- ۷ - فروشگاه جیره آرد نفتون، این فروشگاه که در محل نفتون واقع است، نگهداری و توزیع آرد حدود ۵۰۰ نفر از کارگران را بعهده دارد.
- ۸ - فروشگاه جیره آرد تمبی، این فروشگاه در محل تمبی واقع است. پس از تخلیه آن ناحیه و واگذاری آن به ارتش، این فروشگاه هم تعطیل شده است.
- ۹ - فروشگاه جیره آرد نفتک، در این محل نیز جیره آرد کارگران، نگهداری و توزیع می گردید که به دنبال تخلیه ساکنین شرکتی و واگذاری به ارتش، این فروشگاه نیز تعطیل شده است.
- ۱۰ - فروشگاه جیره آرد چشمه علی، این فروشگاه جنب فروشگاه کارکنان قرار داشت. از اواخر سال ۱۳۵۶ تاکنون نگهداری و توزیع آرد حدود ۸۰۰ نفر از کارکنان را بعهده دارد.
- ۱۱ - فروشگاه جیره آرد چشمه علی، این فروشگاه نیز جنب دبیرستان سینا در ناحیه

چشمه علی قرار داشته که پس از تخلیه و واگذاری آن به ارتش، در سال ۱۳۵۶ به خانه مسکونی تبدیل شده است. لازم به ذکر است که از آغاز سال ۱۳۷۳ تا کنون، صنعت نفت جیره کل کارکنان خود را قطع کرده است.

۱۲- فروشگاه جیره آوردن بسیار، این فروشگاه توزیع آرد کارکنان ساکن در نواحی لالی، آب گنجی، درخت زنده، واحد او، گلزار، نمره ۲ و سرگج را بعهده داشته و در حال حاضر فقط آرد لایحه های نمره ۲ و سرگج را توزیع می نماید. بجز فروشگاه های ذکر شده فوق تعدادی انبار، تأسیسات و کارخانه های کوچک متعلق به شرکت در منطقه مسجد سلیمان وجود دارد که قبلاً ذکر می شود.

انبار مواد غذایی، این محل که پیشتر فروشگاه کارمندان در ناحیه چشمه علی قرار داده در سالهای قبل از انقلاب کار تهیه گوشت، میوه، تره بار و سایر برای کارمندان برعهده داشت. هم اکنون این انبار مسئولیت تهیه و توزیع مواد غذایی کارمندان و بهمنسراها را بعهده ندارد. گذشته این محل به (انبار خوراکی) معروف بود و در حال حاضر هم به این نام خوانده می شود. انبار بسته بندی، در این انبار که جهت فروشگاه کارمندان در چشمه علی قرار گرفته. حبوبات، روغن، برنج و پنیر بسته بندی شده و بین کارگران بعنوان اقلام جیره Ration توزیع می گردد. در حال حاضر از این محل فقط بعنوان انبار آرد جیره استفاده می شود.

کارخانجات یخ سازی، قبلاً دو کارخانه متعلق به شرکت در منطقه مسجد سلیمان وجود داشته است. یکی کارخانه یخ سازی چشمه علی که با ظرفیت روزانه حدود ۳۰۰۰ قالب یخ جهت مصارف کارمندان تولید می نمود و از سال ۱۳۵۵ تعطیل و دستگاههای مربوط به آن جمع آوری گردید. دیگری کارخانه یخ سازی نفتک بوده است. کارخانه اخیر با ظرفیت تولید روزانه ۳۰۰۰ قالب یخ توسط پیمانکار جهت مصارف کارگران فعالیت داشت. پس از سال ۱۳۵۵ دستگاه اولی از بنودته اولیه خارج و پیمانکاری امین با انجام تغییراتی در آن و با گسترشی که در مجاورت آن انجام داد، کارخانه دیگری به آن واحد افزود و با استفاده از آنها یخ مورد نیاز شرکت را تأمین می نمود. هم اکنون یخ مورد نیاز شرکت از شهرداری مسجد سلیمان خریداری می شود و در فصل گرما بوسیله اتومبیل بین کارکنان و واحدهای صنعت نفت توزیع می گردد.

کارخانه لیمنوادمازی، این کارخانه در ناحیه چشمه علی قرار داده. کارخانه لیمنوادمازی شرکت نفت تا سال ۱۳۵۵ روزانه حدود ۲۵۰۰ لیتر لیمنوادمز تولید داشته و محصول آن هم به معیاری کارکنان پادگانها، بهمنسراها و هاستل ها می رسید. از سال ۱۳۵۵ تعطیل شده است. ماشین بختدان، این ماشین نیز در چشمه علی واقع است و قبلاً روزانه ۱۵ کیلوگرم نان سفید

پیخت می نمود. نان تهیه شده توسط اتومبیل بین منازل کارمندان توزیع می شد. در حال حاضر روزانه حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلو نان مفید تولید دارد که مقداری از آن به مصرف بیماران و زینبی در بیمارستان می رسد و مابقی در فروشگاه به صورت آزاد به فروش می رسد.

مهمانیها را با توجه به استقرار مرکزیت مناطق نفت خیز در منطقه مسجد سلیمان و عزیمت و سفرهای نامتوانان و کارکنان از سایر مناطق به آنجا در سالهای اوج فعالیت این منطقه، مهمانراهای این منطقه تقریباً به تدریج به سایر ایام مناطق نفت خیز بود و از نظر تجهیزات رفاهی اول را خالی بوده است. تعداد مهمانراها و میزان فعالیت آنها خیلی کم بود.

۱- مهمانسرای قدیم مسجد سلیمان (شاهتشین) این مهمانسرا دارای ۱۴ اتاق مجهز برای پذیرایی از ۲۰ نفر می باشد. این محل در جاده مالکوزیم واقع شده است و هم اکنون فعال نمی باشد. این مهمانسرا بناختمانی زینا و قدیمی ساز می باشد که توسط انگلیسی ها احداث شده است.

۲- مهمانخانه کارمندان ارشد این محل که جهت ارائه خدمات به کارمندان عالی رتبه شرکت تدارک تهیه شده بود. در محله نمره چهل نزدیک استادبوم روزی فعلی واقع شده است. این مهمانخانه دارای ۱۲ اتاق اختصاصی مجهز به کلیه امکانات لازم بوده است. در سال ۱۳۴۸ آقای آ. حاجت مرادگزیلی تصدی مهمانخانه ارشد کارمندان بود. دو سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی این محل به ارتش واگذار شده است.

۳- پانسیون خیام. این محل دارای ۸۰ باب منزلت و اطاقه مجهز به کلیه وسایل بوده که جهت استفاده کارکنان تازه استخدام مجرد و مهمانان تدارک یافته بود. هم اکنون تعدادی از این مجموعه به کارکنان شرکت واگذار و تعدادی هم به ارتش و دادگاه اختصاص یافته است.

۴- پانسیون فردوسی. این مجموعه در محل میدان جنب کاروانی شرکت نفت قرار گرفته است. پانسیون فردوسی دارای ۳۲ باب اطاق مجهز بوده که جهت ارائه خدمات به حدود ۶۰ نفر از کارکنان بهره مساحت شده است. این محل در باغچه روز سه شنبه هجدهم اسفندماه ۱۳۴۹ طی بررسی به اداره آموزش و پرورش مسجد سلیمان واگذار گردید. بعد از واگذاری و تا قبل از انقلاب اسلامی این پانسیون بتوان واحد درمانی فعالیت داشت. ولی بعدها برای اسکان معلمان اختصاص یافت.

۵- راه تری هاستل این محل در ناحیه ۸ بنگله قرار دارد و دارای ۸۸ تخت با ظرفیت ۳۴ نفر می باشد. این هاستل هم اکنون در اختیار ارتش است.

۶- وستن هاستل این محل در ناحیه ۸ بنگله جنب ات تری هاستل قرار دارد و دارای ۲۴ اتاق با ظرفیت ۵۰ نفر. مخصوصاً کارکنان خارجی و نمایان و کارکنان رده های بالای شرکت بوده و این

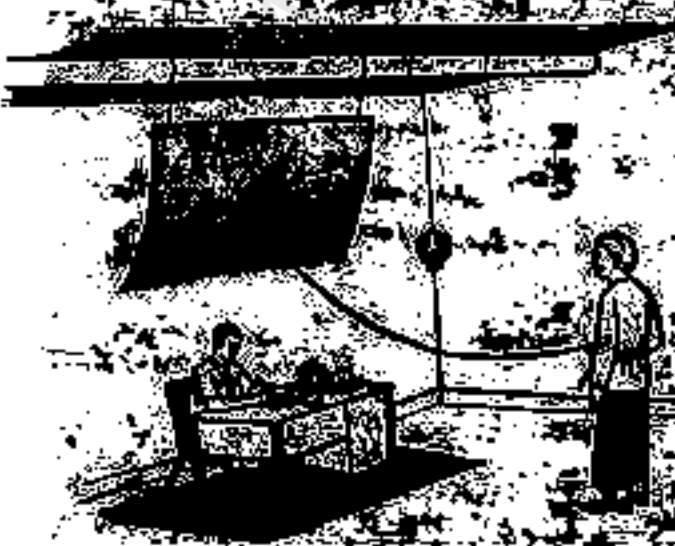
۶- محل در اختیار از این است.

۷- در صورتی که محل در حالت ۵ بنگله واقع است دارای ۱۸ اطاق یا سرویس کامل و مخصوص پذیرایی ۲۵ نفر از کادر کادر می باشد. بر شکان میهندسین بوده و بالا برده است. این محل نیز هم از کادر در اختیار از این است.

۸- هر منزل دارای محل که در کوی می باشد (استیج کبابی) را دارد و مجهز به سرویس کامل برای پذیرایی می باشد. این مکان دارای سالن بسیار بزرگ و مجهز، علاوه بر محل پذیرایی، جهت برگزاری جشنها و آذوقه پذیرایی می باشد. پذیرایی در آن می گرفت. منزل ۱۴۸ هم اکنون در حال سرویس می باشد.

۹- منزل شماره ۱۰ این محله در کوی شهران واقع است منزل شماره ۵ دارای تجهیزات کامل برای اقامت می باشد. این مکان می باشد. پذیرایی در آن می گرفت. این محل مجهز برای برگزاری کلاسهای آموزشی و پذیرایی می باشد. پذیرایی در آن می گرفت. پذیرایی در آن می گرفت.

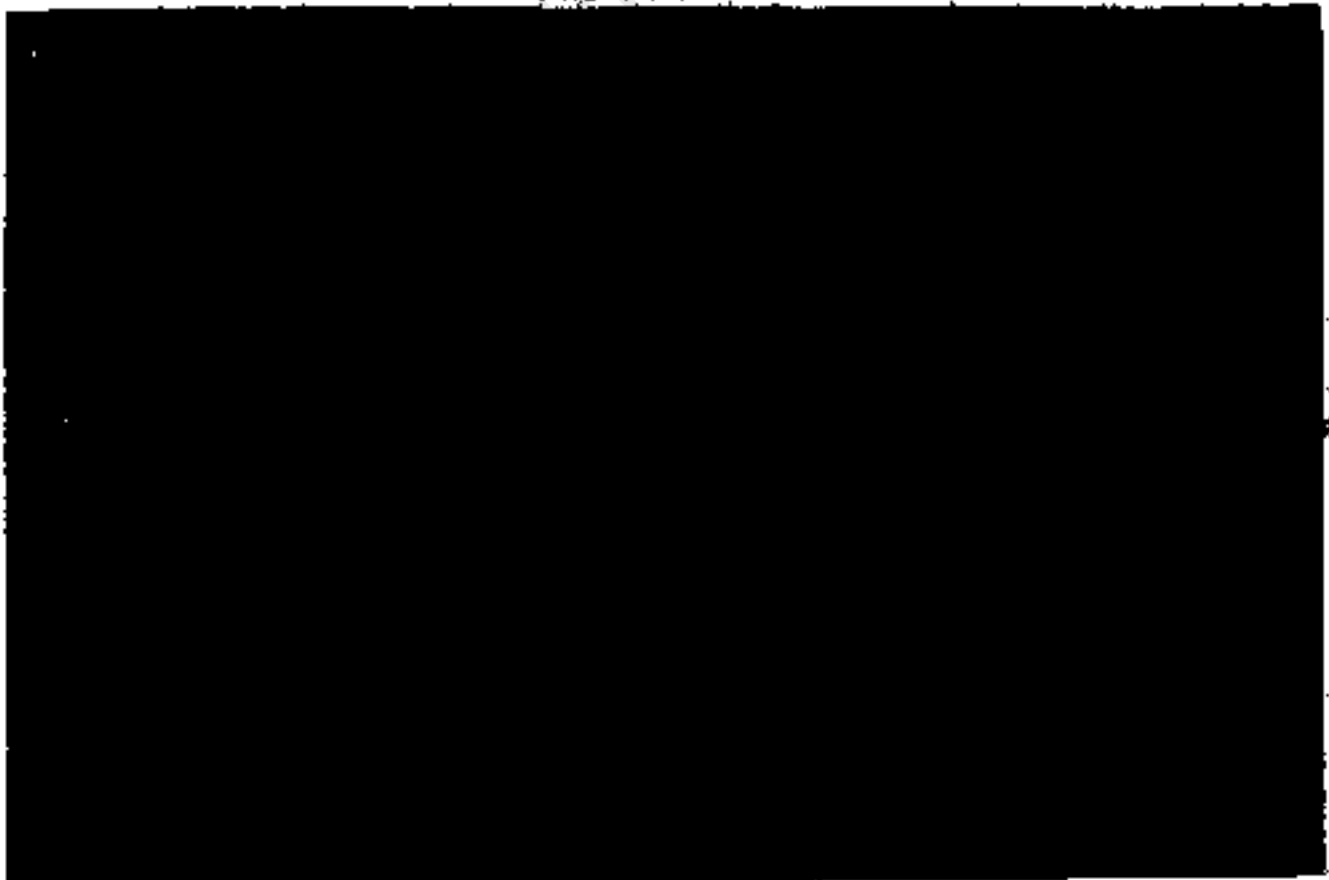
۱۰- بنگله شماره ۱۱ (بنگله شماره ۱۱) این بنگله نسبتاً بزرگ قبلاً محل سکونت می باشد. این مکان در مناطق نفت خیز بوده است. این بنگله طبق شناسش اولین محله ای نیست که در مسجد سلمان ساخته شده. بلکه بنگله ای است که در زمان حال ساخته شده است. در آن بودند به خانه می رفتند. این مکان در مناطق نفت خیز بوده است. این بنگله طبق شناسش اولین محله ای نیست که در مسجد سلمان ساخته شده. بلکه بنگله ای است که در زمان حال ساخته شده است. در آن بودند به خانه می رفتند.



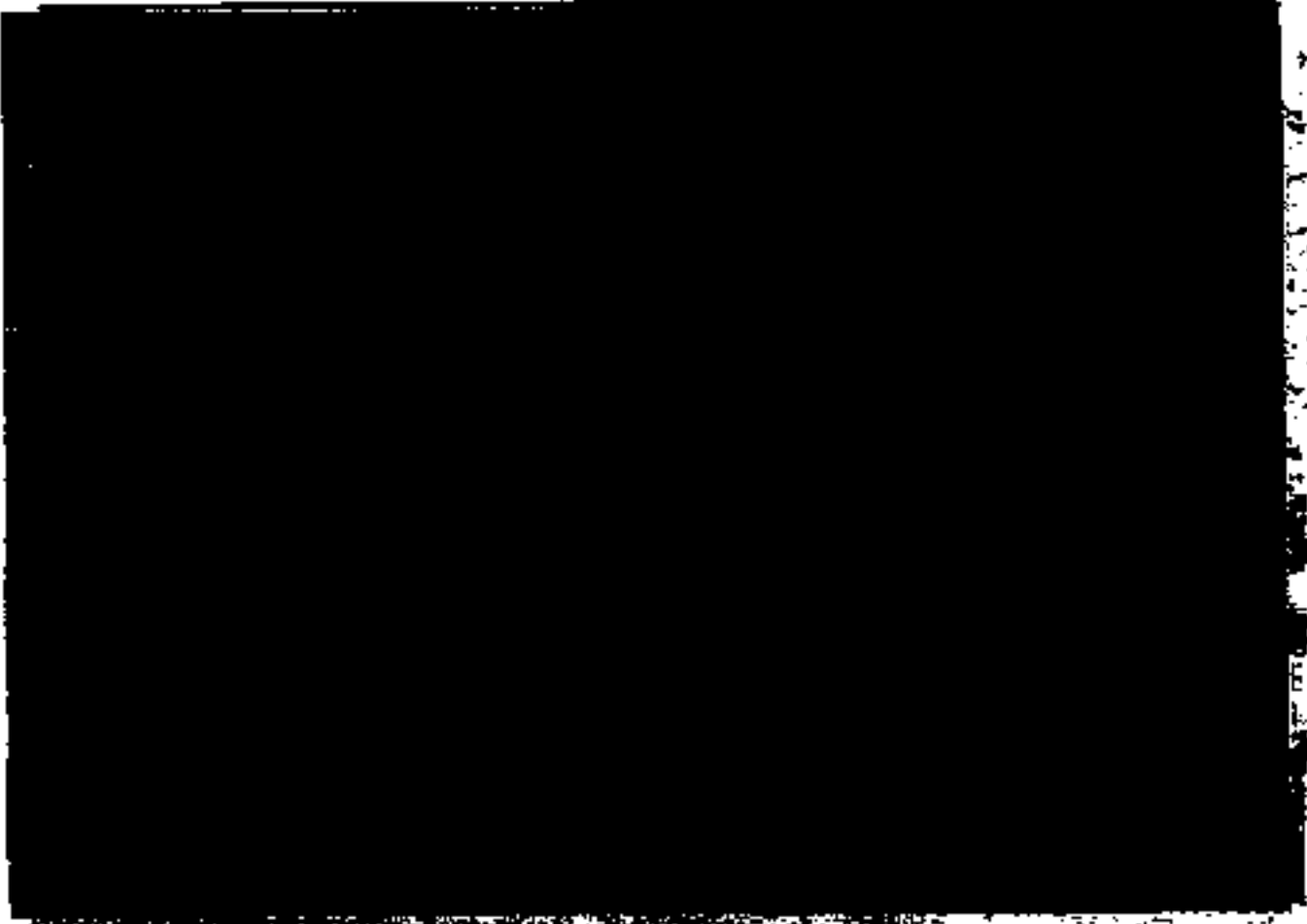
در ادارات قدیم مسجد سلمان



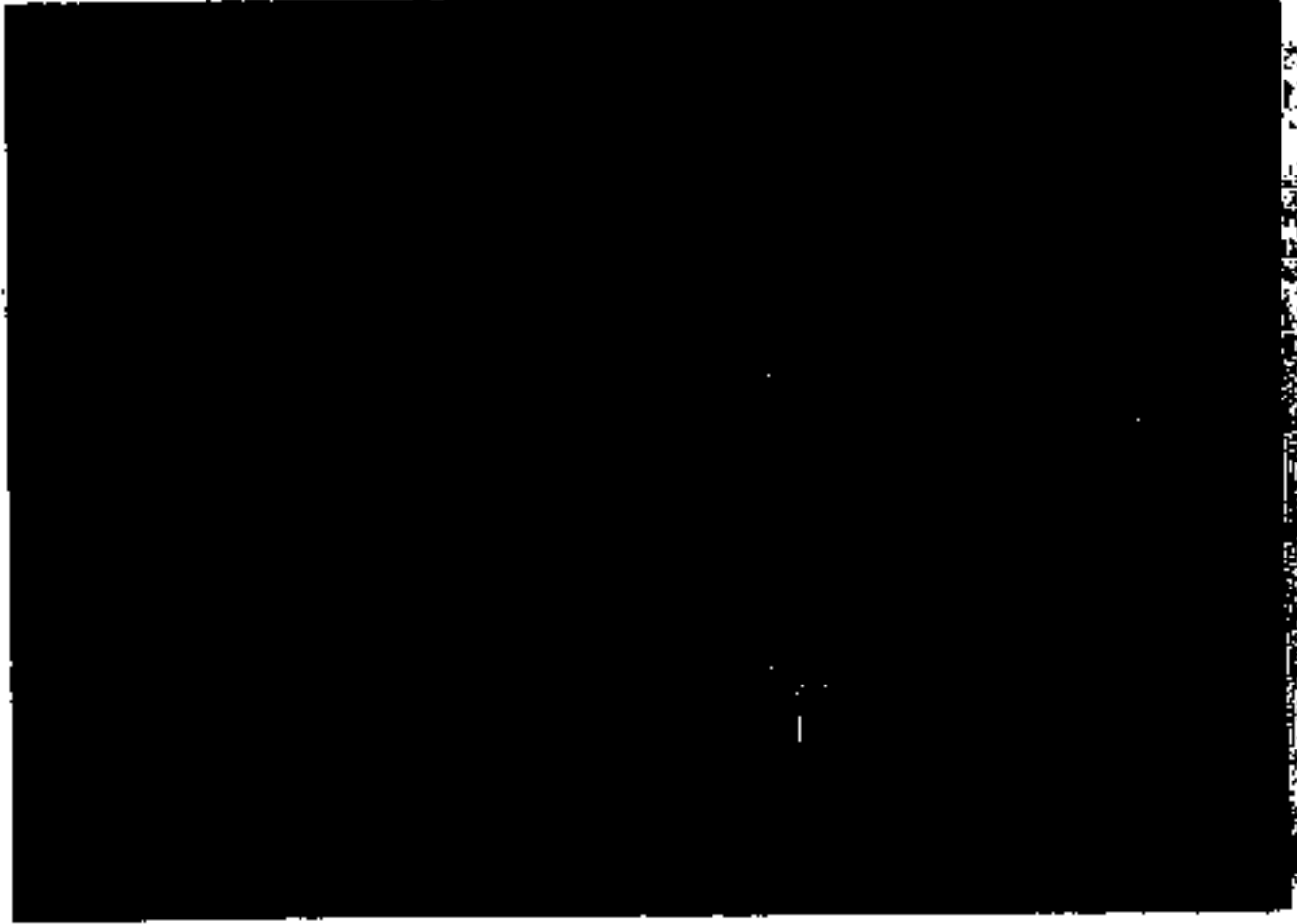
بازار مسجد سلیمانہ

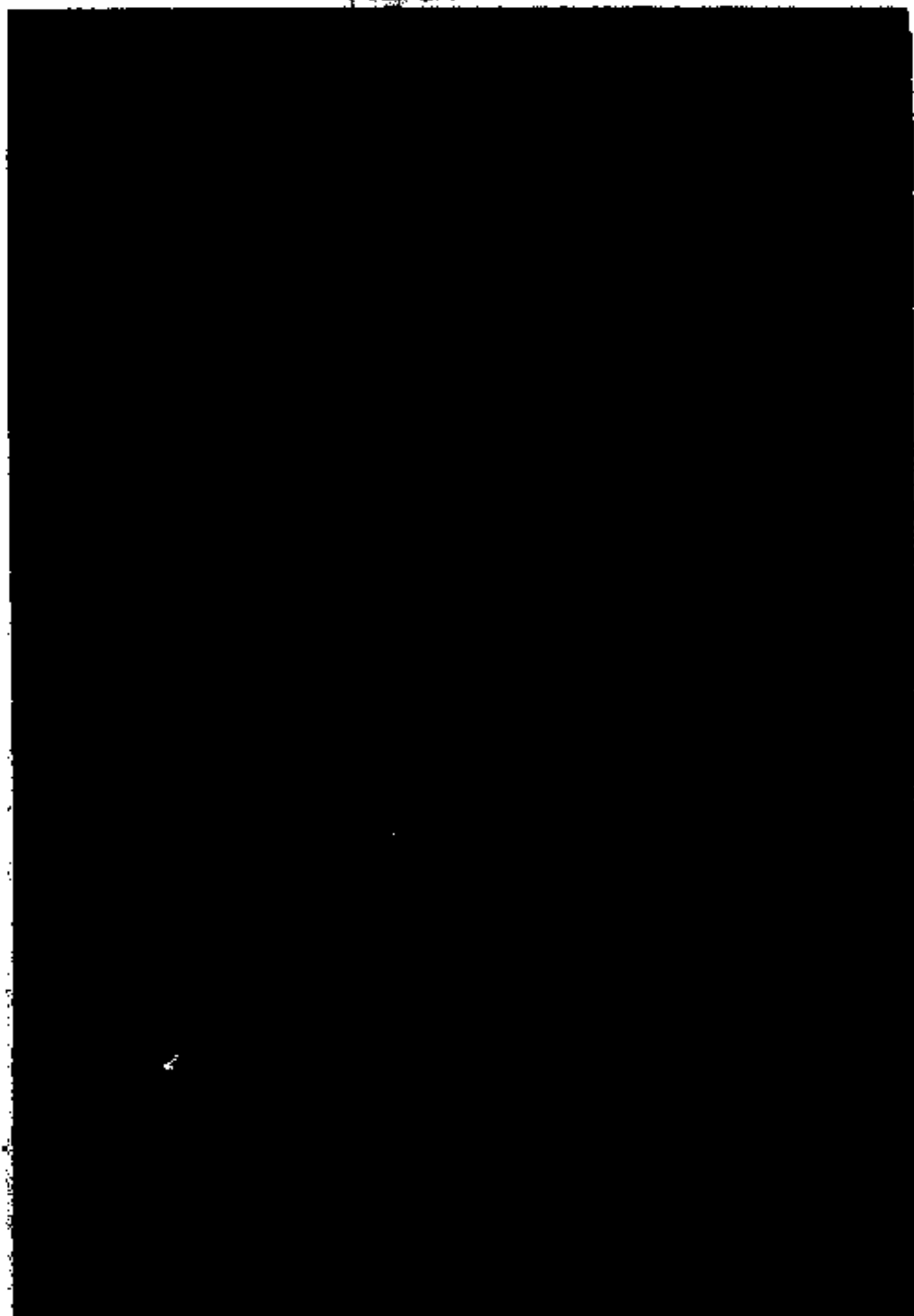


کارخانہ بی بی یان



مظاہرہ امرتسر مسجد علیان - محلہ باغ علی - علیان - ضلع بہاولپور - پاکستان



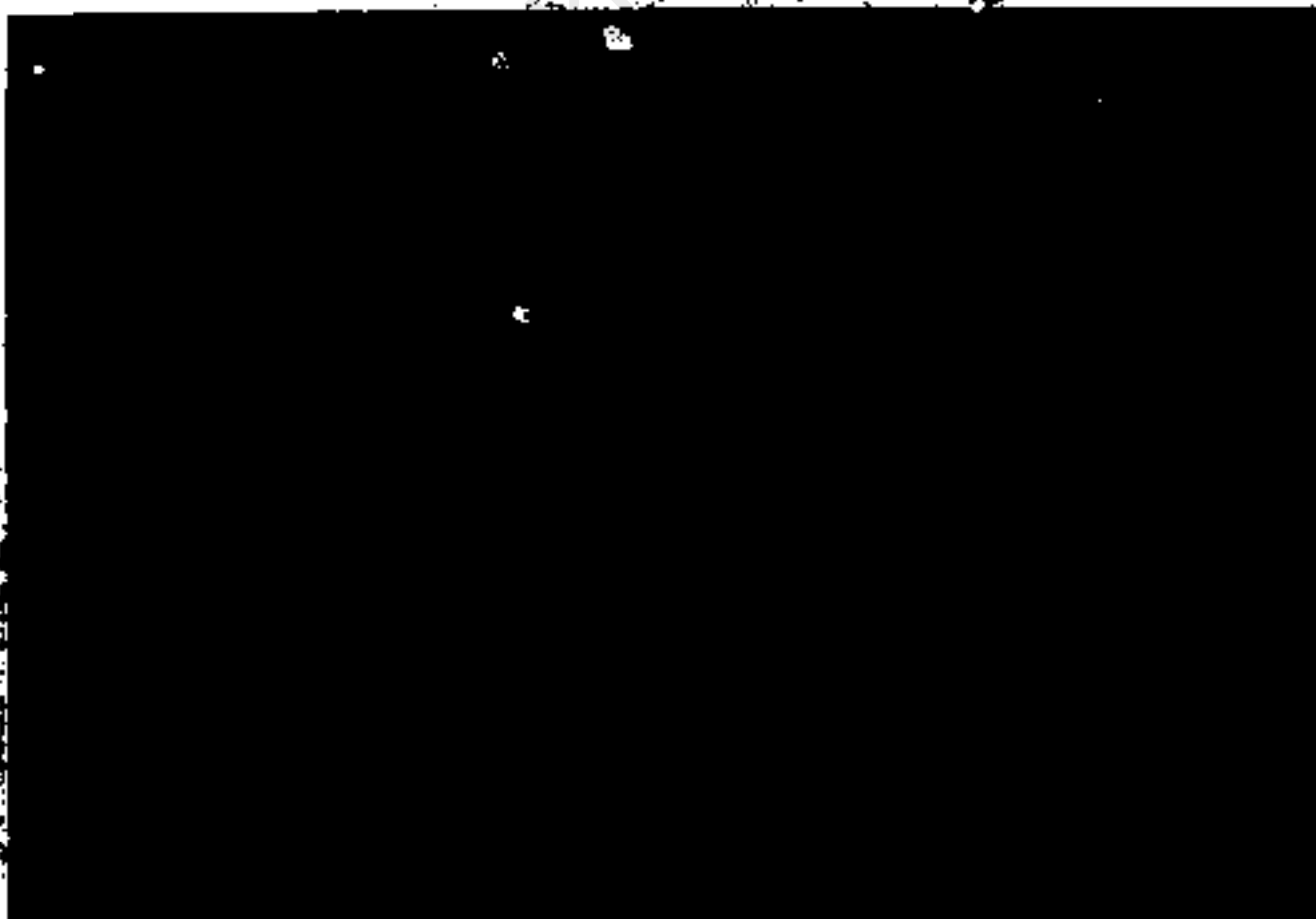


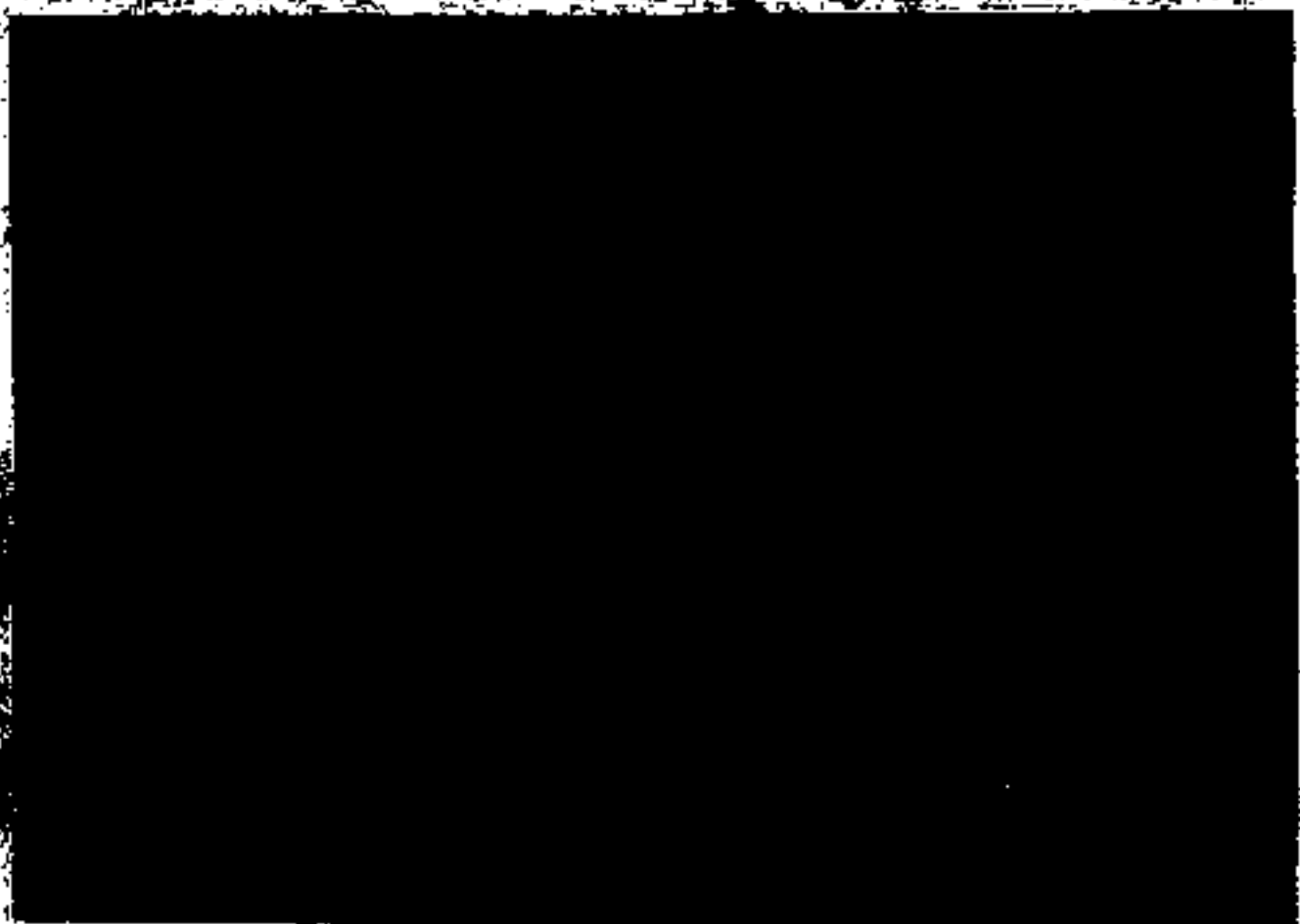




کارخانه برق نظیر و افاق کنول آن

اداره مرکزی شرکت نفت مسجد سلطان

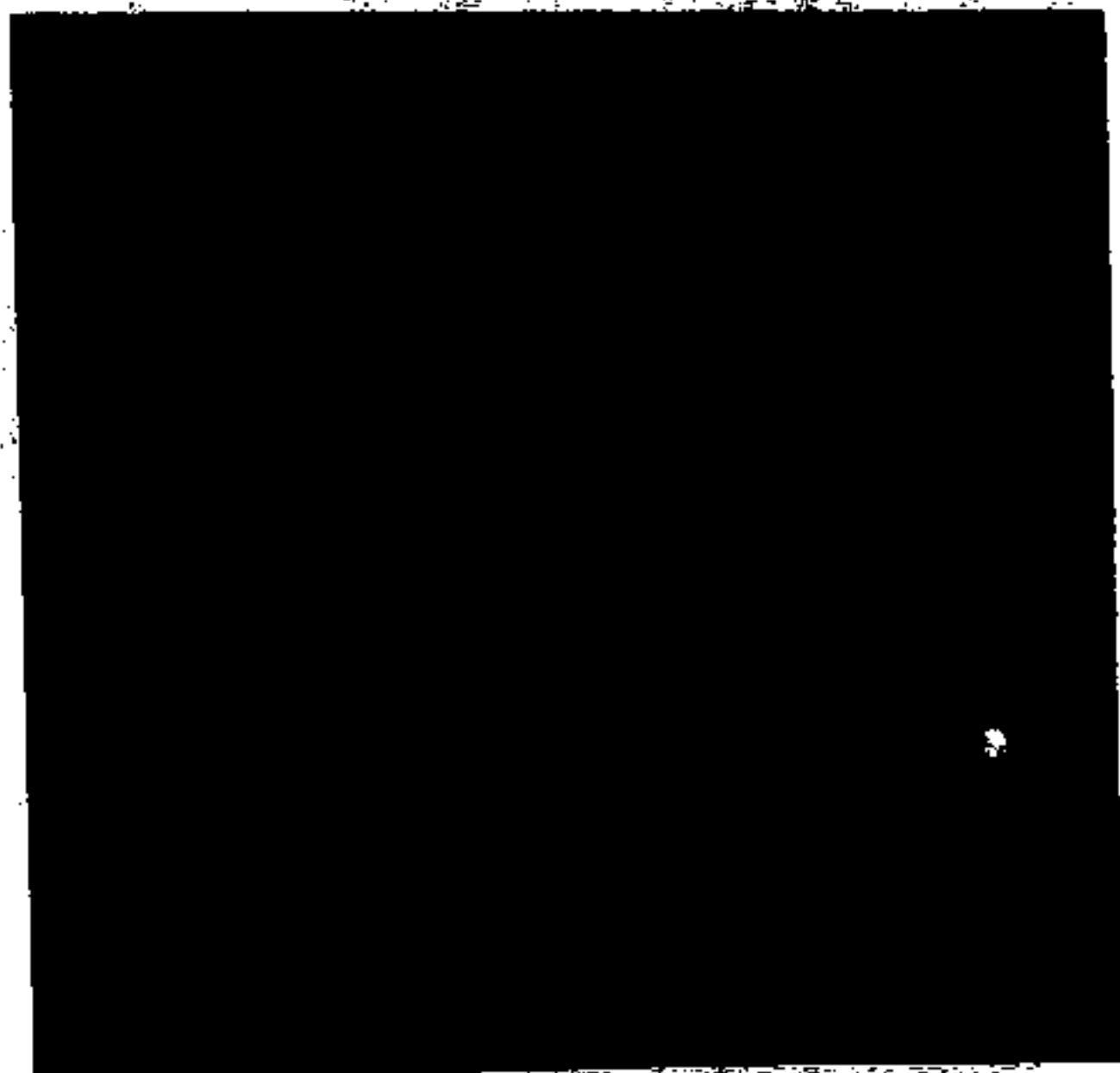




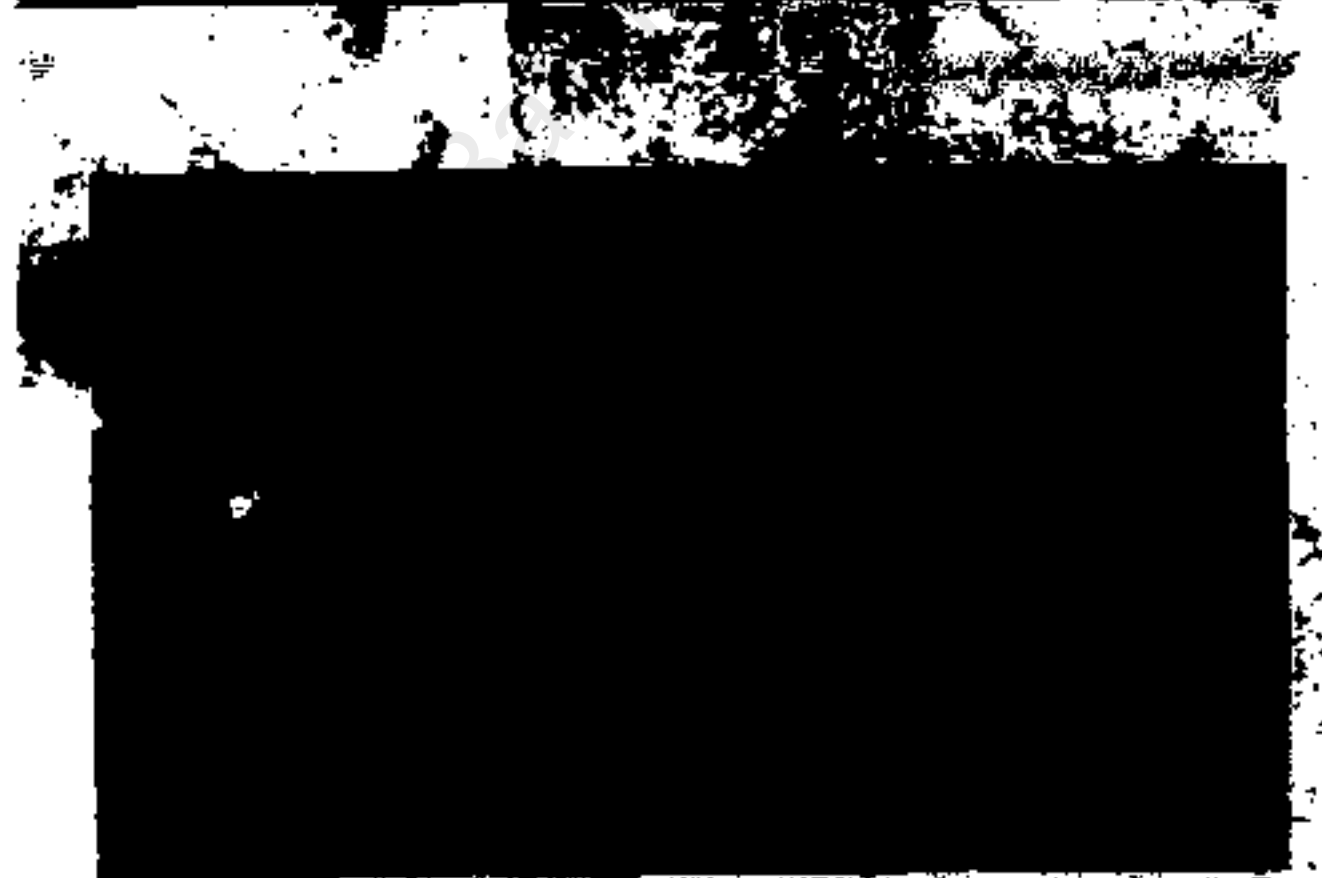
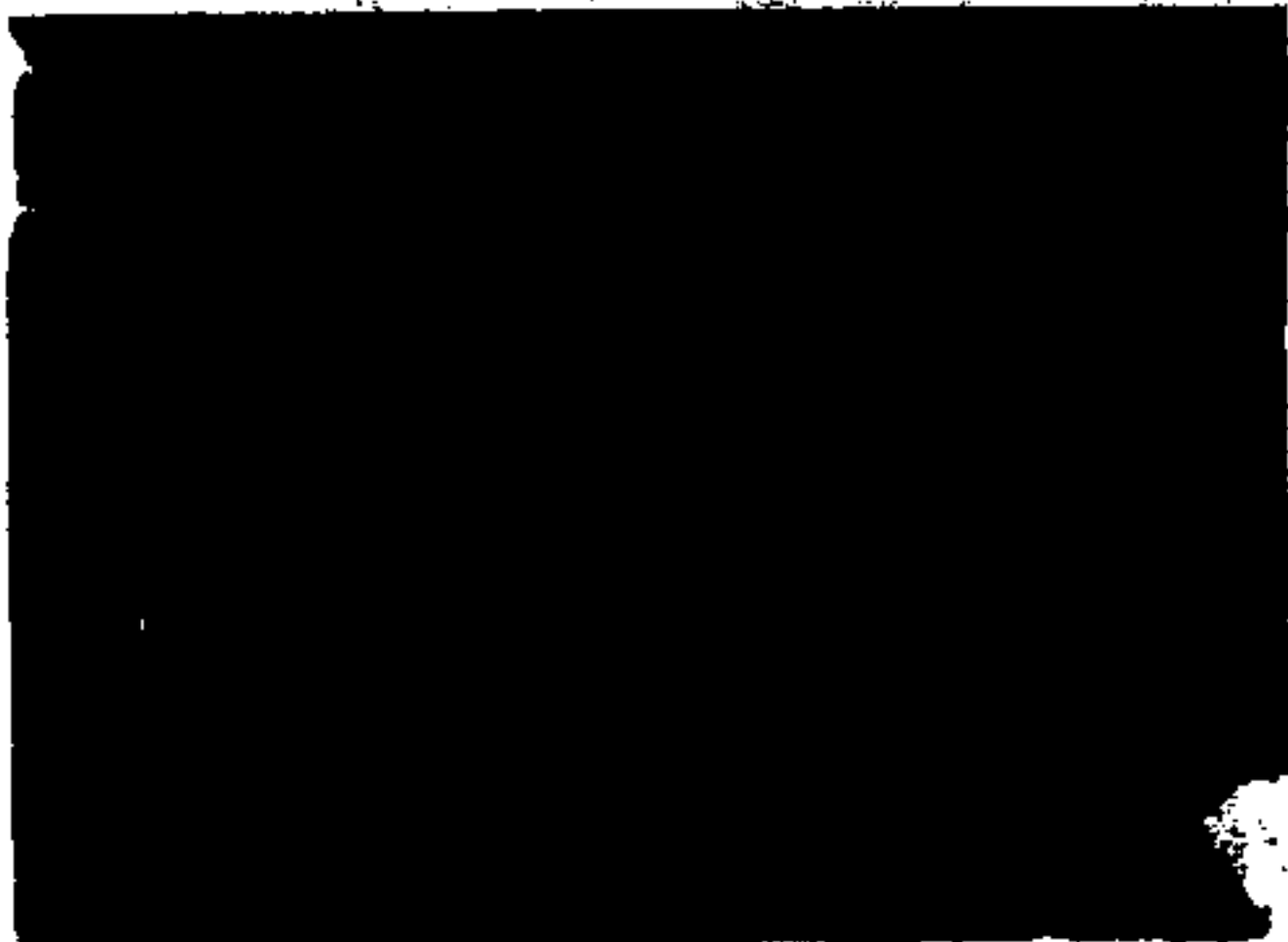
کارخانه بوق تسبیح ↑

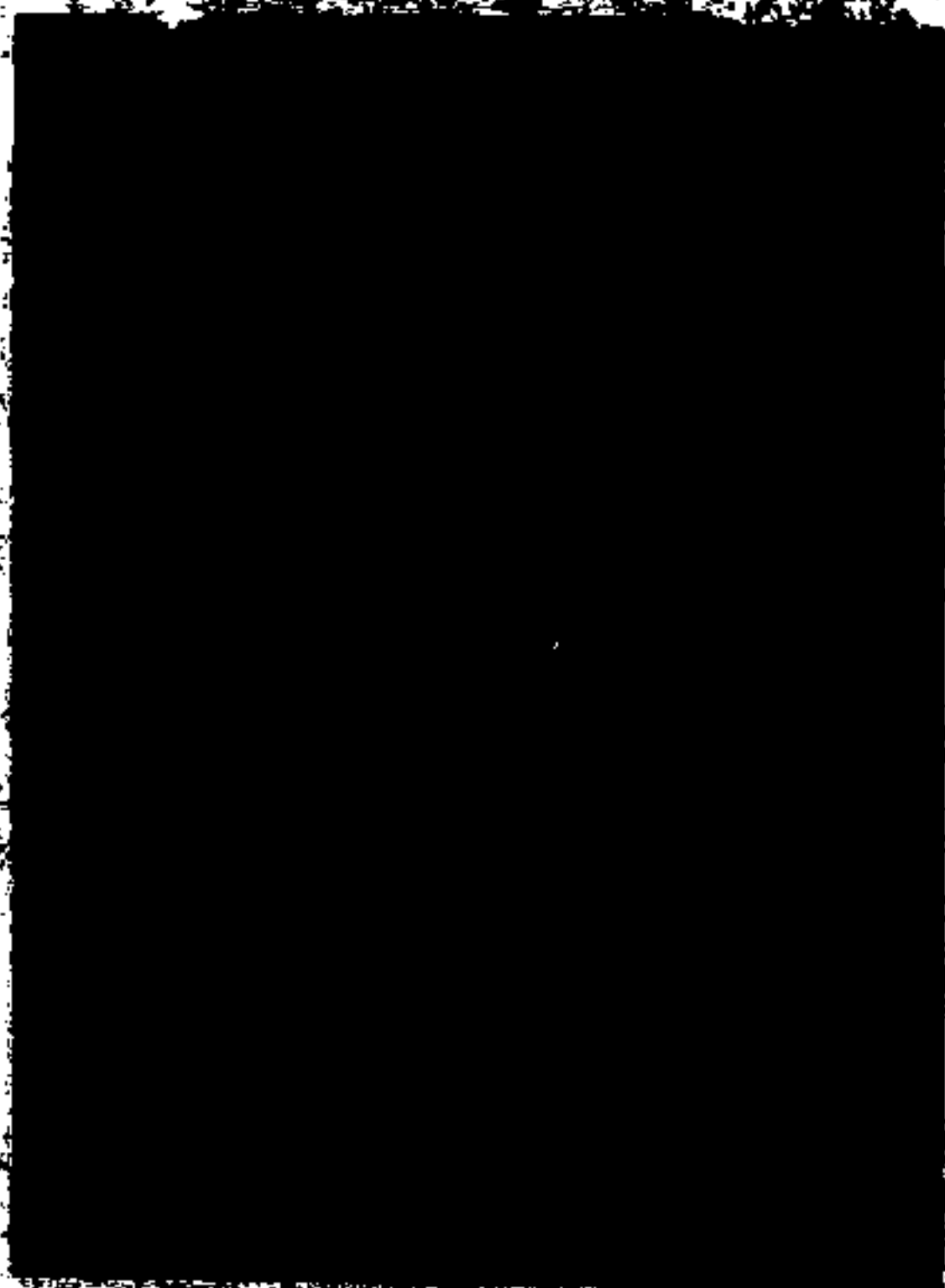
مغازه آب در کنگه

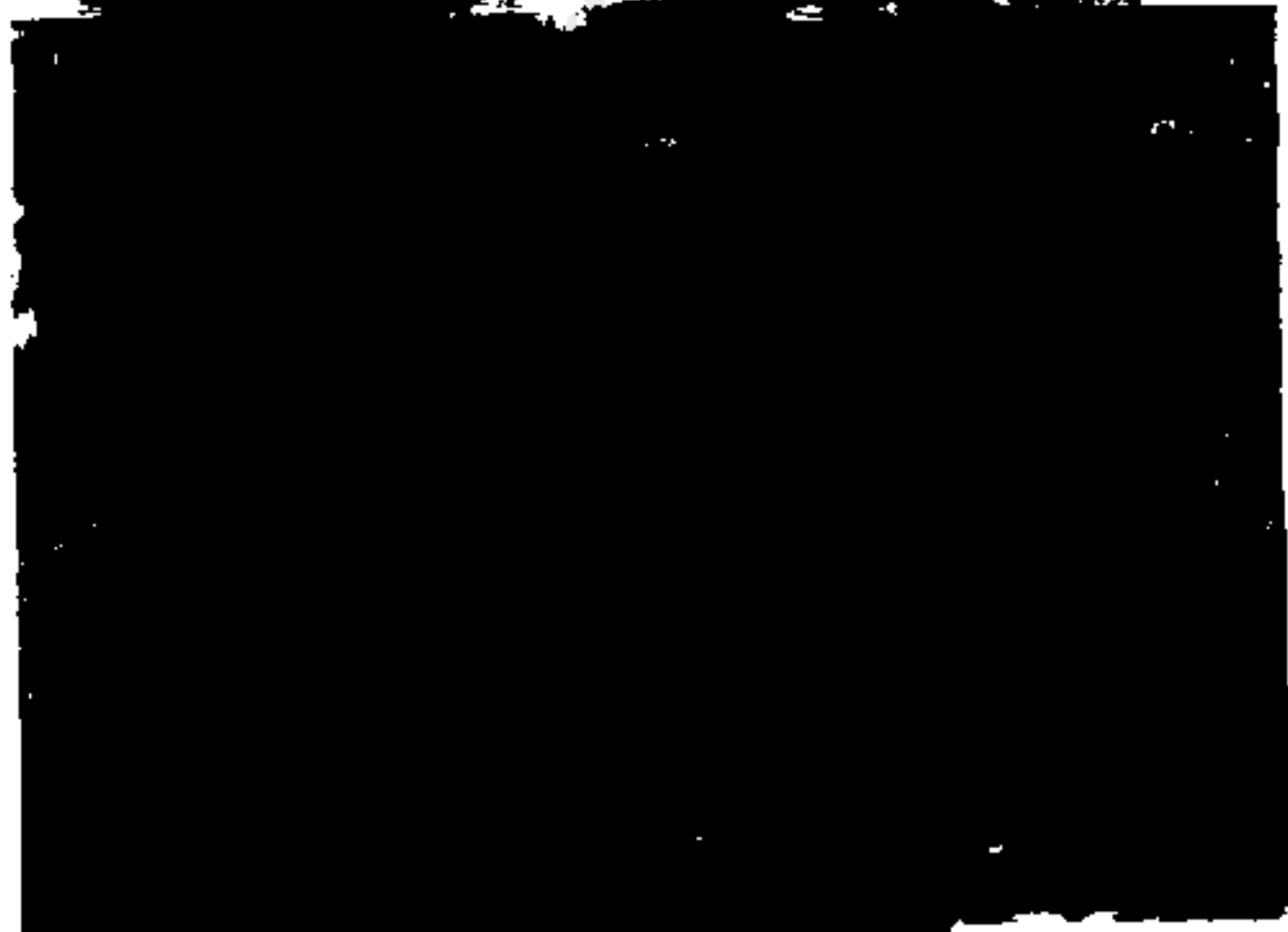


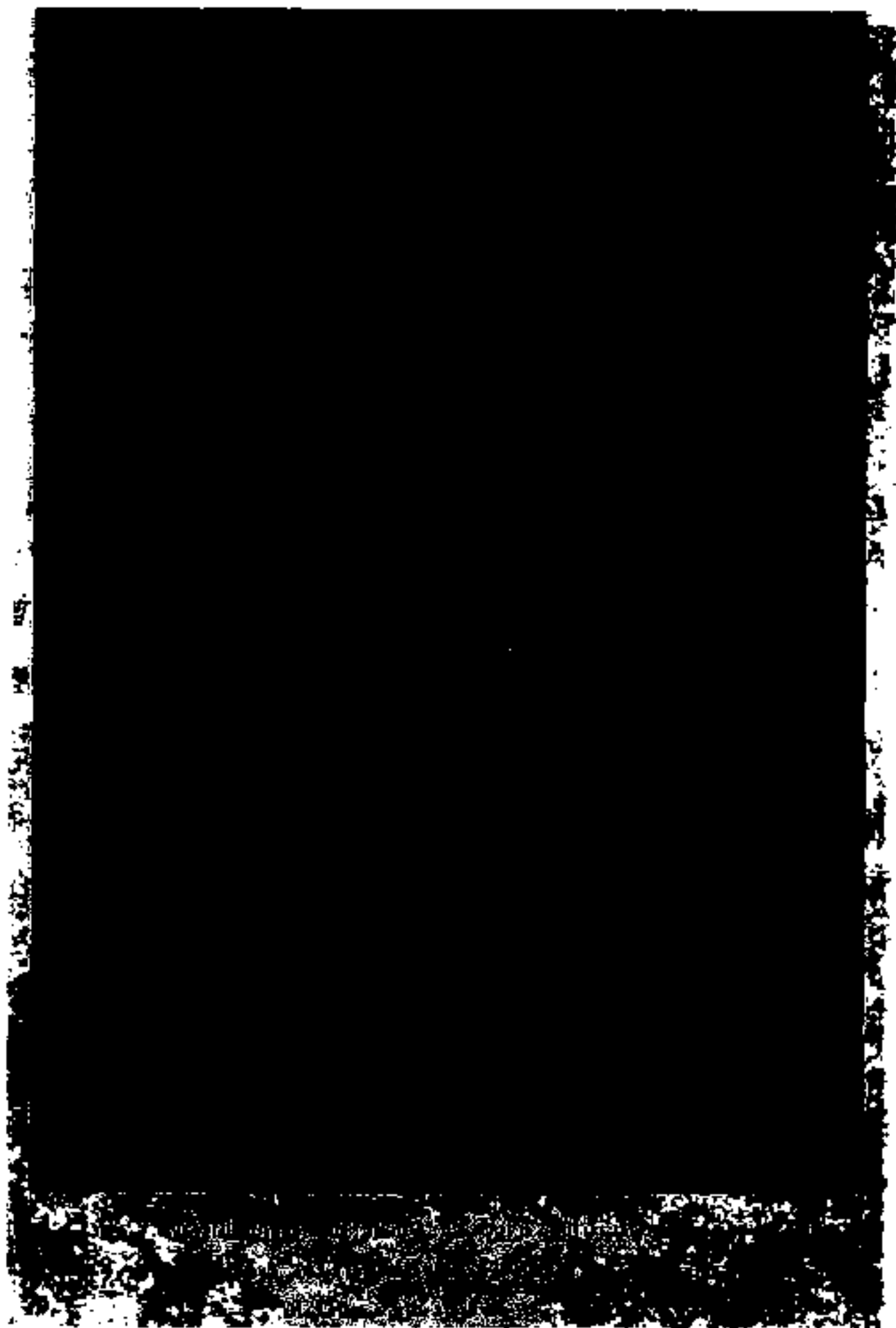


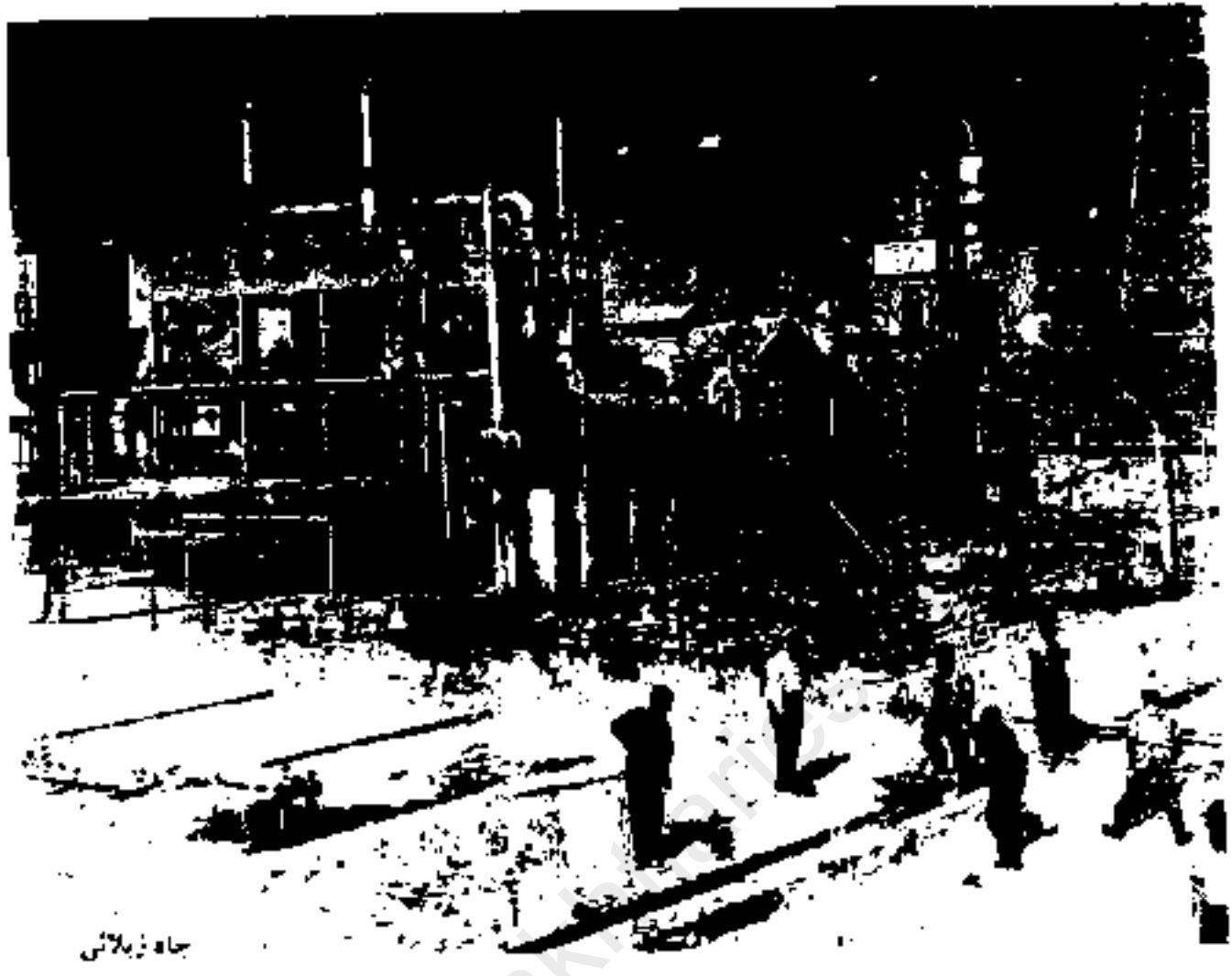
آقای سلطان‌میرزا پتیارین (نمایندگاران لاری)



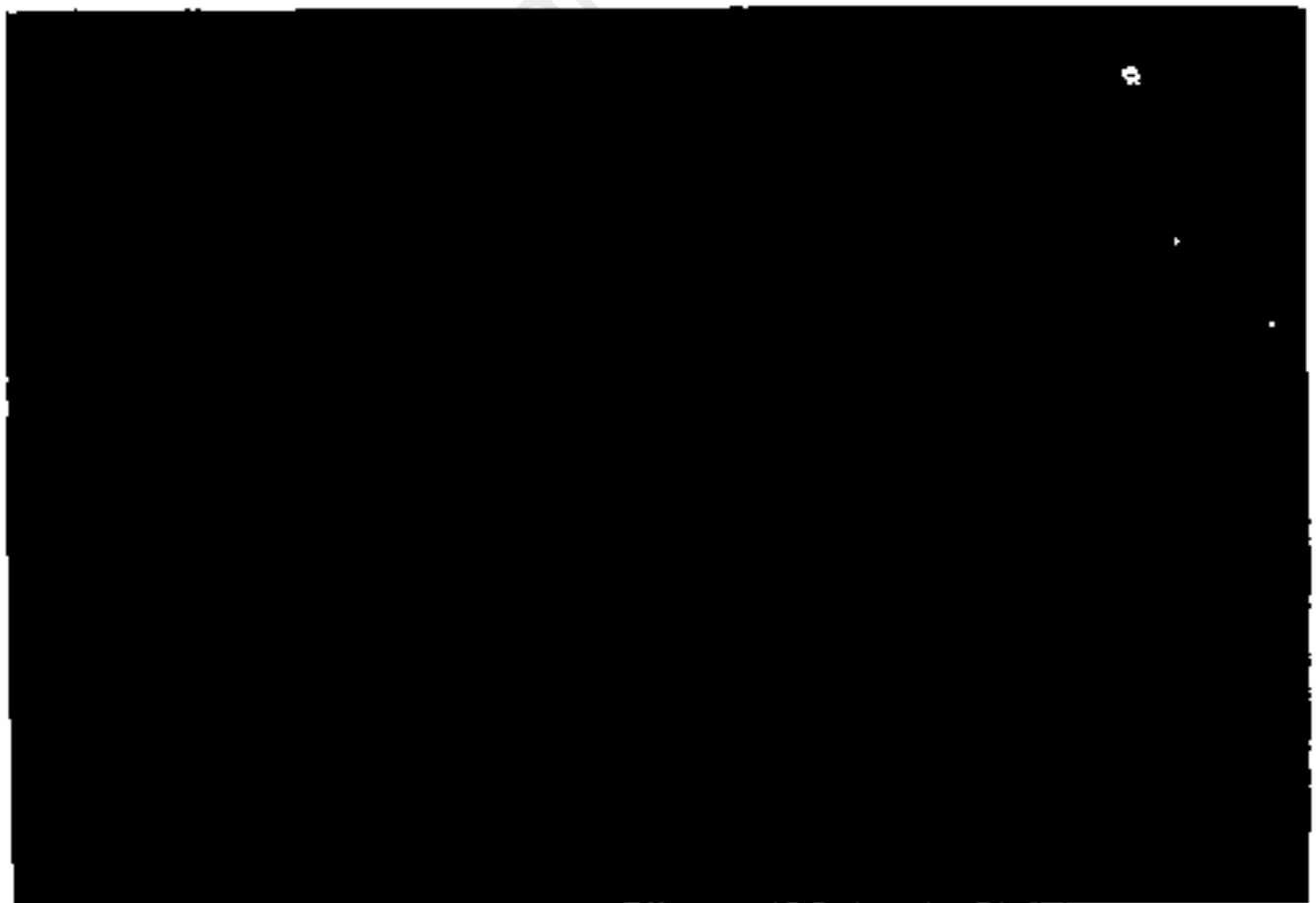


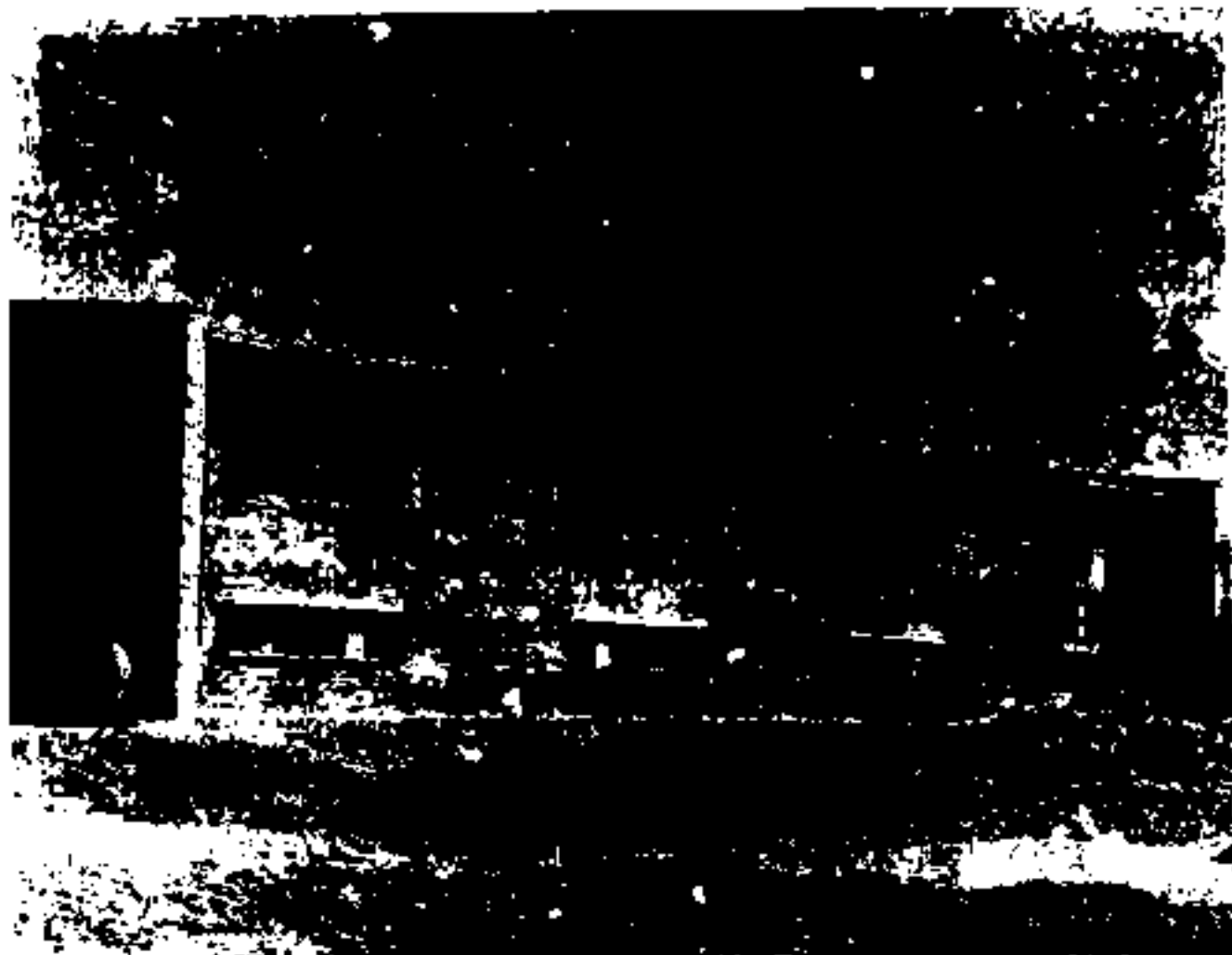






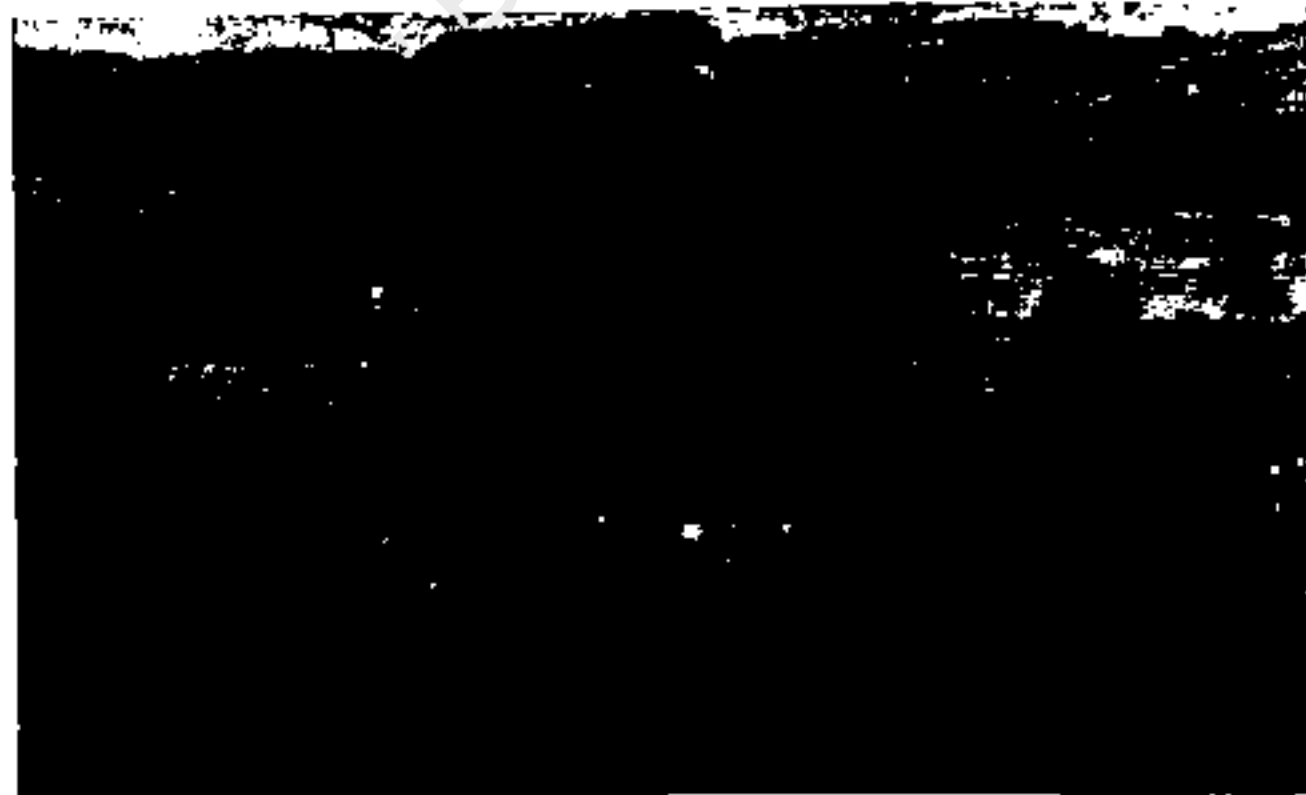
جاء زبلائی

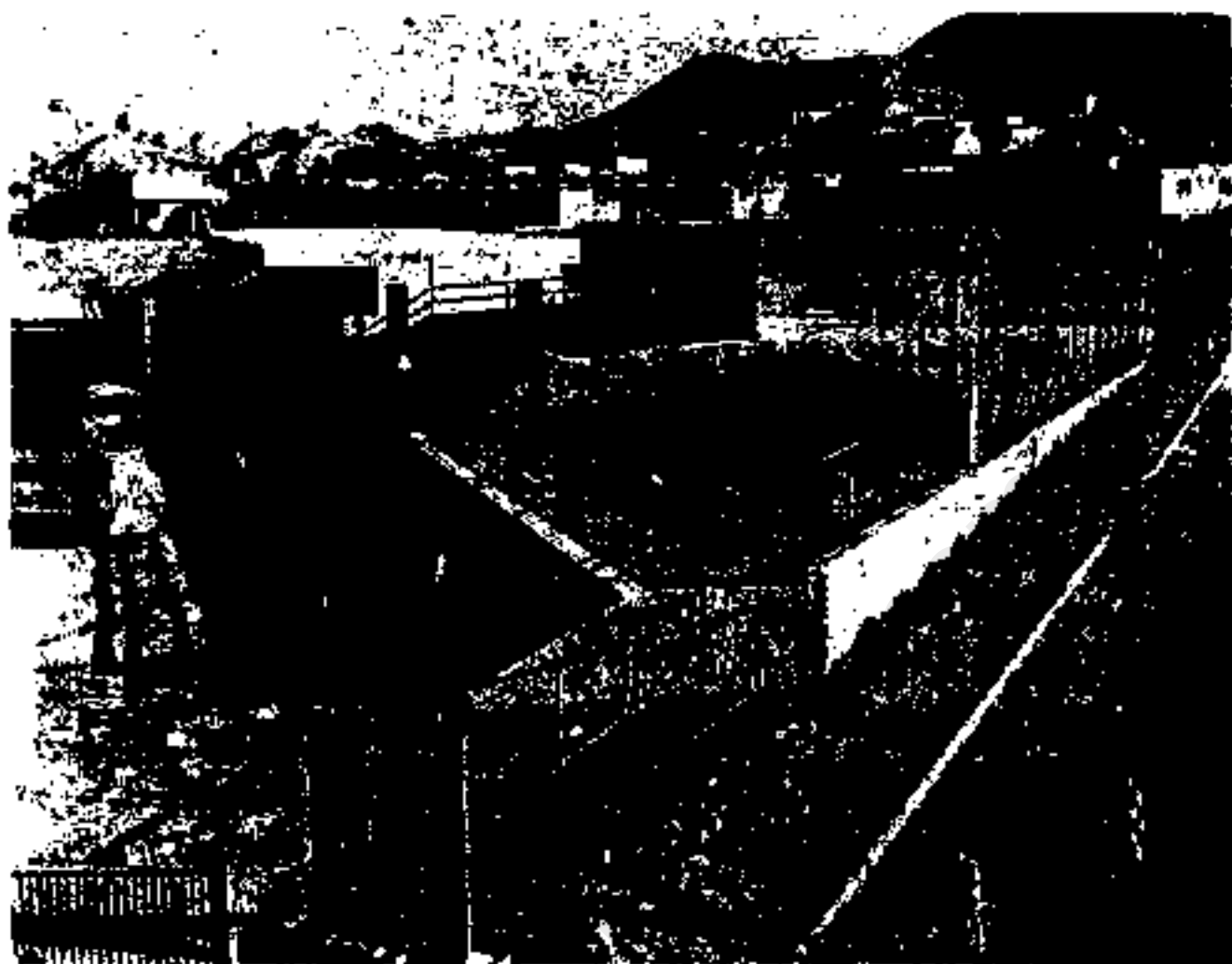




میدان پالایشگاه مرکزی

خانهٔ پرستاران روبروی بیمارستان شرکت نفت.





استادیوم جدید مسجد سلیمان

اصلاح شبکه آبرسانی در کلنگه





تجمع نیروهای طرح کنترگذاری در مسجد سلیمان

اداره ترابری منطقه مسجد سلیمان:

این اداره که دارای تعداد ۱۳ نفر کارمند، ۹۲ نفر کارگر رسمی، ۸ نفر کارگر قراردادی و ۹۸ نفر کارگر زیرپوششی است، مسئولیت ارائه خدمات تاکسیرانی، اتوبوسرانی و خدمات حمل و نقل ادارات شرکتی متمرکز در منطقه را به عهده دارد. قبلاً آقای مصطفی نصیر دشتگل رئیس این اداره بود و هم‌اکنون آقای حیدریان رئیس اداره ترابری منطقه مسجد سلیمان می‌باشد. آمار تعداد و نوع ماشین‌آلات مربوط به اداره ترابری که مورد استفاده واحدهای تابعه این اداره و سایر ادارات مستقر در منطقه مسجد سلیمان قرار می‌گیرند ذیل درج می‌گردد:

۱- تعداد خودروهای مورد استفاده در منطقه مسجد سلیمان

شماره ردیف	ادارات	تعداد در سال ۱۳۷۰
۱	هیئت رئیسه	۱
۲	حراست	۱۰
۳	تدارکات و امور کالا	۲
۴	تعمیرات	۱۵
۵	بهره‌برداری	۹

۹	ترابری: درون واحدی	۶
۳۷	سرویسهای عمومی	
۲۲	سرویسهای کارکنان	
۹	تاکیرانی	
۱	هواپیمایی	۷
۴	مخابرات	۸
۵	ایمنی و آتش نشانی	۹
۲۵	تعمیرات منازل	۱۰
۱	خدمات اجتماعی	۱۱
۲	خواروبار و مهمانسراها	۱۲
۱	سازمان تعاون	۱۳
۲	امور اداری	۱۴
۱	خدمات اداری	۱۵
۱	روابط عمومی	۱۶
۱۳	بهداری و بهداشت	۱۷

۲- انواع خودروهای مورد استفاده:

۱- ۲: وسائط نقلیه

موجودی

جمع	سرویس عمومی	واگذاری	نوع وسیله
۱۶	۵	۱۱	سواری
۴۹	۱۶	۳۳	وانت
۳۷	۶	۳۱	استیشن
۱۶	۷	۹	کامیون
۱۵	—	۱۵	اتوبوس
۵	—	۵	مینی بوس

۲- ۲: تریلرها و موتورسیکلتها:

۵	۲	۳	تریلرها
۴	—	۴	موتورسیکلتها

۳ - ۲: وسائط نقلیه سیار ساختمانی

جمع	موجودی	واگذاری	نوع وسیله
۲	۱	۱	ماشین آلات ۵۰۰ - ۵۹۹
۲	—	۲	ماشین آلات ۶۰۰ - ۶۹۹
۱۱	۳	۸	ماشین آلات ۷۰۰ - ۷۹۹
۲	۱	۱	ماشین آلات ۸۰۰ - ۸۹۹

توضیح اینکه ماشین آلات (۵۰۰ - ۵۹۹) به ماشین آلات و وسائلی اطلاق می‌شوند که در رده (بالا برها) قرار می‌گیرند.

ماشین آلات (۶۰۰ - ۶۹۹) جاده سازی می‌باشند.

(۷۰۰ - ۷۹۹) ماشین آتانی هستند که دستگاههای کمپرسور هوا و موتور جوش روی آنها قرار گرفته است.

(۸۰۰ - ۸۹۹) ماشین آتانی هستند که مولدهای برقی و ژنراتورها روی آنها استقرار یافته است. اداره حمل و نقل در سال ۱۳۶۱: واحد حمل و نقل یکی از فعالترین ادارات منطقه مسجد سلیمان بشمار می‌رود. تعمیر و نگهداری وسائط نقلیه از اهم وظایف این واحد محسوب می‌گردد. بخصوص با توجه به مسائلی از قبیل جنگ با کفار بعثی و حصر اقتصادی، آماده کردن وسائط جهت عملیات ترابری حساسیت خاصی به این اداره بخشیده. ذکر این نکته ضروری است که واحد حمل و نقل علاوه بر وظایف عادی خود به سایر ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی، خدماتی نیز ارائه می‌دهد. در اختیار قرار دادن سرویس اتوبوسرانی شرکت نفت به مردم مسجد سلیمان برای ایاب و ذهاب مراسم عزاداری آنها، ایاب و ذهاب دانش آموزان محلات مختلف شهرستان به مدارس، کمک و همیاری با مسئولین ارگانها در امر برگزاری مراسم مذهبی و راهپیمایی بوسیله سرویس اتوبوسرانی، حمل نیروهای بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به جبهه‌ها در زمان جنگ تحمیلی و سایر عملیات کمک‌رسانی به جبهه‌ها، از دیگر خدمات عمومی حمل و نقل است که می‌توان نام برد. با توجه به عملیات این واحد و اهمیت حیاتی خدماتی آن و

فرسودگی ماشین آلات و قدمت وسائل تعمیراتی، شایسته است این اداره توسط کارشناسان فن مورد بررسی و بازدید قرار گیرد و اقداماتی در جهت نوسازی و بهبود کلی معمول گردد.

ارتباطات

در آغاز کلیه وسائل حفاری مسجد سلیمان توسط ارباب‌های چهارچرخ به محل حفاری حمل می‌شد و بعدها بتدریج راهها، توسعه یافت و بصورت کنونی درآمد. مسجد سلیمان بوسیله راههای باریک پریچ و خمی با اهواز، شوشتر و هفتکل ارتباط دارد. هم‌اکنون به توضیح درباره یکی از آنها که مهمتر است می‌پردازیم.

۱ - راه قدیم مسجد سلیمان - اهواز: این راه آسفالت، پریچ و خم بوده و پس از عبور از تپه‌ها و دره‌های مسجد سلیمان، در محل دوراهی شوشتر به دو انشعاب تقسیم می‌شود. یکی بطرف شوشتر و دیگری به اهواز می‌رود و در این محل است که جاده به جلگه خوزستان می‌رسد و در بعضی نقاط از محل آب رودها عبور می‌کند و در درخزین با رود کارون مجاور شده و به موازات آن تا اهواز امتداد دارد طول این جاده ۱۴۰ کیلومتر بوده که ۸۰ کیلومتر آن از مسجد سلیمان تا حدام مربوط به منطقه مسجد سلیمان و بقیه جزو منطقه اهواز است. این جاده چون متعلق به شرکت نفت بوده و در اوائل تشکیل شرکت نفت انگلیس و ایران احداث شد، کم‌عرض بوده و پلهای آن عموماً فلزی با عرض کم می‌باشد بطوری که در آن واحد بیش از یک اتومبیل نمی‌تواند از روی آنها عبور کند در کنار و امتداد جاده لوله‌های انتقال نفت از مسجد سلیمان به آبادان کشیده شده و یک رشته سیم تلفن که برای ارتباط و تماس بین مناطق نفت‌خیز از مسجد سلیمان تا آبادان کشیده شده، دیده می‌شود. نوع آسفالت آن اغلب سرد و در بعضی نقاط، نفت سیاه و روشن در جاده پاشیده شده است. جاده نفت سفید - اهواز در ۱۸ کیلومتری به این جاده می‌پیوندد. جاده مسجد سلیمان لالی در فاصله تقریبی ۲۰ کیلومتری مسجد سلیمان از این جاده، منشعب می‌شود.

این جاده مسجد سلیمان را از طریق ترک دز، بتوند، دوراهی شوشتر، درخزین، حدام، ملاثانی، ویس و زرگان به اهواز متصل می‌کند. ترک دز، دوراهی شوشتر و بتوند در نزدیکی مسجد سلیمان و بقیه در نزدیکی اهواز واقعند.

در محل بتوند، دوپل نسبتاً طویل توسط کمپانی نفت قدیم ساخته شده است که نسبت به سایر پلهای بهتر می‌باشد و قطار مسجد سلیمان در روزگاران گذشته از روی دوپل مذکور عبور می‌کرد و آثار آن هنوز باقی است.

این جاده زمانی یکی از بهترین جاده‌های ایران بود. بعدها با احداث راه‌های تجارتمی و ترانزیتی ایران، در درجه ۳ قرار گرفته و هم‌اکنون متروکه شده است. بهار که فصل گل و سبزه در خوزستان است اطراف این جاده‌ها، پوشیده از سبزه، علف، شقایق، لاله و سنبل صحرائی می‌گردد. در کناره‌های آن مردم مسجدسلیمان، ایام تعطیل خود را می‌گذرانند و با اصطلاح گردشگاه‌های فصل طراوت طبیعت در مسجدسلیمان هستند. هم‌اکنون جاده‌های چاه‌های نفت و گاز نواحی مسجدسلیمان، لالی، کارون، زیلابی و پرسپاه آسفالت نیست. کلیه جاده‌های چاه‌های این منطقه خاکی، پرپیچ و خم و صعب‌العبور می‌باشند. در اثر بارندگی اکثر جاده‌های منتهی به چاه‌های نفت و گاز در اثر ریزش کوه، خراب و رفت و آمد در این جاده‌ها، بسختی انجام می‌گیرد و راه محدود می‌شود. کسانی که با این شهر آشنایی دارند، ملاحظه خواهند کرد که مسجدسلیمان در حقیقت فاقد جاده است و جداً در نواحی و شهرهایی که دارای این چنین جاده‌هایی است، نباید از خودرو و انتظاری داشت. استهلاک بیش از حد، تصادف و ضایعات همیشگی، خستگی ترددکنندگان و بالاخره تأخیر در کارهای روزمره در این برهه از زمان که مشکلات تعمیر قطعات یدکی و بطور کلی کمبود خودرو چشمگیر است. بهر حال مسئولین محترم باید فکری بحال این شهر کنند تا از این بن‌بست بیرون آید.

۲ - راه آهن: در آن زمان که هنوز جاده مسجدسلیمان - اهواز ساخته نشده بود، شرکت نفت برای حمل و نقل اموال خود، در سال ۱۹۲۳ میلادی مطابق با ۱۳۰۲ شمسی یک خط آهن کوتاه از درخزین تا مسجدسلیمان تأسیس نمود طول این خط آهن از درخزین تا مسجدسلیمان ۷۲ کیلومتر و عرض آن ۷۶۰ میلی‌متر بوده است.

در این خط دو دستگاه واگن مجهز جهت ایاب و ذهاب کارکنان و خانواده‌های آنان نیز وجود داشت. در درخزین کالا پس از تخلیه به دوبه‌ها منتقل و مسافران پس از پیاده شدن نیز بوسیله کشتی شرکت نفت به اهواز حرکت می‌نمودند. هم‌اکنون در محوطه چشمه علی محلی وجود دارد که ایستگاه مبداء بود و هنوز به نام «ریل‌وی» نامیده می‌شود. ایستگاه‌های بعدی هم تسمی، مالک‌کریم، بتوند، آبگاه... بودند.

شرکت از درخزین تا مسجدسلیمان چند پست امنیه برای حفظ امنیت خط آهن، اموال و مسافران، احداث کرده بود. تا چند سال قبل از ملی شدن صنعت نفت نیز این ارتباط بوسیله یک فایق موتوری که در محل باشگاه ساحل کنونی اهواز پهلو می‌گرفت برقرار بود و بوسیله چنین فایقی، دوبه‌ها یا بارهای حامل، کالاهای مربوط به شرکت را از آبادان و اهواز به درخزین حمل و از آنجا با خط آهن احدائی شرکت نفت به مسجدسلیمان منتقل می‌گردید و یا بالعکس اثاث و

لوازمی که بوسیله قطار به درخزین و اصل گردیده بود از طریق رود کارون با همان قایق و دویه‌ها به اهواز و آبادان حمل می‌شد. بعداً که جاده مسجد سلیمان به اهواز ساخته و آسفالت گردید و حمل و نقل شرکت بوسیله کامیون‌ها انجام گرفت و با توسعه فعالیت‌های شرکت نفت و ایجاد انبارهایی در آبادان، اهواز و آغا‌جاری بتدریج تأسیسات راه آهن و کشتیرانی مزبور متروک و در سال ۱۳۲۳ خورشیدی برجیده شد، در حالی که زیرسازی و پل‌های مربوط به آن بجای ماند. بعدها سبزه‌های قطار توسط مردم کنده شد و بعنوان حمال و تیر آهن ساختمان، از آنها استفاده می‌شد.

۳ - فرودگاه: اولین فرودگاه خاورمیانه در مسجد سلیمان ساخته شد. فرودگاه این شهر که مخصوص شرکت نفت است تاکنون سه مرتبه تغییر محل داده است. اولین محل آن در دهستان (نل بزان) واقع شده که هم‌اکنون بین اهالی به (جانبالون) معروف بوده و در سال ۱۹۲۵ م ساخته شده است. محل دوم آن، در ناحیه جنوب مسجد سلیمان در نزدیکی دهکده‌ای که در جاده گلگیر واقع شده و بنام (یک مِهّه) خوانده می‌شود قرار دارد و بومیان محل به آن فرودگاه (میدان طیاره) می‌گویند. در جنگ شهریور ۱۳۲۰ فرودگاه (یک مِهّه) فعال بوده و اروپاییان ساکن مسجد سلیمان و سایر مناطق، از طریق این فرودگاه به خارج از کشور فرار می‌کردند. هم‌اکنون فرودگاه فعلی مسجد سلیمان در شمال غربی شهر واقع شده است و تا چند سال پیش نیز سرویس هوایی ملی ایران از این فرودگاه استفاده می‌نمود، ولی اکنون به دلیل کمی گنجایش، ظرفیت نشستن هوایمی ملی را ندارد و تنها بین مسجد سلیمان و نواحی نفت خیز سرویس هوایی برقرار است و کارکنان صنعت نفت از آن استفاده می‌کنند.

این هواپیماها از نوع (داو فرند، شیب، ایر، تاکسی) و هواپیمای (اج، اس) است که سرعت اج اس ۱۲۵ - ۵۰۰ میل در ساعت است که فاصله مسجد سلیمان - تهران را در ۵۰ دقیقه می‌پیماید و گنجایش ۷ نفر با دو خلبان را دارد و دو موتور جت دارد و معادل (داو) می‌باشد. سرعت فرند شیب‌ها ۳۰۰ کیلومتر در ساعت که ساخت کارخانه (روز - رویس) انگلستان هستند. وجود فرودگاه شرکت ملی نفت ایران در مسجد سلیمان و مجاورت این فرودگاه با باند فرودگاه هوانیروز که از طریق تاکسی وی TAXI - WAY به یکدیگر متصل و با اضافه نمودن ۵۰ متر به باند هوانیروز، امکان استفاده مشترک از نظر فرود و پرواز هواپیماهای مسافرتی، خصوصاً هواپیمایی که از نوع شرکت آسمان می‌باشد، زمینه مساعدی در جهت استفاده از سرویس‌های هوایی بویژه در جهت انتقال نیروهای متخصص مورد نیاز بالاخص در زمینه آموزشی را میر خواهد کرد. لازم به ذکر است که توانایی فنی در این زمینه، بوسیله کارشناسان مربوطه هواپیمایی کشوری، ارزیابی و تأیید شده است و نیاز به اقدامات بیشتری است. لازم به ذکر است که از تاریخ

۱۳۷۴/۶/۲۴، پرواز هواپیمای کیش ایر از مسجد سلیمان به تهران و بالعکس، در روزهای یکشنبه صبح و چهارشنبه بعد از ظهر هر هفته، جهت رفاه حال شهروندان عزیز دایر گردیده است که این مسئله بنوبه خود پیامی خوشحال کننده می باشد.

سرویسهای اتوبوسرانی: سرویس اتوبوسرانی از آغاز تأسیس شهر، در این منطقه برقرار بوده است و مراحل طی نموده. چنانکه در آغاز فقط کارکنان خارجی از آن می توانستند استفاده کنند و بعدها مورد استفاده کارکنان ایرانی قرار گرفت. تعداد اتوبوسهای شرکت نفت در سال ۱۳۵۰، ۲۱ دستگاه بود که گنجایش ۳۴ نفر را داشتند و ۱۲ اتوبوس کارگری با ظرفیت ۶ نفر و ۲۸ اتوبوس کارگری دیگر با گنجایش ۲۵ نفر که ایاب و ذهاب کارکنان صنعت نفت به وسیله آنها صورت می گرفت. در بهمن ماه سال ۱۳۴۲ بمنظور اجرای دستور ریاست هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت ملی نفت ایران، مطالعاتی در مورد تبدیل نمودن کامیون به اتوبوس جهت ایاب و ذهاب کارگران به محل کار صورت گرفت. هدف از آن تأمین رفاه کارگران هنگام رفت و آمد به محل کار و یا در اوقات بعد از کار با وسیله نقلیه مراکز صنعتی متداول بود.

سرویسهای تاکسیرانی: در گذشته کارگران شرکت نفت از سیستم مجهز تاکسیرانی شرکت استفاده می کردند و کارمندان صنعت نفت نیز از سرویس تاکسیرانی مخصوص بهره مند می شدند. تعداد سرویسهای ویژه کارمندان ۲۵۰ دستگاه بود که در سال ۱۳۴۹ در مقابل هر نیم ساعت استفاده، بلیطی به مبلغ ده ریال پرداخت می شد. برای مسجد سلیمان که سالها مرکز ادارات صنعت نفت جنوب ایران بود، اتومبیلهای زیادی مورد نیاز بوده است و مسجد سلیمان یک وقت از لحاظ تعداد اتومبیل به نسبت جمعیت در خاورمیانه مقام اول را داشت. خلاصه وسائل نقلیه موجود در منطقه مسجد سلیمان با تعداد کارگرانی که حمل و نقل می شدند در بهمن ماه ۱۳۴۲:

منطقه	وسائط نقلیه موجود		تعداد کارگرانی که ایاب و ذهاب می شدند	آمار کارگران طبق سازمان
	اتوبوس ۶۰ نفری	کامیون ۲۵ نفری		
مسجد سلیمان	۱۰	۱۹	۱۴۸۰ نفر	۳۱۳۱ نفر

تا سال ۱۳۵۷ تعداد ۴ دستگاه ماشین تانکر روزانه از طرف شرکت نفت، آب آشامیدنی روستاها را حمل می کردند و آب رایگان در اختیار روستائیان قرار می دادند و ۲ دستگاه دیگر هم مواد سوختی را به دهات و قصبات اطراف مسجد سلیمان می رساندند. سرویس اتوبوسرانی شهرداری مسجد سلیمان از تاریخ ۹ مهر ماه ۱۳۴۷ با استفاده از ده ماشین بدفورد و پنج مرسدس بنز نو

اهدایی شرکت نفت عملاً ایجاد و از همان تاریخ شروع بکار کرده است و توانسته منشاء خدمات رضایتبخشی در تمام خطوط نقاط شهر و مدارس مسجد سلیمان باشد.

در سال ۱۳۴۸ پنج دستگاه اتوبوس دیزل ایران نشنال ۳۶ نفره، توسط شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران از شرکت سهامی کارخانجات صنعتی ایران نشنال در تهران خریداری شد و به شهرداری مسجد سلیمان تحویل داده شد تا بعنوان سرویس اتوبوسرانی شهری از آنها استفاده شود.

بجز ادارات عملیاتی و خدماتی که وضعیت آنها درج گردید، ادارات و واحدهای اداری دیگری نیز در منطقه مسجد سلیمان وجود دارد که هر کدام به تناسب شرح وظائف و مسئولیتهای سپرده شده به آنان در راه اندازی کلی امور منطقه انجام وظیفه می نمایند. این ادارات بشرح زیر می باشند:

۱ - اداره حراست: این اداره با تعداد ۷ نفر کارمند، ۹۷ کارگر رسمی و ۱۲۲ نفر کارگر زیر پوشش، مسئولیت حفاظت از تأسیسات، اموال و ساختمانهای شرکت در منطقه مسجد سلیمان را بعهده دارد.

در گذشته حفاظت از اموال کمپانی نفت بر عهده مستحفظین بخشاری بود. بعدها که قدرت آنها کاسته و شرکت توسعه یافت، بتدریج این کار به پیمانکاران واگذار شد و اینها موظف شده بودند که تأسیسات و اماکن شرکت را حفظ و حراست نمایند. نگهبانهای قدیمی محافظ چاهها، برای حفاظت جان خود، تک اتاقک سنگی بنا می کردند و برای روشنایی از همان نفت چاه که توأم با گاز بود استفاده نموده، آن را آتش زده و شب را سپری می کردند.

نگهبانان و گاردبهای شرکت نفت همه دارای لباسی متحدالشکل بوده و در حال حاضر حتی درجه هم به آنها داده اند و شرکت هر سال پوشاک مخصوص آنها را تأمین می نماید. تا قبل از انقلاب اسلامی نگهبانها دارای کلاه و کراوات بودند که این دو در سال ۱۳۵۷ برداشته شد. هم اکنون آقای مجید اسدی پیمانکار حراست صنعت نفت منطقه مسجد سلیمان می باشد و جوانان بیکار زیادی را بکار گمارده است که این مسئله تا حدودی در رفع بیکاری تپ جوان این شهر مؤثر بوده است. در گذشته آقایان: موقوئی، قائم مقامی، ناظم الرعایا، آ. حاجت مراد کریمی، نصوحی، کبیری منش، بهادری و صادقی ریاست این اداره را بر عهده داشتند و هم اکنون آقای مکوندی این سمت را دارد.

آیین‌نامه لباس و علائم برای افراد گارد ملی صنعت نفت ایران :

لباس هنگام خدمت در مناطق گرمسیر طبق مقررات این آیین‌نامه بود.

ترکیب یکدست لباس کامل بشرح زیر بود.

مناطق گرمسیر

الف : هر سال سه دست لباس کامل تابستانی

ب : هر سال یکدست لباس کامل زمستانی

ج : هر سال یک پالتو

د : هر سه سال یک بارانی

لباس تابستانی:

۱ - کلاه کاسک

۲ - پیراهن تابستانی (بجای فرنج)

۳ - شلوار

۴ - کفش

۵ - لباس زیر

۶ - کراوات

۷ - سه جفت جوراب

۸ - کمر بند برزنتی برای شلوار برنگ پارچه

تاریخ استفاده لباس هر فصل در مناطق گرمسیر

از اول اردیبهشت ماه هر سال

لباس تابستانی ←

از اول مهر ماه هر سال

لباس زمستانی ←

۲ - اداره روابط عمومی :

کلیه مکاتبات مربوط به شرکت نفت با ادارات و ارگانهای خارج از وزارت نفت از کانال این اداره می‌گذرد. نگهداری اراضی اطراف تأسیسات و خطوط لوله‌های نفت و گاز بوسیله چهار نفر بازرس اراضی و یک سربازرس اداره می‌شود.

باید یاد آور شد که این اداره برگزار می‌کند مراسمات مذهبی و ملی را هم بعهده دارد. در گذشته این اداره قدرت اجرایی بیشتری در بین اهالی داشت و از احداث منازل شخصی بشدت جلوگیری می‌کرد.

تا قبل از انقلاب کلیه نشریات روابط عمومی مناطق نفت خیز در این شهر بچاپ می‌رسید و از مسجد سلیمان به سایر مناطق توزیع می‌شد و حتی فیلم مستند، سینمایی و آموزشی هم به نمایش می‌گذاشت. در گذشته آقایان: جنجال بختیاری، باقر علوی، حسن صباغ، روی‌ور، فیض بخش، نصیرپور و آبروش ریاست این اداره را برعهده داشتند و هم‌اکنون آقای مسعود احمدی این سمت را دارد.

۳ - اداره ایمنی و آتش‌نشانی :

نیروی انسانی واحد ایمنی و آتش‌نشانی مجموعاً ۲۹ نفر می‌باشد. این اداره بطور شبانه‌روز آماده اطفاء حریق در منطقه است، از طرف دیگر در مواقع لزوم به کمک آتش‌نشانی شهرداری و ارتش در امر اطفاء حریق، شرکت فعال می‌نماید. بازرسی کلیه تأسیسات نفتی و ادارات مختلف منطقه، برگزاری کلاسهای آموزش رانندگی تدافعی و دوره‌های اصول ایمنی و نمایش فیلمهای آموزنده در ارتباط با آتش‌سوزی، از دیگر خدمات این واحد بشمار می‌رود.

در سالهای گذشته که شهرداری مسجد سلیمان دارای آتش‌نشانی نبود، اطفاء حریق در صنعت نفت، ادارات دولتی و منازل شخصی شهر، توسط آتش‌نشانی شرکت نفت صورت می‌گرفت. برای مقابله جدی با آتش، سالهاست که بشر به تکاپو افتاده و ستادهای عملیاتی خود را در همه جای این جهان پهناور، گسترده و ایستگاههای آتش‌نشانی درست کرده است. در سالهای اخیر به موازات تغییرات و پیشرفتهائی که در کلیه شئون صنعت نفت ایران در مناطق نفت‌خیز بوجود پیوسته، آتش‌نشانی نیز که سهم مهمی در پیشگیری و مبارزه با آتش‌سوزی دارد و با توجه خاصی که هیئت رئیسه صنعت نفت بدان معطوف داشته‌اند با صرف هزینه‌های سنگین براساس نیازمندیهای این صنعت، اقدامات وسیع و چشمگیری را در جهت بهبود و آمادگی هرچه بیشتر خود در مبارزه با آتش‌سوزی مرعی داشته است.

اداره آتش‌نشانی شرکت نفت در مسجد سلیمان، علاوه بر مشولیت تأسیسات صنعت نفت، کمک و مساعدت به سایر افرادی را که در این شهر زندگی می‌کنند بعهده دارد و حتی آن زارع و یا روستاشینی که از کیلومترها فاصله در دهات و قراء اطراف، دست کمک بسوی این اداره دراز می‌کند، پرسنل این اداره با آغوش باز به استقبالش می‌روند و تلاش خود را مصروف می‌دارند تا به نحوی بتوانند برای او مفید باشند. قبلاً آقای یوسف شهنی کرم، رئیس این اداره بود و هم‌اکنون این مقام را آقای امیرحسین افرا، دارا می‌باشد.

۴ - اداره مخابرات :

تاریخچه مخابرات مسجد سلیمان از سال ۱۹۰۹ میلادی با به جریان افتادن نفت از مسیرهای نمبی - ملانانی - کوت عبدالله - دارخوین و آبادان آغاز شد. در این میرها ارتباطات اولیه توسط چند هزار پایه با سیستم سیمهای هوایی و با استقرار چند نفر در هر ایستگاه، اطلاعات و چگونگی حرکت و فشار نفت را از مسجد سلیمان (نمبی) که اولین ایستگاه محسوب می‌شد به ایستگاه دوم اطلاع داده می‌شد، پس این اطلاعات به ایستگاه بعدی و نهایتاً به آبادان می‌رسید و در حقیقت از یک سیستم مغناطیسی بسیار ابتدایی که اغلب هندیه‌ها آن را اداره می‌کردند استفاده می‌نمودند. پس

از مدتی کمپانی نفت از سیستم (مژش) هم بهره‌برداری نمود.

در سال ۱۹۱۴ میلادی یک خط تلفن مجهزتر، ادارات شرکت نفت را در مسجدسلیمان به خرمشهر و آبادان متصل می‌کرد.

همزمان با توسعه حفاری و بهره‌برداری از منابع نفتی بیشتر و تأسیس ادارات و خانه برای رؤسای مربوطه، شرکت نفت مجبور شد سه مرکز مخابرات مغناطیسی در نقاط تمبی - کلنگه و چشمه‌علی ایجاد نماید. ضمناً در مسجدسلیمان و گچساران سابق و آبادان، دستگاههای رادیویی H.F ساخت کارخانه مارکونی Marconi دایر نمود که می‌توانستند اطلاعات مورد نظر خود را به کشتی‌ها در خلیج فارس و حتی خارج از کشور منتقل نمایند. در سال ۱۹۳۶ میلادی اولین مرکز خودکار در مسجدسلیمان بکار افتاد و در سال ۱۹۵۷ میلادی یک دستگاه مرکز خودکار ساخت کارخانه (جی - ای - سی) در ساختمان فعلی مخابرات، آماده بهره‌برداری گردید که هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد و توسط کارکنان دلسوز و متعهد مخابرات نگهداری و تعمیر می‌شود. با این توضیحات باید گفت که مسجدسلیمان دارای اولین سیستم مخابراتی در منطقه خاورمیانه بود.

وسائل مخابراتی شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران از شبکه و قسمتهای مشخص و مجزا از یکدیگر ساخته شده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱ - مرکز تلفن نفتون :

این مرکز شامل هشتصد خط خودکار، خطوط تلفن چشمه‌علی، مهمانسرا، بیمارستان و پانسیون شبانه‌روزی پرستاران می‌باشد. علاوه بر آنها، چندین خط مستقیم که مخصوص مقامات شرکتی است جزء این مرکز است. خطوط تلفتی مذکور و همچنین مرکز اطلاعات تلفنی توسط دو نفر از کارمندان فنی تحت نظر آقای بهادر بهادری اداره می‌شد.

۲ - شاه سیم (Trunk - Line)

که شامل خطوط ارتباطی بین مسجدسلیمان و سایر نواحی می‌باشد. ساختمان این خطوط طوری طرح شده که در یک زمان از طریق دستگاههای کاربر در حدود دوازده نفر می‌توانند از آن استفاده نمایند. خطوط ارتباطی لالی، ژاندارمری لالی، تصفیه آب لالی نیز به این خطوط مربوط می‌شوند.

۳ - خط الکترونیک :

این خط بیشتر مورد استفاده فرودگاه، بیمارستان مرکزی، اداره بهره‌برداری، تل بزان، اداره کنترل، آتش‌نشانی و همچنین اداره حفاظت شرکت ملی قرار می‌گیرد. نیروی مورد لزوم کلیه

وسائل مخابراتی مرکز خودکار نفتون بوسیله چندین دستگاه باطری بزرگ تأمین می‌شود. باطریهای مذکور در دو ردیف مجزا هستند که فقط از یک ردیف آنها استفاده می‌شود و ردیف دوم، در مواقع اضطراری و از کار افتادن ردیف اول مورد استفاده قرار می‌گیرد. باطریهای نامبرده بطور مداوم شارژ شده و چنانچه بطور اتفاقی نیروی برق ناحیه قطع گردد، نیروی مورد نیاز بوسیله یک موتور دیزل مولد برق تأمین می‌گردد.

علاوه بر دستگاههای فوق، در اداره مخابرات از ماشینهای تحریر تلگرافی Teleprinter نیز استفاده می‌شود. این دستگاهها شامل کلیه خطوط تلگرافی بین مسجد سلیمان، تهران، آبادان، اهواز، گچساران، خارگ، آغا جاری و بالعکس می‌باشد.

در زمان ملی شدن صنعت نفت، مسجد سلیمان در اوج شکوفائی خود، مرکز مناطق نفتخیز بود و تعمیر اساسی وسایل مخابراتی تمام مناطق از قبیل سیستمهای پشرفته تلفنی، ماکس و الکترونیک بعهده کارکنان مخابرات مسجد سلیمان بود، ولی متأسفانه از سالهای ۱۳۵۰ خورشیدی این شهر از صورت مرکزیت بیرون آمد و به منطقه متروکه‌ای تبدیل گردید. در واقع اروپا را آباد کرد و خود بطرف نابودی، ویرانی و سیر قهقرا حرکت نمود.

هم اکنون اداره مخابرات دارای ۴۷ نفر پرسنل بوده و حوزه مسئولیت این اداره از مسجد سلیمان تا نواحی هفتکل، نفت سفید، پرسیاه و لالی گسترده می‌باشد.

خدمات و ادوات:

۱ - مراکز تلفن شامل:

الف: مرکز خودکار اصلی (۷۰۰ شماره)

ب: مرکز بیمارستان (۱۰۰ شماره)

ج: مهمانسرا (۲۰ شماره)

از مرکز خودکار اصلی ۲۳۸ شماره در اختیار دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی بصورت مجانی سرویس داده می‌شود و ۷۰ شماره نیز در اختیار اشخاص ثالث که ارتش جمهوری اسلامی جزء این دسته بوده و هر ماه آبونمان تلفن از آنها اخذ می‌گردد.

۲ - کل سیستم جهت ارتباط یا نواحی مختلف میکروویو است و تعداد ۳ برد مرکز تلفن برای ارتباط با نواحی توسط تلفنچی فعالیت دارد.

۳ - تعداد ۲۳ دستگاه رادیو بی سیم در اختیار اداره بهره برداری مسجد سلیمان، آتش نشانی، هفتکل، نفت سفید، پرسیاه و روابط و حراست قرار دارد که بوسیله دستگاه مادر معروف به ایستگاه شهنی سرویس داده می‌شود. تعداد ۴ دستگاه نیز در اختیار سپاه پاسداران مسجد سلیمان

است.

جهت ارتباط بیشتر شرکت نفت منطقه و رفع نیازها و هماهنگی و همکاری شرکت با سایر ادارات، تلفنهای شرکتی به آنها داده شد و هم‌اکنون اکثر ادارات دولتی، ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی از تلفنهای شرکت نفت بهره‌گیری می‌نمایند.

۵ - اداره حسابداری : (امور مالی)

اداره حسابداری شرکت ملی نفت ایران در منطقه مسجدسلیمان از چند دائره مجزا تشکیل گردیده است. بطور کلی دو نوع فعالیت توسط اداره مزبور انجام می‌گیرد. یکی امور مربوط به دریافت و پرداخت و دیگری تهیه و تنظیم گزارش ماهیانه می‌باشد. دوائر مختلف اداره حسابداری شرکت ملی نفت ایران در مسجدسلیمان و اموری که انجام می‌دهند مختصراً بقرار زیر است:

الف : دائره بودجه و هزینه‌های جاری :

وظائف عمده این قسمت عبارت است از تهیه ارقام بودجه و کنترل هزینه‌ها و برای این منظور مرتباً با ادارات مربوطه تماس گرفته و با تهیه گزارش لازم و تشکیل جلسات کنترل بودجه اقدامات لازم برای ایجاد توازن بین رقم بودجه و هزینه‌های جاری بعمل می‌آید.

ب : صندوق :

کلیه پرداختها و دریافتهای روزانه، توسط صندوق صورت می‌گیرد. دریافت وجوه فروشگاهها و مؤسسات وابسته شرکت، پرداخت به کارمندان بازتشته و پیمانکاران شرکت ملی نفت، جزئی از فعالیتهای صندوق حسابداری می‌باشد.

ج : حسابداری تدارکات :

در این قسمت امور مربوط به حساب سینماها، فروشگاهها و مهمانسراهای شرکت ملی نفت در منطقه مسجدسلیمان انجام می‌گیرد.

د : حسابداری مالی :

رسیدگی به حساب شرکتهای وابسته، تسلیم صورت حساب پیمانکاران و تهیه و تنظیم اوراق مربوط به پرداخت حقوق کارمندان از طریق بانکها توسط این قسمت انجام می‌شود.

ه : دائره دستمزد کارگران :

این قسمت متول انجام کلیه امور حسابداری مربوط به دستمزد کارگران شرکت ملی نفت در منطقه مسجدسلیمان می‌باشد.

در اداره حسابداری شرکت ملی نفت ایران - منطقه مسجدسلیمان، همکاری و هماهنگی قابل

ترجیحی بچشم می‌خورد و کارمندان آن از کار زیاد هراسی ندارند. چه بسا دیده شده با وجود مشغله زیاد عهده‌دار امور مالی و حسابداری مؤسسات فرهنگی وابسته به شرکت و باشگاهها شده‌اند. اینگونه همکاریهای ارزنده آنان در بسیاری از موارد واقعاً قابل تقدیر است.

در حال حاضر اهم وظائف امور مالی بشرح زیر است:

۱ - پرداخت حقوق کارگران رسمی، زیرپوشش و کارمندان رسمی شرکت ملی نفت در مطح منطقه.

۲ - انجام عملیات محاسباتی بتعداد کارگر رسمی و زیرپوشش.

۳ - پرداخت اجاره‌بها قریب به (۱۵۰) دستگاه منزل استیجاری.

۴ - انجام عملیات محاسباتی انجمنها، باشگاهها، قروشگاهها و حسابهای فی مابین شرکتهای وابسته، سازمانهای دولتی و وابسته به دولت از قبیل حساب آب و برق ارتش جمهوری اسلامی، حساب شبکه بهداشتی و بهزیستی در رابطه با ارائه خدمات درمانی.

۵ - انجام مکاتبات و پرداخت به کارمندان بازنشسته و وارث آنان.

۶ - پرداخت به ستاد جنگ‌زدگان آبادان و خرمشهر.

قبلاً آقایان کمال عالیپور، ابراهیم قاسم ابراهیمی، رستم قربانی، ابراهیم راکی، رئیس حسابداری بودند و هم‌اکنون این مقام را آقای علیرضا نیامدپور دارا است.

۶ - امور اداری کارکنان :

این اداره به سرپرستی آقای رضاقلی خشن، مسئولیت رتق و فتق کارهای اداری کارکنان منطقه مجد سلیمان را بعهده دارد و از قسمتهای ذیل تشکیل شده است:

الف : امور اداری کارگران ب : امور اداری کارمندان ج : امور مسافرت و اسناد

د : امور اداری کارگران زیرپوشش ه : بهبود محیط کار

و : آموزش

ز : خدمات اداری

الف : امور اداری کارگران :

انجام کلیه امور مربوط به کارگران، تنظیم برگ اقدام کارگزینی شامل استخدام، جابجایی، ارتقاء، تغییرات شناسنامه، بازنشستگی، اعزام به مرخصی‌های مختلف استحقاقی، اضطراری، ورزشی و غیره، پرداخت وام‌های ضروری یا مسکن، کنترل در اعزام کارگران بیمار و پرداخت هزینه‌های مربوطه، نظارت و کنترل سازمان اداری ادارات مختلف از لحاظ نیروی انسانی و تأمین کمبود آنها از سایر منابع. هم‌اکنون آقایان البرز کریمی بیرگانی و خسرو مصطفی شهنی مسئول امور اداری کارگران می‌باشند.

ب : امور اداری کارمندان :

اهم وظایف: تهیه و کنترل برگهای اقدام کارگزینی (انتقال، ترفیع، ازدواج، طلاق و تغییرات شناسنامه)، امور مربوط به بازنشستگی و منسری و وراثت کارکنان مشوقی، کنترل فهرست سازمانی و برنامه ریزی نیروی انسانی، کاریابی، انتقال و تثبیت بلااستها، اعزام، مرخصی، صدور گواهینامه های استعفا، غیبت، اخراج و استخدام، کنترل فوق العاده ها، تهیه آمار و وامهای ضروری و غیره.

در حال حاضر آقایان الیاس قطب الدین و حمیدرضا جعفری مسئول امور اداری کارمندان می باشند.

ج : امور مسافرت و اسناد :

اهم وظایف این اداره عبارتند از: تنظیم برنامه روزانه جهت مأموریت کارکنان منطقه به نواحی دیگر، خرید بلیط اتوبوس برای بیماران و فرستادن آنها به تهران، ذخیره جا و غذا برای کارکنانی که از نواحی دیگر به این منطقه می آیند، ذخیره جا و غذا برای کارکنانی که از این منطقه به نواحی دیگر می روند، در تمام مدت شبانه روز بصورت کشیک رفتن به شهربانی جهت اخذ روایید خروج و بازگشت اتباع بیگانه، کارهای مربوط به اسناد اتباع بیگانه از قبیل صدور پروانه کار و پروانه اقامت و برگک مفاصاحاب مالیاتی از وزارت امور اقتصادی و دارائی در تهران و تحویل آن در محل، خرید بلیط هواپیما جهت رفتن به مرخصی کارکنان خارجی، رفتن به وزارت کار برای تبدیل پروانه کار صادره از تهران و تحویل آن به اداره کار و امور اجتماعی مسجد سلیمان و کارهای دیگر که بعلمت خلاصه نویسی از ذکر آنها خودداری می شود. هم اکنون آقای پرویز دشتک زاده، مسئول این اداره می باشد.

د : امور اداری کارگران زیر پوشش :

اهم وظایف: انجام کلیه امور مربوط به کارگران زیر پوشش، تهیه و تنظیم برگ اقدام پرسنی شامل استخدام، اخراج، فوت. تهیه و تنظیم کارت عائله مندی، تغییرات در شناسنامه، جایجایی کارگران در منطقه یا انتقال از منطقه ای به منطقه مسجد سلیمان، تعویض کارت شناسایی، معرفی نماینده پرداخت وامهای مسکن و غیره از بانکها. کنترل در اعزام به مرخصی آنان و تهیه برگ مرخصی. کنترل اعزام و معرفی کارگران بیمار به سایر بیمارستانها و در صورت اعزام به بیمارستان امام خمینی و کنترل کارگران از لحاظ تأمین نیروی انسانی ادارات و تسویه حساب نهایی آنان و تهیه آمار و اطلاعات ماهیانه جهت اداره مرکزی و سایر کارهای اداری دیگر و معرفی به ادارات دولتی و سازمان اراضی موات شهری. قبلاً آقای علی رضا ظاهری مسئول این واحد بود و هم اکنون این قسمت با امور اداری کارگران ادغام شده اند و وظایف هر دو واحد بر عهده آقای البرز کریمی

بیرگانی می‌باشد.

ه: بهبود محیط کار:

اهم وظایف این قسمت عبارت است از: شرکت در جلسات حل اختلاف به عنوان نماینده کارفرما در اداره کار و امور اجتماعی، بررسی وضع کارگاهها و بهبود محیط کارکنان، رسیدگی و پاسخگویی به شکایات، مشکلات و مسائل مختلف ارائه شده کارکنان، نظر مشورتی در امور جاری کار.

هم‌اکنون بهبود محیط کار منطقه مسجد سلیمان توسط آقایان حسین نادری و علیرضا ظاهری اداره می‌شود.

و: آموزش:

اهم وظایف: بررسی برگ اقدام آزمون مهارت‌های فنی کارگران، بررسی کلاسهای آموزش در منطقه با سایر مناطق، همکاری با آموزشگاه بهیاری. هم‌اکنون آقای غلامرضا امیدی مسئول آموزش می‌باشد و قبلاً با فعالیتها و تلاشهای ایشان بود که اداره آموزش منطقه راه‌اندازی شد.

ز: خدمات اداری:

وظایف این اداره عبارت است از: تهیه و توزیع نوشت‌افزار، وسایل اداری، دستگاههای خنک‌کننده ادارات، تعمیر و نگهداری ساختمانها و تنظیف دفاتر منطقه، پست و تلگراف، خدمات ماشین‌نویسی و چاپ و تکثیر اوراق و مکاتبات اداری، حفظ و نگهداری ماشین‌آلات و کلیه وسایل اداری.

لازم به ذکر است که این اداره علاوه بر وظایف فوق، خدماتی نیز به ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. در حال حاضر آقای حیدرقلی رفعتی مسئول این اداره می‌باشد. هم‌اکنون از دو واحد پست و ماشین‌نویسی که تحت نظر این اداره می‌باشند اطلاعات بیشتری ارائه می‌شود:

۱ - واحد پست مرکزی:

خوشبختانه واحد پست شرکت نفت در مسجد سلیمان با داشتن وسائل ارتباطی سریع، از قبیل هواپیما و وسایل دیگر نقلیه و افراد ورزیده، توانسته است موجبات رضایت کامل کارکنان و ادارات مختلف صنعت نفت را تأمین نماید.

وقتی که برای تهیه گزارش به واحد پست رفتیم، ناگهان قسمه‌ای که بی‌شبهت به کندوی زنبور عمل نبود توجهم را جلب کرد، مخصوصاً دو نفر کارگر این قسمت که نامه‌های ادارات مختلف را در این قسمه‌های بسیار کوچک جای می‌دهند و هر وقت با آنها مواجه شوید، برعکس اکثر افرادی که طالب تنوع در کار خود هستند به حرفه‌شان علاقه مفراطی دارند و چشم بسته پا کتفا و بسته‌ها را در

این ۱۵۰ دربیچه مخصوص نامه‌ها جای می‌دهند، بدون اینکه جای گله‌ای برای ادارات و افراد بگذارند.

در سالهای قبل مشتریان پروپاقرص واحد پست، عده زیادی کلکیونر نمبر پستی بودند که در مواقع چاپ نمبر جدید، همگی بطرف این واحد هجوم می‌آوردند و وای به روز مشول این واحد که اگر به یکی از آقایان می‌گفت: متأسفانه دیر رسیدید و نمبرهای جدید بفروش رفته! در گذشته نامه‌ها و محمولاتی که از تهران به مقصد مناطق نفت‌خیز می‌رسید، توسط شرکت هواپیمایی ملی، هر روز به آبادان وارد می‌شد و سپس توسط هواپیمایی شرکت نفت و وسائط نقلیه دیگر به مسجدسلیمان که مرکز مناطق نفت‌خیز بود ارسال می‌گردید. بعداً محمولات پستی از این شهر به سایر مناطق نفت‌خیز توزیع می‌شد.

در منطقه مسجدسلیمان واحد پست با داشتن سه وسیله نقلیه، دو موتورسیکلت و یک اتومبیل، کار توزیع نامه‌ها را با سرعت لازم انجام می‌داد.

بهرحال سرویس پست صنعت نفت مسجدسلیمان همیشه مجهزتر از پست شهری می‌باشد. در سالهای گذشته شبکه تلگرافی آن نیز مجهز به دستگاه تله‌نایپ بود و با کلیه نقاط داخل و حتی خارج از کشور ارتباط برقرار بود.

هم‌اکنون محمولات پستی را از طریق اداره امور مسافرت، هر روز به سایر مناطق ارسال می‌دارند. در حال حاضر خانم زینب ابولی مشول این واحد می‌باشد.

کار تفکیک و توزیع محمولات و مراسلات گاهی اوقات خالی از اشکال نیست، چون بعضی اوقات نامه‌ها در اثر اشتباه فرستنده یا فاقد آدرس و یا اگر آدرسی روی آن نوشته شده باشد، خوانا نیست و یا خدای نکرده یکی از آنها هم اینطوری آدرسی گیرنده را روی نامه می‌نویسد که عیباً برای اطلاع درج می‌گردد:

مَش سَلْمُون - دَوَاخِرَة گَهَب . مَن رَه گَالف کَلَب . هَوَیة ۱۱۰ . برسه به دست پیش اَبِدِخُون
تُفنگ، چی. بدهد به ره خدا مُلملی.

۲ - دایره ماشین‌نویسی :

همچون دیگر سازمانهای صنعت نفت، در دایره ماشین‌نویسی شرکت نفت مسجدسلیمان نیز شور و شوق و فعالیت فراوان بچشم می‌خورد.

اکثر نوشته‌هایی که باید در این دایره ماشین‌نویسی شود از مطالب فنی است، بنابراین دقت و تمرکز حواس، یکی از اصول عمده این کار ظریف می‌باشد.

تا چند سال قبل شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران در منطقه مسجدسلیمان، دارای سه

دایره ماشین‌نویسی در ادارات پرسنل، عملیات نفتی و سرویس‌های اداری بود، ولی اکنون کلیه دوایر مذکور در یک محل ادغام گردیده است.

در سال ۱۳۵۰ کلیه کارهای تحریری ادارات شرکت نفت توسط ۷ نفر کارآموز و ۹ نفر ماشین‌نویس با تجربه انجام می‌گردید. برنامه کارآموزان با یک دوره هشت ماهه کارآموزی که شامل ماشین‌نویسی فارسی و انگلیسی بود آغاز می‌شد و همزمان با دوره مزبور، کارآموزان جهت تقویت زبان انگلیسی خویش، در کلاسهای انگلیسی که از طرف صنعت نفت ترتیب داده می‌شد، شرکت می‌کردند.

پس از پایان دوره مذکور، کارآموزان تحت سرپرستی دایره ماشین‌نویسی شرکت نفت، دوره چهارماهه‌ای را آغاز می‌کردند و اصول لازم را جهت منشیگری فرا می‌گرفتند. قبلاً رهبری دوره مزبور را خانمهای اوهانیان و علی‌نژاد به عهده داشتند.

در گذشته اداره آموزش صنعت نفت برای انتخاب ماشین‌نویسها در دو مرحله امتحانات معینه‌ای را از داوطلبان بعمل می‌آورد تا واجدین شرایط تعیین گردند. امتحانات اولیه شامل زبان انگلیسی، ادبیات فارسی و ریاضیات بود. پس از گذراندن یک دوره آموزش، کارآموزان در امتحانات ماشین‌نویسی شرکت می‌کردند، تا درجه مهارت و شایستگی آنان تعیین گردد.

افراد زبده و شایسته در صورت لزوم به سمت منشی مخصوص مدیران کل و رؤسای ادارات برگزیده می‌شدند و با اشتغال در ادارات و مناطق مختلف، تجارب ارزنده‌ای آنچنان که درخور سازمان عظیم صنعت نفت باشد کسب می‌نمودند.

هم‌اکنون خانم سینایی مشول دایره ماشین‌نویسی می‌باشد.

۷ - اداره کالا :

آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که نوشت افزار مصرفی ادارات مختلف، وسایل بدکی یک اتومبیل و یا گاز نیتروژن مصرفی بیمارستان مرکزی شرکت نفت، از کجا و به چه وسیله‌ای تأمین می‌شود؟ هنگامی که همراه یکی از کارمندان جهت دریافت جواب سؤالهای فوق و پرسشهای مشابه دیگر، به اداره کالای شرکت نفت در مسجد سلیمان به دیدن آقای امیدی مشول اداره مذکور رفتیم، ایشان را سخت سرگرم بازرسی کالاهای وارده از آبادان یافتیم.

وقتی که از آقای امیدی در مورد چگونگی نحوه تقاضا و تحویل کالای مورد نیاز ادارات سؤال شد، ایشان پاسخ دادند که: اصولاً وسایل مورد احتیاج شرکت ملی نفت ایران در نواحی مختلف، بوسیله اداره کالا مرکزی در آبادان تهیه می‌شود. سابقاً کلیه اجناس و وسایل مورد استفاده در مسجد سلیمان، توسط اداره مرکزی یاد شده در آبادان تهیه می‌گردید، ولی بعلمت بُعد مسافت و

هزینه سنگین حمل و نقل، موافقت شده است که کالاهای مورد لزوم از قبیل نوشت افزار و سایر اجناسی که تهیه آنها در مسجد سلیمان مقدور باشد، در همین جا و بوسیله پیمانکار تأمین شود که هم مقرون به صرفه است و هم کار زودتر انجام می گیرد. برای تقاضای کالا، فرمهای مخصوصی تهیه شده که مصرف کننده بوسیله این فرمها، کالای مورد نیاز خود را درخواست می نماید. البته عده معدودی از کارمندان ارشد شرکت نفت حق امضاء اینگونه درخواستنامه ها را دارند. این افراد بنا به احتیاجات اداری خود در گروههای مختلف و مشخصی قرار دارند که تا حدود و اختیارات خود می توانند کالای مورد نیاز خود را تقاضا نمایند.

وقتی که درخواستی به اداره کالا برسد، شماره درخواستنامه، شماره رمز کالا و امضاء درخواست کننده، بوسیله آقای رضانی مسئول اطاق کنترل بدقت مورد بررسی قرار گرفته و پس از شماره گذاری درخواستنامه و ثبت آن در دفتر مخصوص، انباردار مبادرت به تحویل کالای تقاضا شده به مصرف کننده می نماید.

اگر کالای مورد نیاز در انبار موجود و یا تهیه آن در مسجد سلیمان مقدور نباشد، این دیگر وظیفه آقای صالحی متصدی دستگاه تلکس می باشد که درخواست کالای مزبور را به اداره کالا مرکزی آبادان مخایره نماید. اجناس درخواست شده از آبادان، ظرف مدت ۲۴ ساعت تهیه و به مسجد سلیمان ارسال می شود. قبل از انقلاب در صورتی که کالائی در انبار مرکزی آبادان موجود نبود، از آمریکا و انگلستان تهیه می گردید.

از وظائف دیگر اداره کالا صدور گوگرد، محصول کارخانه گوگردسازی بی بی بان به آبادان بود که با وجود دربرداشتن خطرات فراوان، هیچگونه وقفه ای در صدور آن پیش نیامده بود.

کالاهای درخواست شده از آبادان، بوسیله پیمانکار به نواحی مختلف از جمله مسجد سلیمان حمل می گردد. در اینجا، آقای رضانی مسئول دریافت و ارسال کالا، صندوقهای بزرگ چوبی را یک به یک باز کرده و محتویات آن را بدقت با درخواستنامه مطابقت داده و تحویل می گیرد. چنانچه در بین راه کالائی مفقود و یا بشکند، قیمت آن از مطالبات پیمانکار حمل و نقل کسر می گردد.

محتویات یکی از این صندوقها که ما شاهد تخلیه آن بودیم عبارت بود از صدها جفت دستکش و عینک ایمنی، لباس کار کارگران فنی، قطعات مختلف یدکی اتومبیل و غیره.

اهم وظائف اداره کالا :

۱ - خریدهای محلی از قبیل: لوازم التحریر، لوازم ساختمانی، برق، تعمیرات مکانیکی و قطعات یدکی وسائط نقلیه، وسائل مورد نیاز اداره تهویه و بیمارستان امام خمینی (بویژه اکسیژن).

۲ - مأموریت‌های خارج از منطقه به شهرستانهای اطراف از جمله: شوشتر و اهواز به تعداد ۷ الی ۱۰ مأموریت در ماه.

۳ - توزیع اجناس دریافتی از سایر مناطق، تهران و اصفهان طبق برگه درخواست ادارات متقاضی و تطابق آنها با مدارک مربوطه.

۴ - ارتباط با فرمانداری، شهرداری، فروشگاه مستضعفین وابسته به دفتر امام جمعه و کمیته رفاهی از طریق اداره روابط و حراست شرکت ملی نفت برای تأمین اقلامی که در بازار آزاد یافت نمی‌شود و در اختیار این ارگانها است.

هم‌اکنون آقای سهراب احمدی رئیس اداره کالا می‌باشد.

۸ - آموزشگاه شهید مطهری شرکت نفت مسجد سلیمان :

در آبانماه ۱۳۶۶ طی مراسمی با حضور حجت‌الاسلام موسوی رئیس عقیدتی سیاسی شهربانی مسجد سلیمان، رئیس منطقه این شهر، رئیس اداره کل آموزش مناطق نفتخیز، معاون آموزش و پرورش، فرمانده گردان سلمان و دیگر مسئولین ادارات شرکت نفت منطقه مسجد سلیمان، آموزشگاه حرفه‌ای شهید مطهری این شهرستان بازگشایی شد. در این مراسم پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید ابتدا برادر طاهری رئیس منطقه مسجد سلیمان طی سخنانی ضمن ارائه تاریخچه‌ای از تأسیس نخستین آموزشگاه حرفه‌ای خاورمیانه در مسجد سلیمان و ضرورت بازگشایی این آموزشگاه از کلیه مسئولان و کارکنان اداراتی که در این امر تلاش چشمگیری داشته‌اند تقدیر و تشکر کرد.

آموزشگاه حرفه‌ای مسجد سلیمان از سال ۱۳۴۶ به بعد بحال تعطیل درآمده بود که خوشبختانه لزوم تأسیس مجدد آن از سوی مدیریت مناطق نفت خیز مورد تأکید قرار گرفت و برای انجام این کار پس از همفکری و همیاری برادران مسئول و پیگیریهای لازم، ساختمان کنونی که قبلاً در اختیار ارتش، شهرداری و بهداری قرار داشت، بازپس گرفته شد و با همت برادران صنعت نفت مسجد سلیمان در مدت ۹ ماه بازسازی گردید و در آبانماه ۱۳۶۶ شمسی افتتاح شد و برای سال تحصیلی ۶۷ - ۱۳۶۶ تعداد ۶۰ نفر کارآموز گرفت.

درگذشته آموزشگاه شرکت نفت دارای دوره‌های موقت ۳ ماهه بود که اصول مقدماتی فلزکاری را آموزش می‌دادند.

از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ شرکت نفت مسجد سلیمان اداراتش به آبادان و بعد اهواز انتقال یافت که در این مدت آموزشی صورت نگرفت.

در این منطقه بعد از انتقال ادارات، آموزشگاه **Treaning** شرکت نفت در اختیار ارتش قرار

گرفت و هنوز هم مورد بهره‌برداری ارتش می‌باشد که به (هنرستان ارتش) موسوم می‌باشد. هم‌اکنون تعداد کل کارآموزان اعم از اول و دوم در سال ۱۴۰ نفر می‌باشد که پس از خاتمه دوره دو ساله، جذب صنعت نفت گشته و بعنوان کارگر نیمه‌ماهر تلقی شده و در طی دو سال پس از این دوره، بعنوان استادکار ماهر شناخته می‌شوند. ناگفته نماند که بعضی از این کارآموزان پس از اتمام این دوره، با تلاش فراوان در تایم شبانه آموزش و پرورش شرکت می‌نمایند و پس از اخذ دیپلم دبیرستانی در کنکور شرکت نموده و پس از قبولی وارد دانشگاهها می‌شوند.

هم‌اکنون این آموزشگاه دارای دو رشته برق و مکانیک می‌باشد. کارآموزان رشته برق بعد از اتمام دوره، در ادارات و واحدهایی نظیر تعمیرات برق، تهویه، مخابرات، ابزار دقیق مشغول بکار می‌شوند.

کارآموزان رشته مکانیک نیز پس از پایان دوره در واحدهای مختلفی مثل تعمیرات، ترابری، بهره‌برداری و غیره مشغول فعالیت می‌شوند.

شرکت نفت لباس کار، کفش کار، کتاب و لوازم التحریر، غذا، کمک هزینه تحصیلی، تسهیلات درمانی و لباس ورزشی را بصورت رایگان در اختیار کارآموزان قرار می‌دهد و ایاب و ذهاب آنها بوسیله سرویسهای صنعت نفت صورت می‌گیرد. کارآموزان گردشهای علمی خود را معمولاً در مکانهای زیر می‌گذرانند:

برق: سد شهید عباسپور، نیروگاه برق تمبی.

تراشکاری: کارگاه مرکزی اهواز.

برون سوز: گدارلندر، پالایشگاه بی‌بی‌بان.

لازم به ذکر است که مربیان فنی آموزشگاه از پرسنل اداره آموزش منطقه می‌باشند و دبیران درس نظری هم از اداره آموزش و پرورش تأمین می‌شود. هم‌اکنون آقای شفیع رئیس این آموزشگاه می‌باشد.

آموزش و پرورش در مسجد سلیمان:

فرهنگ مسجد سلیمان^۱ با احداث دبستان سیروس در سال ۱۳۰۶ شمسی بریاست آقای رضوان کمک شرکت نفت پا گرفت و این آموزشگاه تا کلاس ششم ابتدایی بیشتر نداشت و کلاسهای آن مختلط بود که البته فقط کارکنان صنعت نفت از آن استقبال می‌نمودند و علتش هم این بود که

می‌خواستند هرچه زودتر فرزندان خود را به استخدام شرکت نفت در آورند. سایر اهالی شهر بعثت مختلط بودن آن، استقبال کمتری نمودند و فرزندان خود را نزد شخصی بنام «آقارضا» که در ناحیه کلنگه، مکتبی دایر کرده بود و گویا اصفهانی یا شهرکردی بود، می‌فرستادند تا خواندن و نوشتن را بیاموزند.

سپس کم‌کم با افزایش جمعیت شهر یک مدرسه نمی‌توانست جوابگوی احتیاجات عمومی باشد، لذا اقدام به تأسیس مدرسه دیگری در ناحیه کلنگه شد و همچنین اولین کودکان نیز توسط ارامنه ساکن مسجد سلیمان ایجاد گردید که به کودکان مهرداد موسوم گشت و بعداً دبستان و دبیرستان ملی مهرداد به آن افزوده شد که در چند سال اخیر بعثت کوچ ارامنه از این ناحیه و کمی درآمد، تعطیل گردید و کودکان دیگری نیز در ناحیه کلنگه بنا شد. در آغاز کار فرهنگ مسجد سلیمان با کمبود معلم و آموزگار روبرو بود ولی پس از اینکه اولین گروه، کارنامه ششم ابتدایی را اخذ نمودند، عده‌ای وارد فرهنگ شدند و تا حدی کمبود معلم را جبران نمودند و سپس مردم تقاضای ایجاد دوره متوسطه را نمودند و در این مورد نیز مشکل کمبود معلم بسیار چشمگیر بود و از کارکنان باسواد صنعت نفت کمک گرفته می‌شد و دوره متوسطه نیز مختلط بود و در این مورد نیز فقط به رؤسای شرکت نفت و ارمنی‌های مقیم اجازه دادند که دخترانشان به دبیرستان بروند و سایرین در حالیکه میل به ادامه تحصیل داشتند ولی بر اثر تعصبات خانوادگی، قادر نبودند و بعدها با افزایش جمعیت، مدارس دیگری تأسیس شد که تا حدی جوابگوی احتیاجات عموم بود و سپس با آمدن محمدرضا شاه پهلوی به مسجد سلیمان، دختران از ایشان تقاضای تأسیس دبیرستان دخترانه را نمودند که بفرمان وی دبیرستان دخترانه تأسیس شد.

این دبیرستان دارای سیکل اول متوسطه بود و بعداً با خواست دانش‌آموزان سیکل دوم تأسیس شد و دبیرستان دخترانه تا سال ۱۳۴۴ منحصر به یک رشته بود. ولی پسران دارای تسهیلات بیشتری در رشته‌های تحصیلی بودند. در سال ۱۳۴۳ دانشسرای مقدماتی دختران تأسیس شد و در سال ۱۳۴۴ یک دبیرستان سیکل اول در ناحیه چشمه‌علی ساخته شد. در سال ۱۳۴۵ دبیرستان مهر به دانشسرای مقدماتی و شبانه‌روزی دختران تبدیل شد و دو مدرسه جدیداً تأسیس اقبال و انصاری برای دختران ساخته شده و در سال ۱۳۴۹ سه دبیرستان مذکور کامل بنا گردید.

در سال ۱۳۵۲ با اینکه در مسجد سلیمان در حدود ۱۷ مدرسه ابتدایی وجود داشت ولی با این همه کفاف احتیاجات عمومی را نمی‌داد و بچه‌ها نیروز به مدرسه می‌رفتند و تعداد شاگردان نیز بیش از گنجایش کلاسها بود و حداقل دانش‌آموزان یک کلاس دبستانی ۴۵ نفر و کلاس دبیرستانی ۶۰ نفر بود. مدارس با کمک شرکت ملی نفت و انجمن خانه و مدرسه ساخته شده‌اند.

یک مدرسه‌ای هم در ناحیه نفتک برای خارجیان مقیم توسط کمپانی نفت ساخته شده بود که وابسته به تأسیسات صنعت نفت می‌باشد و کادر آموزشی آن توسط شرکت نفت از خارج از کشور تأمین می‌شد. بمنظور یاسواد کردن کلیه کارگرانی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، صنعت نفت کلاس‌هایی دایر نمود و کارگران را تشویق به خواندن و نوشتن می‌نمود و به هر یک از کارگرانی که موفق به گرفتن گواهینامه‌های ششم ابتدائی و دوم یا سوم متوسطه می‌شدند، مبلغی بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ ریال پاداش می‌داد.

شرکت نفت کارگران را برای سوادآموزی تشویق می‌نمود و با فراهم نمودن وسائل آموزشی و کمک آموزشی آنها را برای ارتقاء سطح علمی و فکری یاری می‌کرد.

اولین نماینده فرهنگی که به این شهر اعزام شد آقای سیدکمال رضوان بود. پس از ایشان آقایان ترجمان، سپهران، پیرمرادی، اخلاقی، بهبهانی و دستغیب بنیادنگی فرهنگ مسجدسلیمان انتخاب شدند و آقای والی‌زاده اولین رئیس فرهنگ لیسانس مسجدسلیمان بودند. اولین قدیمی‌ترین معلمی که بنیانگذار فرهنگ مسجدسلیمان بحساب می‌آید آقای خسرو مؤدب بود. آقای مؤدب در سال ۱۳۳۲ بازنشست شده بود و با ذکر این مسئله قدمت کار وی مشخص می‌شود. مدت کمی پس از احداث دبستان سیروس، شرکت نفت مسجدسلیمان کار ساختن دبستان سینا را در سال ۱۳۱۶ شروع کرد و ما باید آغاز بنای آنرا مربوط به همان سال بدانیم. پس از آقای والی‌زاده آقای شفیع‌بها لیسانس ریاضی، آقای یاقوت‌قوام لیسانس علوم تربیتی، آقای جدلی لیسانس فیزیک و شیمی، آقای ستوده لیسانس تاریخ و جغرافیا، آقای اعتصام و آقای سلیمان خامسی به ریاست فرهنگ مسجدسلیمان رسیدند.

لازم به ذکر است که آقای آ. حیدرقاضیانی^۱ (دانشی نویسنده) نیز از همان ابتدای فعالیت‌های آموزش و پرورش در این شهرستان تا سال ۱۳۳۵ همیشه سمت معاونت اداره آموزش و پرورش مسجدسلیمان را داشتند.

با توسعه تأسیسات صنعت نفت مسجدسلیمان که باعث جذب جمعیت در این منطقه شد و دور بودن نواحی مسکونی از یکدیگر و همچنین کمبود مراکز آموزشی مرکز شهر، لزوم احداث مدارس جدید در نواحی پرتراکم، ضروری احساس شد و شرکت نفت نیز برای رفاه حال کارکنان و فراهم نمودن وسائل آسایش آنان، اقدام به احداث مراکز آموزشی جدیدی نمود و از سال ۱۳۴۰ به بعد این مراکز سرعت افزایش یافته و مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

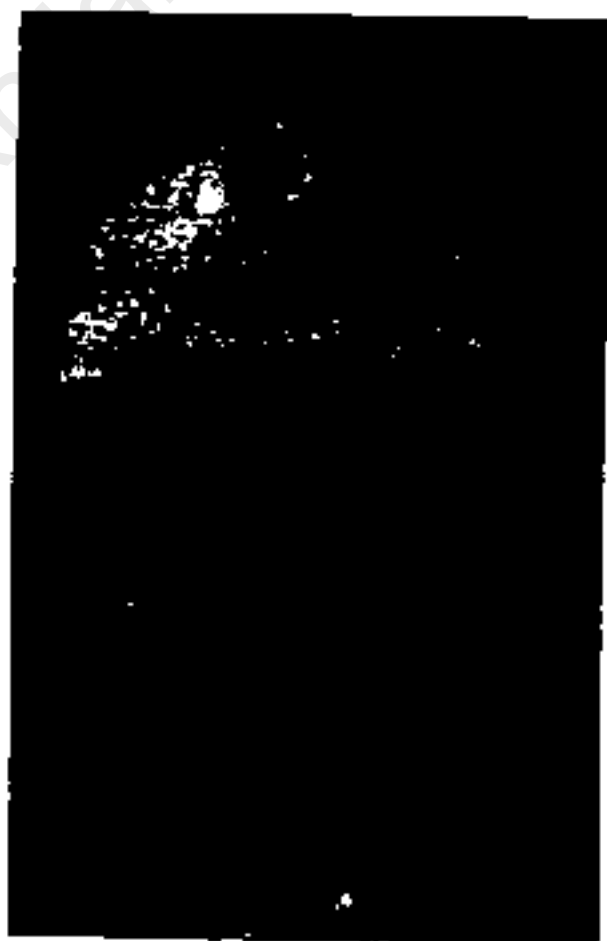
۱- آقای قاضیانی یکی از بزرگان طایفه نصیر بودند.

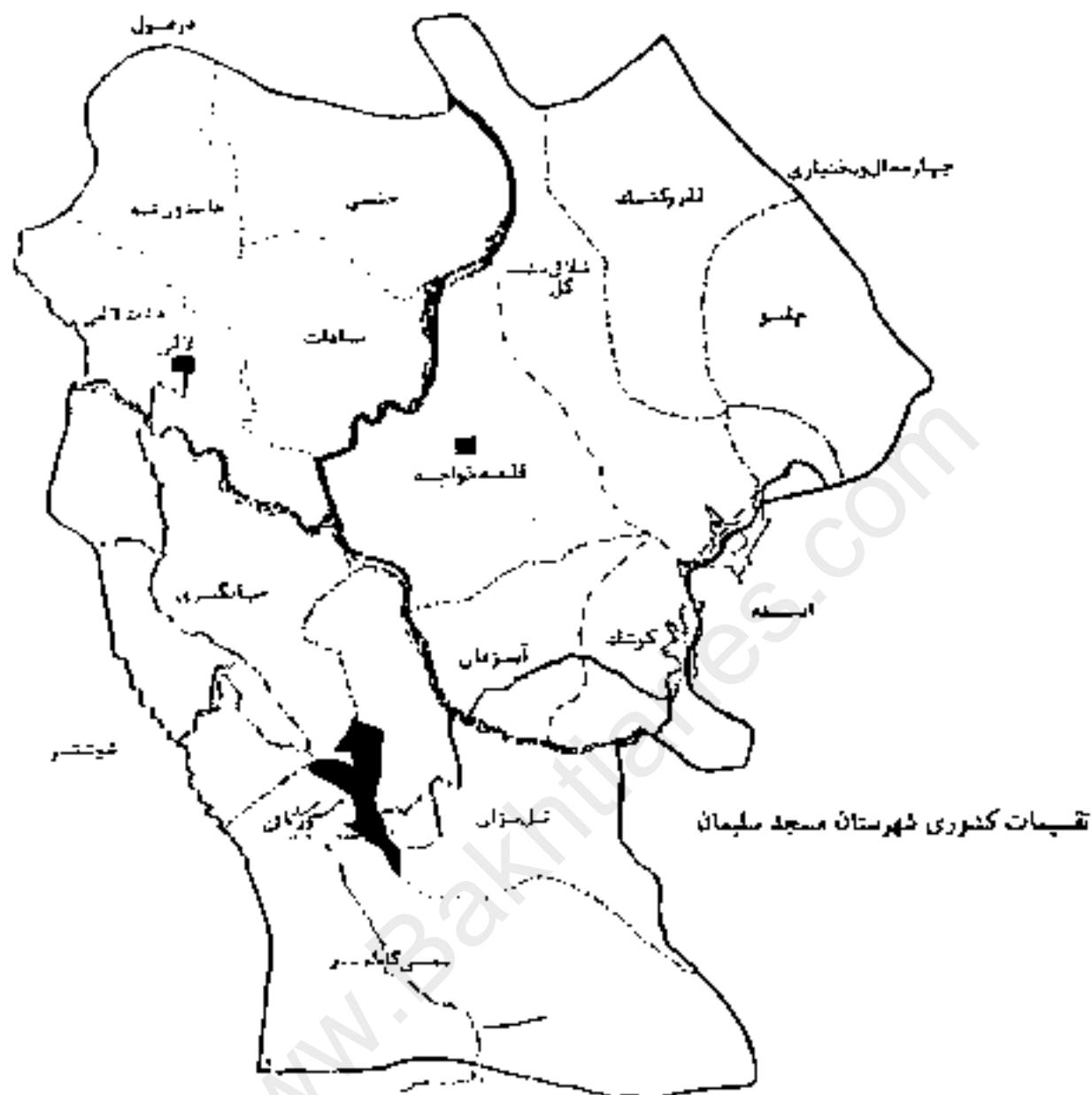
بطوری که ملاحظه می‌شود در کلیه نواحی مدارس ابتدایی وجود دارد ولی با در نظر گرفتن جمعیت، رفع‌کنندهٔ احتیاجات هر محل نیست و همچنین با افزایش طبیعی جمعیت در چند سال آینده و علاقه‌ای که مردم به تحصیل فرزندانشان دارند کمبود این مراکز آموزشی بسیار چشمگیر است و احداث مدارس جدید در نقاط مختلف شهر بسیار ضروری است که مسئولان در این مورد بایستی اقدامات لازم را انجام دهند و از هم اکنون بدرجهٔ اهمیت این موضوع حیاتی بیندیشند و همچنین از نظر کیفیت در امر تعلیم و تربیت، تحولی عمیق و اساسی بوجود آورند که از هر حیث با احتیاجات و الزامات جامعهٔ نوین مطابقت داشته باشد.

انجمن فرهنگی مسجد سلیمان در سال ۱۳۳۵ شمسی تشکیل گردید و مؤسس و بانی اولیهٔ آن آقای جاوید بود. در سال ۱۳۴۷ مدیرعامل انجمن فرهنگی شهرستان مسجد سلیمان آقای ابراهیم امرانی بود. لازم به ذکر است که آقای امرانی تا ابتدای انقلاب اسلامی، رئیس شرکت ملی نفت منطقه مسجد سلیمان نیز بود و کمکهای فراوانی از طرف صنعت نفت به انجمن فرهنگی مسجد سلیمان می‌نمود.



دستگاه شش‌شده (بیلینج) گذارلندور در
بسالای روستای پاگج.





مؤسسه ملی شمس داوری :

در شهریورماه ۱۳۴۷ دبیرستان ملی شمس داوری در محوطه بین میدان و کمپ کمرنت (دبیرستان عصمتیه فعلی) گشایش یافت و بهره‌برداری از آن آغاز گردید.

ساختمان این دبیرستان که در نوع خود در استان خوزستان نمونه است، با کمکهای شرکت ملی نفت ایران و شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران انجام گرفته است. باین ترتیب مؤسسه ملی شمس داوری علاوه بر دبستانهای دخترانه و پسرانه فعلی، موفق به گشایش ۲ باب دبیرستان سه کلاسه دخترانه و پسرانه برای سال تحصیلی ۴۸ - ۱۳۴۷ گردید.

لازم به ذکر است که چون در اساسنامه مؤسسه ملی شمس داوری، توسعه مراکز فرهنگی دبستان و

دبیرستان قید گردیده، لذا هیئت مدیره این مؤسسه اقدام به بنای دبیرستان مذکور نموده و خوشبختانه موفق گردیده است که برای سال تحصیلی ۴۸ - ۱۳۴۷ دو باب دبیرستان به تشکیلات فعلی اضافه نماید.

ایجاد کودک سرا در مسجد سلیمان :

بمنظور نگاهداری از کودکان خردسال و فراهم نمودن آسایش خاطر مادرانی که در ادارات و مؤسسات مختلف شاغل می باشند، مؤسسه ای بنام کودک سرا از روز شنبه ۱۳۳۵/۳/۱۸ شمسی فعالیت خود را جنب گاراژ شرکت نفت آغاز نمود.

این مؤسسه از اول مهرماه ۱۳۳۵ شمسی افتتاح و با کادری کامل و تجهیزات لازم برای پذیرفتن و نگاهداری کودکان خردسال آماده بکار شد.

ساختمان ۱۸ باب خانه برای فرهنگیان منطقه مسجد سلیمان :

روز سه شنبه ۳۰ آذرماه ۱۳۴۴ طی مراسمی ۱۸ باب خانه دبیران دبیرستانها واقع در محوطه های چشمه علی و نفتون مسجد سلیمان که از طرف انجمن فرهنگی مسجد سلیمان ساخته شده بود به اداره آموزش و پرورش شهرستان مسجد سلیمان تحویل گردید. در این مراسم ابتدا آقای بلداجی مدیرعامل انجمن فرهنگی گفتند:

«این ۱۸ دستگاه که ۱۳ دستگاه آن در چشمه علی و ۵ دستگاه دیگر در محوطه نفتون واقع گردیده است هر یک شامل یک اتاق خواب، یک اتاق ناهارخوری پیوسته به سالن نشیمن، سرسرا، آشپزخانه، حمام و دارای سرویسهای آب و برق و گاز و غیره می باشد.»

در پایان آقای نجفی مدیرعامل انجمن فرهنگی و معاون شرکت ملی نفت منطقه مسجد سلیمان کلیدهای ۱۸ دستگاه خانه مذکور را به آقای بازوکی رئیس آموزش و پرورش مسجد سلیمان تحویل نمودند. آنگاه آقای بازوکی از کمکهای ذقیمت شرکت ملی نفت ایران و شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران - منطقه مسجد سلیمان و انجمن فرهنگی مسجد سلیمان صمیمانه تشکر نمودند.

بودجه ساختمان ۱۸ دستگاه خانه مذکور که بالغ بر شش میلیون ریال بود طبق طرح مشترک شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای عامل نفت ایران و انجمن فرهنگی شرح زیر تأمین گردیده است:

انجمن فرهنگی مبلغی (۱۵۰۰۰۰۰) ریال تهیه و جمع آوری نمود و جناب آقای دکتر اقبال ریاست هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران نیز معادل همین مبلغ به انجمن فرهنگی اهداء فرمودند. شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای عامل نیز جمعاً مبلغ (۳۰۰۰۰۰۰۰) ریال کمک نمودند.

علاوه بر هیجده دستگاه مزبور چهار دستگاه مشابه نیز از بودجه فوق الذکر در دست ساختمان بود

که بعدها آماده شد و تحویل گردید.

واگذاری ده باب خانه به اداره آموزش و پرورش :

در بهمن ماه سال ۱۳۴۴ ده باب خانه مخصوص سکونت آموزگاران دبستان ملی واقع در میدان، نمره ۴۰ و چشمه علی مسجدسلیمان که ساختمان آن در آذرماه سال ۱۳۴۳ آغاز گردیده بود، به پایان رسید و طی مراسمی خانه‌های مذکور به آقای پازوکی رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان مسجدسلیمان واگذار گردید.

بودجه ساختمان ده دستگاه خانه مزبور بالغ بر دو میلیون ریال بود که یک میلیون آن را آقای دکتر اقبال ریاست هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران که همواره توجهی خاص نسبت به تأمین آسایش فرهنگیان مبذول می فرمایند، اهداء فرمودند و یک میلیون ریال دیگر آن را شرکت ملی نفت ایران و شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران هر یک (۵۰۰۰۰۰) ریال پرداخت کردند. کلیه خانه‌های مذکور مجهز به سرویسهای آب و گاز و برق بوده و هر یک دارای یک اتاق خواب، یک سالن ناهارخوری، یک هال، یک انبار، یک آشپزخانه و حمام و غیره می باشد.

واگذاری ۲۸ باب خانه به فرهنگیان مسجدسلیمان :

روز یکشنبه ۲۸ اسفندماه ۱۳۴۵ بیست و هشت باب خانه مسکونی که ساختمان آن پایان رسیده بود برای سکونت فرهنگیان به آقای پازوکی تحویل گردید.

این منازل هر یک دارای دو اتاق، یک حمام، یک آشپزخانه، یک اتاق انبار و دارای سرویسهای آب و گاز و برق می باشد. رئیس اداره آموزش و پرورش این شهرستان طی بیاناتی از کمکهای شرکت ملی نفت ایران تشکر کرد.

افتتاح دبستان پیکار با بیسوادی در مسجدسلیمان :

همزمان با آغاز هفته پیکار جهانی با بیسوادی، بامداد روز شنبه ۱۶ شهریورماه ۱۳۴۹ یک باب دبستان مخصوص پیکار با بیسوادی در محله نمره ۸ بوسیله آقای شاملو فرماندار مسجدسلیمان افتتاح گردید.

در مراسم افتتاح آقای کریمی دبیر کمیته پیکار با بیسوادی مسجدسلیمان، گزارشی از فعالیتهای کمیته را قرائت نموده و گفتند:

« کمیته پیکار با بیسوادی مسجدسلیمان که فعالیتهای خود را از سال ۱۳۴۵ در نواحی هفتکل، نفت سفید، لالی، اندیکا و قراء و قصبات مسجدسلیمان آغاز نموده، توانسته است تا کنون با موفقیت، گامهای مؤثری در ریشه کن نمودن بیسوادی در این نواحی بردارد و اقدام به ایجاد سه باب دبستان دوکلاسه در محله‌های نمره ۸، مال شنبه و آب انجیرک نموده است. »

عملیات ساختمانی این دبستانها، زیر نظر اداره مهندسی و ساختمان شرکت نفت مسجد سلیمان در خردادماه ۱۳۴۹ پایان رسید. این ساختمانها هر یک دارای دو اطاق جهت تحصیل نوسادان و یک دفتر و اطاق دیگری برای سکونت مدیر مدرسه می باشد. مساحت زیربنای هر یک از ساختمانها در حدود ۱۷۲ مترمربع و حیاط آن ۶۵۰ مترمربع می باشد.

هزینه ساختمان هر یک از دبستانها در حدود ۴۳۰۰۰۰ ریال و از طرف صندوق کمیته پیکار با بیوادی مناطق نفت خیز تأمین و پرداخت گردیده است. این ساختمانها به اداره آموزش و پرورش شهرستان مسجد سلیمان واگذار شده است، تا اقدام لازم جهت کادر آموزشی و ثبت نام دانش آموزان را بنمایند.

کمکهای شرکت نفت به آموزش و پرورش :

تابستان زودرس خوزستان با گرمای طاقت فرسایشی پایان می رسد و فعالیت مردم که به سبب گرمای فوق العاده تا حدودی را کد مانده بود با آغاز فصل پاییز دوباره از نو شروع می شود.

این جنب و جوش و تحرک، بیشتر از همه در مدارس و در بین اطفال بچشم می خورد که خود را برای سال تحصیلی جدید آماده می نمایند. مدارس و مراکز آموزشی که در ایام تابستان تعطیل و خالی از هر جوش و خروشی بوده اند، دوباره زندگی را از سر می گیرند و نوآموزان و فرزندان را به آغوش خود می کشانند. معلمان نیز که برای استراحت به نقاط خوش آب و هوا رفته بودند به محلهای خود مراجعت و خود را برای تعلیم فرزندان آماده می نمایند.

در این تحرک همه با هم سهیم هستند. والدین در تکاپوی مایحتاج تحصیلی فرزندان، پارچه فروش درصدد تهیه فرم لباس، خیاط در فکر دوخت آن، مدارس درصدد ثبت نام دانش آموزان و بالاخره اداره آموزش و پرورش سرگرم تأمین کادر آموزشی و تهیه محل آموزش برای دانش آموزان و مهتر از همه تأمین رفاه و آسایش آموزگاران می باشد. زیرا با فرارسیدن اول مهرماه که زنگ مدارس به صدا درمی آید محصلین بایستی در کلاس درس باشند و به درس معلم که بمنزله زمزمه محبت است، گوش فرا دهند و در این رهگذر توشه ای از برای فردای خود که مآلاً موجب سرافرازی آنها در جامعه می باشد بیند و زنند.

صنعت نفت ایران که در اجرای برنامه های عمرانی و آبادانی، همیشه پیش قدم بوده، در امور آموزش و پرورش نیز از هیچگونه کمکی تاکنون فروگذار نکرده است.

تعداد مدارس و مراکز آموزشی که با اشتراک مساعی صنعت نفت ایران در کلیه مناطق نفت خیز بوجود آمده با دیگر نقاط ایران قابل مقایسه نمی باشد. در منطقه مسجد سلیمان تعداد ۲۴ دبستان و ۱۳ دبیرستان ساخته است که براحتی جوابگوی نیازمندیهای تحصیلی فرزندان می باشد.

صنعت نفت ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ متجاوز از ۵۴ میلیون ریال جهت ایجاد مراکز آموزشی مذکور و نیز ساختمان ۱۱۶ دستگاه خانه جهت سکونت فرهنگیان به انجمن فرهنگی مسجد سلیمان کمک نموده است.

همچنین در سال ۱۳۴۵ با اهداء چندین دستگاه اتوبوس به شهرداری مسجد سلیمان کمک مؤثری جهت وسیله نقلیه دانش آموزان و سکنه مسجد سلیمان بعمل آورد.

گویند که شرکت نفت تا ابتدای انقلاب اسلامی حتی جیره هم به پاسانهای شهربانی می داد.

مدرسه خارجی ها:

هنگامی که از محله شاه نشین بسوی ناحیه نمره یازده می رویم؛ به جایی بر می خوریم که روی تپه واقع شده و آن راه مدرسه خارجی ها، گویند. ساختمان این محل قبلاً بنگله بود که بتدریج به شکل مدرسه درآمد. این مدرسه در سال ۱۳۲۵ شمسی افتتاح شد و تا سال ۱۳۵۴ فعالیت مستمری داشت. البته در سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ بعثت تحولات ملی شدن صنعت نفت ایران و خلع ید از کارکنان بیگانه به حالت تعطیل درآمد. بود و این مدت در آن هیچگونه تعلیم و تربیتی صورت نمی گرفت. در این آموزشگاه به سبک کشور انگلستان تدریس می شد و تمام کتب درسی، همان هائی بودند که محصلین در لندن و سایر شهرهای بریتانیا می خواندند.

به دانش آموزان این مدرسه، ادبیات فارسی آموزش داده نمی شد. ما از سال ۱۳۴۰ به بعد، شاهد بودیم که بچه های رؤسای صنعت نفت و رجال آن زمان، همراه با فرزندان کارکنان بیگانه در این مدرسه به تحصیل مشغول بودند.

این آموزشگاه دارای مدرن ترین وسائل آموزشی - کمک آموزشی و تفریحی بوده که همپای امکانات آن روز مدارس انگلیس بود و نظیری در ایران برایش یافت نمی شد.

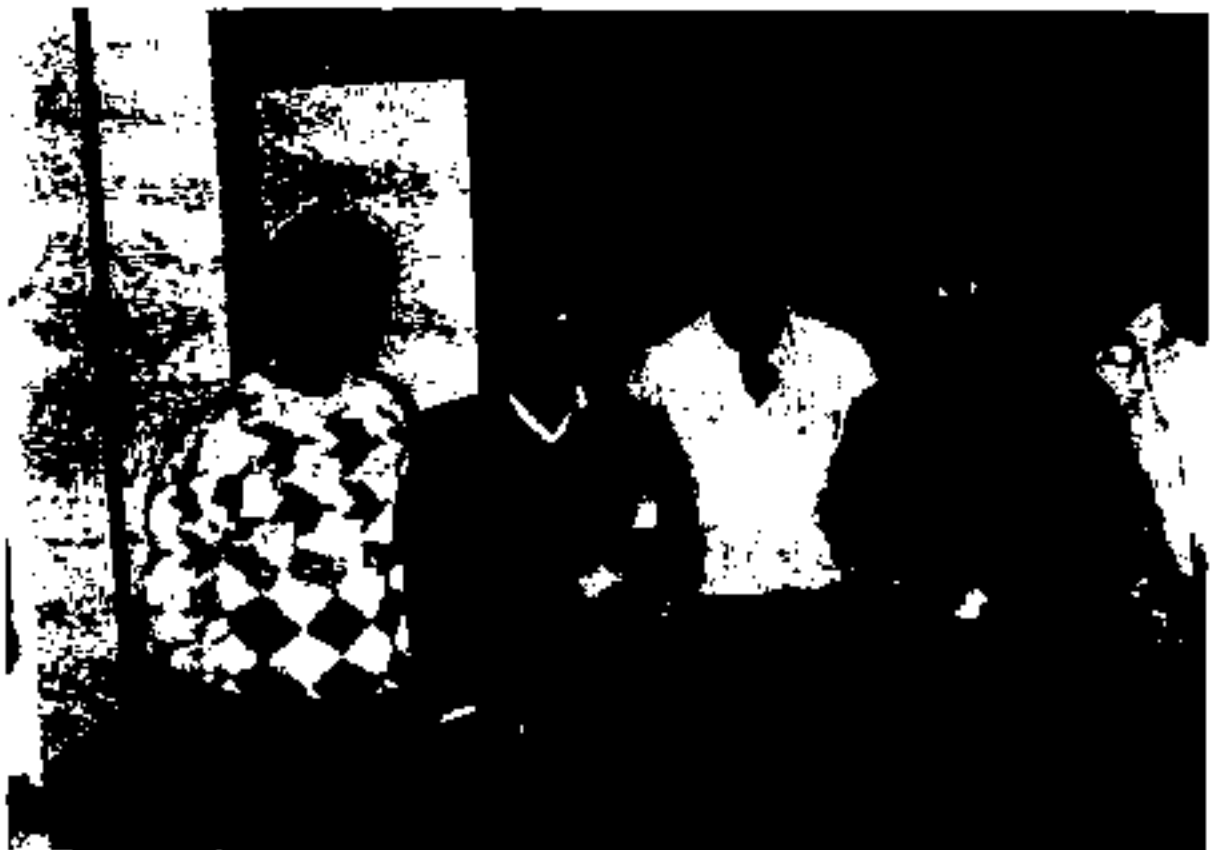
لازم به ذکر است که مرکز فوق از همان قدیم الایام دارای وسائط نقلیه جهت ایاب و ذهاب دانش آموزان بود.

کادر آموزشی آن توسط شرکت نفت و از اتباع کشورهای خارجی تأمین می شد. اکثر خانم معلمان این مدرسه پس از مدتها تدریس در مسجد سلیمان با کارمندان ایرانی ازدواج می کردند و در ایران ماندگار می شدند. از ابتدای سال ۱۳۵۸ تا کنون این محل به مرکز آموزش نظامی و میدان تیر تبدیل شده است.

در کنار تپه‌ای
 نرده‌های آهنینی کرده مستحکم حصاری
 منجبتی کرده خم سر
 گوئیا دور زمان بر دوش او بنهاده باری
 هست آنجا در کناری
 کوره‌ای کان روزها می‌کرده تولید بخاری
 با قلم بر لوح سنگی
 اوستادی کرده حک از روزگاری یادگاری
 گوید اینجا بوده روزی
 هر کناری جنب و جوشی هر کسی سرگرم کاری
 نیست دیگر هابهوشی
 در کنارش - گر کسی آنجا کند گاهی گذاری
 لبیک بیند در سکوتش
 متر فر و شکوهی جفوه گر مجد و وفاری
 چیست آن؟ چاهت آیا؟ نمره بک؟ آری آری
 هست چاهی کز درونش
 کوههایی از طلای ناب سر بیرون کشیده
 وز نهاد قیرگونش
 جویهای سیمگون فواره‌سان بالا جهیده
 سر بقلب خاک برده
 خون آن را دجله دجله با دهان خود مکیده
 رفته از سوراخ بیرون
 همچو ماری در کنار کوه و دشت و در خزیده
 چاههایی زاده چون خود
 راهها بنیاد کرده شهرهایی آفریده
 چیست این؟ گنج طبیعت؟
 یا خداوند صناعت؟ کس همانندش ندیده
 چیست حالش

کرده خوبا خاطراتش وز نحر چشم بسته؟
 یا که بر نوباوگانش
 داده میدان را و خود آرام در کنجی نشسته؟
 یا ز طغیان بازمانده
 وزه ره پرپیچ و تاب کوهساران گشته خسته؟
 یا که هر کس بوده یارش
 چون نهی شد کیهانش پیوند خود از او گسته؟
 یا که چون پاداش تیکی
 جز بدی از کس ندیده گشته چون من دل شکسته؟
 نیست چاه نمره یک - پیش چشم عقل کوچک
 چون شتابانند مردم
 از برای دیدنش از هر دیاری دسته دسته





سه تن از ریاضی دانان معروف ایران و جهان که یومی
مسجد سلیمان می باشند.

از سمت راست : دکتر امید علی شهنش کرم زاده

دکتر جمشید موری - دکتر محمدرضا درفشه.

«عکس فوق در یک کنفرانس ریاضی گرفته شده است.»

* علل مهاجرت پذیری و مهاجرت فرستی مسجد سلیمان :

روزی که اولین چاه نفت در مسجد سلیمان حفر شد و کاشفان نفت به آینده روشنی امیدوار شدند، برای استخراج، تصفیه و صدور نفت و فرآورده های آن احتیاج به کارگر، تکنیسین و متخصص داشتند. از این رو با پرداخت حقوق مناسب، کارگران ایرانی را از نقاط مختلف کشور بدین سو جذب کردند و چون در آن روزها متخصصین و کارشناسان نفت در ایران وجود نداشت از وجود خارجی آن استفاده نمودند و با ایجاد منازل مسکونی و تأسیس مراکز بهداشتی و باشگاهها و رفع احتیاج اهالی پرداختند. چون روز بروز به دامنه فعالیت شرکت نفت اضافه گردید، مناطق

نفت خیزی از جمله مسجد سلیمان محل مناسبی جهت تراکم مهاجرین شد، بطوری که اغلب کارگران پس از تأهل با خانواده خود در این شهر سکنی گزیدند.

بازاریان و کسبه شوشتری، دزفولی و اصفهانی جهت برداشت سود بیشتر بدین شهر رو آوردند و بتدریج بر تعداد مهاجرین افزوده می گردید، تا جایی که مسجد سلیمان به شکل بخش و سپس بصورت شهرستانی پرجمعیت درآمد و چنانکه ملاحظه گردید، عامل اقتصادی و درآمد بیشتر باعث جذب جمعیت بدین سو گردید. در بین مهاجرین که بشکل دوره گرد و کارگر ساده به این شهر در هنگام کشف نفت می آمدند و همچنین پيله و ران ۹۹٪ بی سواد بودند. اما امروزه که دیگر شرکت نفت مانند سابق در شهر مسجد سلیمان فعالیت ندارد و بیشتر کارها با وسایل موتوری خودکار انجام می شود، بسیاری از کار برکنار شدند و طرح سالی دو ماه (بازاء هر سال خدمت، حقوق دو ماه به آنها در موقع برکناری پرداخت گردید) که به اجراء درآمد، عده ای از کارکنان گرفتند و عوامل دیگر باعث مهاجرت ساکنین این شهر به نقاط مختلف گردیده است. همچنین نبودن مؤسسات صنعتی مخصوص و عدم امکان کشاورزی مکانیزه و بط و توسعه فرهنگ و آموزش در شهر، عده بسیاری جهت پیدا کردن یا بدست آوردن زندگی بهتر به شهرهای دیگر کوچ نموده و می نمایند و بیشتر به طرف اصفهان و اهواز روی آورده اند؛ زیرا اطلاعات آنان در مورد صنعت و تکنیک نسبت به سایر افراد، بیشتر است و در شرکت ملی ذوب آهن، نورد و غیره مشغول کار می باشند و همچنین از نظر فرهنگ و آموزش، امکانات بیشتری در آن شهرها فراهم آمده است، بخصوص اینکه عده ای نیز از خود اهالی اصفهان می باشند که قبلاً به این شهر کوچ کرده اند و اکنون با فراهم شدن فعالیتهای اقتصادی به وطن اصلی بازگشت نموده اند. در مورد خارجیان نیز باید گفت، چون در ایران با تأسیس مدارس فنی و دانشکده های صنعتی بر تعداد مهندسين ایرانی و تکنیسین ها اضافه شد و با استعدادی که در اداره امور صنعت نفت از خود نشان دادند، توانستند جای خارجیان را اشغال نمایند و بخودی خود احتیاج به وجود کارشناسان خارجی کمتر احساس گردد و حتی در بعضی موارد راندمان کار را بالاتر برده و با این وصف، طبیعی بنظر می رسد که مهاجرین خارجی نیز به کشورهای خود بازگشت نمایند.

✽ جمعیت پذیری شهر ✽

در مورد شکل گیری و جمعیت شهر مسجد سلیمان از فوران نفت در سال ۱۲۸۷ ش. تا خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس ۱۳۳۰ سکونت عجیب در استاد وجود دارد و رفع آن مستلزم پیگیری و پژوهش ویژه ای است. اما تولید بالای نفت در اواخر سالهای جنگ اول، تأسیسات لازم برای آن از قبیل نیروگاه برق، تلمبه خانه و تأسیسات آب، تأسیسات مهندسی، پالایشگاههای ویژه و

غیره نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۲۰ م. (حدود ۱۳۰۰ شمسی) می‌بایست شرکت شهری تمام عیار شکل گرفته باشد. احداث بیمارستانی در سال ۱۹۱۴ م. این گمان را تقویت می‌کند. البته بنابر اسناد موجود این شهرک فقط برای کارکنان خارجی شرکت نفت ایران و انگلیس بنا شده و قسمت اعظم کارمندان و کارگران ایرانی از مسکن شرکی محروم بوده‌اند. بعد از قرارداد ۱۹۳۳ م. از سال ۱۹۳۴ م. برنامه ایجاد شهرک و ایجاد رفاه برای کارکنان توسعه یافت و چند مدرسه ابتدایی در مسجد سلیمان احداث شد. در این سالها نیز ادارات دولتی نظیر مالیه، ژاندارمیری، بخشداری و شهربانی و غیره در آن تأسیس شد. یعنی شهر در تقسیمات کشوری وارد گشته و هویتی غیر شرکی نیز، هرچند ضعیف پیدا کرد. طبق اسناد موجود جمعیت شاغل در امر استخراج نفت در سال ۱۳۳۰ ش. بالغ بر ۶ هزار نفر بوده است در سال ۱۳۳۵ ش. یعنی در اولین آمار رسمی موجود نیز جمعیت شاغل در استخراج نفت حدود ۶ هزار نفر ذکر می‌شود که ۶۸٪ از نیروی شاغل شهر است و در همین زمان جمعیت شهر مسجد سلیمان ۴۴۶۵۱ نفر بوده است. از آنجا که طی سالیان طولانی از حدود ۱۳۰۰ ش. تا ۱۳۳۵ ش. استخراج نفت از میدانهای نفتی مسجد سلیمان تفاوت بسیاری نکرده است، می‌توان گفت که جمعیت شهر مسجد سلیمان از اوایل قرن حاضر هجری نزدیک ۴۰ هزار نفر بوده است که نسبت به آن زمان جمعیت بالایی است.

بین سالهای ۱۳۵۵ ش. تا ۱۳۶۵ ش. تغییر اصلی اشتغال در مسجد سلیمان همچون تمام شهرهای ایران از دیاد شاغلان در امور عمومی و دفاع است. طی این سالها اشتغال در بخش خدمات عمومی و اجتماعی در اثر از دیاد شاغلان در امور عمومی و دفاع افزایش اساسی یافته از ۳۹۴۲ نفر به ۹۸۶۷ نفر می‌رسد. در مقابل اشتغال در بخش استخراج نفت از ۲۳۲۲ نفر به ۶۲۵ نفر نزول می‌یابد. پس می‌بایست گفت که افزایش ۵۹۲۵ نفری در اشتغال بخش خدمات کاملاً جبران کاهش ۱۶۹۷ نفری اشتغال را در بخش استخراج نفت کرده است و نمی‌توان خروج شرکت نفت را عامل بیکاری ۳۴/۵ درصدی مسجد سلیمان در سال ۱۳۶۵ ش. دانست. علت اصلی در واقع عدم اجرای برنامه‌های بلندپروازانه ارتش در گذشته و در نتیجه بیکاری شدید در بخش ساختمان (کاهش شاغلان آن از ۴۱۱۲ نفر به ۱۴۷۴ نفر) و نبود برنامه‌ای برای ایجاد اشتغال جدید به ویژه در بخش صنعت است که اشتغال در این بخش نیز بین سالهای ۱۳۵۵ ش. تا ۱۳۶۵ ش. کاهش می‌یابد.

بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ ش. جمعیت شهر با رشد متوسطی معادل ۳/۷٪ در سال رشد می‌کند و به ۱۶۴۴۸۸ نفر می‌رسد که نشانه مهاجرپذیری بودن شهر است. اما قابل توجه است که در همین مدت تعداد شاغلان در استخراج نفت نصف شده، بیکاری نیز به یک سوم می‌رسد. یعنی هرچند

که شاغلان اصلی یا شکل دهنده شرکت شهر کمتر می شوند، اما شهر آنچنان هویتی یافته است که زوال نیابد.

در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ ش. جمعیت شهر تنها سالیانه $1/8\%$ رشد کرده و به ۷۷۷ هزار نفر افزایش می یابد. شهر در این دوره مهاجر فرست است و آثار افسردگی در آن آشکار گشته است. در همین دوره است که تولید نفت نیز به تدریج کاهش یافته و بار دیگر اشتغال در استخراج نفت تنزل یافته و دوسوم سال ۱۳۴۵ ش. می گردد. اما بیکاری نیز در شهر کاهش دارد، یعنی شهر در مقابل زوال خود ایستاده است. در سالهای ۱۳۵۵ ش. تا ۱۳۶۵ ش. رشد جمعیت شهر $3/1\%$ در سال یعنی در حدود رشد طبیعی جمعیت، اما از رشد متوسط کل شهرهای ایران ($5/4\%$) کمتر است. جالب توجه است که هر چند اشتغال در صنعت نفت در سال ۱۳۶۵ ش. به حدود یک چهارم سال ۱۳۵۵ ش. کاهش می یابد، اما شهر توانسته است با وجود ازدیاد بیکاری در آن در حفظ خود بطور نسبی موفق باشد، با این وجود شهر در کل دچار رکود است.

«جدول شماره ۱»

جمعیت شهر مسجدسلیمان از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵

سال	جمعیت	نرخ رشد
۱۳۳۵ ش.	۴۴۶۵۱ نفر	—
۱۳۴۵ ش.	۶۴۴۸۸ نفر	$3/7$
۱۳۵۵ ش.	۷۷۰۹۸ نفر	$1/8$
۱۳۶۵ ش.	۱۰۴۷۸۷ نفر	$3/1$

• کالبدگیری شهر و مشخصات اجتماعی آن :

مسجدسلیمان سرزمینی است کوهستانی و چندین رشته کوههای گچی و سنگی و خاکی در سراسر آن کشیده شده است. در میان این ناهمواریها، جلگه ها و دره های کوچکی وجود دارد که خود ۳۱۴۰ حلقه چاه حفر شده در مسجدسلیمان را در میان دارند. شهر مسجدسلیمان نیز با حفر این چاهها و با ایجاد مجتمع های مسکونی در کنار آنها برای کارکنان صنعت نفت شکل گرفت. کالبدگیری شهر به این ترتیب بوده است که در ابتدا مناسب ترین و کم عارضه ترین اراضی در کنار چاهها برای احداث واحدهای مسکونی و سایر تأسیسات وابسته به صنعت نفت مورد استفاده قرار

گرفتند. مهم ترین ساختمانهای مسکونی و اداری در محلی احداث شدند که نام شاه‌نشین به خود گرفته است. همراه با ایجاد واحدهای مسکونی سازمانی به وسیله شرکت نفت ایران و انگلیس، به دلیل وجود بازار کار و اینکه این شرکت به کارکنان ایرانی اش واحد مسکونی واگذار نمی‌کرد، نیروی کار گیل یافته به منطقه در حواشی واحدهای مسکونی و تأسیسات شرکتی شروع به ساخت مسکن و سرپناهی می‌کنند. اولین محله‌ای که بدین ترتیب شکل می‌گیرد «محله کلنگه» و متعلق به شوشریان مهاجر (نزدیکترین شهر به آنجا) بوده که بازرگانان و پیشه‌وران آن، بازاری را نیز بنیاد می‌گذارند که خود یک پایه اشتغال غیرشرکتی شهر و هویت آن در آینده است. اما از آنجا که شرکت از احداث واحدهای مسکونی در همجواری با واحدهای مسکونی خود جلوگیری می‌کرده است، مهاجران مجبور می‌شوند در نقاطی مسکن خود را بنا کنند که بولدوزرهای شرکتی را توان دسترسی به آنها نباشد. به این ترتیب تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی محلات شهر را دیوارهای صخره‌ها و فواصل پر شیب مسیله‌ها پاس می‌دارند و شهر به محلاتی با نامهای «کمپ اسکاچ»، «پانسیون خیام»، «وسترن هاستل»، در مقابل «کلنگه»، «سرکوره‌ها» و «مال کریم» تقسیم می‌شود. «مال» کوچکترین واحد تقسیمات ایلات بختیاری است.

همین تبعیت ایجاد واحدهای مسکونی شرکتی از محل حفر چاهها و حلقه زدن خانه‌های غیرشرکتی بدور آنها باعث شده است که شهر در دامنه‌های ناهموار کوهها افتان و خیزان و بصورت خطی پُر گره و پُر شیب و فراز رشد کند و شکلی ویژه و غیرمتعارف بیابد. در طول این خط دو بهترین گره گاه‌ها بالاترین اقلشار اجتماعی و در بدترین آنها پایین‌ترین اقلشار مستقر شده‌اند. خدمات شهری و رفاهی و اجتماعی مسجد سلیمان تا مدت‌ها در ایران و خاورمیانه یکتا بوده است. این شهر که تا مدت‌ها تنها و بعد عمده‌ترین انرژی‌رسان قوای قهریه و صنعتی انگلستان محسوب شده و مرکزیت فعالیت‌های استخراجی را هم تا مدت‌ها بعد از آن حفظ می‌کرده، شایسته فراهم آوردن بهترین وسایل رفاهی برای کارکنان و البته زیربنای لازم برای استخراج نفت نیز بوده است. به غیر از ایجاد نیروگاه برق و لوله‌کشی آب برای شهر، در سال (۱۹۱۴ م. شرکت بیمارستان مجهز و بزرگی در آن احداث می‌کند که هنوز از لحاظ امکانات فوق‌العاده است. فروشگاههای متعدد، مهمانسرا، باشگاه با سینماهای متعدد، چندین استخر شنا و زمینهای ورزشی گوناگون برای شهر ایجاد می‌شود. بطوری که مسجد سلیمانی‌ها تا مدت‌ها در ورزشهای مختلف گوی سبقت را از سایر شهرهای ایران می‌ریودند.

شرکت ملی نفت ایران در مسجد سلیمان صاحب ساختمانهای اداری و کارگاهها و انبارهای متعدد بود که آنها را بعد از توقف نسبی فعالیت استخراج نفت به نهادهای مختلف به ویژه ارتش سپرد.

بعلاوه شرکت ۲۴۸۴ واحد مسکونی در اختیار داشت که ۱۲۸۸ واحد مسکونی آن را در درجه اول به ارتش (۹۵۰ واحد) و بقیه را به دیگر نهادها واگذار کرد. این امکانات به علاوه امکانات زیربنایی و رفاهی ذکر شده خود یکی از دلایل حفظ و بقای شهر مسجدسلیمان با جذب فعالین و ساکنین جدید بوده است.

یک نکته قابل توجه از لحاظ اجتماعی، وضعیت مالکیت زمین و مکن در مسجدسلیمان است. در سال ۱۳۳۵ ش. مسکن ملکی (عرصه و اعیان) ۹/۸۰ درصد کل واحدهای مسکونی، ملکی اعیان ۳۳/۲۱ درصد و اجاره‌ای ۴۹/۵۱ درصد آنها را تشکیل می‌داده است. این ارقام در سال ۱۳۵۵ ش. به ترتیب به ۱۴٪ و ۴۳٪ و ۴۳٪ و در سال ۱۳۶۵ ش. به ۵۶٪، ۹٪ و ۳۵٪ می‌رسد. یعنی تا سال ۱۳۵۵ ش. هنوز مالکیت شرکتی به شهر حکمفرمائی می‌کند و مکن ملکی با مالکیت بر زمین در شهر بسیار اندک است، اما بعد از انقلاب امکانات انتقال مالکیت فراهم آمده و حضور سازمان زمین شهری باعث گسترش مالکیت خصوصی بر زمین و مکن شده و زمین شهر از انحصار شرکتی خارج می‌شود.

در انتهای بررسی وضعیت اجتماعی شهر، می‌بایست از سطح تخصصی و سواد بالاتر مسجدسلیمانی‌ها در گذشته، نسبت به دیگر مناطق شهری یاد کرد که در جدول شماره ۲ منعکس است. در سال ۱۳۶۵ ش. نیز هنوز مسجدسلیمان با داشتن ۶۸٪ اشتغال به تحصیل در جمعیت ۶ ساله به بالاتر در مقابل ۶۰٪ در کل مناطق شهری ایران، در وضع بسیار خوبی بسر می‌برد و مقایسه معلمان و مدرسان آن با مناطق شهری کشور از لحاظ نسبت به کل نیروی کار (۹/۱۰٪ در مقابل ۷/۹٪) نشانه این توانایی است در سال ۱۳۶۵ ش. کارکنان مشاغل علمی و تخصصی در شهر مسجدسلیمان ۱۵/۵۷٪ از نیروی کار را تشکیل می‌داده‌اند که از کل مناطق شهری (۱۵/۲۵٪) بیشتر بوده است.

«جدول شماره ۲»

درصد باسوادان در جمعیت ۶ سال به بالای شهر مسجدسلیمان و مناطق شهری کشور.

مسجدسلیمان	مناطق شهری کشور	سال
۳۵/۷	۲۳/۳	۱۳۳۵
۵۵/۲	۴۹/۱	۱۳۴۵
۶۸/۴	۶۵/۵	۱۳۵۵
۷۳/۸	۷۳/۱	۱۳۶۵

این سطح بالای تخصصی که ناشی از توسعه قبلی و مقدم این شهر در گذشته است، باعث شده است که شرکت شهر سابق که نیروی کار متخصص را با عرضه امکانات ویژه به خود جذب می‌کرد، در دوران افول نسبی خود گسیل دارنده نیروی کار ورزیده به دیگر شرکت شهرها، همچون کشت و صنعت کارون گردد. نیروی متخصصی که حالا دیگر شهر خود را در مسجد سلیمان می‌داند.

شهر مسجد سلیمان از لحاظ امکانات آموزشی پیش از آموزش عالی نسبتاً غنی است. اما با اینکه این شهر از دیرباز دارای آموزشگاه پرستاری بوده و از سالهای قبل یک آموزشگاه فنی در آن احداث شده، که در سال تحصیلی ۵۸ - ۱۳۵۷ بالغ بر ۱۲۳۱ نفر در آن تحصیل می‌کردند؛ اکنون از این لحاظ دچار پس‌رفت شده است بطوری که محصلان در این آموزشگاه یک ششم گذشته است. اما همین پس‌رفت نیز نشان می‌دهد که توسعه گذشته، ظرفیتهای قابل توجهی برای آینده ایجاد کرده است.

* وضعیت اقتصادی و اشتغال :

همانطور که قبلاً اشاره شد، مسجد سلیمان بر پایه یک شرکت شهر و برای استخراج نفت شکل گرفت. در سال ۱۳۳۵ ش. در این شهر ۹۳۱۰۱ نفر مشغول به کار بوده‌اند که ۵۸۵۰ نفر آنها یا ۶۲/۸٪ به کار استخراج نفت مشغول بوده‌اند. جالب این است که در همین سال در کل مناطق شهری ایران تنها ۹۶۹۸ نفر شاغل در بخش معدن وجود داشته که ۶۰٪ آنها در مسجد سلیمان بوده‌اند. یعنی شهر از لحاظ اقتصادی کاملاً به استخراج نفت متکی است. البته به دلیل آنکه در آن زمان مسجد سلیمان به عنوان یک مرکز سیاسی نیز مطرح شده، خدمات عمومی کمابیش در آن شکل گرفته و ۱۱/۴٪ اشتغال را تشکیل می‌دهد ولی درصد یاد شده برابر نیمی از نسبت مشابه برای کل مناطق شهری در سال ۱۳۳۵ ش. بوده؛ یعنی هنوز ضعیف است. وضع شاغلان در بخش تجارت با سهم ۱۰/۳٪ در مقابل ۱۴/۴٪ برای کل مناطق شهری در آن سال قابل توجه است و مایه تنوع شغلی را در شهر فراهم می‌آورد. شاغلان در بخش کشاورزی بیار ناچیز (۱/۸٪) بوده، در حالی که در آن سال شاغلان بخش کشاورزی در کل مناطق شهری (۱۲٪) بوده‌اند. بخش صنعت نیز تنها ۶/۹٪ از شاغلان را داشته (در مقابل ۲۶٪ برای کل مناطق شهری). یعنی تنها بخش قابل حساب در شهر در سال ۱۳۳۵ ش. بعد از استخراج نفت بخش تجارت بوده که احتمالاً از همان زمان به عتایر بختیاری نیز خدمات می‌داده است. مشخصه‌های اشتغال در سال ۱۳۳۵ ش. نزول چشم‌گیر اشتغال در بخش معدن، و رشد چشم‌گیر در بخش خدمات عمومی و ساختمان است که با رشد جمعیت شهر خوانایی دارد. یعنی هرچند که در سال ۱۳۳۵ ش. نیز

بخش معدن در اشتغال نقش فائق دارد، اما اقتصاد شهر دیگر تک پایه نیست. بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ ش. برنامه جایگزینی ارتش (ایجاد برخی از واحدهای نظامی) به جای اقتصاد منکی به نفت شهر در دستور کار قرار می‌گیرد و فعالیت ساختمانی عظیمی در شهر آغاز می‌شود که با ۴۱۱۲۵ شغل و ۳۹/۷٪ از اشتغال ۱۳۸۳۰ نفری آن اشتغال ملط شهر در سال ۱۳۵۵ ش. است. در این میان رشد اشتغال بخش خدمات عمومی و نزول اشتغال در بخش معدن همچنان ادامه دارد و بخش صنعت نیز احتمالاً با توقف صنایع پالایشی نفت دچار رکود می‌شود. قابل توجه است که رشد متوسط اشتغال بین سالهای ۱۳۴۵ ش. تا ۱۳۵۵ ش. سالانه ۳/۱٪ است اما رشد جمعیت در همین دوره تنها ۱/۸٪ در سال بوده است. این تفاوت رشد بدلیل آن است که اشتغال موقت بخش ساختمان خانوارهای شاغلان را جذب شهر نکرده و در عین حال هنوز مشاغل جدید ایجاد نشده است. قابل توجه است که مسجد سلیمان در گذشته دارای صنایع فعال اما کوچک پالایش نفت و استحصال محصولاتی چون گوگرد بوده است که غیر فعال شده و جایگزینی نیز برای آنها ایجاد نگشته است.

«جدول شماره ۳»

وضعیت تصرف مسکن در شهر مسجد سلیمان (درصد)

سال	ملکی		اجاره‌ای	مجانی	در برابر خدمت
	عرصه و اعیان	اعیان			
۱۳۳۵	۷	۳۳	۵۰	۱۰	—
۱۳۴۵	۷	۳۴	۴۸	۱۱	—
۱۳۵۵	۱۴	۴۳	۳۳	۹	—
۱۳۶۵	۵۶	۹	۱۳	۸	۱۲

این بیکاری‌ها و کاهش درآمد خانوار به دنبال آن، باعث روی آوردن بیشتر نیروی کار (سپین تحصیل) به بازار کار و در نتیجه افزایش بیشتر تعداد بیکاران می‌شود. یک کارکرد بسیار مهم مسجد سلیمان نقش بدون جایگزین آن برای کوچ‌نشینان بختیاری است. شهرستان مسجد سلیمان از آبان هر سال تا اردیبهشت سال بعد، قشلاقگاه ایل بختیاری است. از ۱۸۰ هزار نفر کوچ‌نشینان بختیاری، ۱۰۰ هزار نفر در شهرستان مسجد سلیمان قشلاق می‌کنند که از آنها ۷۵ هزار نفرشان با شهر مسجد سلیمان و حدود ۲۵ هزار نفر با شهر «لالی» ارتباط دارند. در قشلاق کوچ‌نشینان فروش

محصول نداشته و به خرید کالاهای مورد احتیاجشان می‌پردازند که این بر قدرت بازار شهر می‌افزاید. کوتاه سخن این که با در نظر گرفتن کاهش اساسی شاغلان در صنعت نفت بین سالهای ۴۵ - ۱۳۳۵ ش. در مسجد سلیمان و جبران شدن این کاهش به وسیله توسعه سایر مشاغل تا سال ۱۳۵۵ و همچنین جبران چندین برابری کاهش اشتغال در استخراج نفت به وسیله بخش خدمات عمومی و اجتماعی، استناد رکود نسبی شهر مسجد سلیمان به عدم فعالیت شرکت نفت نوعی عادت - و نه واقعیت - است و علت اساسی را می‌بایست عدم برنامه‌ریزی برای رشد صنعتی شهری دانست که تمام امکانات توسعه را از لحاظ زیربنایی، مکن، رفاه اجتماعی و فردی، از تباطات منطقه‌ای و از همه مهمتر نیروی انسانی قابل و ورزیده دارا بوده است.

• آینده شهر:

بررسی فشرده شکل‌گیری و تحولات شهر مسجد سلیمان نشان داد که این شهر بصورت یک شرکت شهر، منزوی در حدود ۸۷ سال پیش بصورت جزیره‌ای پیشرفته در دریایی از عقب‌ماندگی پیش از سرمایه‌داری، به وسیله بزرگترین قدرت صنعتی و اقتصادی آن زمان یا امپریالیسم انگلیس پایه‌گذاری شد. اما این شرکت شهر اولیه به دلایل ذیل به یک شهر متعارف یا شهری با هویت و مدنیت و مبانی لازم برای ادامه حیات و پویایی، بدون حضور مؤسسه سازنده آن تبدیل نگشت.

۱ - اسکان جمعیت بومی بصورت فهری (زورآباد) در کنار شهرک شرکتی که هسته‌های نسبتاً مستقل مسکونی و اقتصادی (بازار) شهر را بنیاد گذاشته و باعث ایجاد تنوع اجتماعی و اقتصادی در شهر شد و بعد از انقلاب امکان تملک خصوصی زمین بر قدرت آن افزود.

۲ - هویت و موجودیت مستقل شهر (جدا از بنگاه سازنده آن) در تقسیمات کشوری و تبدیل آن به یک مرکز شهرستان که خدمات شهری گسترده و تنوع اجتماعی و اقتصادی را با اشتغال دولتی (کشوری و لشکری) در شهر موجب می‌شود.

۳ - اندازه یا جمعیت نسبتاً بالای شهر از مراحل اولیه شکل‌گیری که امکانات گسترش بیشتر آینده آن را بدست داد.

۴ - ارتباطات منطقه‌ای بصورت ارائه خدمات به کانونهای جمعیتی شهرستان و به خصوص به کوچ‌نشینان بختیاری.

۵ - امکانات زیربنایی، خدمات و رفاهی فوق‌العاده شهر که بوسیله شرکت نفت ایران و انگلیس در خدمت به منافعش ایجاد شده ولی این نوع رشد خود مبانی توسعه آنی را فراهم آورد.

۶ - آخرین ولی از جمله مهمترین عوامل، توسعه اجتماعی بصورت سطح سواد بالا، نهادهای

ضروری اجتماعی و نیروی انسانی ورزیده که بعد از افول پایه اولیه اقتصادی شهر، امکان رشد اقتصادی آتی را ایجاد کرده است. با چنین زمینه‌ای با وجود تمام اشکالات شهر مسجدسلیمان با رشدی نه چندان بطئی (۳/۱٪ در سال) از سال ۱۳۳۵ ش. تا ۱۳۶۵ ش. بر جمعیت خود می‌افزاید و تعداد آن را از ۲۵ هزار نفر به ۱۰۵ هزار نفر می‌رساند در حالی که نقش اشتغال در استخراج نفت از ۶۲/۸٪ اشتغال شهر در سال ۱۳۳۵ ش. به ۳/۹٪ در سال ۱۳۶۵ ش. کاهش داشته است. همچنین بررسی انجام شده نشان داد که جبران اشتغال از دست رفته شرکتی، بوسیله مشاغل خدماتی عمومی و اجتماعی به گونه‌ای است که نمی‌توان توقف فعالیت شرکت نفت را دلیل مشکلات کنونی شهر دانست، بلکه می‌بایست آن را به ویژه در دوره ۱۳۵۵ - ۱۳۵۸ ش. به نداشتن برنامه توسعه منطقه‌ای و شهری یعنی یک ضعف اساسی برنامه‌ریزی در ایران، نسبت داد. زیرا شهری با جمعیت و توان اجتماعی مسجدسلیمان آمادگی لازم برای هرگونه فعالیت اقتصادی پرثمری را داشته است.

در آینده با در نظر گرفتن برنامه احداث یک کارخانه سیمان در نزدیکی مسجدسلیمان، امکانات منطقه برای استخراج و احداث صنایع کانی غیرفلزی، موافقت‌های اصولی صادر شده صنعتی، برنامه‌های امور دفاعی و گذرراه ارتباطی خوزستان - اصفهان از آن، شهر مسجدسلیمان خواهد توانست بخشی از امکانات خود را در راه تبدیل به یک مرکز رشد قوی «Growth Center» تحقق ببخشد و این تحقق برابر خواهد بود با رشد جمعیت شهر، در حدود رشد طبیعی به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۶ ش. به ۱۶۵۰ هزار و در سال ۱۳۸۱ ش. به ۱۷۴۰ هزار نفر خواهد رسید. برای چنین رشدی شهر مسجدسلیمان تمام مبانی لازم را داراست به جز مسائلی که از لحاظ زیست محیطی یعنی حضور چاههای مسدود نفت در شهر دارد که این نیز مشکلی غیرقابل حل است. باشد که با برنامه‌ریزی سنجیده، این نخستین شهر پارسیان و نخستین شرکت شهر ایران، کالبد مدنیته پویا و پایدار گردد.

«جدول شماره ۲»

مشخصات نیروی شاغل مجد سلیمان ۱۳۳۵ ش. تا ۱۳۶۵ ش.

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵
تعداد شاغلان	۹۳۱۰	۱۰۲۳۰	۱۳۸۳۰	۱۶۱۹۸
نسبت گروه‌های عمده شغلی (درصد)	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کشاورزی	۱/۸	۲	۱/۲	۰/۶
معادن	۶۲/۸	۳۰/۴	۱۶/۷	۳/۹
صنعت	۶/۹	۱۰/۷	۶/۳	۴/۷
ساختمان	۳/۲	۸/۳	۲۹/۷	۹/۶
برق و آب	—	۱/۹	۱/۵	۱/۷
بازرگانی	۱۰/۳	۱۰/۴	۶/۷	۷/۵
حمل و نقل	۲/۱	۵/۸	۵/۵	۴/۶
خدمات عمومی	۱۱/۴	۲۳/۳	۲۸/۵	۶۰/۹
غیره	۱/۲	—	۲/۳	۵/۷
نسبت وضعیت شغلی (درصد)	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
کارفرما	—	۱/۳	۱/۴	۱/۲
کارکن مستقل	۱۶/۱	۱۴/۷	۱۱/۵	۱۷/۳
مزد و حقوق‌بگیر خصوصی	۱۴۲	۳۳/۹	۴۱/۳	۸/۸
مزد و حقوق‌بگیر دولتی	۶۸/۲	۴۸/۵	۴۴/۷	۶۹/۸
کارکن فامیلی و اظهار شده	۱/۵	۱/۶	۱/۱	۲/۹
نرخ بیکاری (درصد)	۲۰/۳	۷/۳	۳/۵	۳۴/۵

بررسی اوضاع شهرستان مسجد سلیمان، در چهارچوب گزارش هیئت اعزامی شورای نهادهای استان :

علت وجودی شهر : علت وجودی اصولاً وابسته به عوامل جغرافیائی و یا عوامل اقتصادی و فرهنگی می باشد که هر کدام به نحوی در توسعه و گسترش شهر در عرض های مختلف کمک می کند. عوامل اقتصادی در ایجاد و گسترش شهر مسجد سلیمان تأثیر بسزائی داشته و وجود ذخائر عظیم نفت، سبب تأسیس و بوجود آمدن این شهر جوان گشته است.

محدوده شهر که در تاریخ ۱۳۳۹/۹/۱۰ به تصویب رسیده از این قرار است، ولی در حال حاضر دو برابر گسترش یافته، شمالاً به نفتون - شرقاً به ناحیه بی بی یان - جنوباً، پل تمبی - غرباً، محله نفتک در امتداد خطی بطرف فرودگاه هوانیروز می رود. رشد جمعیت شهر از سال ۱۳۴۵ تاکنون سیر صعودی و حدود ۴۴/۴٪ افزایش داشته است که ناشی از جذب کارهای کاذب و ویران شدن روستاها بعلت عدم توجه رژیم شاهنشاهی منحنط و پیروی از سیاستهای اقتصادی غرب در جهت تأمین منافع بیگانگان که این شهر در این مدت ضربات مهلکی را از نظر اقتصادی و فرهنگی تحمل کرده است که نظیرش را در کمترین شهری در ایران می توان به عینه دید.

اکنون از دروازه نفتک بر سر راه اهواز - مسجد سلیمان وارد این شهر می شویم. از نفتک واقع در شمال شرقی تا چوب سرخ در جنوب شرقی، مسجد سلیمان دارای ۲۴ کیلومتر طول و عرضش ۶ کیلومتر است. در نفتک پشت یکی از تپه هائی که در سمت راست جاده اصلی است، علاوه بر تعداد ۹۴ باب منازل زیبای چوبی و چند دستگاه منازل سنگی و ۴۸ باب آپارتمان با رنگهای مختلف و باغچه های زیبا و یک استخر شنای نوساز و باشگاه کریکت بچشم می خورد.

قرینه این منازل آن طرف جاده اصلی است. چشمه آبی که آب آشامیدنی هشتاد سال پیش کارکنان شرکت را تأمین می کرد، امروزه مزارع زیبای سبزیجات و تعدادی درخت را سیراب می کند و به «باغ چشمه علی» معروف است. کمی آن طرف تر، یکی از مراکز کارگرنشین موسوم به «چهار بیشه» و بعد از آن چشمه علی و همین طور که پیش می رویم در دو طرف جاده منازل و ساختمانهای شرکت نفت، باشگاه کاوه، باشگاه مرکزی، پنج بنگله، هشت بنگله، اسکاج، پانسون، خیام، کمپ کرسنت، نفتون، باغ ملی، نمره چهل، پشت برج، نمره یک، کلنگه، نمره هشت و بی بی یان را می توان دید.

* وضعیت آب ۱ :

حدود ۷۰ سال پیش شرکت نفت در مسجد سلیمان جهت تأمین آب مورد نیاز خود مبادرت به ایجاد تأسیسات آبرسانی در کنار رودخانه کارون در منطقه گذارلندر نموده تا بدینوسیله آب آشامیدنی پرسنل خود و احتیاجات واحدهای مربوطه را تأمین نماید. در ضمن مقدار آب مازاد بر احتیاج خود را بوسیله لوله‌های عمومی که در قستهای مختلف شهر قرار داده بود به بقیه مردم شهر می‌رساند.

تلمبه‌های آب گذارلندر در سال ۱۳۰۴ نصب شده که دارای ۵۶۵ عدد موتور پمپ و چهار خط لوله بودند و حداکثر برای جمعیتی حدود ۳۰۰ هزار نفر در نظر گرفته شده بودند. لذا با در نظر گرفتن رشد جمعیت و هجوم بی‌رویه روستائیان به شهر و گسترش بی‌رویه مسکن در نوک قله‌ها و اعماق دره‌ها، آبرسانی را بسیار مشکل نموده بطوری که در حال حاضر مهم‌ترین مسئله شهر، مسئله آب آشامیدنی است. بنابه اظهار نظر مسئولین مربوطه، هم‌اکنون اگر تمامی پمپها بطور مرتب کار کنند و همگی سالم باشند و مشکلی از نظر آبرسانی پیش نیاید، آب پمپاژ شده در مدت ۲۴ ساعت حدود ۶۰۰ هزار مترمکعب خواهد بود که این مقدار، برای شهری با ۱۱۲۰۰ هزار نفر جمعیت در صورت اجرای طرح جامع شبکه داخلی شهری کفایت می‌کند. در صورتی که بدلیل چرّم گرفتگی و فرسودگی لوله‌های اصلی و فرسوده شدن پمپها در طی سالیان متوالی، مقدار آبدهی را بسیار کم کرده، در حال حاضر کمبود آب در سطح شهر بشدت وجود دارد. بطوری که در مدت یازدین مدارس به جای آب، یخ به بچه‌ها می‌دادند و همچنین محله‌هایی هستند که گاهی بین ۷ تا ۱۰ روز بی‌آب هستند و تازه اگر آب به آنها برسد، در اکثر خانه‌های مستقر در بالای کوهها فشاری بسیار کم بطوری که با کاسه آب خواهند گرفت. از طرف دیگر چون منازل شرکتی فاقد مخازن خانگی هستند، لذا در هر روز به مدت ۲ الی ۳ ساعت و در ۲ نوبت آب به آنها داده می‌شود.

اقدامات پس از انقلاب استانداری خوزستان و وزارت نیرو در خصوص تأمین، تولید و

توزیع آب مصرفی شهر مسجد سلیمان :

- ۱ - عملیات لوله گذاری خط ۱۶ اینچ بطول ۱۵ کیلومتر جهت سازمان آب.
- ۲ - عملیات لوله گذاری خط ۱۶ اینچ بطول ۱۰ کیلومتر جهت شرکت نفت منطقه.
- ۳ - نصب چهار دستگاه پمپ فشار قوی K. S. B با آبدهی ۲۸۰ مترمکعب در ساعت.

۴ - نصب چهار دستگاه پمپ فشار قوی Shmite.

۵ - احداث آبگیر آب خام.

۶ - احداث تلمبه‌خانه خط ۱۰ اینچ.

۷ - احداث تلمبه‌خانه خط ۱۶ اینچ.

۸ - احداث تلمبه‌خانه خط ۱۲ اینچ.

۹ - نصب دو دستگاه پمپ فشار قوی K. S. B با دبی ۱۵۰ متر مکعب در ساعت.

۱۰ - احداث ساختمان تلمبه‌خانه خط ۱۲ اینچ.

۱۱ - احداث حوضچه آبگیر ۲۰۰۰ مترمکعبی.

۱۲ - نصب ۱۰ دستگاه پمپ فشار ضعیف شناور.

۱۳ - نصب ۶ دستگاه پمپ فشار ضعیف شافت غلافی.

۱۴ - احداث خط ۴۲ اینچ به متر از ۹ کیلومتر.

۱۵ - احداث مخزن بتنی ۵۰۰ مترمکعبی سرگچ.

۱۶ - احداث مخزن بتنی ۵۰۰۰ مترمکعبی چال کنار.

۱۷ - احداث مخزن بتنی ۵۰۰۰۰ مترمکعبی سرگچ.

۱۸ - نصب دستگاههای پز کلرین.

۱۹ - توسعه و اصلاح شبکه به متر از حدود ۱۰۰ کیلومتر.

۲۰ - تحویل و تحویل تأسیسات آب شرکت نفت تحت مدیریت واحد.

۲۱ - تحویل و تحویل فاضلاب شهری از شهرداری به اداره آب و فاضلاب.

۲۲ - بهبود ساختار اداری و ساختمانهای بهره‌برداری، فنی و مرکزی.

۲۳ - مکانیزه کردن و کامپیوتری نمودن سیستم مالی، امور مشترکین و چاپ قبوض.

۲۴ - افزایش تولید آب به میزان حداقل ۵۰٪ تولیدات قبل.

۲۵ - نصب ۲۰۰۰۰ کتور آب در مناطق مختلف شهری تحت پوشش طرح تعاون ۱۳ که با ۱۵۰

اکیب عملیاتی و توسط ۵۰۰ نفر از کارگران فنی شهرهای خوزستان در مدت ۹ روز صورت

گرفت.

۲۶ - قطع حدود ۴۰۰۰ اشتراک غیرمجاز.

۲۷ - تهیه طرح جامع آبرسانی شهر توسط مهندسين مشاور مهتاب قدس.

۲۸ - لایروبی حدود ۳ کیلومتر کانالهای فاضلاب سطح شهر.

۲۹ - تهیه طرح جامع اصلاح شبکه و توسعه آن و ۲۴ ساعته نمودن وضعیت فعلی توسط

مهندسین مشاور پارس پیاب.

۳۰ - خرید ۶ دستگاه پمپ فشار ضعیف با اعتبار ارزی معادل ۲/۵ میلیون دلار.

۳۱ - هدایت آبهای سطحی در نقاط مختلف شهر با حدود ۵۰۰ متر نوله ارتباطی.

لازم به ذکر است که برای جمعیت فعلی مسجد سلیمان، خطوط انتقال و مخازن کافی است. فقط نیاز به اصلاح شبکه دارد. به هر طریق باید گفت که برای افق زمانی طرح جامع ۲۵ ساله، ۱۲۰ هزار متر مکعب آب در شبانه روز نیاز می باشد؛ برای جمعیتی معادل ۳۵۰ هزار نفر، یعنی سرانه ۴۰۰ لیتر برای هر نفر در شبانه روز.

هزینه های مصرف شده عملیاتی و تأسیساتی توسط دولت بعد از انقلاب تاکنون در بخش تولید، توزیع و تأمین آب مصرفی شهر مسجد سلیمان بالغ بر دو میلیارد تومان می باشد.

● وضعیت مسکن :

شهر مسجد سلیمان در زمان اقدار کنسرسیوم نفتی به سه بخش شرکی، ارتشی و شخصی تقسیم شد. تاکنون این تقسیم بندی باقی است و در قسمت شرکت نفت، کلیه امکانات رفاهی موجود است اما مشاغلانه قسمت شخصی و یا قهرنشین که عموماً مالک زمینهای آنها شرکت نفت بوده، از هیچ گونه امکانات بالمشبه ای برخوردار نمی باشد.

منطقه نفتون که فعلاً از پرجمعیت ترین محله هاست از منظم ترین محله های این شهر و مسلک زراعی یکی از طوایف بختیاری بنام طایفه نصیر بود، و در انتهای این ملک در کوهپایه کوه گچی شمال آن میدان تیرسربازان هندی بود و در آن زمان فقط دو ردیف خانه های مسکونی دواطافه بوده که اصطلاحاً آنها را دولین می گفتند که هنوز هم موجود هستند. بعدها با گسترش فعالیت های شرکت نفت خیلی سریع اقدام به ساختمانهای معروف به دو منزلی و سه منزلی نمودند و برای رفع احتیاجات، ضروریات ساکنین نیز یک ردیف مغازه های هم شکل و یک اندازه نیز بوسیله شرکت نفت ساخته شد که موسوم به بازار نفتون بود. چون احتیاج به مسکن بیشتری احساس شد به تعداد خانه های ساخته شده قبلی چند لین دیگر در منطقه پشت برج اضافه شد. آنوقت در پشت برج نیز دولین از قدیمی ترین خانه ها که حیاط آنها بوسیله ورق موجدار که پلیت نامیده می شد به نام لین کهنه ها وجود داشت. اولین خانه ای که معمولاً معروف به منزل شخصی بود در محله نفتون ساخته شد و رقم شهرک را دگرگون کرد. در سال ۱۳۲۸ ه. ش. نخست با چندین بنای یک آغل و راکه به زبان محلی «فاش» می گویند نهاد و به مرور آن را تبدیل به خانه مسکونی می کرد.

چون کارکنان شرکت نفت به سنین بازنشستگی می رسیدند و امکان برگشت به زندگی دامداری و کشاورزی گذشته خود را نداشتند و فرزندان محصلی نیز داشتند، ناگزیر به ماندن در شهر که

آنوقت معروف به داداره بود می‌شدند و این اجبار، باعث می‌شد تا بهر ترتیب تهیه مسکن نمایند چون شرکت نفت پس از بازنشستگی آنها را از خانه بیرون می‌کرد کارکنان متوسل به این حربه شدند که از خالی کردن خانه متعلق به شرکت خودداری کنند تا قطعه زمینی برحسب فوت مربع به آنها در هر کجا که شرکت نفت صلاح می‌دانست داده شود. به مرور مسجد سلیمان تبدیل به مرکز قشلاقی عشایر شده بود و تقریباً پس از آمدنشان به مسجد سلیمان در کاروانسرائی که در محل ساختمان شهرداری فعلی وجود داشت اجتماع می‌کردند و مدتها می‌ماندند.

یکی از جاهائی را که شرکت نفت برای سکونت مردم در آن زمان زیاد ممانعت می‌کرد محله معروف به دره خرسان بود که اکنون به کوی نفت خیز معروف است البته تنها پمپ‌بنزین شهر در جوار کاروانسرا با کمی اختلاف در حدود یکصد متر از چاه شماره یک فاصله داشت. محله نمره یک که بدلیل وجود چاه شماره یک نامگذاری شد، کم‌کم مرکز اقتصادی مردم شد.

سیستمی که شرکت نفت برای تأمین مسکن پیاده کرده بود دقیقاً اختلاف فاحش بین کارگر و کارمند را بوضوح عینت بخشیده بود. صرف‌نظر از دزدپروریهای انگلیسی‌های آن دوره که جای بحث آن نیست، مردم آرام، آرام بدلیل احتیاج برای پوشش، اطاقکی به ابعاد ۱۰×۱۰ فوت اقدام به بریدن بعضی از لوله‌های خط و یاریلوای راه آهن که آنوقت از درخزین تا تسبی ادامه داشت نموده و استفاده می‌کردند و چون شرکت نفت با وجود اداره حراست و نگهبانی نتوانست جلوی مردم را بگیرد، شیوه خیلی زیرکانه‌ای را اشاعه داد که باز هم جای بحث آن نیست تا اینکه در زمان حکومت دکتر مصدق و خروج موقت شاه از ایران و خلع‌ید انگلیسی‌ها، مردم در مضیقه بودند و تشنه مسکن. به قطعه زمینی که می‌رسیدند پی‌کنند و چهار دیواری ساختند البته هر یک از سازندگان خانه بارها و بارها قبل از خلع‌ید اطاقکهای ساختند که بوسیله بیل لودر شرکت نفت تخریب شده بود و چون کلیه مسائل مربوط به شهرسازی و امور غیر مربوط به شرکت نفت از طریق فرمانداری انجام می‌شد و از طرفی شرکت نفت و یا بقولی انگلیسی‌ها خود را مالک مسجد سلیمان می‌دانستند هیچ اقدامی بدون صلاحدید آنها در این شهر انجام نمی‌شد. به همین دلیل نه طرحی برای شهر بوجود آمد و نه کسی به فکر اینکه در آینده چه مشکلاتی بوجود خواهد آمد، افتاد. بعد از کشف و حفاری چاههای نفت بیشتری در این شهر، شرکت نفت سریع اقدام به استخدام پرسنل بیشتر نمود و در نتیجه شهرک نفتون کاملاً ساخته شد.

از طرفی اطاقی که بنای آن نهاده شده بود تبدیل به خانه مسکونی شده و کارگران بازنشسته‌ای در آن ساکن گردیدند و از آن به بعد خانه شخصی شروع به ساختن شد و طبیعتاً برای این کار مصالح لازم بود و در آن وقت سنگ و گچ سیاه، رایج‌ترین آنها به شمار می‌رفت.

بهر حال در زمان رژیم طاغوت بدلیل حاکمیت شرکت نفت در منطقه و افزایش جمعیت شهری چنانچه مردم می‌خواستند در جاهای مسطح شروع به ساختن خانه نمایند مواجه با خراب شدن آنها از طرف نفت می‌گردیدند. ناچاراً اقدام به ساختن خانه در بالای تپه‌ها و کوهها و یا در اعماق دره‌ها می‌نمودند تا از گزند تیغ لودر و بلدوزرهای شرکت نفت در امان باشند. در نتیجه بنای بی‌قوارگی شهر از همین جا صورت گرفت، از طرف دیگر بنا به سیاستهای غلط رژیم گذشته در روستاها و اعمال سیاستهای وابسته به اجنبی، سیل هجوم روستائیان به شهر گسترش یافته و هر کدام از آنها اقدام به ساختن آلونکھائی در بلندترین نقطه کوهها و یا در پایین‌ترین اعماق دره‌ها نمودند و خودشان نیز به کارگری و سایر مشاغل کاذب پرداختند. متأسفانه در آستانه و بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، بدلیل عدم کنترلی که در نحوه واگذاری زمین و نحوه ساخت وجود داشته لذا افراد بی‌مکنی که سالها طعم تلخ کرایه‌نشینی و آوارگی را چشیده بودند، بی‌رویه شروع به ساختن خانه مسکونی نمودند و در نتیجه شهر بدتر از گذشته بی‌قواره گسترش یافته، بطوری که اگر شکل و نقشه شهر را در نظر بگیریم با هیچ‌کدام از اشکال هندسی مطابقت ندارد. هم‌اکنون در بسیاری از محله‌های مسجد سلیمان خانه‌ها به صورت لانه‌های پرندگان در بالای تپه‌ها و در دامنه کوهها و در اعماق دره‌ها وجود دارد. نه تنها راه عبور ماشین برای آنها وجود ندارد بلکه در بسیاری از محله‌ها راههای باریکی^۱ که عبور از آن مشکل است وجود دارد و مردم بایستی از گذرگاههای مرگ عبور کنند تا به خانه‌های خود برسند.

هر خانه بر بالای بام خانه‌های دیگر قرار گرفته و این وضع نه تنها از نظر اصول شهرسازی بلکه از نظر شرعی نیز مسائلی را بوجود آورده چرا که اعماق بسیاری از خانه‌ها و حیاط آنها در معرض دید خانه‌های بالائی است. در نتیجه نوامیس عده‌ای در معرض دید افراد دیگر حتی در موقع استراحت می‌باشند، که این امر تأثیر نامطلوبی از نظر فرهنگی بر جای گذارده و می‌گذارد.

لذا با توجه به محدود بودن شهر از نظر گسترش و اینکه زمین‌های مسطح در حومه شهر بسیار کم می‌باشند، چنانکه هم‌اکنون کنترلی بر نحوه واگذاری زمین به عمل نیاید و آینده‌نگری نسبت به مسئله مسکن و شهرسازی نشود، در آینده نزدیک چنانچه بخواهند کارخانه‌ها و یا کارگاههایی در شهر دایر نمایند با مسئله کمبود زمین مواجه خواهند شد و در این صورت، مجبور هستند که بیوستگی شهری را که هم‌اکنون وجود ندارد بیش از پیش گسترش دهند و به نقاطی که هیچ ارتباطی به شهر ندارد متصل شوند.

۱- راه باریک را در زبان بختباری «تپورم زه» می‌گویند.

هم اکنون اگر نگاهی به شهر انداخته، مشاهده می شود که شهر بصورت محله، محله می باشد و بیشتر محله ها بصورت جدا از هم و همانند ایالت های جداگانه از هم بسر می برند. به فرض محله ای بنام تمبی و محله ای دیگر موسوم به بی بی یان و غیره.

*** وضعیت اقتصادی منطقه :**

قبل از بوجود آمدن مسجد سلیمان به صورت شهر، یعنی قبل از کشف نفت و حفر اولین چاه نفت در این منطقه اقتصاد این شهر و حومه، حول محور کشاورزی و دامپروری بوده و تمامی مردم به مشاغل شریف و انسانی دامپروری و کشاورزی مشغول بوده اند. مواد غذایی به هیچ وجه از خارج شهر وارد نمی شد، و هر کس هر قطعه زمینی که داشت نهایت تلاش را در جهت استفاده بهتر از جمله آبی کردن آن می نمود و گواه این مطلب نام مناطق است که اکنون زمین آنها به صورت دیم است و به محصولی که در گذشته در آنجا تولید می شد نامگذاری شده است مانند ماش گیری - گنجدکار - پنبه کار و غیره، اصولاً قبل از پیدایش نفت در منطقه، شغل دیگری وجود نداشت تا مردم جذب آن شوند لذا تمام سعی و تلاش خود را صرف کارهای تولیدی دامی و کشاورزی می نمودند. این وضعیت تا کشف نفت در مسجد سلیمان ادامه داشته؛ بعد از کشف نفت عده ای از روستائیان جذب شرکت نفت شده اند. استعمار که همیشه دو هدف را در کشورهای مستعمره خویش دنبال می کرده، یعنی یکی غارت و چپاول منابع زیرزمینی با استفاده از کارگر ارزان قیمت و دیگری رواج روحیه مصرفی در سطح منطقه، لذا بعد از کشف و حفاری چاه های نفت، سریعاً اقدام به استخدام پرسنل از قشر مولد روستایی نموده و با دستمزدهای کم و عادت دادن مردم به رفاه کاذب رفته رفته تحول منفی در جنبه های اقتصادی منطقه ایجاد نموده و قشر عظیمی از روستائیان تولید را رها کرده و جذب شرکت نفت شده اند و بدین ترتیب تأسیسات شهری بنا گردیده، در حقیقت فلسفه وجودی مسجد سلیمان نیز بر حسب وجود ذخایر نفتی به حد بسیار وفور بوده که با انعقاد قرارداد ننگین و شوم سال ۱۹۲۸۰۶ ه. ش. بین دولت وقت و ویلیام ناکس داریسی، تأسیسات ساختمان سازی در این شهر و منطقه شروع و شهر بدین سان بنا گردیده و بدین ترتیب شرکت نفت محور اقتصادی منطقه گردید و هیچ صنعت دیگری نیز در کنار آن رشد نیافته و از طرف دیگر زمینه های کشاورزی و دامی نیز سیر نزولی را طی می کرده، بدین ترتیب با ایجاد شهر، عده ای نیز جهت خدمات رساندن به قشر مشغول در شرکت نفت، دست به تشکیل بازار و غیره زدند. بتدریج ادارات دیگر که پیشتر جنبه کاغذبازی داشته اند در شهر تشکیل، ولی قدمی در راه تولید برنداشته اند، و کارهای خدماتی را انجام می دادند. استعمار با سیاست های شیطانی آنچنان

روحیه مصرفی را در منطقه بالا برده و با اجرای طرحهای استعماری از جمله دادن «رشن»^۱ Ration به پرسنل و ایجاد فروشگاههای مصرفی برای آنها، وارد کردن اجناس لوکس و مصرفی از خارج در پی پیاده نمودن سیاستهای شیطنی اقتصادی درازمدت خود بوده، مثلاً همین قضیه رشن این است که روباه مکار به جای آنکه حقوق و دستمزد واقعی به قشر زحمتکش و کارگر بدهد، حتی یک سوم حقوق حقه آنها را پرداخت نمی‌کرد، ولی در عوض با دادن یک سری امتیازات از قبیل دادن مقداری مایحتاج شامل: برنج، قند، آرد و حبوبات و غیره که اصطلاحاً به آن رشن می‌گفتند، تأثیر عجیبی بر روی آنها می‌گذارد به طوری که اگر پای صحتهای پیرزنان و پیرمردان بنشینی و از آنها پرسی که دوست دارید فرزندان شما در آینده چه کاره شوند و در چه زمینه‌هایی فعالیت نمایند، بالا فاصله شرکت نفت را مطرح می‌کنند. وقتی دلیل آن را پرسی قضیه رشن و سایر جنبه‌های مصرفی دیگر را مطرح می‌کنند، منظور از بیان این مثال، نشان دادن این مطلب است که استعمار علاوه بر لگدمال کردن شخصیت و هویت فرهنگی و برجا گذاشتن اثرات سوء فرهنگی روحیه تولیدی و مولد بودن، ایجاد ابتکارات و ابداعات را در مردم منطقه از بین برده است. رژیم منحوس گذشته در اواخر عمر ننگین خود، زمانی که متوجه شد که منابع نفت روبه اتمام است با وارد کردن یک سری کارخانه‌ها و کارگاههای غیرتولیدی و با کشاندن پای ارتش به منطقه، سعی در حفظ آرامش شهری از نظر اقتصادی داشته مثلاً: ایجاد شرکت پرسیزیون که بنام برادر شاه ملعون بوده و برای ساختن پایگاه هوانیروز و مکن جهت آنان در منطقه فعالیت می‌کرده، سعی داشت که با جلب افراد بیکار در شهر که روزه روز بر تعداد آنها افزوده می‌شد، مسکنی برای منطقه ایجاد نماید و برای مدتی آرامش را در منطقه حفظ نمایند. همچنین با وارد کردن کارگاه نانک‌سازی به منطقه و جلب عده‌ای از بیکاران، سیاستی بوده که به خاطر تمام شدن نفت در منطقه به اجرا درآمد.

* وضعیت فرهنگی :

از آنجا که وضعیت فرهنگی که ارتباط نزدیکی با وضعیت اقتصادی و فلسفه وجودی شهر دارد. لذا همانطور که در مبحث اقتصادی متذکر گردیدیم، مسجد سلیمان تا قبل از حفر اولین چاه نفت و ورود انگلیسی‌ها و شرکت نفت به منطقه، دارای مردمی یکدست بوده که عقیده‌ای راسخ به مبانی اسلامی تا آنجا که مسائل اسلامی در اختیار آنها فرار گرفته بود، داشته‌اند.

۱- جیره کارگران شرکت نفت که شامل اقلام زیر بود: نخود - لوبیا - عدس - شکر - روغن - آرد - کوبن - نفت و امشی - پارچه‌ای بنام چیت و لباس کار موسوم به پیلرسوت.

نشانگر و بیانگر این قضیه وجود امامزاده‌های گوناگون در منطقه و احترام خاصی که مردم بومی برای این امامزاده‌ها قائل هستند، می‌باشد. البته باید متذکر گردید که در گذشته بدلیل وجود خوانین در منطقه، فرهنگ خان سالاری نیز در بسیاری از مناطق حاکم بوده، بطوری که تقریباً هر ایل یا طایفه، دارای خوانینی بوده‌اند و جنگهای خونین که بیشتر بخاطر امیال و هوسهای خوانین بوده، انجام می‌گرفته و هر طایفه یا ایل بنا به مصلحت خان و به خاطر جاه‌طلبیها و گردنکشیها و اعمال قدرت و اصالت دادن به ایل و طایفه مربوطه و اجرای عدالتهای به اصطلاح خانی، دست به این قبیل کارها می‌زدند. این مسائل تأثیرات نامطلوب خود را بر روی مسائل اجتماعی و فرهنگی گذاشته و جای بسیاری از مسائل اسلامی را مسائل خرافی و یا غیراسلامی با رنگ و بوی اسلامی پر کرده. با پیدایش نفت و با ورود استعمار انگلیس به منطقه، دگرگونیهای زیادی در روابط اجتماعی و فرهنگی مردم پدید آمده است. استعمار برای غارت منابع زیرزمینی و ثروت مردم برمبنای سیاستهای شیطانی خود، شروع به اسلام‌زدائی و زدودن آثار اسلامی نموده و با توسل به حربهای اقتصادی و وجود فقر و تنگدستی مردم بومی منطقه به مرور زمان و با حساب و کتاب شروع به نفوذ در مردم و محو و بی‌محتوا کردن فرهنگ اسلام نموده. امپریالیزم کهنه کار انگلیس ابتداء با رواج روحیه طبقاتی و جدا کردن قشرهای جامعه از یکدیگر و دادن امتیازات زیاد به قشری که در راه اهداف آنها کار می‌کردند کار خود را شروع کرده و شروع به استخدام پرسنل بومی نموده و هر کدام از آنها را در رتبه‌های خاصی قرار داده و بتدریج یک نوع طبقه‌بندی اجتماعی - فرهنگی را بوجود آورده و منطقه‌ای که در گذشته دارای دو طبقه خان و قائد و کدخدای از یک طرف و طبقه فقیر و رعیت از طرف دیگر بوده، حال وضعیت جدیدی پیدا کرده بود و با توسل شدن به خوانین و افراد بانفوذ محلی خود فروخته آنها و با دادن رتبه و مقام بالا به این قشر و اجرای سیاستهای استعماری توسط این افراد که از خود مردم بوده‌اند توانست جای پای خود را بین مردم محکم نماید، و یک طبقه‌بندی جدید اجتماعی که شامل کارفرما - کارمند - کارگر و بومیان بیکار بوده بوجود آورد. در واقع روش و سیستم حاکم بر شرکت نفت بگونه‌ای بود که تصمیمات متخذه و تقسیمات شغلی و دادن امتیاز به هر رتبه شغلی، این طبقه‌بندی اجتماعی را ایجاد می‌کرد.

فرضاً برای افراد رتبه‌های بالا و عوامل خودفروخته با ایجاد و ساختن بنگله‌های اعیان‌نشین و گرفتن یک محوطه وسیع به عنوان حیاط و گرفتن باغبان برای آنها، وضعیت مکنونی بهتری را نسبت به قشرهای دیگر در نظر گرفته که نمونه‌های آن مانند شاه‌نشین قلبی، کمپ کریست و چند محل دیگر بود. برای کارمندان نیز با ایجاد خانه‌های مکنونی چند اتاقه در مناطق باغ ملی،

پانسیون خیام و بنگله‌های متفرقه در کلنگه، وضعیت مناسب را بوجود آورد. ولی برای کارگرانی که قشر عظیمی از کارکنان را تشکیل داده‌اند یا ساختن خانه‌های ۱۰ فوئی، ۲۰ فوئی، ۲ منزلی، ۳ منزلی که هر کدام از اینها نیز بنا به مصلحت و گرفتن رتبه در اختیار آنان قرار می‌گرفت. بدین ترتیب به اختلاف بین اقشار دامن زدند.

در اکثر بنگله‌ها، توالت‌ها؛ رو و یا پشت به قبله هستند و دارای توالت‌های به اصطلاح فرنگی می‌باشند. درب و پنجره‌های بسیاری از آنها به صورت پرچم انگلیس بوده و حتی چمنهای آنها نیز به صورت کورت - کورت شکل پرچم انگلیس را دارا می‌باشند. در منازل کارگری نیز با ایجاد توالت‌های عمومی - بخار عمومی - و حتی لوله‌های آب عمومی و ایجاد منازل بدون حیاط که توسط سیمهای توری از یکدیگر جدا می‌شدند پرده حجب و حیا و مسائل شرعی را که در رابطه با ارتباط زنان و مردان وجود داشته، رفته‌رفته از بین برده و ارتباطات شکل غربی پیدا می‌کردند و دیگر از مسائل شرعی خبری نبوده و با سیاستهای شیطنی زمینه مساعد را بوجود آورده. از طرف دیگر با ایجاد فروشگاههای گوناگون و متناوب برای کارفرمایان، کارمندان و کارگران بطور جداگانه، بطوری که فروشگاههای کارمندی بسیار تمیز و دارای انواع و اقسام وسائل، مواد خوردنی و پوشاک و وسائل لهو و لعب زیاد، برتری بیشتری نسبت به فروشگاههای کارگری داشته‌اند. ساختن مهمانسراهای گوناگون که بنا به گفته یکی از برادران، ۸ مهمانسرا وجود داشت که هر کدام از آنها متعلق به قشر خاصی از افراد بودند که از شهرهای دیگر می‌آمدند و بر حسب رتبه از یکی از آنها استفاده می‌نمودند. ایجاد مدارس مختلط دختر و پسر برای قشر مرفه که هزینه ثبت‌نام آن زیاد بوده، جدا کردن اتوبوسهای کارگری و کارمندی، به طوری که اتوبوسهای کارگری اکثراً صندلی چوبی و اتوبوسهای کارمندی با صندلی چرمی تمیز بود، رفته‌رفته به اهداف پلید خود دست می‌یافت و یک نوع حقارت و خودکم‌بینی و بی‌هویتی را بین قشر محروم به وجود می‌آورد. بچه‌های کارگر و قشر بیکار و مستضعف شهری با یک عقده و حقارت خاصی به قشر مرفه و کارمندی می‌نگریستند و در موقع رفت و آمد به مدرسه، می‌دیدند که آنها سوار اتوبوسهای صندلی چرمی ولی اینها بایستی در اتوبوسهای صندلی چوبی سوار شده و یا اکثراً فرزندان آن قشر بخصوص بخاطر بهره‌مندی از وسایل رفاهی و امکانات بهتر، تمیزتر و با لباس گرانتر به مدرسه می‌آمدند که تأثیرات نامطلوب ذهنی و گرایش و پیوستگی به این طیف را که در حقیقت نمایانگر فرهنگ غرب بوده‌اند در بقیه بوجود می‌آورد. استعمار بتدریج شروع به ایجاد باشگاههای فساد در مناطق و محله‌های کارمندی و کارگری شهر نمود. باشگاههای کارمندی که قشر غیرشرکتی و کارگران حق ورود به آنها را نداشته و حتی از فاصله ۵۰۰ متری آن

نمی توانستند رد بشوند. محل خوشگذرانی و رقص و آواز و ایجاد برنامه های دانش، عرق خوری و شب نشینی و غیره بوده. انگلیسیها با آوردن زنان و دختران بی عفت خود در این مجامع و اجرای برنامه های غربی و آوردن وسایل مصرفی در فروشگاههای شرکتی و شهر، مردم را به این مسئله ترویج و تشویق می نمودند. فرد روستایی که در شهر جذب این شرکت می گردید، نه به خاطر اینکه واقعاً اعتقادات خود را نسبت به اسلام از دست داده است، بطرف فرهنگ غرب کشانده می شد. بلکه بخاطر عقده و حقارتی را که این استعمار پیر در بین مردم بوجود آورده بود و اینکه احساس حقارت و کوچکی می کرده، بعد از مدتی چوقا و لباس مناسب محلی خود و بچه هایش را تبدیل به فرم غربی می کرد. چرا که روباه مکار چنان بر روی این مسائل تبلیغ می کرد و آنها را نشانه رشد و روش فکری و تکامل می دانسته که هر نوع حرکت مخالف آنها، واپس گرائی و عقب افتادگی تلقی می شد. این مسائل از کلمات غربی پیداست، بطوری که هر کس جذب این فرهنگ نمی شد به آن دهائی می گفتند و معنی بسیار بدی که این لغت در بین قشر وابسته به غرب ایجاد کرده بود، سیستم شغلی و حضور افراد بیگانه بویژه انگلیسیها در شرکت نفت، وجود روابط خاص و ظالمانه این خصیصه را در بین قشر زیادی از کارکنان شرکت نفت بوجود آورده که برای تضمین اشتغال خود در شرکت نفت، باید خوی و خصلت و ثریتی را پیدا کنند که خواست کارفرما یا انگلیسیها باشد و همین موضوع حلقه اول انتقال فرهنگ استعماری و غربی بر مردم منطقه را رواج داد. از طرفی چون عده ای می خواستند خوش خدمتی و نوکری خود را به انگلیسیها زودتر ثابت کنند تا بلکه از این راه راه رتبه بالاتری را کسب نمایند، لذا در پذیرش فرهنگ بیگانه عجله بیشتری کرده و با ایجاد تحول در این گونه افراد، مقدمه شکست مقاومت افراد بومی در مقابل فرهنگ بیگانه بوجود آمده است.

اگرچه بسیاری از مردم غیرشرکتی و کارگران در مقابل این حرکات مقاومت کرده و عرق در فرهنگ بیگانه نشدند، ولی طبیعی است که اجتماع شهر تأثیراتی را نیز بر روی آنها داشته که الحمدلله فقط جنبه رو بنایی داشته و نتوانسته اعتقادات اصیل آنها به اسلام را از بین ببرد. روباه مکار با اجرای سیاستهای شیطانی خود، یک وجه و برتری را برای قومیت خود و ایجاد این زمینه که مادر تمام مسائل بیشتر از شعا ایرانیان می فهمیم و این ما هستیم که خیر و صلاح شما را می خواهیم و شما را به تجدد نزدیک می کنیم، برای خود بوجود آورده. مثلاً در اوائل کار شرکت نفت از آنجایی که در آن موقع هیچ وسیله حمل و نقل وجود نداشته، به رانندگان ایرانی دستور می دادند که حق ندارند هیچ کس را در مسیر خود سوار کنند و اگر کسی این کار را انجام می داد توسط ام - پی های شرکت نفت گزارش می شد و به شدیدترین وجه آن را تنیه و اخراج

می‌کردند، اما خود انگلیسیها در تمام مسیرها هر کس را که می‌دیدند سوار می‌کردند. این قضیه بدین خاطر بود که این روحیه را در بین مردم بوجود آورند که شما در حق همدیگر ظالم هستید و این ما هستیم که خیر و صلاح شما را می‌خواهیم و بدین ترتیب یک مقام و منزلت در دل مردم ایجاد نمایند. تا هر چه را بخواهند، به خورد این ملت مظلوم بدهند و با اینکه استعمار در رژیم منحوس پهلوی با اجرای سیاستهای پلید و با همکاری روحانیون وابسته چنان جلوه و چهره بدی از روحانیت در منطقه ایجاد کرده بود که اکثر مردم هیچ‌گونه اعتمادی به این قشر نداشته‌اند. مثلاً نقل می‌کنند که یکی از افراد انگلیسی که فارسی را بخوبی بلد بوده، با پوشیدن لباس مقدس روحانیت به روستاها می‌رفته و به اصطلاح تبلیغ اسلام می‌کرده و می‌گویند در درون عصای خود با قوه‌های قوی، یک جریان برقی ایجاد می‌کرد که هر کس در وحله اول دست به آن می‌زده، تکان می‌خورد و می‌گفت که این عصا معجزه دارد و بدین ترتیب اسلام را از درون تهی می‌کردند و با روحانیون وابسته‌ای که از طرف ساواک و رژیم منحوس به منطقه می‌آمدند، با زیرکی خاصی مسائل را طوری بیان می‌کردند که توجیه‌کننده نظام موجود باشد و نتیجه وارونه در بین جوانان و قشر علاقمند به اسلام داشته باشد مثلاً روحانی بوده که وقتی به منبر می‌رفت و می‌خواست داستان حضرت یوسف را مطرح نماید، به جای اینکه بر روی طهارت و پاکی و زهد و تقوای آن حضرت تکیه داشته باشد و مقاومت در مقابل هوای نفس و سرکوب آن را بیان نماید. بر روی زیبایی زلیخا و اینکه ابروان زلیخا چگونه بود، ذلقان زلیخا چگونه بود، اندام زلیخا چگونه بود، با زیرکی یک نوع تحریک را بوجود می‌آورد.

بدیهی است که صحبت کردن با آب و تاب بر روی این قضیه آن هم از جانب یک روحانی چه تأثیری می‌توانست بر روی قشر جوان و نوجوان داشته باشد و ذهن آنها را متوجه چه قضایای انحرافی که نمی‌کرده و با اینکه می‌گویند نامبرده از یک طرف بر منبر می‌رفت و از طرف دیگر به خوشگذرانی می‌پرداخت، پس می‌خواستی با این همه ظلم و ستمی که استعمار و رژیم دست نشانده آن در حق مردم منطقه انجام داده‌اند، چه چیزی از فرهنگ اسلامی باقی مانده باشد و یا چه اعتمادی نسبت به روحانیت داشته باشند. اگر این برنامه‌ها را در اصیل‌ترین شهرهای مذهبی هم پیاده می‌کردند نیز خبری از اسلام و روحانیت در آنجا یافت نمی‌شد، چه برسد به مردمی که حتی از داشتن یک مسجد درست و حسابی (کل مساجد شهر در آن زمان شاید از انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد) و وجود یک روحانی میانه‌رو نیز بی‌بهره بوده‌اند. این برنامه‌ها، آهن را ذوب می‌کرد چه رسد به این ملت مظلوم و اگر نشانه‌هایی از اسلام وجود دارد، نشانه اعتقاد عمیق و فطری این مردم به اسلام می‌باشد.

استعمار اگرچه توانست خیلی از مسائل فرهنگی را عوض کند و یا وارونه نماید ولی نتوانست فطرت پاک این مردم را از بین ببرد. بهر حال اینها گوشه‌هایی از ظلمی است که استعمار در حق مردم این دیار کرده تا آنها را از خود بیگانه سازد.

بیوگرافی مردان پلنگ افکن :

شکار کردن از قرن‌ها پیش در بین ایرانیان متداول بوده است. در زمانهای قدیم شکارچی با اسب و تیر و کمان به شکار می‌رفت و در این راه حوادثی زیاد برایش پیش می‌آمد و گاه خود طعمه حیوانات می‌شد و با پیشرفت علم و گذشت زمان، تیر و کمان جای خود را به تفنگ و اسلحه گرم داد.

پای صحبت ۳ تن از شکارچیان معروف مسجد سلیمان می‌نشینیم که عمری را در این راه سپری کرده و با بقولی نسل اندر نسل شکارچی بوده و پسران خود را هم با این حرفه آشنا نموده‌اند. در مسجد سلیمان، شوشتر، ایذه، رامهرمز، هفتکل و لالی و شاید در سراسر خوزستان و سرزمین بختیاری، کمتر کسی است که آقای سهراب ایرانی‌نژاد معروف به «سهراب کُرانی» را نشناسد.

آنهايي هم که او را از نزدیک ندیده‌اند از عکس و تفصیلات شکارهای پلنگش که در جراید کشور منعکس شده آشنایی دارند.

او اصلاً بختیاری و از طایفه کُرانی که در حوالی مسجد سلیمان سکونت دارند می‌باشد. وقتی دنیا آمد پدر و مادرش اسم سهراب رویش گذاشتند؛ زیرا مثل سهراب پسر رستم، مردی شجاع و دلیر است. تیراندازی را با تفنگ سرپر در سن ۷ سالگی از پدرش آموخته از بچگی کبک و دزاج و تیهو شکار می‌کرد. بطوری که در سن ۹ سالگی با همین تفنگ مستقل به شکار رفته و یک پازن «بز کوهی» شکار کرد. حالا میش و بز کوهی میزنند اما از شکار آهو حذر می‌کند. چون عقیده دارد که کشتن آهو شگون ندارد.

سهراب فرزند ارشد پدرش می‌باشد و به غیر از خودش ۴ برادر دیگر دارد که همه نیز شکارچی و شکار دوست هستند. اما سهراب پیش کموت برادرانش می‌باشد و شهرت او در این است که در تیراندازی بالا دست ندارد و هیچگاه گلوله‌اش بخطا نمی‌رود. او پرندگان را در هوا می‌زند. معمولاً جمعه‌ها و ایام تعطیل سهراب در شهر نیست و اگر کسی بخواهد او را در این مواقع ملاقات نماید باید رنج سفر را بر خود هموار کند و او را در شکارگاهها پیدا نماید.

سهراب کُرانی می‌گوید: روزی به اتفاق یکی از دوستان جهت شکار با تفنگک سرپر در منطقه لهری یا گنج امام (رضاع) حدود دره علی دادی در جستجوی شکار بودم و بعد از ردیابی، اقدام به شکار یک کل (بزکوهی نر) نمودم و پس از شکار آن بز و سوار کردن آن بر الاغ به اتفاق دوستم براه افتادیم، در بین راه گاوی را دیدم که روی زمین افتاده و فقط گلویش بر اثر حمله یک جانور وحشی از هم دریده بود، بعد از طی مسافتی باز یک جوجه تیغی را دیدم که بی جان افتاده و از گرمی خونس پیدا بود که تازه شکار شده بود.

من به دوستم گفتم تو از اینطرف با الاغ برو و من هم دنبال رد می‌روم و در منطقه تنگه همدیگر را می‌بینیم. پس از جدا شدن و دنبال رد رفتن به یک نزار رسیده و جهت خوردن آب سرم را پایین آوردم، ولی از روی احتیاط تفنگک را آماده نگاهداشتم. ناگهان از میان بیشه پلنگ آماده حمله به من شد و من که برای اولین بار پلنگک می‌دیدم از هیکل عظیم و خشمناک او متوحش شدم و بحالت نیم‌خیز بلند شده و تنها بخدا توکل کردم. پلنگک با یورش بلند بر روی من پرید و من فوراً خوابیدم، طوری که سرم در آب فرو رفت و چون سر بلند کردم با عجله صورتم را پاک کردم. سپس پلنگک را دیدم که در ۵ متری من دوباره آماده حمله می‌شود. وقت را غنیمت شمرده و با شلیک گلوله‌ای گلویش را هدف قرار دادم. بلافاصله گلوله‌ای دیگر به کمرش شلیک کردم. صحنه وحشتناکی بود و من با عجله مشغول گلوله گذاشتن در تفنگک بودم که پلنگک زخمی بر روی من پرید و با یکدست پهلویم را و با دست دیگر پایم را گرفت و من مرگ را در یکقدمی خود دیدم و تنها لوله تفنگک را در دهانش فرو کرده و با تمام قدرت عقب فشار می‌دادم و پلنگک که از دو ناحیه شدت رنج می‌برد و خشمگین بود قدری به عقب رفت و من آنقدر لوله تفنگک را در دهانش فشار دادم که از محل اصابت گلوله در گلویش بیرون آمد و در حالت نیم‌خیز آنرا پیچ دادم، طوری که گردن پلنگک شکست و پلنگک در آخرین لحظات مرا با دست به گوشه‌ای پرت کرد. به سرعت بلند شدم و خنجر خود را درآورده و با چند ضربه پیاپی خنجر، او را کشته و از خستگی در روی جسد پلنگک بخواب رفتم، درست نمی‌دانم چه مدت گذشته بود که با صدای دوستم از خواب بلند شدم و تازه فهمیدم که از ناحیه کمر و پا بشدت مجروح شده‌ام و ناخنهای نیز پلنگک پوست بدنم را کنده و دنده‌هایم بشدت تیر می‌کشید و گوشت کف پایم کنده شده.

دوستم را صدا کردم و او از همان فاصله گفت: الاغ بوی پلنگک را حس کرده، زیرا از ترس حرکت نمی‌کند. گفتم ترس دو دست الاغ را ببند و بیا. موقعی که به نزد من آمد و مرا خون‌آلود دید و وحشزده شده و وقتی که جسد پلنگک را دید پا به فرار گذاشت و من با تلاش او را متقاعد کردم که پلنگک مرده است. او را روانه آبادی کردم تا با وسیله نقلیه‌ای به شهر رفته و برایم پزشک بیاورد.

یکی دو ساعت سپری شد که سیل موتور سبکت و اتومبیلها بادکتر و عکاس به محل رسیدند و دکتر راجی بوسیله چربی همان پلنگ مرا مداوا نمود و از مرگ حتمی نجات داد.

آنگاه آقای کُرانی نفس عمیقی کشید و به فکر فرو رفت و گفت: انگار همین دیروز بود، وی سپس راجع به خاطره دیگری می گوید: روزی یک بز کوهی را شکار کردم و چون سنگین بود با بریدن سر و قطع کردن دست و پاها او را به اصطلاح سبک کرده و با خود جهت حمل بسوی مقصد حرکت کردم و پس از پیمودن مسافتی، جهت استراحت به تخته سنگی تکیه داده و بر روی لاشه شکار در حالی که تفنگ آماده شلیک در دستم بود بخواب رفتم. ناگهان نفس گرمی را بر روی صورتم حس کردم. چشمانم را باز کرده، کفتار بزرگی را دیدم که دهان را برای بلعیدن سرم آماده کرده بود. کفتار که از بوی گوشت به سویم آمده بود، به خیال بی جان بودن من می خواست مرا طعمه قرار دهد و من آهسته طوری که کفتار متوجه نشود تفنگ را پایین برده و نول آنرا متوجه سینه اش کردم. کفتار که گویا متوجه حرکت من شده بود با کوبیدن پاهایش بزمین از روی عصبانیت دندانهایش را آشکار کرد و آماده پریدن بر روی من شد. فاصله من و کفتار از یک متر تجاوز نمی کرد، دیگر درنگ جایز نبود. با شلیک گلوله ای سینه اش را هدف قرار دادم. کفتار عظیم الجثه به هوا بلند شد و بر روی زمین افتاد. با عجله بلند شدم و کفتار را که گلوله از سینه اش گذشته و از پشتش خارج شده بود، در حالت خیز و حرکت با شلیکی دوباره از پای در آوردم.

وقتی از خطرناکترین وقایع شکار که برای آقای سهراب کُرانی پیش آمده بود پرسیدم، شروع به نقل قضیه زیر کرده و گفت:

ظهر پنجشنبه یکی از روزهای اواسط بهار سال ۱۳۲۱ بود که به بیشه گنج خُلج رفته بودم. ناگهان خود را با پلنگ عظیم الجثه ای که برای نوشیدن آب، کنار جوی آمده بود روبرو دیدم. پلنگ فوراً خیز برداشت. فرصت کم و موقعیت باریک بود. امانش ندادم؛ دو گلوله پیاپی به او شلیک کردم که دستش شکست و لی بحکم طبیعت که پلنگ از زدن کینه ورتر شده، حمله مجدد خطرناکی کرد. چون جای تیراندازی نبود لوله تفنگ را با فشار وارد دهانش کردم. پلنگ همچنان میگرید و با دست راست حمله سختی به من کرد و با چنگالهایش پهلوئی چپم را زخمی و پاره کرد که هنوز جای آن باقی است. باری درنگ جایز نبود با دشنه چند ضربه به قلب و شکم زدم. بطوری که قسمتی از روده هایش بیرون ریخت، بالاخره پلنگ کشته شد و من هم از حال رفتم.

آقای سهراب کُرانی ناکنون ۱۸ پلنگ و همچنین تعداد زیادی گرگ، کفتار، پازن (بز کوهی)

کشته است. سهراب به تمام معنی ورزشکار است. تا کنون لب به سیگار و مشروب نزده. مثل همه ورزشکاران و جوانمردان، اشعار حماسه‌ای فردوسی را دوست دارد. چون سواد خواندن و نوشتن او کافی نیست از این رو گاهی برادر دوش مهدی برایش شاهنامه می‌خواند. با وجودی که ۷۶ سال از سنش می‌گذرد بدون اغراق در کوهنوردی و پیاده روی از جوانان ۲۰ ساله، چابکتر است.

یکی دیگر از شکارچیان نام‌آور سرزمین بختیاری آقای شیرمحمد نصیری «معروف به کازرون» می‌باشد. او از ۱۲ سالگی اولین تجربه شکارش را بدست آورده و تا کنون که ۶۶ ساله است همچون جوانی که بدنبال شیرینی تجارب خویش باشد، کوههای دلاورپرور بختیاری را بقصد شکار، زیر گامهای خویش گذاشته و ارتفاعات صعب‌العبور را درمی‌نوردد. وی تفنگ و شکار را میراث خانواده خود می‌داند. چرا که نیاکانش در اسب‌سواری، شکار و تیراندازی، نامی و زیانزد بوده‌اند.

کازرون نصیری می‌گوید: پدرم مهدی فتح‌علی نصیری از شکارچیان بنام بود و من در پرتو مهارت وی تفنگ را شناختم و با آن اسب گرفتم. من اولین شکار خود را که یک بز کوهی بود حدود ۵۴ سال پیش در منطقه سرگج امام رضا (ع) در مسجد سلیمان با تفنگ پوزپر شکار کردم و در آنزمان با تفنگهای چهارپاره، تمام کوههای گرمسیر تا سردسیر مانند مال آقا، بیدستان، تنگ کرد، ایذه، کوههای برفی کینو، تاراز، دشت خور، سرخو، پشتکوه آسماری را جهت شکار با پای پیاده طی می‌کردیم یعنی گاهی وقتها برای شکار بیش از ۱۲ ساعت پیاده روی کرده و شبها در دل کوهها روی سنگها می‌خوابیدیم.

اغلب که با دوستان جهت شکار به کوهها می‌رفتیم؛ هرکس مسیری را طی کرده و در وعده‌گاه مشخصی به هم می‌رسیدیم و در یکی از همین سفرها موقعی که در منطقه برفی بعثت ریزش برف به سختی می‌توانستم قدم بردارم ناگهان خرس سفیدی را در مقابل خود دیدم. گویا خرس مرا از قبل دیده و سر را هم کمین کرده بود. موقعی که بقاصله دو متری او رسیدم چون کوهی نعره‌زنان بلند شد و از روی خشم و گرسنگی دودستی به سینه‌ام زد و من مرگ را در یکقدمی دیدم. تا آمدم به سوی او شلیک کنم به من حمله کرد. خود را قدری عقب کشیدم و ضربه سهمگین خرس از کنارم گذشت و به اصطلاح باد ضربه دست خرس مرا ۲ الی ۳ متر عقب انداخت. خوشبختانه تفنگ دور دستم گره خورده بود و بعثت نرمی برف صدمه‌ای ندیدم و همانطور که روی کمر خوابیده بودم تفنگ را آماده شلیک کردم. خرس از روی اطمینان به من نزدیک شد و نا یک متری من رسید. مهلتش ندادم؛ گلوله‌ای بر وسط پیشانی اش شلیک کردم. خرس چون پیرگاهی به

هوا بلند شد و معلق‌زنان بر روی برف پهن شد و خون و برف درهم آمیخته شدند. با همین حال هنوز خرس زنده بود. بلند شدم و گلوله‌های دیگر به سینه‌اش شلیک کردم. از پشت روی برف افتاد و بعد از چند تکان سخت فوراً با ضربات پی‌درپی خنجر او را کشتم. صدای گلوله‌ها دوستانم را متوجه کرده بود و دقایقی بعد به من ملحق شدند.

کازرون نصیری افزود: سال ۱۳۵۰ بود که جهت شکار به کوه‌های برفی رفته بودیم. نیمه‌شب بر اثر عطش فراوان و نداشتن آب از بیم حیوانات وحشی جرأت حرکت نداشتیم، ولی تشنگی امانم را بریده بود. ناچار بلند شدم، تنگم را آماده شلیک کرده و با دست دیگر کتری را برداشته و راهی شدم. بعد از چند لحظه ناگهان حیوانی از رویم شرجه رفت و بزمین افتاد. من فقط سیاهی او را دیدم و موقعی که با چراغ قوه بطرف او نور انداختم، گرگی را دیدم که آماده حمله به من بود. گرگ از دیدن نور ناراحت شد و همانطور بیحرکت ایستاده بود و مرتب پا به زمین می‌زد. آهسته کتری را زمین گذاشته و با یکدست او را هدف قرار داده و شلیک کردم. گرگ نعره‌ای زد و به زمین خورد. بعد از صدای تیر و نعره گرگ، صدای پای حیواناتی را شنیدم که در حال فرار بودند و معلوم شد که گرگ حمله کننده سایه‌ام را بجای خودم هدف قرار داده و چند گرگ دیگر آهسته از پشت سر در حال نزدیک شدن به من بوده‌اند و اگر لحظه‌ای در شلیک کردن درنگ می‌کردم، گرگها از پشت به من حمله کرده و مرا قطعه قطعه می‌کردند. بعد از پر کردن کتری از برف و آب کردن برف بوسیله آتش، رفع عطش کردم و آن شب زوزه گرگها تا صبح در اطرافم مرتب ادامه داشت ولی آتش افروخته در کنارم مانع از نزدیک شدن آنها می‌شد.

مهدی ایرانی نژاد برادر سهراب گرانی راجع به خاطرات گذشته خود چنین می‌گوید: برای یک شکارچی تمام لحظات شکار خاطره است و هر کدام دارای ارزشهای معنوی زیادی است. شکار رفتن، بسوی حادثه و خطر رفتن است به عبارت دیگر شکار کردن یا شکار شدن است، زیرا کوچکترین غفلت موجب شکار شدن شکارچی می‌شود. من اکنون ۶۸ سال دارم. در سن ۱۳ سالگی یک کل (بز کوهی نر) در منطقه فعالی، (چاه ۱۴ نفت سفید) شکار کردم و این اولین شکار باصت ادامه کارم شد طوری که بعد از فراغت از کار و تعطیلات آخر هفته با دوستان عازم شکار شده و یکی دو روز بدنبال شکار می‌گشتم و در موقع بازگشت از ۱۰ شکار کمتر نداشتیم.

وی ادامه داد: یک شکارچی باید قبل از رسیدن به محوطه وجود شکار تمام جوانب را با دوربین زیر نظر داشته باشد زیرا در زیر بوته و یا در پشت هر سنگ هر آن امکان حمله حیوان وحشی به او وجود دارد و در یک حالت غافلگیر شکارچی شکار حیوان می‌شود. یکبار موقعی که در حال جستجو در منطقه راه هفتگل - نفت سفید در محوطه کندوک بودم سه گراز از سه طرف به من

حمله ور شدند. گرازهای وحشی با آن قیافه‌های وحشتناک و دندانه‌های تیزشان مرتب با پاهای خود زمین را می‌کنند و آماده حمله بودند و من تنها راه‌هایی را تکیه به تخته سنگ بزرگی دیده و با تکیه به سنگ گرازها جمع شده و من بر آنها مسلط شدم. تفنگ را نشانه رفتم و بوسط پیشانی یکی که از همه نزدیکتر بود شلیک کردم گراز غول‌پیکر بزمین افتاد. با شلیک دومین گلوله گراز دیگری بزمین افتاد و گراز سومی که خود را تنها دیده بود فرار را بر فرار ترجیح داد و این بهترین فرصت برای پرکردن تفنگ دولولم بود زیرا اگر گراز حمله می‌کرد اسلحه من گلوله نداشت و عصبانیت گراز بحدی بود که سنگ را خورد می‌کرد.

مهدی ایرانی نژاد در مورد شکار پلنگ می‌گوید: حمله مرتب پلنگ به آبادی میرزامهدی در منطقه چله شه (سنگ سیاه) (کوه سیاه) و قربانی شدن احشام آنها و در خطر بودن جان افراد، دل همه را بریده بود و کسی یارای عبور از منطقه سکونت پلنگ را نداشت. اهالی از من خواستند که شر این حیوان را از سر آنها کم کنم و من مصمم در جهت آسایش اهالی تعقیب را شروع کرده و با ردیابی او را در سه کوهی در غار یافتیم، ولی رفتن به محل به منزله خودکشی بود زیرا با بودن سنگلاخها و صعب‌العبور بودن محیط و تسلط کامل پلنگ بر من نمی‌شد به او نزدیک شد.

هرچه انتظار کشیدم او از کمین‌گاه بیرون نیامد و پس از سپری شدن یکروز سخت و کشنده روزی دیگر به انتظار در کمین بودم که با دوربین پلنگ را دیدم که از کمین‌گاه بیرون آمد و تا آمدم بجنبم در میان سنگهای بلند دامنه کوه ناپدید شد و من بطرف او حرکت کردم بعد از رسیدن به دامنه کوه هرچه به اطراف نگاه کردم اثری از او ندیدم از این سنگ به آن سنگ پریدم ولی خبری نبود. حتم داشتم که بطرف آبادی رفته عزم رفتن به آبادی را داشتم که ناگهان سایه بلند وحشتناک او را دیدم، به بالا نگاه کردم و دیدم که پلنگ در بالای سرم خیره و خشناک دهن دره می‌کند و مرتب دندانه‌های تیزش را نشان می‌دهد، هر لحظه غفلت موجب مرگم می‌شد و او آماده حمله بود ولی من با شلیک گلوله‌ای در زیر گلویش او را به عقب پرت کردم و عوض اینکه پلنگ بر روی من بپرد با فشار گلوله در حقیقت من او را به عقب پرت کردم و تا آمدم از صخره‌ها بالا بروم اثری از او ندیدم ولی آثار خون ریخته شده حاکی از مجروح شدن او بود با عجله فشنگی جای گلوله شلیک شده گذاشتم و اکنون باد و گلوله پر در تفنگ دولول اطمینان بیشتری داشتم. تعقیب حیوان درنده آنهم پلنگ زخمی، کار بسیار خطرناکی بود و هر آن امکان داشت بمن حمله‌ور شود، در همین موقع پریدن پرنده‌ای وحشزده را از پشت تخته‌سنگی مشاهده کرده و حدس زدم که پلنگ در پشت سنگ کمین کرده، با احتیاط مسیر را عوض کرده و بعد از دور زدن از پشت سرش بیرون آمدم و دیدم که پلنگ مجروح در پشت سنگ در حالی که خون زیادی از او رفته در حالت حمله

بسر می‌برد و مرا زیر نظر دارد. آهسته دستم روی ماشه رفت و این حرکت کوچک نگاه خشمناک او را متوجه من کرد. من فکر می‌کردم حیوان یارای حرکت ندارد، ولی با چالاکی بلند شد و به سوی من که در بلندی و بالای سر او بودم خیز برداشته و درست در یکمتری من بود که گلوله‌ای شلیک کردم و اصابت گلوله به پلنگ او را بزمین پرت کرد و خون زیادی در هوا پخش شد بطوری که بدنم خونی شد. در حقیقت اگر کمترین خطایی در شلیک پیش می‌آمد من شکار پلنگ می‌شدم. بعد از شکار پلنگ اهالی خوشحال شده و کلی رقص و پایکوبی کردند.

مهدی ایرانی نژاد افزود: بله، اینها همه‌اش خاطره است و اکنون که مشغول بیان خاطرات گذشته هستم تصویرهای آن چون یک فیلم از مقابلم می‌گذرد و حال پی می‌برم که چه خطرات وحشتناکی از مقابلم گذشته و در حقیقت هرچه خواست خدا باشد همان می‌شود. هر شکارچی ماهر و کارآزموده باید پرونده‌اش با بیش از ۱ الی ۲ هزار شکار بسته شود و من و برادرم سهراب این چنین بوده‌ایم و سهراب با بیش از ۲ هزار شکار رکورددار بوده ولی در مورد پلنگ من مجموعاً دو پلنگ شکار کردم.

بار دیگر سهراب کُرائی لب به سخن گشوده و می‌گوید: در جنگ شهریور ۱۳۲۰ با یک وسیله نقلیه شرکت نفت در منطقه دشت رودزود رامهرمز در حال عبور بودیم و آنزمان جز وسیله نقلیه شرکت نفت کمتر وسیله‌ای در محل عبور می‌کرده، اتفاقاً در عقب ماشین تعداد زیادی زن و بچه نشسته بودند. مردی با قطاری از فشنگ که به کمر بسته بود با تفنگ ۵ تیر همراه ما بود. به تیرها و تفنگش حسادت می‌شد و آرزو می‌کردم کاش مال من بود در همین موقع گله‌ای گرگ به سمت ماشین حمله ور شدند و آنزمان با جاده‌های خراب و عدم کارآیی وسایل نقلیه، سرعت گرگ بر وسیله نقلیه چیرگی داشت. خلاصه زنها و بچه‌ها از ترس شیون و زاری می‌کردند من با عجله تفنگم را که همیشه همراه بود از زیر صندلی بیرون آورده و با شلیک اولین گلوله یکی از گرگها را کشتم، و با دومین گلوله گرگ دیگری به خاک افتاد. من فکر می‌کردم مردی که تفنگ ۵ تیر دارد الان با شلیکهای پی‌درپی همه گرگها را خواهد کشت ولی مرد فرار را بر فرار ترجیح داد. هرچه داد زدم فایده‌ای نداشت ناچاراً با عجله دو فشنگ درون تفنگ خود جای داده و دو فشنگ دیگر در دستم آماده بود. فاصله گرگهای گرسنه با ما نزدیکتر شده بود، درنگ جایز نبود با شلیک دو گلوله پیاپی دو گرگ دیگر کشته شدند به همین ترتیب ۹ گرگ کشته شد و تنها یکی از آنها فرار کرد.

وی ادامه داد: در منطقه شهر هفتگل بین جارو و شاه‌نشین مکنونند بر اثر حمله پلنگی گاوی کشته شد و اهالی ناراحت از تکرار حادثه نمی‌دانستند چه کنند. من در تعقیب پلنگ تمام منطقه را زیر پا

گذاشته ولی کوچکترین اثری از این حیوان درنده نیافتم ولی مصمم به کشتن او قصد ماندن داشتم و اهالی خوشحال از این ایده من برقص و پایکوبی پرداخته بودند. روزی من در میان گله‌ای به کوه رفتم و گله از دیدن من ابتدا وحشت داشت ولی بعد از مسافتی چون از بی آزاری من اطمینان یافت آرام شده و به حرکت عادی خود ادامه داد. با دقت بهر طرفی نگاه می‌کردم ولی اثری نیافتم بناچار دوربین شکاری را در آورده و منطقه اطراف را با کنجکاوی و دقت بیشتر زیر نظر گرفتم و ناگهان در بالای تپه‌ای پلنگ را دیدم.

من با تفنگ آماده شلیک از پشت تپه‌ها و با احتیاط بسوی محل استقرار پلنگ رفتم ولی پلنگ فرصت را غنیمت شمرده به میان گله تاخته و پس از قربانی کردن دو گوسفند آماده حمله به یک قاطر شده بود و قاطر وحشزده بهر طرف می‌دوید و پلنگ با یک جست بلند راه او را سد می‌کرد. باقیمانده گله بهر طرفی روی آورده و تعدادی از ترس برجا می‌خکوب شده بودند. ولی بزرگی جنه قاطر و فرارهای او لجباجت پلنگ را در شکار وی مصمم تر ساخت و قاطر که حاضر نبود به این زودبها کشته شود بدون هدف در هوا لنگد می‌پراند و می‌خواست با این حرکات پلنگ را ترسانده و با از هدفش که شکار وی بود منحرف کند، ولی پلنگ مصمم و خشمگین با نعره‌های بلند و دندانهای تیز رعب و وحشی عجیب در منطقه چراگاه بوجود آورده بود و من نظاره گر این صحنه بودم. با عجزه و با احتیاط تفنگ را آماده شلیک بسوی پلنگ هدف فرار داده و آماده موقعیت بودم زیرا کوچکترین خطا باعث اصابت گلوله به گله بیگناه بود و پلنگ از چنگم در می‌رفت. پلنگ آماده خیز برداشتن شد و خود را آماده پرش کرد و ناگهان چون گلوله‌ای که از تفنگ شلیک شده باشد جهش بلندی کرده ولی درست قبل از فرود آمدن بر روی قاطر شلیک گلوله من بود که در فضای چراگاه طنین افکند و درست در کمر پلنگ نشسته و او را بزمین انداخت گله وحشزده بهر سویی فرار کرده و پلنگ بعد از بلند شدن از زمین در یک نگاه به اطراف مرادیده و با بدن زخمی بسوی من حمله ور شد و در فاصله ۲۰ متری دومین گلوله من درست در وسط پیشانی اش نشست و او را سرنگون کرد.

پسر سهراب کُرانی نیز می‌گوید: من در هوا هر جنبنده‌ای را شکار می‌کنم و برای صحت گفتارم مبارز می‌طلبم و پدر ضمن صحت گفتار پسرش می‌گوید برآستی چنین است و تابحال چندین بز کوهی و غیره را نیز شکار کرده است.

شیر محمد نصیری می‌گوید: من یکبار با پلنگی مواجه شده و پلنگ در کمین گاه ناگهان بر من حمله کرد و خدا با من یار بود زیرا پلنگ از چند سانجیشری بالای سر من گذشت و در موقع حمله مجدد با شلیک گلوله‌ای اقدام به قطع دو دست پلنگ نموده و پلنگ با نداشتن دست و تنها با دو پای خود

آنچنان به سمت من پرید که من تعجب کردم ولی شلیک دومین گلوله در مغز حیوان او را نقش بر زمین کرد. ولی اکنون بنا بر دستور دولت جمهوری اسلامی ایران مدتهاست که از شکار کلبه حیوانات وحشی دست کشیده‌ایم، زیرا شکار حیوانات طبق قانون ممنوع بوده و مجازات دارد، و ما تابع قانون هستیم.

لازم به ذکر است که آقای سهراب کُرانی بمدت ۴۰ سال راننده صنعت نفت مسجد سلیمان بود و در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۱۸ بر اثر بمباران هوایی نیروهای صدامی در محله «نمره چهل» به شهادت رسید.

طبيب محلي مسجد سلیمان «حاج حسن آقا حاتمی»

سالهاست که میان طرفداران طب سنتی و هواداران علم جدید پزشکی بر سر انتخاب این یا آن، مجادله و مباحثه وجود دارد.

آنان استدلال می‌کردند که هر گل و گیاهی را که پروردگار جهان آفریده، محاسن و خواصی در آن قرار داده است که هر یک می‌تواند به تنهایی دردی را دوا و بیماری را شفا بخشد. دلیل این ادعا هم این بود که گله‌های گوسفند و گاو که در بیابان می‌چرخد و هیچگونه دسترسی هم به پزشک و دارو ندارند. هر کدام بیمار بشود بنا به مقتضای دردشان در بیابان می‌گردند و گیاهی را پیدا می‌کنند و می‌خورند و بهبود می‌یابند. اینان می‌گویند که داروهای آزمایشگاهی و بقول پزشکان «اسپالین»، عصاره همان گیاهان هستند. یعنی بجای آنکه یک کاسه «فلوس» بدقیافه و بدطعم را با زجر و شکنجه سر بکشیم دوسه تا قرص «موسیندم» بیخ گلویمان می‌اندازیم و اینهمه خود را آزار نمی‌دهیم.

باز دسته اول می‌گفتند این درست نیست زیرا داروهای شیمیایی همگی عصاره گیاهان نیستند بلکه قسمت اعظم آنها در لابراتوارها از ترکیب عناصر با یکدیگر تهیه می‌شوند و این مواد اگر سی چهل درصد مفید باشند پنجاه شصت درصد زیانبخش بوده و به سایر ارگانهای بدن لطمه وارد می‌سازد در صورتی که اگر ما گیاهی را بجوشانیم و یا گلی را دم کنیم و بخوریم، بزرگترین ضرر آن این است که مفید نباشد.

بهر حال حاصل این بحث و جدل‌ها بدینجا رسیده است که در عین حال که دانش جراحی را به حد اعلا ارج نهیم ولی حتی المقدور از استفاده از داروهای شیمیایی خودداری کنیم و به داروهای گیاهی روی آوریم که چه از نظر طبیعت فطری بشری و چه از نظر اجتماعی صلاح و مصلحت انسان در آن است.

البته معالجه مرض سیاتیک با بریدن یک رگ و امثال آن راه ما می‌توانیم تأیید و نه آن را رد

کنیم. چراکه در این مورد فقط نظر اهل فن است که صائب می باشد. نه دلیلی در دست داریم که چنین معالجه‌ای امکان پذیر نیست و نه برهانی در دست داریم تا بتوانیم ثابت کنیم که چنین امری مقدور و عملی است.

ما این مقدمه را آوردیم تا حاج حسن آقا حاتمی، طیب با انصاف و نیکوکار مسجد سلیمان را معرفی نمائیم. او فردی است که از اطراف و اکناف از عشایر و روستایی گرفته تا بیابان گرد و شهروند همه دست به سویش دراز می کنند و او دستشان را بگرمی می فشارد. داروئی پرفایده و کم ضرر در اختیارشان قرار می دهد، به بیمار امید بهبودی و سلامت تزریق می کند و بدون آنکه چشمی به کیسه و نظری به جیبش داشته باشد، روانه خانه و کاشانه اش می سازد. خوب است بخوانیم تا بهتر او را بشناسیم.

معالجه افراد بیمار بوسیله داروهای گیاهی اگر چه دیگر کهنه و یا بعبارتی از مد افتاده است و با پیشرفت علم پزشکی گرایش بیشتر مردمان بسوی پزشکان دانشگاه دیده و استفاده از انواع داروهای شیمیایی می باشد ولی باز هم هستند افراد بسیاری که داروهای گیاهی را بهتر از داروهای شیمیایی تشخیص داده اند و اگر پزشکانی کار دکترهای علفی و گیاهی را قبول ندارند ولی میل باطنی افراد و گرایش آنان به این دکترهای علفی باید محکم و آزمایشی باشد بر کار این دسته. در شهر مسجد سلیمان، کمتر کسی است که نام حاج حسن آقا حاتمی، این پیرمرد باتجربه و به عبارت دیگر «پزشک محله» را نشناسد و خانه وی را که حکم مطبی شفابخش را دارد، ندانند کجا است. مراجعه افراد به خانه وی جهت مداوا، سخت او را مشغول کرده است و افراد مراجعه کننده عشایری بیش از دیگرانند، ولی بعد از اصابت موشک به محوطه ققیر نشین «پشت برج» و تخریب اماکن، حاج حسن آقا هم بناچار خانه خود را که در نزدیکی محل حوادث بود، ترک کرده و به منطقه «آبژدان اندیکاه» واقع در ۵۰ کیلومتری مسجد سلیمان رفته است. موقعی که بسراغ وی به داندیکاه می رویم. بدون اینکه آدرس وی را از کسی سوال کنیم، بچه های ده دور ما را احاطه کرده و خانه «حاج حسن آقا» را به ما نشان می دهند و ما را در تعجب و حیرت فرو می برند.

و بالاخره می فهمیم که وسیله نقلیه ناشناسی که وارد محل می شود برای دیدن حسن آقا آمده است. موقعی که به خانه وی که در بلندی قرار دارد می رویم؛ می بینیم که در حال ضد عفونی کردن پای بیماری است که از درد سیاتیک، ناله می کرد و بعد از چند لحظه ماهیچه ساق پای بیمار را محکم با پارچه بسته و با پنبه آغشته به الکل و شستشوی دوباره، رنگ پای وی را پیدا نموده و چندین جای را با تیغ های جراحی مخصوص که از لفاف در آورده بود، تیغ زده و خون سیاهرنگی از پای بیمار به درون لگن زیر پای وی ریخته و بعد از چند لحظه، خون به سرخی تغییر رنگ داده و حسن آقا

پس از پاتسمان پای وی و شستشوی دستهای خود با آب و صابون، بسراغ ما می آید و بعد از سلام و احوالپرسی گرم، از او درباره ضد عفونی و بهداشت می پرسیم. او می گوید:

بهداشت جزء اولیه سلامتی است و جان این انسانها که با دلی پاک و نیتی خالص از راههای دور بسراغ من می آیند به این بستگی دارد.

در این میان یکی از بیماران این چنین می گوید: اسم من شاهقلی رضایی و اهل دزفول هستم. من چندین ماه از درد مپاتیک خواب راحت نداشته و جهت مداوا نزد بسیاری از پزشکان متخصص و با تجربه رفتم ولی معالجه آنان اثری نبخشید و هر روز درد پای من بیشتر می شد. بطوری که حتی از غذا خوردن افتادم و خدا را شاهد می گیرم که چهل روز است یک لقمه نان نتوانستم بخورم بطوری که به مرگ خود راضی بودم تا اینکه در دزفول نام این شخص را به من گفتند و من بدون داشتن آدرس، رهسپار این شهر شدم و راحت تر از آنچه که فکر می کردم او را پیدا نمودم. حسن آقا به بیمارش می گوید: اگرچه درد پایت هنوز تمام نشده و باز هم درد دارد ولی بایستی مقداری راه بروی. بیمار نگاهی از ترس به حسن آقا می کند و حسن آقا می گوید: بلی ترس دارد ولی به خودت جرأت بده و بلند شو. بیمار با دلهره بلند شده و مقداری راه می رود و دوباره می نشیند و طلب چای می کند و می گوید: آقا الان شاید دو ماه است که لب به چای نزده ام و اصولاً از رنگ و طعم چای بدم می آمد. ولی اکنون میل شدیدی به نوشیدن چای پیدا کرده ام و حس می کنم اشتهایم باز شده است. در کمتر از چند دقیقه، چای آماده شد و او با شور و صف ناشدنی شروع به نوشیدن چای کرد.

بیمار بعدی جوانی اهل آغاچاری است. وی خود را اکبر دانشیار معرفی کرده می گوید: بر اثر تصادف با وسیله نقلیه سنگین، پایم دچار شکستگی شده و بعد از آنکه مدتی پایم در گچ بوده بدستور دکتر گچ پایم را باز کرده اند ولی بعد از گذشت چند ماه هنوز پایم بی حس است و از ماهیچه با ناراحت هستم. حسن آقا بعد از معاینه پای بیمار به او دستوراتی داده و با دادن نسخه های از داروهای گیاهی بسراغ بیمار دیگری می رود و من می بینم که مراجعه کنندگان به فراخور حال خود هرچه تمایل داشته باشند، حق ویزیت می دهند. جوان محصلی که از ضعیف بودن شدید چشمهایش ناراحت بوده گفت: من اهل هویزه هستم و در کلاس چهارم دبیرستان مشغول تحصیل می باشم. جهت مداوای کم سویی چشمانم نزد بهترین متخصصین چشم در شیراز، تهران، اصفهان و شهرهای دیگر رفته و آنها هم نتوانسته اند راه علاجی پیدا کنند و در ناامیدی کامل بودم که یکی از دوستانم گفت: در شهر مسجد سلیمان پزشک محلی با تجربه ای وجود دارد و من که آدرس دقیق او را نداشته، به این شهر آمدم و در لحظه ورودم از رهگذری سراغ حسن آقا را گرفتم و

دیدم چه آسان در شهر به این بزرگی و بدون دانستن آدرس، خانه او را پیدا نمودم. پس از دریافت نشانی دقیق تر به آبرزدان اندیکاه آمدم و حال تنها امید به معاینه حسن آقا بستام. زیرا من جوانم و هزاران آرزو دارم و دوست دارم به تحصیلاتم ادامه بدهم. ولی افسوس که ضعیف بودن چشمانم مرا ناامید کرده و در اینجا حسن آقا بعد از معاینه‌ای از چشمان بیمار به او گفت: بشرطی چشمان تو خوب خواهد شد که دستور مرا عمل کنی و از دواهای محلی بطور صحیح و بکنواخت استفاده نمایی. ناگهان لبخندی رضایت‌بخش و امیدوارکننده بر روی صورت جوان نقش بست. حسن آقا گفت: باید از زهره کیه زهری در کنار جگر، جوجه تیغی و زبان خرگوش، سرمه‌ای درست کرده و قبل از استفاده از این سرمه از تاج خروس زنده، قطره‌ای خون در چشمانت بریزی و سپس سرمه را بطور بکنواخت روزی یکبار به چشمانت بکشی و بعد از این عمل از کره تازه گاو مقداری روی چشمانت بکشی و پس از ۱۰ روز مرتب در صورت انجام صحیح این برنامه، خوب خواهی شد و من در چهره حسن آقا بخوبی اطمینان و صراحت در گفتار را بوضوح مشاهده کردم، جوان که لحظاتی پیش دلخسته و ناامید بوده چطور از روی شادی سرازیر نمی‌شناسد.

به حاج حسن آقا می‌گویم مثل اینکه همه ترا می‌شناسند و اغلب شهرستانی‌ها جزء مراجعه کنندگان به شما هستند؟ وی می‌گوید: قصد من خدمت به خلق است و همانطور که می‌بینید من از گرفتن وجه از بیماران امتناع می‌ورزم و این اصرار و تمایل خود بیماران در پرداختن وجه است که مرا وادار به قبول می‌سازد. شما بخوبی می‌بینید که اکثر مراجعه کنندگان به من، مردم مستضعف دهات هستند که از شهرها فاصله زیادی داشته و توانایی رفتن به شهر را ندارند و بیمارانی که از کشورهای همایه خلیج فارس مانند کویت، شیخ‌نشینها و حتی از هندوستان سراغ من آمدند، آنها را معالجه نمودم.

تحصیل و تخصص :

حسن آقا در این مورد می‌گوید: من نه درس طبابت خوانده‌ام و نه دوره تخصصی در این مورد دیده‌ام. من از سن ۲۰ سالگی یعنی ۵۰ سال پیش این استعداد را در خودم دیدم و لذا با توجه به نبودن دگر در روستاها برای معالجه بیماران در آن زمان همت گماشتم و تشویق و قدردانی مردم بیشتر مرا دلگرم می‌کرد. من در مورد شکستگی، تخته‌بندی، کج شدن صورت، ورم معده، افتادن ناف، فتق، سیاتیک، در رفتن استخوان لگن و چندین مورد دیگر مهارت خود را ثابت کرده‌ام. همچنین چندین نفر را که در خواب بر اثر شوک، لال شده بودند در کمترین فرصت خوب نمودم. مصاحبه با آقای موسوی، رئیس منطقه و حاج شیشه‌گر، رئیس بهره‌برداری مسجد سلیمان : در حال حاضر از همان وسایلی که ۷۰ سال پیش در اینجا نصب شده‌اند استفاده می‌کنیم. به عنوان

نمونه پمپهایی که برای پمپاژ نفت مورد استفاده می‌باشند، همان پمپهایی هستند که در ابتدای تأسیس این منطقه وجود داشته‌اند.

پالایشگاه، بعضی از مخازن و خطوط لوله نیز متعلق به همان زمانها می‌باشد. حتی نیروگاه برق، که به نیروگاه تمبی معروف است. البته با وجود همین وسایل در گذشته میزان تولید نفت بسیار خوب بود ولی در حال حاضر تولید منحصر به ۱۰ حلقه چاه است که مقداری از نفت تولیدی در پالایشگاه کوچک‌مان فرآوری می‌شود که محصولات آن به مصرف شهر می‌رسد و باقی نفت تولیدی هم برای صادرات به خارک ارسال می‌گردد. ضمناً "قبل از احداث ترمینال خارک، نفت این منطقه به آبادان فرستاده می‌شد."

آقای شیخه گر هم در مورد میزان تولید فعلی منطقه گفت: "در حال حاضر در حدود ۱۵ هزار بشکه تولید داریم، ولی توجه خاص مدیر مناطق نفتخیز که گفتند منطقه باید مجدداً احیا شود سبب خوشحالی کارکنان و مردم منطقه می‌باشد و امیدواریم با تلاشهای ادارات مهندسی نفت، حفاری، خطوط لوله و مهندسی ساختمان، مسجد سلیمان در زمره مناطق پربار نفتی درآید. در این خصوص قرار است در آینده ۵ حلقه چاه در منطقه لالی تعمیر شود که دو حلقه چاه برای این منظور و استقرار دکل حفاری آماده شده است. در منطقه زیلایی هم قرار است بر روی چاه شماره "۳۰" حفاری جدید بشود که با این اقدامات تا سال ۷۴ میزان تولید به حدود ۳۵ هزار بشکه خواهد رسید، ضمن آنکه از سال ۷۴ با انجام حفاریهای جدید قرار است تولید به حدود ۱۰۰ هزار بشکه برسد. به هر صورت انجام این اقدامات می‌تواند شایعات مربوط به مرده بودن این منطقه را باطل نماید. وی آنگاه پیرامون چگونگی بهره‌برداری و انتقال نفت خام این منطقه در ابتدای تأسیس آن گفت: "ما هنوز دکل حفاری چاه شماره ۱ را بر روی چاه آن به صورت یک نمونه سمبلیک از تاربخچه اکتشاف و تولید نفت در خاورمیانه نگاهداری می‌کنیم و اما آنها که در گذشته در اینجا بکار اشتغال داشته‌اند می‌گویند، نفت تولید شده از این چاه به درون یک حوضچه در پایین تر از محل چاه ریخته می‌شد که در آنجا نفت خام را در حلب‌ها می‌ریختند و با استفاده از چهارپا، حلبها را به ایستگاه قطار برده و با استفاده از این وسیله آن را به محلی بنام "درخزین" انتقال می‌دادند و از آنجا هم حلبها را بدرون کشتی‌های کوچک گذاشته و از طریق رودخانه کارون به آبادان می‌بردند. ضمناً دو کارخانه گوگردسازی هم داشتیم که کارخانه شماره ۱، ۲۵ تن و کارخانه شماره ۲، ۳۰ تن گوگرد در ۲۴ ساعت تولید می‌کردند که آنها را هم به آبادان انتقال می‌دادند. البته در حال حاضر از راه آهن آن زمان اثری نمانده و تأسیسات هم قدیمی هستند ولی ما شرح نیازمان از وسایل و سیستمهای جدید را تهیه کرده‌ایم که با رسیدن و نصب آنها، وسایل

قدیمی را از سرویس خارج خواهیم کرد زیرا اکنون تنها برای نگهداری به عنوان وسایل عتیقه بکار می آیند.

رئیس منطقه در مورد امکانات رفاهی کارکنان اظهار داشت: "ما در اینجا دارای امکاناتی نظیر باشگاه و منازل مسکونی کارکنان می باشیم ولی همین منازل مسکونی برای ما بصورت یک مشکل درآمده است، زیرا تعدادی از آنها پس از انقلاب تصرف عدوانی شده اند و تعدادی هم به ارتش و ارگانهای دیگر به صورت امانی واگذار شده اند به هر حال از مجموع ۸۹۱ باب منزل مسکونی در حدود ۵۳۴ باب آن در اختیار دیگران است.

باشگاه مرکزی را نیز در اختیار داریم. ولی باشگاه نفتون در اختیار بنیاد شهید می باشد. خلاصه در مجموع از ۵ باشگاه تنها یک باشگاه در دسترس کارکنان می باشد.

وی آنگاه در خصوص مشکلات موجود گفت: "از عمده ترین مشکلات ما در این شهر نداشتن آب آشامیدنی در حد کافی است.

مشکل دیگر این است که بدلیل محدود بودن منطقه، سطح آموزش از جهات کیفی پایین است و اکثر معلمان تمایلی برای آمدن به این شهر از خودشان نمی دهند.

مسأله دیگر مربوط به کمبود پزشک است به گونه ای که با دارا بودن امکانات خوب و بهداشتی نمی توانیم از آنها بطور کامل بهره برداری نمائیم و به دلیل نبود پزشک برخی از بیماران به اهواز اعزام می شوند و این در حالی است که از نظر خودرو نیز در مضیقه شدید هستیم و مسلماً بودن چند پزشک می تواند بیاری از مشکلات ما را حل کند، بخصوص اگر پزشک متخصص هم داشته باشیم. همچنین کمبود نیروی انسانی ما هم محسوس است و متولین امور سازمانی هم تمایلی برای دیدن منطقه و آشنا شدن با مشکلات از خود نشان نمی دهند. ما در بعضی از مناطق حتی چارت سازمانی نداریم و ناچاریم از دیگر نیروهایمان که قاعدتاً باید استراحت هم داشته باشند استفاده نمائیم که این امر سبب نارضایتی کارکنان شده است. گذشته از اینها جاذبه های لازم هم برای حفظ و نگهداری نیرو وجود ندارد و با توجه به طرحهای توسعه ای آینده، باید بخصوص در مورد ستهای سازمانی توجه خاصی معطوف گردد.

آقای موسوی در خاتمه گفت: "از دیگر مشکلات عمده ما مخازن زیرزمینی است که در آنها شکافهایی به وجود آمده و این امر سبب نشت گاز در سطح زمین و حتی درون بعضی از منازل شهر شده است و ما مجبوریم در این خصوص اقدام به خریداری آن منازل بنمائیم و خوب است که متولین تدبیری برای این مشکل بیندیشند.

پس از این گفتگو، راهی بیمارستان شرکت نفت شدیم. این بیمارستان بر فراز تپه ای نسبتاً بلند و

مشرف به شهر قرار دارد و نمای ساختمان آن حکایتگر عمر نسبتاً طولانی آن است. یکی از کارگرانی که در این بیمارستان بکار مشغول بود می‌گفت: "۴۸ سال سابقه کار در صنعت نفت منطقه مسجدسلیمان دارم و از آن زمان که کودک بودم بیاد دارم که این بیمارستان فعال بود و تعدادی انگلیسی و هندی و ایرانی آن را اداره می‌کردند." در گفتگویی هم که با آقای متین مشول بیمارستان داشتیم اظهار داشت: "قسمتهایی از این بیمارستان در ۶۵ سال پیش بنا گردیده و برخی قسمتها بعدها به آن افزوده شده و به طور کلی این بیمارستان قدیمی‌ترین بیمارستان صنعت نفت در خاورمیانه محسوب می‌شود. این بیمارستان در گذشته به گونه‌ای بود که به سایر مناطق هم سرویس می‌داد. هم‌اکنون دکتر علی نهاروندی قدیمی‌ترین متخصص این بیمارستان می‌باشد.

بیمارستان مسجدسلیمان دارای بخشهای اطفال، داخلی، عفونی، جراحی، گوش و حلق و بینی و زنان می‌باشد که بخش اخیر بدلیل نداشتن پزشک متخصص فعالیت چندانی ندارد. در مجموع این بیمارستان از جهت پزشک بخصوص در رده متخصص در مضیقه بر می‌برد.

به هر صورت باید از کارکنان این بیمارستان که با زحمات خود توانسته‌اند در همین اندازه تیز رویهای لازم را ارائه نمایند، تقدیر و تشکر نمائیم."

پس از دیدار از بیمارستان راهی پالایشگاه کوچک شهر شدیم. پالایشگاه بی‌شبهت به یک اثر تاریخی نیست. زیرا بیشتر از ۶۳ سال پیش احداث شده و ۵۱۰ بشکه در روز ظرفیت دارد. البته با وجود قدیمی بودن، بسیاری از مسائل اصولی در آن رعایت شده است. به عنوان مثال، دستگاههای مختلف آن از ابتدا با گاز کار می‌کرده‌اند و عمل تصفیه هم تقریباً مشابه شرایط حاضر پالایشگاههای مدرن انجام می‌گیرد که عمدتاً بر اساس تبادل حرارتی می‌باشد، ولی مانند پالایشگاههای جدید اطاق کنترل به شکل فعلی نداشته است. در کنار این پالایشگاه کارخانه گوگردسازی واقع است که هم‌اکنون تعطیل می‌باشد. در مجموع باید بگوییم که این تأسیسات و سیستمهای بکار گرفته شده در آن واقعاً جالب می‌باشند و بخصوص در امر آموزش و آشنایی کارکنان می‌تواند بسیار مشرثر باشد.

بررسی موردی خلاصه گزارش مطالعات مسجدسلیمان :

مجموعه مطالعاتی که خلاصه گزارش آن ذیلاً خواهد آمد بررسی است در جهت دستیابی به تصویری کلی اما جامع از شهر مسجدسلیمان و گشایش بایی است که راه گشای شناخت همه‌جانبه به این شهر و دیگر شهرهایی از این دست که در زمانهای دور و نزدیک مبتلا به مشکلات فعلی مسجدسلیمان خواهند بود و در نهایت طرح پایه‌ای برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری بنیادی در جهت رفع و حل مشکلاتی که شهر مسجدسلیمان با آن مواجه است. مجموع مطالعات به دو بخش

عمده تفکیک گردیده است. بخش اول که روندی تحلیلی دارد، در سه مرحله پیدایش، رشد و رکود شهر بحث گردیده است.

دارای سیر زمانی، در انتهای بخش جهت‌گیری اولیه انجام گرفته است. بخش دوم نگاهی به کلیات مشخصه‌های کمی شهر و منطقه، تعیین‌کننده قابلیت‌های بالقوه و بالفعل می‌باشد. در انتهای این بخش گرایشهای حاکم و سطح‌بندی مورد بحث قرار گرفته است. در بخش سوم جهت‌گیری ثانویه و رهنمودها و سیاستها و پایه طرح مطرح گردیده است. در کل این مجموعه سعی گردیده است دیدگاه آمایشی ملحوظ گردد و حداکثر انعطاف لازم را جهت قرارگیری در چارچوب نقشی که در طرح آمایش برای آن در آینده قائل خواهد بود دارا باشد.

بخش اول:

مسجد سلیمان از محدود شهرهایی است که تاریخ تولد مشخصی دارند و آن روز و لحظه‌ای است که اولین چاه نفت خاورمیانه در این منطقه فوران کرد و با فوران آن، شهر مسجد سلیمان متولد شد و در عمر کوتاه خود (در مقابل عمر متعارف شهرها) مراحل فرازونشیبی را طی کرد که تفکیک آن بخوبی میر است قبل از کشف نفت، ایلات بختیاری و قشایی به هنگام قشلاق و روستاهایی چند جمعیت بومی منطقه را تشکیل می‌داد که با دامداری و کشت دیم روزگار می‌گذرانند. با کشف نفت اولین نطفه فعالیت‌های غیربومی در این منطقه گذاشته شد. با ورود افراد غیربومی و در رأس آنان بهره‌برداران خارجی با اسکان خود و گسترش فعالیت‌های اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری و خدمات جنبی آن موجب جذب نیروهای محلی را فراهم آورد که با تفکیک امکان وجود ذخایر عظیم نفت در این منطقه این سیر رشد سرعت بیشتری یافت و با سیاستهایی که اعمال می‌شد و جاذبه ناشی از وجود کار مستمر و دستمزد بالا و دافعه ناشی از تنگناهای اقتصادی و نحوه معیشت، موجبات تجمع هرچه بیشتر جمعیت منطقه و عشایر کوچ‌رو را فراهم می‌نمود که این تجمع خود موجب افزایش نیازهای بیشتر می‌گردید و به این ترتیب هسته اولیه شهر تشکیل شد و شهر تحت نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیگانه‌گسترش خود را دنبال نمود و از یک طرف سبب چرخش پول و حجم مبادلات و گسترش فعالیت‌های اجتماعی می‌گردید و از طرف دیگر قشرینی جامعه شهر قوت بیشتری می‌گرفت که در نهایت منجر به دو قطبی شدن شهر چه به لحاظ اجتماعی و چه از لحاظ فضاها و تأسیسات شهری می‌گشت و تحت حاکمیت و نفوذ شرکت نفت کل شهر در دو طیف گسترده شرکتی و غیرشرکتی خلاصه می‌شد. این روند تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت و تعیین‌کننده بود و عدم توزیع مناسب امکانات و رشد ناموزون شهر را باعث گردید. هرچند که آثار و تبعات آن هنوز گریبانگیر شهر است با خروج تدریجی و کاهش

نفوذ استعمار کهن انگلیس از منطقه و جایگزینی آن توسط آمریکا که منجر به استقرار نظام اقتصادی وابسته و تقویت نقش نظامی ایران در منطقه گشت اثر خود را به روی شهر بصورت بارزی باقی گذاشت سیاست تقویت شهرها و اضمحلال تدریجی کشاورزی موجب امحاء بخشی از روستاهای منطقه گردید و مهاجرت روستائیان منطقه به شهر مسجدسلیمان را باعث گردید که ایجاد سد و تخلیه روستاهای زیر سد نیز که در جهت سیاست تبدیل اراضی کشاورزی به کشت و صنعتهای عظیم تحت نفوذ خارجیان بود جزئی از این مهاجرت می‌توان منظور داشت. آغاز پروژه‌های بزرگ نظامی در مسجدسلیمان، افزایش میزان اشتغال و رشد فعالیتهای اقتصادی را موجب شد و سیر مهاجرت به شهر را دامن زد و موجب رونق کاذب شهر گردید.

با کاهش فعالیت شرکت نفت در این منطقه که هنوز محور اصلی اقتصادی شهر را تشکیل می‌داد شهر با تشدید خصیصه مهاجر فرستی و تبعات و آثار ناشی از آن سیر نزولی خود را آغاز نمود. کاهش فعالیتهای شرکت نفت در طول سالهای ۴۵ تا ۵۴ اتفاق افتاد و دلایل عمده آن عدم بهره‌برداری منابع نفتی موجود و غیراقتصادی بودن استخراج و استحصال آن بود در حد نگهداری تأسیسات و مستحقات و چاهها و خدمات‌رسانی جاری تشکیلات خود در شهر نزول کرد آثار و نتایج عمده آن عبارت بود از خلاء ناشی از حذف عامل خدمات‌رسانی و تأسیسات شهری، آب، فاضلاب و ... و عدم رسیدگی مستمر به آنها، انتقال قسمت عمده‌ای از وسایل و ماشین‌آلات سنگین و امکانات و تجهیزات مورد نیاز شهر به مناطق دیگر، تشدید کمبودها، بیکاری بخش عمده‌ای از کارگران شاغل در فعالیتهای محلی شرکت نفت و اشتغال قسمت عمده‌ای از تأسیسات و اراضی مناسب شهری توسط شرکت نفت و بلوکه شدن آنها. حاکمیت شرکت نفت و مناسبات و ضوابط حاکم بر شهر که منجر به دوقطبی شدن بخش شرکتی و غیر شرکتی گردید پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به هم ریختن مناسبات و گسستن فاصله‌ها و مرزبندیها بعطی عشقی که در طی سالیان دراز بر بخش عمومی شهر ریشه دوانده بود منجر به هجوم و استفاده بی‌رویه از مایملک شرکت نفت شد که این نحوه استفاده بخصوص در تأسیسات و امکانات و اراضی شهری بعمل آمد که موجبات تشدید تنگناها و مشکلات گردید. در سال ۱۳۵۹ که سیل مهاجرین جنگ تحمیلی به مسجد سلیمان که داوای بیشترین امنیت نسبی در منطقه بود تبعات آن مشکلات را دوچندان کرد. هرچند از سال ۶۰ به بعد به دلایل مختلف جمعیت مهاجرین روبه کاهش نهاد (از حدود ۴۰ هزار نفر) و اکنون در حد ۴ هزار نفر قرار دارد اما اثرات گردش بی‌رویه اقتصادی خدمات مصرفی که بوجود آمد و در مقیاس وسیع در این شهر تأثیر نموده هنوز باقی است. مشکلات و تنگناها اکنون در مرحله‌ای است که رفته‌رفته نزول و اضمحلال شهر را به دنبال خواهد

انس و الفت ذکر شده به نفت که بیشتر به دلیل نزدیکی آن به مرکز استخراج نفت و نیز بدنبال تشکیل شرکت نفت بختیاری حاصل گردیده بود، باعث گردید تا شهر مسجدسلیمان بزودی یکی از مراکز مهم سکونت ایل بختیاری به حساب آمده و به همین دلیل از آن پس توجه ویژه دولت مردان آن زمان را به خود جلب نماید. اگرچه از درآمد نفت، مهمی بابت اراضی واگذار شده و حفاظت از تأسیسات ایجاد شده نصیب آنان می‌شد، لکن فقط مقدار اندکی از آن که باقی مانده برداشت و خانۀ بود، بدست عده کثیر مهاجر از روستا به شهر که عملاً کار بزرگ تولید را انجام می‌دادند می‌رسید و آنان نیز به سهم رسیده قانع بودند.

اینان که به سرمبزی و طبیعت زلال کوهستان عادت داشتند، کوشیدند تا شهر مسجدسلیمان را به مشابه دامنه‌ای سبز و خرم از کوهساران ترک شده درآورند و همه جا درخت نشانند و همه نقاط شهر را گل کاشند و شادابی آفرینند؛ که بوی عطر گلها و سبزه‌های آنها طراوت و شادابی وصف‌ناپذیری را به محلات شهر می‌داد. مسجدسلیمان از آن پس گسترش یافت. مهاجرین روستا به شهر روزبروز بیشتر شدند، کشاورزی ترک می‌شد و اشتغال در واحدهای مختلف مربوط به نفت آغاز و بالاخره میثم و نحوه زندگی عده کثیری از مردم با نشاط و زنده دل ایلات دیروز، به زندگی توأم با دردسر و خشک شهرنشینی بدل گشت. بدنبال شغل جدید پدر، پسر نیز رهرو راه او شد. بطوری که کمتر کسی بعد از اشتغال در شرکت، مهاجرت عکس از شهر به روستا نمودند و بدین‌گونه زندگی دائمی خانواده مهاجرین در شهر مسجدسلیمان، بنا گزارده شد. اسکان دائمی کارکنان شرکت باعث گردید تا مسکن، امکانات رفاهی و تسهیلات بهداشتی اندک‌اندک تدارک یافته و به موازات رشد عملیات حفاری و استخراج نفت، تمرکز عملیات بیشتری نیز در آن محل صورت پذیرد.

استمرار عملیات و افزایش میزان استخراج باعث گردید تا منطقه مسجدسلیمان، بصورت مرکز عملیات شرکت نفت درآید، به نحوی که به لحاظ تمرکز ستاد عملیاتی در آن، محل صدور دستورالعملها و خط‌مشی‌های مربوط به عملیات نفت برای کلیه مناطق منجمه نواحی جدیدی که به دنبال گسترش عملیات اکتشاف و حفاری کشف و شناخته می‌شدند، گردد.

رفته‌رفته شهر مسجدسلیمان، که بدلیل استقرار در تپه ماهورهای موجود در دامنه‌های کوهها، شکل مخصوص و منحصر به فرد خود را در جهان پیدا نموده، مرکز تجمع کارکنان بومی و غیربومی که از سایر نقاط جذب شرکت نفت شده بودند، گردید و همزمان با گسترش شهر، امکانات و تسهیلات بیشتر زندگی در آن ایجاد گردید. تا جایی که مدتها یکی از آبادترین و پررونق‌ترین شهرهای خوزستان به حساب می‌آمد.

در روزگار اوج فعالیت‌های شرکت در منطقه مسجد سلیمان امکانات وسیع شرکت در آن منطقه بخوبی رافع نیازمندی‌های کارکنان شاغل شرکت در آن محل بوده و علاوه بر آن امکان تعمیم و ارائه خدمات مبتنی بر امکانات مزبور به عده‌ای از کارکنان سایر سازمانهای دولتی نیز وجود داشته است.

به همین دلیل ساختمانهای اداری بسیاری از سازمانهای مزبور توسط شرکت احداث گردید که از زمان شروع جنگ تحمیلی و مهاجرت تعداد کثیری از مردم جنگزده، ساکنین نوار مرزی ایران و عراق و سکونت آنان در آن محل صورت گرفته بیشتر گردید.

تلفیق و ترکیب عادات، خلق و خوی مهاجرین با سلاقی و علائق ساکنین بومی باعث گردیده تا ضمن ایجاد تنوع در برش اجتماعی جامعه شهری مسجد سلیمان، در حَرَف، مشاغل و امور مربوط به کسب و کار دگرگونی ملموس صورت پذیرد. به طوری که اعمال سلیقه‌های مختلف در تولید بعضی مواد، غالباً در جهت مثبت، زمینه کار عملی (یدی) بیشتری در سطح شهر بوجود آورده است.

نکته شایان توجهی که منبث از روند طبیعی حرکت اجتماعی مردم بومی این محل بوده، ولی رویدادهای نشأت گرفته از مهاجرت مهاجرین جنگی هم در آن بی تأثیر نبوده، مهاجرت ساکنین بومی روستاهای اطراف به شهر مسجد سلیمان است که سالها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شروع گردیده و پس از شروع جنگ تحمیلی تشدید شده است. موج این حرکت در بعضی از روستاهای اطراف، منجر به تخلیه کامل روستا و در بعضی دیگر کاهش خانوار روستایی باقی مانده به چند خانوار شده و کشاورزان و دامپروران دیروز، روستاها را به ساکنین خوش نشین شهرستان مسجد سلیمان مبدل نموده است.

مدارس و آموزشگاههای متعددی بنا شد و خدمات بهداشتی نسبتاً وسیعی ارائه می گردیده است. در حقیقت با توجه به فلسفه وجودی نفت در مخزن مسجد سلیمان و حضور کارکنان شاغل جهت بهره‌برداری از آن مخزن و استمرار استخراج نفت بدنبال عملیات حفاری و اکتشاف نفت در آن منطقه، حیات اقتصادی جدیدی، جدا از کشاورزی و دامپروری، در مسجد سلیمان بنا نهاده شد و بدنبال آن حرکت و استقرار سازمانهای دولتی در آن محل ظهور و تداوم یافت، بطوری که این محل پس از مدتی هم از نظر عملیاتی شرکت، منطقه‌ای مهم و هم از نظر شهریت و امور مدنی، شهری بزرگ گردید و پس از ۸۷۰ سال بهره‌دهی و بر روال یک قاعده کلی در پیدایش پدیده‌های اقتصادی، همزمان با کم شدن بهره‌دهی آهنگ محدود نمودن فعالیت شرکت در آن منطقه نیز آغاز گردید و رفته‌رفته، منطقه‌ای فعال و شهری بزرگ، از نظر عملیات شرکت به

کوچکی گرانید.

* ۲ - بررسی وضعیت عمومی شهر مسجدسلیمان :

۱ - ۲ - امکانات عمومی شهر :

هم اکنون شهر مسجدسلیمان دارای جمعیتی است آمیخته از طوایف و عشایر مختلف. بین طوایف غالب از نظر تعداد افراد ساکن، ایل بختیاری، حائز درجه اول می باشد. آمیختگی ساکنین این شهر به طوری که بررسیهای بعمل آمده نشان می دهد، کوشش سازمانهای مشول در جهت تدارک اسکان روستائیان و جلوگیری از مهاجرت آنان به شهر، نتوانسته کاملاً مؤثر، واقع شود.

اگرچه شاید مهاجرت روستائیان، حسب استمرار زمان و حرکت طبیعی جامعه، غیر قابل اجتناب باشد لکن وجود مضایق و نارسائیهای موجود در روستاها که گاهی به فقدان هرگونه امکانات اولیه زندگی تنزل می یابد، دلیل بارزی بر توجیه لزوم حرکت روستائیان به طرف شهرها بوده و در این میان روستاها و روستائیان مسجدسلیمان نیز از این شمول مستثنی نیستند. روستائیان زمانی که به شهر کوچ می نمودند ابتدا زندگی اجاره نشینی را آغاز نموده و سالهای متادای بی خانمان بودند و اکثر آنها بیشتر کارهای خدماتی و حفاظتی را در شرکت انجام می دادند. آنهایی هم که دامها و زمین های خود را می فروختند، خانه ای در کنار شهر و بر روی تپه ها می ساختند و به زندگی حاشیه نشینی خود ادامه می دادند. اکثر منازل غیرشرکتی ابتدا همین وضعیت را داشتند. واضح است بدنبال سیل مهاجرت روستائیان به شهر، نارسائیها و مشکلات قابل پیش بینی و بعضاً غیر قابل پیش بینی عارض می گردد. ولی این پدیده دو عارضه بسیار ملموس و روشن ایجاد می نماید که هر دو مشکل العلاج می باشند. یکی کاهش فاحش تولیدات کشاورزی و دامپروری و کلاً تولیدات غذایی و دیگری عدم کفایت تهیلات شهری تقسیم شده بین ساکنین قلبی و مهاجرین روستایی جدید. در میان این دو عارضه که هر کدام از ویژگی منفی حاد مخصوص به خود برخوردار است، عارضه اول بدلیل گستن از کشاورزی و دامپروری از یک طرف و تقسیم امکانات و تهیلات محدود زندگی در شهر از طرف دیگر، بصورت مضاعف تشدید نارسائی نموده و از این نظر اثرات منفی بنیادی و اجتماعی را توأمأ خواهد داشت.

باری، منازل شهر مسجدسلیمان با توجه به بافت ساختمانی و رعایت اصول فنی معماری در آنها به دو قسمت کلی تقسیم می گردد. یکی منازل شرکتی که در اکثر نقاط شهر بنا نهاده شده اند و دیگری منازل متعلق به اشخاص ثالث. به طوری که در صفحات دیگر این کتاب مندرج است، منازل مسجدسلیمان کلاً از شبکه برق سازمان برق و شبکه آب شرکت نفت استفاده می نمایند. تقریباً در همه منازل شرکتی و بسیاری از منازل شخصی نیز از سیستم لوله کشی گاز شرکت استفاده می گردد.

اگرچه از نظر جغرافیایی سعی گردیده منازل اشخاص ثالث، جدا از منازل شرکتی و خارج از فضاهای اطراف آنها ساخته شوند. لکن این نظر محفوظ نمانده و بعضاً حتی در زمین چمن منازل یا اماکن شرکتی، منزل شخصی ساخته شده و عملاً جدایی مناطق از نظر محل منزل شرکتی و غیرشرکتی در بسیاری از ناحیه‌ها، مصداق ندارد. بجز فروشگاههای شرکت که جهت استفاده کارکنان ساکن در نواحی مسکونی شرکت ایجاد گردیده، فروشگاههای متعددی هم اکنون در سطح شهر مسجد سلیمان دایر می‌باشد که مایحتاج زندگی در حد سایر شهرستانهای کشور در آنها به معرض فروش گذاشته شده است. محدودیتهای موجود در بازارها بدلائل مختلف، از جمله سهمیه‌بندی شدن بعضی از اجناس و کالاها، در این شهرستان نیز آشکار است. مغازه‌ها و دکا کین مرکز شهر همه گونه پوشاک، اغذیه، لوازم خانگی و آشپزخانه، سرویسهای بهداشتی و وسائل لوکس را به معرض فروش نهاده‌اند. کتاب‌فروشها، نانوایی‌ها، قصابی‌ها، سبزی‌فروشی‌ها، حق‌الملک‌کاران، بنگاههای خدماتی و ارتباطی و کلیه مؤسسات خدمات شهری در این شهر وجود دارد که با توجه به یکسانی آنها با سایر شهرستانها، از ذکر آنها خودداری می‌گردد.

۳ - نقش شرکت در بافت شهری مسجد سلیمان :

۱ - ۳ : وجود امکانات و تجهیزات اولیه شرکت در سالهای اوج فعالیت، باعث گردیده تا به تناسب رشد تولید و بهره‌برداری، جمعیت فراوانی هم جهت پیوستن به شرکت، از طریق استخدام در آن و هم جهت ارائه خدمات جنبی شهری به کارکنان مستقر در آن منطقه از اطراف این شهر صنعتی روانه اینجا شده و از کار قبلی خود (کشاورزی - دامپروری) گسسته و بصورت خوش‌نشین امکان استفاده از تسهیلات شهری، که عموماً توسط شرکت فراهم گردیده بود را یافته و نهایتاً سکونت دائمی در این شهرستان را به بازگشت به روستاهای خود، که غالباً حتی از تسهیلات اولیه زندگی بی‌بهره بوده، ترجیح داده‌اند. متمرکز زندگی این عده کثیر هم در سایه استمرار فعالیت شرکت در این منطقه حاصل آمده و هم اکنون نیز بر این سیاق است. در بررسیهای بعمل آمده در بازار و مؤسسات خدمات شهری، به روشنی پیوند محکم ادامه حیات اقتصادی این شهر با شرکت احساس می‌گردد و بوضوح می‌توان دریافت که محور چرخش چرخ اقتصادی این منطقه، موجودیت شرکت در این محل است. زیرا علاوه بر آنکه جمعیت نسبتاً زیادی که از پیار جهات سکونت آنان در این شهرستان از جمله نقاط قوت و وضعیت اجتماعی اینجا قلمداد می‌گردد را کارکنان شرکت تشکیل داده، ارائه خدمات حیاتی شرکت مانند آب به کلیه ساکنین و برق و گاز به عده کثیری از مردم اینجا نیز نقش بسیار مهمی در پیدایش و امکان ادامه فعالیت اجتماعی در این شهرستان ایفا می‌نماید. در منطقه مسجد سلیمان، برخلاف سایر مناطق، حومه‌ای متشکل از

سکونت افراد ثالث در مجاورت امکانات و تأسیسات شرکت بنا گردید، بلکه بسبب یافت جغرافیایی محل و سیاست اداری این شهرستان از زمانهای گذشته، آمیختگی بسیار تنگاتنگی بین کارکنان شرکت و اشخاص ثالث ساکن در مسجدسلیمان، از نظر محل زندگی بهره‌وری از مسائل جنبی، وجود داشته و به همین دلیل سهم شرکت از سایر سازمانهای دولتی در اداره امور شهری عملاً نه فقط جدا نبوده، بلکه بیشترین نیز بوده؛ تا جایی که فعالیت سازمانهای دولتی مزبور در گذشته، اگر نه تحت‌الشعاع تصمیمات مسئولین روز شرکت، لکن متأثر از آن بوده، به طوری که محدودیت، یا توسعه امکانات شهری این منطقه عملاً منبث از اداره و صلاحدید اولیاء شرکت نفت بوده است.

اگرچه امروز سازمانها و ارگانهای دولتی مستقر در شهرستان مسجدسلیمان بطور کامل مستقل و خارج از اداره شرکت عمل می‌نمایند و در بسیاری موارد حتی استعمال نظر شرکت را نیز لازم ندانند و تصمیمات شرکت را جاری نمی‌دانند، لکن ایفای نقش شرکت در امور مدنی و شهری این شهرستان را بصورت مستقیم و غیرمستقیم به وضوح می‌توان دید. ارتباط جاری و اجباری شرکت با امور شهری مسجدسلیمان، نتیجه آمیختگی زیربنایی فوق‌الاشاره در مسائل بین سازمانهاست. در صورتی که در سایر مناطق نفت خیز فعلی، محل سکونت و زندگی اشخاص ثالث و غیرشرکتی با بهره‌وری از سیستم خدماتی غیرشرکتی و با استفاده از منازل شخصی، در محیطی جدا از ساختمانها و تأسیسات شرکت قرار گرفته و اکثراً هیچ‌گونه ارتباط و تداخل عملی اداری بین سازمانهای اداره‌کننده آن محلها، با دستگاههای اداری شرکت وجود ندارد. واضح است در این مناطق تصمیم‌گیری شرکت در خصوص وضعیت عملیاتی خود، می‌تواند از درجه استقلال بیشتری برخوردار باشد.

۲ - ۳ عامل وجود شرکت نفت برای ساکنین غیرشرکتی و کارکنان فعلی این منطقه که بیشتر از افراد بومی تشکیل یافته‌اند، نقش معنوی و روانی مثبتی را در جهت استمرار حیات اقتصادی در شهر مسجدسلیمان ایفا می‌نماید. تا جایی که، در بررسیهای به عمل آمده، اکثراً تحرک فعالیت و انسجام لازم در بافت اجتماعی اقتصادی مردم ساکن در این شهر را منوط به حضور شرکت نفت در این منطقه ذکر نموده و ترک فعالیت شرکت در این شهر را عامل بزرگی در بروز نابسامانیهای امور زندگی خود می‌دانند. اینان در قیاس ذهنی خود بین منطقه مسجدسلیمان، در صورت تعطیل شدن کامل فعالیتهای عملیاتی شرکت در این منطقه، و مناطق متروکه فعلی، نظیر هفتکل، لالی و نفت سفید، به برداشت و نتیجه فوق‌الذکر رسیده و لاجرم مطابقت وضعیت تالی منطقه مسجدسلیمان را مترادف با وضعیت موجود مناطق متروکه مزبور می‌دانند و درحقیقت وابستگی

شدید ذهنی بین ساکنین با تداوم فعالیت شرکت در این منطقه برقرار گردیده است.

* نتیجه گیری و پیشنهادات :

مطالعه و بررسی بسیار کوتاه و مختصر حاصل در این گزارش با مدد تعمق ژرف خواننده، نتیجه‌ای در خور توجه بار می‌آورد و اندیشه‌ای غالب بر آنچه باید صورت پذیرد عارض می‌گردد. امروز شهری بجا مانده که چین و چروکهای ناشی از کهنگی و سالخوردگی آن، از نظر عملیات نفت، چهره شاداب و پرطراوت دیروزش را فرا گرفته و گرد سفید پیری بر چهره‌اش نشسته و الزاماً بایستی چون پیر شده از همبکده بیرون رود! او، آنچه در توان داشته بمدت بیش از ۸۷ سال در طبق اخلاص نهاده و کریمانه بخشیده و در عوض، مطالبه بهاء ننموده و علیرغم تشنه گامی، جام آبی نیز طلب نکرده است. اگرچه فرزندان متعددی در سراسر نقاط مملکت، بدنیا آورده ولی اینک او تنها نشسته و به جوانی خود می‌اندیشد. دورانی را بخاطر می‌آورد که در اوج سرسبزی و خرمی، هم‌روزه ناقوس خوش‌نواي فعالیت، کار و تولید روزانه در آن به صدا درمی‌آمد و گروه گروه انبوه کارکنان شرکت نفت را در نقاط مختلف خود، در رفت و آمد می‌دید. به زمانی می‌اندیشد که حائز مرتبه‌ای والا در جهان تولید نفت بوده و نام پرآوازه‌اش را جهانیان مدام بر زبان می‌راندند، به دورانی می‌اندیشد که توانسته در ردیف قهرمانان پیروز، لقب «پل پیروزی» را برای ایران در جنگ جهانی به ارمغان آورد.

کشتی‌های نفتی چند هزار تنی هفت خواهران نفتی را در نظر مجسم می‌کند که زمانی طولانی، قطرات خون پیکرش را یک کاسه جمع نموده و در ماوراء اقیانوسها در کام نشخواران جهان می‌ریخته‌اند.

کاخهای مجلل و آسمانخراشهای متعددی را به نظر می‌آورد که در اقصی نقاط جهان بر پایه‌های دلارهای حاصل از فروش نفت آن، بنا گردیده و بالاخره سفره خالی شده معدن نفت خود را می‌نگرد که اینک فطراتی چند در گوشه و کنار آن، یافت می‌شود و آب شور و نمکین امروزه، بجای طلای سیاه دیروز آن نشسته است. ما در صنعت نفت ایران و خاورمیانه خوشحال از نظاره فعالیت فرزندان خود، با لبخند تلخ و سؤال‌انگیزی بر لب زمزمه می‌کنند. روزگاری مدید با چشمانی گریان و سوزی جانکاه بر دل، مرگ تدریجی فرزندان خود، نفت سفید، هفتگل، لالی را به چشم می‌دیدم و در غم احتضار آنان، غمگین بودم. امروز هم که آینه زمان بی‌محاپارنجوری و غم چهره خودم را بنمایش گزارده، نظاره گر خاموش شدن تدریجی شمع وجود خویشم و..... فراموشی اجباری فردا.

آری: جا دارد یا توجه به سابقه تاریخی و نقش مؤثر و شایان توجهی که مسجد سلیمان در احیاء

وضعیت اقتصادی کشور داشته و نیز موقعیت جغرافیایی خاصی که این منطقه از نظر بافت اجتماعی فعلی آن دارا می‌باشد، در جهت رونق اقتصادی و فعالیتهای اجتماعی در آن سرزمین، اقدامات پر دامنه و عاجلی صورت پذیرد. واضح است که در این خصوص سازمانهای اداری کشوری، به تبع مسئولیت و اختیارات محوله، ایفاگر نقش اصلی و اساسی هستند و مطمئناً طبق برنامه‌ریزیهای زمانبندی شده همزمان با توسعه امکانات سایر شهرستانهای کشور، نسبت به تدارک امکانات تولیدی و تسهیلات رفاهی و بالتبجه توسعه مجدد شهرستان مسجدسلیمان اقدام خواهند نمود، لکن شرکت نفت نیز علی‌رغم کلیه محدودیتهای ناشی از کم شدن مقادیر تولید از چاههای نفت آن منطقه، با توجه به نقش اساسی و کارسازی که در ایجاد و ادامه فعالیتهای اجتماعی در آن شهرستان داشته، بایستی در جهت احراز فعالیت مجدد این منطقه، قبول مسئولیت نماید. باشد که با عنایت به اشتراک مسئولیتی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برای کلیه مسئولین و خدمتگزاران به جمهوری اسلامی در خصوص عمران و آبادانی کشور، بوجود آمده، این شهرستان بتواند زندگی اقتصادی اجتماعی خود را توسط اقدامات همه جانبه سازمانهای مختلف، هرچه سریعتر توسعه دهد. لازم به اذعان است که علی‌رغم بررسیهای همه‌جانبه‌ای که در جهت توسعه عملیات شرکت نفت در منطقه مسجدسلیمان صورت گرفته، ضمن توجه به نقش شرکت در ایجاد و تداوم حیات اقتصادی آن منطقه، نهایتاً کوشش در جهت احیاء مجدد فعالیتهای شرکت نفت بعمل آمده و محور اساسی و اصلی تحریر این گزارش بدو آبرترین امکانات و تجهیزات و وضعیت موجود منطقه مسجدسلیمان جهت انتقال بعضی فعالیتهای جاری شرکت در مناطق نفتخیز، به آن منطقه استوار گردید، لکن متأسفانه نتیجه حاصل از بررسیهای ذکر شده و اعلام نظرهای صائب صاحب‌نظران شاغل فعلی در ادارات کل فنی، عملیات، سازمانی و اداری ملهم از ادراک واقعیت موجود و خصوصیات حال منطقه مسجدسلیمان، عدم امکان گسترش مجدد عملیات شرکت نفت در آن منطقه را روشن می‌سازد و با توجه به رعایت معیارها و ضوابط اجرایی کار، حتی ادامه فعالیتهای اندک فعلی، بدون اجرای برنامه زمانبندی شده‌ای که براساس توسعه فعالیت‌های غیرشرکتی نیز استوار باشد، از نظر اقتصادی نیز غیرموجه تشخیص داده شده است. علیهذا، باستناد بررسی شده و حسب ضرورت اجتماعی و در جهت تعمیم قوانین، مقررات و ضوابط سازمانی - اداری واحد در سراسر کشور از یک طرف و پرداختن کامل شرکت به انجام امور محوله در خصوص تولید و فروش نفت و مسائل مربوط به آن از طرف دیگر، ضروری است موضوع توسعه شهرستان مسجدسلیمان بصورت مشترک و هماهنگ، توسط سازمانهای ذیربط دولتی و شرکت نفت در آن واحد مدنظر قرار گیرد و تجدید پارهای اقدامات و مساعدتهای

شرکت در آن منطقه، همزمان با اجرای طرحها و برنامه‌های تولیدی، اقتصادی توسط سازمانهای مزبور، صورت پذیرد. بنحوی که پس از چند سال آینده (حداکثر ۵ سال دیگر)، زمانی که ترک فعالیتهای شرکت نتواند بر عملکرد اقتصادی - اجتماعی مردم ساکن در این شهرستان تأثیر گذارد، دامنه فعالیتهای شرکت در آن منطقه فقط به رفع نیازهای عملیاتی باقی مانده محدود گردد.

و اکنون که از بلندای کوهی مشرف به سیای شهر می‌نگرم؛ غبار اندوه بر چهره خسته این شهر با سکوتی سنگین حکمفرماست و به قول شاعر بلند آوازه معاصر، سهراب سپهری: مثل این است که شهر من گمشده است و غمی بزرگ روی دلم سنگینی می‌کند و یاد شعر استاد شهریار می‌افتم که در مورد این شهر سروده است:

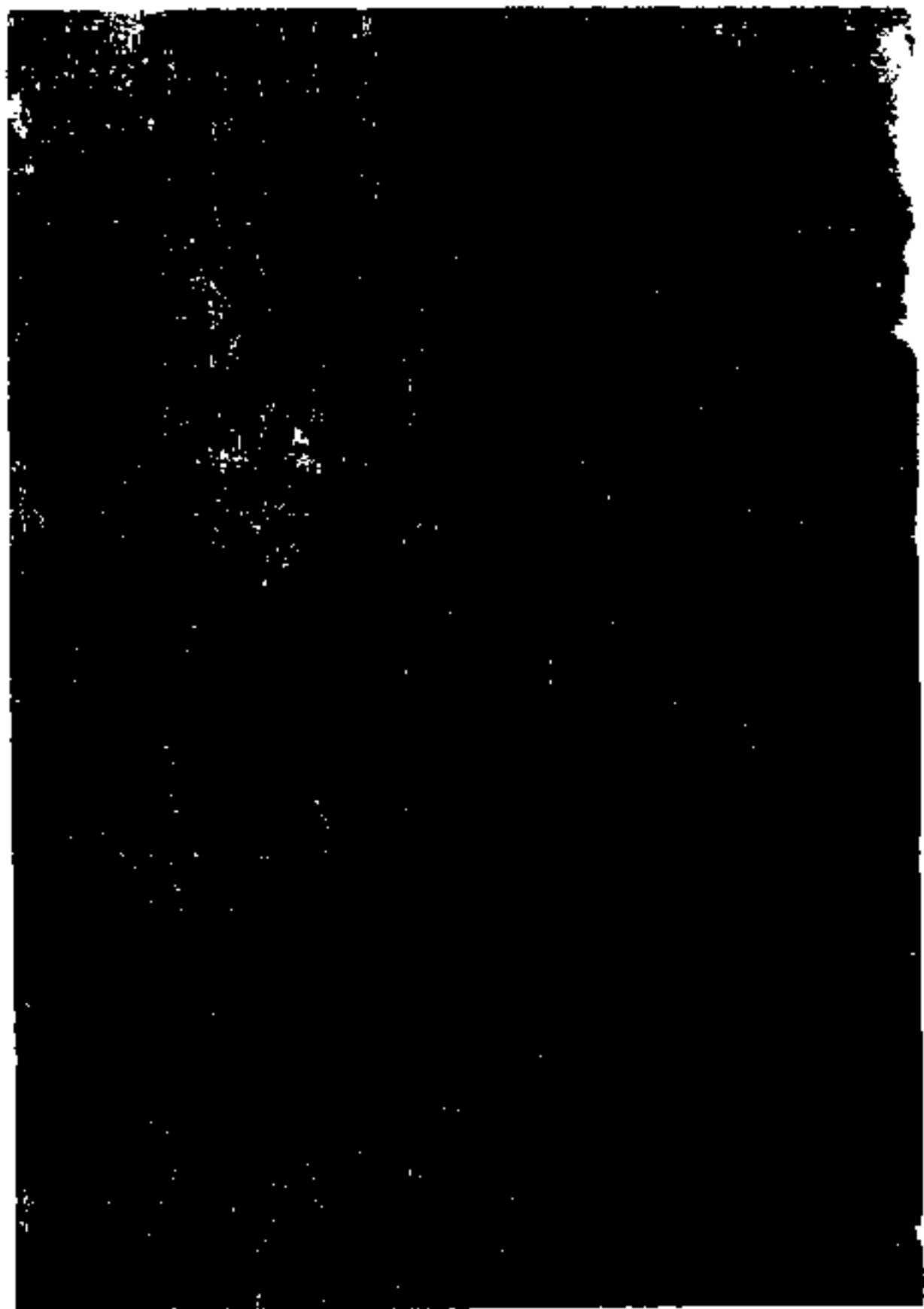
سالها مشعل ما پیشرو دنیا بود

چشم دنیا همه روشن به چراغ ما بود

● این است داستانی که سکوت کوهستان می‌سراید.



کارگران بختاری مشغول کار در (وزک شایب) سابق کارگاه



نمایی از نتایج تحقیق مسجد سلیمان

مطالبی راجع به بازنشستگان

جمع کل بازنشستگان (کارمند) از ابتدای پیدایش نفت در مسجد سلیمان تا شهریورماه سال ۱۳۷۰ ۷۹۷۰ نفر بوده است.

کارگر از سال ۱۳۵۲ تا شهریورماه ۱۳۷۰ - ۱۰۳۲۰ نفر می باشند که بازنشسته شده اند. آمار کل شاغلین کارمند ناحیه مسجد سلیمان در سال ۱۳۷۰ ش. - ۳۰۵ نفر تا پایان خردادماه ۳۱۳ نفر تا پایان مردادماه.

آمار کل شاغلین کارگر ناحیه مسجد سلیمان در سال ۱۳۷۰ - ۱۲۱۵۰ نفر تا پایان مردادماه دو مفهوم بازنشستگی در بین پرسنل قدیمی شرکت صنعت نفت رایج است که در زیر توضیح مختصری داده می شود.

۱- سالی دو ماه: به این شکل بود که براساس هر سالی که آنها کار می کردند، حقوق دو ماه از سال پرداخت می شد، سپس اخراج می شدند. در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ رسم این چنین بود.

۲- بازخرید: کسانی که سن آنها کم بود، ولی سابقه کارشان کامل بود، شرکت تصمیم گرفت تا سن شصت سالگی، حقوق و مزایای آنان را پرداخت کند و سپس آنان را بازنشست می نمود.

منازل و تأسیسات و آگذاری به ارتش در نفتک - چشمه علی - میدان و تمبی ژانویه

۱۹۷۸م «دیماه ۱۳۵۷»

تعداد	شرح
۴۰۳ دستگاه	منازل کارمندی
۵۸۴ دستگاه	منازل کارگری
۱ دستگاه	مهمانخانه
۵۵ دستگاه	ادارات، انبار، کارگاه و غیره
۶ دستگاه	باشگاه
۴ دستگاه	استخر شنا
۵ دستگاه	زمین تنیس
۱ دستگاه	مدرسه
۲ دستگاه	درمانگاه
۱۰۶۱ دستگاه	جمع

عملیات غیر صنعتی و شرکت خاص خدمات

جمع	کارگر	کارمند		سازمان
		خارجی	ایرانی	
۷۶۴	۵۱۴	۲۴	۲۱۶	منطقه مسجد سلیمان
۶	۳	—	۳	تشکیلات مرکزی
۷۷۰	۵۱۷	۲۴	۲۱۹	جمع

شرکت خاص خدمات نفت ایران

۶۲۸	۵۷۶	—	۶۲	منطقه مسجد سلیمان
۷	—	۵	۲	تشکیلات مرکزی مقیم مسجد سلیمان
۶۴۵	۵۷۶	۵	۶۴	جمع
۱۴۱۵	۱۰۹۳	۳۹	۲۸۳	جمع کل

توضیح: در سازمان عملیات غیر صنعتی - منطقه مسجد سلیمان ۹ پست خالی کارمندی و ۱۴ پست خالی کارگری وجود داشت.

آمار کارکنان شرکتهای وابسته در مسجد سلیمان - ژانویه ۱۹۷۸ م.

جمع	کارگر	کارمند	سازمان
۱۲۳	۱۰۰	۲۳	پتروشیمی بندر شاهپور (رازی)
۱۸	۱۶	۲	شرکت پخش
۲۱	۱۵	۶	سازمان تعاونی مصرف کارکنان صنعت نفت
۱۶۲	۱۳۱	۳۱	جمع

کارکنان صنعت نفت ایران در مسجد سلیمان ژانویه ۱۹۷۸ م برابر ۵ دیماه ۱۳۵۷
 عملیات غیرصنعتی

اداره	کارمند	کارگر	جمع
رئیس منطقه	۲	—	۲
خدمات اداری و بازرگانی	۷	۱۴	۲۱
روابط و نگهداری	۵	۴۳	۴۸
بهداری و بهداشت	۱۷۹	۱۰۵	۲۸۴
منازل و تعمیرات	۳۰	۲۵۱	۲۸۱
حسابداری	۹	—	۹
پوسنل	۷	—	۷
خدمات اجتماعی	۵	۵۹	۶۴
تدارکات	۶	۴۲	۴۸
جمع	۲۵۰	۵۱۴	۷۶۴
«تشکیلات مرکزی»			
ساختمان و تعمیرات	۱	۲	۳
روابط عمومی	۲	—	۲
جمع	۳	۳	۶
جمع کل	۲۵۳	۵۱۷	۷۷۰

قراردادهای پیمانکاری منطقه مسجد سلیمان در سال ۱۹۷۸ م. برابر دیماه ۱۳۵۷ ش.

تعداد کارگران			تعداد قرارداد			اداره
جمع	مناقصه‌ای	واگذاری	جمع	مناقصه‌ای	واگذاری	
۴۸۸	۳۱۱	۱۷۷	۴۱	۱۱	۳۰	مستغلات
۱۲۵	۶۴	۶۱	۷	۴	۳	روابط و حفاظت
۴۷	۳۷	—	۲	۲	—	بهداری و بهداشت
۱۹	۲	۱۷	۳	۱	۲	تدارکات
۱۲	—	۱۲	۲	—	۲	خدمات اجتماعی
۶۹۱	۴۲۴	۲۶۷	۵۵	۱۸	۳۷	جمع

منزل شرکت نفت در مسجد سلیمان در سال ۱۹۷۸ م.

منزل کارگری	منزل کارمندی	ساکن
۹۲۷	۳۹۰	در اختیار کارکنان شرکت نفت
۳۹	۲۹	در اختیار شرکت پتروشیمی و پخش
۶۸	۱۲۴	در اختیار دواتر دولتی
۲	۱۷	در اختیار مؤسسات ملی و اشخاص ثالث
۱۰۲۸	۵۶۰	جمع

آمار کارکنان در منطقه مسجد سلیمان در پایان سال ۱۳۵۸ ش.

جمع کل	مجموع کارکنان		امور غیر صنعتی				امور صنعتی				مکان	
	کارگر	کارمند	جمع	کارگر	کارمند		جمع	کارگر	کارمند			
					ایرانی	خارجی			ایرانی	خارجی		
۱/۳۵۲	۱/۰۶۲	۲۹	۲۶۴	۷۴۱	۵۱۲	۲۹	۲۰۳	۶۱۱	۵۵۰	—	۶۱	مسجد سلیمان

جمع	کارگر	کارمند	جمع کارکنان صنعت نفت در مسجد سلیمان
۱۵۷۷	۱۲۲۴	۳۵۳	

پخش آب در دهات اطراف مسجد سلیمان :

فاصله (کیلومتر)	جمعیت خانواده	مصرف هفتگی گالن	تعداد محل پخش	از مراکز مسجد سلیمان به
۴۸	۹۵۰	۷/۰۰۰	۸	سلطان آباد (راه اهواز - لالی)
۷۲	۲/۱۹۰	۲۰/۰۰۰	۲۱	خان آباد (راه کلنگه - تمبی)
۳۶	۲۰۰	۳/۰۰۰	۳	حاجی آباد (راه بی بی یان)
۴۵	۱۶۵	۷/۰۰۰	۷	تل بزان و امیر آباد (راه گدار بندر)
۲۰۶	۳/۵۰۵	۳۷/۰۰۰	۳۹	جمع

* تأسیسات متعلق به اداره تدارکات مسجد سلیمان ژانویه ۱۹۷۸ م. برابر دیماه ۱۳۵۷ ش. ۰

تعداد	نوع
۱	فروشگاه کارمندان
۷	تعاونی و توزیع جیره کارگران
۲	مهمانسرا
۱	نانوائی
۱	یخ سازی

تأسیسات متعلقه به خدمات اجتماعی مسجد سلیمان: ژانویه ۱۹۷۸ م. برابر با دیماه ۱۳۵۷ ش. ۰

تعداد	نوع
۱	تالار اجتماع
۱	باشگاه بولینگ
۱	باشگاه کارمندان
۲	باشگاه کارمندان (اختصاصی)
۲	باشگاه کارگری
۲	استخر کارمندان
۱	استخر کارگران
۵	زمین تنیس
۲	اسکواش
۱	استادیوم
۳	زمین فوتبال

تعداد تانکرهای توزیع آب دهات و مخارج سالیانه ژانویه ۱۹۷۸ م. برابر ۱۳۵۷ ش. ۰

مخارج سالیانه به دلار	تعداد تانکر	محل
۴۷/۷۰۰	۲	مسجد سلیمان
۷۱/۶۰۰	۳	هفتگل و نفت سفید
۴۷/۷۰۰	۲	لالی
۱۶۷/۰۰۰	۷	جمع

جدول آمار کارکنان شاغل صنعت نفت مسجدسلیمان در سال ۱۳۷۰ ش.ه

اداره	کارگر رسمی	کارگر زیر پوشش	کارگر پیمانی	کارگر قراردادی
بهره برداری	۲۸	۳۶	۱۸	—
تعمیرات مکانیکی	۸۰	۹	۳۰	۱
مخابرات	۲۵	—	۸	۱
حمل و نقل	۸۰	۹۴	۱۴	۵
آتش نشانی	۱۷	—	۴	۸
خدمات کارکنان	۱۷۴	۲۰۰	۲۰	—
بهداری و بهداشت	۷۷	۲۸	۲	۴
خدمات اداری	۱	۷	—	—
روابط و حراست	۱۲۱	۶۶	—	۵
کالا	۲	۳	—	—
سرپرست منطقه	۱	—	—	—
آموزش	۱	—	۲	۱

نفت کوره حاصل از تصفیه خانه مسجدسلیمان بین سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۹ م.ه از قرار زیر می باشد.

سال	۱۹۶۳	۱۹۶۴	۱۹۶۵	۱۹۶۶	۱۹۶۷	۱۹۶۸	۱۹۶۹
میلیون بشکه	۴/۹	۹/۲	۱۰	۱۱/۶	۱۲/۴	۶/۱	۴/۸

نفت خام تحویلی به تصفیه خانه مسجدسلیمان بین سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۶۹ م.ه در جدول زیر نشان داده شده است.

سال	۱۹۶۳	۱۹۶۴	۱۹۶۵	۱۹۶۶	۱۹۶۷	۱۹۶۸	۱۹۶۹
میلیون بشکه	۱۹/۹	۲۰/۳	۲۰/۷	۲۲/۴	۲۰/۴	۱۲/۵	۱۰/۰

بودجه عملیاتی سال ۱۹۷۸ م. برابر دیماه ۱۳۵۷ ش. شرکت ملی نفت ایران - مسجد سلیمان

اداره	بودجه (دلار)
امور اداری منطقه	۱/۱۵۶/۰۰۰
مستغلات و راهسازی	۳/۳۱۹/۰۰۰
بهداری و بهداشت	۵/۹۰۰/۰۰۰
آموزش	۱۵/۰۰۰
نگهبانی	۸۹۸/۰۰۰
تدارکات	۱/۱۲۰/۰۰۰
خدمات اجتماعی	۱/۱۲۵/۰۰۰
تعاونی	۲۳/۰۰۰
کمک به بخش دولتی	۱/۱۷۵/۰۰۰
کمک به شیر و خورشید سرخ	۱۱۲/۰۰۰
جمع	۱۴/۸۴۳/۰۰۰

تعداد چاههای نفت و گاز منطقه مسجد سلیمان ژانویه سال ۱۹۷۸ م. برابر دیماه ۱۳۵۷ ش.

الف : چاههای نفت

محصول روزانه بشکه	تعداد چاه			حوزه نفتی
	قابل بهره برداری	بسته	متروک	
۱۰/۰۰۰	۱۱	۳۷	۲۵۴	مسجد سلیمان
۵/۰۰۰	۲	—	—	پرسیاه
۳۰/۰۰۰	۶	—	—	لب سفید
۱/۰۰۰	۱	—	۱۴	لالی
۱۰/۰۰۰	۱	—	۴	زیلانی
۱۰/۰۰۰	۱	—	—	کارون
۶۶/۰۰۰	۲۲	۳۷	۲۷۲	جمع

ب : چاههای گاز

محبصول روزانه میلیون فوت مکعب	تعداد	شرح
۱۴۰	۵ حلقه	چاههای گاز نرش برای مصرف پتروشیمی شاهپر (رازی)
۱/۳	۱ حلقه	چاه گاز برای مصرف دستگانههای نصفه گاز پتروشیمی در مسجد سلیمان
۱۰	۶ حلقه	چاههای گاز برای تزریق به چاههای نفت (Gas Lift)
۱۳	۱ حلقه	چاه گاز برای مصرف خانگی (گاز شیرین)
۱۶۳/۳	۱۳ حلقه	جمع

توضیح : هم اکنون قسمت اعظم گاز مصرفی منازل و ادارات مسجد سلیمان از یک چاه ناحیه نفت سفید بدست می آید.

*. سرویس های بهداشتی و سایر خدمات متفرقه ای که برای اهالی و اشخاص ثالث انجام می شد (در مسجد سلیمان)

در مسجد سلیمان اشخاص غیر شرکتی که فاقد وسائل بهداشتی بوده و یا اشخاصی که از بستگان آنها شرکتی بودند در بیمارستان شرکت نفت بتری و مجاناً معالجه می شدند.

متفرقه :

الف : وسائل تزیینی و چراغانی برای برگزاری مراسم ملی و جشنهای ورزشی کلیه ادارات دولتی و میدانیهای ورزشی از طرف شرکت تأمین می گردید.

ب : وسایل لازم از قبیل آب، برق، یخ، چادر و غیره به مساجد - تکایا و انجمن های دینی برای برگزاری مراسم مذهبی طبق تقاضای آنان در موقع لازم داده می شد.

ج : دانش آموزانی که منازل آنان تا محل مدرسه فاصله زیادی داشت از وسائل حمل و نقل شرکت نفت استفاده می کردند.

د : رؤسای ادارات دولتی که ماشین اختصاصی شرکت نداشتند در موقع لزوم از سرویس تاکسیرانی شرکت استفاده می کردند.

«صورت پیمانکاران هفتگل - مسجد سلیمان»

تعداد کارگران	شرح کار	تعداد پیمانکاران راهسازی
۱۶ نفر	تعمیر - مرمت و نگهداری جاده های هفتگل	۱۲ نفر

تعداد نفرات	شرح کار	تعداد پیمانکاران تعمیرات
۱۵۹ نفر	تهیه گروه های کارگری جهت کارهای تعمیراتی ساختمان در مسجد سلیمان تهیه گروه های کارگری جهت تعمیر و نظافت دستگاهها و سیستم فاضلاب رنگ آمیزی اماکن شرکت واقع در مسجد سلیمان.	۱۳ نفر

تعداد نفرات	شرح کار	پیمانکاران برق
۳ نفر	تهیه گروه کارگری جهت کارهای تعمیراتی برق در مسجد سلیمان	محمد باقری

«پیمانکاران شرکت نفت منطقه مسجد سلیمان»

تعداد نفرات	شرح کار	تعداد پیمانکاران حفاظت
۱۲۵	تهیه نگهدارنده جهت حفاظت اموال شرکت و منازل کارکنان در محوطه های مسجد سلیمان	۶ نفر
—	تهیه و تحویل مواد غذایی مورد مصرف بیمارستان و مهمانسرای شرکت و تولد	پیمانکاران تدارکات
—	و توزیع بچ در منطقه و کارهای لاسشویی برای شرکت و کارمندان آن.	۳ نفر
—	کارهای بهداری و بهداشت منطقه.	پیمانکاران متفرقه
—	تهیه کارگر برای مبارزه با مالاریا در منطقه.	
۵۹	تامین نیروی انسانی جهت خدمات اجتماعی منطقه	۳ نفر

تعداد نفرات	شرح کار	تعداد پیمانکاران راهسازی
۸	تعمیر و نگهداری و مرمت جاده های مسجد سلیمان	۸ نفر

صورت ساختمانهای مجاز و غیر مجاز (شخصی) در اراضی متعلق به شرکت نفت در سال ۱۳۴۶ ش.

مناطق نفت خیز	منازل			مغازه‌ها			قماره‌ها			باغها		
	مجاز	غیر مجاز	مجاز	مجاز	غیر مجاز	مجاز	مجاز	غیر مجاز	مجاز	غیر مجاز	مجاز	غیر مجاز
مسجد سلیمان	۴۳۵۵	۴۸۲۹	۹۱۸۴	۴۲۲	۲۰۱	۱۲۳	۱۳	۴۷	۶۰	۵	-	۵
لالی	۳	۹	۱۲	۳	۱	۴	-	-	-	-	-	۱
هفتگل	۸۴	۱۱۷	۲۰۱	۹۳	۴	۹۷	-	۳۱	۳۱	-	-	-
نفت سفید	۲۲	۲۷	۱۴۹	۲۱	۲۷	۴۸	-	-	-	-	-	-

مناطق نفت خیز	سنگ	گنبد	کوره خان	کوره کف	کوره کف	کوره کف	کوره کف	کوره کف	کوره کف	کوره کف	کوره کف	کوره کف
مسجد سلیمان	۲	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
لالی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
هفتگل	-	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
نفت سفید	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

پیمانکاران امور منازل	شرح کار	تعداد نفرات
۷ نفر	تهیه گروه کارگری جهت کارهای امور اداری منازل در مسجد سلیمان تنظیم منطقه مسجد سلیمان خدمات باغبانی در مسجد سلیمان	۸ نفر

«صورت مغازه‌ها و باغهایی که به اشخاص ثالث در سال ۱۳۴۶ ش. اجاره داده شده بود.»

منطقه/ناحیه	مغازه‌ها	باغها	مبلغ دریافتی هزینه تعمیرات در ماه
مسجد سلیمان	۱۸۰	۵	۱۵۷۳۳/ ریال

صورت تفکیکی ساختمانهای واگذاری به دوائر دولتی در لالی در سال ۱۳۴۶ که منطبق با آمار اداره امور منازل منطقه می باشد

طبقه	آموزشگاه		اداره یا دفتر			کل	منازل کارگری					دوائر دولتی		
	۱	۲	۱	۲	۳		۱	۲	۳	۴	۵			
۱						۲		۲						سازمان مبارزه با مالاریا
۲			$\frac{1}{4}$		$\frac{1}{4}$	۱		$\frac{1}{4}$		$\frac{1}{4}$				اداره آمار
۳		۴			$\frac{1}{4}$	۵				$\frac{1}{4}$	۳			دادگاه سباز وختیاری
۴						$\frac{1}{4}$								اداره آموزش و پرورش
۵						۲۵	۲۲							ژاندارمری
۶						۲	۱							اداره بهداشتی
۷			$\frac{1}{4}$			۸		۲						سازمان برنامه
۸						$\frac{1}{4}$		$\frac{1}{4}$						درمانگاه عشایر
۹						۱								بهداشتی
۱۰						۵۰	۲۲	۱	۵	$\frac{7}{4}$	$\frac{5}{4}$	۳	۱	جمع

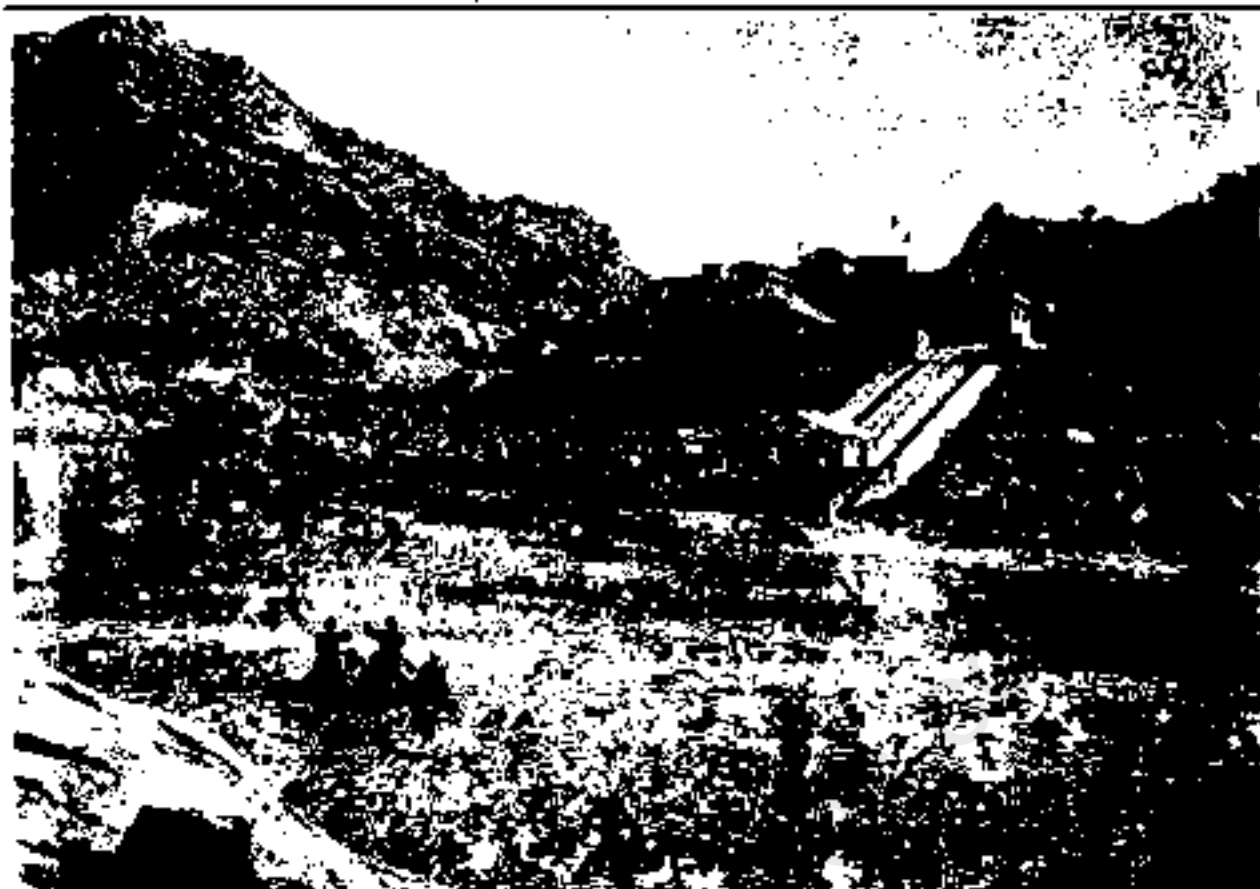
لیست پیمانکاران شرکت نفت مسجد سلیمان

شرح کار	نام و شماره پیمانکار
	<u>روابط و حفاظت</u>
تهیه نگرهبان جهت اموال شرکت و منازل کارکنان شرکت در محوطه های کمپ کرنت . میدان و غیره	۷۰۳ جعفرقلی رضایی
تهیه نگرهبان جهت اموال شرکت و منازل کارکنان در محوطه کلنگه و بی بی بان	۷۰۳ جعفرقلی رضایی
تهیه نگرهبان جهت حفاظت اموال شرکت و منازل کارکنان در محوطه های میدان پهلوی - چشمه علی . نفتک مسجد سلیمان	۵۷۵ مجید اسدی
تهیه نگرهبان جهت حفاظت اموال شرکت و منازل و تأسیسات در ناحیه چشمه علی	۹۳۷ جعفرقلی رستمی
تهیه نگرهبان جهت حفاظت اموال شرکت و منازل کارکنان در محوطه های میدان باغ ملی و حوالی شاه نشین	۴۱۲ تراب نظری باورصاد
تهیه نگرهبان جهت حفاظت اموال شرکت و منازل کارکنان در محوطه مسجد سلیمان	۸۰۳ عیسی قلی بهادرزاده
تهیه نگرهبان جهت حفاظت فروشگاه کارمندان فرودگاه و غیره	۷۷۳ مهرباب بختیاروند
	<u>پیمانکاران تدارکات</u>
تهیه و تحویل مواد غذایی مورد مصرف بیمارستان شبانه روزی پرستاران و مهمانسرای شرکت ملی نفت ایران منطقه مسجد سلیمان	۲۱۰ غلامحسین ارسطو
کسارهای لباسشویی برای شرکت و کارمندان شرکت در مسجد سلیمان	۹۹۵ صفرعلی ابراهیمی
تولید و توزیع یخ در منطقه مسجد سلیمان / لالی	۳۰۸ جلیل ناظریان
	<u>متفرقه</u>
کارهای بهداری و بهداشت منطقه مسجد سلیمان	۶۳۵ رحمت الله شجاعی
تهیه کارگر الاغ برای مبارزه با مالاریا در مسجد سلیمان	۶۲ مرید قربانی نژاد
تأمین نیروی انسانی جهت خدمات اجتماعی منطقه مسجد سلیمان	۶۰۵ علی مسکرمهری بابادی

شرح کار	نام و شماره پیمانکار
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۲) جاده مسجد سلیمان / هفتکل	حفیظ الله اشرفپور ۷۷
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۷) جاده مسجد سلیمان / هفتکل	علی مکوندی ۷۹
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۳) جاده مسجد سلیمان / گذار لندر	سوخته زار قند علی ۸۴
	نبی پوریان
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۳) جاده مسجد سلیمان	گودرز طهماسبی ۹۰
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۶) جاده مسجد سلیمان	علی حسین راکی پور ۵۶۶
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۴) جاده مسجد سلیمان	بندر نیکرو ۹۲
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۴) جاده مسجد سلیمان / گذار لندر	عبد حسین اکبری ۹۱۹
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۵) جاده مسجد سلیمان / هفتکل	فاضل مکوندی ۹۹۶
تعمیر - مرمت و نگهداری زیر سازی جاده مسجد سلیمان / زیلائی	فتح الله نصیری محمد جانی ۲۹۱
صورت پیمانکاران ناحیه هفتکل	
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۴) جاده هفتکل / اهواز	نعمت الله توکل ۹۵
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۵) جاده هفتکل / اهواز	سلیمان سنجری ۹۶
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۴) جاده هفتکل / اهواز	جعفر مکوندی ۱۰۲
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۱) جاده هفتکل / اهواز	پرویز اصلانی ۱۰۵
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۶) جاده هفتکل / مسجد سلیمان	حاجی محمد زاهدی ۱۰۸
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۱) جاده هفتکل / اهواز	کلبعلی نسیمی ۱۱۶
اهواز / مسجد سلیمان و نفت سفید (۲) جاده نفت سفید و سهراهی	بهرام جهان بخش ۱۱۸
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۳) جاده نفت سفید و سهراهی	عزت الله گودرزی ۱۲۰
اهواز مسجد سلیمان و نفت سفید	
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۴) جاده نفت سفید و سهراهی	رحمت الله غلامی ۱۲۱
اهواز مسجد سلیمان و نفت سفید	
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۳) جاده هفتکل / مسجد سلیمان	عبدالرحمن مکوندی ۳۵۶
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۲) جاده هفتکل / مسجد سلیمان	قیاد علیزاده ۳۷۱
تعمیر - مرمت و نگهداری قطعه (۲) جاده هفتکل / مسجد سلیمان	رحمان ایگدر نژاد ۵۲۲
	محمد حسین مرادی ۲۰۶

شرح کار	نام و شماره پیمانکار
تهیه گروههای کارگری جهت کارهای تعمیراتی در مسجد سلیمان	۲۰۷ پرویز احمدی
تهیه گروههای کارگری جهت کارهای تعمیراتی ساختمان در مسجد سلیمان	۲۵۳ رضائلی ایلچیگی
تهیه گروههای کارگری جهت کارهای تعمیراتی ساختمان در مسجد سلیمان	۹۰۱ محمد کریمی
تهیه گروههای کارگری جهت کارهای تعمیراتی ساختمان در مسجد سلیمان	۳۳۵ رحمت الله شجاعی
تهیه گروههای کارگری جهت کارهای تعمیراتی ساختمان در مسجد سلیمان	۷۸۵ احمد اقتداری
تهیه گروههای کارگری جهت کارهای تعمیراتی در منازل کارگری و کارمندی چشمه علی	۹۰۲ بهرام ایلخان بختیاری
تهیه گروههای کارگری جهت تعمیر و نظافت دستگاهها و سیستم فاضلاب در مسجد سلیمان	۴۶۹ اعلیقلی قاریابی
تهیه گروههای کارگری جهت تعمیر و نظافت دستگاهها و سیستم فاضلاب	۸۱۶ قاسم بختیاروند
تهیه گروههای کارگری جهت تعمیر و نظافت دستگاهها و سیستم فاضلاب در مسجد سلیمان	۵۷۲ مرادعلی طهماسبی
تهیه گروه کارگری جهت تعمیر و نظافت دستگاهها و سیستم فاضلاب در مسجد سلیمان	۴۴۸ البرز پناهی
رنگ آمیزی اماکن شرکت واقع در مسجد سلیمان	۹۵۳ ابراهیم شهنیانی
تهیه گروه کارگری موقت جهت کارهای تعمیرات ساختمان در منطقه مسجد سلیمان	۹۹۰ حسینقلی امیر بختیاروند
تهیه نیروی انسانی جهت ساختن ۲۰ اتاق جمع آوری زیاده در منطقه مسجد سلیمان	۹۹۷ منصور اسحقی کاهکتی
متفرقه	۷۱ سید محمد موسوی

شرح کار	نام و شماره پیمانکار
	<u>اداره برق</u>
تهیه گروه کارگری جهت کارهای تعمیراتی برق در مسجد سلیمان	محمد باقری ۴۷۲
	<u>دایره امور منازل</u>
تهیه گروه کارگری جهت کارهای امور اداری منازل در مسجد سلیمان	عباسعلی صالحی ۴۲۰
تظیف ناحیه "ب" در مسجد سلیمان	مجید اسدی ۵۷۵
تظیف ناحیه "الف" در مسجد سلیمان	عبدویس پیروز ۴۸۰
تظیف ناحیه "ث" در مسجد سلیمان	محمد جواد شمسی ۶۴
خدمات باغبانی در مسجد سلیمان	بهرام شاران‌زاده ۵۷۴
	علیقلی بهادر ۸۱
تهیه و تحویل کود حیوانی و ماسه نشسته جهت کارهای باغبانی در مسجد سلیمان	محمد کاظم سمسار ۴۹۹



عبور پختیارها از رود کارون

آغاز کار ساختمان اداره مرکزی شرکت نفت
ایران و انگلیس در مسجد سلیمان در سال ۱۳۸۷

شمسی ↓





نمایی از کارخانه آسفالت و سنگ شکن نمیی.



بازار قدیمی مسجد ملیمان در سال ۱۳۰۴ شمسی.

سپاسگزاری :

در خاتمه از بزرگانی که نامشان ذکر می شود و با کرامت خویش در تهیه این کتاب مرا یاری داده اند مراتب سپاس و قدردانی خود را تقدیم می دارم:

- ۱ - خانم بی بی مهین اعتدالی، رئیس دایره ارز بانک صادرات خوزستان.
- ۲ - آقای مهندس فلام فرهادی، رئیس اداره برنامه ریزی مهندسی و ساختمان مناطق نفتخیز.
- ۳ - آقای ابراهیم محمدنژاد، رئیس ترابری مهندسی و ساختمان مناطق نفت خیز.
- ۴ - آقای حیدرقلی رفعتی، کارمند صنعت نفت مسجد سلیمان.
- ۵ - آقای علیرضا ظاهری عبدهوند، کارمند صنعت نفت مسجد سلیمان.
- ۶ - آقای مهندس فردوس کریمی، مهندس ارشد سد جدید کارون ۴.
- ۷ - آقای صحتعلی دقیقیان، کارمند بازنشسته صنعت نفت مسجد سلیمان.
- ۸ - آقای ابراهیم نظریان، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش مسجد سلیمان.
- ۹ - آقای آ محمد قاسم ارزانی شهنی، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش مسجد سلیمان.
- ۱۰ - آقای شفیع فرهادی، یکی از رؤسای قدیمی صنعت نفت مسجد سلیمان.
- ۱۱ - آقای حسین حاجتی، کارمند روابط عمومی صنعت نفت اهواز.
- ۱۲ - آقای مسعود احمدی، رئیس روابط عمومی صنعت نفت مسجد سلیمان.
- ۱۳ - آقای مهندس پورخانی، رئیس قدیمی کارخانه برق تسبی و رئیس شرکت نفت منطقه مسجد سلیمان در ابتدای انقلاب اسلامی

- ۱۴ - آقای خداداد احمد فخرالدین، مسئول قسمتی از اداره کل خدمات اداری مناطق نفت خیز.
- ۱۵ - آقای محمدعلی رونق، مسئول مرکز اسناد علمی کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۱۶ - آقای جهانشاه دانش، نماینده محترم سابق مردم مسجد سلیمان در مجلس شورای اسلامی.
- ۱۷ - آقای ناصر سهرابی، نماینده محترم فعلی مردم مسجد سلیمان در مجلس شورای اسلامی.
- ۱۸ - آقای مسعود عوض زاده، فرماندار محترم شهرستان مسجد سلیمان.
- ۱۹ - آقای سیف الله احمدی، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مسجد سلیمان.
- ۲۰ - آقای عباس باوری، رئیس قبلی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مسجد سلیمان.
- ۲۱ - آقای سید ابوالقاسم صالحی، لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی در مسجد سلیمان (سخاظر ترجمه متون خارجی).

- ۲۲ - آقایان طاهرزاده، محسنی، حسینی، دامیتام، کارمندان روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران.
- ۲۳ - آقای رسول قاسمی، کارمند پتروشیمی آبادان.

- ۲۴ - آقای یوسف حاجی پور فرزند حاج محمدزکی (یکی از بزرگان منطقه لالی).
- ۲۵ - آقای احمد رضا حاجی پور - مدیر حکاسی مهرشاد لالی.
- ۲۶ - آقای محمد رضا مکوندی (بخطرات امور غیرنویندگی).

آدانش عباسی شهنی»

منابع و مأخذ

- ۱ - فاتح، مصطفی «پنجاه سال نفت» تهران. انتشارات کاوش.
- ۲ - افشار سیستانی، ایرج «نگاهی به خوزستان». تهران. نشر هنر ۱۳۶۶.
- ۳ - کشفی، منصور «سیر تحول صنعت نفت در ایران و خاورمیانه» چاپخانه حیدری ۱۳۶۰.
- ۴ - شوادران، بنیامین. «خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ». ترجمه عبدالحمین شریفیان. تهران. شرکت سهامی کتابهای جیبی ۱۳۵۲.
- ۵ - مقداشی، زهیر. «تجزیه و تحلیل مالی امتیازات نفتی خاورمیانه» ترجمه سیروس ابراهیمزاده. تهران. انتشارات پیروز ۱۳۵۴، ۳۶۸ ص.
- ۶ - لسانی، ابوالفضل. «طلای سیاه یا بلای ایران». تهران. مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر ۱۳۵۷.
- ۷ - محمود، محمود. «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹» جلد ۵، ۶، ۸. تهران. انتشارات اقبال ۱۳۶۲.
- ۸ - ویلسون، آرنولد «سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران». ترجمه حسین سعادت نوری. تهران. انتشارات وحید. چاپ دوم ۱۳۶۳.
- ۹ - ماسلی، لئونارد «نفت، سیاست و کودتا» ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران. رسام ۱۳۶۵.
- ۱۰ - قاسمزاده، محمود «اقتصاد نفت ایران». تهران. ۱۳۴۷، ۲۴۰ ص.
- ۱۱ - مکی، حسین «کتاب سیاه» انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۳.
- ۱۲ - موحد، محمدعلی «نفت ما و مسائل حقوقی آن» تهران. انتشارات خوارزمی. ۱۳۵۷. چاپ سوم.
- ۱۳ - امیری، مهرباب «خوزستان» بی جا. چاپ شرق. بی نا. ۱۳۹ ص.
- ۱۴ - زیشکا، آنتوان «جنگ مخفی برای نفت» ترجمه داود داودی با مقدمه مترجم. تهران. ۱۳۲۶.
- ۱۵ - فونتن، پیر «جنگ سرد نفت» ترجمه شمس الدین امیرعلانی. تهران. ابن سینا. ۱۳۳۷.
- ۱۶ - شرکتهای عامل نفت ایران «داستان نفت» چاپ سوم. تهران. ۱۳۴۷.
- ۱۷ - اسدییک «نفت و خون در شرق». ترجمه محمدحسین جهانپانی. تهران. بی نا. ۱۳۲۹.
- ۱۸ - موهر، آنتوان «جنگ نفت» ترجمه و مقدمه از محمود محمود. تهران. مروج. ۱۳۲۴.
- ۱۹ - همایونفر، ابراهیم. «نفت در دنیا ایران اقتصادی - سیاسی». تهران. بی نا. ۱۳۲۴.
- ۲۰ - پیریا، حسین «ده سال کوشش در راه حفظ و بسط حقوق ایران در نفت از ۱۳۲۱ تا ۱۳۳۰». تهران. بی نا. ۱۳۳۱.

- ۲۱ - سعادت، فتح‌الله «جغرافیای اقتصادی نفت ایران». تهران، ۱۳۴۶.
- ۲۲ - میمندی‌نژاد، محمدحسین «نفت». دشمن شماره یک ایران. تهران، ۱۳۲۹.
- ۲۳ - افشین، کاظم «نفت و خوزستان». تهران. بی‌نا، ۱۳۳۳.
- ۲۴ - شرکت نفت انگلیس و ایران «صنعت نفت ایران - شرح پیدایش و پیشرفت آن». بی‌جا، ۱۳۰۶.
- ۲۵ - صدیق، محمدصادق «نفت جنوب ایران» پایان‌نامه لیانس. تهران. دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ۱۳۲۸.
- ۲۶ - فتواتپور، محمدعلی «گزارشی از وضعیت گذشته و حال معدن نفت مسجدسلیمان». بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۶۴.
- ۲۷ - تیموری، ابراهیم. «عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران». تهران. انتشارات اقبال، ۱۳۶۳.
- ۲۸ - یعقوبی‌نژاد، علی «رئیس نفت». تهران. انتشارات یادواره کتاب. چاپ اول. بهار ۱۳۷۳.
- ۲۹ - رشیدیان، نیره زمان «نگاهی به تاریخ خوزستان» با مقدمه دکتر باستانی پاریزی. تهران. انتشارات بوعلی. چاپ اول - ۱۳۶۷.
- ۳۰ - پنجامکی، جرج «نفت و دولت در خاورمیانه» ترجمه علیقلی عالیخانی. تهران. انتشارات اقبال - ۱۳۴۲، ۵۲۰ ص.
- ۳۱ - شرکت ملی نفت ایران «تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران (کتاب سفید)». تهران. شرکت نفت ۱۳۴۴، ۳۲۰ ص.
- ۳۲ - توانا، جلال «نبرد نفت» تهران. بی‌نا، ۱۳۳۳.
- ۳۳ - حسام معزی، نجفقلی «تاریخ سیاسی نفت». تهران. (بی‌نا). ۱۳۲۸، ۲۳۸ ص.
- ۳۴ - عکاشه ضیغم‌الدوله، اسکندرخان «تاریخ ایل بختیاری». تهران. انتشارات یساولی - ۱۳۶۵.
- ۳۵ - پهلوی، رضاشاه «سفرنامه خوزستان». مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، تهران. سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی ایران برابر با ۱۳۵۵ شمسی.
- ۳۶ - اصلاح عربانی، ابراهیم «راهنمای شهرستانهای ایران». تهران. سازمان تار. ۱۳۴۵.
- ۳۷ - سعیدیان، عبدالحسین «دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران». تهران. مجله علم و زندگی. ۱۳۶۲.
- ۳۸ - نجفی، محمدباقر «خوزستان در منابع ایرانشناسی». تهران. طهوری، ۱۳۶۱ - ۱۴۸ ص.
- ۳۹ - سازمان آب و برق خوزستان. قسمت برق. اداره بازاریابی و اقتصاد. بررسی منطقه امیل و

لالی، اهواز - ۱۳۵۳.

- ۴۰ - گیرشمن، رمان «ایران از آغاز تا اسلام». ترجمه محمد معین. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ۵۰۰ ص.
- ۴۱ - جزایری، عبدالله بن نورالدین «تذکره شوشتر» تهران. کتابخانه صدر، بی‌نا، ۱۹۳ ص.
- ۴۲ - رزم آرا، علی «جغرافیای نظامی ایران - خوزستان»، تهران، ۱۳۲۰، ۱۶۰ ص.
- ۴۳ - اقتداری، احمد «خوزستان، کهگیلویه و ممسنی»، تهران، انجمن آثار ملی - ۱۳۵۹.
- ۴۴ - امام شوشتری، محمد علی «تاریخ جغرافیایی خوزستان». تهران، امیرکبیر - ۱۳۳۱ - ۲۸۶ ص.
- ۴۵ - رشیدیان، سیف‌الله «جغرافیای خوزستان». تهران. اختر شمال، ۱۳۳۹، ۴۰ ص.
- ۴۶ - میریان، عباس «جغرافیای تاریخی سرزمین خوزستان»، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۲.
- ۴۷ - غروی، مهدی «از شوشتر تا آبادان»، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۲۸، ۵۰ ص.
- ۴۸ - سوادکوهی، عفت «جغرافیای محلی مسجد سلیمان»، پایان‌نامه لیانس، دانشگاه اصفهان - ۱۳۵ ص.
- ۴۹ - اوژن بختیاری، ابوالفتح «تاریخ بختیاری»، تهران، چاپ مجله وحید.
- ۵۰ - استانداری خوزستان «بررسی اوضاع شهرستان مسجد سلیمان»، اهواز، بی‌نا، ۱۳۲ ص.
- ۵۱ - شرکت ملی نفت ایران «وضعیت منطقه مسجد سلیمان در سال ۱۳۶۱»، چاپخانه شرکت نفت مسجد سلیمان - ۴۰ ص.
- ۵۲ - سلطانی، حسینعلی «سیمای اقتصادی اجتماعی شهرستان مسجد سلیمان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران، ۱۳۷۰ - ۱۱۵ ص.
- ۵۳ - آقاییگی، سهراب «اطلاعات عمومی مربوط به منطقه مسجد سلیمان»، چاپخانه شرکت نفت مناطق نفتخیز - تیرماه، ۱۳۵۸.
- ۵۴ - عباسی، علی‌اکبر «گزارش بررسی مسائل و مشکلات شهرستان مسجد سلیمان»، فرمانداری شهرستان مسجد سلیمان، اسفندماه، ۱۳۶۷ - ۳۹ ص.
- ۵۵ - نعمت، دکتر رحیم «نقش جمعیت در روند توسعه»، ۱۸ دیماه ۱۳۷۰ - گزارشی جهت ارائه به اجلاس (مسجد سلیمان بدون نفت) - ۶ ص.
- ۵۶ - طبری، احسان «کژواک و خاطراتی از حزب توده»، تهران. انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۷ - ۳۷۵ ص.
- ۵۷ - آندره گدار، یدآگدار، ماکسیم سیرو «آثار ایران»، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، بهمن ماه، ۱۳۶۵، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۲۹۵ ص، مصور.

- ۵۸ - حکیم، محمدتقی خان، گنج دانش جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، تهران، ۱۳۶۶، انتشارات زرین.
- ۵۹ - دکتر محمدجواد مشکور و سعید رجب‌نیا «تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان پارتیان یا پهلویان قدیم»، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- ۶۰ - فرصت الدوله شیرازی «آثار عجم»، انتشارات بامداد، تهران ۱۳۶۲، چاپ آشنا، ۸۰۰ ص.
- ۶۱ - داتیل پرگین «نفت، پول، قدرت»، تهران، روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران، مترجم دکتر منوچهر غیبی ارطه‌ای، چاپ ۱۳۷۳.
- ۶۲ - دیوان اشعار شادروان محمدتقی بهار (ملک الشعرا).
- ۶۳ - خاطرات نورالدین کیانوری.
- ۶۴ - تاریخ اقتصادی ایران.
- ۶۵ - نوشته‌ها، نظریات و برداشتهای شخصی.
- 66 - JOHN. W. WILLIAMSON, In a persian oil Field, Ernest Benn. 1927.

بخش نشریات

- ۱ - مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی: مرداد و شهریور ۱۳۷۰. صفحه ۶۵.
- ۲ - پیک نفت: شماره ۲۶۹ بهمن و اسفندماه ۱۳۷۰ نشریه داخلی شرکت ملی نفت ایران. صفحه ۱۴.
- ۳ - نامه صنعت نفت ایران: از سال ۱۳۴۲ لغایت ۱۳۵۵، نشریه داخلی شرکت ملی نفت ایران.
- ۴ - یادداشت هفتگی: از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۹ بطور کامل، نشریه داخلی شرکت ملی نفت ایران - مناطق نفتخیز.
- ۵ - نفت خیز: از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ بطور کامل. نشریه مخصوص کارکنان شرکت ملی نفت ایران و شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران - مناطق نفتخیز.
- ۶ - پردیس: نشریه مخصوص دانشرای مجده سلیمان چاپ دانشرا، سال ۱۳۵۳.
- ۷ - روزنامه اطلاعات: شماره‌هایی که در متن کتاب آمده است.
- ۸ - اطلاعات خوزستان: ۱۸ مهرماه ۱۳۶۳ شماره ۱۷۴۲۰.

اسناد و تصاویر

www.Bakhtiaries.com



نمایی از مسجد سلیمان در سال ۱۹۱۰



نمایی از محله‌های باغ ملی، نفتون، سی‌پونج، دژه





دروازه مسجد سلیمان



ساختمانیهای بیست و هفتی قدیمی کارگران شرکت نفت در سال ۱۹۲۱ میلادی



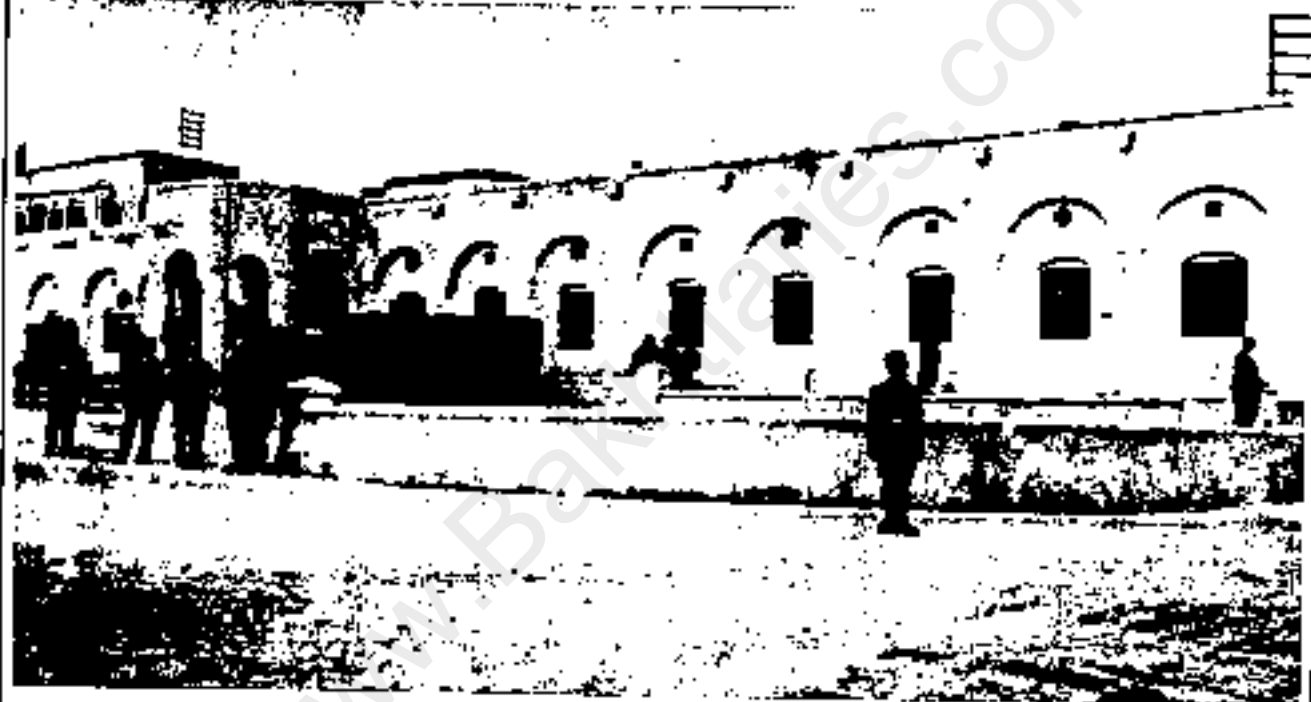
شوفرهائی که در کنار اتومبیل‌های خود در گاراژ



بیمارستان مرکزی مناطق نفت‌خیز در مسجدسلیمان



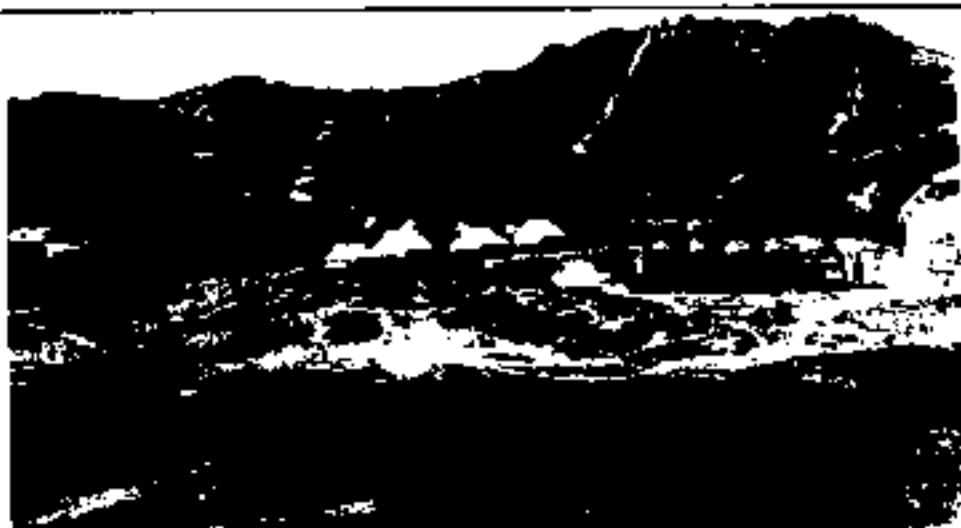
نمایش از محله‌های سبزی‌آباد، نمره چهل و مرکز شهر مسجد سلیمان در سال ۱۳۰۱ شمسی



اداره مرکزی شرکت در مسجد سلیمان



اداره مرکزی مناطق نفت‌خیز در مسجد سلیمان



اولین کمپ انگلیسی‌ها با جمعیتی در حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر (مسجد سلیمان در آغاز پیدایش)



آتش نشانی مسجد سلیمان در سال ۱۳۲۸ شمسی



نمایی از شهر مسجد سلیمان. محله باغ علی



منازل کارمندان شرکت نفت در مسجد سلیمان



پلکان مجدد قدیم مسجد سلیمان در سال ۱۳۰۱ هجری که دیده می‌شود از چاه مجاور است که به نفت رسیده و گاز و نفت آن را در محوطه بی‌خطری می‌سوزانند تا آنکه بتوان آلات لازمه را بر سر چاه



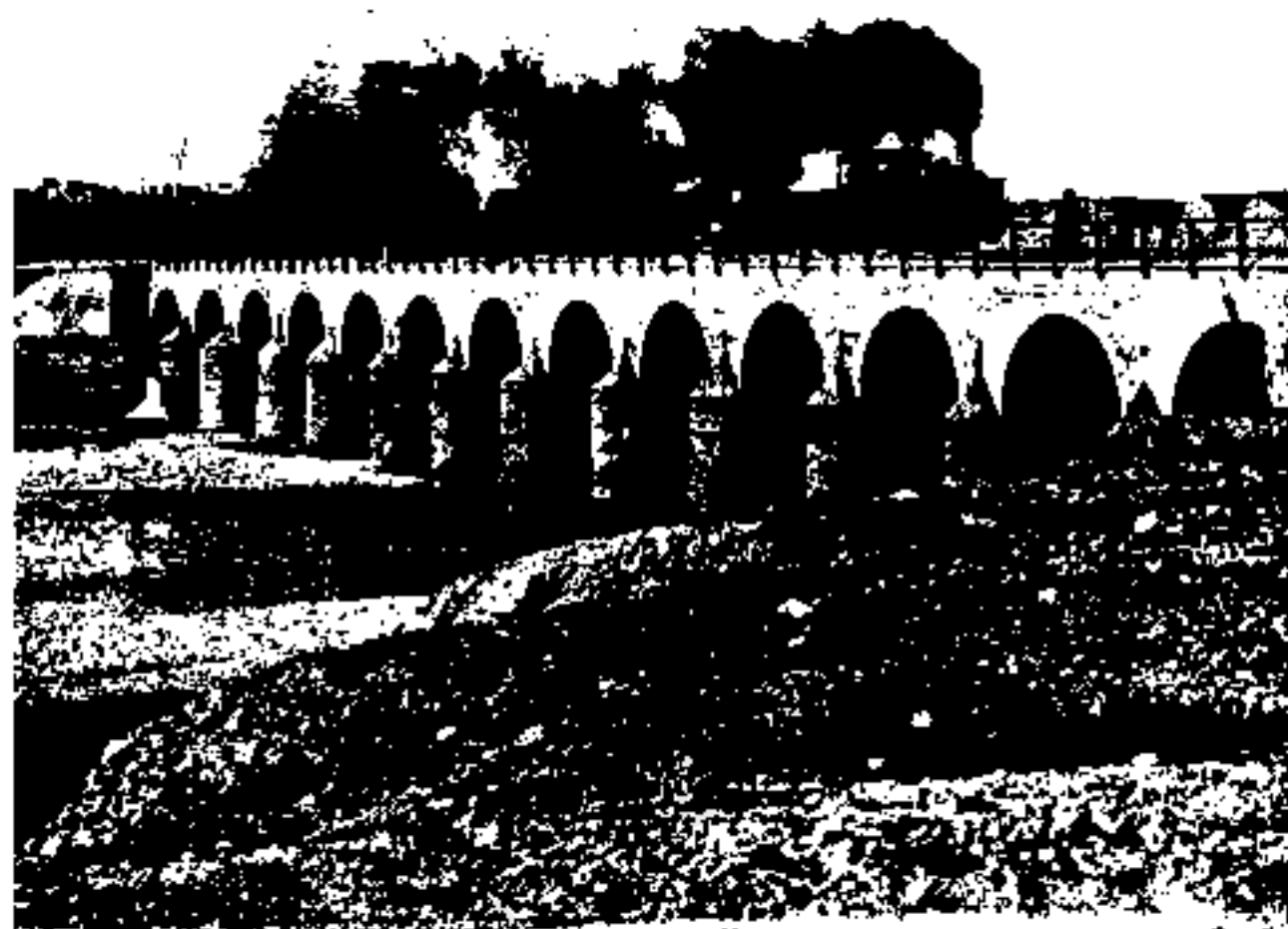
سدرگاه درخزینه و یکی از کشتیهای کمپانی نفت که در قسمت علیای رود کارون دیده می‌شود.



فرودگاه یمنه (بین مسجد سلیمان و کنگیر) در سالهای جنگ دهه چهلای



فرودگاه مسجد سلیمان

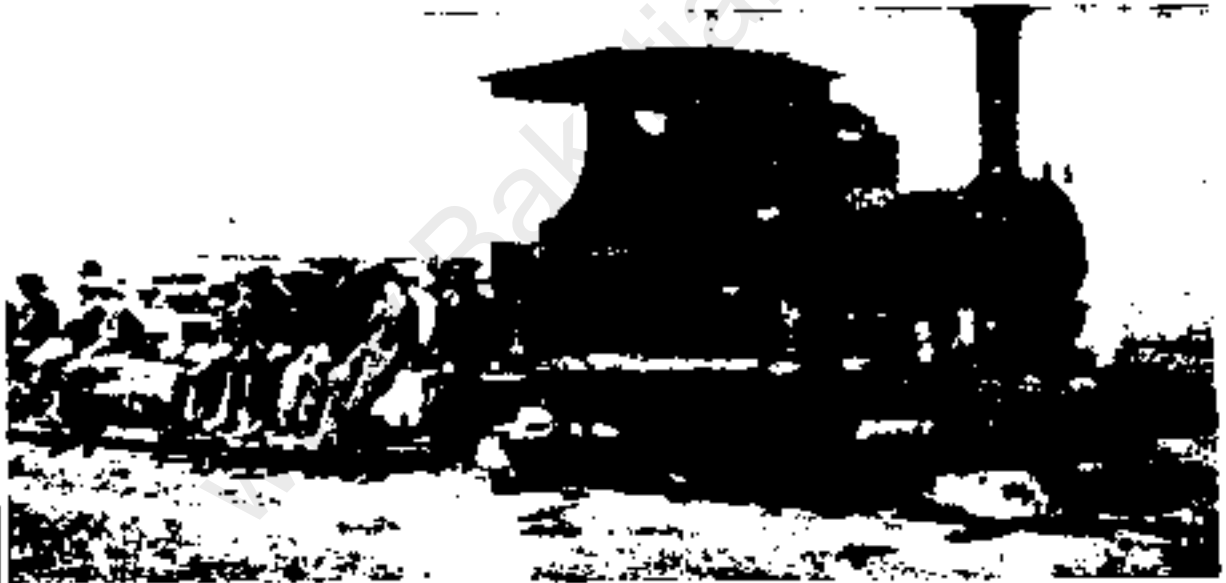


پل توند که قطار و جاده مسجد سلیمان از روی آن عبور می‌کند



ایستگاه و محل بارگیری راه آهن درخزینه

قطار مسجد سلیمان



مسافران قطار مسجد سلیمان





منظره کلی میدان نفتون در سال ۱۳۰۲ شمسی



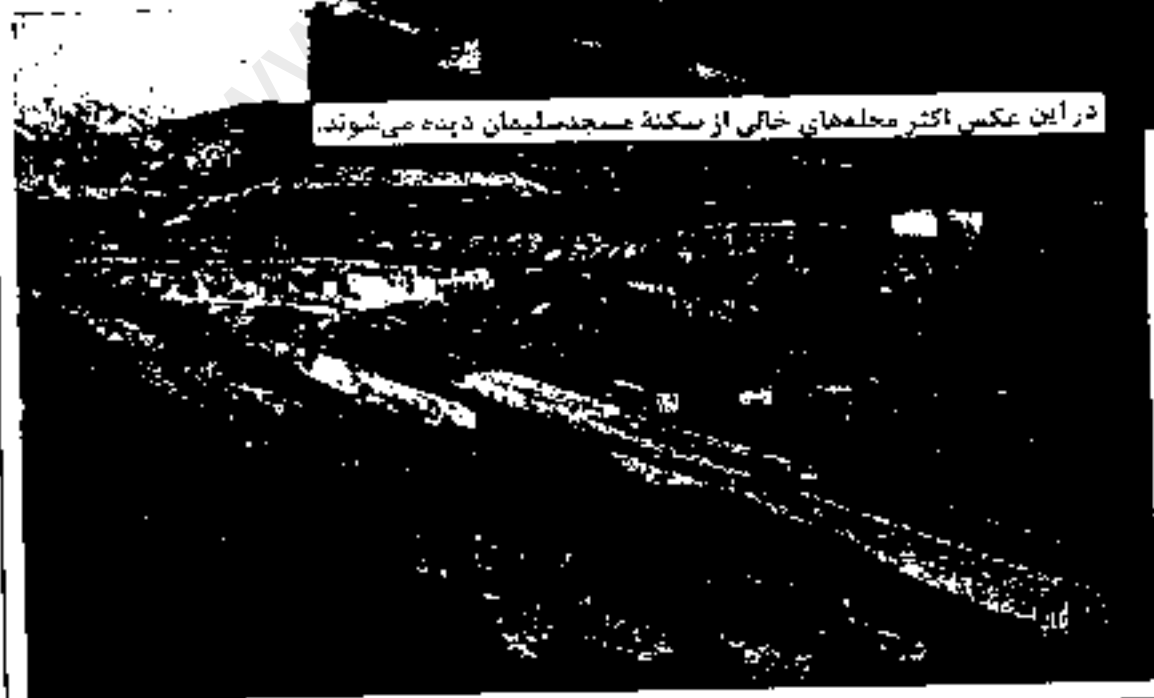
دره میان کوهستان نغاب و کوهستان کوهستان در سال ۱۳۰۱ شمسی



کارخانه گونگروند سازی بی بی بان

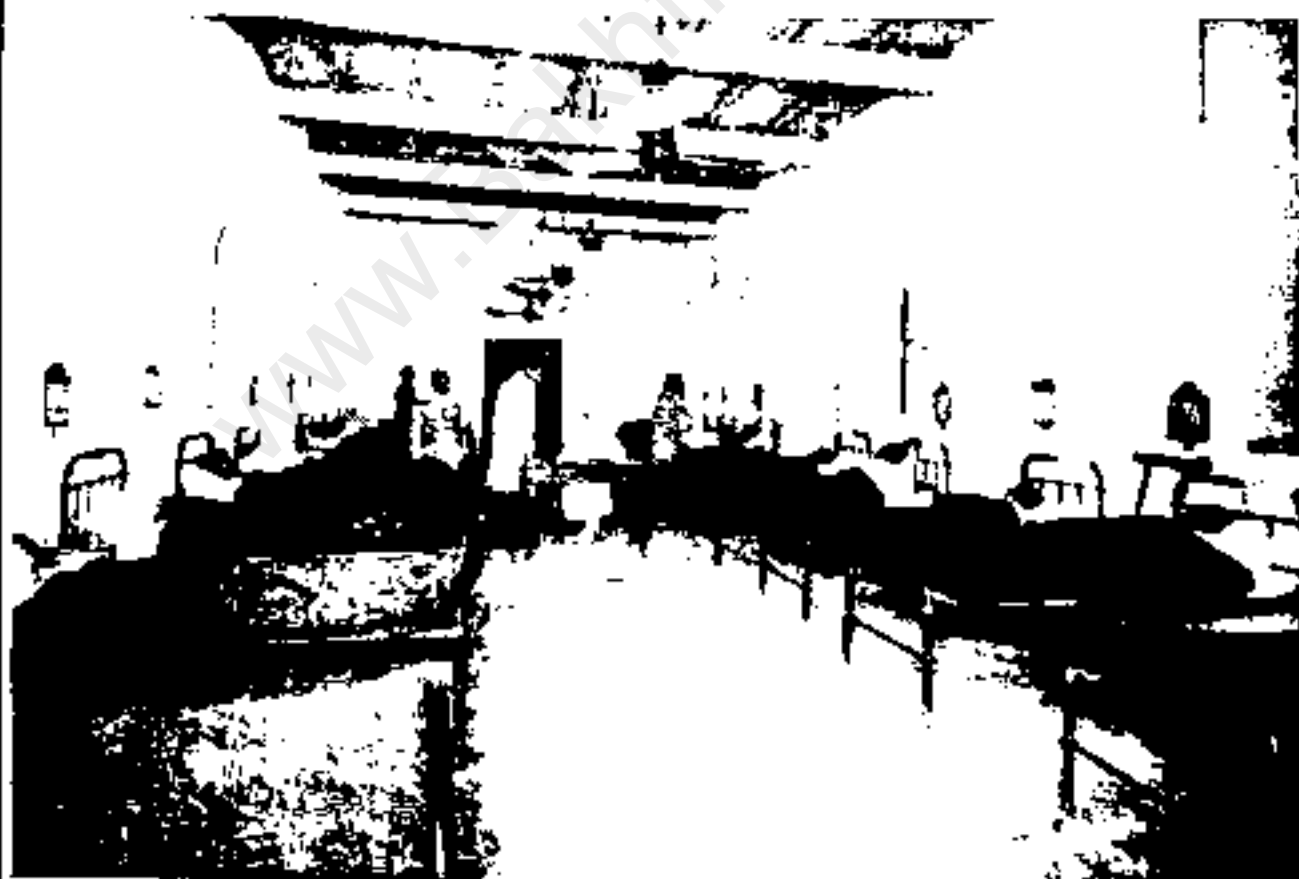


در این عکس اکثر محله‌های خالی از سکنه مسجد سلیمان دیده می‌شوند.





یک مسابقه فوتبال در مسجد سلیمان در سال ۱۹۲۹ میلادی



یکی از بخشهای بیمارستان شرکت نفت مسجد سلیمان



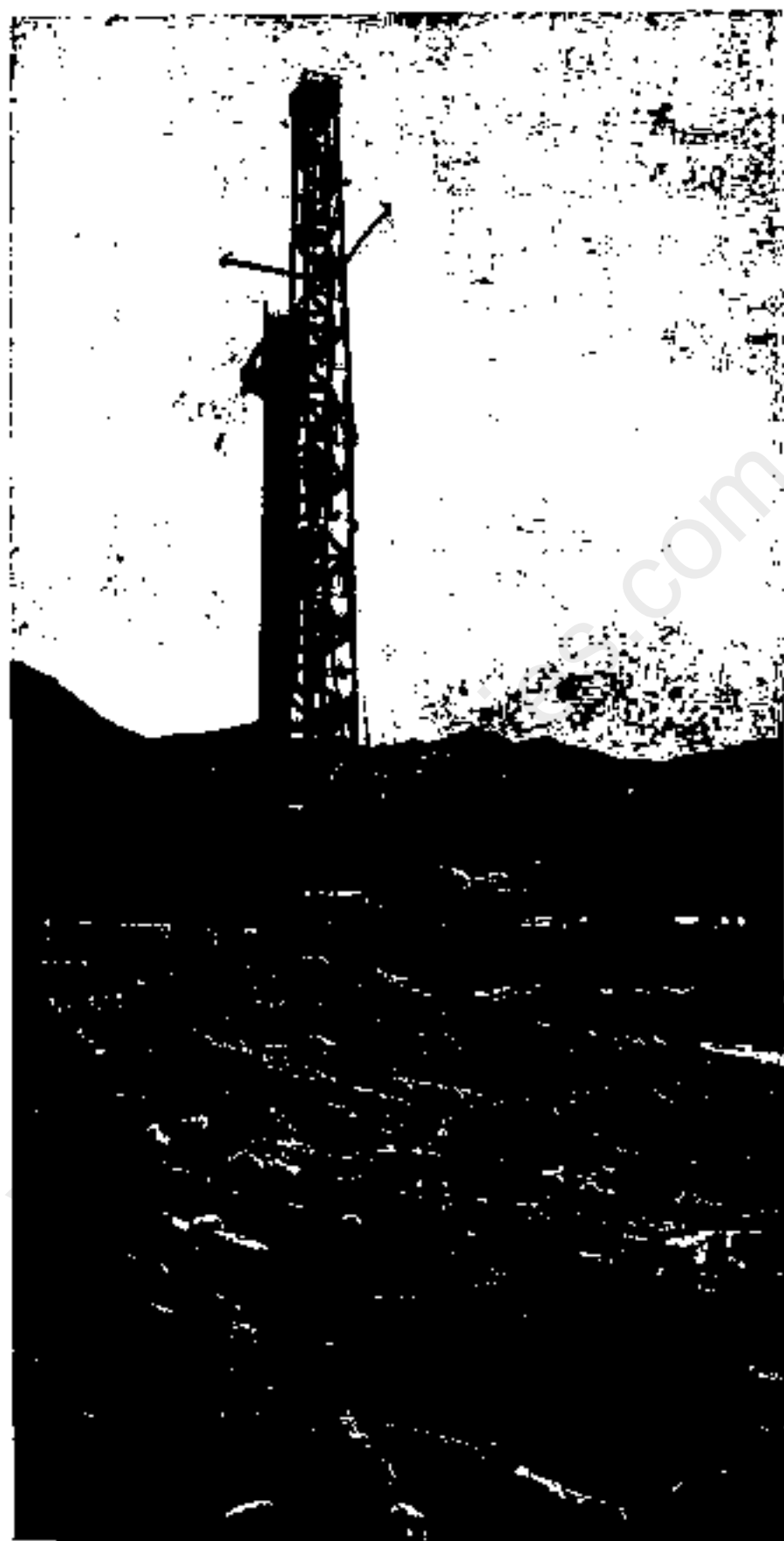
وسایل اولیه حمل و توزیع نفت در ابران



اداره مرکزی شرکت نفت مسجد سلیمان در سال ۱۳۰۶ شمسی



نمایی از کارخانه‌های بی بی بان



چاه شماره یک ناحیه کارون



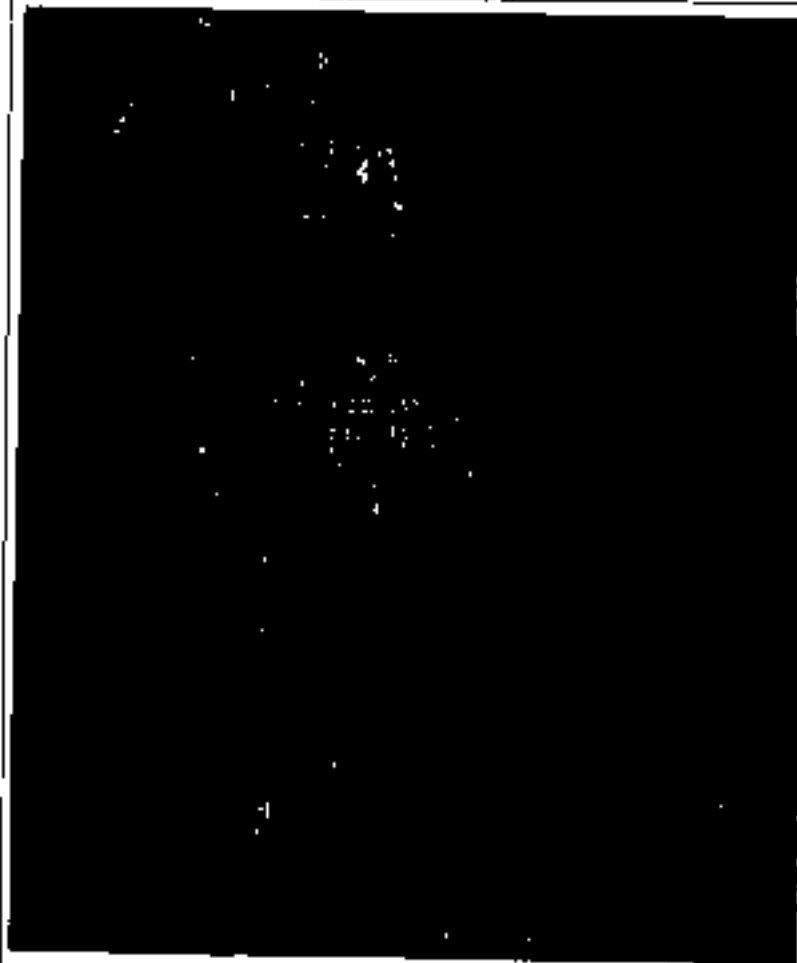
جاه شماره یک حاورسانه در ۵ مردادماه ۱۳۸۷ خورشیدی



چاه شماره یک در دهلیق اولیه خوران



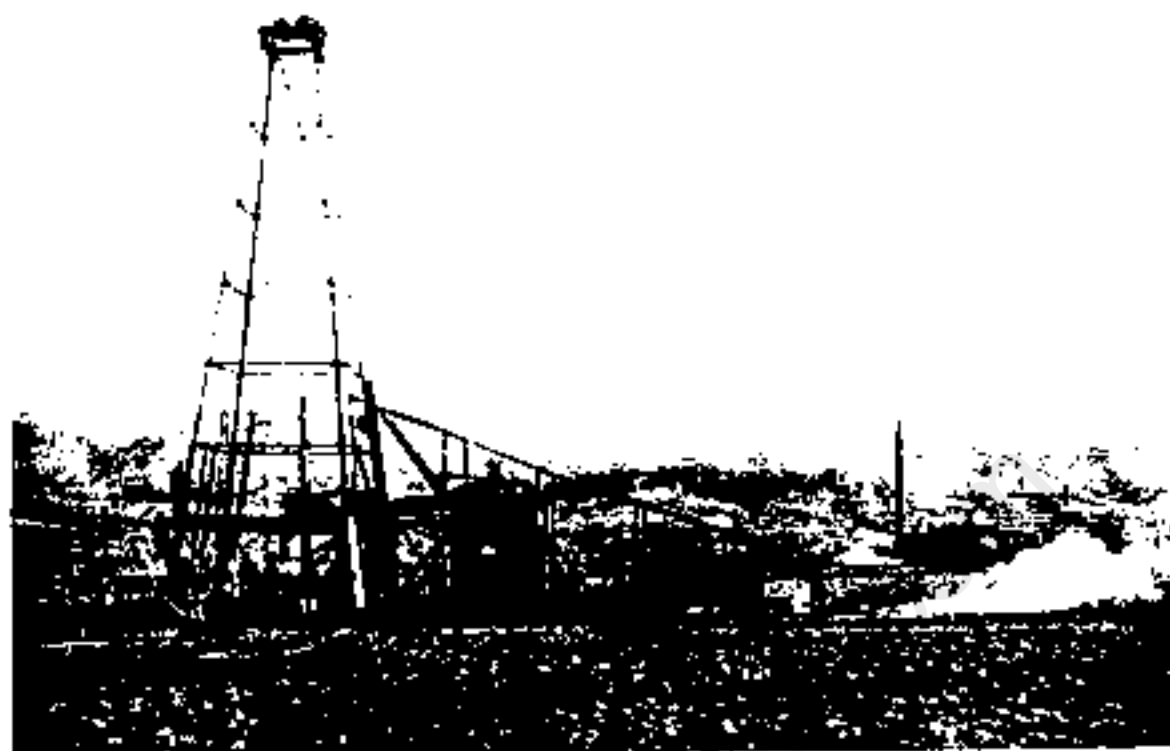
سفره مسجد سلطان و چاه شماره ۱۲ آن در سال ۱۹۱۰ میلادی چاه همان بود اسناد کمیسیون خاور و آبرو در ۱۳۰۲ هجری



قدیمی ترین چاه حفر شده در امامانین



چاه ۳۱۱ یک روز قبل از امش سوزی



روزهای اولیه فوران چاه شماره یک حاورمیانه در مسجد سلیمان



اولین چاه نفت که در چاه سرخ حفر گردید.



اولین دستگاه بهره‌برداری نفت در مسجد سلیمان و مأموران سوراخن هیزم در کوره
آن در سال ۱۹۰۸ میلادی



چاه شماره 80 B مسجد سلیمان



کارگاه تعمیرات مناطق نعلجسر در مسجد سلیمان (Workshop) در سال ۱۹۲۰ میلادی



نلمبه‌خانه نمبی در سال ۱۹۱۳ میلادی



احداث نلمبه‌خانه نعت نمبی در سال ۱۹۱۰ میلادی

تخلیه دیگ بخار اولین دکل حفاری چاه شماره یک
مسجدسلیمان در منطقه درحرینه وسائل موردنیاز از طریق آبادان به
منطقه عملیات در مسجدسلیمان ارسال می‌شد. سال ۱۹۰۶ میلادی



عبور دادن دیگ بخار چاه شماره یک مسجدسلیمان و وسایل آن توسط قاطر از رودخانه تمبی در سال ۱۹۰۷ میلادی

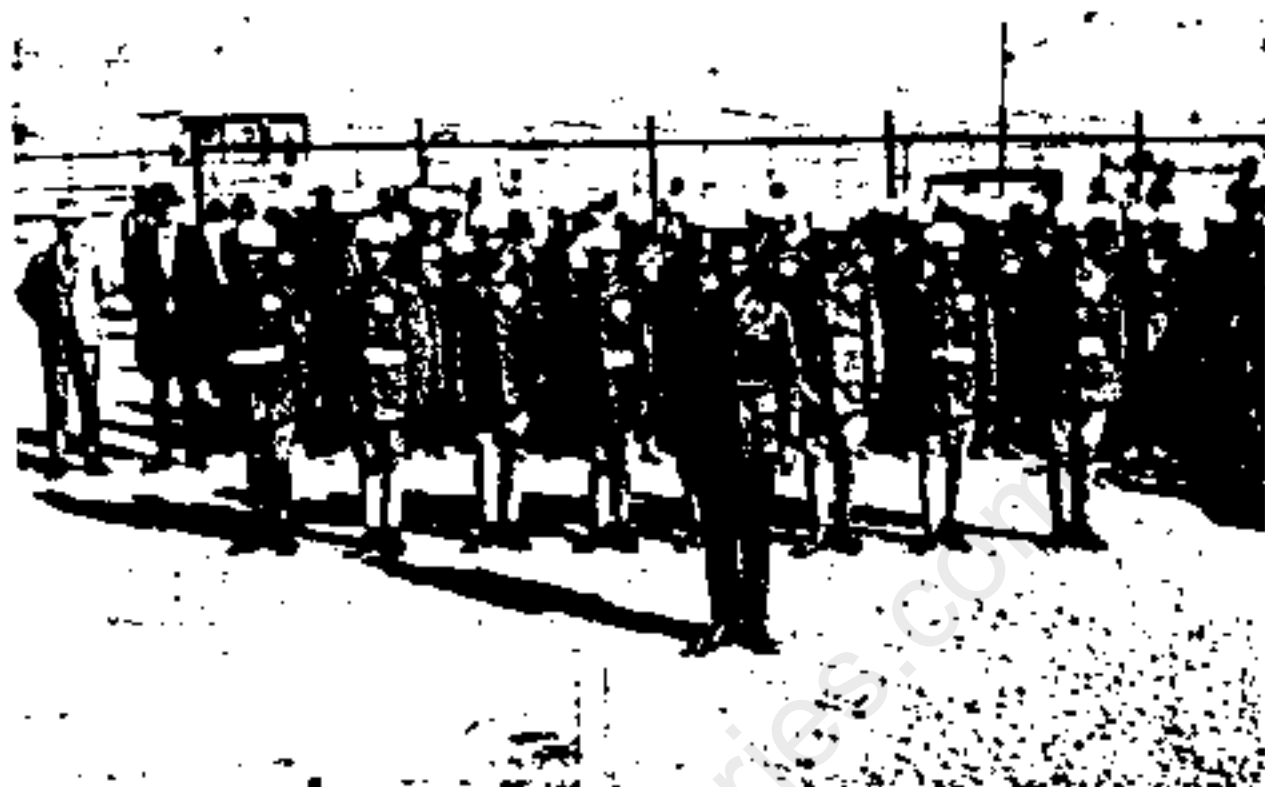




دبگ بخار چاه شماره یک که از میان کوهها و دشنها بوسیله لافتر
کشانده می شود تا به محل خود نصب گردد.



نمای چاه شماره یک خاور مسانه و دبگ بخار آن



کارگران اطفانیه شرکت در مسجد سلیمان



چاه منفجرشده ۳۱۱ و کارکنان اطفاء حریق در کنار آن

لوله‌های نفت که از روی کوه موسوم به امام رضا عبور کرده است.





حمل لوله توسط قاطر برای ایجاد اولین خط لوله بین مسجد سلیمان و آبادان در سمیت چپ تقویر آتانی چارلز برنارد بر روی اسب دیده می شود.



دستگاه (فی لی) یا جرثقیل مخصوص حمل وسایل سنگین از روی رودخانه کارون در مطفه بنتی لالی



پیچاندن خطوط لوله توسط بخیاریها



انبار لوازمات حفاری در مسجد سلیمان در سال ۱۳۹۸ شمسی



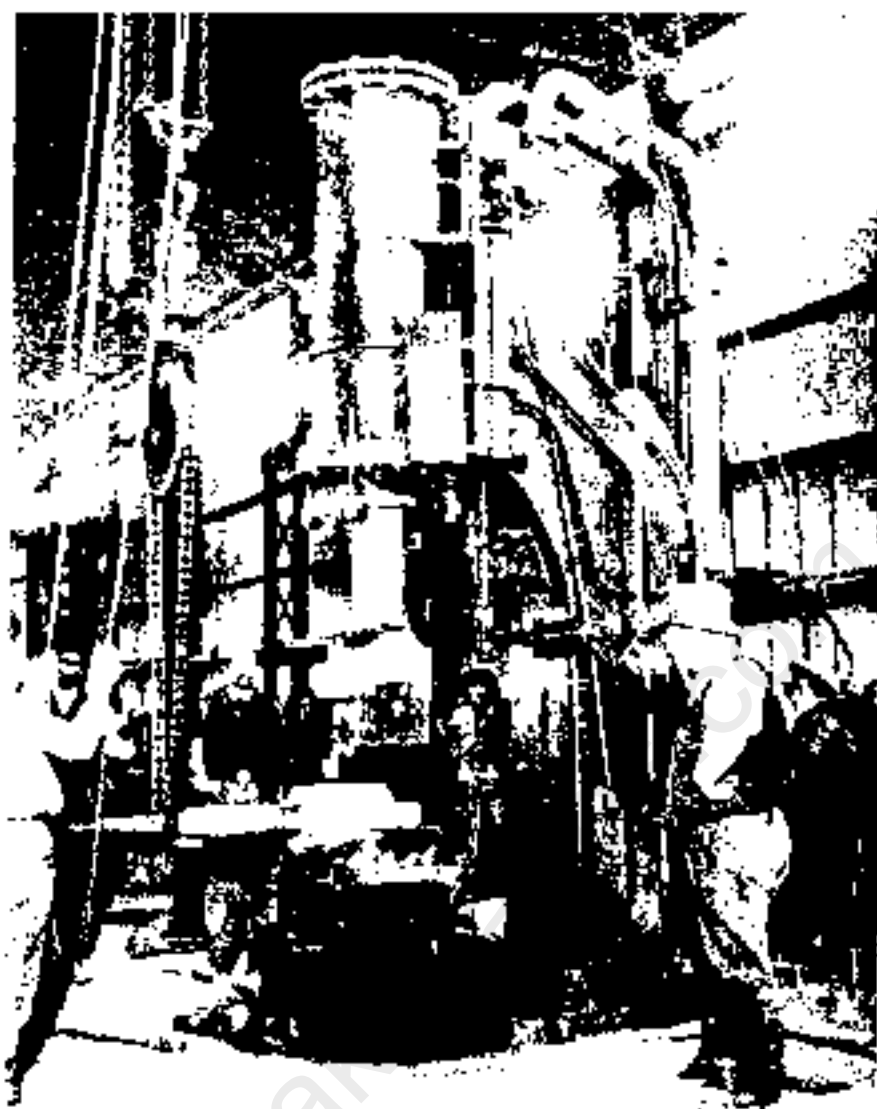
فازگانه آمکبی مسجد سلیمان در سال ۱۳۹۷ شمسی



وسایل ژئوفیزیکی که در درون یک حعبه مخصوص قرار گرفته و بوسیله حلیکوپتر از محلی به محل دیگر حمل می‌گردد تا مورد استفاده عملیات ژئوفیزیکی در لالی قرار گیرد.



بوجود آوردن شبکه مصنوعی توسط زمین‌شناسان در لالی



جنگش بزرگی که در کارخانه آهنگری مسجد سلیمان بوسله بخار همگت می کند سال ۱۳۰۲ شمسی



یکی از علمای معروف ارامن که در سال ۱۹۲۱ در موندیکی لوه استازی شعول نقشه برداری و مطالعات : میں سیمانی بود.



گروه زمین‌شناسان اکتشافی در کوه‌های اطراف مسجدسلیمان



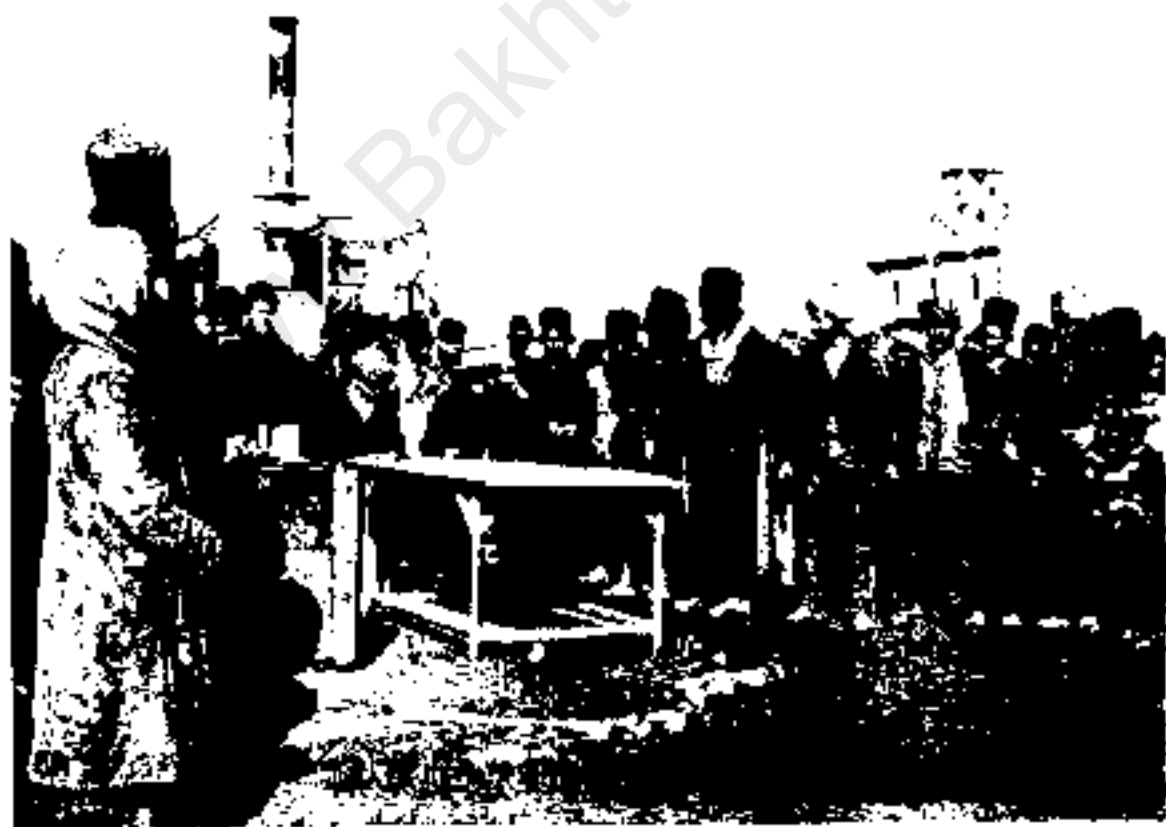
کمپ گروه اکتشافی زمین‌شناسان پراگ لا واقع در کاراژ قدیمی شرکت نفت لالی که هم‌اکنون این محل تبدیل به مجتمع آموزشی دخترانه شده است. تور سینمایی لالی دیده می‌شود.



نفر وسط: آقای جی‌کاک و عصای الکترونیکی معروف او.



کارگرانی که با لباس بختیاری کولنجای گاز را در کارخانه‌های مسجدهسپیمان درست می‌کنند.



روز پرداخت حقوق کارکنان قدیمی در سال ۱۹۱۰ میلادی در مسجدهسپیمان روی غیر سکه‌های پول فرار دارند و دو نفر انگلیسی در پشت سر مشغول برداشتن هستند.



نفر سمت چپ: دکتر بانگ و اکیپ پزشکی وی در بین راه اهواز - مسجد سلیمان



نفر اولی از سمت راست آقای رینولدز می باشد که مشغول کشیدن پیمپ خود است

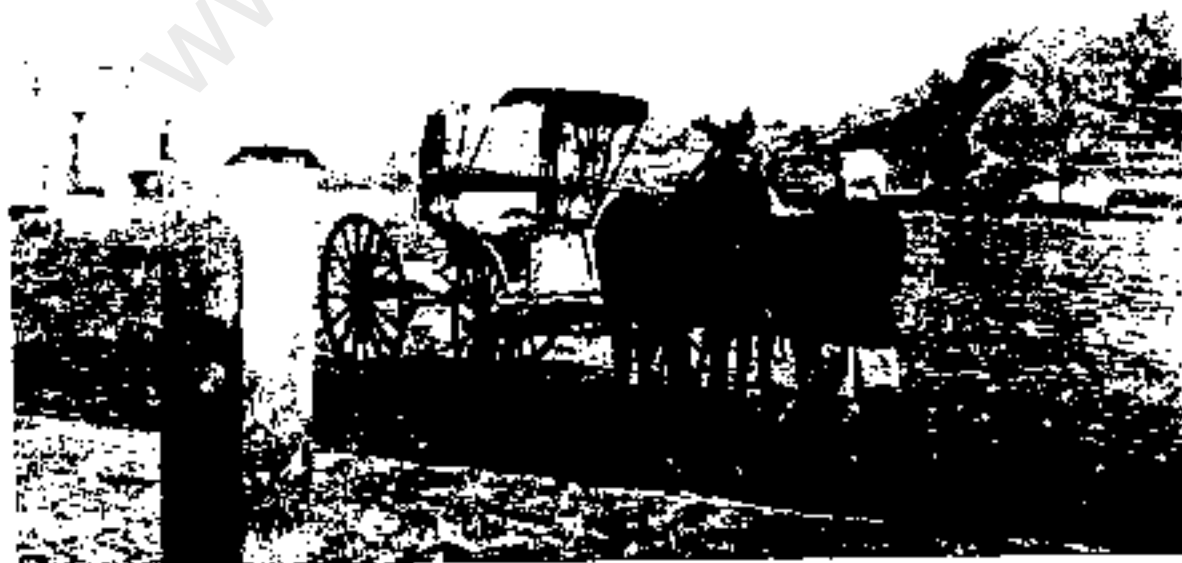


رینولدز (نفر سمت چپ) و دو نفر از همکاران او در بین مسجد سلیمان و درختان



ویلیام ناکس دارسی

آلبرت عاریوت عموزاده منتسی دارسی و مشاهیر وی - عاریوت نقش مهمی در انعقاد قرارداد دارسی داشت.



درشکه آقای هاملتون در سال ۱۹۱۱ میلادی در میدان بعون



روشنی سوار بر اسب در امتداد کارگران حصارن معون
تشمبورداری در سال ۱۹۱۰ میلادی



آرتلد و پلسون



احداث نخستین لوله بتت خاورمیانه
نقر سمت چپ آقای چارلز ریش می باشد



پرفسور رمان گیرشمن و همسرش



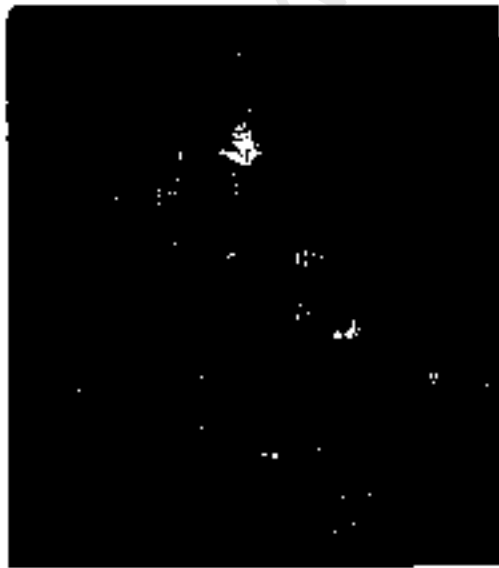
رضاشاه در موقع سفر به مسجد سلیمان در دیماه ۱۳۰۳ با رؤسای شرکت سحبت می نماید



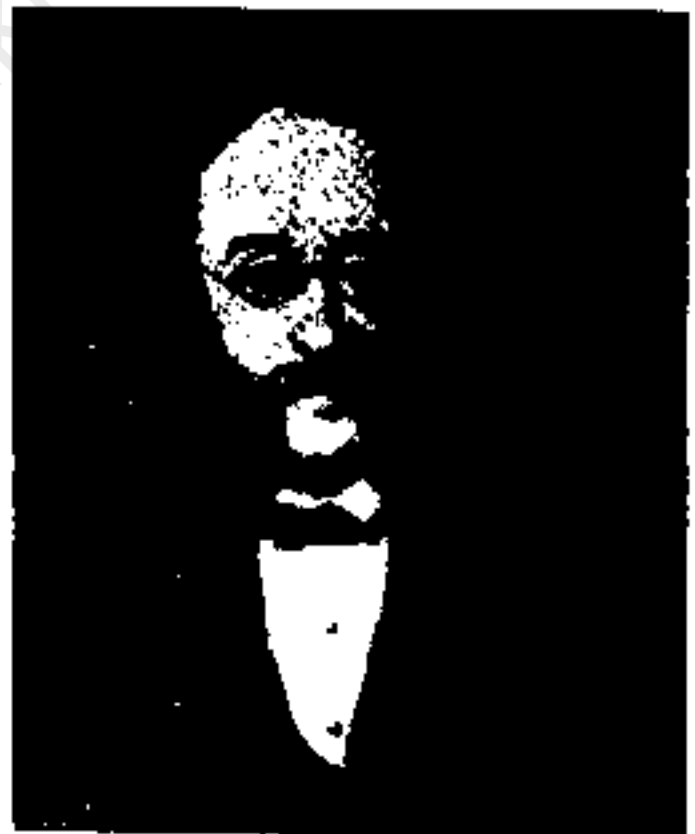
بازدید رضاشاه از مسجد سلیمان در سال ۱۳۰۳ شمسی به همراه امیران لشکر و وزرای دولت او.



موقع ختم کار در تصفیه خانه آبادان



ژنرال سوپرسی سایکس



بارون جولیبوس روینر



پیچ دادن و وصل کردن توله‌های نفت در سال ۱۹۰۹ توسط پختیار بها



پیچ دادن و وصل کردن توله‌های نفت به سگد بگر بمنظور احداث اولس خط توله جاور میانه در سال ۱۹۰۹ میلادی



حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری



عبور بختیارها از رودخانه کارون



مسافرت ما کلک در رودخانه کارون. در این عکس کلکچی‌ها دیده می‌شوند



قدیمی ترین پیمانکاران صنعت نفت در منطقه لالی

ردیف نشسته از چپ براسمت : حاج علیعراق حاجی پور، حاج

محمدزکی حاجی پور، حاج حیدر حاجی پور، مشهدی علیمراد

عالیپور ردیف ایستاده از چپ براسمت: علی رضا حاجی پور، مشهدی

جعفر فنبیری، مشهدی عبدشاه حاجی پور، حاج خیدراقا حاجی پور



شکارچی ممتاز مسجد سلیمان به اتمام عمده‌ای از دستاوردش در سال ۱۳۴۴
ایستاده از چپ: آقای شبر محمّد بنوری (معروف به کازرون)



آقای سهراب کوئی در وسط دو پلنگ که سال ۱۳۴۲ در کوه‌های اطراف مسجد سلیمان کشته است.

چهار تن از قدیمی ترین پرسنل صنعت نفت مسجد سلیمان



سید عیدی صالح پورا ابراهیمی یکی از قدیمی ترین پرسنل



علی شقیقی یکی از قدیمی ترین پرسنل صنعت نفت مسجد سلیمان



مشهدی عماس عباسی شهین



مشهدی کاظم ارزانی بیروگانی



دکتر علی نهاوندی قدیمی ترین متخصص چشم در بیمارستان
شرکت نفت مسجد سلیمان که پس از پنجاه سال خدمت هم اکنون نیز
متغول مداوای بیماران می باشند، نویسنده از زحمات خالصانه
ایشان تقدیر و تشکر می نماید.



حاج حسین آقا حاتمی طبیب محلی مسجد سلیمان



حاج رستم سارانی زاده

(قدیمی ترین پیمانکار شرکت نفت مسجدسلیمان)



عبدالرضا بهادری شهسی یکی از کارگران قدیمی صنعت نفت مسجدسلیمان



«کریلاتی الهمداد مهروش» اولین و قدیمی ترین کارگر صنعت نفت مسجدسلیمان که در حجرچاه شماره یک خاورمیانه یا مهدسین کمیته داری شرکت فعالی داشتند.



کارگران بختیاری مشغول کار در ورکشاپ قدیم



آقای مهدی ایرانی نژاد پس از شکار غریب در کوههای بختیاری



هدیه ورزشکاران باستانی که بعنوان یادبود تهیه شده بود توسط آقای شیخ بهائی فرماندار مسجد سلیمان رد آقای بحسب اهدا گردید.



در ۱۵ خرداد ۱۳۰۲ ستاد مسجد سلیمان و شهرداری باستانی حالتی نامبارک برای آقای بحسب فرماندار ملی کشور حجاز گرفت.



کاروان آلات مهندسی و اکتشافی در کوههای مسحدسلیمان



کارگراسی که در سال ۱۲۸۶ شمسی در حبل دیگه بخار چاه شماره یک از درجسته به مسحدسلیمان شرکت دانش



مدرسهٔ صنعتی و فنی شرکت در مسجد سلیمان و شاگردانش که تشریح موتور انومبیل فرد را می‌آموزند



اسکله کمیاتی نفت در منطقه درخزینه



بنایی از ساختمانهای ویرگشاپ جدید مسجد سلیمان در سال ۱۳۰۱ شمسی



ایستگاه تعبیه و تقویت فشار دارخوین در سال ۱۹۱۶ میلادی



کارگاه موقتی خط لوله در محل درخزینه ۱۹۲۰ میلادی



قسمتی از کارخانه‌های کارسیدی چشمه علی



تخلیه دیگ بخار اولین دکل حفاری چاه شماره یک



اطاقی محل جراحی بیمارستان مسجدسلیمان در سال ۱۳۰۱ شمسی



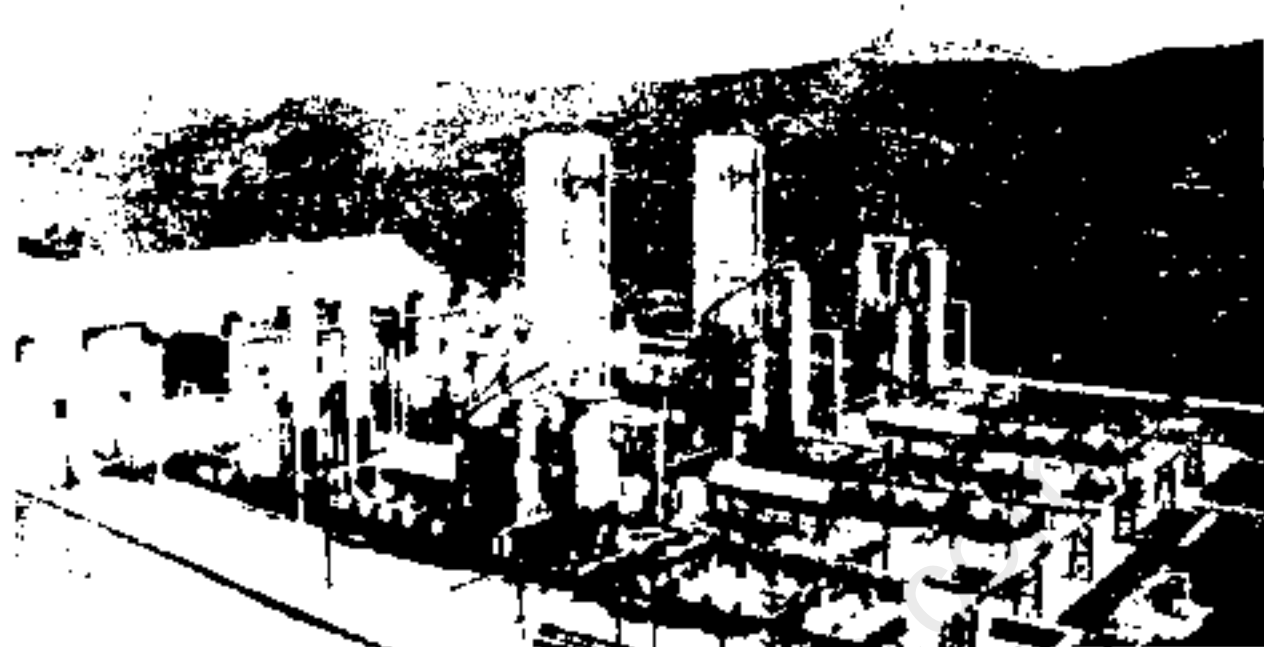
فرودگاه مسجدسلیمان



حسین مکی در منطقه لالی، در دوران علی شدان صنعت نفت.



داراب خان اینی یکی، حاکم قدیمی مسجد سلیمان.



کارخانه تصفیه گاز نفتک معروف به (Gas-Absorption-Plant) در سال ۱۹۲۱ میلادی که بعدها کارخانه یخساری در کنار آن ساخته شد.



قسمتی از ناحیه نفتک واقع در معادن نفت و کارخانه‌های جسدن نفتی که از دور مداور است.



نقش امامزاده سیدجمال (ع)



امامزاده شاهزاده عبداللہ المعروف بہ شاہ قطبالدین واقع در بخش جدیدکا



آتشکده سر مسجد





سمپاشی برضد مالاریا در آبنمای اطراف مسجد سلیمان



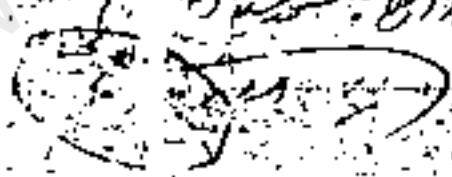
یل لالی



جزو بدان

دو هشت

تاریخ شهر حاجی آباد سلطان حسن قلی خان کتکلی
 مردمی هم خوانی قاضی و عیال در آنجا بود
 در آنجا نیز شایع عیال طایفه از دولت
 در آنجا شایع و ملایه خود شایع است
 در آنجا بزرگ بزرگ بزرگ بزرگ
 در آنجا از آنجا بیاید بزرگ
 در آنجا از آنجا بیاید بزرگ
 در آنجا از آنجا بیاید بزرگ
 در آنجا از آنجا بیاید بزرگ



Receipt dated 2/7/52
 ۱۱۷/۱۱
 ۲۲۱
 ۲۲۱
 ۲۲۱

درگاه تبریز
 ۲۶/۷/۵۲
 ۱۱۷/۱۱
 ۲۲۱

تندی
 ۲۲۱
 ۲۲۱

۲۲۱
 ۲۲۱

۲۲۱
 ۲۲۱

۲۲۱
 ۲۲۱

رسید چند قبضه فشنگ به عنوان بخشی از

جهت حفاظت محل و راه کاروان و اصفهان برای شرکت لیچ و صنعت نفت

نمره ۱۵

مورخه ۱۶ اپریل ۱۹۲۳

در تاریخ ۱۷ اپریل ۱۹۲۳ حاصل شد

و طرف لرن تهران

به پیل تر اهواز

تلگراف محرمانه

« اخیراً فیسبیل وزیر جنگ و خوانین بهختیاری مشاجره و بحرایی حادث شده که مداه آن قضیه « شلیل » است که سال گذشته واقع گردید. وزیر جنگ مشغول تهیه و انعام قواست بهختیاری، زیرا که خوانین ایل مرپور شر انزای مبلغ غرامت اظهار عدم استطاعت و بی میلی می کنند. من، شاه و رئیس الوزرا و خوانین را از مخاطره جلدی، که به ملت نماند، قوای مسنحه بهختیاری و قشون دولت ایران ظهور خواهد کرد، آنگاه ساحنه ام و خاطر نشان کرده ام که دولت انگلیس نمی تواند خطرات و تهدیداتی را که متوجه معادن نفت خواهد شد، را بی اعتیابی ننهد. هر سه طرف مذکور به و عنایت اوضاع و مسخنی موقع سرخورده، و نصیحتی دارند، لیکن وزیر جنگ هوز اصرار و انعام خود را ترک ننگفته است.

امیدوارم نفوذی که من مجهز و محری کرده ام، قضیه را حل کند و مداحه قوایی را ایجاد نماید.

خوانین را متقاعد کرده ام که اختلافات داخلی خود را تصفیه نمایند البته موقعیت آنها، به واسطه انصباب حکومت طایفگی جدیدی، بلا تأخیر استحکام خواهد گرفت. »

قوسولگری دولت بریتانیا در مورد...

اهواز مورخه ۱۶ اپریل ۱۹۲۳

سواد جهت اطلاع بنایت قوسول محقره ارسال می شود

مصاد: قوسولگری - قوسول خورشید - قوسول...

قوسول... حکم... نگذارد...



British Legation.
Cyprus.

۱۳۳۰
۹ دسامبر
۱۹۱۵

جناب آقای سرکار عالی
وزارت عدالت
تبریز

با کمال احترام عرض می‌نمایم که جناب سرکار عالی در خصوص
تعمیرات در این محله

بسیار ملاحظه فرمایند و خواهشمند است دستور فرمایند
تا در این خصوص اقدامات لازم را به عمل آورند

و این امر را در اولویت قرار دهند و در این خصوص
تعمیرات را در اولویت قرار دهند

است بدین جهت که در این محله بسیار کمبود
آب است و این امر را در اولویت قرار دهند

و این امر را در اولویت قرار دهند و در این خصوص
تعمیرات را در اولویت قرار دهند

با سپاس و احترام عرض می‌نمایم و خواهشمند است
تعمیرات را در اولویت قرار دهند

و این امر را در اولویت قرار دهند و در این خصوص
تعمیرات را در اولویت قرار دهند

برای تعمیرات در این محله

Handwritten signature and notes in Persian script.

● اتعام حجت انگلیس به خوانین بختیاری



مناظری از شهر مسجد سلیمان «محلہ بنیت بروج»



منظره عمومی و ساختمانهای مسجد سلیمان

فہرست اعلام

۳۳۸	احمد علی علی		آب و تاب سدا داد
۳۹۱	احمد علی	۳۶۷	آدینہ پور سیدنا صاحب
۱۶	ادریس بن عمران	۴۴	آرامش
۳۳۹	ارجمند پرویز	۱۸۶	ارکاس
۱۰۸	ازدلان ناصر ظلی خان	۳۳۵	آزاد عبدالقادر
۲۱۶، ۲۱۲، ۲۱۳	ازدلان ناصر ظلی	۳۳۶	آزاد نگاہ سرگرد
۳۲۱	ازسطو ہادی	۳۳۵، ۳۲۴	آشور بانیین
۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷	ازمنی کمالی خان	۳۶، ۳۲	آشوری (رئیس تودہ)
۲۲۴	ازمنی مگر دیچ	۳۳۳، ۳۲۲	آشوری
۲۶۷	ازدوری ابراہیم	۳۶۸	آل احمد حلال
۱۶	استخری	۲۲۶	آب و تاب سلان
۲۶	استرابون	۱۷، ۱۶	اعلیٰ تھراپی ڈاکٹر
۱۰۴، ۷۹	استرن ٹکونا	۲۲۷	انتیوٹوسس ۳۳۹
۳۶۷	استوار منوچہر	۲۵	
۲۰۹	اسٹوکی		«الف»
۲۱۷	اسنید	۳۸	اندال خان
۳۷۶	اسنی مجید	۳۳۸	ابراہیم زادہ عباس
	اشرف زادہ ا مہدی بقی (کلانتر طایبہ نصیر) ۱۱	۳۷	ابوالفتح جان
۱۳۹		۳۸۵	ابوالریحان
	اشرف زادہ ا مہدی بقی (کلانتر طایبہ نصیر) ۱۰۹	۴۴	انارک سلفی، ہوشنگ
		۳۹۳	احمد علی سدا داد شرف
۲۶	اشکانی مہر داد اول	۳۸۸	احمدی سہراب
۲۱	اصغر (خ) ابراہیم	۳۷۷	احمدی معبود

۳۰	ایلی مید (منگه)	۱۰۸	اصدھائی و ثوق ہمایون
	۱۰۹، ۱۰۸		احتمالی شہنی آبپشور
۳۱۹	بادادی	۳۹۱	اعتصام
	۲۱۳، ۲۰۸، ۲۰۶		اعتصام مہندس
	۲۰۵، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱		افتخاری یوسف
	۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۱، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶		افتخامی اسد
۱۵۷	بالش روغلی خان	۳۲۷، ۳۲۶	افسر امیر حسین
۲۲۸، ۳۲۷	بختیار ابوالقاسم خان	۳۷۸	افشار ابوالفتح
۲۲۸	بختیار نیغور	۲۷۴	افشار نادر شاہ
۳۷۷	بختیاری جنجال	۶۳، ۵۲، ۳۷	افشار حسین خان
۸۸	براد شاہ	۵۳	اقبال دکن
۳۲۶	برز بادہ	۳۹۵، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۲، ۲۴۴	اکبر (ع) نراہم
۷۱، ۶۸	برلز	۴۱	الکبشکن
۱۱۹	حسی	۱۳۰	امام موسی کاظم (ع)
۳۲۶	بھائی خرمائی دکن مظفر	۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۱	امام حسن مجتبیٰ (ع)
۳۱	بھائی بھائی	۲۵	امام ربیع (ع)
۳۹۴	بھائی	۲۵، ۴۱	امیر نس منہادی عزیز اللہ
۴۶	بلادی سلطان علی	۱۱۵	امیرانی ابراہیم
۱۱۲	بلریو	۳۹۲	امیندی
۲۵، ۳۲	بھامین دکن سیمن	۳۹۸	امدادی سلام مرزا
۳۱۸، ۳۱۷	بھاری علو	۳۸۴	امیر المہدی میرزا علی اصغر خان (ازبک)
۱۳	بھوان	۷۰	امیر الشریعہ حاج شیخ محمد تقی
۲۷۱	بھوان سلطان محمد	۸۳، ۸۲	اورک منگ حسن
۳۷۳	بھاری	۱۰۸	اورک بھوان
۳۷۹	بھاری بھوان	۲۲۲، ۲۲۳	اوس، ی، پسر
۳۳۰	بھاری شہیہ رساقی	۲۱۱، ۲۱، ۲۰۹	اونبانی محمد حواد
۱۳۰	بھاری ا حانور	۲۷۴	اوگوست (فیصل روم)
۳۱۰	بھاری نجف	۱۸	اوجانیان
۳۴۸	بھاری رحما	۳۸۶	ایران پور سوچہر
۱۵۷	بھاری کرلاہی عبدالرحمن	۲۲۷	ایران پور ابرج
۱۲۰	بھار محمد تقی (منگ الشعراء)	۲۲۷	ایران نژاد سہراب (کرائی) ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۷
۱۹۱	بھہائی		۴۳۱، ۴۳۰، ۴۲۹
۳۱	بھرامی فتح اللہ		
۳۲۸	بھوان مسعود	۴۲۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶	
۳۹۲	بھوانی	۱۰۹، ۱۰۸	
۳۵۹	بھوانی جعفر	۱۰۸	
۶۵، ۶۲	بھوانی زور	۵۲	
۱۸۲	بھوانی	۱۱	

۳۹۱	جدلی		«پ»	
۱۶	حور بن عقیبه	۸۸		پارسون
۲۱۳	جعفری	۳۹۵، ۳۹۶		پازوگور
۳۸۳	جعفری حمیدرضا	۷۹		پوتومین
۱۷۳	حکمت‌تال	۶۳		پروغویوس
۱۲۱	جدیس	۸۳، ۸۱، ۸۰		پرسی جی ریچارد
۱۱۷	تکون	۲۹۷		پرشادپور محسن
۱۸۶	حودت دکتر	۷۵، ۷۴، ۷۳		پلاتر رونی
۱۷	حوزان شیر	۳۱۵، ۳۱۴		پورحانی مهندس
۳۱۳	جهانبی	۳۱۵		پورمان باری
۳۹۲	جهانسامی ایرج	۱۷۸، ۱۶۰، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۰۷، ۵۵		پهنوی رحمانشاه
۲۹	جیکاک	۳۶۴، ۳۶۱، ۳۶۸		
۱۲۷	حلیز سرهارد ولد	۳۹۰، ۳۶۴، ۳۸۳، ۵۶، ۲۳		پهنوی محمد [رضا] شاه
۱۸۲، ۱۵۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۳	جیمسون ژانف	۳۸۳		
	«ج»	۳۷		پهنوی فرح
۱۱۵	چاندلری نرملاس بفر	۳۶۱		پهنوی شاهپور غلامرضا
۱۸۲، ۱۳۳	چرچیل ونستون	۳۹۱		پیر، ادور
۳۶۵	جوینه بهرام	۳۶۸		پیشاد
۵۴، ۵۳	چهارنگ محمد تقی خان	۲۸، ۱۷، ۱۵		پیشادتی تیم مراد
	«ح»	۲۸، ۱۷، ۱۵		پیشادتی هوشنگ
۳۳۶	حائری زاده ابوالحسن	۲۸، ۱۸، ۱۷، ۱۵		پیشادتی جانشاد
۴۳۴، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۱	حاتمی حاج حسن آقا	۲۸، ۱۶		پیشادتی طهمینان
۳۷۳	حاجی پور مشهدی نرات		«ت»	
۳۷۳	حاجی پور حاج محمدرضا	۳۱۲، ۳۰۸، ۳۰۶		توای مهندس
۳۰۸	حایی مهندس کاظم	۳۹۱		توسمان
۳۵۹	حسین پور هومر	۵۹		تلفیری سیداحمد (شیخ کنگز)
۶۲، ۵۶	حموی باقوت	۳۲۸		تعمیر
۳۵۷	حیدری شهیار	۱۲۹		تعمیر ای بی بی
۳۶۹	حیدریان	۲۰۸، ۲۰۶، ۲۰۱		تولد دکتر
۳۰۲	حیدری نیافر امر:	۳۳۸		توسه حسن
	«خ»	۲۱۲		تیری
۳۹۱	خاصی سلیمان	۳۵۹		تیلر جون
۳۱۴، ۳۱۳	خردجو		«ث»	
۳۳۴، ۵۱	خروزاده (مادر اردشیر) کاکان	۱۸۶		توس
۳۱۴	خزاکلی		«ج»	
۱۲۶، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۵	خزاعلی شیخ اصیغ محمدرضا	۲۷۳		خانزای شهیار
۱۷۳، ۱۳۲		۳۹۲		ملاوید

۲۰۶	رضوی حمید	۳۶۰	خسرو پرویز
۳۱۲	رفعتی حیدرقلی	۳۸۲	خشن رضاقلی
۳۱۷	رفعتی	۴۳	خزینہ عاصی منوکل
۶۷	روشن نارون ژولبوس	۳۱۴	خلیلی مهندس
۳۷۷	روی ویر	۲۲۶	خلیلی عاصی
۳۱۱، ۳۱۰	زیاحی سرنیپتھی		﴿۵﴾
۱۱۹، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۳، ۱۱۲	زین جلالر	۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۵۲	دارسی ویلیام تاکس
۲۲۷	زنس عبدالرفضا	۹۶، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶	
۱۱۰	زین شیخ	۴۱۷، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۲، ۱۰۰، ۹۷	
۷۲، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۶۹، ۶۸، ۵۵	زینولقر زورز برنارد	۱۰۵	دارسی (خانم دارسی)
۷۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۱، ۸۰، ۷۸، ۷۷، ۷۶		۶۸	دالت
۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹		۴۳۳	دانشیار اکبر
۱۰۹، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰		۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۴	داربد سون
۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۱، ۱۱۷، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰		۶۹، ۶۸، ۶۷	درهموند ولف سرهنری
۲۱۹		۲۰۰	دریک
	﴿ز﴾	۶۵	دریک سرهنگ (کلبی)
۲۲۶	زاهدی قضی اللہ	۳۹۱	دستیپ
۱۰۸	زراسوند اسماعیل خان	۳۸۳	+ دستک: زاده پرویز
۱۱۵	زرتشتی کریم لالی خان بابا	۶۸، ۶۷	دمورگان مسیوزاک
۵۳	زید کریم خان	۳۲۷، ۳۲۶	دوروریان البرت
	﴿ژ﴾	۳۱۹، ۳۱۵	دوغان حاج حبیب
۶۳	ژولبی (امیر الطور) و م	۱۷، ۱۶	دبلی صمصام الدولہ
	﴿س﴾		﴿۶﴾
۱۰۹، ۱۰۸	سامانیان احمد نصیر	۳۶۸	ذوالفقاری ناصر
۱۰۹، ۱۰۸	سامانیان ا حیدر		﴿۷﴾
۱۳۹	سایکس سر برسی	۳۶۱	راجا احمد خان
۸۱، ۷۷	سیدار محمد حسین خان	۴۲۵	راحی دکتر
۳۹۱	سپهران	۲۲۲، ۱۸۶	رادمنش دکتر رضا
۲۴۸	سپهری سہراب	۹۵	رائیملر
۳۹۱	ستودہ	۳۸۲	راکری ابراہیم
۳۶۸	ستودہ کیامیرت	۳۲۰	رائی
۸۱، ۷۷	سردار اسعد اول سفندیار خان	۱۳۰	رائیت آلحروت
۱، ۳	سردار بہادر	۹۰، ۸۹، ۶۸	ردود دکتر باورتون
۸۳، ۸۱	سردار جنگ نسیرخان	۳۱۹	رسولی حسنعلی
۸۳، ۸۱، ۵۴، ۵۳	سردار اسعد دوم حاجی غنی قلمی خان	۹۸	رضاپور نصیر عبدالحمید
	۱۰۳، ۱۰۱، ۸۴	۴۳۳	رضایی شاہقلی
۳۲۵	سرداریان فرہادخان	۳۹۱، ۳۸۹	رضوان سیدکمال

۲۳۵، ۲۳۴، ۲۲۸	شینہ گر	۲۴۸	سرفقی
	«ص»	۶۳	سعدی شیرازی
۳۷۶	صافقی	۱۷، ۱۶	ساجدوں امہ فتلہ ش
۳۳۰	صالح ابراہیم کریم بیاد	۵۲	سلجوقی جہانگیر خان
۳۶۷	صاحب پور سیدز سول	۲۲۲	سنیمان میرزا
۳۳۹	صاحب پور بیگلر	۲۲۵	سجاسی دائر کریمہ
۳۸۷	صاحبی	۵۲	سفر بن ہودہ
۲۲۶	صالحی سید عدس	۶۰، ۳۸	سر و ماکسم
۴۴	صالحی سید عنایت	۲۸۶	سنابلی
۳۷۷	صباح حسین		«ش»
۳۸	صفوی میرزا ابونراب	۵۱	شاہ پور نول
۳۸	صفوی شاہ اسماعیل	۶۳	شاہ پور سوم
۱۰۸	صمصام مر قاضی قلمی خان	۱۱۵	شاہ زادہ حاج ستم
۸۴، ۸۳، ۸۱	صمصام السلطہ محفلی خان	۶۳	شاہ زادہ اجہانگروہر انوی
۲۱۳	صومی	۳۹۵، ۳۹۲	شاہلو
	«ض»	۵۲	شاہ عالمی منسب اول
۸۴	ضرغام السلطہ حاج ابراہیم خان	۶۵	شہر بعتمد اوئی آیت اللہ
۲۱۱	ضیابی	۳۶۱	شہدائی عقی
	«ط»	۳۹۱	شمیع پنا
۳۸۸	طاہری	۳۱۹	شمیع زادہ
۲۰۴	طوبی نیک سرہنگ	۳۸۹	شعبہ
۳۶۷	ظہماسین ایرج	۳۶۸	شکر خدای شاہ مراد
	«ظ»	۲۰۳	شمس
۳۸۴، ۳۸۳	ظاہری عیدہ ولد علی رضا	۲۲۵	شمیری
۹۸	ظاہری سعید سوری م	۳۲۵	شہس پور شہدی شہد پور
۳۶۷	ظہور ایان	۳۱۶	شہرشتی زادہ مہندس عی
	«ع»	۱۰۳، ۸۴، ۸۳، ۸۱	شہاب السلطہ غلام حسین خان
۳۸۲	عالی پور کمال	۱۰۳	
۳۶۷	عالی پور علی محمد	۴۴۸	شہر پار (شاعر)
۳۳۸	عالی پور شاہ پور	۳۳۲	شہس زادہ سلطان
۲۶۶	عباسی شہس شہدی عباس	۳۷۸	شہس کی م يوسف
۲۱۶	عسگری	۲۴۵	شہس میرزا
۱۲۹	عکشاہ اسکندر خان	۳۷۷	شہد زادہ
۲۲۷	علاء المظفری	۲۰۴، ۲۰۲	شہد پور
۳۱۹	علا سواد	۳۱۵	شہد پور
۲۲۴	علا سوند صاحب مراد	۷۲	شیخ المنک
۳۷۷	علوی باقر	۳۳۰	شیخ شہس آد کھچا

۳۳۶	فامسیر، احمد	۳۶	عمیر، صاحب خان
۳۳۷	فامسیر، عبدالعزیز	۳۷	عیسائی، خان
۳۳۸	فامسیر، احمد	۳۸	علی، نژاد
۳۳۹	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۹	علی، خان
۳۴۰	فامسیر، احمد		
۳۴۱	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۷۵	غفار، عظیم الدین، مہندس المسائل
۳۴۲	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان		
۳۴۳	فامسیر، احمد		
۳۴۴	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱۲۷	غلام، مسطوفی
۳۴۵	فامسیر، احمد	۳۶	غلام، مسطوفی
۳۴۶	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱۸۵	غلام، مسطوفی
۳۴۷	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۶	غلام، مسطوفی
۳۴۸	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۳	غلام، مسطوفی
۳۴۹	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۲۵	غلام، مسطوفی
۳۵۰	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۲۹۹	غلام، مسطوفی
۳۵۱	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۶۸	غلام، مسطوفی
۳۵۲	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۶۵	غلام، مسطوفی
۳۵۳	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۶۳	غلام، مسطوفی
۳۵۴	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱۸۶	غلام، مسطوفی
۳۵۵	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱۹۳	غلام، مسطوفی
۳۵۶	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۲۲۵	غلام، مسطوفی
۳۵۷	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۹۲	غلام، مسطوفی
۳۵۸	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۶۸	غلام، مسطوفی
۳۵۹	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۰۱	غلام، مسطوفی
۳۶۰	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱۰۹	غلام، مسطوفی
۳۶۱	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱۰۱	غلام، مسطوفی
۳۶۲	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۱۶، ۳۱۱	غلام، مسطوفی
۳۶۳	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱۳۱	غلام، مسطوفی
۳۶۴	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱۸۶	غلام، مسطوفی
۳۶۵	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۶۶، ۶۹، ۷۵، ۷۶	غلام، مسطوفی
۳۶۶	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۷۷	غلام، مسطوفی
۳۶۷	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان		
۳۶۸	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان		
۳۶۹	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱۰۹، ۱۰۷	غلام، مسطوفی
۳۷۰	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱۰	غلام، مسطوفی
۳۷۱	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۱، ۵۳	غلام، مسطوفی
۳۷۲	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۵۳	غلام، مسطوفی
۳۷۳	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۵۲	غلام، مسطوفی
۳۷۴	فامسیر، عبدالعزیز، صاحب خان	۳۱۲	غلام، مسطوفی

«غ»

«ف»

«ک»

«ق»

۲۵	مشیر الدولہ میرزا عبدالغنی خان	۲۳۵	کریم بیبا احمدی حراج احمد اللہ
۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹	مصباحی ناصر محمد ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹	۲۱۱	ذوالقسی رانا احمدی استاد
۳۹۳، ۳۹۴	مصباحی، میرزا	۳۱۳، ۳۱۴	کریم، مولانا گلشن لہری
۳۸۲	مصطفیٰ شاعر خسرو	۲۱۷	کریم
۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴	مخدومی اسخندہ	۳۶۹، ۳۷۰	کمالی عمر بابا
۳۲۶	مخربون	۱۹	کچھ اندرو
۸۵، ۸۶، ۸۷	مکاناتی	۲۳۲	کھوری جوالندینی
۳۷۶	مکوناتی	«گ»	
۳۱۴	مکوناتی	۱۰۰	گری ادواہ
۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹	مکھی حسین	۲۱۴	گری میت (کتابت)
۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶	مکھی حسین	۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷	گری سونی جلالی
۲۲۶، ۲۲۷	مکھی حسین	۲۱، ۲۲، ۲۳	گوشہء غیبی
۲۲۲	مکھی زاد رخ	۳۶۸	گلدستہ
۲۲۴	مکھی حبیب	«ل»	
۲۲۶	مکھی احمد	۲۰۲	نعالی سرحدک
۳۶۹، ۳۷۰	مکھی حسین	۲۰۳	نوری سہا
۳۲۵	مکھی محمد اللہ داد	۱۱۳، ۱۱۴	نورالحاج
۳۲۵	مکھی علی شہیر	۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵	نور احمد
۲۲۵	مکھی سوری	۹۱، ۹۲، ۹۳	نور فخری
۲۲۵، ۲۲۶	مکھی شہیر حسین	۲۰۲	نور شکر
۶۹	مکھی سہیل	۱۸۱	نور شو
۶۵	مکھی (۶)	«م»	
۲۲۶، ۲۲۷	مکھی سہیل احمد	۲۲۳	ماتیس
۲۲۸	مکھی علی	۶۳	ماتیسوس امینوس
۲۷۶	مکھی	۳۰۷	ماتیسوس
۲۱۰	مکھی (شاعر)	۷۰، ۶۹	ماتیسوس اللہ داد
۳۹۱	مکھی خسرو	۳۳	ماتیسوس و ہ
۱۰۴	مکھی شہیل احمد	۶۱	ماتیسوس
۲۱۵	مکھی علامہ	۲۱۳	ماتیسوس
۶۷	مکھی احمد	۲۳۷	ماتیسوس
۲۲۶	مکھی	۳۲۹	ماتیسوس
«ن»		۳۱۹، ۳۲۰	ماتیسوس
۳۸۰	مکھی حسین	۲۲۸	ماتیسوس احمد علی
۳۷۵	مکھی احمد	۳۸	ماتیسوس
۲۲۰	مکھی احمد	۲۳۳	ماتیسوس اللہ
۲۵	مکھی سہیل احمد	۲۱۶، ۲۱۷	ماتیسوس
		۶۳، ۶۴، ۶۵	ماتیسوس

